



دانشگاه تهران

انتشارات دانشگاه تهران

۱۵۳۷







تاریخ شاهنشاهی
اعلیحضرت رضاشاه کبیر

تألیف

تاریخ
شاهنشاهی اعلیحضرت
رضاشاه کبیر

انتشارات دانشگاه تهران

شمارهٔ ۱۵۳۷

شمارهٔ مسلسل ۱۸۷۱

چاپ دوم

تهران ۲۵۳۵ شاهنشاهی

تاریخ
شاهنشاهی اعلیحضرت
رضاشاه کبیر

تألیف

عبدالله (امیرطهماسب)

ناشر
مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
چاپ و صحافی این کتاب در مرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی
در چاپخانهٔ مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران به‌پایان رسید

بها : ۵۰۰ ریال

دانشگاه تهران مفتخر است بمناسبت پنجاهمین
سال شاهنشاهی پهلوی که یادآور عمیق‌ترین
پیوند های معنوی وعلائق اصیل قلبی ملت شریف
ایران با تاریخ شاهنشاهی است ، با تأیید وزارت
دربار شاهنشاهی اقدام به تجدید چاپ یکی از
آثار با ارزش تاریخی می کند .



اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی خلد الله ملکه و سلطانه

فهرست مندرجات

صفحه

صفحه

بتاریخ ١٩ اردیبهشت ١٣٠٥



السلطان المؤید اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی

تاریخ
شاهنشاهی اعلیحضرت
رضا شاه پهلوی

یا

علل و نتیجهٔ نهضت عمومي ملّي آبان ماه ۱۳۰۴

بافتخار دقایق سعادت بار نهضت

مؤلف

عبد الله (امیر طهماسب)

مطبعهٔ مجلس

تمهید یا مقدمه

دنیا که مخزن اسرار تاریخی است و سرائر خفیّه در پشت اوراق لایتناهی روز و شب مکنون است یگانه وسیله ایست که می تواند بشر را مستفید نماید!

انسان بدون تحصیل تجربه ممکن نیست بتواند در نشئهٔ زندگانی چند صباحی پایدار بماند!

انسان فقط با تجربه قادر است که ساعات عمر خود را باموفقیّت در مرام زندگانی پیش برده و از نعمت حیات برخوردار گردد ـ این نکته تنها از دست تاریخ ساخته است که انسان را درزوایای گذارشات اقوام و ملل سیر داده و با تجربه نواقص خود را تکمیل و در روی یك پروگرام متناسب با اوضاع محیط بتواند خود را از رجال تاریخی و ودایع طبیعت معرفی نماید:

تاریخ آئینهٔ جهان نما و معرف اخلاق و روحیّات اولاد بشر است و برای برگزیدگان ادوار بشریت (رجال نامی) لوحهٔ سرمشق و امتحانی است که از تفتیش حالات گذشتگان و مداقهٔ علل ترقی و انحطاط آنها نقایص خود را تکمیل و برای آیندگان دستور تکامل گردد

یکی از علل غیر قابل تردید انحطاط و تنزّل ایران این بوده که در ظرف یکصدوپنجاه سال که در بازار سیاسی و اجتماعی و اخلاقی ملل دنیا این مدت بسی گران بها بشمار میرود ایراني دارای تاریخ نبوده بلکه معنی تاریخ را نیز فراموش کرده است!!

گفته اند کسی را که گذشته نیست آینده نیز نیست ـ ملتی که از حالات ماضیهٔ خود بی خبر است نه تنها در زمان حال بی تکلیف و درآینده دارای آثار عظمت و مجد نخواهد شد بلکه لوحهٔ مشق دیگران خواهد بود که هر کس عقایدو افکار خود را در موجودیت یك چنین ملتی بمقام امتحان



گذاشته و برای خود تحصیل تجربه نمایند ؟

از تمام خصوصیات گذشته اگر ایرانی درظرف این چند سال اخیر که از عمر مشروطیت آن می‌گذرد تاریخ صحیحی داشت می توانست ساعات عمر سیاسی خود را موازنه و از گذشته برای آینده درس عبرت گرفته و تجربه آموزد ـ ولی متاسفانه درنتیجهٔ همان زندگانی یکصد و پنجاه سالهٔ دور از علم و ادب بود که ولو برای یك مدت محدود نیز دارای تاریخ نبوده و بعبارتا خری زندگانی ایرانی در تحت پروگرام و دستور ثابتی نبود وملك وملت تسلیم قضا وقدر بود ! ـ برای آنکه ملتی که در تحت قضا وقدر عمر خودرا بگذراند گذشتهٔ نخواهد داشت تا از آن رو آیندهٔ داشته باشد !

با این مقدمهٔ غیر قابل تشکیك برای اینکه عزم و اراده و آثار وجودی و رشحات عقلی و اخلاقی (شاهنشاه ایران اعلیحضرت رضاشاه پهلوی خلدالله ملکه وسلطانه) سر مشق تکامل اعقاب آینده و نسل های متعاقبه گردد و معلوم شود که این نابغهٔ عصر چگونه با فقدان تمام وسائل در های سعادت را بروی ملت خود گشوده و با حربهٔ سعی و عمل واصلاح حال ملت و دفع احتیاجات مملکت و خلوص و صمیمیّت چه مقام مقدسی را درقلوب عامه احراز وچگونه از روی استحقاق باتمایل عمومی دراورنك شاهنشاهی ایران جلوس کرده شکر میکنم خداوندقادر و توانا را که باین بندهٔ ضعیف عنایت فرمود که بتوانم بخاطر این نهضت مقدس قلم دست گرفته و گذارشات مهمهٔ ایام بی نظیر اواسط مهرماه تا اواخر آذرماه ۱۳۰٤ را تألیف و برای آیندگان درس عبرتی داده باشم تا باین نکته اعتراف نمایند که زندگانی فرع تجربه و تجربه فرع تاریخ است .

تاریخ نویسی فرع وجدان و قضاوت منصفانه ایستکه خود را از تمام علایق و روابط خلع و منتزع نموده و حوادث ایام را در تحت نظر عبرت

گرفته بدون تعصّت و حبّ و بغض حقایق را تحصیل و پس از ضبط بمخزن اسرار روزگار امانت بسپارد :

در این فن از تمام قسمت های مهم مهمتر آنکه تاریخ نویس بتواند بعلل روحی و اجتماعی حوادث پی برده و مستندات آن را نیز تحقیق وثبت نماید تا بتواند محسوسات خود را برای آیندگان از قسمت افسانه تجزیه و بعنوان باعظمت تاریخ هدیهٔ اولاد بشر نماید

باید تصدیق کرد علاوه از اینکه ایرانی در مدت یك قرن و نیم تاریخ نداشت از علل و موجبات حوادث جاریه نیز بی خبر بود و همه را از قضا و قدر میدانست ـ درقبول این همه مصائب مثل این بود که خود را محکوم تحمّل دانسته و برای مطالعهٔ حقیقت احوال خود مستغنی از دلیـل و برهان و منطق و فلسفه بود روی هم رفته ایران در اعماق مستوری اسرار گذرانیده درحالتیکه دراین مدت متمادی همیشه درمعرض هجوم حوادث گوناگون بود !

چه حوادث خطرناکی ! ؟ که هر یك برای ملل خود نقطهٔ امتحان و تجربهٔ کامل العیاری محسوب گردیده است !

و بالجمله یگانه مقصد نویسنده منحصر باصلاح حال آیندگان نبوده بلکه از آن مهمتر این است که بروح دور از محیط زندگاني تاریخی ایرانیان و نسل معاصر تکان سختي داده و افکار را باین نکته متوجه و وادار کنم که بگذارشات ایام با نظر لاقیدی ننگریسته و حوادث جاریه را اول برای خود و دوم برای آیندگان ثبت نمایند و بدانند که زندگانی سعادت مند شخصی و نوعی هر ملتی فقط و فقط بسته بتاریخ است

شکر و سپاس مر پروردگار قادر را سزاست در این ساعتیکه مخیلهٔ من مشغول ایجاد یك چنین روح باعظمتی در کالبد فرزندان ایران است مصادف بادقایق بافر و شکوه نهضت ملی ایران گردیده ام

یك چنین پیش آمدی بسی پرقیمت وازحیث اهمیت غیرقابل انکار است چه آنکه مېروم در این تاریخ اسرار خفیهٔ بر چیده شدن یك

سلسلهٔ صدو پنجاه ساله را (که از دست طبیعت کشیدهٔ ادب خوردند) ضبط و این حقیقت را اثبات کنم که (من لا یؤدّ به الابوان یؤدّ به الزمان) وموجبات تاسیس اساس دیگری را که فقط در رأس آن عزم و اراده و لیاقت و سعی و عمل مؤسس آن در کار است برسم یادگار تسجیل نمایم تا این سرّ مشهود گردد که ملت ایران پس از یك قرن و نیم حسرت و ندامت و مرك دوباره زندگی را ازسر گرفته و برای یك مرتبهٔ دیگر در عرصهٔ روزگار موجودیت خود را با تمام معنی اثبات و تامین مینماید

طفلان پدر کشته دیدیم جوان گشتند
روی پدران شستند با خون بد اندیشان

(عبدالله امیرطهماسب)

تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضا شاه پهلوی

یا

(علل و نتیجه نهضت عمومی ملی آبان ماه ۱۳۰٤)

نهضت اخیر ایران که از هر جهة فوق العاده جالب توجه و از نقطه نظر اهمیت سیاسی واجتماعی انظار دنیا را خیره وافکار را بطرف خود معطوف داشت بقدری شایان تقدیر است که می توان گفت تا کنون نظیر و مانندی نداشته و در درجهٔ اول امور مهمهٔ دنیای بشر بشمار میرود!

یك چنین واقعهٔ بی نظیر که فقط در روی اصول اخلاقی شروع و خاتمه یافت فقط از مختصات شؤن اخلاقی و اجتماعی این ملت کهن سال بود که با فکر و تدبیر مسئله را حل و برای خود یکدورهٔ زندکانی تازه را از سر گرفت!

کسانیکه با نظر ساده باین نهضت نگاه میکنند ممکن است اینطور بنظر شان جلوه کنند که این تغییر و تبدیل هولناك و زوال و سقوط یك سلسلهٔ صدو پنجاه ساله و تأسیس یك سلسلهٔ دیکر نتیجهٔ حادثهٔ سیاسی است :؟

یك چنین تو هم کاملا خطاست و پس از مطالعه و امعان نظر در حالات روحی و اخلاقی ملت ایران و مداقهٔ علل موجده و مثبتهٔ آن معلوم میکردد که این تحوّل نتیجهٔ حرکت عقلی و اخلاقی و ثمرهٔ رشد سیاسی و بلوغ اجتماعی آنست :

این حرکت آنی و سریع که یك مرتبه درتمام نقاط ایران مانندقوهٔ برق تأثیر وعموم ملت را به نهضت وادار نمود بطوریکه از زوایای سرحد

ونقاط دور دست یك موج پرشور ووحشتی سرکشید و مرکزرا فرا گرفت
ودستگاه سلطنت قاجاریه‌را ازبیخ وبن کنند و از ایران بیرون برد نه از
اثرات افکار سیاسی بلکه در روی مقدمات تاریخی واجتماعی‌بود وملت را
همیشه در معنی باین عمل تحریك می نمود !

نهایت جریانات سیاسی‌داخـلی وموقع و وقت مانع ازظهور آثار
محیرالعقول آن بود :

برای روشن کردن حقایق روحی وعلل اخلاقي این نهضت وبرای
پي بردن بسرائر حفیّه و نکات سیاسی این قیام لازم است یك سیر اجمالي
و قهقرائی نموده و از بدوظهور نشئهٔ سلطنت قاجار وقایع جاریه را از
نظر بگذرانیم !

دیر زماني از دورهٔ باشکوه وعظمت نادرشاه افشار نگذشته بود در
این دوره ایران کسب شوکت و افتخار بی مانند و نظیری نمود که دنیا
را بطرف خود متوجه و تمـام دول در برابر قدرت وعظمت ایران
زانو زدند

میدانیم که اول قاجاریه بآخر زندیه متصل ـ و در نظر داریم
که مؤسس این سلسله هم خودرا وکیل الرعایا می نامید ازخود این اسم
معلوم است که این مملکت عریض و بسیط در بحبوحهٔ فرّوقدرت وعدالت
گذرانیده ویك عاطفهٔ مخصوص دربین ملت و دولت جریان داشته که
این معنی با تمام خصوصیات دروجود نادرشاه افشار و کریم خان زند تجسم
پیدا کرده بود

زمانه یکمرتبه تغییر کرد ! این عاطفه و این عدالت مبدل بیك
قهاریت وسلاّخی فجیع مؤسس سلسلّهٔ قاجاریه گردید !

مؤسس سلسلهٔ قاچاریه بداخلاقی و فجایع ننگین و شرم آور
خودرا بطوری بالا برد که نعش کریم خان را نیز در زیر قدم هـای
خود دفن کرد! .

قبر کریمخان

در قسمت غربی حیاط گلستان حیاط کوچکی است مشهور به (جلو خان کریمخانی) که درجلوش ردهٔ چوبی کشیده شده و راه روی دارد که وارد حیاط گلستان وتخت مرمر میشود — مؤسس قاجار (آغامحمّدخان) کریمخان را در همین راه رو دفن کرد که هر روز خود و در باریان در هنگام تردد پای خود را بروی قبر یا سینهٔ وکیل الرعایا گذاشته و باقبر وی کینه ورزی نمایند!

از آن تاریخ تا کنون که ما مشغول تحریر این تاریخ هستیم استخوانهای کریمخان در همین جا مدفون و روح باعظمتش در بالای کنگرهٔ این عمارت دهشت بار پرواز و مضطربانه بالهای خود را بدرو دیوار این عمارت یامخزن فجایع میزند وطبیعت را بمظلومیّت خود گواه می طلبد وازروح حقیقت وعدالت استمداد واسترحام می نماید و شب وروزدرانتظار و چشم براهاست که کی دست آزادهمردی باقوهٔ منتقم حقیقی ازظالمینش انتقام کشیده واین روح را راحت واستخوان هارا از زیر قدم های ذلت بار نجات بخشد؟

صد و پنجاه سال است که این روح در حال زحمت گذرانیده و شب و روز باحسرت گلاویز و بانتظار ظهور یك راد مرد ایران دوست حق شناس غیوری است که این جسد را از زیر خاك مذلت در آورده ولو برای یك دقیقه از خدمات این جسد تاریخی قدر داني نموده نه‌تنها بحکم دین و آئین بلکه بحکم بشریت استخوان های مرده را محترم بشمارد

این روح در این مدت متمادی با ناله و سوگواری بسر برده و به مسبّبین این جنایت نفرین میفرستد واز آینده و رونده استرحام میکند که پای خود را آهسته بسر و سینهٔ او گذاشته اگر در مرکز سلطنت اسلام معتقد باصول دستور احترامات اموات وقبور نیستندلااقل بنام شفقت بشر باین قبریکه در زیر بار مذلت میگذراند ترحم نمایند

این روح بایرانیان هر صبح و شام باحال ندبه و زاری‌میگوید

من که جز از عدالت جرمي نداشتم؟ - و بغیر از عظمت اسلام و ایران مرتکب تقصیری نشده ام.؟ این اعمال جرم است؟

(خَفِّفِ الوَطْءَ ما أَظُنُّ أَدِیمَ الأَ) (رْضِ الاّ مِنْ هذهِ الأَجسادِ)
(وَ دَفینٌ عَلي بقایا دَفینٍ) (فی طویلِ الأَزْمانِ وَالآباد)
(سِرْ اِنْ استطعت فی الهواءِ رویداً) (لا اختیالاً علی رفات العبادِ)(۱)*

بدیهی است هر دستگاهی که با قهر و غلبه گذاشته شدد بري نمی باید که عکس العمل پیدا کرده شالوده را نیز پرتاب میکنند.

قابلیت قانون و حکومت یك شرط اساسی است درقوانین واساس سلطنت ها و مقدم تر از قابلیت قبول آن است گرفتن بادادن فرق دارد - سلطنت در قهّاریت و بسط اراضی نیست بلکه در حسن ادارهٔ اوست

هر حاکمیتی که بیك جامعه تحمیل شد اگر متناسب با حالات روحی و عقلی واخلاقی آن نباشد حتماً از بین میرود و آثار خودرا نیز باخود می برد و بجز از لعنت و نفرین چیزی بیادگار نمیگذارد! مجلس مؤسسان مغان کجا؟ عملیات فجیع آغا محمّد خان قاجار کجا؟ اسکندر یونانی که با آن رفتار فجیع و سیاست ننگین بایران تاخت وسیصدسال تقریبا ملت ایران را در تحت فشار تاسیسات خود دچار اختناق نمود - اشکانیان رفتند و نفرت ایرانیان را با خود بردند!.

اعراب با یك طرز قاهرانه بایران هجوم کردند و حق حاکمیّت سیاسی ملت ایران را غصب نمودند وملت ایران این حق را باعراب ندادولی آنها خواستند با قهر و غلبه بگیرند این تحمیل و این حاکمیّت غیر مطاع با قیام (ابراهیم - ابو مسلم خراسانی) خاتمه یافت در بین این جزر و مدّ ایرانیان آیین پاك اسلام را پذیرفتند وحاکمیّت اعراب را رد کردند برای

(۱) پای خود را بروی زمین آهسته بگذار برای آنکه قشر خارجی زمین تشکیل یافته از اجساد مردگان - جسد روی جسد خوابیده و دفن شده در طول این مدت متمادی - اگر میتوانی کمی درهوا راه برو واینقدر باستخوان های بندگان خدا تکبر وتوهین روا مدار (ترجمه معنوی)

اینکه دریکی قابلیت قبول نبود و دیگری یعنی آئین عین قابلیت قانون بود.

چنگیز بهمین منوال آمد و رفت! ـ ایران در هر دوره و عصری مورد حمله و هجوم و تاخت و تاز اجانب گردید! ـ افغان در اصفهان ـ روس در آذربایجان و گیلان ـ ترک در آذربایجان یکی بعد از دیگری میخواستند حق حاکمیت سیاسی ملت ایران را در دست بگیرند ولی دیری نمی پائید که عکس العمل آن‌ها را پرتاب میکرد

کهی که شد اصفهان به جیش افغان دچار لشگر پطر کبیر یافت به گیلان قرار
خطهٔ تبریز شد زجیش ترکیه خوار جنبش ملی کشید یکسره زایشان دما
(ماند به ایرانیان ایران بی باز وخواست)

بالجمله روزگار قاجاریه در رسید و خود را در ردیف همین دستجات قاهره و غاصبه با زور و قهاریت بملت اخلاقی ایران تحمیل نمودند!.

(شب آبستن است تا چه زاید سحر ؟)

از این تاریخ همیشه یکنوع مقاومت های معنوی در طرفه زمان های متمادي از طرف ملت ایران در قبول این حاکمیت در کار بود و در برابر آن قهاریت بی نظیر سران این سلسله یکنوع نگرانی های منجر بتعرض وتدافع ولي آلوده بانزجار و تنفر در گذارشات مؤثر قطعی بود! ـ

درموار دیکه ملت نمیتوانست ازنقطهٔ نظرجامعه وجماعت وسیاست براین دسته قیام کنند ناچار درپس پردهٔ دیانت سنگر بندی مینمود وشدید ترین اقسام تدافع وتعرض را باتصمیمات سلاطین قاجاریه بمعرض نمایشگه تاریخی دنیا میگذاشتند!.

(پسیکولوژی [روحیات] ایرانی درمقابل حاکمیت‌هاي غیرقابل تحمّل)

ملّت ایران متعصّب و وطن پرست و با ناموس و در ردیف ملل دینی بشمار میرود و همیشه احکام سیاسی و اجتماعی را از نقطهٔ نظر آئین و مذهب و عرف وعادت تحلیل برده و پیر و حکومتي بوده اند که تصمیمات آن با عقاید توده اصطکاکی نداشته باشد؛ از طرف دیگر تاریخ جهان گشائی سلاطین با عظمت ایران و کتیبه های سنگی و آثار و ابنیهٔ که

از دیر زمانی پا بر جا و برای اثبات اصالت و عظمت تاریخی ملت ایران
دهن گشوده و با تمام حوادث ارضی و آسمانی مقاومت نموده و اسناد تمدن
ایرانیان را حفظ و در انظار بشر بمعرض نمایش گذاشته همیشه این معني
را در ذاکرهٔ ایرانیان مجسم میدارد که (زندگانی تابع قوه و توانائی بوده و
زور و شجاعت و پهلوانی و علم و عدالت و بعبارتِ تاخری دانستن و توانستن)
در سیادت ملی تاثیر خاصی دارد و هیچ چیز ایرانیان را مثل ضعف
و نا توانی متأثر نمی نماید که با چشم خود ببینند ایران را قطعه قطعه
کرده و هر دستي بیك قسمت آن مسلط و بنوامیس ایرانی حکومت می نمایند!.
پس از جهانگشائی نادر شاه افشار وقتیکه (بلوچستان — افغانستان —
گرجستان — ارمنستان — قفقاز) از دست ایران رفت لرزه بر اندام
ایرانی اوفتاد و تاثیر شدیدی در افکار و عقاید ملت ایران نمود که برغم
تاریخ و گذشتهٔ با شرفانه در مختصر زمانی نکبت بر ارکان موجودیت آن
هجوم و جغد تیره بختی در اتلال و خرابهای آبادانی های دورهٔ مجد و
عظمت ایرانی نوحه و شیون دارد!
اعضاء آنرا پاره پاره — پیکر آنرا مثله می نمایند!
معلوم است یك چنین حوادث ناگواری چه تاثیرات مخوفی دراعماق قلوب
وعقاید وافکار ملت مینماید ؟!
با یك چنین پیش آمد هـای ناگوار ملت متأثر و عصبانی ولی ایادی
جـابرانه در طول مدت (۱۵۰) سـال تقریبي گلوی ملت را فشرده
و چشم ها را ازکاسه و حدقه بیرون انداخته کسی را حقّ چون و
چرائی نیست ؟!

قطعات زرخیز مملکت از دست رفته!. رجال کار آمد از بین
بر داشته شده!. دست تعرض بنوامیس عمومی و خصوصی دراز! — بی
تکلیفی سرتاسر مملکت رافرا گرفته!. هیچ کس خود را مالك مال و
جان و عرض وناموس نمیداند! تشکیلات مملکتی روی هم ریخته!. — قوای

عمومی بهم خورده!. حاکم و محکوم غیر معلوم!. هر کسی که ادنی رابطهٔ با مأمورین دولت دارد خود را فعال ما یشاء پنداشته و دست رد بسینهٔ احدی نمی گذارد — از فرّاش تا وزیر هر کس برای خود فرمان فرما ست!.

این بود که یك سوز و گداز درونی ولی فوق العاده شدید درته‌دلها ایجاد شده بود که هر وقت ولو بدون اراده اسمی از گذشته بمیان می آمد و یا نامی از سلاطین جهانگشای ایران برده میشد تاثیر مخصوصی در گوینده و شنونده مینمود که غیر از ملت ایران هیچکس نمیتواند بکنه این نکته پی برده و حقیقت آنرا تصور نماید!.

باید ایرانی شد و این حقیقت را درك کرد:

صفحات تیره و تار پشت سر هم این یکصد و پنجاه ساله را که بهم میزنیم و چشم خود را متوجه حوادث خطر ناك و متعاقب این مدت دور و دراز مینمائیم یك قرن و نیم فاجعه ـ بدبختی ـ فنا ـ زوال ـ ذلت فقر ـ مسکنت ـ و از همه بالاتر رواج فاحشه و قباحت و بد اخلاقی را مشاهده مینمائیم!.

در پایان آن عقاید پاك و اخلاق تابناك تاریخی ملت ایران یك ملتی که در عالم بشریت بپاك دلي و راستگوئی و شهامت اخلاقی معرفی گردیده در این دوره فضائل اخلاقی را از دست داده و در کلاس (اَلْناسُ عَلی دینِ مُلوکِهِمْ) درس شهوت وبد اخلاقي و مسخرگی‌آموخته و می آموزند!.

آه؟ چه روزگار طولانی؟ چه حبس متمادی حس و روح و فکر و عقل و تدبیر و عمل؟!

چه شد که یکمرتبه آن عزّت تاریخي مبدّل باین ذلت تاریخی گردیده است؟!

در این قرن بیستم که بشر با ماوراء طبیعت سر و کله میزنند

و با اسرار خفیّهٔ ناموس طبیعت بازی میکنند ایرانی به نه چاه بیژن تیره بختی افتاده و دست و پا میزند ؟ بهر کجا که دست می‌یازد نوك سنان و ناوك پیکان بچشمش میخلد ؟ !

مگر مطابق عقاید یونان قدیم رب‌النوع بد بختی بالهای سیه فام خود را بروی این مملکت شیر و خورشید بر گشوده و از تابش نور آفتاب علم و دانش جلو گیری کرده است ؟ !

ایرانی وقتی که بتاریخ زندگانی ادوار سالفهٔ نیاکان خود مراجعه می نمود وطغرای عظمت را در کتیبه های سنگی کوهستان های مملکت خود مشاهده می کرد از گذشته نشان افتخار می گرفت و باین جمله بر میخورد که روزی حقیقت عقل و دانش بشر (محمد ابن عبد الله پیغمبر اکرم) فرمود که اگر (علم در ثریا باشد دست ایرانی باو میرسد)

چه شده آن قدرت و دانش و فضیلت مبدل باین ذلت و جهالت گردیده است ؟

(دقایق سیاسی و تخیّلات ملّی)

ایران که از حیث عظمت سیاسی و حاکمیت مسلمین و شاهنشاهی ایران حائز اولین درجهٔ اهمیّت مخصوصاً تمرکز انظار عالم اسلامی در دربار ایران که از چندین قرن است و یگانه دولتی که در برابر اروپا و ملل مسیحی همانا دولت باینطرف انظار را بخود جلب و افکار را بخود مشغول داشته ایران بود :

این دولت از دیر زمانی دو وظیفهٔ بس مهم را بعهده گرفته و شدت و اتصال این دو وظیفه بیکدیگر نه بطوری است که بتوان یکی را بدیگری ترجیح داد و دولت ایران ناچار است همیشه شاخص توازن نسبت را طوری منظور بدارد که موازنه بهم نخورده و یکی بر دیگری نچربد : و عبارت ازاین بود که دربار ایران علاوه از تأمین سیاست داخلی و خارجی ملکی خود لازم بود از دول اسلامی دیگر و مسلمینی که

در تابعیّت دول دیگر قرار گرفته اند حمایت و بنام پادشاهی اسلام وشیعه از دیگران نیز مدافعه و موجودیت آنها را تأمین نماید و برای اثبات حقیقت یك چنین موقعیّتی در آینده نزدیك درضمن تلگرافات تبریك بتبریك وتقاضای رئیس جامعهٔ اسلامی هندوستان لازم است دقت کرده واین معنی را تصدیق نمائیم - اجرای این دو وظیفه همیشه و در تمام ادوار باعث عظمت وشاهنشاهی ایران بوده چنانکه نکبت وفلاکت های دربار ایران در هرطرفه زمانی ناشی از غفلت نسبت باین دو وظیفه وفقدان توازن مخصوص بوده است بدیهی است برای بدست آوردن قوه و قدرتیکه بتواند اساساً این دووظیفه را تشخیص و برای اجرای آن کمرخدمت ببندد لازم بود تنسیقات داخلی مملکتی بطوری منظم و طبقات مملکت بطوری نسبت بهم متحد و مستظهر بوده باشند که عموم ملت درحکم نفس واحد و آن فرد واحد نیز با دربار ومخصوصاً سلطان انسان واحد بشمار رفته وتمام حرکات و اعمال و افعال دولت و ملت نسبت بیکدیگر حالت مرآتی داشته و بغیر از اطاعت ملت و عدالت دولت هیچ صورتی را منعکس ننماید :

برای کشف حقیقت یك چنین سیاست شایسته بدربار شاهنشاهی با عظمت ایران و برای مجسم نمودن یك چنین روح ایران و اسلام مداری لازم است نکات حیاتی و دقایق سیاسی سلاطین با عظمت ایران را بطور ... نظر گذرانیده واعمال آن برگزیدگان را که ایران را باوج مجد وسعادت رسانیدند با اطوار دربار مسخرهٔ سلاطین قاجاریه مقایسه نموده و برای آینده خط مشی سیاسی خود را تأمین کرده باشیم

آری دربارشاهان گذشته ایران ازقبیل کریم خان زند ونادرشاه افشار وشاه عباس وشاه‌اسمعیل وشاهان دیگرکه بنام سلطنت شیعه دراقطارعالم حکم روائی داشتند مبنی بحکم ودلائل عقلی وحسن سیاست اداری بود وطبقات مملکت را هریکی در جای خود و در کار خود با حسن وجه اداره می نمودند همانطور که حضرت علی امیرالمؤمنین (س) بمالك اشتر در تنسیق طبقات وسیاست اداری

مملکتی دستور داده بود که فرمود
(اعلم ان الرعیة طبقات لا یصلح بعضها الا ببعض، ولاغنی ببعضها عن بعض، فمنها جنود الله ومنها کتّاب العامه والخاصه ومنها قضاة العدل ومنها عمال الانصاف والرفق ومنها اهل الجزیة والخراج من اهل الذمه ومسلمة الناس ومنها التجار و اهل الصناعات و منها الطبقة السفلی من ذوی الحاجة و المسکنة و کل قد سمی الله تعالی سهمه ووضع علی حده وفریضته)

ای مالك بدان که ملت و رعیّت بطبقاتی چند تقسیم میگردد که اصلاح نمیشود احوال آنها مگر با دست یکدیگر و تمام این طبقات شدت احتیاج را بهم دارند

طبقهٔ اول ـ سپاهیان ونظامیان
طبقهٔ دوم ـ نویسندگان وارباب قلم و مؤلفین و مصنفین
طبقهٔ سیم ـ قضاة یعنی کسانیکه در مال و جان و ناموس مردم حکم میکنند
طبقهٔ چهارم ـ سایر مأمورین وحکام کشوری
طبقهٔ پنجم ـ مامورین مالیات
طبقهٔ ششم ـ تجار وکسبه و ارباب صنایع
طبقهٔ هفتم ـ فقرا و مساکین که پروردگار سهم ونصیب هر یك را نام برده و تعیین نموده است ـ و این تقسیمات دارای خصوصیات و مزایای مخصوصه است و هر یك دلیل و برهانی دارد

(فالجنود باذن الله حصون الرعیة وزین الولاة وعزّ الدین وسبل الامن ولیس تقوم الرعیة الا بهم ثم لاقوام للجنود الا بما یخرج الله لهم من الخراج الذی یقوون به علی جهاد عدوّهم ویعتمدون علیه فیما اصلحهم ویکون من وراء حاجتهم ثم لاقوام لهذین الصنفین الا بالصنف الثالث من القضاة والعمّال والکتاب لما یحکمون من المعاقد ویجمعون من المنافع و یؤتمنون علیه من خواصّ الاموروعوامّها ولاقوام لهم جمیعاً الا بالتجارة وذوی الصناعات فیما یجتمعون علیه من مرافقهم و یقیمون من اسواقهم و یکفونهم من الترفق

بایدیهم ممّا لا یبلغه رفق غیرهم ثم الطبقة السفلی من اهل الحاجة و المسکنة الذین یحق رفدهم و معونتهم و فی الله لکل سعة) نظامیان و سپاهیان حصار آهنین رعیت و موجبات عزت دین و باعث امنیت و شوکت دربارند و حال ملت منظم نمیشود مگر با قوه و قدرت که آنهم در دست نظامی است.

حال قشون اصلاح نمیشود مگر با مالیات تا صرف احتیاجات قشون گردیده و بتوانند در مقابل صفوف دشمن قیام و از حقوق ملت مدافعه نمایند.

قشون و مالیات موقوف است به قضاة و قوهٔ قضائیه و مساعی جمیله ارباب قلم و مؤلفین و حکما و دانشمندان تا تمدن را نشر و حقوق را محفوظ بدارند.

قشون ـ مالیات ـ دربار ـ صاحبان صنایع حرّه ـ مؤلفین ـ مصنفین وقضاة نیز منوط است بوجود تجار ودوران سرمایه وحرفت وصنعت ـ این طبقه نیز نمیتواند بدون طبقهٔ عوام زندگانی نمایند و مساعدت با این طبقه افضل اعمال و وسیلهٔ تقرب به پروردگار است

این بود دستوریکه پادشاهان عظیم الشأن سلف اساس تشکیلات مملکت و شالودهٔ قدرت دولت خود را در روی آن بنا نهاده و در ایران زمین ابوعلی سیناها و طوسی ها و فردوسی ها و سعدی ها و مولوی ها وسیدرضی‌ها (امیرالحاج صاحب دیوان مظالم) ایجاد و ازهر طبقه رجال کار آزموده ولایق می پروراندند ـ دارالعلم‌ها ـ دارالترجمه‌ها ـ دارالادب‌ها ـ دارالصنایع ـ دارالتجاره ها دائر مینمودند تجارت ایران در تمام عالم جاری بود وثروت ایران ضرب المثل اقوام ملل بود و علم و عمل در ایران ریشه دوانیده وسعی وعمل دراین مملکت ازضروریات بشمار میرفته وفضل وهنر میزان تشخیص وتشخّص افراد و تنسیقات اداری کاملا پابرجا ـ امنیت حقوقی در سرتاسر مملکت جاری همین بس که کریم خان زند را وکیل الرعایا نامیدند

این اساس و این اصول یکمرتبه بدربار مسخره مبدل نه قشون نه ارباب

قلم نه فضیلت نه تقوی- نه علم و نه دانش- نه مال-نه تجارت - فقر و مسکنت ایران را فرا گرفت واز در و دیوار مملکت کفر و نفاق روئید و از رود خانها سیلاب بد اخلاقی جاری شد و دربار ایران تشکیل گردید از یکعده غماز و بی عصمتی در دربار متاعی بود رایج - ناموس از اطراف تاج و تخت ایران رخت بر بست و قبایح اخلاقی خانواده سلطنتی از زن و مرد بالسنه وافواه افتاد و کوس رسوائی را بر سر بازارها زدند!

در روی این مقدمات ایرانی قضاوت مینمود و می دید که بجای اخلاق برگزیده رذائل و قبایح و شهوت پرستی بشریان های ملی تزریق- درهای معرفت را گل اندود و دروازه های شهوت رانی را بروی جامعه برگشوده‌اند! دارالعلم ها مبدل به فرح آباد - آکادمی‌ها (دارالادب) به قصر قجر- دارالترجمه‌ها بعشرت آباد و دارالصنایع بدوشان تپه و دارالتجربه ها بصرصره عوض شده است!

تمام اراذل و اوباش و مسخره دراطراف دربار جای گیر - علم و هنر و صنعت از مملکت رخت بست - امیر کبیر ها کشته شد - سید جمال الدین ها تبعید گردید - قائم مقام گرفتار شکنجه بدبختی و از همه بالاتر یکنوع حاکمیت فوق العاده مخوف و مدهش از اجانب بملت و دولت تحمیل گردید که قابل تقریر نیست!

با مشاهدهٔ این فجایع ناگوار و مقایسه آن با پروگرام دوره های قبل از قاجار که دربار شاهنشاهی ایران در روی دستور مخصوص (علی امیرالمؤمنین ع) تشکیل می‌شد که خطاب بمالك اشتر فرمود [وَ اَكثِرْ مدارسةَ العلماء ومنافسه الحكماء فی تثبیت ما صلحَ علیه اَمرُ بلادكَ و اقامَة ما استقام به الناس قبلك] تحصیل علم و ادب کن و با علما و حکما و دانشمندان بنشین و با این طبقه در اصلاح امور شور کن و حذر کن از اینکه مشاورین و وزراء خود را وزرای اشراریکه قبل از تو در سرکار بودند انتخاب نمائی برای اینکه این طبقه با تو صمیمیت پیدا نمی کنند آنطور که به گذشتگان خود خیانت کردند که بتو لاحق شدند بتو نیز خیانت میکنند و به دیگری لاحق میشوند.

(شَرّ وُزَرائِكَ مَنْ كانَ لِلأَشرارِ قَبلكَ وَزيراً وَ مَنْ شَرِكَهم فى الآثامِ فَلا يكونَنَّ لكَ بِطانة فانهم اعوان الاثمة و اِخوانْ الظلمه وانت واجدٌ منهم خيرَ الخلف مِمَنْ له مثل آرائهم و نفاذهم)
تمام این دستور ها در ظرف یکصد و پنجاه سال وراونه بموقع اجرا گذاشته شد کسیکه در دربار ایران راه نداشت ارباب معرفت و دانش بود و تمام طبقات سفله و رذل از قبیل شیپور و کرنا و کذا و کذا پیرامون تخت سلطنت ایران را مانند هاله احاطه کرده و مشغول صرصره بازی بودند !.

این بود گذارشات فجیع که ملت ایرانرا عصبانی می نمود وهمیشه در حال تشنج میگذرانید و از ملاحظه توالي کابینه ها از زمان ناصر الدین شاه تا چند سال قبل بخوبی اسرار مکنونه که در پس پرده های سیاست مرموز است مشهود میگردد !..

از همه بالا تر آنکه سلاطین قاجار و رجال دربار با اصول استتار بسر میبردند و از جامعه وجماعت پرهیز مینمودند و این شیوه غیر مرضیه را که صفت زنانه‌است خط مشی سیاست وسیادت خود قرار داده ازاحتیاجات ملت بی خبر و خود مانند غول، در نظر ها جلوه مینمودند !.
امیرالمومنین بمالك دستور میدهد که (مبادا خودرا از نظر ملت به پشت سراپرده کشیده و از نظر ها پنهان گردي این معني سبب میشود که ازحال رعیت بیخبر و باعث تولید نفرت و انزجار عمومي میگردد ـ سلطان از افراد بشر است و اطلاع او بر اوضاع و احوال امور لازم است وپنهانی و استتار باعث جهل وبیخبری ازروزگار ملت میگردد ـ (فلا تطو لنَّ اَحتجابك عن رَعِيتك فان احتجاب الولاة عن الرعية شعبةٌ مِنَ الضيق وقلةَ علم بالامور و الاحتجاب منهم يقطع عنهم علم ما احتجبو دونه فيصغر عندهم الكبير و يعظم الصغير و يقبح الحسن و يحسن القبيح)
وقتیکه بر خلاف این دستور که متضمن سعادت زندگانی وشایسته احوال

نوابغ روزگار است رفتار شود حقائق از نظر پادشاه مستور و واسطه ایصال مستدعیات ملت عبارت از دسته غمازان و جاسوسان و چاپلوسان خواهد بود و این طبقه که با لذات دنی و فاقد شرافتند حقائق را بر وفق مرام و منویات خود معکوساً جلوه داده دوست را دشمن و دشمن را دوست قلم داد می نمایند!.

ای مالك هیچ وقت بحرف جاسوس اعتماد مکن و آنها را از دور خود پراکنده کن برای اینکه این طبقه با خدا و مردم دشمنند و فقط برای منافع خود کار میکنند در ذاکره ایرانی این نکته منقوش بود که سلاطین عظیم‌الشان سلف اینطور زندگانی مینمودند و دربار خود را از رجال‌مهم تشکیل میدادند وداستان دورهٔ شاه عباس یکی از شاهکار های سیاست‌مداری دنیای بشراست که امیرالمؤمنین فرمود (الذی یسعیٰ باخیه الی السلطان فیهلكَ نفسهُ و یهلكَ آخاه و یهلكَ السلطان ـ الساعی ظالمٌ لمن‌سعی به خائن لمن سعی الیه) کسیکه از برادر نوعی‌خود بد گوئی و سعایت در نزد پادشاه نماید خود و برادر نوعی و پادشاه را بهلاکت می کشاند ـ و.اگر پادشاه بحرف بی اساس او ترتیب اثر دهد یکنفر انسان محترم و بیگناه در خطر افتاده و بهمین جهة پادشاه نیز در خطر است چه آنکه یك چنین حرکت ظلم است و اساس ظلم پایدار نمی ماند جاسوس بخود و بپادشاه و بنوع خیانت کار است!.

یکی از شاهکارهای دورهٔ قاجاریه اصول جاسوسی بود و امنیت از جامعه برطرف شده بود حتی هیچ مردی جرأت نداشت که با زن خود نیز صحبت نماید و اطمینان و امنیت از ملت رو گردان و نفاق و شقاوت‌اخلاق ثانویهٔ توده گردیده بود!.

در طول اینمدت بجای علم و عمل و تربیت و تعلیم عاطفه سلطان زجر حبس ـ تبعید ـ تکفیر ـ اعدام ـ بد اخلاقي تقدیم ملت میگردید!.

شب و روز از دهاتی تا شهری دسته مردم از فشار ظلم و تعدی

درمساجد وتکیه ها وامامزاده ها متحصن وفریاد و فغان واستغاثشان بلند بود !. درهمین دقائق تاریخی ملل منحطه ومتلاشی سرازیر خاك انحطاط بیرون آورده ودر رستاخیز زندگانی اجتماعی حاضر میشدند واز گنبد حرمان مصر سرائر خفیهٔ ادوار سالفهٔ بشر را کشف مینمودند و برای خود یکدوره استقلال تازه ازسر میگرفتند ولی درقصر قجر نیز قیامتی برپابود و از حالات روحی کسانیکه خود را ظل الله میدانستند زمزمه های مخصوصی بگوش ملت میسرودند !.

درهمین اوقات مجلس لاهه مقدرات بشررا حل وتصفیه میکرد ولی درتکیهٔ دولت شبیه شیر و فضه و یا عروسی قاسم وتخت سلیمان بود !.

عجب تر آنکه قاجاریه خود آثاری نداشتند و بمنافع ملت یادگاری باقی نگذاشتند ولي باتمام قدرت آثار با عظمت تاریخی و پرافتخار سلاطین عظیم الشأن سلف را محو و نابود مینمودند !.

ایرانی با یك چنین نکبت و ذلت روزگار متمادی را گذرانید و بالاخره مجبور از انتقام شد و تیر مرحوم میرزا رضای کرمانی درس عبرتی به آیندکان این سلسله داد. ناصر الدین شاه واژگون و مظفرالدین شاه که در دامن آذربایجانی تربیت شده بود به تخت شاهی نشست خواهی نخواهی میرفت که نیش های گذشته را مبدل بنوش کند و برغم ماضی برای مملکت ایجاد سعادت نماید ودرهمین حال مرتکب بسی رذائل وشنایع نیز میگردید که بهمین زودی اسناد مثبته انرا مطالعه خواهیم کرد که مقراض اجل طناب عمرش را برید و محمد علی میرزا جانشین آن گردید.

برای تشریح و حقیقت حالات روحی واخلاقی این بئس الخلف مصوبهٔ سوم شعبان ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی بنام (قانون اعدام محمدعلی میرزا و برادران او که مشارالیه را مفسد فی الارض ومحارب) تشخیص داد کافي خواهد بود.

دوران او هم به آخر رسید و با توسل باجانب از تخت شاهی بخاك

ذلت نشست و در روی مطالعات مخصوص احمد میرزا بسلطنت تعیین شد!.

(مطـالعات)

این مطالعات فقط عبارت از بحران موقع و وقت بود و الاّ هیچ باعث دیگری نداشت مگر نفوذ و ضمانت اجانب ازسلطنت درسلسله قاجار !. ایرانی در اینموقع نمیتوانست اصل ۳٦ متمم قانون اساسی را الغاء نماید و خودرا ازز یر بار سنگین این سلسله نجات دهد بنابراین بالاضطرار زیر بار این ننك رفت وطفلي را بجای نادر شاه افشار بر گزید و دراطراف تخت و تاج شاپور از یك مشت دایه و لله مجلس مشورت (*Conseil*) راه افتاد !.

چکند! سیاست وقت اینطور اقتضا مینمود !.

سلطان اضطراری مدتی طفل بود و با دایه بسر میبرد و از نایب‌السلطنه اش برای سواری الاغ میخواست !.

این تقاضا میزان قدرت فکری و دماغي اورا میرساند که گفته اند:

(سالي که نکو است ازبهارش پیداست) !.

چه فجایع و وقایع ننگین رخ نمود تا این طفل تاج کیان را بر سرنهاد.

[جای دارد باچنین آئین ورسم شرمگین][خون به تخت وتاج ایران گر ببارد آسمان]

ملت انتظار داشت که برغم فجایع پدر پسر درهای عاطفه و عدالت را بروی ان بگشاید ـ . از قضا توقع بیموقعی بود ـ اخلاق دست بدست میرود و از مواریث طبیعی است ـ گفته اند [عاقبت گرك زاده گرك شود]

در پایان این انتظار آلوده بیأس طبیعت بارب النوع قحطـی عهد ومیثاق بست و با آسمان از کثرت غیظ وغضب گریه گلوگیرش شد برف ـ وباران از ایران پي برید و یا آسمان برای تیره روزی ایرانیان اشك چشمي نریخت ؟ یا ابرهائیکه در کوه بیستون برای فرهاد همیشه طوفان اشك راه می‌انداختند دیدند که شیرین [آنوش] فاحشهٔ جاسوس اجنبی به دربارایران راه پیدا کرده و دارد اسرار دولت کهن سال ایران را فاش میکند قهر کردند و بار سفر

بستند و از ایران زمین رفتند! . هرچه بود حوادث دورهٔ قباد یکمرتبه دیگر در ایران زمین تکرار شد!.

(زخشکی خورش تنگ شد در جهان) (میان کهان و میان مهان)
(زروی هوا برف شد ناپدید) (به ایران کسی برف و باران ندید)
(مهان جهان بر در کیقباد) (همی هر کس از آب و نان کرد یاد)

در خیابان های طهران دسته دسته مردم می افتادند و از گرسنگی جان میدادند ولی شاه انبار داری مینمود!

این حرکت مانند خنجر زهر آلودی به دل ها فرو رفت و ملت چنان عصباني شد که نام شاه را (احمدعلاف) گذاشتند!.

در روزنامه ها نوشتند و طاس رسوائی دربار قاجاریه از بام شمس العماره اوفتاد و دنیای متمدن صدای آن را شنید و طبیعت مظلومیت توده گواهی داد ولی باقتضای موقع مردم چارهٔ نداشتند دندان روی جگر نهادند و غضب خود را فرو بردند لیکن عکس العمل این رفتار همان شد که هر کس در خود قوه و اقتداری سراغ داشت جمعي را بدور خود گرد و بخیال انتقام از دربار در بیداری و خواب هجوم بمرکز وانتقام از شاه و دربار را میدیدند و همیشه در انتهاز فرصت بودند بالاخره دسته های مسلح راه افتاد ورشته انتظامات از هم گسیخت و اصول مرکزیت از بین رفت یکدفعه در هرگوشهٔ دره بیکی ها - ایل بیکی ها - و ایلخاني ها - دوره خان خانی را از سر گرفتند و الوار از طرفی ، اکراد از طرفی ، حسین کاشي از گوشهٔ - سالار جنك از گوشهٔ دیگر - کوچك خان در گیلان - امیر مؤید درمازندران - و بالجمله در تمام نقاط ایران بیرق های طغیان بر افراشته شد حتي درخیابان های طهران درروز روشن زور دست بیداد از آستین بدر آورد!.

از همه بالاتر عشایر و ایلات سرحد نشین ایران که قسمت اعظم نفوس این مملکت را تشکیل میدهند و دارای اخلاق و عقاید مخصوصی هستندو از دیر زمانی نسبت به قاجاریه دل پر کینه داشتند و در طول ایام همیشه با

طغیان و تمرد دوش به دوش راه میرفتند و از پس کوچه های صلح وصفا و آشتی راهی نداشتند چه آنکه همه پدر کشته و ناموس بباد رفته بودند علم سرکشی را بر افراشتند!.

در رأس تمام وقایع و در بیرق کتیبه های تمام دستجات مسلح و غارت گر وخون ریز زیاد تر از یك جملهٔ برجسته (انتقام از قاجاریه و دربار) چیزدیگری منقوش نبود!.

تقریباً یکقرن ونیم بود که دستگاه دربار قاجاریه در روی دل ملت ایران سنگینی مینمود واینمدت عبارت از یکدوره حکومت ظلم وبیداد وبالاخره (فوادالتیه) بود که ملت را درقید اسارت نگاهداشته وحقوق آنهـا را حراج میکرد!.

راستی این دستگاه مثل یك سلاخ خانهٔ در نظر ایرانیان جلوه مینمود! این دربار در نظر آزادی طلبان بمثابهٔ یك حیوان درندهٔ بودکه بالطبع انسان را پاره میکند و از هم میدرّد ولی در نظر متفکرین مذبح حقیقت و عدالت بشمار میرفت و یقین داشتند که این دربار مانند خار پشتی است که بهر طرف آن دست بزنی خار بدست انسان میخلد!

این دربار یا حیوان درنده و یا خارپشت با اینکه در سال ۱۳۲٤ از ضرب و شصت ملّت شکست خورد و بشکل یك گفتارنیم جانی اوفتاد کم کم در روی اصول (انگیزیسیون) دوباره جان میگرفت و در رأس داشت تمام قضایای سیاسی دو باره برای خود خط سیری تعیین میکرد و بعبارة ساده در برابر حق حاکمیت ملت رنگی بآب میزد!.

در این سنوات اخیر بقدری قوت گرفت که تمام اصول را زیر پای خود گذاشت و مستقیماً مشغول طرح نقشه گردید که یکدفعه دیگر نیز بموجودیت ملت شبیخون زند که در آتیه حقیقت آنرا خواهیم فهمید.

با یك چنین پیش آمد ها هر دقیقه که از عمر سیاست ایران میگذشت و ایرانی ترقیات حیرت انگیز ملل دیگر را میدید بغض و کینه در ته دل ها

نسبت باین سلسله مشتعل میشد ونائرهٔ عداوت سرمیکشید وکانون حیثیات ملت زبانه میزد ولي متاسفانه نمیتوانست برای خود منفذی پیدا نموده و تأثیرات خود را به بخشد و ناچار متوسل به تشکیلات سری میکردید این بود که یك دفعه ناگهانی کمیته مجازات سر از آستین در آورد و با یك سرعت فوق العاده در طهران هنگامهٔ بر پا نمود و شب ها در زیر نور ماه علل بدبختی مملکت را از نظر خود میگذرانید و بدون تردید ولا بشرط در روی یك کلمه (اعدام) قضاوت مینمود!.

گرچه قوای آنروزهٔ دولتی موفق گردید که کم و بیش باین تشکیلات سری پی برده و سرائر آنها را کشف نماید و بقدر قوه از عملیات انتقام نام این دستجات جلوگیری کند ولی نتوانست آن تخمی را که درمزرعه افکار عمومی ومخصوصا در دماغ طبقهٔ منورالافکار پاشیده شده بود برچیند وآنها را برطرف نماید.

این دانه ها شب و روز بدون انتظار فصل با یك سرعت عجیب در نمو بود گاهی در پرده و گاهی آشکارا در مرکز و سایر نقاط تشکیلات و دسته بندیهای خفیه کار خود را میکرد و تحقیقا ایران بقسمتهای عجیب و غریبی تقسیم ـ از قراء و قصبات و بلوك و محال گرفته در ولایات وایالات ومرکز روح انزجار و تنفر شدیدی درکار بود و بالجمله تمام ایران برعلیه حکومت مرکزی یعنی در بار قاجاریه قیام نموده از جنوب تا شمال و از غرب تا شرق دسته های مسلح بقصد هجوم بمرکز صف آرائی نموده ومقدمهٔ از تاخت و تاز و قتل و غارت مضایقه نداشتند!.

(در کنج قزاق خانه)

این هم تشکیلات غربي بود حالا ما نمیخواهیم در حقیقت این قوه و در چگونگی اسرار قزاق خانه و در بار قاجاریه و رابطهٔ بین آنها اعمال نظر نمائیم هرچه بود یکی از مهم ترین عامل بد بختي ملت ایران بود که در تحت سر پرستی اجانب با تمام معنی بر علیه حقوق ملت تجهیز

کرده و داستان لیاکف در گذشته و فجایع دورهٔ جنك عمومی اروپا و عملیات این قوه در مرکز مملکت ایران بیطرف یکی از وقایعی استکه ملت ایران هیچوقت آنرا فراموش نمی نماید!.

حوادث بهمانطور پشت سر هم میگذشت و در کنج قزاق خانه یك شخصی کاهکاهی خودی نشان میداد که ساعات خود را در فکر میگذارند و بایك قیافه جدّی و متأثر و با قدم های سنگین میآید و میرود و تنها زندکانی مینماید

این قیافه را در نظر میگیریم و در آینده او را خواهیم شناخت

کار طهران بجای خطرناکی کشید و دشمن امنیت مرکز را نیز اخلال نمود شکست های پي در پی ولی عمداً در فرونت های جنك داخلی که در معني نام خارجی داشت نصیب قوای دولت یعنی قزاق گردید

روزکار بدین منوال میگذشت روز ها بهفته هفته ها بماه ماه ها میرفتند که دورهٔ سالیانه خود را تمام نمایند آفتاب ببرج حوت رسید وشب سوّم همین برج طهران یکدفعه بادست یکعده قشون تسخیر شد صبح دیده شد که در رأس این قشون فاتح همان قیافهٔ جدی و فکور عرض اندام کرده و « رضا خان پهلوی » زمام قدرت این دسته را در دست گرفته و از صبح سیم حوت شروع کرد که به دورهٔ فترت خاتمه داده واصول مرکزیت را بتمام معنی بموقع اجرا گذاشته و تمام ملت را در تحت لواء امنیت بپروراند

بعضی نام این پیش آمد را (گودتا) گذاشتند این تسمیه دور ازانصاف است خاتمه دادن بدورهٔ فترتو هرج و مرج و ملوك الطوایفی وجریان انداختن اصول مشروطیّت را نمیتوان گودتا نامید. برای آنکه تشکیلات اساسی مملکت تغییر نیافت بلکه چرخهای شکسته و روی هم ریخته مملکت اصلاح و بکار افتاد

این واقعهٔ تکان سختي بعقاید و افکار داد و انظار ملّت را بخود جلب

نمود و در پایان یاس و انزجار از دربار قاجاریه عقاید و افکار متوجه عملیات این سردار گردید وملت جزئیات وکلیات عملیات اورا درتحت نظر گرفت تا این حقیقت را تشخیص دهند که این پیش آمد نیز مانند سایر حوادث جاریه است یا حقیقت و مرامی دارد؟

درآن ساعتی که ملت ایران دربهت وحیرت بود وخیره خیره بجریانات می‌نگریست و میرفت حقیقت پیش آمدرا مطالعه نماید اراده وعزم این سردار فاتح نیز منویات اورا پیش می‌برد وموفقیت ازطهران شروع باتساع کرده وهردقیقه قدم خود را بالاتر نهاده هنوز افکار عمومی مطالعات خود را تمام نکرده بود که یکمرتبه ایرانیان فهمیدند که از مرکز گرفته تا آخرین نقاط دوردست سرحدی که یکقرن و نیم تمام رابطهٔ با مرکز نداشتند بتصرف مرکز در آمده و در تحت تصرف این ارادهٔ قوی و عزم آهنین اداره شده و قشون تا آخر سر حدات رسیده و بیرق ایران در همه جا در اهتزاز ست و تمدن با بیرق دوش بدوش راه میرود و امنیت عمومي در همه‌جا منبسط راه ها تسطیح و قافله ها شب و روز در تردد و دست قدرت این سردار بروی ایران گذاشته شده و ملت با یك شوق و امید واری از خواب غفلت بیدار ومحبت و توجه مخصوصی بشخص رضا خان پهلوی پیدا نمودند

(شاه درچه حال است)

احمد شاه که همیشه دستی در آتش داشت نسبت به این پیش آمد خدا داد حسن نیتی بخرج نداد و منافع خود را در خطر دید و با یك وضع مخصوصی از ملك و ملت اعراض و بخارجه شتافت!

این حرکت شاه افکار را پریشان و دلها را عصبانی و امید واری ها را مبدل به یاس بلکه بیك نکته ایمان آوردند که هر چه هست ازاحمد میرزا یا (شاه) است

برای اینکه ایرانیان انتظار داشتند که در پایان ختم جنك عمومی وزوال

فشار اجانب و یك چنین نعمت غیر مترقبهٔ خدا دادی در موقعیکه
قوای مملکت در روی اصول مرکزیت سیر میکند و تدریجاً امنیت مملکت
را فرا میگیرد و آسایش و عدالت در تمام نقاط ریشه میدواند شاه با
خون گرمی و علاقه مندی در رأس اصلاحات جای گرفته و با راه‌نمائی
های مخصوص و عقیده و ایمان در تهیهٔ لوایح قانونی و ایجاد سعادت
به دولت مساعدت نموده و مملکت را از بحران سیاسی و اقتصادی نجات
بخشد و بار سنگین را از دوش ملت بگیرد

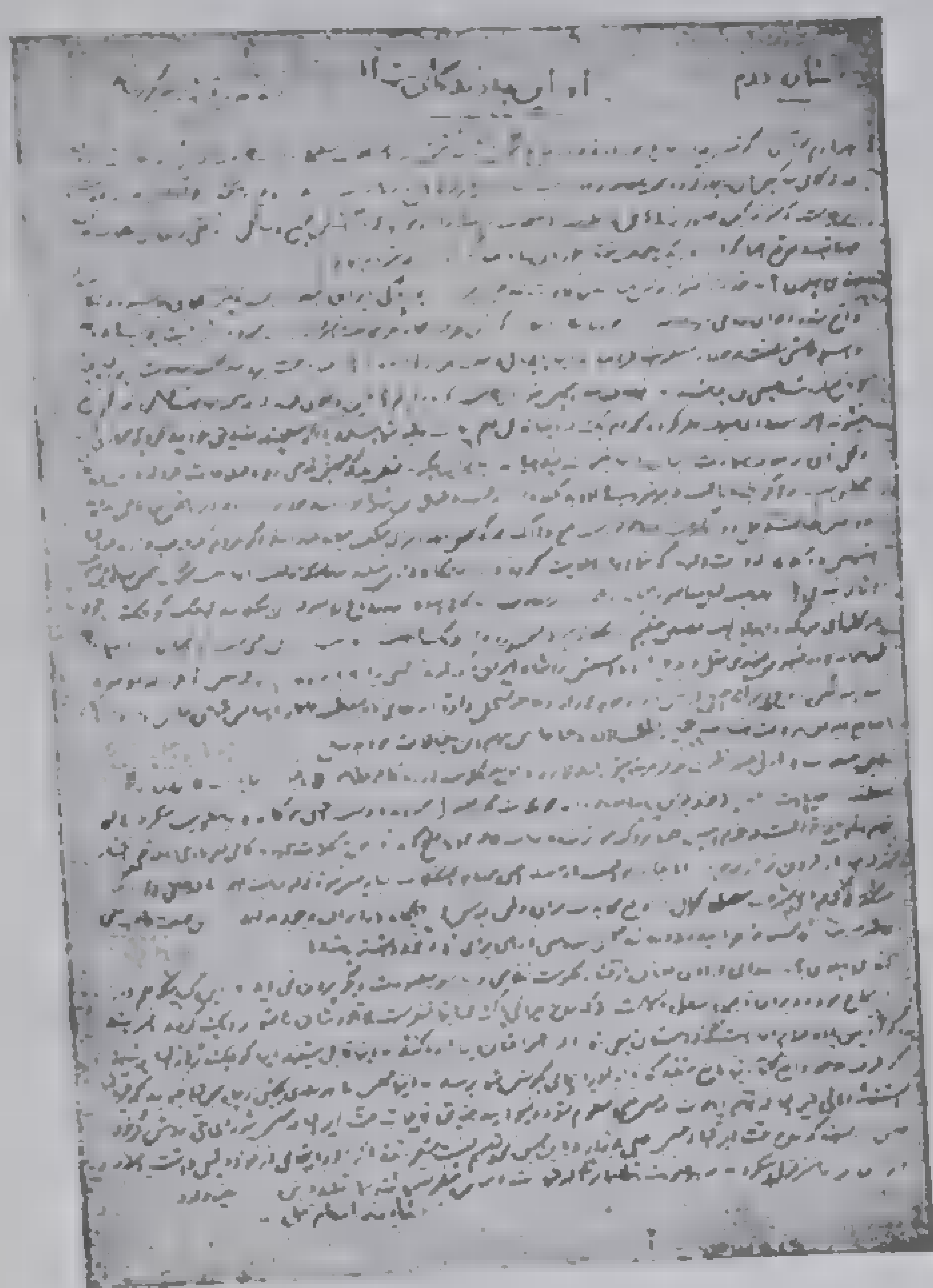
متاسفانه نه تنها شاه از این عقیده و آمال دور بود بلکه خود بار سنگینی
بدوش ملت و حیات اقتصادی جامعه و جماعت بود و بجز از منافع شخصی
و پر کردن کیسهٔ اختصاصی خود هیچ آرزو و آمالی نداشت و بهر وسیله
از حقوق خدمه میکاست و صندوق خود را پر میکرد!.

با یك چنین عملیات مسافرت های پی در پی احمد میرزا توده را عصبانی
و باوجود قدرت فوق‌العاده دولت یکدفعهٔ دیگر تشکیلات سرّی در کار
و با وجود سانسور مطابع و جرائد و جلوگیری از اجتماعات دسته های
آزادی طلب و اصلاح پرست نمیتوانستند از اظهار عملیات خود داری
نموده و با تمام قوه میکوشیدند که خود را از زیر بار سلسله قاجاریه
خلاص نماید

با اینکه ادارهٔ پلیس از زمان تصدی سرهنك (محمد خان درگاهی) رئیس
نظمیه با نهایت دقت جریانات را مواظبت می نمود و از حبس و تعقیب
مظنونین دقیقهٔ فرو گذاری نداشت و بهر کس سوء ظنی می برد او را
برای استنطاق و تحقیق جلب مینمود و در توقیف نگاه میداشت باوجود
این نمیتوانست به کنه تشکیلات سری پی برده و قطع ریشه نماید برای
آنکه ریشه این تشکیلات در پس دلهای مردم بود و متأسفانه پلیس در
آنجا راهی نداشت!.

این تشکیلات در مرکز و خارج مرکز در سرتاسر ایران مشغول بودند دستهٔ

بنام کاوه ـ جمعی باسم احرار ـ برخی ملیّون ـ بعضی جامعه انتقام دور هم جمع و در پس پرده مشغول اجرای نقشه بودند و برای نمونه دو سه فقره از نشریات خفیهٔ این جمعیت های سری را عیناً گراور نموده و از نظرها میگذرانیم و ذیلاً مندرجات آنها را نقل میکنیم تا معلوم گردد شاه در چه حال و ملت در چه کار است ؟



(شب نامه)

شمارهٔ دوم

(آه ـ ! این چه زندگانیست ؟ !)

رفقا بعد از قرائت بیکدیگر برسانند

هر آدم حساسی اگر قدری در اوضاع خود اولاً و باوضاع مملکت ثانیاً تعمق کند و مشکلات مسلسلی که دست طبیعت در سر راه سعادت ایران و زندگانی ساکنین آن ایجاد کرده تحت مطالعه در آورد البته دچار فشار غیر مرئی

دماغ‌شده دست‌ها را بهم‌زده فریاد می کند (آه! این چه زندگانی است!؟)
اینجاست که متوجه یك فرد مخصوص شده و سخن را بطرف او معطوف داشته و از او میخواهد که با داشتن جمیع وسائل راه حلی برای این‌مشکلات طاقت فرسا تهیه و بموقع اجرا بگذارد - اینك مخاطب مقتدر خودمان را باز صدا کرده و از او استرحام می نمائیم

آقای پهلوی خودت بهتر از هر کس آشنا شدی بحالات روحیّه این مردم و بیچاره کی ایران اینقدر در تحت تأثیر سخنان پوسیده و افکار مبتذل واقع نشده و قوای دماغی سرشار خدا داد خود را بکار انداز و گوش بحرف چهار نفر مخالف و اجیر که مرکزیت محدود اشراف پوسیدهٔ بی ماخذ و اسم بلا مسمی سلطنت بوجود آنها مستظهر است فرامده - انصاف بده این‌مجلس شوری ملی است که ما داریم ؟ این وکلای ملتند که در صحنهٔ بهارستان گرد یکدیگر جمع میشوند ؟ از معدودی صرف نظر کرده کدام یك از اینها قابل فهم نیّات عالیهٔ شما هستند ؟ یا اگر می فهمند تصدیق خواهید کرد که مجاری فکری و عملی آنان بر خلاف سعادت ایران بانها تعلیمات میدهد بنا بر این چگونه منتظرید که مجلس قدمی رو باصلاحات بر دارد ؟ این همان مجلس استکه اگر چند ساعت دیر تر رسیده بودید یك عدهٔ آنها بدست اطفال این شهر نابود شده بودند!

این مردم با شخص شما غرضی ندارند و در عین جهالت و بی علمی که در اکثریت آنها موجود است معذلك همگی شخص شمارا برای مملکت مفید می دانند اگر مردم کدورت دارند از آن اشخاص و وکلائی کدورت دارند که شما آنها را حمایت کرده وازآنها نگاهداری می کنید در حالتیکه مخالفت آنها نسبت بمملکت و شخص شما اظهر من الشمس است!

آقای پهلوی رضایت نسل معاصر را نباید ترجیح داد بر سعادت زندگانی آینده اینقدر دماغ خود را متوجه این مشکلات کوچك کوچك مکن و خود را از کار های بزرك وامدار البته تصدیق میکنیم که مشکلاتی نیز در پس‌پرده

از تحریك اجانب در کار است این اجنبی است که امردی را از مهمانخانهٔ به مهمانخانهٔ و از شهری بشهری نقل و تحویل کرده اسمش را شاه ایران میگذارد و جمعی را اینجا با مزد و حق الزحمه معین وطرفدار او جلوه میدهند لیکن روح ایرانی اصیل از این نام موهوم بیزار و جامعه تشخیص داده اند بقای نام سلطنت قاجار با آسایش عمومی تباین دارد اما منافع ایران هر وقت باشد نفع اجنبي را عقب زده و حقاً جانشین تمام این خیالات خواهد شد!.

این مشکلات دراول مشروطیت هزار مرتبه بیش از حالا بود این مشکلات در زندگانی (ناپلئون بناپارت) فزون تر بود در سلطنت بناپارت نسل (بوربون) زنانه و مردانه تحریکات محیر العقول مینمودند و دست اجنبي هم کاملاً با آنها تقویت میکرد اما تمام این موانع کجا توانست بعزم آهنین آن مرد نزرك مؤثر شده نیات عالیه اورا فلج کند؟ این مشکلات درزندگانی سربازی نادر قلی افشار هزار بار فزون تر از حالا بود اما چگونه توانست با دست اجنبی همسایه آن مشکلات بقدر سر سوزنی در نیّات مهمهٔ نادر خللی وارد کند؟

مشکلاتي که برای پیشرفت مصطفی کمال در موقع مجاهدت برای وطن درپیش آمد هیچگاه در ایران وجود ندارد این صفت غالب یعنی عاطفه سرشار شما است که نمیخواهید دردورهٔ زندگانی سیاسی ناراضی برای شما وجود داشته باشد آقای پهلوی صدای آزادی طلبان ازفشار حکومت نظامی وسانسور مطبوعات دیگر بیرون نمي آید!.

این کسانیکه علمدار ارتجاع بوده وبخیال تامین صندلی وکالت (که روح ایرانی پاك از اینها متنفر است) خودشان را بشما نزدیك کرده‌اند با خبر باشید که اولین مادهٔ مرام آنها آنست که دوستان صمیمی شمارا ازاطرافتان پرا کنده کنند اینها قابل نیستند واینها کوچکتر ازآن میباشند که طرف ملاحظه واقع گردند اینها مانع هستند که نالهٔ آذربایجانی بگوش شما برسد اینها مجلس را هر روزی بجهتی

دچار بحران مینمایند که فریاد استغاثهٔ اهالي ایران از تمام ایالات در مجلس علني معلوم نشود و نمیخواهند حقایق تمایلات ملت ایران در مجلس شورای ملی روشن گردد بهمین جهة است که روح ملت ایران از مجلس فعلی بیزار و بابن مجلس بی تصمیم لعنت میفرستند اگر آذربایجانی از خود وکیل داشت امروز ارکان مجلس را متزلزل میکرد ـ در هر صورت انتظار ایرانی از شما است و همه کس منتظر تصمیمات شما هستند و بس بقیه دارد

(جامعه انتقام ملی)

☆*☆

اهمیّت هر نوشته و بیانی از اهمیّت موقع و وقت آن معلوم میگردد ـ همه میدانیم که اوراق شب نامه ترجمان احساسات خفه شده است که صاحب آنرا دچار اختناق نموده و از بیچارگی و فقدان وسائل و کثرت موانع در نیمهٔ شب گذارشات را مطالعه و حسیات خود را نثار و قضاوت را بجامعه محول میدارد!.

از مطالعهٔ این شب نامه حقائق مخصوصی را کشف مینمائیم و بما معلوم میگردد که از دیر زمانی دلها عقده کرده و قوای دولتی مانع از ابراز آنچه در دلها بوده گردیده و از مطالبی گفتگو میکنند که فوق العاده خطر ناك وبا وجود حکومت نظامی که خود نماینده عظمت موقع و وقت است !.

از فشار حکومت نظامي مینالد و از سانسور مطابع و محرومیت از آزادی عقیده و بیان شکوه میکنند و از مجلس شوری شکایت دارد و اینطور تشخیص و قضاوت میکنند که وکلا عمداً در جلسات رسمی ایجاد بحران مینمایند تا فریاد و استغاثهٔ ملت ایران از تمام ایالات و ولایات در مجلس علنی نشود ـ و این شکایات اثبات مینماید که سابقه های مدهشی در کار بوده و وکلای مجلس ازمستدعیات ومنویّات ملت خبر داشته و عمداً تجاهل عارف نموده وخود را براه چپ میزده‌اند !.

حال وظیفه دارم که از روی همین ورقهٔ (شب نامه) دنبالهٔ این صدا و یا بقول همان ورقه اثر ناله و استغاثه را گرفته و بحقیقت آن پی ببریم

(صدا از کجاست و از گلوی که بیرون می آید ؟)

ممکن است این صدا حقیقت نداشته و از اثر انعکاس اصوات کوهستانی و یا طاق مقرنس و مجوفی بوده باشد که گوینده خود خیال میکند غیر از او کس دیگری نیز حرف میزند اینطور است ؟ ـ یا اینکه جامعه و جماعتی در کار است و افکار عمومی در این مملکت موجود است و از نقاط دور دست صداها و همهمه هائی بلند است ولی مرکز نشینان دو دستی بگوش خود پنبه گذاشته و یا عمداً ثقل سامعه پیدا کرده اند ؟

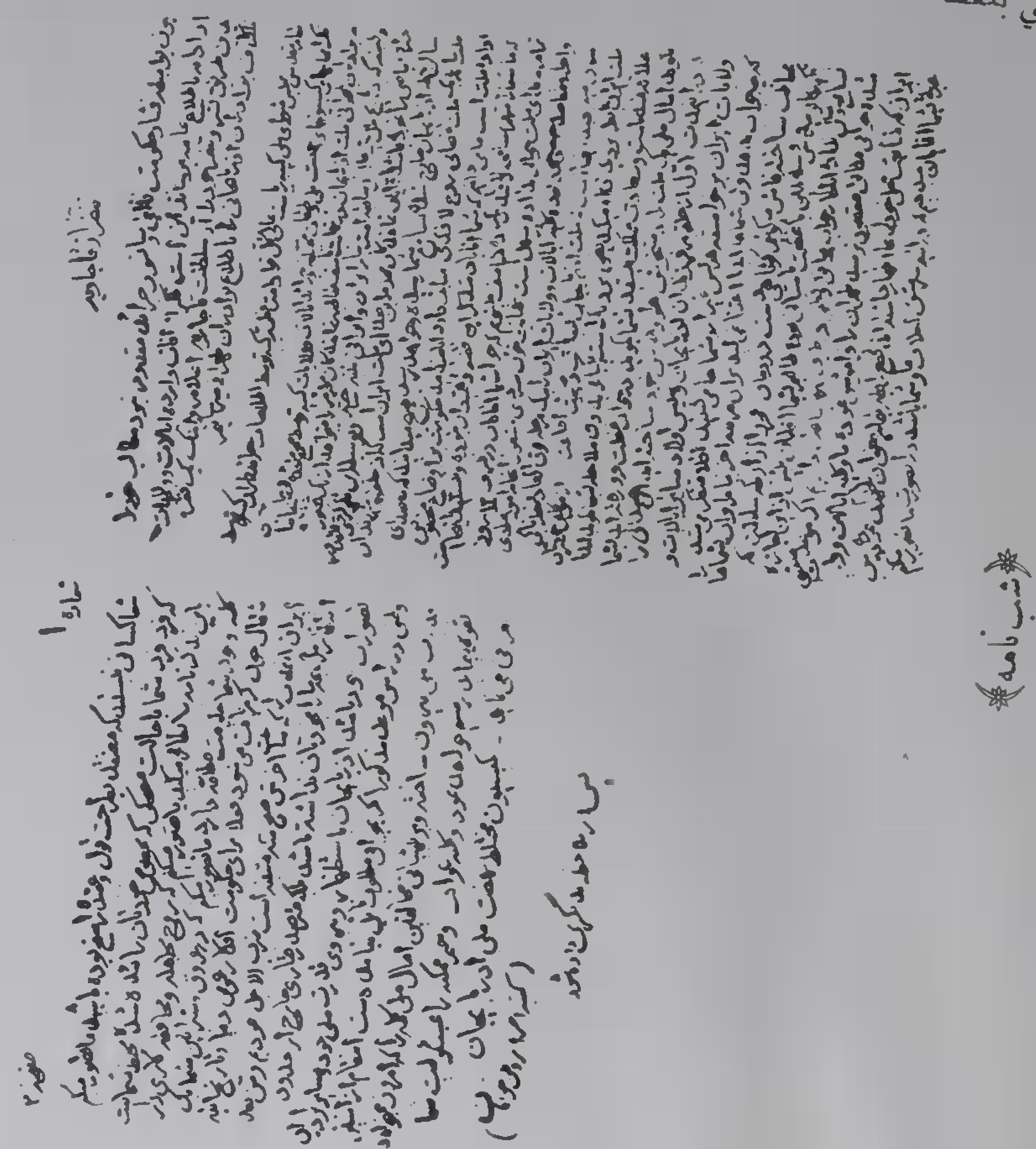
این قضیه خیلی مهم است و باید آنرا تحقیق نمائیم ـ مبادا واقعه نظیر گذارشات یك قسمت از شورش فرانسه بوده باشد ـ که یك دسته دشمن تغییر لباس داده و خودرا بلباس آزادیخواهان در آوردند و وارد صفوف آنها شدند در ساعتیکه اینها آزادی میخواستند آنها هم فریاد میزدند (نان میخواهیم) ولی گرسنه نبودند و الا بمبل ها دستبرد نمیزدند و صندلی ها را غارت نمیکردند و فقط برای تشویش و تخدیش اذهان خلط مبحث میکردند وغوغا مینمودند !

ما میرویم حقیقت این جریان را پیدا نموده و علل آن را تحصیل نمائیم ؟ چه خبر است ؟ چرا مردم مضطربند ؟ و مرکز اضطراب کجا است ؟

شب نامه دیگر را بدقت بخوانید وکم کم اذهان سادهٔ خودرا مستعد درك حقائق مهمهٔ تاریخی بنمائید

تا معلوم گردد چه وحشت و اضطرابی سر تا سر ایران را فرا گرفته و چه خیالاتي در کلهٔ مردم جای گیر شده و چگونه عصبانی شده اند ؟ لابد بتاریخ (سر ژان ملکم صفحه ۱۴۷) مراجعه نموده باین سرّ پی برده اند که (آغامحمدخان) استخوانهای نادر را نیزازقبر بیرون و ازمسهدبطهران آورد ودر

آستانهٔ سرای سلطنت دفن کرد) وحالا متوحشند که‌مبادا ازاعقاب آغامحمدخان آسیبي بنقطهٔ اتکاء ملّت برسد؟



شمارهٔ ۱

(تنفر از قاجاریه)

چون بواسطهٔ فشار حکومت نظامي و سانسور جراید مقدور نبود مطالب خود را آزادانه باطلاع عامه برساند این است تلگرافات واردهٔ ایالات وولایات را بدین طریق نشر و تنفر خود را ازسلطنت قاجاریه اعلام واینك یك‌فقره تلگراف برادران آذربایجاني را باطلاع برادران طهراني میرسانیم

مقام مقدس مجلس شورای ملی کپیه ریاست عالی کل قوا دامت‌عظمته کپیه توسط اطلاعات جراید طهران کپیه توسط تلگرافخانه‌ها کمیسیون های نهضت ملی و طبقات مختلفه و جراید ایالات و ولایات کپیه توسط مجمع متحدهٔ آذربایجانیان به برادران طهرانی ملت آذربایجان در نهایت تاسف قاطبهٔ نمایندگان محترم را میخواهد از یك قصور وظیفه که در تاریخ ملل حیهٔ عالم بي سابقه است بنام ایران و ایرانی متنبّه ساخته و بوسیلهٔ این تذکر حتی‌المقدور جبران ماضی را نموده باشد ـ آقایان نمایندگان محترم این صدای ملت ایران است که از حلقوم فرزندان ساکن خطهٔ آذربایجان خارج شده بسامعهٔ شما رسیده و خواهد رسید هیچ میدانید که با صداي ملت آنهم یك ملت عصباني روح لا قیدی منافات دارد ؟ آیا میدانید حکومت بر اوضاع مخصوص ارادهٔ ملت است ما نمیدانیم که شما آقایان متذکر این قضیه و اهمیت آن بوده و هستید ؟ اینجا است که ما شما را متهم بمسامحه و لا قیدی کرده متاسف مي شویم که چرا شما آقایان در ظرف (۲۲) روز تمام بندای ملت جوابی نداده سهل است با نهایت خون سردی مشغول انجام امور عادی و اجرای مقاصد خصوصی خود بوده کلیهٔ ایالات و ولایات ایران را بیك مرحلهٔ فوق العاده خطرناکی سوق میدهید!.

اینجا است که ملت آذربایجان بصداقت و صمیمیت طاعت شما را از موکلین خودتان (ملت ایران) با نظر تردید نگاه میکنند یعني نزدیك است یکباره بدون ملاحظه بشما بگوید ابداً علاقه مند بامنیت وسعادت مملکت نیستید بشما بگوید درخواب غفلت فرو رفته اید بشما بگوید آمال ملی یك ملت را دستخوش هوا و هوس خود ساخته اید ـ این صدائی را که در این مدت اول ازحلقوم فرزندان آذربایجان وپس اولاد سایر ایالات وولایات ایران بر خاسته هرکس غیر از شما ها می شنید اقلا متفکر میشد که چه جواب

بدهد ؟ ولی شماها ابداً اعتنا نمیکنید برای مرتبهٔ آخر بنام ایران شماها را مخاطب ساخته فاش میگوئیم کوتاهی دست دودمان قجر را از اریکهٔ سلطنت که تکیه گاه سیروس و سلاطین با عظمت باستانی بوده طالبیم بشما آقایان بیش از این اجازهٔ تسامح و تعلل نداده انتظار جواب موافق و قطعی در ظرف چهل و هشت ساعت داریم !

اگر موعد منقضی شد و جوابی مطابق مقصود نرسید طهران را فراموش نموده ما و کلیهٔ ایالات وولایات ایران که فقط متابعت محلی خود را اظهار داشته اند قطع رابطه به تمام معنی آن با طهران نموده درس عبرتی بشما آقایان میدهیم که در آتیه سرمشق اخلاف ما و شما باشد در اینصورت ما تصور میکنیم که شما کسانی نیستید که معتقد بصداقت قول وعقیدهٔ راسخ بوده باشید ما تصور میکنیم که فرد فرد شما یا حالت مضحکی که مخصوص خودتان زائیده شدهٔ محیط شما است به این تذکر نامهٔ ما نظاره میکنید یا تصور میکنیم که روح مجاهله و محافظه کاری در کلیهٔ وجود شما حکومت مطلقه دارد ما تصور میکنیم که در عروق و شرائین شما یك مثقال خون گرم یافت نمیشود فعلاً برای حکومت افکار عمومي دنیا و تاریخ آتیهٔ ایران این مدت را که ساعت آخرش صبح سه شنبه است ضرب الاجل نمودیم ومن بعد انتظار مراجعهٔ ما را بخودتان نداشته باشید بلکه مترصد رفتاری خارج از حدود تصورات خود باشید آذربایجان باستظهار و پیروی قدرت ملی خود و سایر برادران وطني در رأس مورد مذکور اگر بجوابی مطلوب نائل نیامد دست انتقام از آستین قدرت ملی بیرون ساخته و بر پیشانی مخالفین امال ملّی کلمهٔ را که امروز نمیخواهد تفوه بنماید رسم خواهد نمود وکلیهٔ عواقب وخیم و ممکنه را بمسؤلیت شما معرفی مینماید (کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان ـ کمیتهٔ احرار وطن خواهان)

(پس از ملاحظه بدیگری داده شود)

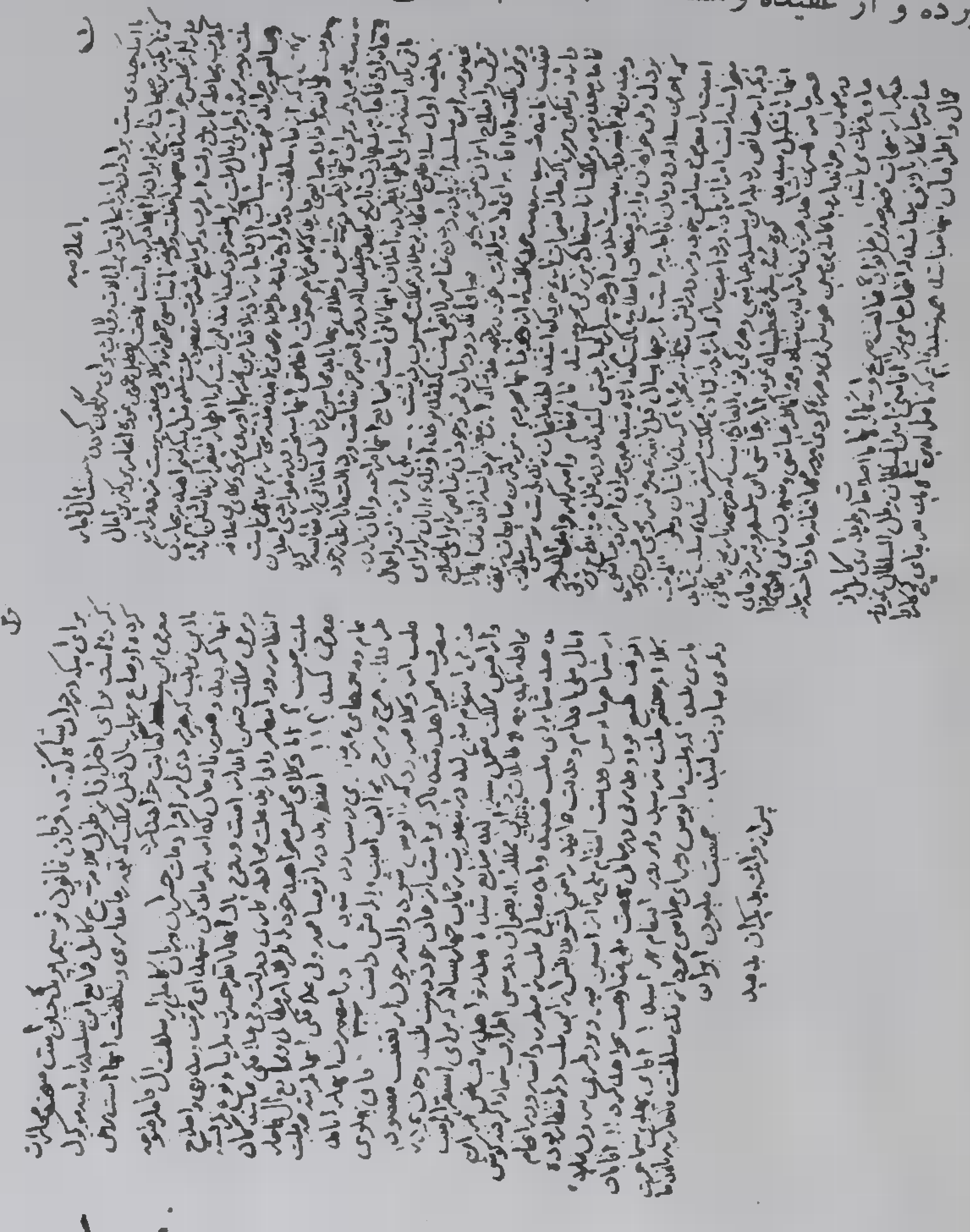
***

این شب نامه علاوه از تبیین حالات روحی واخلاقی ملت ایران بیک رشته تشکیلات سری مرکز و خارج مرکز اشاره میکنند و معلوم میدارد که در طهران کمیتهٔ که شعبهٔ فرعي مرکزی آذربایجان است وجود دارد ومسلم میدارد که از دیر زمانی درآذربایجان قوای مخصوصی درکار بوده و در پنهانی و سرّ قوای داخلی خود را تهیه و شروع باتساع کرده و رشته های خود را بسایر نقاط رسانده و چون در طهران وسائل ووسائط اخبار و استخباریه در دست دولت و در سانسور بوده و از نشر اخبار مرکز و خارج مرکز جلو گیری مینموده مدتها است که از اخبار ایالات جلو گیری کرده و نمیگذاشته مردم ازجریانات ملی و افکار و عقاید عمومی خبردار بوده باشند و چون این تلگراف که در ضمن شب نامه کپیه بنقاط متعدد داشته یك نسخهٔ آن بدست این قوهٔ مخفي افتاده و چون غیر از شب نامه وسیلهٔ انتشار آنرا نداشته اند از همین راه توانسته اند مدلول آنرا منتشر نمایند و ضمناً بازبان ساده جریانات عمومی را خاطر نشان نموده و از سخت گیری های دولت که مانع تظاهر اراده وعقاید عمومی ملّی است شکایت مینماید و این نکته را مسلم میدارد که دولت وقت بانهایت شدت از ابرازحسیات ملی جلوگیری نموده ودراین راه برغم آزادی مطبوعات ومخابرات عرصه را بملت تنگ گرفته و مردم را عصبانی و بستوه درآورده است!.

از همه چیز مهمتر آنکه از همین تلگراف درضمن شب نامه معلوم میگردد که در آذربایجان و سایر نقاط ایران هنگامهٔ غریبی برپا است و آذربایجان از سایر ایالات و ولایات دعوی وکالت مینماید و نشان میدهد که بیست روز است که بمجلس شورای ملي تظلماتی داشته و خلع وانقراض سلسلهٔ قاجاریه را خواسته اند و در اینمدت جوابی نشنیده اند و اینك چهل و هشت ساعت باضرب اجل دارند اتمام حجت مینمایند!.

حال بمناسبت مقام و مندرجات این ورقهٔ شب نامه مناسب استکه بیانیهٔ

ژلاتینی (شب نامهٔ) دیگري را دست گرفته و جملات آنرا نیـز از نظر گذرانیده و مطالب آنرا با شب نامهٔ معهود مقایسه وضمناً بتعدد تشکیلات سری پی برده و از عقیده ومسلك آنها کسب اطلاع نمائیم



(شب نامه)

نمره ۱

اعلامیهٔ

با اینکه چندی است برادران آذربایجانی وسایر ایالات و ولایات برای سرنگون کردن سلطنت آل قاجار که تاریکترین صفحات تاریخ ایران را ایجاد کرده است نهضت وتعطیل نموده انجام بزرگترین آمال ملی را از مجلس خواسته اند معهذا غفلت ووظیفه ناشناسی جمعي از وکلای منفعت پرست مزدور از یکطرف

ومحافظه کاری دولت از طرف دیگر مانع پیشرفت مقصود ملت شده مثل اینکه نمیخواهند به بیچارکی ملت توجه نموده و اجرای آمال ملت را وظیفهٔ خود نمیدانند اینستکه با اظهار تنفر از نداشتن آزادی و سانسور جراید فهرست سیئات آل قاجار را ذیلا بقارئین محترم یاد آوری نموده وکلای بی علاقه بمملکت را که از بقاء سلطنت در خانوادهٔ قاجار طرفداری می نمایند متنبه می سازیم :

بدیهی است هر ملت و طایفه و خانوادهٔ خصایصی دارند که گاهی تمام خصوصیات اخلاقی آنها مستحسن و در مواردی اخلاق نیك وبد مخلوط و برای اظهار نظر در خصایص و اخلاق آنها باید محاسن و رذائل اخلاقی را مقایسه کرد :

خانوادهٔ قاجاریه بشهادت تاریخ یکصدو چند سالهٔ دورهٔ اخیر جزشآمت و رذالت آثاری ازخود باقی نگذاشته برای اظهار نظر در اخلاق آنها کافی است بفجایع آنان مراجعه و آنان را در ردیف اول سلاطین جنایتکار بی علاقه بمملکت محسوب داشت یکی از صفات و اعمال مخصوصهٔ این سلسله از پا در آوردن عناصر لایقی است که تقدیر خداوندی آنانرا برای ترقی و اصلاح ایران خلق نموده و بجای آنکه دودمان قجر وجود آن عناصر را برای اصلاح و ترقی مملکت یا لا اقل برای ادامهٔ سلطنت خود در نتیجهٔ خدمتگذاری مغتنم دانسته اقدامات آنها را تعقیب نمایند متاسفانه بدست خود مملکت را از وجود آنها محروم و بزرگترین ضایعات را بمملکت وارد و سنگین ترین لکه ها را بصفحات تاریخ خود گذاشتند! لطفعلیخان زند بدست قاجار معدوم و مملکت از استفادهٔ بزرگی محروم شد قائم مقام و امیر کبیر و امین‌الدوله و چندین نفر نابغهٔ دیگر بدست اخلاف او رهسپار دیار نیستی شدند و در قتل هر یك داغ بزرگی بر دل وطن خواهان و آرزو مندان اصلاح مملکت گذارده شد همین جوان امرد عیاش که آخرین سلالهٔ دودمان قاجاریه است در چهار

سال قبل نابغهٔ عصر حاضر و محیی قشون و موجد امنیت را معرض دسایس خود و مزدورانش ساخته به تحریك کردن یاغیان وملوك الطوایف میخواسته است او را از پا در آورد امنیت را که تازه در اکناف مملکت مستقر شده سلب نماید!.

دیگر از خصایص رذیلهٔ این سلسلهٔ عیاشی و هرزگی فوق العاده است که سر صفحهٔ تاریخ زندگانی آنها را تشکیل میدهد کوه سرسرهٔ فتحعلی شاه نمونهٔ آثار عیاشی این سلسله و پیر مردهای عصر حاضر بهترین شاهد هرزگی ناصر الدین شاه و همهٔ ما ناظر عیاشی و شهوت رانی احمد میرزا در طهران و جرائد اروپا کاملترین مبیّن هوسرانی و هرزه گردی او در مهمانخانها و فاحشه خانهای فرنك می باشد!.

دیگر از صفات مخصوصهٔ این خانواده مخالفت صریح و آشکار آنها با اصلاحات و طرفداری کامل از عناصر جنایت کار نالایق میباشد که انتخاب حاجی میرزا آقاسی وامین السلطان وظل السلطان نمونهٔ عمّال واطرافیان آنها میباشد همه شنیده ایم که ناصر الدین شاه یکنفر بنای گچ کار را برای اینکه در جواب شاه گفته بود قربان قانون ترسیم پرنده چنین است سخت مجازات کرده است برای احتراز از طول کلام شرح کامل فجایع این سلسله را به آتیه موکول کرده اوضاع چهار سال قبل مملکت که نمونهٔ زمام داری وسلطنت آنها است برای معرفی این سلسله کفایت خواهد کرد!.

با این ترتیب که هر فردی از افراد ملت خسران و زیان کاملی از سلطنت آل قاجار متوجه آنها گردیده وهنوز نالهٔ جانگداز باز ماندگان شهدای حرّیت وبیداری واصلاح وترقی مملکت طنین انداز است وروح پاك آنها بانظر حسرت به ابناء نوع نگریسته انتظار روز انتقام را دارند علت محافظه کاری دولت و بی علاقه گی نمایندگان ملت چیست؟ آیا وکلای مجلس میخواهند خود را طرفدار مظالم و فجایع آل قاجار معرفی کنند ؟ آیا منتظرند بر اثر مسامحه و بي‌علاقه گی آنها یکمرتبه صبر ملت تمام و به نغمه های غیر منتظری دست زده شود

در اینصورت آنها را باید طرفدار هرج و مرج و مخـالف امنیت و آرامش دانست!!!

آقای پهلوی ملت ازوکلا میرود که مأیوس شود والبته چون از تعقیب مقصود منصرف نخواهد شد ناگزیر است از جان خود دست بکشد و چـون خود را فدای انتقام می کند در اینصورت زحمات چهار ساله که برای استقرار امنیت و آرامش مملکت متحمل شده اید ضایـع شده و بهدر خواهد رفت بیش از این محافظه نکـنید و به لاطائلات طرفداران خرابی مملکت که بعنوان دوستی اطراف شما را گرفته گوش ندهید شما برای ملت هستید و باید مصالح ملت را منظور داشته و در انجام‌آمال ملی اقدام و جدیت نمائید راضی نشوید بیش از این ملت در انتظار بوده از شما هم مأیوس و دست انتقام ملي را از آستین صبر و برد باری بیرون نماید!

آنوقت هیچ قوه و قدرتي در مقابل نهضت ملی مقاومت نخواهد کـرد آقایان وکلا از خشم ملت بترسید و از روز انتقام بهراسید!

آقای پهلوی شما هم کاری نکنید که ملت مأیوس و برای خلاصی خـود از ننك سلطنت قاجاریه به اقدامات دیگری مبادرت کند. ــ

(جمعیت ملیون ایران)

پس از قرائت بدیگران بدهید

☆☆☆

چنانچه ملاحظه میشود شب نامه دولت را شدیداً تحت اعتراض گرفته وبا لفظ محافظه کاری و بی علاقه گی حمله میکند واظهار میدارد در صورتیکه احساسات ملی آزاد نشود دشت انتقام را از آستین صبر و برد باری بیرون خواهند آورد و نهضت ملی شروع خواهد شـد وبرای حقانیت ملت و اقدام بیك چنین انتقام و نهضت مدهشی جرائم سلاطین قاجاریه را خاطر نشان نموده و روح شهدای آزادی را بگواهی خود میطلبد و ازیك‌اضطراب

و نگرانی و وحشت خبر میدهد ـ و مجلس شورا را در پیشگاه ملت مقصر میشمارد و اطرافیان رئیس دولت را خائن و دشمن مملکت تشخیص میدهد!
این چه حرفی است ؟ چه نسبتی است ؟
این شب نامه های متلاشی در کوچه و پس کوچه های طهران افکار ما را نیز پریشان مینماید !! مارا که قلم دست گرفته ومیرویم بنام وعنوان مورخی در جریانات قضاوت نمائیم دچار بسی مشکلات میکنند!
برای بدست آوردن این حقایق و پیدا کردن علت این اضطراب لازم است قدری دقیق تر شده و حقیقت را تحصیل نمائیم

علت اضطراب ومرکز آن اندازهٔ

شدت و سرایت — دو دقیقه

فکر درمنویات عمومی وقضاوت

هر منطقه تاثیر خاصی در عقیده و افکار و اخلاق ساکنین خود دارد: منطقه های کوهستانی و سردسیر از حیث نور و هوا و زمین و آبهای جاری موثر های مخصوص هستند در نوع تربیه هـای بدني و دماغی افراد آن منطقه: آذربایجان که در قسمت شمال غربی ایران واقع است کوهستانی وسردسیر است و امتیاز مخصوصی از سایر قطعات ایران داشته و باید از بنیهٔ اولاد آن در قدرت و قوت دماغی و فکری آنان قضاوت نمود و بقول (فلاماریون

On pourrait juger des mœurs d'une époque par la stature des individus .

(می توان از اخلاق یك قرنی بواسطه بنیهٔ اولاد آن قرن در حقیقت آن قضاوت نمود)

آذربایجانی از این حیث ممتاز و استعداد مادی و معنوی آن از سایر قطعات زیاد تر و بشهادت تاریخ یك نوع حسیات بس رقیق در عروق شعریه واعصاب فعاله و سلول های دماغی آذربایجانی موجود است که افراد این منطقه را

همیشه در حکم یك جمعیت منظم نفسی جلوه داده و با توافق افق و وحدت منویات دارای فکر سریع هستند و یکنوع معنویتی درآنها موجود استکه قضایا را بهتر و زودتر تحلیل برده وبهمین مناسبت زیاد تر (قابلیت تأثر وغضب و اندفاع)را دارند :

از روی همین ملاحظات و نکات پیسیکولوژی وقتیکه بحوادث مهمه و نا بهنگام تاریخی این مملکت کهن سال مراجعه می نمائیم خواهیم دید که مهد زرتشت زیاد تر از سایر قطعات ایران در جزر و مد حوادث واقع گردیده و در تعیین مقدرات عمومی همیشه پیش قدم و بعبارة اخری آتش آن خواموش نشدنی است و حسیات آنها مافوق حسیات انسانهای عادی است :

چون قسمت عمدهٔ مطالعات تاریخی ما از آذربایجان بر خواسته وآذربایجانی رول مهم این واقعه تاریخی را بازی خواهد کرد لازم است در کشف حقیقت این نکته روحی که فوقاً بان اشاره کردیم قدری دقیق شده ومعلومات خود را در روی شالوده محکمي پا برجا نمائیم !

ذهن خود را از گذشته دور متوجه وقایع نزدیکتر نموده و در زمینهٔ حوادث هیجده سالهٔ ایران بگذارشات آذربایجان مراجعه می نمائیم .

خواهیم دید که آذربایجانی در روی مرام و احد یعنی (دوام وبقای استقلال مملکتی و سیاسی ایران و ترقیات این مملکت) همیشه در پی تفتیش وتهیه و تحصیل وسائل بوده و در طول این مدّت خود را فدای مقصد و سپر بلاهای گوناگون نموده و قوهٔ دماغی اولاد این منطقه برای کشف و تعیین مقدرات عمومی استعداد مخصوصی نشان داده و در قابلیت تأثر مانند شیشهٔ عکاسی دائماً حساس بوده است :

آذربایجان با یك چنین حسیات رقیق و روشن وقتی از یك مسافت بعیدی استراق سمع کرده بود که در باریان طهران را عقیده بر آنست که (آذربایجان عضو شقاقلوس گرفتهٔ ایران است و باید آنرا برید

تا بسایر اعضا سرایت نکنند !)

باید قضاوت نمود یك ملتی که برای تثبیت موقعیت سیاسی و استقلال وطن خود همیشه با خون خود بازی نموده و قربانیهای تزیین کردهٔخود را با دست خود بمذبح مدافعهٔ وطن وآزادی میفرستند و از طفل گرفته تا پیر مرد در این راه از بذل جان مضایقه نمي نمایند = حتی در روز عاشورا ـ در یك روز پر شر و شوری آذربایجانی اطفال و پیران خود را در بالای چوبهٔ دار می بیند و با دست خود اجساد شهدای خود را از پای چوبه دار بر میدارد و بادل خونین وچشم اشکبار ولی باشهامت و امیدوار بیك آتیهٔ درخشان قربانیهای خودرا بخاك سیاه میسپارد ودرمیدان جانبازی از هیچ قسم فداکاری مضایقه نمی کند — آیا یك چنین عقیده و بیسان چه تاثیرات مدهشی در مغز وعروق واعصاب فعالهٔ آن مینماید ؟ ! آذربایجانی بعد از این عقیده چه نظریاتی بدربار قاجاریه پیدا می کند ؟ ! گر چه این گفتار شوم از یك حلقوم مخصوصی خارج شد ولی حقیقتاً حکایت از عقاید شاه می نمود !.

این شاه است که مصمم شده آذربایجان را مثله نموده و به دشمن تقدیم کند !

از این ساعت دیگر آذربایجانی نتوانست از دستگاه ولیعهد پذیرائي نموده ودر دامان خود مار بپروراند وتصمیم گرفت که (علاج واقعه را قبل از وقوع باید بنماید)

آذربایجانی در روی این مقدمات حوادث را تحلیل می برد و همیشه در اضطراب بود و به آینده با چشم خیره مینگریست — دائماً نگران بود و بیدار و از مسافرت های پی درپی احمد شاه فوق العاده متوحش

بود و گاهی خیال میکرد که ممکن است شاه عشوهٔ (۱)☆ دختر ماهی فروش را به اورنك شاهی ترجیح داده و معامله را یکسره نماید و گاهی خیال میکرد که ممکن است توقف در اروپا را به مراجعت بایران ترجیح داده و هیئت دولت را بحال خود بگذارد که رئیس الوزراء (رضا خان پهلوی رئیس کل قوا) طرح های اصلاحات را تعقیب و مملکت را از فلاکت نجات دهد توجه ملت باصول اصلاحات (که در تحت تاثیر زمامداری وفعالیت بی نظیر رضا خان پهلوی که با فقدان تمام وسائل ایرانرا بردیف دول کشانیده و ایرانی را درصف ملل حیّه قرار داده و تمدن در پشت سر بیرق ایران بتمام نقاط ایران سرایت نموده راه ها ساخته شده مال التجاره دست بدست در بازار تجارت ایران رواج یافته امنیت سرتاسر مملکت را فرا گرفته مؤسسات قشوني از هر جهت رو براه و کارخانجات دائر مدرسه ها مفتوح و ملت و دولت با یك ایمان و عقیده دست هم را گرفته و با قدم های سریع رو به ترقی میروند)

داشت شاه را فراموش مینمود و معتقد عمومی بر این بود که بواسطهٔ دوري شاه از ایران اوضاع عمومي در روی محور اصلاحات سیر کرده و بدون اختلال حواس میتوانند بفلاکت مملکت سر و سامانی داده و احتیاجات را رفع نمایند. گرچه شاه درمدت غیبت خود دستی در آتش داشت وهمیشه یك اقلیت مخصوصی را در زیر دامن خود می پرورانید که متصل موی دماغ دولت و ملت بودند و هر دقیقه انگشت اخلال باصول اصلاحات میرساندند ولی بواسطهٔ قدرت دولت و صمیمیتی که ملت به رئیس دولت داشت باین جریانات مخالفت کارانه دربار و اقلیت معهود وقعی نمیگذاشتند مخصوصاً

هرمزان ولیعهد یزدگرد چهاردهمین پادشاه ساسانی عاشق دختر ماهی فروش بود و عشق اورا باریکه سلطنت ایران ترجیح میداد و باعث شکست قشون ایران در مقابل عرب عملیات محرمانه هرمزان و ایاد رئیس الوزراء یزد گرد شد و از آن تاریخ این جمله ضرب المثل شد که بالاخره در این دوره کاملا به احمد شاه تطبیق گردیده است

این عقیده را یك فقره جریانات پارلمانی فوق العاده تائید کرد چه انکه پس
از آنکه (محمد حسن میرزا ولیعهد) تمایلات ملت را برئیس دولت احساس
نمود بصدد آن بر آمد که این مناسبات را بهر قیمتی که بوده باشد اخلال نماید
و بجز از مراجعت احمد شاه بایران هیچ وسیلهٔ برای اجرای نقشهٔ خود
نیافت و چنین تصور نمود که اگر شاه بایران بر گردد ممکن است با تهدید
و تطمیع مناسبات ملت ورئیس دولت را اخلال نماید!
برای اجرای این خیال مقدماتی چید وپولهائی بمصرف رسانید بالاخره نقشهٔ را
که طرح کرد عبارت از این بود که مجلس شورای ملی ازشاه استدعای
مراجعت بایران نماید و متن تلگرافی تهیه کرد و بدست اقلیت داد ولی
همینکه این ترانه در مجلس شورای ملی آغاز شد(میرزا حسین خان پیرنیا)
که در آن موقع سمت ریاست مجلس را داشت این اظهار را رد واعتراض کرد
که شاه باجازهٔ مجلس رفته تا باستدعای آن مراجعت نماید
این حرکت مجلس شورا ملت را کاملاً مطمئن نمود که برای احمدشاه منزلتی
در پیشگاه مجلس نیست واصلاحات مصادف مانع نمیشود و دروضعیات عمومی
بحرانی ایجاد نمیکردد
محمّدحسن میرزا ولیعهد از مجلس شورای ملی که مأیوس شد بشخصیات
پرداخت و نقشهٔ استدعای مراجعت شاه تکیه گاه خود را رفت که بمهر
های حکاکان در مسجد شاه قرار بدهد و از این و آن استدعای مهرکردن
تلگراف بمضمون فوق مینمود و در این جریان اشخاصی را نیز باروپا
میفرستاد و عوامل مخصوصهٔ اززن و مرد درکوچه و بازار از القاء هیچگونه
شبهات و تخدیش اذهان خودداری نمی کردند :
بالاخره نتیجهٔ که از عملیات خود گرفت عبارت از این بود که تلگرافی
بمضمون ذیل ازشاه برئیس الوزراء رسید .

RECEIVED			THE INDO-EUROPEAN TELEGRAPH CO. (Limted.)	FORWARDED		
From	at	by	*Teheran Station.*	to	at	by
	M.				M.	
Check No.			Thn *From* Paris			

Prefix	No.	No. of wordes	original date and time		Service instruction
sd	9	37	16	1.40	Duplicata

Djenabe Achraf Raisolvoyera

Teheran.

Beonellah teala dovome mahe octobre ba Kechtiye mosoum be Naldera az marseille az rahe Bombay betarafe Iran harakat mikonam az moradjeaté be vatan aziz nehayate masarrat hassil va Khochvagtam Keon djenabe Achrafra bezoudi molagat Khaham nemoud.

Shah

(ازپاریس ـ طهران)

جناب اشرف رئیس الوزرا ـ بعون الله تعالی دوم ماه اکتبر باکشتی موسوم به (نلدرا) از مارسیل از راه بمبئی بطرف ایران حرکت میکنم ازمراجعت بوطن عزیز نهایت مسرت حاصل وخوشوقتم که آنجناب اشرف را بزودی ملاقات خواهم نمود ـ شاه)

THE INDO-EUROPEAN TELEGRAPH CO. (LIMTED.)

Teheran Station.

RECEIVED		
From	at	by
.	M.	.
Check No.		

From ……

FORWARDED		
to	at	by
	M.	

Prefix	No.	No. of words.	Original date and time	Service Instructions
		42	19|9	Duplicata

Sa Majeste Imperiale le Schah Paris

Telegrafe mobarek que mobbachere Tachrif farmaiye alahazrate homayoni boud ziarat va haghighatan baesse Kamale massarat gardid esteda darad maloum farmayand mokebe moloukane be Kodam yek az banadere sarhaddi nozoule edjlal Khahand farmoud 6821

Reza

(طهران – پاریس)

اعلیحضرت شاهنشاه ایران – تلگراف مبارك که مبشر تشریف فرمائی اعلیحضرت همیونی بود زیارت وحقیقتاً باعث کمال مسرت گردید استدعا دارم معلوم فرمایند موکب ملوکانه بکدام یك ازبندر سرحدی نزول اجلال خواهند فرمود (٦٨٢١ رضا)

رئیس الوزراء مژدهٔ مراجعت شاه را در ضمن متحدالمآلی بتمام نقاط ایران اعلام نمود که ملّت بدانند تا سرپرست مملکت ! بایران برمیگردد و مراسم پذیرائی را فراهم نمایند و مخصوصاً رئیس دولت از این پیش آمد اظهار خوشوقتی نمود وتلگرافاً استعلام کرد که از چه راهی و کدامین سرحدّی وارد ایران خواهند شد تا وسائل استقبال و پذیرائی کاملاً منظور و اجرا گردد

(بارقهٔ شدید و سوء تاثیر تلگراف مراجعت شاه بایران)

همینکه تلگراف شاه در ضمن متحد المآل رئیس دولت در ایالات و ولایات منعکس گردید اضطراب مخصوصی را ایجاد و بیش از همه آذربایجانی بوحشت افتاد و دید که تمام نقشه های اصلاحیّه که در ظرف سه سال تهیه و طرح ریزی شده دارد واژگون میگردد چه آنکه آذربایجانی در ظرف سه سال و در اثر یك ارادهٔ فعال و متین و عزم آهنین یك رئیس‌الوزرای لایق و توانائی بمنویات و آمال دیرینهٔ خود رسیده و با استظهار دولت قدم بدورهٔ طلائی گذاشته و موفقیت خود را بدنیامعرفی میکنند ـ یکدفعه دید که از مراجعت احمد شاه دو باره افق زندکانی آن باابرهای تیرهٔ و تار مستور و آسایش و امنیت دچار مخاطرات بسی هولناك است و مقارن این حال اعلان انتخاب وکلای دورهٔ ششم مجلس شورای ملی نیز بنام احمد شاه صادر و در دیوار ها الصاق شد و یا بعبارت دیگر فرمان انتخاب صادر گردید

همه میدانیم که جامعه و جماعت در هنکام سکونت و آرامش مانند آب راکد و در موقع جوش و خروش نظیر دریای طوفان دیده و متلاطم است .

همانطور که یك سنك ریزه درآب راکد ایجاد امواج ملایم و مسلسل مینماید بطوریکه با مختصر اصطکاك خارجی و یا داخلی موجهای منظم

در هم میریزد و روی هم میشکنند و مبدل باضطراب و طوفان میگردد و بنای تلاطم میگذارد ـ ارامش و سکونت یك جامعه نیز از حس ناملایمات مبدل بانقلاب و شورش میگردد! ـ این تلگراف را نمیشود بسنك ریزه تشبیه کرد بلکه در اقیانوس حیات اجتماعی ملت ایران و بالاختصاص آذربایجانی که تازه از زیر فشار ملوك الطوایفی خلاص شده و در تحت اصول متحد الشکل اداری دارد زندگانی مینماید مانند آتش فشانی بود که یکمرتبه دهن باز کرد و دم طوفان بدر یا دمید ـ سکونت را بر هم زد ـ امواج عقاید و افکار را روي هم ریخت ـ ملت را عصبانی نمود ویکدفعه بااین مقدمه انقلاب یا رستاخیز شروع شد!.

(حسّ تزاحم ومدافعه یاعلاج قبل از وقوع واقعه)

ملت ایران مخصوصاً اهالی آذربایجان یکمرتبه حس کردند که این رفتن وبر گشتن در اثر دستور های سیاسی خانه براندازی استکه مقدمات بر چیده شدن اصلاحات و تولید اختلافات را فراهم مینماید و دیدند که مرتبهٔ دیگر در پردهٔ سینمای سیاست ایران شبحی بنام شاه (احمد میرزا) خودی نشان میدهد که بنظر ها دیده میشود و در جلب توجه انظار موجود تام العیاری است که بچشم میاید ولی در معنی زیاد تر از یك صورت انعکاسی چیز دیگری نیست که از ثانیهٔ ظهورش در پردهٔ سیاست تا موقعی که از بازی کناره گرفته و ازنظرها ناپدید میشود ارزان است ومانند خواب و خیال نه قابل اشارهٔ حسیه است ونه استعداد و قدرت دوام دارد میاید و میرود فقط انظار را خیره و اذهان را مشوّش مینماید!.

این وجود ناقص نه تنها از حیث وجود اینطور بود بلکه تاثیر خاصی در تولید نفاق و بر انداختن پایهٔ اصلاحات و ایجاد هرج و مرج داشت که بنام عدم مسؤلیت درراس تمام قضایا جاگرفته و در جزئیات و کلیات مداخلهٔ غیر مستقیم. مینماید وباتش دامن میزند و دفعهٔ دیگر موجودیت آذربایجانی را طعمهٔ آتش حرص وآز خود مینماید!.

آذربایجانی از دیر زمانی گرفتار هرج و مرج و کشت و کشتار و خون ریزی و اسارت بود و تمام نقاط آن خطه باتش بیداد سوخته اهل تبریز جرأت نمیکردند که ولو دو دقیقه برای تفریح در اطراف باغ شمال تردد نمایند! ـ دسته های مسلح و غارت گر تا پس دیوار شهر می تاختند وجان و مال و ناموس دهاتی و شهری و زارع و دهقان هدف تیر تا بهنگام شقاوت کاران ودرمعرض دست برد جنایتکاران بود!

خوی و ارومیه و سلماس از یکطرف ـ اردبیل و مشگین وخلخال ازطرفی قرجه داغ و هریس و خانمرود والان براغوش از طرفی ـ مراغه و افشار و ساوجبلاغ از طرفی در زیر سم ستوران با خاك یکسان گردیده درقراجه‌داغ ولکان فتنه وفساد دهن باز کرده و در ماکو بیرق طغیان در اهتزاز و روزگار درازی‌است که آذربایجانی با یك چنین مخاطرات هم آغوش بوده و روبهم رفته دوسال نیست که از اثر قدرت و توانائی و نیات امنیت بخش و وطن پرستانهٔ یك راد مرد «رضاخان پهلوی رئیس کل قوا» باین فجایع خاتمه داده شده و کبوتر امنیت در آبادی آشیانه کرده و درشاخسار آزادی قمری سعادت ترانهٔ عدالت و آرامش وسکون میسر آید راه ها ساخته شده ـ پل ها بسته شده ـ در تمام قصبات و دهات تلفون و تلگراف نظامی کار میکند ـ مؤسسات علمی ـ فنی ـ صنعتی درکار ـ تفرج گاه های ملی با منظره های با شکوه و دلفریب اهالی را بطرف خود دعوت ـ نوباوگان (پسر و دختر) با یك شوق و امیدواری دقائق عمر خودرا مصروف تربیت و تعلم نموده ـ مریضخانه های زنانه و مردانه با نهایت نظافت دائر از مسلخ تا سلاخ خانه با کمال نظم و ترتیب مرتب و بالجمله از طهران تا به تبریز چهل و هشت ساعت مسافرین در تردد ـ شمندوفر و تراموای با عجله و شتاب سعی دارند که نگذارند اوقات مردم مصروف پیاده رویهای کنند گردیده ـ قیمت وقت در بین

اهالی بالا رفته ـ مردم باین فلسفه پی برده اند که (وقت زر است وباید از زرا استفاده کرد) آذربایجانی با نهایت آسایش مشغول اصلاح نواقص زندگانی ودرچند صباحی درردیف ملل حیه جا گرفته واندازهٔ علاقه مندی آنها بتعالی ازخلاصه چندفقره راپورت رسمی که ازنظرقارئین میگذردمعلوم میکردد :

اجمالاً باید بدانیم پس از آنکه در اثر ارادهٔ (رئیس کل قوا) امنیت در سرتاسر آذربایجان جایگیر شد در شهر ها سرباز خانهای کافی برای ساخلو قشون موجودنبودونظامیان دچارزحمت فوق العاده بودندوتاسیس سربازخانه‌ها ازضروریات بودولی متاسفانه دولت‌های وقت تاآنموقع درصدد این قبیل اصلاحات اساسی نبودند ! چه آنکه فارغ ازاین گونه افکاربسرمیبردندقشون وسربازنداشتند تا محتاج سرباز خانه بوده باشند ! (رئیس کل قوا) میخواست باخرج قشون درتمام نقاط تاسیس سربازخانه نماید، واولین نقطهٔ که بحکم ضرورت منظور معظم‌له گردید سرباز خانهٔ سرحدی (اشنویه) بود

(اشنویه) یکی از نقاط کردستان و از حیث نظریات سیاسی و جنگی دارای اولین مرتبه اهمیت و مرکز تقاطع اکراد و عشایر ایران و ترکیه است ودر ادوار سالفه تا سه سال قبل تمام مخاطرات این حدود از همین نقطه بوده ـ اهالی که در نتیجهٔ عزم (رئیس کل قوا) وفدا کاری قشون تامین این منطقه را دیدند واهمیت نظریات رئیس کل قوا را استنباط نمودند محض قدر دانی و ابراز صمیمیت برئیس دولت داوطلب شدند که باخرج خودسربازخانه‌را بسازند در سیزدهم جوزای ۱۳۰۳ ساختمان را شروع ودر دوم اسد بنا را باخر رسانیدند راپورت آنرا باین جانب که درآنموقع سمت فرماندهی قوای آذربایجان را داشتم دادندلازم‌دیدم که برای برافراشتن بیرق دربالای سردرسربازخانه شخصاً حاضر وباین افتخار نایل گردم ـ درمحل مزبور حاضر شدم در آن ساعتیکه بیرق افراشته شد وباد درپرچم آن جا گرفت وبلافاصله نشان شیر وخورشید درنظر تماشاچیان وحضار که زیادتر ازچندین هزار نفر بودند نمودار گردیدچنان غریو هلهله وشادی درفضا بپیچید که گوئی رعدی بانگ زد و بي‌اختیار از شوق‌وشعف

وامید پس از آنکه روزگار درازی درنومیدی گذرانده بودند اشك چشم مرد و زن جاری ـ دستها رو بآسمان ـ هریك بازبان ایلیاتی خود راز ونیازی داشتند وبیکدیگر ازداشتن سرپرستی مثل (رئیس کل قوا) تبریك میگفتند:
چه آنکه تاکنون ازاقتدارات مرکز دراین نقطه نام ونشانی نبود واهالی آنچه را که ازمخیلهٔ خود نمیتوانستند بگذرانند فقط امنیت بود! مردم نمیدانستند که نشان بیرق ایران چیست؟ وبالجمله راپورت رسمی این قضیه را درچهارم برج اسد ۱۳۰۳ درتحت نمره (۶۵) بفرمانده کل قوا تقدیم نمودم: سربازخانهٔ (اشنویه) و خدمات قشون افکار عمومی را بطرف خود جلب ومردم را بیك زندگانی امن وآسوده وعده داده هیجان مخصوصی درتمام طبقات ایجاد نمود در (ارومیه) نیز یك چنین سربازخانه ضرور بود و درپنجم اسد برای اجرای دستور فرمانده کل قوا بارومیه رفتم تاحکم را بموقع اجرا گذاشته وبا خرج قشون سربازخانهٔ بنا نمایم اهالي ازاین تصمیم مطلع شدند ومجلسی را باحضور (علیخان بهادری) حاکم ارومیه فراهم وازاین جانب نیز دعوت نمودند درمجلسي که باحضور علما وتجار واعیان وسایر طبقات ارومیه تشکیل شد بدواً صحبت ازسربازخانه اشنویه ومراتب فداکاری وقدرداني اهالي آن نقطه بمیان آمد که یك مرتبه احساسات بنای جوش و خروش گذاشته ومردم مرا به بیرون شهر کشیدند و بهم چشمی اهالی اشنویه ارومیهٔ نیز داوطلب شد که سربازخانه را بنا نماید وپس ازبازدید نقاط وانتخاب مکان مناسب همانروز بطرف سلماس حرکت نمودم فردای آنروز (آقا میرزا محمود آقا (۱)* باعدهٔ ازمحترمین محل کلنك دست گرفته وشخصاً شروع بکار و پی را کنده وسنك اولیهٔ بنارا بادست خود گذاشت طبقات مردم ازمرجع تقلید خود تبعیت و با شوق سرشار و فعالیت غیر قابل تصور درزیر امواج احساسات ازیکدیگر سبقت میگرفتند وسربازخانه (نظامیه) را بآخر رساندند
باطلاعات مبسوطی که ازگذارشات جگرخراش ارومیه وضعیت جانگداز چندین سالهٔ آن سامان تااین تاریخ داریم هیچ محتاج نیست که چگونگی را شرح دهیم و همه میدانیم که ازدیرزمانی اختلال اوضاع این منطقه وقتل وغارت های متمادی

(۱) * یکی از مجتهدین باصلاحیت و تقوی ونفوذ ارومیه‌است که مقبولیت عامه دارد

دیگر برای اهالی چیزی باقی نگذاشته وبیچارگی مردم ارومیه بجائی رسید که دفتر اعانه داخلی و خارجی برای آنها باز شد این همان ارومیهٔ خانمان بباد رفته است که با گذرانیدن یك چنین روز گار تیره چون در راس آمال ملی خود شخص پهلوی رادیده ازروی ایمان قدم بدائرهٔ فداکاری گذاشته وداوطلبانه ازبذل جان ومال مضایقه نمیکنند. فرمانده کل قوا اصرار داشت که مخارج ساختمان را اداره قشون بپردازد ولی اهالی از قبول آن امتناع نموده و نظامیه را تمام کرده و بقشون هدیه نمودند راپورت آن را درتحت نمره ۹۲۶۶ـ۱۸۶۲ بفرمانده کل قوا تقدیم نمودم فرماندهٔ کل از قبول این هدیه که حاصل جمع مخارج آن بالغ بر بیست هزار تومان بود داشت امتناع میورزید ولی اصرار اهالی بالاخره باعث شد که هدیه پذیرفته شد و تلگراف ذیل را مخابره نمودند (تلگراف از ارومی به تبریز) بعدالعنوان ـ اهالی ارومی محض قدردانی وسپاس گذاری برای تهیه وسائل آسایش نظامیان محترم اقدام بساختن نظامیه کرده وبحمدالله قریب باتمام است مقرر فرمائید نظامیان محترم بانقل وتحویل باینجا عموم را متشکر دارند: میرزا رحمت‌الله ـ شمس الاسلام ـ امین الرعایا ـ ثقة العلماء ـ عرب باغی ـ سیف العلماء ـ موسی الموسوی رکن الاسلام ـ خان بابا ـ مستشار الممالك محمود الموسوی ـ جلال السلطنه ـ بیگلربیکی ـ عزیز ـ شهاب الدوله ـ فتح السلطنه غلامحسین ـ رحمت‌الله ـ محمدرسول علی الحسینی ـ امیر منظم ـ آقا علی اصغر ـ نصرة نظام ـ فضلعلی ـ مجد الملك ـ منظم الدوله ـ حیدر ـ خان اف ـ مهدی ـ ملا باشی

بمجرد اینکه اهالی ارادهٔ دولت را در طرح اصلاحات اساسی احراز نمودند با فداکاری داوطلبانه وارد عمل گردیده و برای آسایش خود ازهیچ قسم مساعدت مضایقه ننموده. نه تنها سربازخانها بلکه سایر مؤسسات را نیز از قبیل شیروخورشید سرخ وتسطیح کلیه طرق درعهده گرفتند وبهر کاری دست زدند با موفقیت آنرا باخر رسانیدند و ازفهرست اجمالی ذیل میزان فداکاری اهالی را برای احترام و تقدیر ارادهٔ رئیس کل قوا میتوانیم استنباط نمائیم. سرباز خانه هائی را که اهالی برای آسایش قشون ساخته و تقدیم شخص موجد قشون (پهلوی) کرده اند بشرح ذیل است

(سربازخانه)

- تبریز - مرند - خوی - ماکو - اواجیق - قره عینی - سلماس - کهنه شهر - سومای - ارومی ساوجبلاغ - اشنویه - شرفخانه - قرجه داغ - خیو - اردبیل - استارا - در تمام این نقاط علاوه از نظامیه دار الایتام و دارالمساکین و قرائت خانه و مدرسه های ابتدائی در قصبات و مدرسه های ایلیاتی در ایلات دائر است

(خطوط شوسه)

١ - از تبریز تاقرجه داغ ٢ - از قرجه داغ تاخوی ٣ - ازمرند تاخوی وماکوه وبازرکان ٤ - از خوی به اواجیق وتاسرحد ترکیهٔ ٥ - از خوی به سلماس و از سلماس به ارومیه ٦ ازتبریز به ساوجبلاغ ٧ از تبریز به زنجان واز تبریز به اردبیل وآستارا . از اردبیل بهخلخال که امروز تمام نقاط آذربایجان را بیکدیگر متصل نموده است .

عملیات باشهامت اهالی اشنویه و ارومی که در سایر نقاط منعکس شد یك مرتبه عموم را تهییج کرده و دفعة تسطیح طرق وساختمان های سرباز خانه ها در تمام نقاط درمدت شش ماه شروع وخاتمه یافت و اهالي با جان و دل با زحمات طاقت فرسا مبارزه نمودند و فعلا ما نمیخواهیم کیفیت عملیات آنان را شرح دهیم وپلها وآب نماهارا که برای امتداد خطوط لازم بوده و تعداد آنها از ششصد تجاوز میکند برای شمایادداشت نمائیم فقط میخواهیم اندازهٔ احساسات و مراتب صمیمیت آذربایجانی را در بذل چند ملیون پول در مقابل ارادهٔ رئیس دولت خاطر نشان نموده و معلوم بداریم که آذربایجانی با چه عقیده و ایمانی سر کیسه فتوت خودرا گشوده وبرای احترام تمایلات فرماندهٔ کل جان ومال خودرا نثار کرده وبنام قدر دانی واحساسات غیرقابل تصور این کارهارا انجام داده وبجزازیك حقیقت هیچگونه عامل ومحرکی نداشتند وعبارت ازاین بود که اهالي باذوق طبیعی وسرشاری که داشتند در اندك مدتی بحسن نیات رئیس دولت پی برده واین نکته را بدست آورده بودند (که زندگانی فرع قوه وقوه فرع آلات وادوات زندگانی است وایجاد کنندهٔ این آلات عبارت از یك عزم وارادهٔ قوی است وباید ازیك چنین اراده قدردانی نمود) وبالجمله آذربایجاني قدم بهنشهٔ اصلاحات گذاشته ووقتيوارداین عمل شد که مستغرق نعمت امنیت گردیده وباستظهار قشون دیگربرای خود آیندهٔ مردیرا تصور نمیکند واین فیوضاترا ازشخص رئیس دولت (پهلوی)تشخیص داده ودرمرتبهٔ دوم نیزمنتظراست که باعلی درجهٔ ترقی سیر کند درپایان یك چنین مطالعات وعقیده دید که بوم تیره روزی دوباره بر کنگرهٔ آمال او مینشیند ومیخندد و گاهی شیون میکند وبادست قضا وقدر میرود که بروی اصلاحات خط بطلان بکشد!

(قضاوت)

علاج واقعه قبل ازوقوع باید کرد عقاید وافکار دچار تشنج واضطراب شدید

گردید تصورات خطرناك دارد قدم بدائرهٔ وجود میگذارد ـ آینده از مرحله تردید گذشته و قطعی است که شوم وخطرناك است وچاره منحصر در نهضت و قیام است تاقبل از وقوع حادثه بتوانند آنرا علاج نمایند در روي این مقدمات افکار عمومي قضاوت نموده (که برای دوام و بقای یك ملت و اینکه ایرانی نیزبتواند در ردیف ملل راقیه قرار بگیرد ارادهٔ قوی و عزم توانا و پنجهٔ آهنین لازم است و این مقدمات با احمد میرزا متباین بلکه متضاد است)

بنا بر این با دست خود موجبات بدبختی را فراهم نمودن خود یك نوع جنون است عاقل از خطر پرهیز میکند و با دست خود خود را دچار خطر نمینماید این یك حکم عقلی است که فرمود (لاتلقو بایدیکم الی التهلکه)

(قیــام)

این بود نتیجهٔ قضاوت که یکمرتبهٔ دیگر آذربایجانی را دررأس نهضت قرار داد و دفعهٔ دیگر این حرکت سرتاسر ایران را فرا گرفت وازتبریز بنقاط دیگر سرایت نمود وباس و قهاریت ملت شدت خود را بالا برد ـ قبلاً خواستند با مذاکرات وگفتگو غائله را ختم نمایندچون ممکن نشد ناچار تعطیل عمومی بمیان آمدو عملیات شروع شد!.

بر حسب عادت دیرینه قبلاً تحصن در تلگرافخانه ها و مساجد و تکیه ها شروع ومردم در پناهگاه های معموله تحصن اختیار کردند و هر اندازه قوای دولتي در اطفاء نائره ها فشاری نمودند بهمان اندازه میزانهٔ حرارت حسیّات عمومی بالا رفت و بالاخره خرمن هستی قاجاریه را برق زد و یکسره نابود کرد ویا علاج واقعه قبل از وقوع نمودند چه آنکه حس قبل ازوقوع ملت را بیدار کرده بود؟!

(اعمال نظر در اسناد و دلائل مثبته نهضت)

با مقدّمات معهوده و سابق الذکر میرویم در کیفیت این قیام اعمال نظر

نموده و اسناد آنرا تحصیل و از نظر بگذرانیم
اجمالاً از بیانیه های ژلاتینی (شب نامه) این نکته بدست آمده که دولت وقت با تمام قوه برای اسکات افکار و دفع نائره دست بکار شده و با آنهمه تضیقات و جلوگیری از اجتماعات بالاخره نتوانسته از سیلاب ارادهٔ ملت جلوگیری نماید ـ سدّ ها شکسته امواج احساسات از نقاط دور دست سر کشیده قبلاً رو بمجلس شورای ملی جریان یافته و این نقطه را طرف تظلم قرار داده و هنوزما از گذارشات و جریانات ومنویات ملّت و مجلس شورای ملی بیخبریم و در آتیه نزدیکی بحقایق امور آشنا خواهیم شد!

(نهضت)

با اراده و اختیار یا با اکراه و اضطرار اگر یك ملتی نتوانست در آمال و منویات خود تحصیل موفقیت نماید عصبانی میشود!
روح شخصی از بین میرود و روح دیگری تولید میگردد و جامعه و جماعت قدم بدائرهٔ روح انقلاب و یا بقول علماء علم نفس وارد مرحلهٔ حیات لا شعوریه میگردد
پس از آنکه تلگراف مراجعت احمد شاه از طرف رئیس دولت اعلام شد هیئت دولت مشغول تهیّه مراسم استقبال و پذیرائی بود ولی ملت از این تلگراف متوحش گردیده و دارد اعتراض مینماید ببین تفاوت ره از کجا است تا بکجا ؟
از همه مقدم تر در روی نکات سابق الذکر پرده های دماغ آذربایجانی از اینخبر متشنج گردید وسخت عصبانی شده است !
اولین خیالی که بفکر آذربایجانی رسید این بود که از کعبهٔ آمال خود (مجلس شورای ملی)استمداد نموده و از این پیش آمد جلوگیری نماید آذربایجانی تنها این خیال را نکرده بود بلکه یك فکر متحدالشکلی بود که در آن واحد در تمام نقاط ایران و در پرده های مغز های ایرانیان

تولید شده بود برای آنکه تمام ملت ایران از دیر زمانی در این قسمت متفق و مانند یك جمعیّت منظم نفسی متحد بودند

(عریضه های تلگرافي)

اداره تلگرافی دولت‌علیه ایران سنه ۱۳۰۴

نمره کتاب ۳۶۵

از تبریز	نمره قبض ۱۶۵۲۸	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
بطهران	نمره تلگراف ۲۰۲	۹۶	۱۱		۷-۱۲	

کپیه اطلاعات مقام مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه پس از طی دورهٔ انقلابات خونین و تحمل صدمات طاقت فرسا با تائیدات الهی کم کم مملکت ایران بیك دوره سکونت و آرامش و آسایش وارد میشود اخیراً صدای تحریکات و تشبثات غیر منتظره از داخله وخارجه شنیده میشود این است که حسب الوظیفه خاطر نمایندگان محترم را از عواقب وخیمه این دسائس و ایستادگی ملت در ابقای نعمت امنیت و خلاصی از چنگال نا قابل قاجاریه متذکر ساخته جلو گیری فوری و جدی را خواستاریم

کمیسیون مختلط نهضت ملی

(تبریز بطهران)

نمره قبض ـ ۱۶۸۳۱ نمره تلگراف ۲۵۹ عدد کلمات ۴۴۵

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۵ مهر ماه ـ ۱۳۰۴

مقام منیع بندگان حضرت اشرف آقای پهلوی فرمانده کل قوا وقاعد ملی ایران دامت عظمته کپیه ادارهٔ اطلاعات شما که در ظرف مدت قلیل زمامداری خود بوسیلهٔ عملیات خارق العاده و معجزه آسا یك ملت عظیم تاریخی و یك مملکت بد بختی را که در نتیجهٔ سوء رفتار و خیانت زمامداران

سلف وبی علاقه گی شاه قجر بر لب پرتگاه پیش رفته بود مستخلص ومستقل ساخته در خط تمدن و زندگانی با شرافت ملل حیئهٔ دنیا انداختید شما که علاوه بر رفتار عمومی نسبت بایرانیان با ملت آذربایجان همان ملتی که در ظرف هیجده سال آنهمه تلفات درراه استقلال وطن داده ملتی که دربقایای افراد آن در حال حاضر قلوبشان از طرز معاملهٔ شاه قجر همان شاه قجریکه خود و پدرش و جدش در تبریز بزرك شده ونیّات سوء آنان بر فرد فرد آذربایجانی مشهود است مجروح و ابدانشان در اثر گلوله های آتش بار قشون پدرش هنوز خون چکان و درد ناك است نه قسمی رفتار فرموده‌اید که تودهٔ ملت یکباره و یك صدا انحضرت معظم را ناجي وطن و پیشوای ملی شناخته بلقب پر افتخار پدر ملت مفتخر ساخته است در چنین موقعی که سر شاه قجر از مکیفات اروپائی پر از نشئه شده و بخیال عودت بایران افتاده وبشخص محترم شما این خیال خود را درلباس مراجعت بوطن اعلام میدارد چرا بایستی یك چنین خائنی طرف توجه واقع شده و مفتخر بجواب یك نابغه و یك سردار فدا کاری مانند حضرتت گردد آقای پهلوی انکسی که ملت ایران عموماً و اذربایجان خصوصاً در پهلوی مقام خالق موجودات قلب خونین خود را برای حضرتت مقام نفس نموده خیال نفرمائید که یك ملت غیور مانند اذربایجان تن بیك چنین پستی و رذالت داده وآلت اجنبي را به مملکت خود راه دهد خیر این طور نیست ملت با هوش و مطلع بر قضایا بوده بخوبی می داند که شاه احمد ایران نمی آید مگر برای آنکه بیك عملیات شرم آوری مبادرت نماید که فعلا اظهارات آنرا از طرف خود مقتضی نمی‌دانیم ــ آقای پهلوی ملت آذربایجان چنین انتظاری ازشما نداشت و ندارد امید وار است عملاً این رفتار خود را جبران فرموده قلوب مشتاقان استقلال مدفن نیاکان را شاد سازید ما ملت آذربایجان بمجلس تلگرافاً اطلاع داده بحضرتت هم اطلاع مي دهیم در صورت عدم اعتنا واهمیت بآمال ملی و مشروع ما که قطع دست یك چنین خائن بی علاقه

بایران است بدون دقیقه معطلی وفوت وقت مبادرت بیك اقداماتی خواهیم نمود که طهران وزمام دارانش در جلو گیری و اسکات آن عاجز بمانند

(کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان)

(تلگراف از سیرجان بطهران)

نمره قبض ۵۹۹ نمره تلگراف ۱ ـ ۲ عدد کلمات ۸۰

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۳ ابان ۳۰۴

توسط جناب آقا میرزا شهاب نماینده محترم رفسنجان ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه توسط حضرت روحی حجج اسلام چهار کپیه جرائد اسلامی ایران فکر آزاد ستاره ایران شفق سرخ انتشار مراجعت شاه را بایران چنانچه در قلوب عامه نفرت آمیز فهمیده اند وسلطنت قاجاریه را لغو میدانند فدوی هم بنوبهٔ خود در پیشرفت مقاصد دولت اسلامی خود داری نداشته البته باید مقتضیات سیاست اسلامی را خاتمه بدهند نجل مرحوم آیة الله حاجی سیدعلی

(تلگراف از سیرجان بطهران)

نمره قبض ۶۰۰ نمره تلگراف ۲ عدد کلمات ۱۰۱

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۳ ابان

توسط نمایندگان محترم کرمان ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه توسط حضرت روحی حجج الاسلام چهار کپیه جرائد ایران فکر آزاد شفق سرخ ستاره ایران انتشار مراجعت شاه بایران درقلوب عامه اهالی سیرجان تولید نفرت نموده عموماً تعطیل بتلگرافخانه متحصن لغو سلطنت را تقاضا دارند داعیان باملت هم صدا شده تنفرات قلبیه خود را تقدیم و از ساحت مجلس حجج الاسلام استدعا داریم ذات ایران که فقط بسته بلغو سلطنت از خاندان قاجار است خاتمه بدهند علمای سیرجان

(احمد محسن ـ محمّود علی اکبر ـ احمدبن زین العابدین الحسینی)

(تلکراف ازشیراز بطهران)

نمره قبض ۱۲۸۳۳ نمره تلگراف ۵۰۵ عدد کلمات
۲۱۸ تاریخ اصل ۲۷ تاریخ وصول ۲۸ مهر ماه ۱۳۰۴

ساحت محترم مجلس مقدس شورای ملی شید الله ارکانه با عطف توجه و مداقه به نعمت امنیت و رفاهیت عامه که به پرتو توجهات وفدا کاریهای یکانه ناجی مملکت (آقای رضا خان پهلوی رئیس عالی کل قوا) ورشادت قشون شجاع اقطاع ایران را ازچهار سال باین طرف معمور ومامون داشته است این موقع ظهور نغمات جدیده که بعنوان عودت شاه میخواهد ضربهٔ مهلك خود را بامنیت و آسایش موجوده وارد سازد و زحمات این مدت را بباد دهد اهالی جنوب را متوحش و مضطرب ساخته و با لهجه های تند تنفرات قبیلهٔ خود را از این پیش آمد هولناك اظهارمی نمایند اکنون طبقهٔ اعیان و سایر طبقات با علاقه ببقاء امنیت موجوده و سعادت مملکت دارند جلو گیری از این پیش آمد سوء را از آن وجود محترم که ضامن رفاهیت عامه هستند مترصد می باشند و الا این هیجان ملی تسکین ناپذیر و انقلابات عظیمه عرض وجود خواهد نمود (هیئت اعیان فارس)

ابراهیم قوام ـ ابوالقاسم ـ نصر الملك سابق ـ لطف علی ـ بهاء السلطنه محمد ـ الحاج فضلعلی ـ مسعود الدوله ـ محمدحسن ابراهیمی ـ محمد علی قوامی محمدکاظم اعتماد ـ لطف علی مؤید ـ غلام رضا کاظم ـ سلطان علی اسمعیل کاظم اعتماد ـ احمد مؤیدی ـ فتح الله اعتمادی ـ علی اکبر محمد ـ اعتماد اعتماد حسین ـ اعتمادی ـ محمد رضا

(تلکراف ازدزفول بطهران)

نمره قبض ۱۳۷۰ نمره تلکراف ۷ عدد کلمات ۳۰۵
تاریخ اصل ۵ تاریخ وصول ۶ آبان ۱۳۰۴

هیئت مختلط نهضت آذربایجان مجلس شوری ملی طهران کپیه ریاست وزراء

عظام کپیه اطلاعات جرائد طهران ملت قدیم خوزستان با وجودی که
در فشار ظالمانهٔ جمعی ارتجاعی مبتلا بوده اند هیچ گاه وظایف ملی خود.
را از دست نداده وهمیشه در درهم شکستن قوای مرتجعین ساعی بوده
ولی بد بختانه موقعیت جغرافیائی و بعد مسافت مرکز مانع از شرکت
حقیقی در تغییرات اوضاع مملکت و کمك به برادران غیور آذربایجانی و
سایر اهالی نجیب ایران بوده چنانچه از بدو اطلاع مراجعت باز مانده
خاندان قاجار بسمت ایران یك تشویش خاطر و حالت عصبانی مخصوصی
در عموم سکنهٔ دزفول ظاهر گشته و روزانه مجامع عمومی در اماکن
مشهورهٔ مساجد و معابر تشکیل و ناطقین و ذاکرین با لهجه های شیرین
خدمات بی پایان و مرد ایران خواه (رضا خان پهلوی) را درمقابل تسامح
و خیانت های پی در پی سالهای دراز و دودمان آل قاجار جلوه داده
ومتفقاً مراتب قدر دانی خودرا ازفداکاری آقای پهلوی ابراز وازمراجعت
شاه بی علاقه تنفر خاطر خود را اظهار میدارند اینك که صدای رسای
برادران وطن خواه بمسامع عموم ایرانیان رسیده لازم است. بطور اجمال
عرض کنیم ملت خوزستان حاضر اهالی دزفول اولین قوم ستمدیده
مملکت محسوب بوده از سلطنت قجر جز ظلم و ناامنی چیزی ندیده لذا
از اوضاع حاضره بی نهایت شاکر و از مساعی آقای پهلوی این خاك
امروزه مهد امن و امان گشته و نظامیان غیور که فرزندان آن حضرتند
راه خوزستان را بنقاط مرکزی متصل و باب تجارت را مفتوح ساخته
اند شبانه روز زندگانی حاضره و سابقه را محاسبه از درگاه حق تعالی
عظمت قشون نیرومند را در زیر سایه همچو مرد تاریخی ارزومندیم
(هیئت اتحادیه نهضت دزفول)

(تلگراف ازهمدان بطهران)

نمره قبض ۱۶۷۶۳ نمره تلگراف ۸۵ عدد کلمات ۳۱۰
تاریخ اصل ۳۰ تاریخ وصول ۳۰ مهرماه
مقام منیع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه ایران کپیه شفق کپیه ستاره ایران

امروز برهمه معلوم است امنیت کنوني که ساکنین ایران را ارزانی شده است نتیجهٔ فداکاری های آن یکانه راد مرد و سر پرست حقیقی ایران است و در نظر هر هوشمند هویداست که قبل از تشکیلات این قشون نیرومند وقیام مجاهدات بي نظیر سردار غیور وطن پرست مملکت دچارچه هرج و مرج ؟ دستخوش چه اعراض بوده؟ و باالعکس حالا چه استقرار و استقلال و چه اهمیتی در روی زمین پیدا کرده درهمه جا ایرانی را سربلند و همدوش ملل دنیا ساخته اینك بر اثر عزیمت شاه قاجاری که در این مدت عدم علاقه مندی خود را بدین مملکت عملا ثابت کرده یادگار ایام بدبختی ارکان وجود جملگی را متزلزل ساخته نگرانی و اضطراب همکي را فرا گرفته مبادا بد بختی های سابق اعاده و تجدید شود در این موقع تکلیف ایرانیت خود میدانیم که از مجلس شورای ملی که مرکز ثقل مملکت ومسؤلیت حل مشکلات و استرضای خاطر عامه با اوست جدّاً خواستگار گردیم که توجه خاص فرموده تکلیف قطعی مملکت را معین و راضی نشوند بیش از این مقدرات ملت دستخوش‌عدم علاقه شاه قاجار بوده و چنانچه با نظر محافظه کاری نگریسته و اجازه ندهند که ساکنین این مملکت از نعمت امنیت بدون دسائس مغرضین استفاده نمایند ناچار باافکار وطن پرستانه سایر نقاط ایران توحید مساعی نمودهٔ حلّ این مشکل را تسلیم ارادهٔ غیر متزلزل ملی خواهیم نمود

زین‌العابدین قراگوزلو ـ حیدر ـ محمود ـ ـ نصرة الله قراگوزلو ـ اسدالله ـ رضاقلی ـ حسین قلی ـ یحیي ـ مرتضی ـ قـلی ـ نصرالله ـ رضا ـ شیرعلی ـ احمد ـ لطف‌الله ـ مهدی قراگوزلو ـ ابوالقاسم ابراهیم ـ علی محمد قراگوزلو ـ شمس الدین ـ یزدان بخش ـ علي ـ عزت الله ـ محمد ابراهیم ـ فضل الله ـ محمد قلی ـ سلطانعلی ـ محمدعلی ـ یدالله نصرالله ـ ولی ـ ابوالقاسم ـ حسن آقا ـ نورعلی

(تلگراف ازیزد بطهران)

نمره قبض ۹۹۸۷ نمره تلگراف ۲۰ عدد کلمات ۱۲۰ ! تاریخ اصل ۲

تاریخ وصول ۲ آبان

مقام مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه ریاست وزراء عظام دامت شوکته کپیه نمایندکان محترم یزد در این موقع که میخواهد مجدد ارتجاع عرض اندام نماید لازم میدانیم بان مقام مقدّس عرض نمائیم آیا آقایان نمایندکان سی کرور جمعیت ایران آیا مظالم قاجاریه را فراموش کرده اید؟ یا خیانت های زمامداران گذشته را از خاطر محو نموده اید؟ که ساکت نشسته و بتلگرافات برادران ایرانی خود جواب نمیدهید ۱۵ روز میگذرد تلگرافات آذربایجان بلاجواب مانده خوب است به این لا قیدی خاتمه داده بیش از این مملکت را بحال بی تکلیفی نگذارید از طرف هیئت مدیره جمعیت احرار ابوالقاسم افتخاری - احمدمهریزی - سید جلیل - حسین کور اوقلی - ضیاء شیرازي - محمّد یزدی

(تلگراف از یزد بطهران)

نمره قبض ۹۹۱۵ نمرهٔ تلگراف ۲۵ عدد کلمات ۱۲۶ تاریخ اصل ۳

تاریخ وصول ۳ ابان ۱۳۰٤

مقام ریاست وزراء عظام دامت شوکته بواسطه پارهٔ انتشارات که هنوز صحت و سقم آن معلوم نیست وجوه اهالی خاصه تجار از روی نهایت صداقت و صمیمیت عریضهٔ توسط چاکر بحضور مبارك عرض که خلاصهٔ آنرا ذیلاً بعرض آقایان مبارك میرساند

بدون ظاهر سازی و خوش آمد گوئی در زمان زمامداري حضرت اشرف و تصدیق دوست و دشمن و در مهد آسایش و امنیت بوده از استقلال مملکت کاملاً بر خورداریم در اینصورت بدیهی است هر مانع و مخالفی که از پیشرفت خیالات حضرت اشرف که در راه آسایش عمومی

و استقلال مملکت پیش آمد کاملاً ما ها اهالی یزد خاصه تجار برضد آن بوده و خواهیم بود ۳ آبان نمره ۲۰۷۵ عباسعلی شوکت

(تلگراف از محمره بطهران)

نمره قبض ۲۵۳۷ نمره تلگراف ۵۰ عدد کلمات ۲۰۳

تاریخ اصل ۲۳ تاریخ وصول شب ۲٤ مهر

متحدالمآل عموم آزادیخواهان طهران فداکاری و رشادت برادران نظامی که بسر پرستی یگانه ناجی و محیي ایران حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء و فرمانده عالی کل قوا دامت عظمته که در این چند ساله بعرصهٔ شهود در آمده قابل هیچ گونه انکار نیست اکنون که درسایه این فداکاری هاوطن عزیز میرود خود را از مذلات چندین ساله مفسدین خارج نماید متاسفانه مسموع میشود همان اشخاصی که سالیان دراز بوسائل آنتریك بار مذلت و رقیّت به دوش ما ملت بیچاره گذارده و بروز سیاه نشانیده بوده اند مجدداً مشغول دسیسه و آنتریك هستند تا بار مذلتی که بهمّت عالی یگانه ناجی ایران از دوش ملت مرز و بوم برداشته شده بازبدوش ما بگذارند هان ای برادران غیور نگذارید که باز در قید اسارت مقیّدشوید و حیات طعمه اغراض و دسایس مفسدین گردد لذا عموم اهالی خوزستان باصدای رسا عموم برادران ایرانی رامخاطب ساخته و در قلع و قمع اشخاص مغرض مفسد خانمان سوز مساعدت می طلبیم که از مقام مقدس دارالشورای ملّی شیدالله ارکانه رفع آنهارا جدّاً بخواهید حق را باید گرفت عموم آزادی خواهان و اتحادیه تجار

(اقل الحاج بنی)

(تلگراف از کردستان بطهران)

نمره قبض ۱۸٦٦ نمره تلگراف ۱۸ عدد کلمات

۲۳۸ تاریخ اصل ۵ تاریخ وصول ٦ ابان ۱۳۰٤

توسط جنامستطاب میرزا فرج الله خان آصف نماینده کردستان ساحت

مقدس مجلس شورای ملی شید الله ارکانه کپیه هیئت وزرای عظام دامت شوکتهم کپیه جناب حاج میرزا اسدالله خان نماینده کردستان چند روز است باز دراطراف سلطنت گفتگو دائر وازولایات تلگرافات میرسداهالي کردستان که در انقلابات چند ساله امنیت وآسایش نداشته ایم بحمد الله دو سال است نفس راحتي کشیده وازنعمت امنیت متنعم شده ایم جداً این آسایش را ازدست نمیدهیم با اهالي آذربایجان و سایر ولایات هم آواز هستیم نمایندگان مجلس دراین موضوع نباید لاقیدي اتخاذ نمایند جداً انتظارداریم دست خائنین مملکت را بکلی مقطوع واین آسایش عمومی را محفوظ دارید ـ شیخ الاسلام امام جمعه ـ احمد غیاث ـ محمد حسینی ـ مجتهد حنفي ـ محمّد امین ـ محمود مفتی ـ محیی الدین ـ محمّد جعفر ـ عبد العظیم ـ مدرس ـ مدرس ـ محمّد رشید مدرس ـ عبد المجید حسینی ـ مدرس یحیی ـ سید احمد ملکی ـ ابو طالب حسینی ـ محمّد تقی حسیني ـ مرتضی اردلانی ـ شکر الله ـ غلامحسین مسعود اسدالله ـ حسین ـ عبدالله ـ فتح الله ـ نصرت الله ـ غلامعلی ـ نصر الله حبیب الله ـ اسمعیل ـ علی اشرف ـ محمّد کاظم ـ محمّد اردلانی ـ میر کاظم احمد ابن عبد الله ـ مهدی حاجی باقر ـ معروف میرزا بابا ـ حاجی خان محمد اسمعیل ـ رحیم زاده ـ عباس ابراهیم ـ حاجی آقا بزرك ـ حاجی اسمعیل ـ حاجی محمّد صادق ـ حاجی شکر الله ـ حاجی علی اکبر ـ محمّود تاجر ـ حاجی احمد ـ حاجی محمد کریم خام فروش ـ احمد ضیاء زاده ـ محمود خیاط باشی ـ محمّد کریم دباغ زاده ـ عبد الله نجار باشي ـ احمد کفش دوز باشی ـ محمّد حسین نعلبند باشی ـ ابراهیم قهوه چی باشی

تلگراف از قصر بطهران

نمرهٔ قبض ١٧٧٦ نمره تلگراف ٢٠ عدد کلمات ٢٤٦

تاریخ اصل ٥ ـ تاریخ وصول ٦ آبان

مقام مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه هیئت محترم وزرای عظام دامت عظمته از شنیدن خبر ورود اعلیحضرت سلطان احمد

شاه بایران ما اهالي قصر کمال تاسف را داریم چگـونه وکلای ملت راضی شدند به شخصی که خود و فامیلش یکصد و پنجاه سال است نسبت بایران و ایرانیان خیانت نموده و خون یك مشت ملت بیچاره را بواسطه احتکار گندم مکیده استجازه ورود بدهید جداً ما اهالی قصر با سایر هموطنان خود همصدا شده از آنمقام مقدس تقاضای خاتمه دادن دورهٔ سلطنت فامیل قاجاریه را می نمائیم ـ چنانچه آن وکلای محترم ترتیب اثری باین درخواست ما ملت بیچاره ندهند بحکم اجبار تعطیل عمومی خواهیم نمود منتظر جواب فوری هستیم کدخدا محمد صالح ـ سلیمان حاتم ـ سلیمان داود ـ ابراهیم حاتم ـ آقا فرامرز ـ اقا مهدي لاری ـ حسن حمال باشی ـ احمد قادر ـ رحیم عزیز آقا ـ خواجه هارون ریاضی ـ میرزا علی ـ میرزاده حسن ـ حسن محمد یزدی ـ حسین علی ـ میرزا حسن طهراني ـ حبیب‌الله علی ـ علی اکبر موسوی ـ داود الیاهو ـ حسین قهوه چی ـ نور محمد منوچهر ـ علی ـ اکبر ـ موسی ـ علی ـ سید شمس الدین ـ حسین ـ احمد ـ ابراهیم ـ حسین ـ علی محمد خان ـ الله مراد ـ شعبان ـ عبدالله ـ حسین ـ علي ـ امیر حسن ـ علی ـ جبار ـ هاشم ولد علی عبدالرحیم ـ محمد ولي ـ ابراهیم ـ آقا محمد ولد سلیم آقا ـ مراد آقا احمد ولد باقر خان ـ جان ولد رزاق ـ شاطر عباس ـ علی ـ مینا ولد سلطان خلیل ـ محمد سعید ـ طهماس ولد صفر ـ مشهدي جعفر نعلبند مشهدی صادق نعلبند ـ عبدالعلی ـ میرزا باقر ـ سلیمان امین

از خرم آباد بطهران

نمره قبض ۱۳۵۲ نمره تلگراف ۱۱۹ تاریخ اصل ۱

تاریخ وصول ۳ آبان

مقام منیع حضرت اشرف اعظم بندگان آقای رئیس الوزراء و ریاست عالیه کل قوا دامت عظمته انتشار مراجعت اعلیحضرت شاه ایران ملت لرستان خصوصاً اهالی خرم آباد را بتذکر حقایقی که در

نتیجهٔ عزم و ارادهٔ آهنین آن سر پرست معظم از اینکه سیمای عصور ماضیه را بخوبی مجسم میکند با پیشرفت تمدن ودایع انوار ماقبل خود را نیز از قعر بحار عمیق و توده های جسیم و حجیم سنگها و ابنیه قدیمه بیرون آورده و یك سلسله مجهولات را در انظار بشر مکشوف میسازد با تذکر باین اصل مسلم باید فهمید ایران مخصوصاً لرستان یك قطعه زرخیز مملکت باستانی که بحکمیت تاریخ سه سال و اندی قبل دستخوش اغراض و مطامع میشوم یك عده خائنین بوطن بود و طوایف وحشی ومتمردین این صفحه بواسطه تزریقات داخلی و خارجی از نهب وغارت و تاراج اموال وبباد دادن جان و ناموس اهالی بیچاره خودداری نداشته و بعلاوه بدبختی فقر با هرج و مرج ملوك الطوایفي راه زنی دزدی خیانت سر تا سر مملکت خصوصاً این صفحه را اشغال و مملکت را بطرف نیستی سوق میداد در قبال چه فداکاری ها فعلادر بستر امن وامان غنوده و عمران و آبادانی درآن روز بروز در تزاید است فراموش شدنی نیست که در آخرین ساعات و دقائق احتضار مملکت تأییدات ربانی از ما بین تودهٔ ملت قهرمان عالی قدری چون حضرت اشرف با بازو های توانا و فکر با شهامت که زاده تجارب گذشته بود بر انگیخت وباز پرچم اسلامی باهتزاز آمد ارادهٔ عالیهٔ آن عنصر نیرومند با قوه برقیه باوضاع سراسر هرج و مرج مملکت سیروس خاتمه داد بیرق شیر وخورشید مجدداً در قلل جبال شامخه لرستان نصب و باهتزاز در آمد سعادت و امنیت و عمران را با فداکاریهای زیاد برای ملت لرستان فراهم فرمودید زهی ملت قدر نا شناسی که با اذعان باین حقایق شروع به تشبثاتي نمودند و مقدرات خود را از اشخاصي بخواهیم که ترقی و تعالی خود را در فنا و نیستی ما میدانند و مجدداً سند رقیت و بیچارگی و مذلت خود را امضا نمائیم هنوز خون صاحب منصبان دلیر و نظامیان رشید که برای اعادهٔ امنیت و آسایش ما در قلل جبال مرتفع و قعر دره های هولناك

لرستان ریخته خشك نگردیده هنوز صدای هورای نظامیان سلحشور لشگر مرکز و لشگر غرب در کوه و هامون جنایت بار لرستان طنین انداز است و اکنون نیز نظامیان رشید لشکر غرب شب و روز استراحت را برخود حرام و در حالتي که ما ها در بستر استراحت غنوده ایم با چشم های باز بمحافظت و ممارست ما مشغول میباشند ای محيي معظم قشون و ای اولاد با شهامت، ایران ملت لرستان نام نامي ناجی معظم و نابغهٔ خود را در اوراق لایزال تاریخ به اعمال ثبت وضبط نموده بهمان قسم که تاریخ سیر نا محدود خود را ادامه میدهد آثار مشعشع سر پرست حقیقی ایران را بدون تحریف با سیر طبیعی و فنا نا پذیر خود برای اخلاف بیادگار میگذارد بعلاوه اعمال شایان تقدیر و سیر مرضیّهٔ قشون که برای رفاهیت و آسایش اهالی لرستان متقبل هستند نتیجهٔ تربیت و تعلیماتی است که از آن ذات مقدس بآنها تعلیم و آموخته شده امروز بالهای همایون رب النوع سعادت و امنیّت در آسمان لرستان سایه گستر و با چشم های نافذ خود با صاحب منصبان رشید و نظامیان دلیریکه براي اعادهٔ امنیّت این سر زمین بخون خود آغشته و به هستی مطلق رسیده اند مینگرد و درود میفرستد ما اهالی خرم آباد و لرستان نیز با این رب النوع سعادت هم آغوش شده فریاد میکنیم زنده و پاینده باد نابغهٔ عصر حاضر و سرپرست حقیقی ایران از (طرف عموم علما و تجار و خوانین وطبقات مختلفه و ایلات و عشایر خرم‌آباد لرستان) ابوتراب موسوی ـ محمّد جعفر مولوی ـ باقر موسوی ـ احمد موسوی ـ نورالله موسوی ـ صبفور موسوی ـ امان الله امرائی حاجی سید محمد تقی ـ سیف الله ـ جواد ـ رستم جولانی ـ اقل الحاج علی صادق حسینی ـ احمد ـ حسن موسوی ـ فرج الله ـ محمد حسین ـ محمد یوسف ـ حاجی محمد تقی ـ رحیم ـ رضا ـ نور الله ـ جهانگیر ـ

روح الله ـ محمود ـ قاسم ـ محمّدحسن ـ شیر محمد ـ محمد علی ـ محمد کریم
غلامرضا ـ اکبر ـ جعفر شکرالله ـ زین العابدین ـ علی اصغر افرا ـ
ابوالقاسم ـ نورالله ـ عزیزالله ـ نعمت‌الله مختار ـ رحیم سهراب ـ زین‌العابدین
سهراب ـ نبی الله ـ فتح الله ـ پنج شنبه ـ شکرالله ـ عبدالرحیم ـ
محمدعلی نوروز علی شاه

تلگراف از ساری به طهران

نمرهٔ قبض ۱۵۸۹ نمرهٔ تلگراف ۲۸۵ تاریخ اصل (۱)
تاریخ وصول (۱) آبان ۱۳۰۴

توسط آقای دادگر نمایندهٔ محترم مازندران مقام منیع حضرت‌اشرف آقای رئیس الوزرا و ریاست عالیه کل قوا دامت عظمته کپیه مقام مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه کپیه شفق سرخ یك مملکت قدیمهٔ عظیمه شان تاریخی که درقرون اخیره گرفتار دست یکعده زمام دار بی علاقه شهوت پرست باحالات محتضرانهٔ رقت آوری امرار حیات می نمود خداوند قادر متعال ترحماً وجود مسعود یگانه قائد توانای حضرت پهلوی را بعرصهٔ سر پرستی بدبختان ملت برقرار فرمود بحمدالله بافقدان وسائل حیات اثرات فوق‌العاده بمنصه بروز وظهور رسانیده مخصوصاً در چندی قبل تمام سواحل خزر عموماً مازندران خصوصاً شنایع جگر خراش عملیات وحشیانه تراکمه که هنوز نالهٔ کد سوختگان نوامیس برباد رفته و پدر کشته داغ برادر وجوان دیده ساکت نگشته که بهمم عالیهٔ آن یگانه رادمرد تازه می خواهد قلوب شان ازانتقام تسلیت یابد طوری ایجاد آسایش ونظم فرموده که عموماً رطب اللسان بدعای بقا برقرارند تازه ایرانیان می خواهند خود را درشمار ملل حیه درآورد باز چه شده؟ شنیده میشود همان مایهٔ بدبختی همان علت ذلت ایران آلت دست اجانب (احمد شاه) میخواهد باران مراجعت ودخالت درامور نماید ماعموم اهالی طبرستان ازآن مقامات منیعه استرحاماً استدعا می نمائیم بفوریت اقداماتی فرموده که

نگذارند دیگر خائنین قدرت آرزوی دخالت در امور ملك وملت نمایند دعاگو علی اکبر مازندرانی ـ راجي محمد حسین ـ علی عمادی ـ حاجی عبدالرحیم ـ داعی علی ابن اسدالله ساروی ـ احقر حبیب‌الله شیرگاهی مقیم ساری ـ حسن تاجر ـ ابراهیم ابن احمدعلی ـ نقي ـ جواد ـ علی نقی‌زاده ـ محمّد تقی ـ راجي ابوالقاسم ـ احمد خالق زاده ـ حسن بن مهدی ـ محمّد تقی ابن عبدالکریم ـ عسکری تاجر ـ محمد حسین ـ عبدالله حسینی ـ محمد مصطفی ـ

تلگراف ازساری بطهران

نمرهٔ قبض ١٦٠٧ نمره تلگراف ١١ عدد کلمات ٣٢٠

تاریخ اصل ٤ تاریخ وصول ٨

مقام منیع ریاست مجلس شورای ملی کپیه ایران کپیه شفق سرخ کپیه کوشش کپیه آقای دادگر کپیه آقای شریعت زاده کپیه آقای میرزا اسمعیل خان اصانلو فقط علاقه طبیعی به ملت ومملکت ما اهالی طبرستان را جداً وادار بمبادرت باین استدعا نموده نظر بفجایع و شناعت اعمال لاابالیانه احمدشاه درمدت تصدی سلطنت ایران قوه صابره را از اهالی بکلی سلب علاوه براستدعای چندی قبل مجدداً صریحاً عرض میداریم وجود این سرمایهٔ بدبختی درمملکت مستلزم محو ونابودی است پس از موهبت الهی یك وجود قوی توانائی مثل حضرت اشرف آقای پهلوی برما ایرانیان و مشاهده ابات وآثرات صالحانهٔ باهره شبیهست باعجاز در مدت قلیله سرپرستي ایشان دیگر مجالی برای احدیغیراز خود باقی نگذاشتند که قابل قائدیت ونگهبانی مملکت وملت باشد باتراهین مصدقانه که توام باعرایض اهالي است البته آن ذوات محترم نزدیکترین وقت دفع احمد شاه از ورود ومداخله درامور وخلع شاه ازمقام سلطنت خواهد فرمود انتظار انجام داریم نگذارید اهالي دچار قیام و نهضت عمومي که وخامت آن بی شمار استشوند احقر شیخ علی اکبر مازندرانی ـ داعی آشیخ محمد حسین

احقر آقاسید میرزا علی ـ احقر شیخ عبدالرحیم ـ داعی حاج شیخ ـ حاجی آقا شیخ مرتضی ـ احقر احمد ابن یوسف ـ شریعتمدار ـ عباسعلی ـ محمد علی طباطبائی ـ لطفعلی کلبادی ـ سردار جلیل سابق ـ علی نقی امیر دیوان سابق ـ قاسم عبدالملکی ـ هژبرالدوله سابق ـ اسمعیل کرد اسفندمنی ـ محمد کاظم ـ محتشم الملك سابق ـ غلامحسین ـ اسمعیل ـ اسدالله ـ محمد حسین کرد ـ محمود نیلی تاجر ـ حسین ابن محمدعلی تاجر حسن تاجر ـ محمدکاظم تاجر ـ حاجی رضا بزاز ـ محمد علي ـ علی اکبر ـ حبیب الله ـ واقفي ـ عباس طهرانی ـ آسید غلامعلی محمد دهقان ـ مرتضی ـ غلامرضا ـ محمد جواد ساعت ساز ـ فرج طهماسبی ـ علی ـ علی رمضان ـ علی اکبر ـ رضا ـ ابوالقاسم (قندی) اسحق بشیر اقل بلور فروش ـ ـ حبیب الله احمد دواساز ـ آسید علی پیرزاده ـ امیری ـ محمود کریم ـ محمود محمد علی ـ محمد حسین ـ علی حمید نلی ـ آقاجعفر ـ حسین ـ محمد رضا ـ حسین ـ علی اصغر ـ شکرالله ـ عنایت الله ـ خیرالله ـ محمدابراهیم ـ محمد اسمعیل ـ حسن ـ علی محمد ـ محمد جعفر یوسف زاده ـ علی حسین ـ حسین علی جعفر ـ محمد علی ـ محمد ـ محمود محمدآقا ـ حسین ـ سیف الله ـ حسین ـ محمدحسین خواجه علی ـ محمد کریم ـ محمودعبدالحسین مازندرانی تاجر ـ حسن ـ حاجی آقا ـ محمدزاده تاجر ـ احمد رشتی مشکوة ـ نصرالله ـ مهدی ـ علیرضا ـ

تلگراف از بیرجند بطهران

تاریخ وصول ۱۷ ابان ۱۳۰۴

توسط آقای تدین و آقاي اسدی دام اقبالهما

مقام منیع مجلس مقدس ملی شید الله ارکانه

تلگراف عودت اعلیحضرت شاه. از طرفي و تلگرافات تبریز و غیره از طرف دیگر من حیث المجموع مولد ابهام مقدرات مملکت وتشویش تصورات

ملت و موجب این است که امنیّت شامله که در تحت مراقبت حضرت اشرف رضا خان پهلوی و خدمات برجسته این مرد بزرك در این چند ساله عموم را قرین آسایش داشته مجدداً دچار اضطراب گردد عموم ملت نگرانند که تصمیمات مجلس مقدس را مسبوق شده وبوظایف خود دانسته عمل نمایند ـ محمد هادی ـ محمد مهدی ـ محمّد باقر علوم امام جمعه ـ محمّد کاظم ـ ملك التجار ـ احمد اصفهانی ـ علی بیرجندی سعادت ـ محمّد حسین خلیل ـ حسین ـ غلامحسین ـ عباسعلی ـ محمد علی ـ محمد رضا اکبر اف ـ متحدین ـ علی ـ حسن ـ توکلی ـ غضنفر ـ محمد حسن احمد ـ رضا ـ علی اکبر ـ غلامرضا ـ عبد الله ـ محمد حسین ـ عبدالله علی اکبر ـ عباسعلی ـ ابراهیم ـ علی اکبر ـ محمّد ـ علی اکبر ـ

تلکراف از اشرف بطهران

نمره قبض ۲٤۰ نمره تلگراف ۲ عدد کلمات ۲٤۰

تاریخ اصل ۲ تاریخ وصول ۲ آبان ۱۳۰٤

توسط آقای دادگر مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته کپیه ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه چون سیاست مملکت ایران بجهاتی که عمدهٔ آن عدم فعالیت اعلیحضرت اختلاف رجال رونق بازار ماجرا جویان دچار مشکلات معضله بوده اینك سر تاسر مملکت بتوجهات کامله قائد محبوب ملت ریاست عالیـه کل قوا آسایش امنیت حکمفرما شده نغماتی بوسیله جرائد مسموع که همان اشخاص آمدن اعلیحضرت را میخواهند وسیله نیل مقاصد سوء خود قرار وایران را بحالت سابق سوق دهند لهـذا استدعا میشود این نعمت امنیت عمومی خصوصاً نقاط شمالی که فی‌الحقیقه محیر العقول است آن نماینده گان محترم استدامه داده و از بی علاقه مندان بمملکت ترك علاقه نموده ممنوع از ورود مداخله فرمایند ـ ملك زاده ـ اقل‌الساداة سید آقاجان

دکتر ابوالقاسم - احمد علی - حبیب‌الله - اقل‌الحاج محمد علی - میرمیران -
شیخ حسین - شیخ محمد - اقل الحاج علی آقا - محمد رضا - داعی
ثقة‌الاسلام - حسین - علی - محمد - علی - مهدي - محمد قاسم - رجب
محمد علی - حسینعلی - فتح‌الله - رزاق - ابوالقاسم - حاجی حسین -
محمد علی - محمد علی - اقل‌الحاج محمد علي فخار - رمضان - محمود - حسین
علی اکبر - اقل سید حسین - حسین
بسمه تعالی این تلگراف از اهالی اشرف است از آن ذوات محترم ترقب
داشته که آسایش و امنیت مقدم بسائر امور دارند رفع نگرانی و اضطراب
خیال ازعامه فرمایند (احقر محسن الحسینی) (اقل محمد حسن سبت حجة الاسلام)

از مشهد بطهران

نمره تلگراف ۸۶۹ مورخه ۲۴ مهرماه ۱۳۰۴

مقام منیع مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه - بعد از سال های
متمادی جدیداً ملت ایران از نعمت امنیت بهره منـد گردیده استدعـا
داریم که بهر وسیله است اقداماتي بفرمایند که این نعمت از ملت که
مدتها گرفتار هرج و مرج بوده است زوال نیابد (هیئت منتخبهٔ اصلاح
خواهان) صحیح است (محمود مشیر آستانه)

تلگراف از تربت بطهران

نمره ۳۷ مورخه ۲۷ مهر ماه ۱۳۰۴

مجلس مقدس دار الشورای ملی شیدالله ارکانه کپیه ریاست عالیهٔ کل قوا
دامت عظمته از قرار معلوم شاه بناي عودت دارند چون فعلاً از مساعی
جمیلهٔ یگانه مربی و حافظ ایران بحمدالله در تمام نقاط امنیت و آسایش
برقرار وعودت شاه دراینموقع بواسطه هیجان اهالی مولد مفاسد خوب
است سریعاً بطور مقتضی سد باب مفسده را بفرمائید (هیئت علمیّهٔ تربت)
الاحقر ذبیح الله - الاحقر محمد باقر الموسوی - الاحقر عبد الله - الاحقر

عبد الرضا افتخار الشریعه سابق.

تلگراف از تربت

نمره ۳۸ مورخه ۲۷ مهر ۱۳۰٤

مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانــه کپیه ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته از قرار معلوم میخواهد شاه .بایران عودت و نعمت امنیت آسایش را که نتیجهٔ خدمات عالیهٔ یگانه ناجی ایران است از ایران سلب از زمان استماع قضیه هیجانی دراهالی تولید و تقاضائی ازداعیان مینمایند چنانچه سریعاً باین غائله خاتمه ندهند مسلماً باخرین درخواست آذربایجانیان متشبث خواهند شد(هیئت علمیه تربت حیدریه) الاحقر عبدالرضا ـ الاحقر محمدکاظم نجفی زاده ـ الاحقر مصطفی ـ ابراهیم الموسوی ـ ابو الحسن الحسینی ـ حسن.

تلگراف از تربت

نمره ۳۹ مورخه ۲۷ مهر ماه ۱۳۰٤

ساحت مقدس مجلس شورای ملی کپیه ریاست کل قوا دامت عظمته پس از قرنی دست معنوی بواسطـه عدم علاقه سلاطـین قاجاریه بخاك پاك ایران امروز خدمات شایان تقدیر یگانه محیي ایران اهالی مملکت را در نزد ملل حیّه سربلند نموده ازقرار مسموع بسیر قهقرائی شروع و میخواهد شاه .بایران وارد شده ملت ستمدیده را مجـددا دچـار فلاکت و ذلت اولیه نموده این امنیت و آسایش خدا داد را مبدل بهرج ومرج ونا امنی نماید استدعا مینمائیم بوسائل مقتضیه از پیش آمد های ناگوار و انقلاب جلوگیری فرمائید چنانچه در رفع غائله خود داري فرمایند ناچار بوسائل دیگر متشبث شده و با برادران غیور آذربایجان هم صدا و بقوهٔ ملی باین اوضاع خاتمه خواهیم داد (از طرف عموم طبقات تربت حیدریه) سهیلی ـ هاشمی الحسینی ـ حاجی سید عبد المجید ـ ارغوان ـ رضاالحسیني ـ

مهدی الحسینی ـ حاجی حسن ـ حاجی محمّد ـ محمد حسین ـ علی اصغر
احمد ـ حاجی میرزا محمد رضا ـ عبدالرضا ـ امین زاده ـ غلامحسین ـ
حسین آقا توکلی ـ جلال زاده خوئی ـ میرزا نادعلی شیرازی ـ ذوالفقار اف
ـ حاجی سید علی اکبر ـ محمد ـ لطفعلی ـ قرائی ـ محمد حسن قرائی
الله یار قرائی ـ غلامحسین ـ سید عبد الباقی ـ بصیری سبزواری ـ حاجی
سید عبد الحسین ـ سلیمان قرائی ـ علی اکبر ـ سلطان علی قرائی ـ
علی اکبر قرائی ـ محمّد علی الحسینی ـ ابوالفضل ـ ابوالقاسم ـ محمد حسن
هادی اف ـ طبیی ـ حسن الحسینی ـ رضا ـ غلام علی ـ محمّد علی
نقیب الاشراف سابق ـ محمدحسین ـ مجتبی الحسینی ـ محمد کاظم اعتماد الحکما
سابق ـ رحمت الله اف ـ العبد المذنب محمد ـ عبدالرضا ـ عبد الحسین ـ
علی اکبر

تلگراف از کرمان

نمره ۲۵ مورخه ۳ مهرماه ۱۳۰٤

مقام مقدس مجلس شورای ملی کپیه حضرت اشرف ریاست عالیهٔ کل قوا ناجي و محیي ملت و مملکت ایران کپیه توسط اطلاعات جرائدکپیه توسط هیئت متحدین آذربایجان تبریز رشت توسط آقایان حجج الاسلام کپیه توسط رؤساء تلگرافخانه ها کمیسیون های نهضت ملی چقدر عجب است که سرتاسر مملکت را عزم وورود احمد میرزای قاجار به انقلاب و بد بختی و اضمحلال دعوت میکنند شما ها وکلای ملت و ساکنین مرکز ثقل مملکت مثل یك عده اشخاص غیر ایرانی غیر مسئول تماشا چی ساکت و ناظرید تمام زحمات دنیای متمدن و وضع قوانین عالم و انتخاب وکلا و افتتاح مجلس شوری برای آسایش توده و سعادت و سیادت و استقلال مملکت است آیا شما در این موقع خطر ناك که فکر هر فرد ایرانی از این خبر مضطرب و متشنج و عصبانی است چه میکنید؟ آیا وضعیت چهار سال قبل ایران را فراموش کرده اید؟ آیا حافظه هـای شما تا این حد

فراموش کار است ؟ آیا وخامت اوضاع را حس نمیکنید ؟ آیا بملت و مملکت خودتان علاقه ندارید ؟ پارلمان نشین ها ! . بدانید مظالم قاجاریه را ایرانی فراموش نکرده و نخواهد کرد دیگر ایرانی بت پرستی نمیکند و یك مملکت شش هزار ساله تاریخی را دیگر به پست ترین ابناء سلسله مشؤمهٔ قاجاریه برای هوس رانی تسلیم نمیکند صراحتاً بشما میگوئیم ملت ایران مواقع خطرناك و مراحل سخت از این را باشهامت و فیروزی و فداکاری گذرانیده و این مرحله را نیز خواهد گذرانید ولی شما که نمایندگان رسمی این ملت محبوبید اگر اداء وظیفه نکردید بر خلاف نظریهٔ توده و مصالح مملکت باشید یك ننك تاریخی را بخود جلب کرده اید وملت تنفر خود را از شما بدنیا اعلام خواهد کرد مجلسیان بعقیده و ارادهٔ ملت یقین داشته باشید که تا دست این خائنین نالایق را از گریبان خود قطع نکند ساکت نخواهد نشست شما ها هم در مساعدت با ملت و موفقیت این نظریه ایرانی را بخود امیدوار کنید و الا ناچاریم قطع روابط خود را نموده برای دفاع ازملت و مملکت با اتحاد تمام ایالات و ولایات تا آخرین نفس خودداری نخواهیم کرد امیدواریم نه خسرو بماند نه خسرو پرست نمره ٦ (کمیسیون مختلط نهضت ملی کرمان)

تلگراف کرمان بطهران

نمره قبض ٤٩١٣ نمره تلگراف ١٥٧ عدد کلمات ١٥١

تاریخ اصل ١٦ مهرماه ١٣٠٤

مجلس مقدس شورای ملی کپیه حضرت اشرف ریاست وزراء عظام و فرمانده عالیهٔ کل قوا دامت شوکته مفاسد و بدبختی هائیکه در ظرف یك قرن از سوء عملیات آل قاجار نسبت بملت ایران متوجه شده دیگر رمقی برای این مملکت باقی نگذارده حالا که دو سه سالست فضل الهی شامل امنیت و آسایش حکم فرما اصلاحاتی شروع گردیده باز هم دست از دامن ملت ستمدیده ایران بر نداشته از قرار اخبار واصله شروع

بتحریکات و دسایسی شده است عموم طبقات اهالی این ایالت از این پیش آمد ها عصبانی و از مرتکبین تحریکات دسایس فوق العاده متنفر مصرّانه قطع ریشهٔ فساد و ید ابدی خائنین آل قاجار را خواستار امیدوارند نمایندگان محترم باین بدبختی ها خاتمه داده بیش از این راضی نشوند سر نوشت مملکت و ملت ایران دست خوش تشبثات وخود پرستی خائنین واقع شود الاحقر (محمد رضا ابن ابي جعفر)

از تبریز بطهران

نمره قبض ۱۶۲۶۲ نمره تلگراف ۱۴۷

عدد کلمات ۱۰۲ تاریخ اصل ۹ مهرماه

توسط حضرت قزوینیان پیشگاه مقدس ریاست وزراء عظام دامت عظمته باطمینان زمامداری حضرت اشرف که منشاء هرگونه سعادت و اقبال مملکت میباشد تودهٔ ملت باکمال امیدواری مشغول کسب و تجارت بودند اخیراً بعضی اطلاعات غیر منتظر از مرکز شایع و موجبات اضطراب عموم را فراهم نموده است لهذا از آنمقام استرحام میشود که توجهات مقتدرانه را در قطع و قلع ریشه های فساد و بالاخره در تأمین آسایش این مشت ملت بدبخت بهرنحوی که مقتضی باشد مبذول و اسباب اطمینان را فراهم فرمائید (ناظم هیئت مؤسسه اصناف) حاج صادق خرازی

از کرمان بطهران

نمره قبض ۵۱۳۵ نمره تلگراف ۲۵۹ عدد کلمات ۶۱

تاریخ اصل ۲۶ مهر ماه

طهران توسط شاهزاده سلیمان میرزا مقام منیع ریاست جلیله وزراء عظام از قرار معلوم حرکات مرتجعانه بر ضد رئیس محبوب دولت و محيي مملکت از طرف بعضی عناصر مفسده جو در طهران شده است جمعیت اجتماعیون کرمان تنفرات شدیده از این حرکات وحشیانه و

علاقه مندی کامل خود را به یگانه فرزند رشید ایران اظهار میداریم نمره ۸۶
(اجرائیهٔ اجتماعیون کرمان احمدی)

تمام نقاط ایران تظلمات تلگرافی خودرا که نمونهٔ آنهارا از نظر قارئین گذراندیم تقدیم نموده و بانتظار نشستند که بلکه کعبه آمال ملت قدمی برای انجام مسؤل ملت برداشته واز ورود احمد شاه جلوگیری نماید.
متأسفانه انتظار ملت در نظر وکلای مجلس چندان وقعی نداشت و چند روز بدین منوال گذشت ودر مقابل تلگرافات فوری حاکی از اضطراب و نگرانی ادنی جوابی هم صادر نشد! . بالنتیجه یك چنین سکوت و لاقیدی در مقابل آن چنان تقاضای شدید ومضطربانه‌جا داشت که ملت را عصبانی نماید و بالاخره اثر خود را بخشید! .
لحن ها ولهجه ها تغییر یافت و احساسات ملی سر کشید کند روی ها مبدل به تند روی و سرعت گردید افکار بنا نهاد که رو به افراط سیر نماید قبلاً مردم ازیکدیگر می پرسیدند (ازطهران چه‌خبر دارید؟) درمقابل این سؤال فقط جواب منفی بود ــ هیچ! .
باید فکری کرد! . این حرف درهر نقطه که قبلاً زده میشد فوراً بنای تموج می‌گذاشت ازیکی بدیگری سرایت نموده ودائره خودرا بایك سرعت خارق‌العاده وسعت‌میداد وچند نفری ازتجار واصناف وکسبه وزارع وملا وواعظ وپیش نماز دورهم گرد آمدند که فکر نمایند
چه میتوانیم بکنیم؟ باید ازمجلس شورای ملی مأیوس شد ودست بدامن حاکمیت ملی‌زد ومخالف‌را ازبین برداشت وامنیت عمومی را که درسرتاسر مملکت‌حکمفرما است حفظ کرد وتسلیم شخصی شد که دراین چند ساله بافقدان تمام وسایل بایران استقلال داده و با تمام معنی آنرا تثبیت نموده است برای طرح مذاکرات واخذ نتیجه چندان وقتی لازم نبود چون مطالب درطی‌گذارشات زمانه مورد مداقه ومطالعه‌گردیده وهرکس‌باندازهٔ خودمسئله

راحل نموده بودند در یك طرفة العین می توانستند نتیجهٔ مطلوبه را تحصیل نمایند.

(نتیجهٔ مطلوبه ـ نهضت وقیام)

تصمیمات اتفاقی بود و برای عملی کردن آن هیئتی لازم بود که در رأس جریانات قرارگرفته وزمام نهضت وقیام‌را بنام ملت دردست خود بگیرند. چون اولین جلسه در آذربایجان تشکیل شد لذا اولین مولود تازه بنام (کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان) موسوم گردید!.

تحقیقاً این جریان بی کم وزیاد شبیه کمیتهٔ انقلابی خانه (مسیو کولینیاك) در اوان انقلاب فرانسه واختلافات (اتاژنرو) بود که مرکز مباحثات و ربط رشته های اتحاد ملت بایکدیگر برای تهیهٔ مقدمات و وسائل انقلاب گردید.

زمانه متشابه است ـ تمام ملل در نشئهٔ زندگانی اجتماعی در روی دائره مخصوصی سیر کرده دیر یازود هر لاحقی به سابق خود خواهد پیوست و قدمهای خودرا بهمان نقطه خواهد گذاشت که پیش آهنگان و سابقین گذاشته وگذشته اند.

اینك زمانه مرتبه دیگر ایرانی‌را بسرمنزل مقصود رسانیده ودارد مقدمات انقلاب را تهیه مینماید.

هر مولودی پس‌از ولادت برای او اسم گذاری میشود مگر عقاید وآمال ملی وانقلاب که برای این مولود قبلاً اسم گذاری مینمایند!.

کمیسیون مختلط نهضت ملی تشکیل شد واز این دقیقه کمیسیونهای نهضت بنام ملت مستدعیات وتظلمات وبا اوامر و احکامات خودرا صادر مینمایند ولي دیروز شخصی ویابنام طبقات معینه ویا اهالی بود.

آهنك بیان و انشاء مرام نیز تغییر کرده و نزاکت قدری کنار رفته کمیسیونهای مزبور قبلاً مثل اشخاص بنای استدعا واعتراض گذاشتند ولی آنها نیزجوابی نشنیدند (آنرا که خبر شد خبری باز نیامد!.)

راه‌دور ومقصدمهم وسائل استخبار واستطلاع منحصر به پست وتلگراف است ولی متأسفانه نه پست خبر میرساند و نه تلگراف جواب میدهد و یك دست قادری بدهن پست و تلگراف گذاشته شده واجازه تکلم نمی دهد برای اینکه برخلاف قانون اساسی و آزادی دولت وسایل استخباریه‌را سانسور وتوقیف نموده نه تنها ایالات وولایات ازطهران بی خبرند بلکه طهران نیز ازتمامیت ایران بی اطلاع است !.

لابد در طهران خبری است باید از مرکز کسب اطلاع نمود ؟

(قاصد سری)

همه میدانیم که مدتهای مدیدی است که مسافرین داخلی ایران نیز در تحت سانسور و تفتیشات نظامی واقع شده زن و مرد از هر نقطه ولو از دهی به کوره دهی بخواهند سفر کنند باید از حکومت های نظامی با یك تشریفات و مقدمات مخصوصی تحصیل جواز سفر نمایند !.

چه در طهران و چه در نقاط دیگر در دهات و قصبات و شهر ها پلیس و ادارهٔ قلعه بیگی صادر و وارد را تفتیش میکنند ! . و چه اشخاص بی اطلاع از اوضاع را که از بیراهه وارد شهری و یا طهران گردیده و یا رو به مقصدی از شهری خارج میشوند بنام اشخاص مظنون دستگیر و در اعماق سیاه چالهای نظمیه روز و شب خود را میگذرانند !.

این بیچارگان بیخبر از اوضاع و از منویات دولت که برای خفه کردن احساسات عمومی سرپوشی بروی قضایا گذاشته شهید انظار شبه ناك پلیس میگردند و بقعر محبس میروند نه از روز خبر دارند و نه از شب و نه میدانند که در ایران چه خبر است ؟ و برای چه اینها را توقیف مینمایند ؟

با یك چنین احوال و تحمل هزاران مشقت قاصد سری از آذربایجان وارد طهران گردید !.

مسافر مزبور از مرکز دهشت و اضطراب حرکت کرده و با تحمل هزاران مصائب وارد مرکز خاموشی گردیده است !.

(دریای خود و یا شهر خواموشان یا قبرستان سکوت)

پایتخت را اینطور تشخیص داد کـه شهر مردکان است و پلیس اجازه نمیدهد که دو نفر ده دقیقه در جائی توقف نمایند!.

قاصد سری را فعلا در طهران میگذاریم که همشهریهای خود را درگوشه و کنار پیدا کرده اگر توانست راز نهانی خود را باترس و لرز بگوید و جریانات آذربایجان را آهسته بگوش اهالی بسراید بلکه بتواند خود را به تشکیلات سرّی و یادلهای مردم آشنا نماید وخود بطرف تبریز رهسپار میشویم تاحقیقت منویات اهالی را دست آورده وعملیات آنانرا ازنظر بگذرانیم

(شهر تبریز)

هنگامهٔ غریبی است روح انزجار وتنفر میزانهٔ خود را بقـدری بالا برده که سکونت وآرامي مبدل به قیام شده و ملایمت به خشونت عوض گردیده روح دیگری در جامعه وجماعت بنای حکومت گذاشته و حالت مخصوصی را ایجاد و مردم بنای زمختی ودرشتی بلکه ستیزه را نسبت بقوای تأمینیه گذاشته و بایك نظر عداوت و بغضاء بعرض و طول تشکیلات عریض و طویل دولتی نگاه میکنند و درنظرها اینطور مجسم شده‌که مانع موفقیت ملت وپیش آهنگان نهضت فقط ادارات دولتی است واز همه چیز مبغوض‌تر سیم تلگراف است که قصور یاتقصیر در اعمال وظیفه و ایصـال جواب مساعد نموده اگر مقتضی شود بعیـد نیست سیم ها را پاره و عمـارت تلگرافخانه را باخاك یکسان نمایند درنتیجهٔ یك چنین حس عداوتی بود که سیم تلگراف مورد عداوت‌عمومی گردید وقاصد های سرّی بتمام نقاط پراکنده شدند که بهروسیلهٔ ممکنه افکار را بطرف خود جلب ودرپس پرده یك رشته‌کارهاي خطرناك را انجام داده واگر بتوانند‌در مرکز نیز کمیتهٔ نهضت را دائر ویابعبارهٔ دیگر دینامیت هارا درهر نقطه که مقتضي دیدند چال کرده وازوی آتشهای مشتعل آهسته خاکستر گرم‌را دور کرده ورشته

هارا به آذربایجان متصل کنند که بمجرد اصطکاك قوّه مواد مدفونه را محترق وعالمی را واژگون نمایند شهر تبریز پس از اجرای این مقدمه خود شروع به تعطیل کرده ودر سرتاسر آذربایجان این معنی جاری وبنقاط دیگر سرایت نموده گرچه طهران به مستدعیات و یا اعتراضات ملت جواب نمیدهد ولی مردم از تلگرافخانه ها دست بر نداشته و تحصن گاه خود قرار داده نهایت آنکه متصل تلگرافات اعتراض آمیز است که از نقاط دور دست بطهران میرسد ولیکن قوهٔ برق به دریای لایتناهی سکوت و یا سانسور متصل است و تا این دقیقه اهل طهران از تلگرافات بی خبر و سانسور اجازه انتشار آنها را نداده است .

(سانسور)

هر اندازه که غلیان احساسات در نقاط خارج مرکز سر کشیده و طوفان میکند بهمان اندازه نیز سانسور درطهران هنگامه بپا کرده اذربایجانی در تلگرافخانها متحصن وسایر ولایات وایالات در مساجد و تکیه ها معتکف و از مرکز مایوس و دست دولت تلگرافات را سانسور نموده و نمیگذارد منویات و مستدعیات ملت درطهران منتشر گردد ولی بعکس قاصد های سری بتکاپو افتاده جسته جسته نیزمسافرین واردطهران میشوند همه میدانیم که انقلاب هر دقیقه حکم مخصوصی دارد مسافرین مشهودات چند روزه قبل خود را نقل و وقایع را سینه به سینه ویا دست به دست تحویل میدهند .

بدیهی است وقتیکه اخبار انقلاب از موقع خود گذشت ویا ازمتن خارج شد و مشاهدات به مسموعات انتقال یافت اختلافات کلي تولید کرده وبیشتر مردم را مضطرب و متوحش مینماید !.

در این چند روزه وحشت غریبی درطهران تولید شده و اذهان دارد متوجه جریان دیگري میگردد از همه مقدم تر آذربایجانیان مقیم طهران از

سابقهٔ انقلاب تبریز بوئی بمشامشان رسیده از طرفی عصبیت همشهریگری واز طرفی تشویش و نگرانی افکار را مضطرب چه آنکه هرکس از بسته ووابسته خود نگران و هر دقیقه نزول حوادث را برای آنان تجویز واحتمال میدهند که ممکن است یك مرتبهٔ دیگر جنك خانگی و کشت و کشتار و مخصوصاً تصادمی بین اهالی و نظامیان سر بگیرد!.

با یك چنین مخاطرات حتمی الوقوع و تضییقات حکومت نظامی که اجازه نمیدهد دو نفر در خیابان با یکدیکر دو دقیقه توقف وصحبت نمایند وممنوعیت اجتماعات از جمعیت و جماعت به بین الاثنین نیز تجاوز کرده با وجود این قاصد سری مثل برق وظیفهٔ خود را انجام داده وگذارشات تبریزدر پیش اذربایجانیان ساکن طهران مثل روز روشن شده‌است!.

موقعی است که آفتاب در تکاپوی غروب افتاده و چرخ از رحلت خورشید سیه میپوشدوزردی بیم و هراس بچهرهٔ روز نشسته ودقائق اخر حیات خود را میشمارد وچشم طبیعت نیز باین مرگ داردکم کم اشك میریزد

هوا ابر است و نم نم می‌بارد دم بازار چهار نفردو بدو راه میروندولی معلوم‌است درحال جدائی وبعدمسافت از یکدیکر متفق و متحدند وبا ایماء و اشاره چشم منویات خود را بیکدیکر میرسانند و از پلیس ملاحظه دارندو دور هم جمع نمیشوند وروبهم رفته ازقیافهٔ آنها معلوم است که در حال تردید واضطراب بلکه عصباني هستند ومسموعات بدی از تبریز دارند این جمله ازیکی بیخگوشی به دیکری گفته شد (هیچ چاره نیست مگر آنکه بخانهٔ رئیس الوزراء پناه برده هر چه بادا باد متحصن شویم و لا اقل از اذربایجان کسب اطلاع نموده باکه بتوانیم از حادثهٔ مترقبة الوقوع ویا واقع شده کسب اطلاع و با جلوکیری نمائیم)

ایستاده بودم و این اشخاص مردد و مضطرب را که با نهایت احتیاط اطراف خود را می پائیدند تحت نظر گرفته دیدم دو به دوسواردرشکه شده وراه افتادند در نزدیك منزل رئیس الوزراء و رئیس کل قوا (رضا خان پهلوی)

پیاده شده خواستند وارد خانه گردند

شب بود باران می بارید و در نظر قراول این اشخاص مجهول بودند و از ورودشان جلوگیری نمود ولی واردین مقاومت نمودند ودم درداد وبیداد بلندشد هرچه بود قال وقیل به داخلهٔ خانه سرایت نمود ومستخدمین رئیس الوزراء را مستحضر ساخت و مؤلف را به دم در کشانید قضیه را استعلام نمودم جواب دادند (متحصنیم)

برای چه ؟ مطلبي دارید کتباً عرضه بدارید

ممکن است قلم و کاغذی داده شود تا مطالب خود را بنویسیم ولی با نهایت تأسف جواب یأس شنیدند و بالنتیجه تحصن پذیرفته نشد!

از آنطرف مقاومت شدید تر شد بالاخره جوابی داده نشد و مایوسانه بطرف مدرسهٔ نظام رهسپار شدند که شب را بسحر رسانند و مستدعیات خود را عرضه بدارند

شب بود و هوا تاریك و بارانی و این چهار نفر کاملا مجهول و از قضا مستدعیات خود را نیز نمیتوانستند علناً اظهار بدارند و لازم بود مداقهٔ مخصوصی در بارهٔ این اشخاص بعمل آید و حرفشان نیز طوری نبود که فوراً آنها را بدست پلیس داد و به حبس تاریك نظمیه فرستاد!.

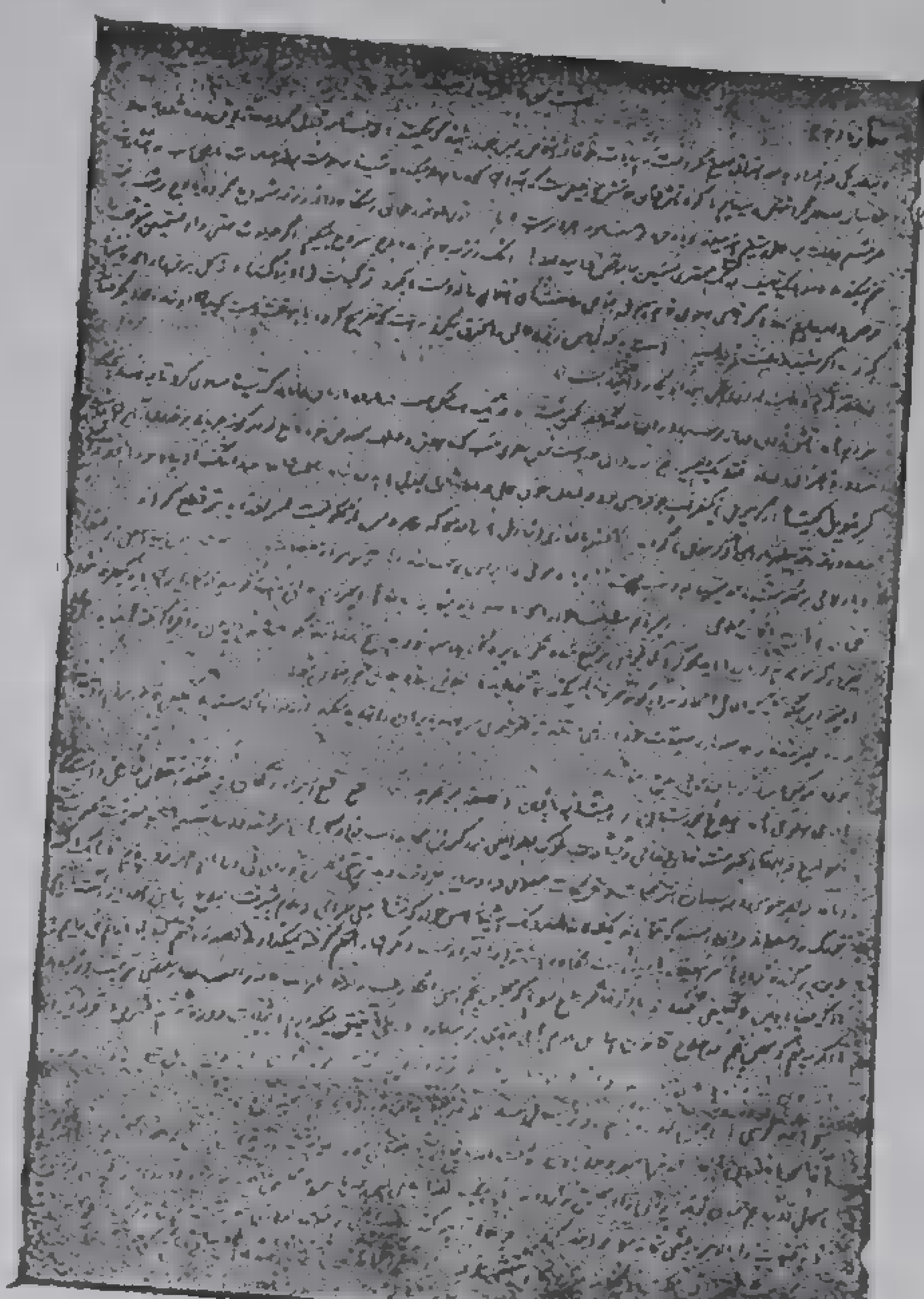
هر طور بود درمدرسهٔ نظام تحصن اختیار نمودند .

دو نفر از این اشخاص در مدرسه ماندند و دو نفر دیگر شبانه از باغ خارج و رو به یك مقصد غیر معلومي متوجه و از رفیق خود جدا گردیدند .
گویا برای این از رفیق خود جدا شدند که خودی بیاران منتظر رسانیده و خبر دهند که ممکن است از این توقف موقت در مدرسهٔ نظام استفاده نمایند

درست ساعت پنج از شب بود که یکعده اشخاص مجهول که خود را به سایهٔ دیوار کشیده و بفاصله های معین از یکدیگر جدا راه میرفتند در

اطراف باغ مدرسهٔ نظام در تردّد بودند و بعضی از نرده ها سرازیر و چند نفر از در باغ وارد و در زیر سالون موزه در حوض خانه گرد آمدند و یا توقف و یا تحصن اختیار کردند!.

در این حوض خانه زیاد تر از یك چراغ نمیسوزد و یك نفری با نهایت دقت چیزی مینویسد بنظر می آید که عرایض متحصنین و یا متوقفین را دارد مسوده میکند ـ جعبه ژلاتین محرمانه بمیان آمد و این اوراق راچاپ ودر ساعت هشت ازشب باوجود غدغن اکیدو سانسور ومنع تردّد در کوچه‌ها و پس کوچه ها منتشر گردید این است یك نسخه آن که عیناً گراوُر شده وعبارات آن را نقل مینمائیم



(شب نامه)　　رفقا بعد از قرائت بدیگری بدهید

شماره ۳

مشت نمونهٔ خروار است

دیروز یکی از افراد جامعه استراق سمع میکرد نسبت به بیانات جوقهٔ از

اشخاص این جمله را شنید که میگفتند (شب نامه متبذل گردیده و ژلاتین دموده شده) حالا جواب آن عده و دیگر اشخاص را میدهیم کوه آتش فشان علامتش بخار غلیظی است که ابتداً آن کوه را احاطه میکند « شب نامه علامت بروز احساسات ناراضی است » انتشارات غیر مستقیم دلالت بر اعمال مستقیم آتیه میکند و بالاخره (مشت نمونهٔ خروار است !.)

آری آوازه خوان دستگاه را از زمزمه شروع کرده باوج وشت آن ختم میکند بلا فاصله با یك تصنیف و رنك مختصری مستمعین را برقص وا میدارد !

اینك زمزمه تمام شد باوج شروع میکنیم اگر حوادث مهلت داد مستمعین متوقف را برقص وا میداریم -

اگر آقای پهلوی تمام اصول اجتماعي و نهضت های انقلابي را از دست ما بگیرد ترکیبات (آمانیاك) و (گلیسیرین) را از ما نمیتواند بگیرد - اگر شنیدید نهلیست روسیه دست به دگمهٔ لباس زده عالمیرا محترق میکرد نه آنست که تفریح کرده یا حماقت دست بگریبان او شده بود بلکه فشار دربار (تزار) واهمیت آزادی طلبی اورا باین کار وامیداشت !.

مردم ؟ - آتش زدن دربار پوسیدهٔ ایران دریك دقیقه ممکن است دریك شب ممکن است که دربار و درباریان را باخاك سیاه مساوی کرد تاچه رسد به چند نفر مزدور واجیران دربار فقط یك چیز مانع است وآن اقتدارات شخص پهلوی است که با اخلاق وعواطف مخصوص خود مانع از هرگونه جریانی برضد دربار ایران میباشد

کرموویل کیست ؟ (کرموویل) یکنفر آب جو فروش بود در لندن چون بیحالی دربار (شارل اول) پدر شاه انگلستان جامعه را تنگ آورده بود ایجاد ناراضی شده ورفته رفته مظهر ناراضی ها (کرموویل)

گروید و یا مختصر پافشاری (شارل) را درمحاکمه حاضر وپس از محکومیت سر اورا باتبر قطع کردند!.

آیاد لائلی برمحکومیت احمد میرزا در دست نیست ؟! ویا کرموویل در ایران تربیت نشده ؟ خیر هردو مقتضیات موجود است پس چرا این عمل اجرا نمیشود؟ نمیدانیم! آقای پهلوی ؟ این مردم مطالب خود را بچه وسیله باید بشما برسانند این مردم مدتی است میگویند که کار ایران باید یکطرفه شود یعنی مرکز موهوم دربار را باید محو کرد که نگرانی مرتفع شده فکری بزندگانی جامعه بشود - هیچ میدانید سکوت عمیقي ایران را فرا گرفته ؟ نباید غافل بود از نتیجه این سکوت که بالمآل ایجاد هزار گونه حرف ها میکنند - بگذارید کار یکطرفی شده جان جمعی خلاص شود

مردم فقیر شدند - جامعه از وضعیات خود ناراضی هستند - فقر عمومی سرتاسر ایران را تهدید میکنند از همهٔ انیها گذشته بلاتکلیفي قاطبهٔ مردم را عصبانی نموده هرکس سر در گریبان در پی علاج میباشد آقای پهلوی؟ اصلاح خوزستان - امنیت آذربایجان - تسویهٔ امور خراسان - قلع و قمع اشرار ترکمان - حفظ استقلال خارجی و امنیت طرق و شوارع - الغاء حکومت خان خانی و تشکیلات ملوك الطوایفي بزرگترین مجاهدات و یادکار های برجستهٔ دورهٔ تصدیات حضرتت محسوب است.

اما غائلهٔ فقر عمومی و داستان آنتریکات خصوصی و اوضاع خراب و بی زتیبي مجلس شورای ملی در ایام اخیردورهٔ پنجم تماما یك نکتهٔ بزرك را میفهماند و آن این استکه حتما باید یك لانه جغد و یك اشیانهٔ لاش خواری که منشاء اصلی خرابی و عدم پیشرفت اصلاح اساس امور ایران است از بیخ و بن بر کنده گردد! چرا معطلید ؟! چرا دست نگاهداشته اید ؟! چرا دست دیگران را محکم گرفته نمیگذارید قضیّه را ختم کنند؟! باز نمیدانیم! امّا اگر قضا یا

بهمین بلا تکلیفی بگذرد ـ ما اگر خاطر جمع نشویم که مجلس پنجم اهمیتی بافکار ملّت داده تنفرات عامه را نسبت به در بار سلطنتی ترتیب اثر میدهد ما اگر نه بینیم که مجلس پنجم در اصلاح قانون اساسی قدم های جدّی بر میدارد علی التحقیق نمیگذاریم انتخابات دورهٔ ششم شروع شود زیرا باز همان آش است و همان کاسه و باز همان عناصر فاسد مزدور و اجیر دربار خودشان را بانواع حیل بشما نزدیک نموده میخواهند کرسی های مجلس دوره ششم را اشغال کنند

(هر آنکس آزموده وآزماید ـ همیشه رنج بر رنجش فزاید) آقای پهلوی؟ بالاخره صبر و بردباری شما ملت آذربایجان را عصبانی نموده عاقبت بی اعتنائی مجلس و حقه بازی وکلای معلوم الحال دورهٔ پنجم عنان توجه ایران را از مجلس برگردانید ـ اینک آذربایجانی پس ازیأس ازمجلس به خانه شما پناه آورده و نگرانی اوضاع تمام طبقات را بالاخره ملتجی بخانهٔ شما خواهد کرد ـ حالا تاچکند مهمانداری وملت نوازی حضرتت ؟ این آخرین التماس ملت ایران است بشخص اول مملکت و یگانه مرکز اتکاء حقیقی خود بقیه دارد

(جامعهٔ انتقام ملی)

(قبل از طلوع آفتاب)

هنوز آوارکان آسمان حیرت و یتیمان چرخ یا (بنات النعش) در سمت مغرب دور هم جمع و بحال زار ملت ایران گریه و زاری داشتند هنوز نور افکن آسمان به وا ماندکان قافلهٔ تمدن و گمراهان شب دیجور تعالی از سمت مشرق نتابیده‌بود که گمشدگان را براه راست هدایت نماید

گرگ درنده طبیعت میرفت خمیازه کشیده و دم خود را براق کرده برمهٔ ستارگان هجوم نماید

هنوز رب النوع ظلمت بالهای سنگین وسیاه خود را از روی افق طهران جمع نکرده بود و بالجمله با این همه تشبیهات پیش از طلوع صبح بود که عیاران شب‌گرد وزنده دل و بیدار آذربایجانیان مقیم طهران

اطراف باغ مدرسهٔ نظام را احاطه کرده وولولهٔ غریبی راه انداخته بودند!.
این اشخاص کیانند؟ برای چه در این دل شب در این منطقه‌نظامی دور هم
گرد آمده اند؟ پلیس در حیرت است!. وازمشاهدهٔ این ازدهام درتعجب!.
سوت میزند و از پست های سیار استمداد میکنند.
مقصر یکی دوتا نیست که از قانون منع تردد سر پیچی نموده و در این
وقت نابهنگام ودل شب که هنوز موذن کلبانك صبح را نگفته نامردم
ولو بقصد نماز جماعت از خانه بدر آیند دراین نقطه جمع شده اند!.
درجلو منزل رئیس دولت همهمهٔ غریبی است اگر سوت آژان پست‌های
سیار را بطرف منزل رئیس دولت میکشاند چند برابر آن حسیات درونی
آذربایجانی نیز مانند تلگراف بی سیم درباطن کار خود را میکنند افراد
دیگری را بجمعیت علاوه مینماید و بالجمله هرچه عدهٔ آژان بالا میرود
عدهٔ نفوس نیز چند برابر بالا میرود!.
اینها آذربایجانی هستند که دراین دل شب بقصد تحصن به در خانهٔ رئیس
دولت پناه آورده ولی متاسفانه اول شب جواب یاس شنیده و مقاومت
کرده اند که صبح باید مقدرات آنها را تعیین نمایند.
چه میدانیم؟ مقدرات این حس زدکان درمحکمه نظامی بکجا خواهد کشید؟

(نزدیك طلوع آفتاب)

پرده های آسیاب چرخ خون سیاوش را بروی افق طهران پاشید و آسمان
برنك خون شد وابرها خون فام گردید.! گویا از بی اعتنائی دولت
نسبت به مستدعیات ملت طبیعت عصبانی گشته و خون بچهره اش صعود نمود
و با قاضی محکمهٔ عدالت در دل شب بمستندات تظلم ملت از قاجاریه
و جنایاتي را که در طول یکصدو پنجاه سال مرتکب شده بودند رسیدگی
کرد و بروی میز قضاوت پارچه قرمز کشید و با چشم طبیعت بحال ملت

ایران زار گریست و شب نم بروی زمین نشست و رنك قرمز ابرهای خونین نیز در آنها منعکس شد و زمین و آسمان برنك ارغوانی و خونین گردید!.
دراین شب بالخصوص تاثرات طبیعت زیادتر بود اول شب اگر آسمان بحال متحصنین میگریست درآخر شب نیز شب نم باآه سرد مظلومین تقطیر شده و بروی گلها نشسته بود و مانند آه عاشقانه منتظر حرارت بی مهری معشوق بود که نابود گردیده و به دریای نیستی متصل گردد در یك چنین گیرودار طبیعت شرح گذارشات شب را برئیس دولت راپورت دادند که در مدرسه واطراف آن قیامتی بر پاست و اوراق شب نامه در دست آژان ها نمونه رستاخیز را مجسم نموده و هیئت پلیس مصداق (اما من اوتی کتابه بیمینه) گردیده‌اند!.
پلیس امر تفرق میدهد ومردم باچشم مسخره وحقارت باین امرنگاه میکنند نزدیك است زدوخورد سر بگیرد!.
قضیه مبهم است ـ وجمعیت ناشناس ـ مقصد غیر معلوم ـ مثل اینستکه بی بهانه میگردند و آذربایجانی ها مثل یك صاحب منصب بانفوذ فرمان می دهند ومردم را ازطرفی بطرفی میکشانند و از حالي بحالی تحویل میدهند. لازم است قضیه مکشوف گردد؟
برای استطلاع احوال از متحصّنین نماینـدهٔ خواسته شد که مقصود را بیان واحوال مستور را مشهود وعیان دارد

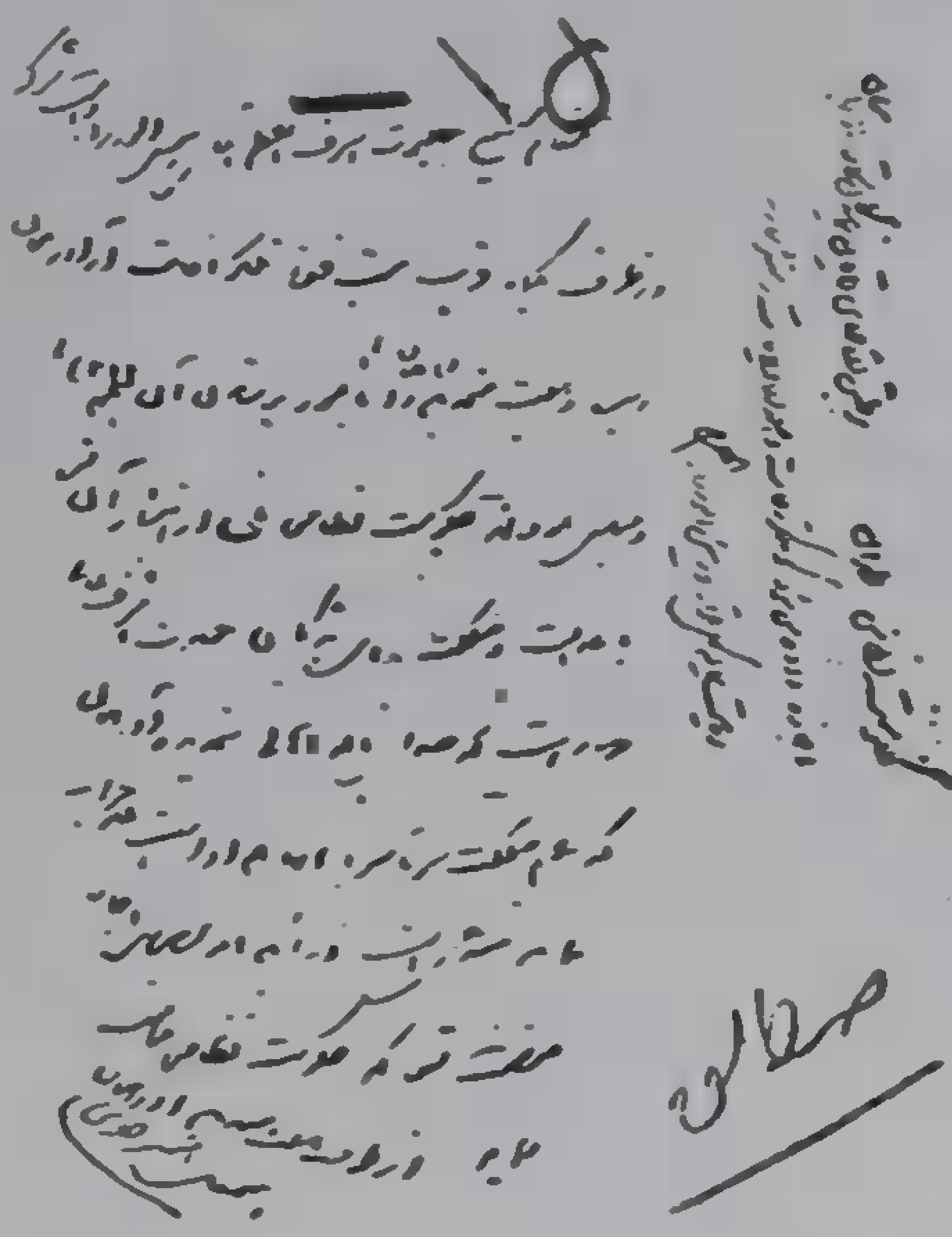
(شرفیابی واولین استدعا)

یکی از روحانیان معمر آذربایجان که معلوم نبود درچه ساعت شب وارد باغ مدرسه گردیده وتحصّن اختیار نموده بود برسم نماینـدگی تعیین و بحضور رئیس‌الوزراء ورئیس کل قوا شرفیاب شد وچنین عرضه داشت که اولین مقصد متحصّنین زیادتر ازاین نیستکه اجازه داده شود تلگرافات ومکاتیبی که درظرف یکماه از آذربایجان و سایر نقاط مخابره و ارسال شده وبواسطهٔ

☆☆☆

متعلق بصفحه ۹۱

عریضهٔ متحصنین آذربایجان در مدرسهٔ نظام



مقام منیع حضرت اشرف اعظم آقای رئیس الوزراء دامت شوکته

درظرف یکماه قریب بیست فقره تلگرافات ازآذربایجان رسیده وهیئت متحدین آذربایجانرا مامور رساندن آن بعموم اهالی و مجلس نموده اند حکومت نظامی مانع از انتشار آنهاست با عدالت و مملکت پروری بندگان حضرت اشرف عالی دور است که صدای نالهٔ اهالی ستمدیده آذربایجان که عموم ملت سر تاسر با آنها هم آواز است بلاجواب بماند مستدعی است در این امر مخصوص اجازه مرحمت شود. که حکومت نظامی ممانعت ننماید

از طرف هیئت متحدین آذربایجان (اسمعیل هشترودی)

حکومت نظامی طهران برطبق تقاضای آقایان که
نمایندگان تجار آذربایجان اجازه داده میشود که
تلگرافات واصله از ولایات را منتشر نمایند
ریاست عالیه کل قوا و رئیس الوزراء (رضا)

حکومت نظامی جلوگیری از ایصال بمقصد و انتشار گردیده از زیر دست سانسور خارج و متحصّنین استدعا دارندکه بموجب اصل (۲۶) متمّم قانون اساسی باآنها رفتار شود که مردم بتوانند از گذارشات فامیل و منسوبین خود در خارج مرکز مطلع ورفع نگرانی نمایند .

(استنکاف یارد تقاضا)

رئیس کل قوا ازقبول این تقاضا استنکاف و چنین اظهار جواب نمود که بمقتضای مصالح عمومی و مملکت حکومت نظامی اعلان شده و اگر مقتضی بود البته جلوگیری نمیشد و چون موقع برای اظهار پارهٔ مطالب ممکن است مقتضی‌نباشد لذا نمیتوان این استدعا را پذیرفت .

(اثرات یأس)

نمایندهٔ مزبور نتیجه‌را به‌متحصّنین رسانید ویکدفعه یك‌حال عصبانی‌بس مخوفی در وجود متحصّنین پیدا شد که بی اختیار بمنزل شخص رئیس دولت‌هجوم وبرای عملی کردن تصمیم‌خود مستعدّ جذب ودفع هرگونه پیش‌آمد گردیدند . اصرار ملت و استنکاف رئیس دولت بطول انجامید و پافشاری از حد گذشت

(اولین فتح ملت)

پافشاری ومقاومت بالاخره نتیجهٔ خود را بخشید وازهمین ساعت که تقریباً سه ساعت و نیم بعد از ظهر (روز چهارشنبه ۵ آبان ۱۳۰٤) رفته بود که ملت شروع کرد شاهد مقصود را در آغوش خود بگیرد

اجازهٔ انتشار مخابرات ورفع سانسور صادر واین است عین‌عریضه ودستخطیرا که درحاشیهٔ آن (رئیس الوزرا و رئیس کل قوا) اجازهٔ انتشار مخابرات و رفع سانسوررا دستخط وامضاء نموده است

☆☆☆

دستخط رفع سانسور و انتشار تلگرافات صادرگردید چندساعت ازین واقعه نگذشته بودو متحصنین در نهایت اضطراب دقائق را می شمردند که یکمرتبه هزاران اوراق از مطابع به خیابانها ریخته شد و تلگرافات سانسور

شده راطبع و توزیع نمودند و حوادث خارج مرکز که در این مدت در پس پردهٔ بي اطلاعی مرکزیان بود مشهود و مستدعیات ملت معلوم گردید و فهمیده شد که چه اندازه دولت از افشاء مخابرات جلو گیری و نسبت بازادی عمومی سخت گیری کرده است!.

دیگر اراده و اختیار مرکزیان از دست رفت عقاید وافکار متشنج و عصبانی و ازاین ساعت روح دیگری در جامعه و جماعت تولید شد که یکمرتبه بکلی وضعیات را منقلب و دگرگون نمود!.

حقیقةً رفع سانسور بمنزلهٔ نیشتری بود که بهشریان احساسات زده شد و مردم فهمیدند که میتوانند منویات خود را ولو در ضمن ترجمه و تفسیر مدلول تلگرافات بیکدیگر بگویند و افادهٔ مرام نمایند.

از همین ساعت ملت میرفت با اصول توارث سلسلهٔ قاجاریه جنگیده وغالب و مغلوب را یکمرتبهٔ دیگر معلوم بدارد وما فعلاً ملت را در حال تجهیز گذاشته ولی نمونهٔیکدوره تلگرافاتی را که ازسانسور خارج و منتشر گردیده جمع آوري و عیناً نقل مینمائیم و مندرجات آنها را از نظر میگذرانیم تا بحقیقت تقاضاومستندات قیام پی‌برده واسرار نهضت را به مخزن تاریخ بسپاریم

(مستدعیات ملت یا تلگرافات)

قبلاً این نکته را به دست آورده ایم که ملت از مجلس شورای ملی استدعاي جلو گیری از ورود احمد شاه به ایران نموده و بهمین اندازه قانع بودند ولي مجلس به این استدعا هیچگونه جواب مثبت و یا منفي نداده و به عظمت و اهمیت ارادهٔ ملت وقعی نگذاشته ویا دولت مانع بوده واعمال نفوذمیکرده که این تلگرافات در مجلس علنی نشود و پیش‌بینی از تولید حوادث مینموده هرچه بوده لاقیدی مجلس نسبت به مستدعیات عمومی ملت را عصبانی نموده و تقاضای اولیه از بین رفته و مرام دیگری جای انرا گرفته که ما از چگونگی ان بیخبر بوده ایم اینك که محذور رفع و سانسور برطرف گردیده از متن تلگرافات، حقائق را استنباط مینمائیم

ادارهٔ تلکرافی دولت علیه ایران

از تبریز	نمره قبض ۱۶۵۵۹	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ اصل	اسم گیرنده
بطهران	نمرهٔ تلکراف ۲۰۷	۹۶	۱۱		۷-۱۳	

تلکراف تبریز بطهران

نمرهٔ قبض ۱۶۵۵۹ نمرهٔ تلکراف ۲۰۷

تاریخ اصل ۱۲ مهر ماه تاریخ وصول ۱۳ مهر ماه

توسط آقای هشترودی اتحادیون اذربایجان کپیه مجمع اقتصاد کپیه اطلاعات اتحادیهٔ اصناف برای کوتاه کردن دست غاصبانه قاجار بازار تعطیل و تا موفقیت کامل نشود دست بردار نخواهیم بود محض هم اواز شدن بازار طهران را هم تعطیل نمائید کمیسیون مختلط نهضت ملی اذربایجان

(تلکراف تبریز به طهران)

نمرهٔ ۱۶۸۳۲ نمرهٔ تلگراف ۲۶۰ عدد کلمات ۲۹۹

تاریخ اصل ۱۵ مهرماه تاریخ وصول ۱۵ مهرماه

مقام منیع مجلس شورای ملی شید الله ارکانه کپیه اداره اطلاعات یك ملت فدا کار و علاقه مند باستقلال مدفن نیاکان عظیم الشأن که پیش روی خویش را در کلیهٔ انقلابات ثابت نموده شورای ملی مرکزی را طرف توجه قرارداده داد خواهی نمود تا دست نالایق و سیاه خائن به مملکت را قطع و وجود منحوس یك نفر از بی علاقه ترین افراد بمملکت داریوش را از طریق سعادت ملت بر داشته و محو نمایند با کمال تأسف مشاهده کردیم که کرسی نشینان بهارستان معروضهٔ ملت آذربایجان را طرف توجه قرار

حتی المقدور جبران ماضی را نموده باشد آقایان نمایندگان محترم این صدای ملت ایران است که از حلقوم فرزندان ساکن خطهٔ آذربایجان خارج شده به مسامع شما رسیده و خواهد رسید هیچ میدانید که با صدای ملّت آنهم یك ملت عصبانی روح لاقیدی منافات دارد؟ آیا میدانید که حکومت بر اوضاع مخصوص ارادهٔ ملت است؟

ما نمیدانیم که شما آقایان متذکر این قضیه و اهمیّت آن نبوده و نیستید؟ این جا است که ما شما را متهّم به مسامحه و لاقیدی کرده متأسف میشویم که چرا شما آقایان در ظرف (۱۲) روز تمام به ندای ملت جوابي نداده سهل است با نهایت خون سردي مشغول انجام امور عادی و اجراء مقاصد خصوصی خود بوده کلیه ایالات و ولایات ایرانرا بیك مرحلهٔ فوق‌العاده خطرناکی سوق میدهید اینجا است که ملت آذربایجان به صداقت و صمیمیت و اطاعت شما از موکلین خودتان ملت ایران با نظر تردید نگاه میکنند یعنی نزدیك است یکباره بدون ملاحظه بشما بگوید در خواب غفلت فرو رفته اید بشما بگوید آمال ملی یك ملتی را دستخوش هوا و هوس خود ساخته اید این صدائی را که در اینمدت اول از حلقوم فرزندان آذربایجان و سپس اولاد سایر ایالات و ولایات ایران بر خواسته هرکس غیر از شما ها می شنید اقلاً متفکر میشد که چه جواب بدهد؟ ولی شما ها ابداً اعتنائی نمیکنید برای مرتبه آخر بنام ایران شما ها را مخاطب ساخته فاش میگوئیم کوتاهی دست دودمان قجر را از اریکه سلطنتی که تکیه‌گاه سیروس و سلاطین با عظمت باستانی بوده طالبیم بشما آقایان بیش از این اجازهٔ تسامح و تعلل نداده انتظار جواب موافق و قطعی در ظرف (۴۸) ساعت داریم اگر موعد منقضی شده جوابي مطابق مقصود نرسید طهران را فراموش نموده ما و کلیهٔ ایالات و ولایات ایران که متابعت عملي خود را بما اظهار داشته اند قطع رابطه بتمام معنی آن با طهران نموده درس عبرتی بشما آقایان میدهیم که در آتیه سرمشق اخلاف ما و شما باشد در آنصورت ما تصور میکنیم شما کسانی نیستید

نداده و مارا بلاجواب گذاشتند ما حیرت خود را اظهار و براي آخرین مرتبه به آن نمایندگان محترم گوشزد می سازیم اگر فوراً اقدام عملی در بر طرف کردن این ریشهٔ فساد و قطع دست نالایق قجر همان قجریکه در دامان داغدار پرخون ملّت آذربایجان پرورش یافته از مملکت باستانی نشود و آلت دست خارجیان از بین بر داشته نگردد ما نوعی معمول میداریم که علاج آن از حیّز قدرت طهران خارج باشد با قطع روابط خود را با طهران بجامعه ملل دنیا و برادران ایرانی خود اعلام میداریم و در صورتیکه بفوریت خاتمه به این قضیه داده نشود ملت آذربایجان بدون مراجعه بطهران در ختم غائله مقدم گردیده و در آنصورت توسلی به آن ذوات محترم نجسته و فارغ البال بوظائف ملی و وجدانی خود در راه تحصیل مقصود قیام و اقدام نموده و نظامیانیکه تا امروز خدمت و فداکاری خود را به مدفن سیروس ثابت کرده اند اگر سرنیزه خود را بخواهند یا مجبور شوند بر خلاف آمال ملی اعمال دارند با خون کلیهٔ افراد آذربایجاني رنگین ساخته و در کمال اسف واندوه آن مانع را نیز به نیروی ملی از پای در خواهیم آورد

کمیسیون نهضت ملی آذربایجان

(از تبریز به طهران)

نمرهٔ کتاب ثبت ۱۲۲ تاریخ اصل ۲٤ تاریخ وصول

۲۵ مهرماه ۱۳۰٤

مقام مقدس مجلس شورای ملي کپیه ریاست عالی کل قوا دامت عظمته کپیه توسط اطلاعات جرائد طهران کپیه توسط تلگرافخانه ها کمیسیون های نهضت ملي و طبقات مختلفه و جراید ایالات و ولایات کپیه توسط مجمع متحدین آذربایجان به برادران طهرانی ملت آذربایجان در نهایت اسف قاطبهٔ نمایندگان محترم را میخواهد از یك قصور وظیفه که در تاریخ ملل حیّهٔ عالم بی سابقه است بنام ایران و ایراني متنبّه ساخته و بوسیلهٔ این تذکر

که معتقد بصراحت قول و عقیدهٔ راسخ بوده باشید ما تصور میکنیم که فرد فرد شما .با حالت مضحکی که مخصوص خودتان و زائیده شدهٔ محیط شما است به این تذکرنامه تلگرافی ما نظاره میکنید ما تصور میکنیم که روح مجامله و محافظه کاری درکلیهٔ وجود شما حکومت مطلقه دارد ماتصورمیکنیم که در عروق و شرائین شما یك مثقال خون گرم یافت نمیشود فعلاً برای حکومت افکار عمومی دنیا و تاریخ آتیهٔ ایران اینمدت را که ساعت آخرش صبح سه شنبه است ضرب اجل نمودیم و من بعد انتظار مراجعه ما را بخودتان نداشته بلکه مترصد رفتاری خارج از حدود تصورات خود باشید آذربایجان باستظهار و نیروی قدرت ملی خود و سایر برادران وطنی در راس موعد مذکور اگر بجواب مطلوب نائل نیاید دست انتقام از آستین قدرت ملی بیرون ساخته و بر پیشانی مخالفین آمال ملی کلمهٔ را که امروز نمیخواهد تفوه نماید رسم خواهد نمود وکلیهٔ عواقب و خیم ممکنه را به مسؤلیت شما معرفی مینماید(کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان)

از تبریز بطهران

نمره کتاب ٤٢ عدد کلمات ٢٣٨ تاریخ ٢٥

تاریخ وصول ٢٥ مهرماه ١٣٠٤

توسط مجمع آذربایجانیان برادران وطنی طهران امیدواریم فساد یك قسمت از شهر شما در شما اثر ننموده .باشد دوازده روز است کـه ما و عموم ایالات و ولایات ایران از مجلس شورای ملی و مجمع نمایندکان امروزی خواستار قطع دست شاه قجر و خانواده اش ازاریکهٔ سلطنت ایران شده به جواب مثبتی یا منفی نائل نشده ایم و نظر بسابقهٔ که عموم ایرانیان از سوء رفتار سلاطین قجر دارند محتاج بذکر علت نیستیم این است که اجباراً تلگرافی که حاوی آخرین حرف ما و قاطبهٔ ایالات و ولایات ایران که پیشوائی ما را در انجام این مرام مقدس ملی تصدیق نموده اند میباشد و کپیهٔ آنرا تلواً ملاحظه میکنید مخابره کردیم وتا روز (سه شنبه)

اگر جواب مطلوب نرسد ناچاریم عملا قطع روابط خودمان را با طهران یعني مجلس شورائی که نمایندکان ما نمایندگی خود را ازطرف مردم فراموش نموده اند اعلام داریم ولی در اینصورت تاسفات ملی خود را از چنین پیش آمدی اظهار نموده بار مسؤلیت را تحمیل بر دوش نمایندکان ساکن بهارستان ساخته شما را بکمك خود از برای اجرای کیفر آنها دعوت نموده ومیگوئیم نه تنها مردمان دودمان قجر را ازسلطنت برکنار میداریم بلکه کسانی را که به صدای یك ملت احترام نمیگذارند و موکلین خود را ملعبهٔ هوا و هوس خویشتن ساخته اند کاملاً تادیب و تنبیه خواهیم ساخت چنان تنبیهی که درخور یك ملت عاقل و مستقل باشد

کمیسیون مختلط نهضت ملی اذربایجان

از تبریز بطهران

نمره کتاب ۱۲۷ تاریخ وصول ۲۵ مهر ماه

کمپیه اطلاعات و مجلس شورای ملی در طهران توسط تلکرافخانها کمیسیون های نهضت ملي و طبقـات مختلفه وجرائد ایالات و ولایات کمپیه توسط متحدین اذربایجانیان به برادران طهرانی برادران عزیز پس از تقدیم تشکر از احساسات و عملّیات وطن پرستانه شما که قلوب برادران اذربایجانی شما را باهتزاز درآورده خاطر شریفتان را باخرین مخابرات خودمان باطهران که در تلو این تلکراف کمپیه شده متوجه ساخته بصدای رسا میکوئیم ما مصمم شده ایم که اگر در ظرف (٤٨) ساعت که ابتدای آن صبح یکشنبه و انتهاي آن صبح سه شنبه است طهران لاقید جواب مساعد نداد ما وهر یك از شما برادران قطع کلیه علائق و روابط مادی و معنوی را با طهران مجرا داشته باستظهار یکدیگر بدواً گریبان شاه قجر و دودمان را گرفته از فراز تخت داریوش بزیر آورده و پس ازآن معاملهٔ را که یك ملت مستقل با نماینده غیر صدیق خود مینماید باکرسی نشینان بهارستـان معمول داریم وصول این تلکـراف را بفوریت بما اطلاع داده احتیاطاً مقدمات قطع

روابط را تهیه نموده منتظر آخرین خبر ما و رسیدن ساعت معهود که صبح سه شنبه است باشید سعی کنید عموماً از هم با خبر باشیم با این تلگراف یك کپیه از تلگراف بمجلس شورای ملی ضمیمه است

کمیسیون مختلط نهضت ملی اذربایجان

از تبریز بطهران

نمرهٔ قبض ۱۸۱۶۷ نمرهٔ تلگراف ۵۰۲ عدد کلمات ۶۵۵ تاریخ اصل ۲۷ تاریخ وصول ۲۷ مهر ماه

مقام مقدس قائد کبیر و ناجی مملکت و پدر محبوب ملت ایران حضرت اشرف (رضا خان پهلوی) رئیس عالیهٔ کل قوا ورئیس الوزراء دامت عظمته کپیه توسط اطلاعات جرائد طهران کپیه مجلس شورا کپیه توسط هیئت متحدین اذربایجانیان برادران طهران کپیه توسط رؤساء تلگرافخانها کمیسیون های نهضت ملی و جرائد و طبقات مختلفهٔ اهالی ایالات و ولایات ملت ایران عموماً و فرزندان خطهٔ ستمدیده اذربایجان خصوصاً بخوبی میدانند که شخص مقدست شخصا ملك و ملت را از اضمحلال نجات داده و برای رفع هرج و مرج و محو اصول خود سری و ایجاد امنیت ثابت و آسایش ملت راحت را بر وجود مبارك حرام و مدت چهار سال با عوامل و موجبات اصلی ملوك الطوایفی با قوای تمام جنگیده از بذل هیچگونه فداکاری دریغ نداشتید و امنیت فعلی را بالنتیجه به یك ملتی که آثار جراحتش از ضربان و صدمات اوضاع سابق هنوز کاملا نمایان است عنایت فرموده اید البته یك چنین امنیتی که بقیمت جان اولاد وطن تحصیل شده نمیتوان برایگان از دست داده و تقدیم اغراض مغرضین قرار داد حضرت اشرفا ملت ایران شاه فعلی را براثر تجربیات تلخ چندین سالهٔ خود محلّ امنیت و آسایش عمومی شناخته و وجوداورا مورث اعادهٔ اوضاع دل خراش سابق میداند و بهمین جهة امروزه تصمیم قطعی اتخاذ کرده است که یك چنین عنصر بی علاقه به مملکت را از سریر سلطنت

بزیر آورده وبرای هوسرانی شخصیش اورا آزاد گذارده لازم نمیدانیم که وقت گران بهای حضرتت را که دقایقش وقف احیاء ملت است به ذکر بدبهیات و تذکار سوابق ننگین سلاطین قجر وخود شاه فعلی مشغول داریم اهالی آذربایجان که همیشه درمقابل تیرهاي خارا شکن دودمان سلطان کنونی سینه های خودرا سپر قرار داده وگوی وطن پرستي را باجانبازي و وفدا کاری ربوده است (۱٤)روزاست که از کرسی نشینان بهارستان تقاضای اقدام فوری درعزل شاه وخاتمه به سلطنت قجر را بانهایت ابرام نموده و این آقایان نمایندگان تاکنون یك کلمه جواب نداده سهل است باادامه برفتار لاقیدانهٔ خود ملّت ایران را در انظار ملل حیهٔ عالم مورد سخریه و استهزاء قرارداده و غافل از این نکته هستند که موجودیت وهویت آنان و تعیّناتشان مربوط بمقام وکالت است که ملت بآنها اعطا نموده حضرت اشرفا ملت ایران عموماً. و ما اهالی آذربایجان خصوصاً شما را پدر محبوب خود دانسته و قلوب مملو از محبت و عشقمان را برای پرستش حضرتت الی الابد حاضر داشته وچشم امیدمان را بشخص مقدست دوخته میخواهیم خاطر مبارك را متذکر سازیم ماهمان قدری که بشما علاقه مند بوده وبابذل مال و جان حاضریم بدنیای امروزه تمامان علاقه مندی خودرا نسبت به وجود مقدست نشان دهیم همانطور هم ازسلطنت این عنصر نالایق منزجر و متنفر بوده واز کسانی که در اجرای مرام مشروع ماممانع تراشی بالاقیدی بخرج داده وبنام نمایندگی ملت برعلیه مصالح همان ملت کارکرده و در هنگامی که تمام ایرانیان برای انفصال شاه فعلی قیام کرده بکارهاي مادی واجرای مقاصد شخصي و دسته بندی برای وکالت دورهٔ آتیه مشغول هستند اظهار بیزاری وتنفر ولعنت و نفرین مینمائیم حضرت اشرفا امروزه برای آخرین مرتبه حرف آخری خود راگوشزد تمامیان آقایان بی علاقه نموده و ذات اقدست را شاهد میگیریم که در این امر مهم نه تنها وکلا بلکه اگر حضرتت هم که مظهر تعظیم وتکریم ما هستید ممانعت فرمائید

بمقاومت شدید بی سابقه مصادف خواهید شدملت اذربایجان همانطوریکه پدر مرحوم شاه فعلی را با اخذ آراء از عموم ملت ایران معزول نموده مقصود ملی خود را انجام داده حالا هم همان عمل را اعاده نموده و یك مرتبهٔ دیگر نام پر افتخار خود را زینت بخش صفحات تاریخ انقلاب ایران قرار خواهد داد کمیسیون مختلط نهضت ملی اذربایجان

از تبریز بطهران

نمرهٔ قبض ۱۸۶۱۵ نمرهٔ تلگراف ۵۷٤

عدد کلمات ٤۵۵ تاریخ اصل ۳۰ تاریخ وصول ۳۰ مهر ماه

توسط رؤسای تلگرافخانه ۸ کپیه داده شود

در ایالات و ولایات به کمیسیون های نهضت ملی و کلیهٔ احزاب و طبقات مختلفه و جرائد کپیه در طهران توسط اطلاعات عموم جرائد و طبقات مختلفه توسط قزوینیان و مجمع متحدین اذربایجانیان بکلیهٔ افراد غیور اذربایجانیان ساکن طهران از هر طبقه و صنف برادران غیور اذربایجانی شما که خون ها درراه استقلال مملکت ایران نثار و فرزندان رشید خود را درراه وطن تفدیه نموده اید چگونه نشسته و خون سردی و لاقیدی یك‌مشت مردمان بی علاقه ولاقید بمملکت را در پارلمان مشاهده مینمائید؟!! ای برادران عزیز فرزندان و برادران شما که جان عزیز خود را در راه آزادی و سعادت ملت ایران نثار کرده و در اولین روزهای استبداد که مرتجعین و خائنین به مملکت در هر قدم حکم فرمائی کرده وآزادی طلبان را چون نوری معدوم مینمودند دست بشمشیر برده و پا بجادهٔ سعادت ملی نهاده و نام ایرانی را با اسم آذربایجان در صفحهٔ نوی تاریخ نگاشته‌اید آگاه باشید که امروز ما در وطن داریوش کبیر بهمان عزت وجانبازی و فداکاری آذربایجانیان رشید و غیور احتیاج تام دارد که امروز مجدداً مادر وطن در بستر بیماري غنوده و فرزندان خود را بیاری میطلبد ای

فدائیان آذربایجانی موقع آن رسیده که سربلند کرده وجبهه های پرغرور و نخوت خود را در پارلمان پیش وکلا عیان ساخته و .با تقاضای مشروع و پرافتخار خودبه بدن خائنین لرزه انداخته و چشم علاقمندان بمملکت را درخشان و روشن نمایند ای عزیزان آذربایجانی برادران شما (١٩) روز است که وقت خود را با مخابرهٔ تلگرافها و درخواست ها به دارالشورا گذرانده وتصور میکردند که دور زمانهٔ وقت آنچه را که برای یك ایراني عقب مانده و با غیرت لازم است در آخر دورهٔ پنجم بوکلا داده آذربایجان اشتباه کرده آذربایجان گول خورده آذربایجان بمردانگی خود نظر کرده و بخطا رفت آذربایجان با یك جنس مردمان بي علاقه بوطن ویك مرکز سلطنت پرست سلطان نشین قطع رابطه میماید ای برادران آذربایجان ما ازشما جزاین انتظار نداریم که باقدمهای محکم بطرف آن محلی که می بایستی مرکز آمال ملی ایران باشد رهسپار شوید بروید و بخواهید آنچه را که امروز ملت ایران و برادران شما عطشان او هستند باقدمهای بلند پیش روید یارفع ید نالایق سلسلهٔ قجر از تخت و تاج کیان یاآن کاخ نالایق را درهم فروریزند برادران شما ازشما جزاین انتظاری ندارند بروید بروید بروید که احساسات وروح ما در بالای سرشما در پرواز و خداوند ایران پشتیبان و نگهدار شما است

کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان .

از تبریز بطهران

نمرهٔ قبض ١٨٦٤٥ نمرهٔ تلگراف ٥٧٦ عدد کلمات

٢٩٠ تاریخ اصل ٣٠

توسط رؤساء تلگرافخانه ٨ کپیه داده شود در ایالات و ولایات بکمیسیون های نهضت ملی وکلیهٔ احزاب و طبقات مختلفه و جراید درطهران توسط اطلاعات کلیهٔ جرائد وطبقات مختلفه توسط مجمع متحدین آذربایجانیان عموم

آذربایجانیان ساکن طهران مقام مقدس قائد کبیر وپدر بزرگوار ملت حضرت اشرف رضاخان پهلوی ریاست عالیهٔ کل قوا و رئیس وزراء دامت عضمته ملت آذربایجـان که حضرت اشرف را می پرستند درمسائل عمومی و ملی توجه مخصوص مبذول فرمایند اخیراً مقـداری اوراق چاپی بنام انتخابات به آذربایجان رسیده و موجب شدت هیجان افکار عمومی گردیده زیرا ملتی که برعلیه سلطنت قاجاریه قیام نموده نمیتواند و جهاً من وجوه زیر بار انتخاب مجلس برود که صلاحیت خلع ابدی این خانواده را فاقد باشد ملت آذربایجان بنام خود وعموم ایرانیان خاطر مقدس آن پدر بزرگوار رامسبوق میدارد که اولا بفرمان شـاهی که بعزل وی و برانداختن سلسلهٔ او ملت کمربسته شروع بانتخابات را جائز ندانسته ثانیاً وقتی وارد مرحلهٔ انتخاب وکیل خواهند شد که آن وکیل را بعنوان انتخاب وکالت مجلس مؤسسان انتخاب کنند زیرا مجلس فعلی عملا برما دارد ثابت میکند که بدرد امروزملت ایران نمیخوردوصلاح تجدید نظردرقانون اساسی را ندارد پس هر مجلس که بنام شورای ملی ملت ایران انتخاب کنند همین حال را خواهد داشت بهتر آنست که بندگان حضرت اشرف هم با صدای ملت ایران روی موافقت نشان داده مقرر فرمایند که انتخاباتی شروع شود که برحسب آمال ملی ومملکتی باشد وموجبات انتخاب مجلسی را که قادر بر تجدید نظر درقانون اساسی و عزل شاه و خلع خانوادهٔ قاجار از سلطنـت ایران باشد سریعا فراهم آورند

کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان (۱)*

(۱)* این تلگراف ازتبریز بولایات ذیل درتاریخ سی ام مهرماه مخابره شده و بهر شهر هشت کپیه داده شده

اصفهان	نمره ۱۸۶۵۷	شیراز	۱۸۶۵۲	خوزستان	۱۸۶۴۷
همدان	۱۸۶۵۰	کردستان	۱۸۶۴۸	کرمانشاه	نمره ۱۸۶۵۴
یزد	۱۸۶۵۵	کرمان	۱۸۶۵۱	قزوین	۱۸۶۵۲
رشت	۱۸۶۵۹	مشهد	۱۸۶۵۶	بجنورد	۱۸۶۴۶
قم	۱۸۶۴۹				

(بیانیهٔ تلگرافي آذربایجان)

توسط رؤسای تلگرافخانهای ایالات و ولایات ۱۳ کپیه به کمیسیونهای نهضت ملی وطبقات مختلفه وجراید واحزاب سیاسی داده شود درطهران توسط اطلاعات عموم جراید و احزاب سیاسی و طبقات مختلفه و توسط مجمع متحدین آذربایجان ساکن طهران ایام طلائی نهضت ما درحالت استغاثه بمجلس شورای ملی بدون اخذ کوچکترین نتیجه گذشته جوابي نشنیدیم نه اینکه فقط جوابی از طرف کرسی نشینان بهارستان بما نرسید بلکه یك صورت عبوس لا قیدی در مقابل یك ملت ستمدیده - تظاهر دادند که ما مجبور به لعنت کرسی و کرسی نشین شدیم بلی بیست روز با حالت انتظار وتمنی بسر بردیم ونتیجه جز ندامت وتاسف ندیدیم آری سزاوار است که بروز های گذشته زاری نموده و ندبه نمائیم اگر در مقابل یك ملت متلاشی که مقدارات خود را بدست یکعده مردمان بی‌علاقه بمملکت سپرده یك چنین خون سردیها بعدم توجهات نشان داده نشود ملت ازغفلت وجهالت بیدار نشده و حقوقات حقه خود را مطالبه نخواهد کرد آری همان نمایندکان که دو سال متمادی مقدرات مقدسهٔ ما را دستخوش اغراض شخصي خود و جدال داخلی قرار داده در چند روزهٔ اخیر زندگانی آنها نیز نباید جز این انتظاری داشت هم وطنان عزیز نغمهٔ تمدن وتجدد موقع است که ساز شده و نوای حزین متروك گردد موقع است که روح شهامت دیرینهٔ اجداد و نیاکان خود را بکمك طلبیده فریاد زنید که ملت ایران موقع است رشته کار و زمام مقدرات خود را به کف گرفته سلاسل شقاوت و پردهٔ ظلمت آل چنگیز و سلالهٔ مغول را از هم متلاشی سازید هموطنان فرزندان اذربایجان در مقابل هموطنان عزیز خود سر تعظیم و امتنان خم کرده خود را از هم قدمی آن برادران مباهی و سر افراز دانسته صدا میدهد که ای کاروان وامانده از خیل تمدن وتجدد و ای عقب افتادگان از قافله ترقی و تکامل وقت است که برای نجات از این غرقاب هنولناك و خلاص از این وضعیت پر خطر و دهشت ناك متوسل به سفینهٔ نجات

شده دست توسل به دامان قدرت قاهرهٔ ملیت زده با یك اتحاد و معنویت بنام سعادت و اجرای مقاصد ملیهٔ خود را طلبیده کشتی وطن را بساحل نجات رسانیم هموطنان جهة نیل بمقصود مقدس و تأمین آمال ملی بهترین و عملی ترین طرق این است که کلیه افراد ایرانی ساکن هر ایالت و ولایت بفوریت آراء انفرادی خود را بوکالت در توکیل یك عده بنام کمیسیون مختلط نهضت ملی همان محل که فعلاً در اکثر نقاط تشکیل شده متوجه ساخته کمیسیون مختلط نهضت ملی را وکیل در توکیل نمایند ولایات و نقاط جزء آن ایالت نیز کمیسیون مختلط نهضت ملی اذربایجان را وکیل تام اختیار بلاعزل ایران خواهند ساخت که مطابق امال ملی وقاطبهٔ ملت ایران رسماً شاه و ولیعهد و خانواده سلطنت قاجار راابدوا ازسلطنت ایران خلع نمایند هموطنان هشیار و با خبر باشید که ملت ایران همان ملت چند هزار ساله برای دومین دفعه میخواهد جلب اراء عمومی نموده و به خلع او موفق گردیده کابوس مخوف و هولناك سلالهٔ سلاطین قاجار و نوادگان اجانب یعني همان چنگیز و مغول زادکان تاریخی را یعنی اولاد همان کسانی را که صفحات تاریخ ایران در عصر آنها هنوز از رطوبت خونهای پاك نو باوگان ایران قرمز و چسبناك است از صفحهٔ مقدس چندین سلالهٔ سلاطین عظیم الشأن ایران از هخامنشی تازند محو و نابود سازد پس یقین و حتم دانسته باشید که ارواح نیاکان باافتخار ما در جو محیط ایران شتابان و هراسان منتظر و مترصد حسن خاتمهٔ رفتار و اعمال اولاد کیانند تا پس از موفقیت و پیروزی اولادان عزیز خود را تقدیس کنند بدین جهة فرد فرد ایرانی بدون آنی غفلت وذرهٔ تسامح و تکاهل در کمال قدرت در نهایت صراحت ارادهٔ پاك و منزّه خود را در بر داشتن این خانواده از سریر پیشدادی علنا و بدون ملاحظه اظهار داشته و خدای یکتا را حامی و نگاهبان خود دانسته در کمال شجاعت برادران آذربایجانی خویش را در انجام این مقصد مقدس وکیل

مختار سازند هموطنان ما فدائیان وطن ما فدائیان شما برادران عزیز باز می گوئیم مادرطول زندگانی سیاسي درتلو اخلاق اجتماعی خودمان بردنیا وبشما و مادر عزیز وطن ثابت و مدلل نموده ایم وقتیکه بر انجام امری ولو هرقدر مهم وسترك باشد تصمیم عزم نمودیم قطع وبلاشك موفق خواهیم شد وقبل ازموفقیت ولو به نثار خون وتقدیم جان تا قابل هم باشد ازمقصد صرف نظر وعدول نخواهیم نمود هموطنان عزیز ساعت امتحان فرارسیده وچشم مادر وطن باعمال ورفتار فرزندان عزیز وجگر گوشگان خود دوخته و متوجه میباشد بر ماست که درکمال عقل و متانت شدت بأس وانتقام خود را بدشمنان عمومی نشان داده آن گرامي مادر عزیز را ازخود راضی وخوشنود نمائیم

کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

این تلگراف به تمام نقاط ایران و بهر نقطه با ۱۲ کپیه مخابره شده بشرح ذیل

	۱۸۷۷٤	۳۰ مهرماه	۱۲کپیه
آمل	۱۸۷۸۲	«	۱۲ «
دماوند	۱۸۷۸٦	«	۱۲ «
مشهد سر	۱۸۸۰٦	«	۱۲ «
اشرف	۱۸۸۰۸	«	۱۲ «
ساری	۱۷۸۱۰	«	۱۲ «
بندر جز	۱۸۸۲۰	«	۱۲ «
استراباد	۱۸۷۷٦	«	۱۲ «
لاهیجان	۱۸۷۸۷	«	۱۲ «
کرگانرود	۱۸۸۱٤	«	۱۲ «
شفارود	۱۸۸۱٦	«	۱۲ «
پهلوی	۱۸۸۳۰	«	۱۲ «
رشت	۱۸۸۲۵	«	۱۲ «
قزوین	۱۸۷۷۹	«	۱۲ «
خرم دره	۱۸۷۸۰	«	۱۲ «
ایوان کی	۱۸۸۰۰	«	۱۲ «
شاهرود	۱۸۸۰۷	«	۱۲ «
سمنان	۱۸۷۸۱	«	۱۲ «
محلات	۱۸۷۸۹	«	۱۲کپیه
ملایر	۱۸۸۰۹	«	۱۲ «
بروجرد			

از کرمان بطهران

نمرهٔ قبض ۵۲۷۸ نمرهٔ تلگراف ۲۴ عدد کلمات ۲۸۰

تاریخ اصل ۲ تاریخ وصول ۳ مهرماه

طهران مقام مقدس قائد توانا ریاست عالیه کل قوا دامت عظمته کپیه مجلس مقدس کپیه توسط اطلاعات جرائد کپیه توسط هیئت متحدین آذربایجان برادران طهرانی تبریز رشت توسط آقایان حجج اسلام کپیه توسط رؤساء تلگرافخانه کمیسیون های نهضت ملی ملت پناها ملت ایران ۱۵ روز است به نمایندگان خود تذکر داده و تنفرات خود را از شاه قجر اظهار داشته خلع و عزل آن عنصر نالایق بی عاطفه را جداً خواستار شده با امیدواری که داشتیم هنوز نفیاً و اثباتاً جوابی نداده و بی علاقه گی خود را بعلت روشن کرده اند لهذا بحضرت اشرف که زمام دار رسمی

خرم آباد فیلی	۱۸۷۷۳	کپیه	۱۲ »
قم	۱۸۸۱۸	»	۱۲ »
عراق	۱۸۸۲۲	»	۱۲ »
سقز	۱۸۷۸۳	»	۱۲ »
کردستان	۱۸۷۹۷	»	۱۲ »
قصر	۱۸۷۰۱	»	۱۲ »
گروس	۱۸۸۰۴	»	۱۲ »
کرند	۱۸۸۱۳	»	۱۲ »
همدان	۱۸۸۱۹	»	۱۲ »
کرمانشاه	۱۸۸۲۶	»	۱۲ »
خواف	۱۸۷۸۴	»	۱۲ »
بجنورد	۸۸۷۸۸	»	۱۲ »
بیرجند	۱۸۷۹۲	»	۱۲ »
گناد آباد	۱۸۷۹۰	»	۱۲ »
در جز	۱۸۷۹۶	»	۱۲ »
لطف آباد	۱۸۷۹۸	»	۱۲ »
شیروان	۱۸۷۹۸	»	۱۲ »
دزداب	۱۸۸۰۵	»	۱۲ »
قوچان	۱۸۸۱۵	»	۱۲ »

ملکت هستید و ایرانی از صمیم قلب متشکر خدمات امنیت و آسایش بخش وجود مبارکت بوده و خود را رهین فداکاری‌ها و مجاهدات مبذوله‌ات میدانیم عرض میکنیم توقف حضرت اشرف در طهران مانع از این استکه قطع رابطه با مرکز را اعلام نموده ملت کرمان با اتحاد نظریهٔ ایالات و ولایات تصمیم قطعی گرفته است که ننگ سلطنت قاجاریه را از تخت و تاج ایران دور کنند و در عین حال نمایندگان را تا کنون بخوبی شناخته محافظه کاری و ضعف نفس آنانرا حس کرده ایم استدعا داریم برای تکمیل مراحم خود نسبت بایران و ایرانیان موقتاً شهر طهران را ترك ومحل اقامت و زمامداری را از مرکز مملکت درخارج از طهران قرار دهید تا بساکنین محل و آن مرکز لاقیدی با تائیدات الهی که همیشه پشتیبان ملت ایران بوده است مدلل داریم که بی اعتنائی به اراده و تقاضای مشروع ملت برای آنها چه عواقب وخیمه دارد؟ و ثابت نمائیم که در مقابل عزم ملت نه خسرو میماند و نه خسرو پرست نمرهٔ ٥

کمیسیون مختلط نهضت ملی کرمان

مشهد	۱۸۸۲۸	»	۱۲ »
نیشابور	۱۸۸۰۳	»	۱۲ »
سبزوار	۱۸۸۲۱	»	۱۲ »
ناصری	۱۸۷۸۷	»	۱۲ »
محمره	۸۷۹۰۰	»	۱۲ »
شیراز	۱۸۸۳٤	»	۱۲ »
اصفهان	۱۸۸۳۹	»	۱۲ »
بندر عباس	۱۸۷۹٤	»	۱۲ »
کاشان	۱۸۸۱۷	»	۱۲ »
یزد	۱۸۸۲۷	»	۱۲ »
کرمان	۱۸۸۲۳	»	۱۲ »
بوشهر	۱۸۸۰٤	»	۱۲ »

از بار فروش به طهران

نمرهٔ قبض ۳۲۸۳ نمرهٔ تلگراف ۲۳۸

عدد کلمات ۲٤۰ تاریخ اصل ۲۹ مهرماه

ساحت مقدس مجلس شورای ملی پنج کپیه حضور مبارك ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته جریدهٔ ایران ـ شفق سرخ ـ ستارهٔ ایران ـ کوشش سالها بود که ملت ایران در چنگال ظلم واستبداد سلسلهٔ قاجاریه گرفتار ازانجائیکه فشار و تعدیات طاقت فرسای این سلسلهٔ نالایق بسرحد کمال رسید خداوند متعال بیش ازاین ذلت ومسکنت را براي يك ملتی الی الابد روا ندانسته وجود عدیم المثال حضرت اشرف آقای پهلوی را که برای چنین روزی ذخیره اش قرارداده بود جلوه گر ساخت ودر نتیجهٔ فداکاری و عملیات خارق العاده حضرت معظم له امنیّت عمومی کاملا در اقطار مملکت فراهم رفته رفته میرود که عظمت مملکت باستانی تجدید و ابواب سعادت وترقی از هر حیث براین ملت ستمدیده باز گردد متأسفانه سلسلهٔ منحوسهٔ قاجاریه که هیچگاه سعادت وترقی ملت ایران را طالب نبوده و بلکه برای شهوت رانی خود مضر میدانند همیشه خار سر راه آن یگانه ناجی ونابغه ایران واقع شده ومانع از پیشرفت افکار عالیهٔ معظم له میشوند مخصوصاً (۱)* وقعهٔ اخیر مرکز این جمله را ثابت ومبرهن میسازد بدین جهة پیمانهٔ صبر عموم لبریز وبیش ازاین تاب تحمل ظلم را نداشته ازمقام مقدس دارالشورا وقائد توانای محبوب خود بطوریکه برادران غیور آذربایجانی تقاضا نموده اند استرحاماً تقاضا داریم که بیش ازاین بعملیات خائنانهٔ این

(۱) ❀ وقعهٔ اخیر مرکز که در این تلگراف مورد توجه شده عبارت از واقعهٔ ماه صفر ۱۳٤٤ هجری بود که بتحریك اقلیت ودربار يك مشت رجاله و اوباش به بازار ریخته و پس ازتعطیل اجباری به بهانهٔ نان بسفارت اجنبی رفتند وبمجلس شوراي ملی ریختند و آن افتضاح تاریخی را فراهم نمودند که در راس تمام قضایا عوامل زنانه و مردانهٔ دربار یعنی درباریان قاجاریه بوده ودولت بایك فعالیت بی نظیری از آن جلوگیری نمود

سلسلهٔ نالایق ادامه نداده دست جنایتکار ایشان را از دامان مملکت قطع
و به دورهٔ لاتکلیفی خاتمه دهند و الا هر حادثهٔ سوئی رخ دهد مسؤلیتش
متوجهٔ مخالفین خواهدبود محمدصالح حائری ـ الاحقر ثقة الاسلام ـ الاحقر
هادی ابن فضل الله نوری ـ الداعی مهدی بابل کناری ـ حبیب‌اللهموسوی
ـ الداعی مهدی موسوی ـ حسین صنیع همایون سابق ـ مؤید زاده ـ
ـ معتمد زاده ـ صادق ـ قاضی ـ حاجی محمدحسین‌توکلی ـ حاج‌میرزا محمدعلی
قاسم اف ـ گل باباف ـ عبده باقر حسینی ـ حسین زاده ـ عبده عبد الحمید
علی‌اف ـ جعفراف ـ اقل محمود ابن‌حاج حسین‌جان ـ حاج محمّدرضا ـ حسن
زاده ـ علی‌اکبرشیرازی ـ سیدمهدی ـ حسین ابراهیم زاده ـ سید اسمعیل ـ
محسن‌اف حسینی ـ خرازی ـ اسمعیل موسوی ـ عباس اف ـ ابوالحسن
تبریزی ـ محمّد حسین شیرازی ـ حسین حسینی ـ حسن طهرانی ـ غلامعلی
طهماسب اف ـ رفیع ـ محمد رضا ـ حسن اف ـ اصغر ـ شیخ اسدالله ـ
محمد جعفر ـ حمیدی ـ حاج علی اکبر اوصیاء ـ اقل علی اکبر کوزه گر
محمد حسینی ـ محمد حسینی ـ احمد حسینی ـ امیری ـ سید علی اهنگر ـ
صفا ـ صفر حسینی ـ صفا زاده ـ محمد ابراهیم ـ ابو القاسم ـ صادق حسینی
محمد امین زاده ـ جعفر زاده شهمیر زادی ـ اقل العباد میرزا عبدالرحیم
طهرانی ـ محمد علی ـ محمد اسمعیل ـ محمد حسین ـ میرزاعلی ـ مهدی
زاده ـ علی رضا زاده ـ علی اکبر ـ نصرة حسینی ـ اقل محمّد ـ تقی زاده
اصغر ـ قربان علی ـ اقل حسین ـ محمد اف ـ مهدی حسینی ـ نصرالدین
حسینی ـ حسین حسینی ـ مرتضی ـ حسن ـ ناصر ـ اسدالله ـ واعظ زاده

نظیر این تلگرافات از سانسور خارج و طبع و توزیع و به‌دست
اهالی طهران اوفتاد و فعلاً بهمین اندازه از تلگرافات قناعت نموده
و بسر حوادث دیگر میرویم تا بقارئین خاطر نشان نمائیم که پس از
نشر این اوراق چه حوادث مهمی در پای تخت ایران اتفاق افتاده است

(دو ساعت پس از انتشار اوراق)

روز پنجم ابان ماه ۱۳۰٤ شمسی بود که مقدمة الجیش ملت یعنی متحدین آذربایجایان که شبانه به در منزل رئیس‌الوزراء پناه برده و در مدرسهٔ نظام متحصن شده بودند



(هیئت متحدین آذربایجان متحصن در مدرسهٔ نظام)

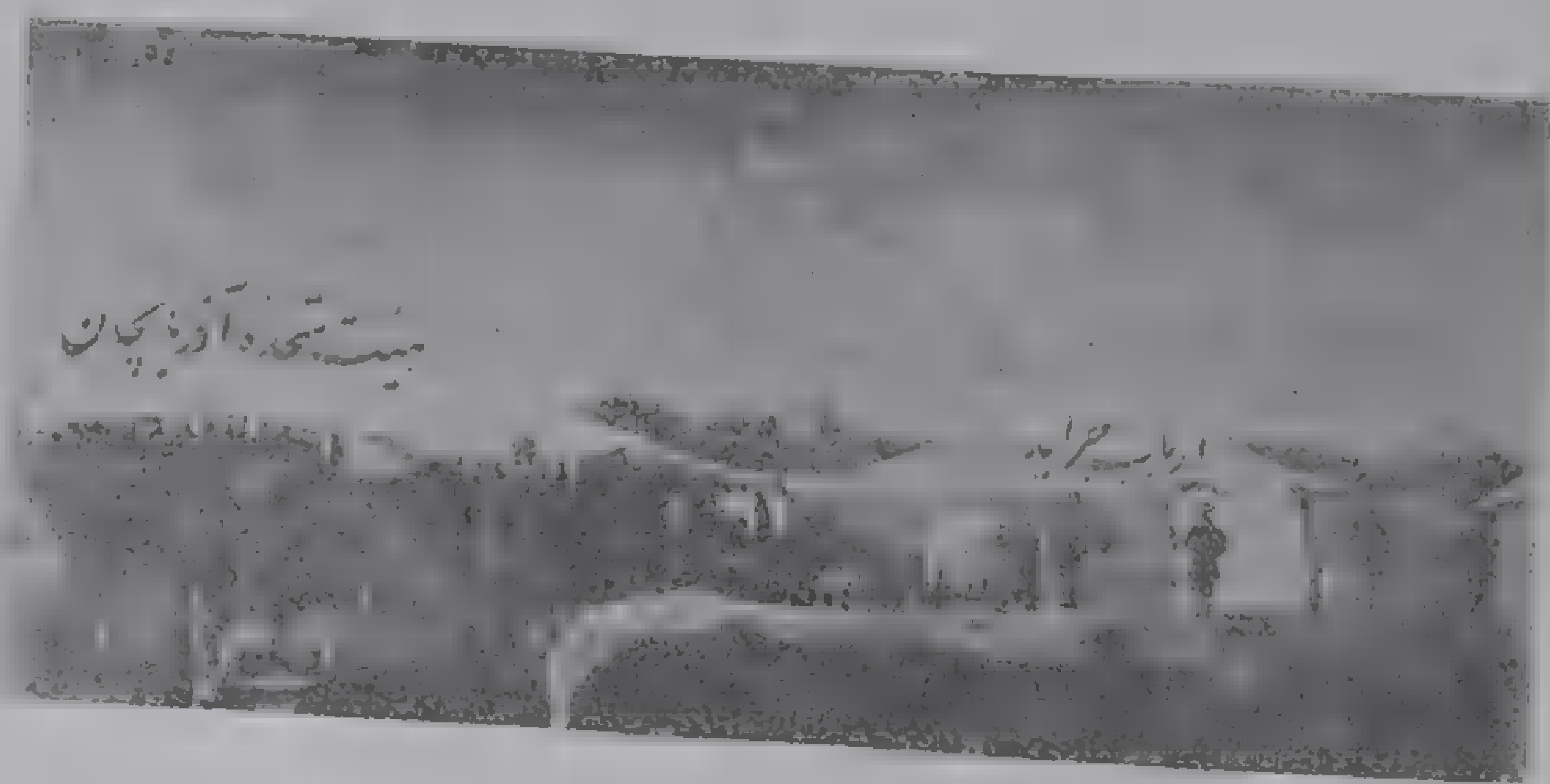
موفق شدند که سانسور را بر طرف نمایند و پادشاه (احمد میرزا) و دربار قاجاریه را فتح کنند!.

انتشار تلگرافات و رفع سانسور اجازه داد که نفس ها به نفس ها رسیده و این مسئله نیز معلوم گردد که اطراف باغ مدرسهٔ نظام پناهگاه امن و امانی است وبواسطهٔ فشار ملت پلیس قدرت تعرض و تفریق جمعیت را ندارد

دوساعت ازاین واقعه گذشته بود که مردم دسته دسته بعزم تحصن از منازل و دکانهای خود حرکت و تاهنگام غروب نه تنها خانهٔ شخصی رئیس دولت و اطاقهای مفروش ومزین مملو ازمعتکفین و متحصنین گردیده بود بلکه در باغ مدرسه نیز اطاقی باقی نمانده کلاسهای مدرسه را مردم اشغال حتی موزهٔ مدرسه را نیز تصرف نمودند

کلاسها تعطیل و شاگردان بیرون رفتند و بجای آنها متحصنین جای گرفتند و فضای مدرسه پر از چادر گردید و اولین چادریکه سرپا ایستاده بود چادر آذربایجانیان بود.

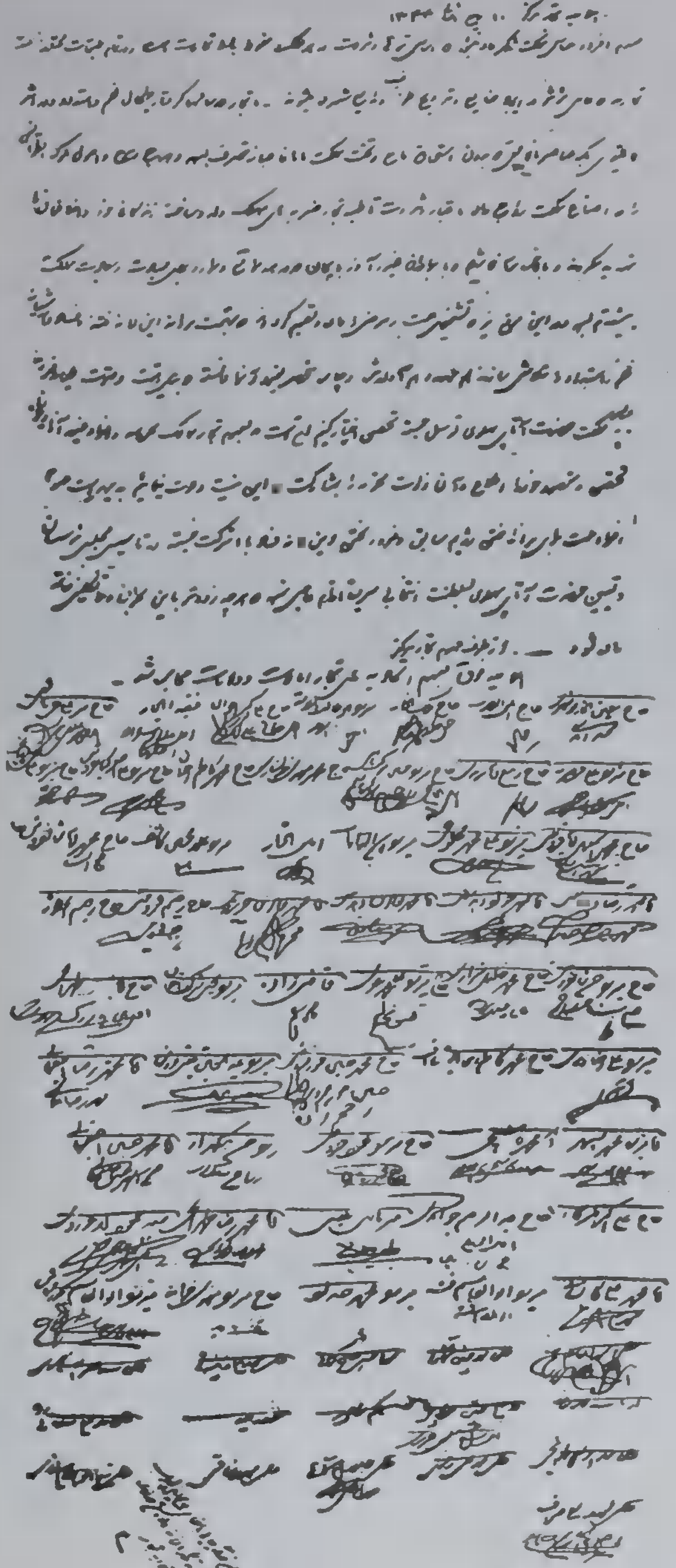
این دستگاه چادر را نیز شبانه بر پا نموده و صبح در زیر آن گرد آمده بودند!.



(چادر تحصن آذربایجانیان درمدرسهٔ نظام)

این خبر در پایتخت پیچید و هیجان مخصوصی در مردم ایجاد نمود فتح ابتدائی مردم را مطمئن کرد که میتوانند اصول توارث سلسلهٔ قاجاریه‌را نیز فتح نمایند!.

عقاید و افکار که مدتهای متمادی در زیر فشار و محکوم ارادهٔ قوه قاهرهٔ دولت بود یك مرتبه نه چنان بهیجان آمد که بتوان از او جلوگیری نمود و شب نامهٔ (مشت نمونه خروار است) نه چندان جامعه را را تحریك کرد که بتوان مافوق آنرا تصور نمود روز اول بدین منوال گذشت بالاخره دومین دستهٔ مهم که عبارت از طبقه تجار باشد روزششم قدم به‌دائرهٔ انقلاب و تحصن گذاشته واین بیانیه را منتشر نمودند و در ربودن گوی تحصن وانقلاب عموم طبقات بیکدیگر سبقت جستند و بالاخره مقاصد ملي را یکسره انجام دادند.



اعلامیهٔ هیئت تجار متحصنین
در منزل رئیس الوزراء و رئیس کل قوا آقای (پهلوی)

(اعلامیهٔ تجار مرکز دهم ربیع الثانی ۱۳٤٤)

بعموم افراد حساس مملکت تذکر داده میشود که اساس ترقی وثروت درهر مملکت منوط به بسط تجارت است و در تمام طبقات مختلفه طبقهٔ تجارند که عامل مؤثر در ایجاد صنایع وترویج حرف وبدایع شمرده میشوند - ما تجار که سالها گرفتار چنگال ظلم و استبداد ودر اثر لاقیدي یك عناصر نالایق که بدون استحقاق تاج وتخت مملکت مارا غاصبانه متصرف بوده وهرج ومرج و اصول ملوك الطوایفی را در اصقاع مملکت رواج داده باعتبار و ثروت قاطبهٔ تجار ضربه های مهلك وارد ساخته زندگانی خود واخلافمان را تهدید می کردند و بالاخره برآن شدیم که با برادران غیور آذربایجان که در همه مواقع وموارد برای سیادت و سعادت مملکت پیشقدم بوده ودراین موقع نیز که تشخیص علت ومرض را داده وتصمیم کرده اند که بهمت مردانه این لانهٔ فتنه و فساد وآشیانهٔ ظلم و استبداد را متلاشی سازند هم عهد و هم آواز شده و چارهٔ منحصر بفرد آنرا دانسته که بذیل همت و فتوت یگانه فرزند دلیر مملکت حضرت آقای پهلوی توسل جسته تحصن اختیار کنیم

این است که بعموم تجار ممالك محروسه وافراد غیورآزادیخواه تحصن ومقصود خود را اطلاع وآن ذوات محترمه را بمشارکت دراین نیت دعوت مینمائیم بدیهی است عموم افراد ملت برای بر انداختن رژیم سابق وفرو ریختن این لانهٔ فساد با ما شرکت جسته در تأسیس مجلس مؤسسان و تعیین حضرت آقای پهلوی بسلطنت انتخابی سریعاً اقدام عاجل نموده که هر چه زود تر باین بحران و بلا تکلیفي خاتمه داده شود - (از طرف عموم تجار مرکز)

اعلامیه فوق بعموم اتحادیه های تجار ایالات و ولایات مخابره شد و در تمام نقاط ایران منتشر گردید و تمام طبقات مملکت را در مرکز و خارج مرکز بمشارکت نیّت خود که در ذیل اعلامیه قید شده (بر انداختن رژیم سابق و فرو ریختن این لانهٔ فساد) دعوت نمود

بدیهی است یك چنین دعوتی ازطرف اولین طبقهٔ مهم مملکت که دوران ثروت و حیات اقتصادی بسته به موجودیت آنها ست میبایست تاثیرات شدیدی در توده نموده و برای عموم ملت اجازهٔ قطعی براي استخلاص از قید رقیت اصول توارث قاجاریه را داده باشد

همین طور هم شد و پس از این اعلامیه عقاید و افکار طوفان گرفت و وضعیات بکلی تغییر یافت.

معلوم است این مسئله در تطور روحیات ملل محرز است که اگر طبقهٔ جوان بیك کاری اقدام کنند پیر مردان مدتی در اطراف آن مطالعه نموده و لازم میدانند که در حقیقت آن تصمیم بگیرند ولی اگر معمرین بیك امری دست زدند خود فرمان قاطع و حکم جازمی است برای جوان ها و توده یك چنین پیش‌آمد را مطابق عرف وعادت و حق‌ودلیل تشخیص میدهند ـ از قضا معني عرف و عادت هم همین است:

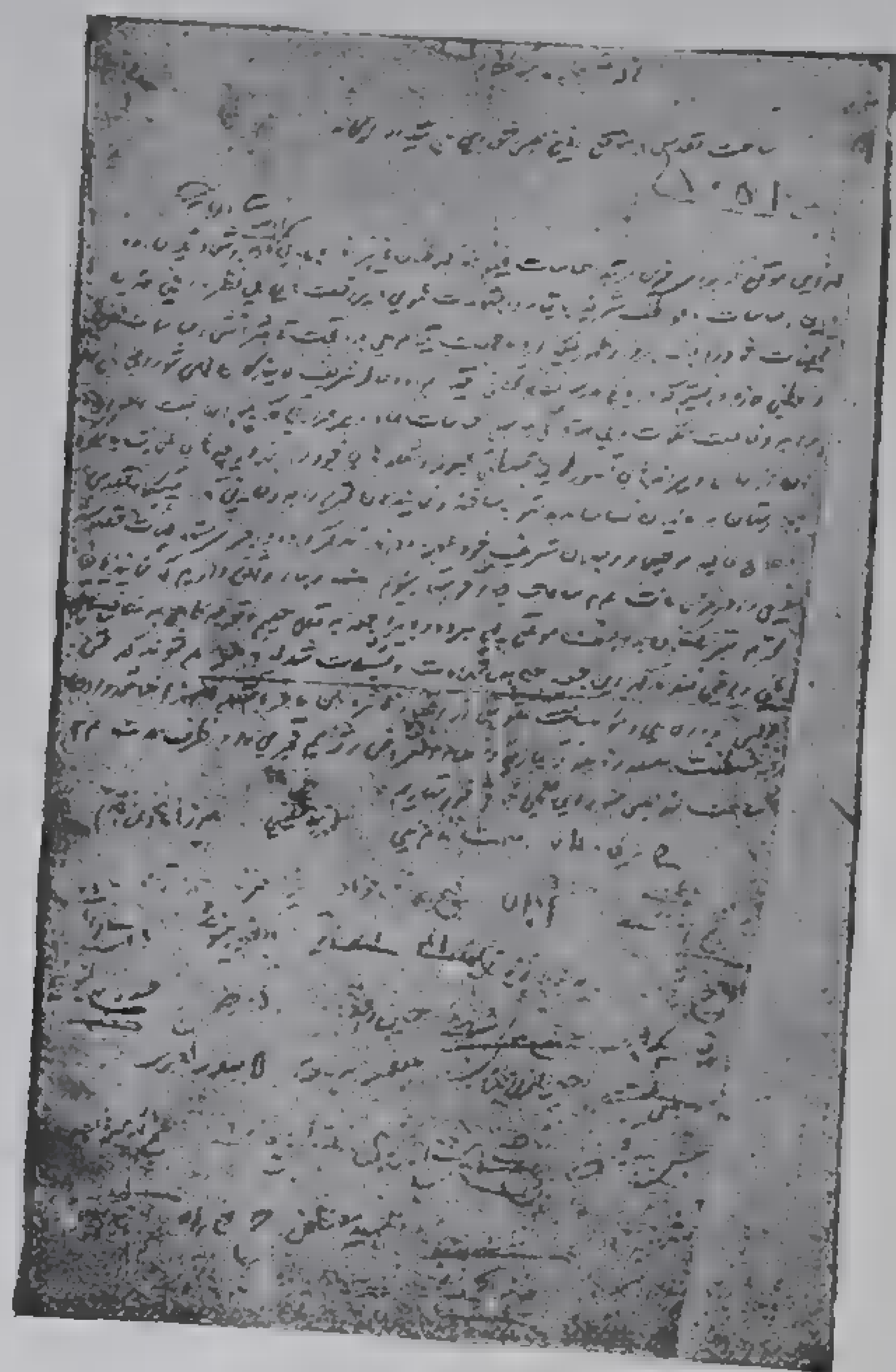
اقدام معمرین تجار بتحصن اجازه داد که تمام طبقات روبهم ریخته و با تجار شرکت نمایند ـ سیمین دستهٔ که به اذربایجانی ها پیوست عبارت از جمعیت (قیام ملی) یعنی هیئت (عمومی اصناف طهران) بودند وپس ازتحصن بنام نالهٔمتحصنین مدرسهٔ نظام عریضهٔ بمجلس شورای ملی تقدیم کرده اند که قابل بسی توجه است:

(نالهٔ متحصنین مدرسهٔ نظام)

ساحت مقدس و موقع رفیع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

در اینموقع که برای آخرین مرتبه احساسات غیورانه هموطنان عزیز اذربایجانی ایالات وولایاتما بجوش وغلیان‌آمده واین احساسات وعواطف شریفه با قیام و اجتماعات عمومی و پروتست های بی نظیر تاریخی بهترین تجلیات خود را بعنصهٔ بروز و ظهور میگذارد ما جمعیت قیام ملي لازم دانستیم که در باغ مدرسهٔ نظام تحصن اختیار نموده و خاطر شریف نمایندگان مجلس

متعلق بصفحهٔ ۱۱٤ نمرهٔ ۱۰۵۱



(عریضهٔ نمایندگان اصناف باجمعیت قیام ملّی بمجلس شوری) صاحبان امضا
ح - شرکاء دلال - محمد رضا مشکینی - میرزا هادی مقدم - صحیح است
سید طاهر مصطفی - ابوالقاسم دلال - فتح الله - جواد - میرزا علی رضا
محمد صادق - حیدر رضا زاده - میرزا محمد علی پتوئیان - حبیب الله -
احمد خاتمی - اکبر زادهٔ مینوئی - اقل علی همدانی - ابوالقاسم اسکوئی
زاده - حسینعلی کاشانی - حسین واعظ زاده - آقا مرتضی - حیدر علی
مینوئیان - مصطفی الموسوی - حسین - جعفر - آقا صدر احمدی - حسن
پنبه چی - صح اقل علی اکبر کیوی - اقل حسن کاشانی - فتح الله حسن
زاده - شهمیر زادی - سید حسن صفوی - اقل سید مصطفی - حسن
علی زاده - میرزا تقی صابونچی - احمد درویشیان - صح است کمال الدین
یوسفی

شورای ملی را بوخامت سکوت و بی علاقه گی بسیل احساسات حاد و
پرحرارتی که روی‌هم‌رفته امواج آن ازروی دیوار های قصور عالیهٔ سلطنتی
عبور و شعله هـای خود را از دریچه های عمارت با شکوه بهارستان
بعالمیان نشان میدهد متوجه ساخته و نمایندگان محترم را بوظائفی که در
پیشگاه مقدس مصالح عالیه موکلین و وجدان شریف خود عهده دارند
تذکر داده و اجرای مستدعیات مقدسهٔ ذیل را در عرض مدت ۲۴
ساعت جدا خواستار شویم ـ رجاء واثق داریم که نمایندگان محترم نیز
تاکنون به اهمیت موقع پی برده و با مراجعه بعقل سلیم وتوجه‌کامل
بمنافع حقیقی ملی راضی نشوند که این جمعیت به اقدامات و تشبثات شدیده
متوصل شوند که حتی مجلس شورای ملی و مؤسسات حکومتی از اطفاء
نائرهٔ آن عاجز باشند علیهذا خاتمه دادن بسلطنت سلسلهٔ رذیلهٔ قاجاریه
واعلام انقراض رژیم قجری را درظرف مدت ۲۴ ساعت ازمجلس شورای ملی
جدّاً خواستاریم

جمعیت قیام ملی

متعاقب این عریضه باناله بیانیهٔ دیگریرا نیز بنـام (قیـام ملی) منتشر
نموده وعموم اصناف را بمشارکت در مقصد دعوت نموده و این است عین
آن بیانیه (قیام ملی)

(بیانیه)

برادران ایرانی هیئت اتحـادیهٔ اصناف طهران که در ربودن گوی سعادت
مملکت همیشه پیشقدم و برای درآغوش گرفتن شاهد مقصود از هیچگونه
فداکاری مضایقه نداشته وجهة آزاد کردن خود از قید اسارت وبندگی
سلاطین قاجار برای هر زنجیر وقیدی خود را حاضر کرده اینك بتمام
اصناف ایران اعلام مینماید که برای قطع ریشهٔ فساد سلطنت قاجار
هیئت اتحادیه اصناف طهران نهضت وقیام نموده است .

ایرانیان هیئت اتحادیهٔ اصناف طهران در موقع تغییر رژیم استبداد
بمشروطه کاملا از سیّئات اعمال سـلاطین قاجاریه مسبوق بوده و بهمین

ملاحظه باوجود قانون اساسی در خلع محمد علی میرزا منتهـا درجه فداکاری را بعرض بروز رسانده که برای احدی تردیدی باقی نیست.
اصناف ایران هریك ازما وشما که بتاریخ سلطنت قاجاریه که کوچکترین آنها کندن چنـدین هزار چشم از برادران کرمانی ما است مسبوق بوده و از اقدامات ایران برباد ده آنها مطلع که شرح هریك از آنها شرم آوراست!.
برادران صنفی ما اگر گوش شنوای شما بازباشد صدای ضجّه و نالهٔ برادران وخواهران واطفال یتیم ملی ما را که دچار ظلم وفجایع سلاطین قاجاریه بوده اند خواهید شنید برادران ایرانی ماهنوز ضجّه های دلخراش چندین هزار اولاد ملی طهرانی که در سال مجاعه از گرسنگی کشیده و بحسرت گوشه وکنار خانه ها وخیابانهـا جان داده و سر به تیره تراب نهاده که بیگانگان بحال آنها ترحم کرده و سلطان قاجار گندم را احتکار و بفکر خروار یکصـد تومان را بدویست تومان بفروشد در فضـای طهران طنین انداز وهرشنونده را ازحیات وزندگی سیر مي نماید
اصناف ایران که بمنزلهٔ قلب وایالات وولایات که بمنزلهٔ اعضاء وجوارح هستند ناله های برادران خود را از مظالم قاجاریه بمثابهٔ نمکی که برزخم بپاشند وسوزش آنـرا زیاد کنند تلقی نموده و باهرگونه فداکاري خود را حاضر و مهیا ساخته کـه با هر قیمتی ریشهٔ این شجرهٔ خبیثهٔ سلطنت قاجار را قطع و ملت ایرانرا از زیر بار ننگین آنها آزاد سازد اینك کرسی نشینان بهارستان را مخاطب ساخته و بصدائی که تمام برادران ایرانی ما بشنوند میگوئیم که ای کرسی نشینان این محلی کـه شما خرامان خرامان در صحن او قدم میزنید با دیدهٔ عبرت نگاه کنید که با خون ایرانی آغشته و در مقابل هر یك آجر آن یك برادر ایرانی ما درخون خود غلطیده است کرسی نشینان بهارستان چندین هزار خواهران ملی ما بیوه شده که ازخون مردان آنها این درختان بهارستان آبیاری شده است کرسی‌نشینان این مجلس مقدس محل تفریح نیست اینجا دکان شیادی نیست اینجا

محل دلالی و تهیهٔ پارك و اتومبیل نیست اینجا کعبهٔ مقدس آمال ملت است که برای رفاهیت و آسایش و استقلال و افتخار و شرافت تاسیس و بنا شده است .

اینجا محلی است که کوچکترین نالهٔ مظلومانهٔ یکنفر رعیت باید در طالار آن طنین انداز شده و باسرع اوقات باید رفع ظلم از او بشود.

ای کرسی نشینان – چه میکنید ؟ چه میگوئید ؟ چه هستید ؟ بچه نام باید شما را مخاطب ساخت؟ که متجاوز از یکماه است برادران آذربایجانی ما و سایر ایالات و ولایات متجاوز از پنجاه تلگراف بشما کرده اند و هنوز درمجلس قرائت نشده چه رسد که در صدد جواب برآمده وبا در مقام خاتمه دادن بمستدعیات آنها باشید !.

کرسی نشینان – این درخواست برادران ایرانی ما کـه اتحادیهٔ اصناف طهران اولین همصدای آنها هستند یك حقی است کـه تمام ملت ایران شریك و هم آواز آن بوده و با مشت آهنین آنحق را خواهند گرفت

کرسی نشینان بهارستان – اگر شما خوانده اید در تاریخ که سلاطین قاجاریه ملت ایرانرا ملعبه و بازیچهٔ خود قرار داده و اگر هزاران ایرانی در زیر شکنجه و داغ مامورین آنها جان میداد آنها ابدا وقعی نگذاشته و آنی از عیاشی خود نمی‌کاسته و بخواهید شما هم بآنهـا تاسی نموده و لاقیدی آنها را در مستدعیات ملت تعقیب نمائید بدانید همان دست انتقامیکه از آستین ملت بیرون آمد و محمد علی میرزا را از تخت سلطنت فرود آورد شما را نیز از کرسی بهارستـان فرود آورده و بوظائف ملی اقدام خواهد نمود .

اینك ما منتظریم که در اسرع وقت تکلیف قطعی مستدعیات ما وبرادران ایرانی ما را معین و این ننك سلطنت قاجاریه را از ملت ایران بردارید .

(هیئت اتحادیهٔ اصناف تهران)

(زردشتیان)

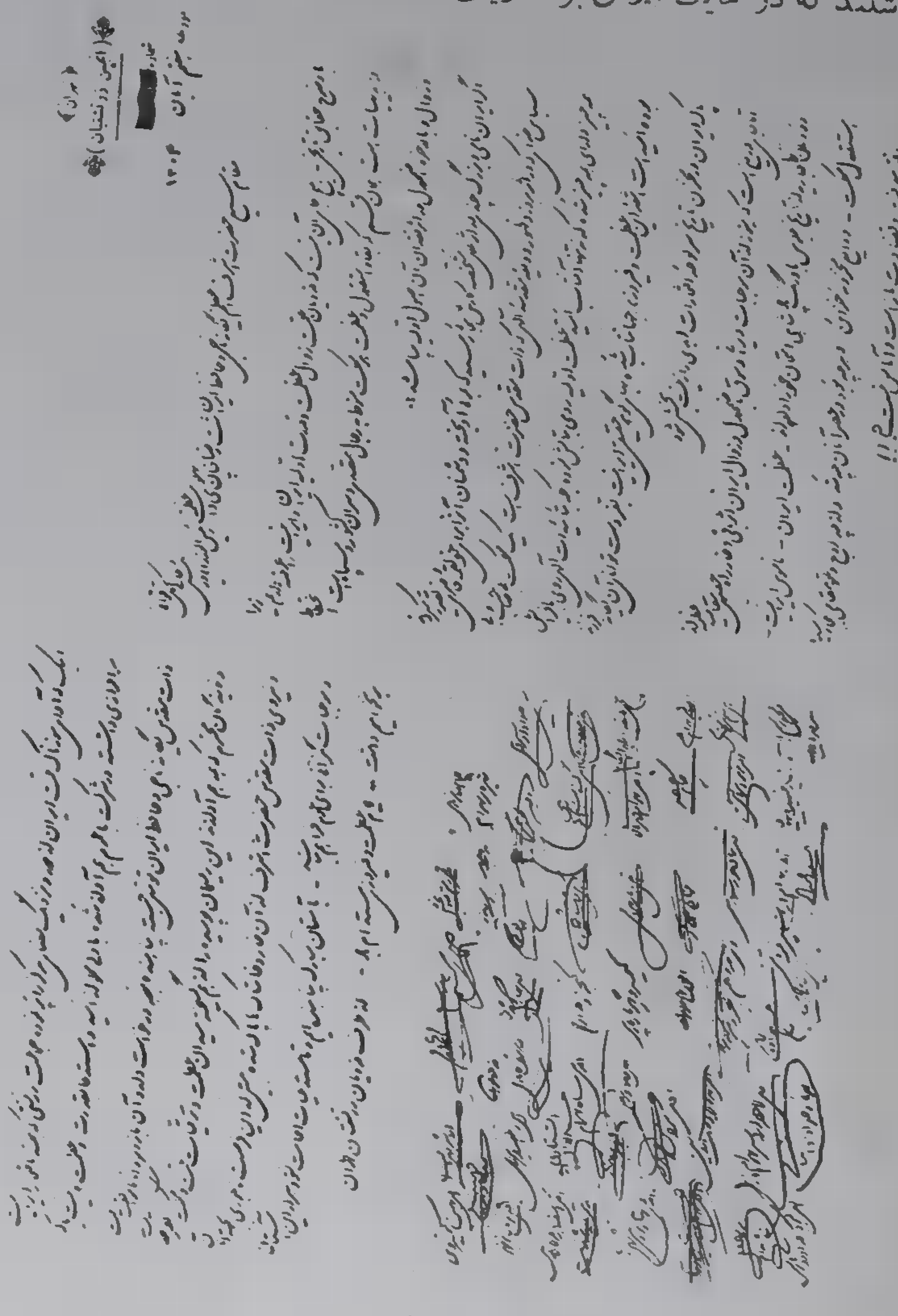
سومین دسته که باذربایجانیان پیوستند هیئت زردشتیان طهران بود



پیش آمد متحصنین زرتشتیان فوق العاده جالب توجه و رقت آور است !. درآن ساعت عموماً با یك متانت اخلاقی و قیافهٔ صمیمی و جدی که مخصوص این عنصر است با دل پاك و گفتار نیك قدم به دائرهٔ تحصن نهاده و لائحه مخصوصی را تقدیم رئیس دولت نمودند .

این لائحه با یك روح خاص وطن پرستي دور از هر شائبه و اغراض تنظیم یافته و از مطالعهٔ آن معلـوم میگردد که صاحبان امضا فقط بنام عظمت ایران و حس تلخکامی از گذشته و انتظار امید به آینده

فقط با یك قیافهٔ تأثر آمیزی که حکایت مینمود وقتی عظمت دربار شاهنشاهی ایران بجائی رسیده بود که به دولت رم و یونان تاج بخشی مینمود و دول مقتدر افتخار داشتند که درحمایت ایران بوده ویکی ازمستعمرات ایران بوده باشند!.



(لایحهٔ زرتشتیان درهنگام تحصن)

گویا این وقایع با عظمت تاریخی از خاطرهٔ این دسته گذشته و گذشته را با حال مقایسه نموده ـ نمرات بدبختی و فلاکت های خود را شمرده و

مظالمی را که مخصوصاً از سلسلهٔ قاجاریه تحمل کرده بودند یاد آورده و بخانهٔ که اسماً و رسماً نشان از ادوار با عظمت سالفه میدهد (پهلوی) پناهیده اند که بلکه عزت از دست رفته را بر گردانند ـ و روزکار تیره بختی را بآخر رسانند ـ وگمشدگان خرابه های مداین‌را در در خانهٔ پهلوی پیدا نمایند.

با یك چنین قیافه تحصن اختیار نمودند ودر مدرسهٔ نظام چادر زدند و جایگاه خود را تعیین نمودند.

خود ایستاده بودم و ورود این دسته را با چشم خود دیدم از قیافه وادب افراد وطن‌پرستي راکه درپیشانی‌هریك باآثارعظمت واصالت خط‌برجستهٔ بود. خواندم و از پر شکستگی این جمع دوره های فرّ ایران چون فیلم سینما از نظرم گذشت و نزدیك بود که دامن صبوری واختیاررا چاك زنم.

این دسته گمشدهٔ داشتند و نشانه اورا در لفظ پهلوی دیده لایحه را که تنظیم داده اند هر جمله اش برای مخزن اسرار نهانی کلید است که فقط این طبقه بآن اسرار پی برده و پس از دورهٔ نادرشاه افشار وقایع را یك بیك بخاطر سپرده اند که با دست نویسندهٔ این اوراق در مخازن آن اسرار باز و به ذکر اعقاب آینده تسلیم میگردد.

در این لائحه نوشته شده (دودمان قاجاریه از تاریخ جلوس به او رنك پادشاهی امتحان خود را داده اند ـ عظمت ایران ـ ناموس ایرانیت ـ استقلال مملکت ـ ودایع مخزونه خزائن و هر چه بود در عصر آنان چه شد؟)

سؤالات مخصوصی است ؟!. وبعقیده نویسنده طرف خطاب نسل معاصر و عصر حاضر و اعقاب آیندهٔ ایرانیان است که این کتاب را میخوانند و وقتیکه به این جملات رسیدند بایستی چند دقیقه فکر و قضاوت نموده و جواب بگویند.

راست است که بنظر این طور جلوه میکند که چون این لائحه را بشخص

شخیص پهلوی تقدیم داشته اند ایشانرا مظهر قدرت ملی تشخیص داده
و بنام ملت ایران استیضاح میکنند تا چند دقیقه فکر وقضاوت نموده
وبالنتیجه با مستدعیات ملّت موافقت و مساعدت نماید ولیکن در حقیقت و
معنی طرف خطاب ملت ایران است.

و بالجمله این لایحه یاد از عظمت و استقلال و ناموس کرده و همه را بباد
رفته پنداشته (که از یکصد و بیست و یك اقلیم نمانده است کنون از یکصدش
نیم!.) گنج باد آور خسرو یا نادرشاه افشار که با جملهٔ (و دایع مخزونهٔ
خزائن) باو اشاره شده بعقیدهٔ زرتشتیان ایران بدنبال عظمت و ناموس
استقلال راه نیستی گرفته وسپری شده وازدست رفته است - این جمله اینطور
نشان میدهد که در عصر قاجاریه مخصوصاً پس ازدورهٔ مشروطیت به مخازن
و ودایع ملی دستبردی زده شده و امانت های ملی از تفریط شده است!.
اظهار مهمی است؟ و باید در اطراف این نسبت دقیق تر شده و مستندات
انرا پیدا نمائیم تا معلوم گردد مسئله حقیقت دارد یا خیر؟

همه میدانیم که پس از قسم خوردن بقران محمد علی میرز اغائله بمباردمان مجلس
شورای ملی وجنك های خونین داخلی بالاخره طهران بادست احرارفتح ومشارالیه
به آستان اجانب پناهنده شده و یك مقدار زیادی جواهرات واساسیهٔ سلنطتی
را با خود بسفارت برد!. ویك لکه ننگین تاریخی بدامن سیاست ایران نهاد!
مشارالیه نه تنها این ننك را تحمل نمود بلکه حاکمیت اجانب را مطابق مدلول
معاهدهٔ ترکمان چای تنفیذ و تثبیت کرد وایران را به پرتگاه مدهشی کشانید
که در تاریخ سیاست ایران بی نظیر بوده و هزاران مشکلات دیپلماسی را
ایجاد و در تعیین مقدرات داخلی مملکت باجانب راه بلامانعـی را صاف
و دروازه های دخالت اجانب را باز کرد!. و کار بجائی رسید که در
محاکمات اتباع ایران با من تبع محمد علی میرزا نیز کنسول روس تزاری درعدلیه
حضور بهم میرسانید و دوسیه های عدلیه را نماینده خارجی امضا می کرد!.
محمد علی میرزا از بین رفت واحمد میرزا در شدید ترین اوان که مملکت در اثر

پنجهٔ قهار تزار که با یك دست گلوی ملت را گرفته و با دست دیگر معاهدهٔ مزبور را مانند گرز آتشین بمغز ایرانی میکوبید بسلطنت ایران تعیین شد!. سلطان هنوز خورد بود و غیر بالغ و از پستان همان سیاست شیر میخورد که پدر نیز از همان مطاره رفع تشنگی مینمود!.

این اسرار هنوز بازاوی نشده و قضایا در پس پرده جریان داشت فقط در نظر متفکرین حقایق روشن بود ولی بواسطهٔ بیم و حراس نمیتوانستند افکار خود را علنی نموده و جامعه را از حقیقت آگاه کنند هر چه بود درهای شعبده بازی بروی ایرانیان باز و هر دقیقه ایران در تلاطم و بحران بود و ساعات خطرناکی را میگذرانید و بالاخره سلطان بر غم تمایلات عمومی ملت ایران را ترك كرد!.

این حرکت بر خلاف آمال و منویات ملت بموقع اجرا گذارده شد بطوریکه یکنفر هم از مسافر معهود مشایعت نکرد!

در همین موقع احمد میرزا نیز مقداری از جواهرات سلطنتی و دولتی را بهمراه خود برد!

درباریان یا نفهمیدند و یا فهمیدند ولی سرپوش روی آن گذاشته ودست برد را ندیده پنداشتند و یا آنکه عهد و میثاقی در کار بود که مثلی است مشهور (شتر دیدی ندیدی!.)

زرتشتیان این دستبرد را فهمیدندو سخت عصبانی شدند! چه میتوانستند بکنند؟ با فقدان تمام وسائل دفاعیه و هجوم هزاران مصائب بایران و بالاختصاص در طول یکصد و پنجاه سال ومخصوصاً درایام اخیر که متوجه این طبقه گردیده بودامکان نداشت بتوانند کاری را انجام دهند!

فقط یگانه مایهٔ تسلی این طبقه همانا وجود یك وکیل وطن پرست لایق وصمیمی بود که در طی گذارشات چندین ساله و تحمل هزاران نا ملایمات با یك روح با شهامتی داد وطن پرستی داده و درمواقع با حربهٔ امانت و صداقت بطرار وزبردست حمله می نمود این ارتکاب را دیدند و فقط برای

یکروزی یاد داشت کردند .
عملیات چندین سالهٔ این وکیل که بایك عفت سیاسی تاکنون امتحان لیاقت
ووطن‌پرستی داده‌ولاکلام محبوب ایرانیان‌است همیشه‌سند رسمی‌عقاید واظهارات
اوبوده وهمیشه‌پی‌وقت‌وفرصت‌میگشت تااینکه درهفتادو دومین‌جلسهٔ دورهٔ‌چهارم
تقنینیه مجلس شورای ملی از رئیس‌الوزراء وقت (مشیرالدوله) دراینموضوع
سؤال مخصوصی کرد که برای اهمیّت موضوع لازم است عین سؤال
وجواب بارئیس الوزراء را در کتاب خود درج نمائیم.

(شنبهٔ ۲۷ جمادی الثانی ۱٤۳۰ مطابق ٦ حوت ۱۳۰۰)

ارباب کیخسرو ــ سؤال بنده هم راجع به جواهرات وهم در موضوع تمام
ذخایر بیوتات سلطنت است که تمام متعلق بملت است وهمچنین راجع
بمطالب معوّقه که درسنهٔ ۱۳۲۷ مطابق قراردادیکه مابین ملت وشاه
مخلوع شده وتاکنون قسمتی ازآن بموقع اجرا گذاشته نشده :ــ
اولا یکقسمت اسناد وقبالجات نزد شاه مخلوع مانده است که بایستی تسلیم
کندودراین مدت تسلیم ننموده !.ــ
ثانیاً چهل ونه طغرا اسناد وقبالجات مهمّه بوده که نزد مختار الدوله یکی
از ملازمین وهمراهان شاه مخلوع بوده که هنوز تسلیم دولت نکرده است !.
ثالثاً مسئله تبدیل مروارید های دولتی وکسری زمردها است که مطابق
صورت ممضای شاهزاده کامران میرزا باید از عهده برآید و کراراً خودش
خواسته است هشتاد هزار تومان غرامت بدهد وقبول نکرده اند ومتاسفانه
تاکنون هیچ عاید نشده !. ــ همچنین دو رشته تسبیح مروارید های خیلی
گرانبها میباشد که نزد دو نفر ازتجار بوده و متجاوز ازچهل هزار تومان
قیمت آنها است در حالتیکه تجار بقیمت کمی گرفته اند و بایستی رد کنند
و ردننموده اند !. ــ همچنین دوبسته ازجواهرات دولتي است محمد علی میرزا
در بانك استقراضی سابق گذارده بود و میبایستی به دولت رد کنند و هنوز
رد ننموده است !

یك قسمت عمدهٔ دیگراز جواهرات است که نزد محمد علی میرزا مانده ومیبایستی مطابق پروتکل رد نماید ولی هنوز رد نکرده است !. ـ بعلاوه اشیائی ازمیان رفته که بایدنتیجهٔ اقدامات دولت دراسترداد معلوم شود ـ منجمله پنجهزار قبضه تفنك و چندین هزار فشنك از اسلحه خانه بیرون رفته و متجاوز از سیصد هزار تومان قیمت داشته و هنوز رد نشده است و نیز ده جلد کتاب نفیسه بوده است که آرشاك ازکتابخانهٔ دولتی برده و در (نیویورك) به دویست و چهل هزار دالر که تقریباً (سیصد هزار تومان) میشود فروخته است و الان آن کتابخانهٔ که این کتب در آنجا مفقود شده از دولت آمریکا ادعای یازده ملیون دالر (معادل بیست و نه کرور تومان) غرامت میکند قریب شصت هزار تومان کتبی بود که نزد قائم مقام وزیر همایون سابق بوده است و بعد بدست عروسش رسیده و حتی یك مجلد از آن کتب تقدیم یکی از شاهزاده گان محترم شده است واین کتب نیز به دولت نرسیده است اینها قسمت هائی است که نتیجهٔ آن ناقص مانده و باید رد شود و هنوز رد نشده است !.

قسمت دوم راجع بجواهرات است اولا در همان اوقات یعنی سنه (۱۳۲۷) که رسیدگی شد جواهراتی را برای موقع رسمی و تشریفات سلطنتی تخصیص داده اند سؤال میشود که آیا آن جواهرات درچه حال و کجا است ؟.

ثانیاً چهل و نه فقره جواهرات است که بموجب اسناد رسمی متدرجاً از خزانه خارج شده سؤال میشود آن جواهرات در کجا است ؟

ثالثاً دوازده فقره جواهرات است بشرح ذیل اخیراً از خزانه خارج شده

(۱ تسبیح مروارید نمرهٔ (۱) که هر دانهٔ آن تقریباً یك مثقال وزن داشته ـ سه رشته)

(۲ انگشتر تخمه الماس برلیان ـ هشت حلقه)

(۳ انگشتر الماس فلامك ـ سه حلقه)

(٤ انگشتر تخمه لعل ـ یك حلقه)

(۵ انگشتر تخمه زمرد ـ یك حلقه)
(٦ انگشتر تخمه یاقوت ـ دو حلقه)
(۷ انگشتر تخمه فیروزه ـ یك حلقه)
(۸ دگمهٔ تخمه الماس برلیانی که یازده قیراط وزن داشته ـ یك حلقه)
(۹ سنجاق تخمه الماس ـ یك حلقه)
(۱۰ ساعت طلای مرصع و ساده ـ دو قاب)
(نشان های مرصع ـ دو قطعه ـ قوطی عینك طلا ـ دو قطعه)

آیا اینها در چه حال و کجا است ؟

همچنین شنیده می شود در ظرف سنوات اخیره یك جعبه از جواهرات ایران در یکی از بانك های سویس باسم عباس نام امانتاً سپرده شده است آیا دولت از آن جعبه چه اطلاع دارد؟ و آن جعبه را که سپرده است ؟

قسمت سوم راجع به ذخائر دولتی است که در حال فاسد شدن است منجمله دوازده صندوق جواهرات است که در جای بسیار مرطوبی گذاشته شده در صورتیکه رطوبت با مروارید موافقت ندارد و نزدیك بفاسد شدن است؟ آیا دولت برای جا بجا کردن و جلوگیری ازفاسدشدن آنها چه اقدامی کرده است که از هر حیث در جای سلامتی گذارده شده و دیگر اینکه مقدار زیادی ذخائر دربار سلطنتی که متعلق بملت است در ایام اخیر از بین رفته منجمله از خیام خانه و موزه خانه و اسلحه خانه و زین خانه و امثال آن!.

آیا دولت میتواند اطمینان دهد که هر چیزی بجای خود باقی است یا خیر ؟

من جمله چراغ برق سلطنتی است که در دربار سلطنتی بوده است و از قراریکه شنیده می شود مشغول خورد کردن و فروختن اسباب آن هستند !.

همچنین مقدار زیادی اشیاء نفیسهٔ گرانبها وحتی عهد نامه ها و قبالجات وغیره است که مثل اموال بی صاحب در عمارت بی سقف و زیر برف و باران و مخلوط با خاك و خاشاك ریخته شده است. آیا برای حفظ آنها دولت چه اقدامی نموده است؟

اینها چیز هائی است که بنده شنیده ام زیرا تمام اینها مطابق اصل ۳۳و۳۵ و ٤٤ قانون اساسی ملك و مال ملت است و از وظیفهٔ وکلا است که در حفظ و صیانت و حقیقت آن بکوشند و در صورت تخلف بتکلیف خود عمل کنند (وکلا صحیح است) وقتیکه ما در اینجا ساعت‌های وقت خودمان را صرف جزئیات میکنیم نمیتوان ازحقوق ملت وملیون ها مال‌صرف نظر کرد (وکلا صحیح است ـ صحیح است) چون خوشبختانه آقای رئیس الوزراء از اشخاصی هستند که از تمام مطالب مستحضرند استدعا دارم جواب مسائلی را که‌عرض کردم بفرمایند

رئیس‌الوزراء سؤالاتیرا که آقای ارباب کیخسرو فرمودند چون داخل در جزئیات شدند وبه‌بنده اطلاع نداده‌بودند باین جهة بایستی جزئیات‌سؤال‌خودرا بنویسند تا بنده تحقیق‌کرده‌جواب یك‌یك آنرا عرض‌کنم اما دومطلب‌را کلیتاً میتوانم عرض کنم یکی اینکه همین طور که عرض کردم کمیسونی برای رسیدگی بخزانهٔ دربار و همچنین به ذخائر سلطنتی معین خواهد شد و تحقیق خواهد نمود محل هائیکه ذخائر است مناسبت دارد یاندارد؟ و اگر‌مناسبت ندارد بچه محل هائی باید نقل شود؟ و بطور کلی میتوانم عرض کنم که دولت در اینخصوص تصمیماتی نموده و در دست اقدام است.

راجع به سایر مطالب هم بطوریکه عرض شد محتاج به تحقیقات دقیقانه‌است صورت سؤال خود را بفرستند تاراجع بجزئیات آن تحقیقات بعمل آمده بعرض مجلس برسد.

ارباب کیخسرو ـ اینکه فرمودند اطلاع نداشتم در چندی قبل که بنده صورت سؤال خود را تقدیم ریاست کرده ام هم مسئلهٔ جواهرات و هم سایر ذخائر

سلطنتی را نوشته بودم حالا که فرمودند صورت سؤال خود را تقدیم نمایم خواهم نوشت ولی استدعا دارم صورتی از راپورتی هم که از ادارهٔ بیوتات به دولت رسیده است بمجلس بفرستند تا آقایان نمایندگان بیشتر از قضایای در بار ! مطلع باشند.

☆☆☆

ارباب کیخسرو سئوالات خود را کتباً نوشت ولی رئیس الوزرای وقت جواب نداد جلساتی گذشت و برای ادای وظیفه و اهمیّت قضیه در بیستم حوت ۱۳۰۰ ارباب کیخسرو مجبور شد که از رئیس مجلس شورای ملی در احقاق حق ملت و اخذ نتیجه از رئیس دولت استمداد نماید و کتباً عریضهٔ برئیس مجلس نوشت که این است آن عریضه

(مقام منیع مجلس شورای ملی)

در تعقیب سؤالیکه در تاریخ ۶ حوت تخاقوی ئیل در مجلس شورای ملی در خصوص جواهرات و ذخائر دولتی از ریاست محترم وزراء عظام شده است چون تا کنون از جواب اطمینان آمیزی استحضار بعمل نیامده است لهذا برای آنکه در صورت وقوع از فوت وقت موجبات خسارت و ندامت حاصل و مسؤلیتی سنگین تر متوجه نشود تقاضا مینمایم مجلس شورای ملی موافقت فرمایند از طرف مجلس به دولت نوشته شود در هر قسمتی از آن سؤال که دولت واقعیت آنرا تصدیق نماید اقدامات فوری بعمل آورد

اولا کتب دولتی را که آرشاك نام از ایران برده و در (نیویورك) بوده چون مال سرقتی است از دولت (آتازونی) خواسته شود

ثانیاً بتمام مامورین دولت علیه در داخله و خارجه تلگرافاً و کتباً امر شود آنچه از کتب و ذخایر دولتی ایران در هر کجا و نزد هر کسی میبابند اقدام در استرداد و ایصال به دولت ایران نمایند

ثالثاً درحدود هر جزء از سؤال مذکور فوق و آنچه نیز علاوه بر آن

اشیاء و ذخایر و جواهرات و اسناد دولتي در هربانك و نزد هر کس باشد اهتمام شود بفوریت تسلیم دولت نمایند ودر صورت تعلل اگر هر یك ازمرتکبین ومسؤلین که حقوق دولتی دارند و کفایت به آن اشیاء واموال کند حقوقشان توقیف گردد و الا از هرگونه دارائی آنها که کفایت به میزان آن اشیاء و اموال نماید توقیف شود و رفع آن توقیف موکول به اخذ تمام وکمال هرجزئی از اجزاء آنچه نزدشان بوده و یا درصورت تفریط موقوف به تادیهٔ تمام وکمال اصل وفرع قیمت صحیح آن خواهدبود رابعاً در ظرف اقلا یکماه دولت نتیجه اقدامات خود را رسماً بمجلس شورای ملی اعلام فرماید ۲۰ حوت ۱۳۰۰۰ (کیخسرو شاهرخ)

با اینکه مطابق اظهار رئیس دولت وکیل مزبور سؤالات خود را کتباً تقدیم نمود ولی‌متاسفانه‌جواب نشنید ومجبور شدازطرف پارلمان ورئیس مجلس اقدام رسمی نمایدولی رئیس دولت حاضر نشدجواب بگوید و بطفره گذشت . این بود گذارشاتیکه جمعیت زرتشتیان را از روی علم و بصیرت وادار بتقدیم آن لایحهٔ مخصوص نمود ـ لایحه را تقدیم کردند و با یك متانتی تحصن اختیار نمودند و ما محض کشف حقیقت عقاید و افکار ملت ایران نسبت بخانواده قاجاریه این مختصر جریان پارلمانی و مذاکرات رسمی مجلس شوری را در کتاب خود درج نمودیم تا اعقاب آینده بکنه اسرار انقلاب آبان ماه ۱۳۰٤ پی برده و با رسیدگی بمستندات و دلائلی که یك نفر وکیل صالح در جلسهٔ رسمی طرح و ازرئیس الوزرای وقت با علامت و نشانه سؤال می‌کند و حقیقتاً حکم محکومیت (شاه احمدمیرزا) و سلسلهٔ قاجاریه را امضا می نماید ـ قضاوت نمایند و بدانند که چه موجباتی ایرانی را وادار بانقلاب وقیام بر علیه قاجاریه نموده است ! .

(تجار جوان)

دستهٔ دیگری که تحصن اختیار نموده و روز و شب خود را در فضای مدرسهٔ نظام می‌گذرانیدند هیئت تجار جوان بود
این طبقه دارای روحیات مخصوص و ذوق سرشاری بودند وغالب اوقات افراد این جمع مصروف خطابه و کنفرانس ونطقهای مهیج بود وبواسطه ترنمات موزیك حال مخصوصی را در متحصنین تولید مینمودند:
سرود های ملی و نشید های وطنی در صبح و شام از دم تحصن‌گاه این طبقه در فضای مدرسه منعکس و درمسامع متحصنین اثرخود را می‌بخشید



(تجار جوان و ناله های عاشقانه با موزیك)

و احساسات را تحریك و افکار را کاملا متوجه انقلاب می‌نمود

(سادات لاریجانی)



ششمین دسته که به آذربایجانیان ملحق شدند سادات لاریجانی واهالی مازندران مقیم مرکز بودند ولائحهٔ ذیل‌را منتشر ودرمورسهٔ نظام تحصّن اختیار نمودند

(هموطنان عزیز)

در اینموقع که ما برادران شما برای سعادت مملکت و سیادت ملت اجماعاً بعنوان تحصن در مدرسهٔ نظام اختیار نمودیم تا بتوجهات یگانه ناجی مملکت و ملت ایران نهضت برادران آذربایجانی و ایالات و ولایات واصناف خاتمه بسیئات اعمال دودمان قاجار و قطع ریشهٔ پوسیدهٔ سلطنت بنمائیم از شما هموطنان عزیز و دوستان محترم تمنی مینمائیم که هرچه زودتر با این برادران متحصن همصدا شده تا به سایهٔ اتحاد و اتفاق ریشهٔ این شجرهٔ خبیثه را قطع و نابود سازیم

های ای وکلای طهران؟ و مازندران؟ خوب است هرچه زودتر به این عادت دیرینهٔ تسامح وتعلل خاتمه داده و با ماهمصدا شده که پیش ازاین تاب صبر وتحمل از مظالم و فجایع قاجاریه نداریم و یقین است بااین نیت مقدس که آمال وارزوی هرفرد صالح ایرانی است ازبذل مساعدت کوتاهی نخواهید نمود

هیئت متحدهٔ لاریجان ومازندران

(هیئت علمیه)

هیئت علمیه نیز هفتمین دستهٔ بودند که به اذربایجانی ها ملحق و در منزل شخص رئیس الوزرا (پهلوی) تحصن اختیار و شب وروز معتکف بودند

(هیئت متحدهٔ کردستان مقیم مرکز)

هشتمین دسته هیئت متحدهٔ کردستان مقیم مرکز باذربایجانیان ملحق و در منزل رئیس دولت متحصن وصمیمیت مخصوصی را از خود در حوزهٔ متحصنین نشان میدادند و طرز ملاقات این هیئت با رئیس دولت و عرض تحصن و جوابی را که رئیس دولت باین هیئت داده بسی قابل توجه است و برای کشف نکات تاریخی عین نطق رئیس دولت را در کتاب خود درج مینمائیم.

(نطق جوابیه)

اینجانب که یکنفر ایرانی وطن پرست و نیکخواه احاد و افراد بوده وهستم در هر مورد نسبت باصلاحات امور مملکتی بذل نهایت جد و جهد نموده و در اینموقع هم برای تحصیل رفاه عموم اهالي ایران مدد از حق میطلبم و در اینصورت عموماً مکلف هستید که در هر مورد مراقب من بوده ومرا آگاه نمائید که نسبت به اصلاح هر مفاسدی جداً اقدام نمایم واگر احیاناً راجع به ادای وظیفهٔ که بعهدهٔ من وارد است فراموشی یاغفلتی به بینید با نهایت قوت قلب واستقامت مرا بطریق ادای تکلیف و نوع پرستی ورفع مفاسد و اجرای اصلاحات وادار نمائید.

این نطق تاثیر مخصوص در افکار متحصنین نمود و مانند برق در مرکز منعکس شد وطبقات و دستجات را روی هم ریخت

(بنی اسرائیل)

نهمین دسته متحصنین کلیمیان (جمعیت بنی اسرائیل) بودند

و لائحهٔ ذیل را پس از تحصن منتشر نمودند .



(لایحه)

در موقعیکه مقتضیات سیاسی دنیا وسائلی از برای تجدید سلسلهٔ سلاطین ایران بدست قضا و قدر داده و جنبشی در کلیهٔ نقاط مملکت بر علیه سلطنت قاجاریه پدیدار گردیده است و چون بحکم همان مقتضیات این تغییرات مهم سیاسی که محتمل است در آتیه در امور اقتصادی این مملکت نیز بی اثر نباشد بایستی انجام پذیر گردد لذا جماعت بن اسرائیل نیز از نقطهٔ نظر شرکت و تساوی در امور سیاسی و معاشی مملکت بوسیلهٔ تحصن در مدرسهٔ نظام تمایل خود را نسبت بانقراض سلطنت قاجاریه اعلام واز پیشگاه مقدس بندگان حضرت اشرف اعظم آقای سردار سپه رئیس الوزرا و فرماندهٔ کل قوی استدعا مینماید که از مساعدت نسبت بانجام این امر که خدمت بزرك تاریخی بمملکت است منت عظیمی بر ین جمعیت گذارده ازاین طریق نیز تاج با افتخار تری بر روی خدمات درخشان تاریخی و شایان هر گونه تقدیر و تحسین که از خود بیادگار گذارده اند بگذارند

جماعت بنی اسرائیل

متعاقب این دسته هیئت نمایندگان ارامنه نیز متحصن شدند .



تحصنگاه ارامنه در مدرسهٔ نظام

(جمعیت کاوه) (ارباب جرائد) (وکلای دعاوی)

جمعیت کاوه که تماماً از عناصر فعال و جوان ومتجدد تشکیل شده باحرارت فوق‌العاده که مخصوص خود این جمعیت بود تحصن اختیار نمودند و ارباب جرائد و صاحبان صنایع از هر طبقه باذربایجانیان ملحق شدند . وکلای دعاوی وبضمیمه آنها موکلین یعنی صاحبان دعاوی بودند که با شکایات لایتناهی و انزجار طبیعی از اوضاع عمومی و بی تکلیفی و درد دل از قوهٔ‌قضائیه‌تحصن اختیارنمودند وبالجمله تمام‌طبقات بدون استثنا وارد مدرسه و خانهٔ شخصی رئیس کل قوا گردیده و بابك ارام مخصوص متحصن شدند



(سلسلهٔ چادر های متحصنین طبقات مختلفه در مدرسهٔ نظام)

روزهشتم آبان ماه رشتهٔ انتظامات از هم گسیخت و فضای مدرسهٔ نظام و منزل پهلوی وضعیت مخصوص بخود گرفت وعنوان تعطیل عمومی بمیان آمد



منظرهٔ یك قسمت از مدرسهٔ نظام

باوجود اینکه قوای دولتی تمام سعی خود را مصروف جلوگیری ازتعطیل مینمودند ومخصوصاً پلیس مواظبت کامل داشت که ا گردکانی بسته شودولو جبراً آنرا باز نموده و نگذارد تعطیل بمیان آید نمیتوانست تحصیل موفقیت نماید



ازدحام [illegible]

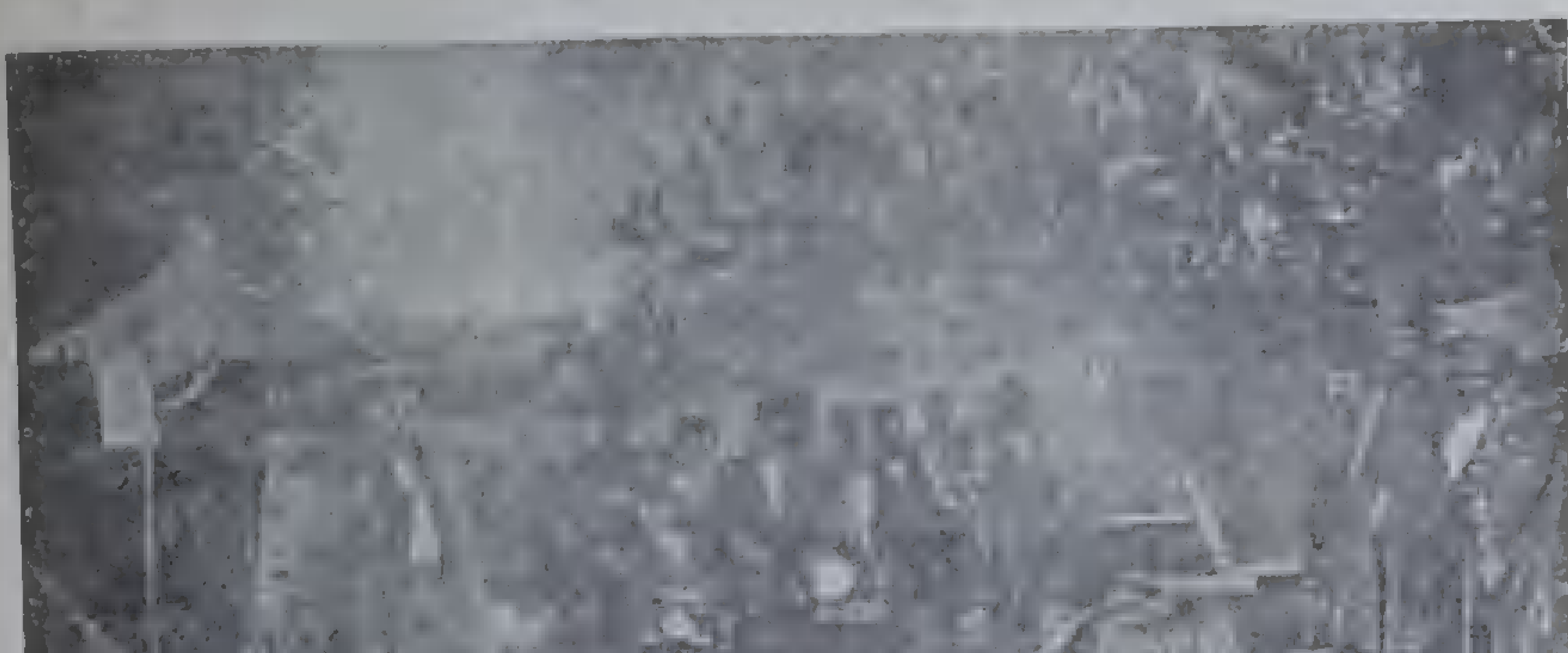
دکاکین باز بود ولی نه صاحبان دکان و نه مشتری کسی پیدا نمیشد مردم دست از کار کشیدند و غوغای غریبی در مدرسهٔ نظام برپا شد و چگونگی ازدهام را گراور های مخصوص که از نظرشما خواهد گذشت نشان میدهد و بالجمله مردم و طبقات و با یك عزم راسخ و ارادهٔ تغییر ناپذیری متحصن شدند

افراد وامانده ازاجتماع که مدتهای مدیدی نمیتوانستند ازسخت گیری حکومت نظامی وتعرضات اژان دور هم گرد آیند موقع مناسبی بدست آورند وهمدیگر را دیدندوآزادانه دورهم جمع شدندشکایات بهم راه پیدا کرد و درد دلها باز شد احساسات از طرفي و بحران وضعیات از طرف دیگر اثر خود را بخشیده و عموم طبقات را وادار به تحصن نمود و بالاتفاق تصمیم گرفتند که تا نتیجهٔ مطلوبه را تحصیل نکنند تحصن را ادامه داده و در زیر لفافهٔ تحصن یعنی آزادی از تعرضات پلیس در تفریق جماعات و جلوگیری از اجتماعات مقصود خود را انجام دهند :

این مسئله چندان ساده و آنی الحصول نبود و مستلزم وقت ویا فشاری وجدیت بود چه آنکه هنوز هیئت دولت خودرا حاضر باستماع مستدعیات ملت نکرده و مجلس شورای ملی نیز مثل این بود که جریانات را عادی می پندارد !. و تا کنون ملت در مقابل این بی اعتنائی یکانه حربهٔ که در دست گرفته وداشت آتیه دولت را تهدید مینمود فقط تحصن عمومي بود که میرفت منجر بجریان خطرناکی گردد وتعطیل عمومی تمام معنی آثار خود را بروز داده و دست تعرض ملت بطرف ادارات دولتی دراز شود !.

این پیش آمد حتمی الوقوع بود ودولت هم مقدمات آنرا حس کرده وداشت قوای نامینیهٔ را زیادتر مراقب وضعیات مینمود وبقوهٔ پلیس امنیه وافراد نظامی را ضمیمه و یا در حقیقت روح عمومی را تهدید مي کرد بی تکلیفی خود مولد بسی ناراحتی است دقیقه وساعت شماری و انتظار بالاخره انسان را وارد بکارهای غیر منتظر می نماید در طول تحصن چند روزه روح نزاکت و ملایمت دارد اسباب سفر را ساز و خیال دارد ازمحیط مدرسه خارج گردد وروح خشونت وستیزه دارد مقدمات

نزول و حلول خود را تهیه و بتحصن‌کاه میفرستد!
یکنوع تجهیزات فکری در عرض وجود است وملت از استقامت دولت عصبانی ورو‌ی هم رفته وضعیات خطرناك و مخصوصا یك پیش آمدی باعث تولید هیجان و اضطراب مجدد گردید!؟
دولت به متحصنین تکلیف کرد که مدرسه را ترك گفته و مستدعیات خود را بجریان طبیعی گذاشته تا مجلس شوری موضوع را تحت نظر گرفته و با اسول پارلمانی حل وتسویه نماید! ☆☆☆
این تکلیف اثر سوئی بخشید و ملت یقین کرد که برای نیل بمقصود باید مقدمات دیگری را تهیه و پناه‌کاه خود را بطوری محکم نماید که بتواند در راه عقیدهٔ خود پافشاری و با حوادث مبارزه نماید:
ازاین ساعت متحصنین شروع کردند که دست بکیسهٔ فتوت زده وموجبات زندکانی در تحصن کاه را تهیه نمایند
هیئت‌مباشرت‌را تعیین. آشپزخانه وآبدارخانه را دائر دیگر بدون احتیاج بخارج درمقابل تکلیف معهود دولت بنا کردند اجتماعات خودرا منظم‌نموده ویك‌دل ویك جهت با تصمیمات مخالفت کارانهٔ دولت‌مواجهه ومبارزه نمایند



اشپز خانه متحصنین در مدرسهٔ نظام



شربت خانهٔ متحصنین در مدرسه نظام

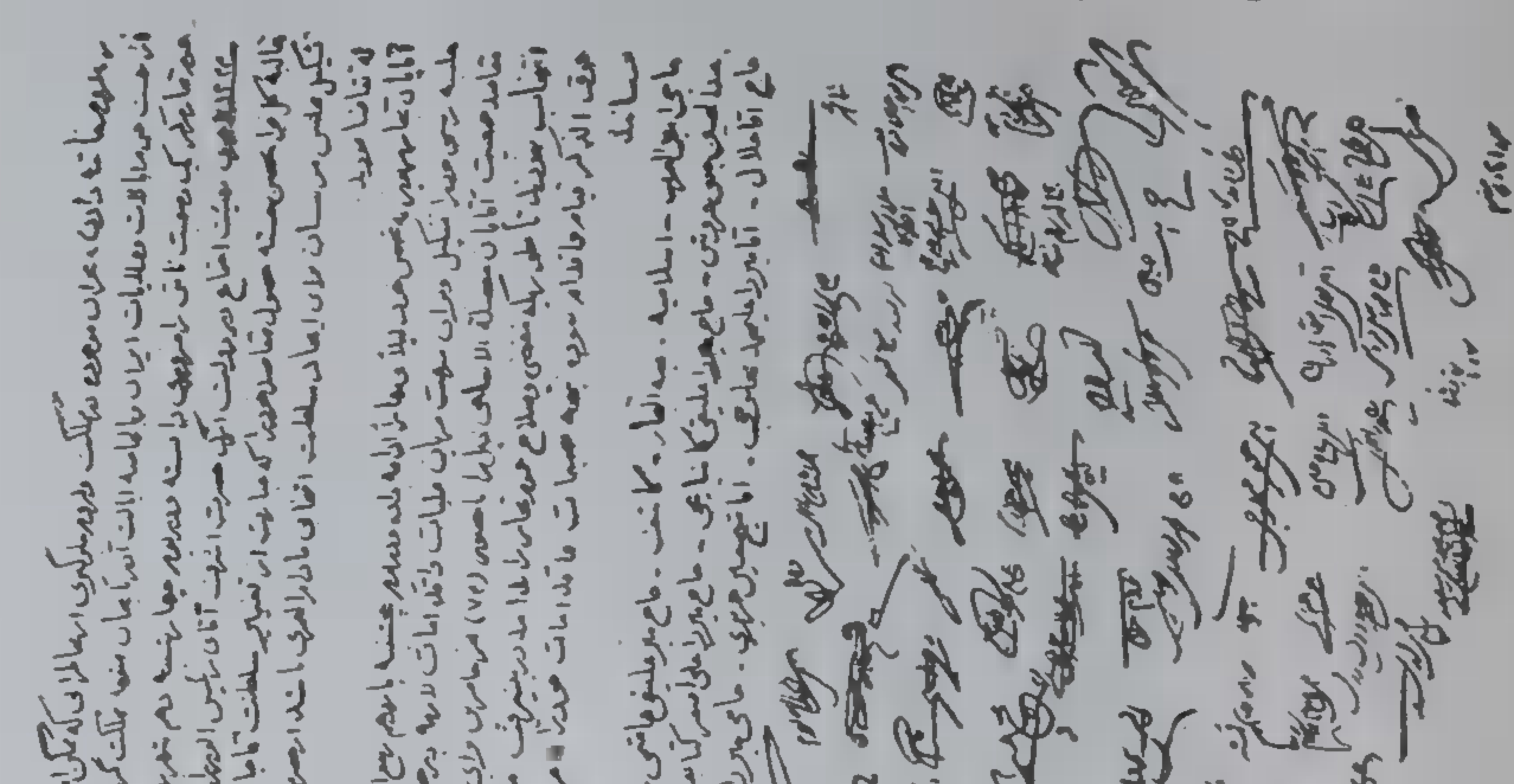


تقسیم غذا بچادر های متحصنین در مدرسه نظام

احتیاجات داخلی نیز ساخته شد دیگر ازهیچ جهة نگرانی ندارندوشخصیات مبدل بجوائج نوعی گردیده است

اگردرساعت خروج ازمنزل با فکرشخصی عازم تحصن بودند حالا مثل یك قشون منظم بالاتفاق ازیك فرمان واحد وحکم روحی اطاعت و قیام و قعود مینمایند و در حرکت وسکون مطیع امر مخصوص و فرمان خاصی هستند . که عبارت از حاکمیت احساسات ملی است و درمادهٔ اول مرام متحصّنین بالاتفاق خلع و انقراض سلسلهٔ قاجاریه از سلطنت ایران منقوش بود

یك چنین پیش آمد بدست افراد دل آزرده وسیلهٔ اجرای مقصودرا داد وچند دقیقه از این جریان نگذشته بود که مدرسهٔ نظام و جایگاه متحصنین حالت پارلمانی اتخاذ کرده ودرطرز تعاطی افکار اکثریت واقلیت تعیین می‌شد که بایك طرز مخصوصی رشدعقلی وبلوغ سیاسی متحصّنین ومجتمعین را مدلل میداشت وازاولین تصمیم پیش آهنگان متحصّنین این حقیقت مسلم میگردد



(تصمیم ویاصورت جلسهٔ تجار)

نظر بلزوم خاتمه دادن به بحران موجوده در مملکت ولزوم از جلوگیری مخاطراتیکه ممکن است از نهضت عموم ایالات و ولایات بالخاصه ایالت آذربایجان متوجه مملکت گردد عموم تجار مرکز یك وضعیت ثابت

را ضروری دانسته ودر یوم چهار شنبهٔ دهم شهر ربیع‌الثانی ۱۳۴٤ ششم آبان ماه بهیئت اجتماع در دولت ارك حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء وریاست عالیهٔ کل قوا تحصّن جسته حصول مقاصد خود را که عبارت از تغییر سلطنت قاجاریه وتشکیل مجلس مؤسسان برای ایجاد سلطنت انتخابی مادام العمری باشد ازحضرت معظم‌له تقاضا نمودند

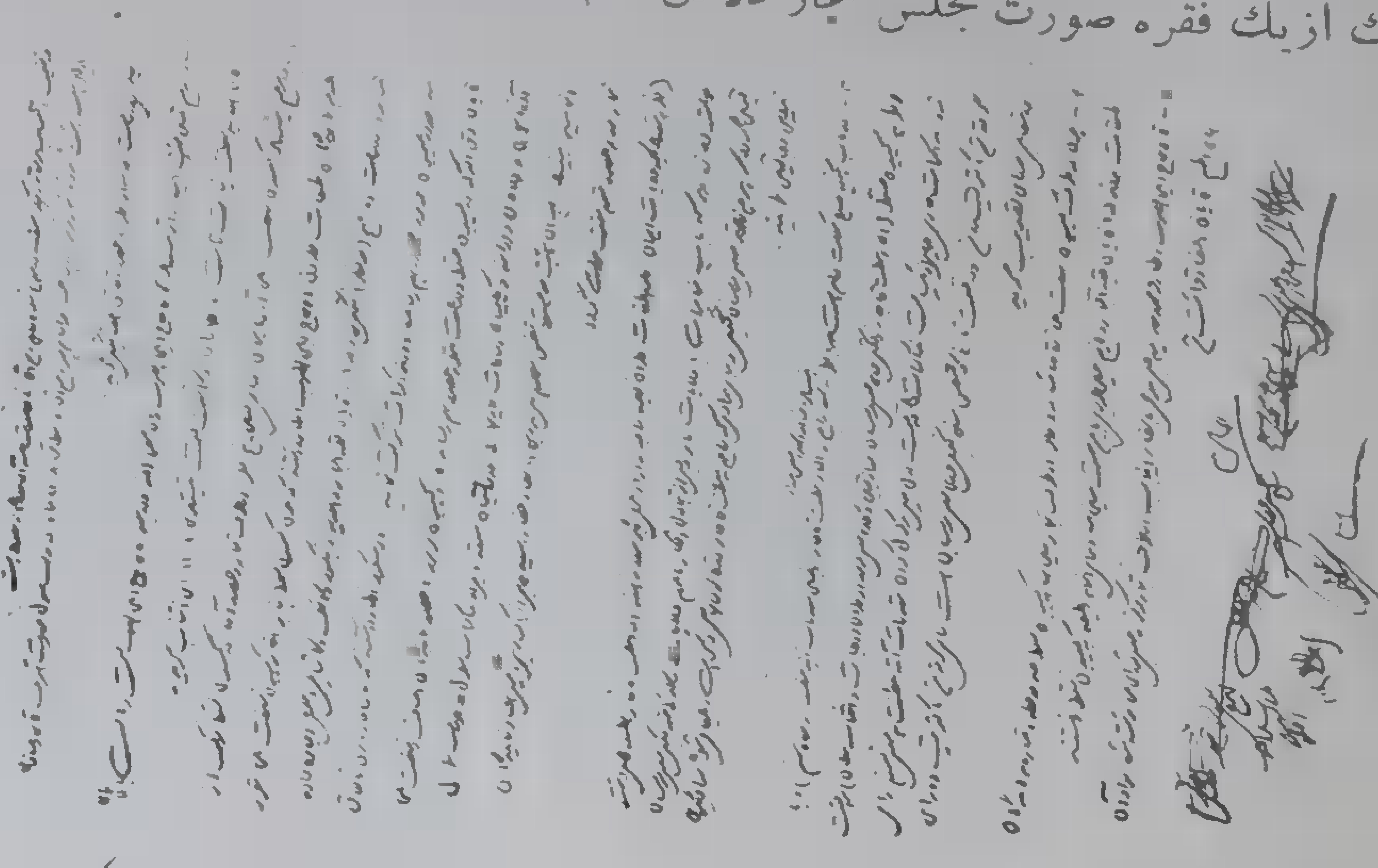
آقایان تجار مزبور به تحصّن خود لیلاً ونهاراً ادامه داده ودریوم پنجشنبهٔ یازدهم ربیع الثانی جلسهٔ رسمی خود را تشکیل وبرای سرعت جریان عملیات و اقدامات لازمه در خصوص مقاصد جمعیت آقایان مفصلة الاسامی ذیل را باحضور هفتاد وچهار نفرحاضرین به‌رأی مخفی انتخاب نمودند تابطوریکه مقتضی وصلاح عموم تجار را بدانند درپیشرفت مقاصد فوق‌الذکر قیام‌و اقدام‌نموده نتیجهٔ تصمیمات واقدامات خودرا بعرض عموم برسانند

حاجی امین‌الضرب ـ اسلامیه ـ فقیه‌التجار ـ کاشف ـ حاجی میرزاعلینقی هاشمی میرزا عبدالحسین چینی فروش ـ حاجی میرزا علی‌نقی کاشانچی ـ حاجی میرزا علی اصغر کتابفروش ـ حاجی آقا جلال ـ آقا میرزا علی محمّد محلوجی آقاشیخ حسین حریری ـ حاجی میرزاعلی صراف ـ میرآقائی محمّد ـ میرزامحمّد‌ـ‌پهر ـ الحاج میرزا مهدی ـ عبدالمطلب الحسینی ـ اقل‌الحاج ربیع تبریزی ـ حسین ـ اقل ابو طالب شیرازی اسلامی ـ اقل میرزا حسین صادق اف ـ ملااسدالله اصفهانی ـ میرزا سید علی ـ عبدالمطلب ـ علی ـ محمد ـ اقل سید علی لواسانی ـ الحاج محمّد کاظم مثقالی ـ علی ـ یوسف ـ اقل الحاج علی اکبر کاشانی ـ علی نقی هاشمی ـ میرزا هادی مقدم ـ اقل مهدی اصفهانی برادران احمد زاهدی ـ الحاج محمد اسمعیل قزوینی ـ حبیب الحسینی ـ اقل الحاج حسین ـ اقل جعفر محلوجی ـ اقل ناظم رشتی ـ اقل الحاج بزرك تبریزی اقل شیخ حسین حریری ـ اقل‌الحاج شیخ ابوالقاسم مولانا ـ اقل‌حاج میرزا علی صراف ـ الحاج میرزا علی طهرانی ـ الحاج علینقی کاشانی

جریان مخصوصی در کار بود با اینکه تمام افراد با یك وضع عصبانی و

متشنج در تکاپو بودند لیکن در تمام گذارشات مقصد واحدی را با متانت اخلاقی تعقیب مینمودند ـ حرکات و سکنات متحصنین را که ازتحت نظر دقت میگذاریم و به اسناد مثبتهٔ جریانات مراجعهٔ مینمائیم جز از یك نکته (رشد عقلی) ملت ایران نمیتوانیم نتیجهٔ دیگری را بدست آوریم هردسته که دور هم گرد می آمدند و هم مذاق خود را پیدا مینمودند فوراً .با یك اصول مبادی آداب حوزهٔ آنها بشکل پارلمان میافتاد و اقلیت و اکثریت تعیین میشد و صحبت از تعیین نماینده و صورت جلسه و ثبت مذاکرات .عیان می آمد که گوئی افراد برای عقاید و افکار اعقاب آینده خود را وجدانا ملزم میدانند که تصمیمات خود را روی اوراق ثبت نموده و با مهر وامضا به مخزن تاریخ بسپارند تا آیندکان بدانند که گذشتکان در پایان یکصد و پنجاه سال اختناق در روی چه دلائلی یك چنین نهضتی را ایجاد؟ ـ وچه راه سعادتی را بروی نسل مؤخر باز و چه تصمیماتی را اتخاذ نموده اند ؟

اینك ازیك فقره صورت مجلس تجار دلائل تمام گذارشات‌را استنباط مي‌نمائیم



(صورت جلسهٔ هیئت مدیرهٔ تجار متحصن در خانهٔ بهلوی)

در تعقیب و نتیجهٔ جلسهٔ عمومی تجار مرکز منعقده در یوم پنجشنبه یازدهم ربیع الثاني که صورت جلسهٔ آن جداگانه مضبوط است اولین جلسهٔ هیئت مدیرهٔ تجار در یوم جمعه ۱۲ شهر ربیع الثانی مطابق هشتم آبان ماه در دولت منزل حضرت اشرف آقای رضا خان پهلوی در ساعت دو بعد از ظهر با حضور اتفاق اعضا تشکیل گردید

۱ ـ در موضوع تعیین هیئت رئیسه بر اثر پیشنهاد آقای حاج امین‌الضرب رأی مخفي اخذ و در نتیجه آقای حاج امین الضرب بسمت ریاست با یازده رأی و آقای اسلامیه بسمت نایب ریاست با ده رأی وکاشف بسمت منشی گری با یازده رأی منتخب گردیدند

۲ ـ در موضوع پیشنهاد کمیسیون نهضت ملی آذربایجان برای تعیین پنج نفر از تجار و حضور آنها در کمیسیون مختلط مرکب از عموم نمایندگان طبقات طهران آقای حاج امین الضرب اظهار داشتند که چون کمیسیون مختلط بنا بر اخبار کمیسیون نهضت ملی مقرر شده بود در ساعت ده صبح دو بظهر تشکیل شود لذا به آقایان فقیه التجار و اسلامیه و نیکپور و کاشف و کاشانچی و محلوجی اجازه داده شد که در کمیسیون مزبور حضور بهمرسانیده و در مذاکرات شرکت نمایند .

آقای نیکپور اظهار داشتند که بنا بر اجازهٔ فوق باتفاق آقایان فوق‌الذکر در کمیسیون مختلط در ساعت مقرر حضور بهمرسانیده و کمیسیون مزبور با حضور نمایندگان اصناف و نهضت ملی آذربایجان و دلالان و ارامنه و کلیمیان و سادات لاریجانی و زرتشتیان منعقد و پس از مذاکرات مطوّل که دو ساعت بطول انجامید پیشنهادی بعنوان هیئت دولت متضمن مفهوم ذیل تدوین و بامضای حضار رسید که پس از پاك نویسی و تکمیل امضای نمایندگان تجار تقدیم حضور محترم هیئت دولت گردد

نظر به پیشنهاد کلیهٔ ولایات ایران و عموم طبقات طهران قضیهٔ مراجعه به آراء عمومی دیگر مورد نداشته الغاء سلطنت قاجاریه بالطبیعه حاصل

و هیئت دولت اجازه دهد که باب مخابرات با ولایات باز و پس از تبادل افکار با عموم ولایات و کلائی جهة تشکیل مجلس مؤسسان تعیین گردد که هر چه زودتر مجلس مؤسسان تشکیل و بجای موادي که راجع به سلطنت قاجار در قانون اساسی ذکر است و ملغی میشود مواد دیگری تدوین و جانشین نمایند

۳ ـ در باب اینکه صلاح مملکت در این است که با نظریه پیشنهادیهٔ عدهٔ از وکلای مجلس شورا راجع به الغاء سلطنت قاجار و تعیین مقدرات آتیهٔ سلطنت به دورهٔ ششم و یا نظریهٔ کمیسیون مختلط (الغاء سلطنت قاجار و تشکیل فوری مجلس مؤسسان بعد از تعیین وکلای مجلس مزبور از طهران و ولایات و انتخاب سلطان) موافقت شود مذاکرات جاری و پس از یکساعت مذاکرات زیاد در قسمت اول یعنی موکول کردن مقدرات آتیهٔ سلطنت بمجلس ششم رأی گرفته شد باکثریت رد شد و در قسمت ثانی که متضمن تشکیل فوری مجلس مؤسسان است رأی گرفته شد باکثریت ده رأی در مقابل دو رأی تصویب گردید

٤ ـ چون از طرف کمیسیون نهضت ملی تقاضا شده بود دو نفر ازطرف تجار معین شده به کمیسیون مختلط جهة ملاحظهٔ اعتبار نامهٔ نمایندکان طبقات بروند لذا آقایان فقیه التجار و آقا شیخ حسین حریری به این سمت معین شده و برای انجام وظیفه به کمیسیون مختلط رفتند

٥ ـ آقای حاج امین الضرب اظهار فرمودند که یوم قبل شرحی بامضای این جانب از طرف تجار مرکز بمجلس شورای ملی نوشته شده سواد آن برای اطلاع آقایان اعضاء قرائت میشود

چنانچه این صورت جلسه نشان میدهد معلوم میگردد که قبل از ورود نمایندکان تجار به کمیسیون مختلط نهضت ملی در جلسهٔ سابق تجارمذاکرات دیگری در کار بوده و طرح مخصوصی جریان داشته لازم است برای کشف حقیقت گذارشات به سراغ آن جلسه‌رفته و بمذاکرات آن‌نیز توجهی کرده باشیم

اجمالاً از مطالعهٔ صورت جلسه دو نکته اساسی را کشف کردیم
(۱) مراجعه بآراء عمومی مورد ندارد :
(۲) سلطنت قاجاریه الغا و مجلس مؤسسان برای تعیین مقدرات سلطنت تشکیل یابد و اجرای این امر موکول به مجلس ششم نگردد :
در همان صورت جلسه (نیکپور) راپورت داد که در کنفرانس نمایندکان نهضت این مسئله قطع شد که مراجعه بآراء عمومی مورد ندارد وسلطنت قاجاریه بالضروره لغو و باطل است !
چه امری باعث یك چنین مذاکره گردید ؟ که بالاخره منجر باین راپورت شده است ؟ مکر کسی میخواست موضوع را بآراء عمومی مراجعه نماید ؟ آری ـ این حرف را چند نفر از وکلا که خود داری از حل قضیه داشتند و یا حقیقتاً عاجز از تصفیهٔ معضلات و غوامض امور سیاسی بودند در اوائل انقلاب قبل از آنکه نهضت و اسرار قیام بازاری شود بدهن ها انداخته و در جلو احساسات عمومی که در آنموقع نمی توانستند آشکارا عقاید و افکار خود را بگویند سدی می بستند این حرف هنوز در مغزها باقی بود وقتیکه حسیات غلیان کرد و سد های موهوم شکست و قیام عمومی سر تا سر ایران را فرا گرفت بعضی از متحصنین که این حرف را از وکیل منفي شنیده بودند این مسئله را طرح و استفتا نمودند که با وجود قیام عمومی باز باید بآراء عمومی مراجعه کرد یا خیر ؟
این حرف در کمیسیون فوق العادهٔ نمایندکان طبقات زده شد و یکی از آذربایجانیها باستناد نهضت عمومی تمامیت ایران آن را ردکرد که مراجعه بآراء عمومی وقتی متصور است که یك و یا چند ایالتی و یا جمعیتی در حدود قانون اساسی مطلبي را عنوان کنند که عقاید اکثریت ملت نسبت بآن امر غیر معلوم و مجهول بوده باشد بر خلاف موضوعی که از حلقوم تمام ملت بیرون آمده و تمام ایرانیان مقیم داخله و خارجه بالاتفاق آنرا خواسته باشند انقراض سلطنت قاجاریه را امروز تمام ملت ایران خواسته و براي عملی

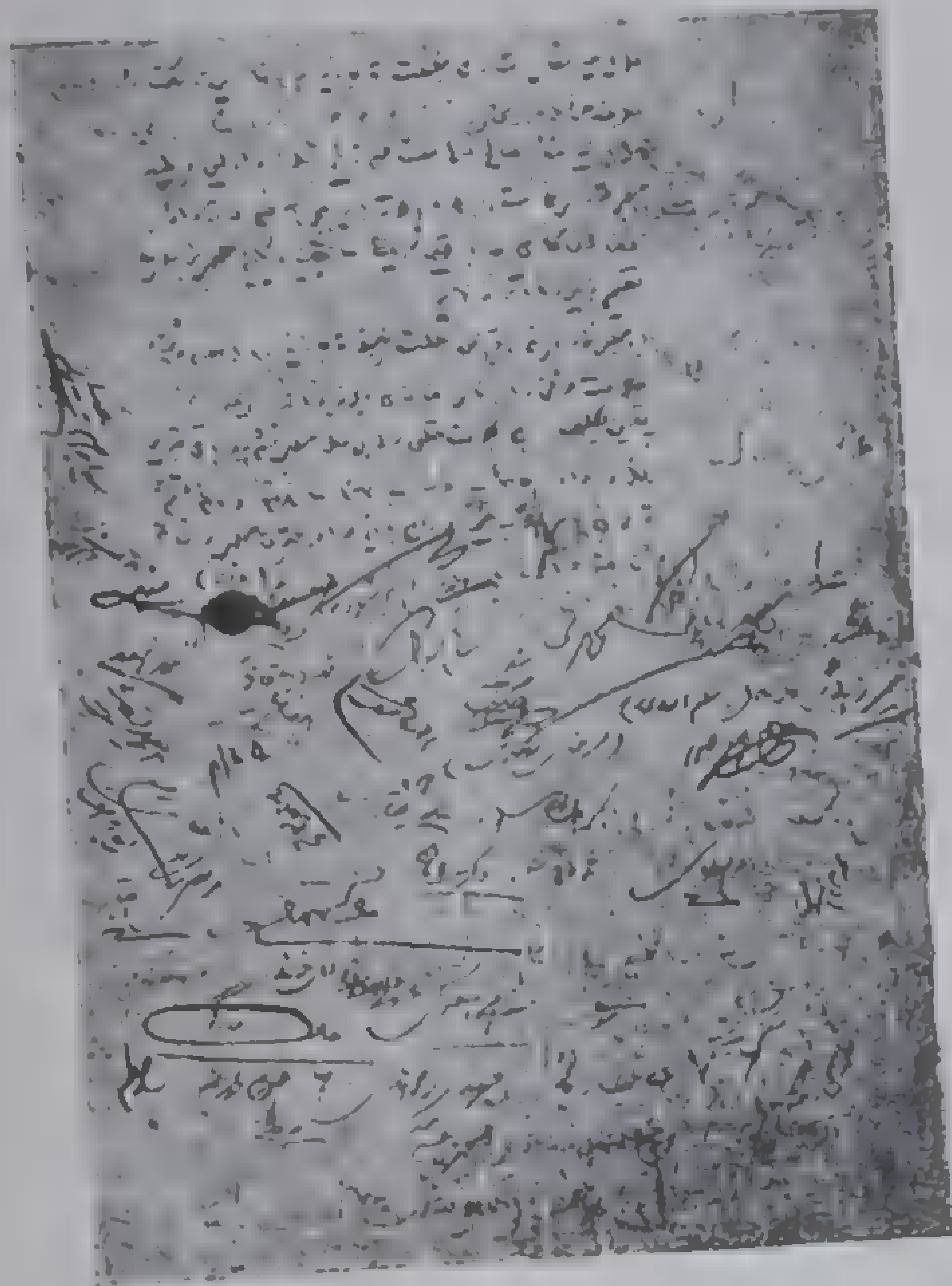
کردن مقصود خود دست به نغمهٔ انقلاب و تجهیز زده و در سرتاسر مملکت تعطیل عمومی بمیان آمده دیگر موردی برای مراجعه بافکار عمومی باقی نیست و نتیجهٔ افکار بالطبیعه حاصل است.

بعلاوه بعداز توسل محمد علی میرزا باجانب وتحصن در سفارت سلطنت قاجاریه مشمول اصل انقطاع گردیده واصل ۳۶ متمم قانون اساسی که سلطنت را درسلسلهٔ قاجاریه موروثی قرار داده ناظر بموارد عادی و فوت سلطان است وناظر بمورد انقطاع از حق اختصاصی مدنی نیست و احمد میرزا بعد از خیانت پدر بحکم توارث حق استفاده از اصل ۳۶ را نداشته مگر باجازهٔ آراء عمومی در حدود قانون بوسیلهٔ مؤسسان ـ مؤسسان قانوني براي احمد میرزا تشکیل نشده فقط یك جلسهٔ فوق العاده در ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ در طهران منعقد گردید وبا اجازهٔ ضمنی ملت احمد میرزا بسلطنت تعیین شد.

این اجازهٔ ضمنی ورضای غیر مستقیم ومرموز در مقابل نهضت عمومی و قیام ملي دارای اعتبار نیست وبالطبیعه و قهراً لغو وساقط میگردد.

این مطالب درجلسهٔ فوق العادهٔ نمایندگان نهضت تحت مذاکره درآمد و اخذ نتیجه شد ودر روي همان نتیجه است که نیکپور راپورت مدهد که دیگر مسئلهٔ مراجعه بآراء عمومی غیر لازم وبی مورد است.

واما نکتهٔ دیگر که درهیئت مدیرهٔ تجّار طرح شده موضوع (موکول کردن تعیین مقدرات آتیهٔ سلطنت را به مجلس ششم) رد و (تشکیل مؤسسان) را باکثریت تصویب کرده اند اینهم نتیجهٔ جلسهٔ فوق العادهٔ نمایندگان نهضت و قسمت مردود ناشی از عقیدهٔ عدّهٔ از وکلای مجلس شورا بود که در این روزها خود را به متحصّنین نزدیك و طرح مخصوصی تهیه کرده بودند و ما سند رسمی آن را پیدا نموده و از نظر شما میگذرانیم واسم آنرا (منشأتصمیم اولیّهٔ تجّار) مینامیم.



(منشاء تصمیم اولیهٔ نجار)

۸ آبان ماه ۱۳۰۴

نظر باینکه شکایات راجع به سلطنت قاجاریه بدرجهٔ رسیده که مملکت را بطرف مخاطره میکشاند نظر به اینکه حفظ مصالح عالی مملکت مهمترین منظور و اولین وظیفهٔ مجلس شورای ملی است و هر چه زودتر باید به بحران فعلی خاتمه داد امضاء کنندگان با قید فوریت پیشنهاد میکنیم مجلس شورای ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید

مجلس شورای ملی انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام داشته و حکومت موقتی را به آقای رضا خان پهلوی واگذار میکند

تعیین تکلیف راجع بحکومت قطعی موکول بنظر مجلس ششم است که با حق تجدید نظر در مواد ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ متمم قانون

اساسی انتخاب میشود و راجع به این مواد دارای حقوق مجلس مؤسسان شناخته خواهد شد
داور - شیروانی - اخگر - یاسائی - سلیم ایزدی - عبدالحسین صدر محمد - حسن ملك التجار - حسن ملك - آشتیانی - رضا دامغانی - میرزائی عراقی - مفتی - هرمزی - میرزا ابراهیم ضیاء - رضا مهدوی - رضا حکمت و جمعی دیگر از وکلا که در ذیل پیشنهاد امضا های آنها را از نظر میگذرانید.

(جریانات پارلمانی)

منشاء تصمیم اولیه را پیدا نمودیم ووارد کنجکاوی مذاکرات وتصمیمات جلسهٔ منعقدهٔ پنجشنبهٔ یازدهم ربیع الثانی مطابق هفتم آبان ماه ۱۳۰٤ شمسی هیئت تجار شدیم حالا لازم است به پارلمان رفته و ببینیم که در نتیجهٔ این هیاهو و اعتراضات و مستدعیات وقهر وغضب ملت از تمام نقاط ایران وکلا چه رویهٔ اصلاحی (پروژه) در مجلس طرح ؟ و چه جوابی اولا برای آذربایجان وثانیاً برای سایر نقاط ایران تهیه کرده ؟ وچه تلگرافاتی از آذربایجان وایالات وولایات اخیراً مخابره شده است ؟

همه میدانیم مواد قانون و تصویب نامه ها همیشه در روی پیش نهادهای مخصوص خواهد بود اینك جز از یك فقره پیشنهاد تقریباً بامضای پنجاه وپنج نفر از نمایندگان مجلس شوری که قبلاً عین آن گراور شده و از نظر قارئین گذشته است هیچگونه طرح وپیشنهادی تهیه نشده است!

باملاحظهٔ این پیش نهاد معلوم میگردد که امضا کنندگان آن برای انجام مستدعیات ملت ایران چنین تصمیم گرفته بودند که انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام و با نصب حکومت موقت تعیین تکلیف قطعی را موکول بنظر مجلس ششم که حق تجدید نظر درمواد مخصوصهٔ متمم قانون اساسی داشته باشد بنمایند.
معلوم است چه مخاطراتی ممکن بود از این پیشنهاد متوجه ملت ایران

گردد؟ و دوام حکومت موقت و انتظار دورهٔ ششم که ممکن بود تصمیمات آنان کاملاً بر وفق مرام ملت صورت نگیرد چه بحرانی در سیاست و زندگانی اجتماعی ایرانیان تولید میکرد!؟

فعلاً پارلمان را درهمین حال گذاشته وبطرف نهضت میرویم وچون ازهیئت تجارجداشده ومذاکرات جاریهٔ آنها را ناقص گذاشته ایم لازم است قبلاً به متحصنین تجارسر زده و به بینیم درظرف بیست و چهار ساعت چه تغییراتی درعقاید وافکار این هیئت بعمل آمده است؟.

روز دوازدهم ربیع الثانی که مطابق با هشتم آبان ماه است میخواهند صورت جلسه یازدهم خود را قرائت نمایند.

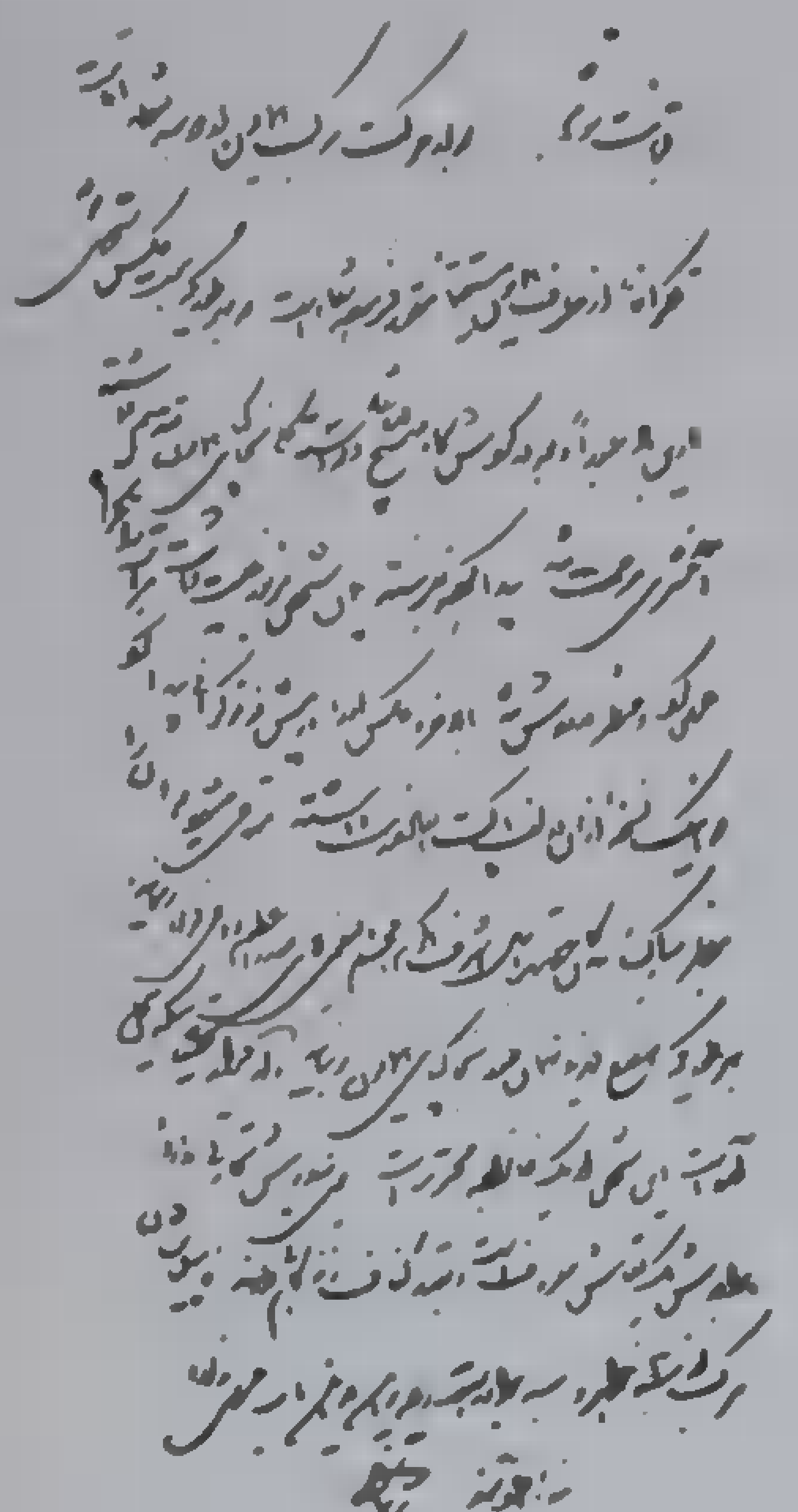
آری عقاید و افکار درروی طرح معهود وفورمول سابق الذکر بود که تعیین تکلیف قطعی حکومت به دورهٔ ششم مجلس شورای ملی محول گردد ولی معلوم میگردد که این عقیده تغییر یافته و علت آنهم مذاکرات جلسهٔ فوق‌العادهٔ نمایندگان طبقات نهضت بوده است که چگونگی آنرا در آتیه خواهیم فهمید حالا باید تجار رانیز موقتاً وداع کرده ووارد کمیسیون نهضت ملی بشویم تا حقایق رابفهمیم

(کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجانیان)

در طهران ـ دررأس آن آذربایجانی ـ همان آذربایجانی داغ دیده ـ تازه بامنیت رسیده که خون انتقام در شریان های وجودش در دوران و ولکان های قهاریت ملی از روزنه های قلب سوختهٔ آن سر کشیده ودارد مانند کوه (وزو) قصر فرعونیت (رعامسیس) یا دربار قاجاریه را فرا میگیرد! میسوزاندوبدود آتشبار استحاله میدهد وبروی قبرمؤسس قاجاریه فرومیریزد! باچنین حسیات ازخاطرخود یك مرتبهٔ دیگرتیره روزی های متمادی آذربایجان راگذرانیده و دیدکه آذربایجان سالهای دراز درزیر فشار و سیاست خانمان سوز امرارحیات نموده وبواسطهٔ سوء استعمال قدرت مرکزی (یعنی دربار) از محفظهٔ تاریخ دلائلی را بدست آورده که حقاً وعدلاً مجوز نهضت وقیام است

آذربایجانی دید که آذربایجان در ایام فر وشوکت ایران تاثیرات مخصوصی در سیاست این مملکت داشت و در ادوار متمادیه محور حوادث گوناگون بود ـ در دیروز و امروز منطقهٔ آن بی نهایت مهم ـ از طرفی عثمانی قدیم و از طرف دیگر روسیهٔ تزاری را .با گذشته های تاریخی خود تهدید و برای مجازات این عظمت از بدو طلوع سلسلهٔ قاجاریه دچار تهاجم قشون های جرار عثمانی و تزار گردیده و همیشه میدان مبارزه سیاست خارجی بود که علي الدوام دسته های مسلح دشمن مستقیما و.باغیر مستقیم .با تحریك اشرار و غارت گران داخلی در تکاپو ما از جزئیات چگونگی نقشه ها صرف نظر نموده فقط باثار دهشت .بار این حوادث تاریخی که .با گوشهٔ چشم نگاه میکنم هر ملت حساسی اگر آیندهٔ خود را در روی یك چنین مقدماتی مشاهده نماید برای نهضت و قیام به او حق خواهیم داد ـ نه تنها ما که تاریخ این وقایع را مینویسیم بلکه هرکس که ادنی قضاوت نماید این قضیه را تصدیق خواهد نمود

چگونه آذربایجانی باملاحظهٔ این مستندات راضی شود که خود را محکوم شهوت رانی دربار قاجاریه دانسته و دراین ساعتی که تمام ملل می روند بازادی مقدرات خود را تصفیه نمایند ایرانی ناموس قومیت خود را فدای اغراض نماید این مستند رسمی را ملاحظه و قضاوت نمائید آذربایجانی می بیند نزدیك است که یکبار دیگر مامورین دیپلماسی ایران در خارجه برای جمع آوری عکس های فواحش اروپا ماموریت پیدا کرده و سفرای دولت واسطهٔ تحبیب ویادلال محبت بوده باشند از رئیس الوزراء (صدر اعظم) گرفته تامأمورین جزء داخلی و سفرای خارجی عموماً اوقات خود را مصروف ترویج قباحت و فاحشه نموده و عزت تاریخی ملت ودولت را زیرپای شهوت رانی خود گرفته اند



(عریضهٔ نریمان خان یکی ازسفرای ایران درخارجه)

قربانت شوم بعد از حرکت موکب همایون ازدوسه نقطه اقامت تلگرافاً از طرف همایون مستقیماً مقرر فرموده شده است که بهرطوریکه هست عکس شخصی که در (مارین باد) عبوراً و بعد درگردش گاه صبح دیده بودند و دسته گلی بخاکپای همایون تقدیم داشته انگشتری مرحمت شد پیدا کرده بفرستد چون شخص مزبور غیبت داشت مراتب را تلگرافاً عرض کرد ومنتظر ورودش شد بالاخره عکس اورا درپیش فوتوگرافي پیدا کرده که اینك نسخهٔ ازآن درلف پاکت انفاذ خدمت داشته مستدعی می شود که آن را بنظر مبارك بندگان حضرت اجل اشرف اکرم افخم ولینعمي آقای صدر اعظم روحیفداه رسانیده بهرطوریکه صلاح دیدند بهمان طور بخاکپای همایون برسانند از قرار تحقیقاتیکه بعمل آمده است این شخص از یك خانوادهٔ محترمه است یعني پدرش تجارتی دارد برادرش یك نقاش

معروف است و بقدر کفاف زندگانی دارند فامیلشان مرکب از سه خواهر و سه برادر است زیاده براین دراین باب عرض ندارد خانزاد ارادتمند (نریمان)

(تخیّلات!.)

(چه مناظر جان گداز؟ چه حوادث فجیع؟!)

سیلاب های خونین که از رگ بار های حوادث سیاسی پس از ساعتی و یکی بعداز دیگری از کوهستانهای سرحدی شمالی و غربی آذربایجان سر میکشیدند از دره ماهور ها و هامون ها میگذشتند دهات و قصبات و شهر ها را زیر خود میگرفتند!.

اوه – ! بغیر از مناظر جگرخراش دیگر آثاری از آبادانی ها باقی نیست! بلندی ها پست – پستی ها بلند – آبادانی‌ها ویران – ملت و شئونات آنرا سینه کرده و به دریای نیستی ریخته است!.

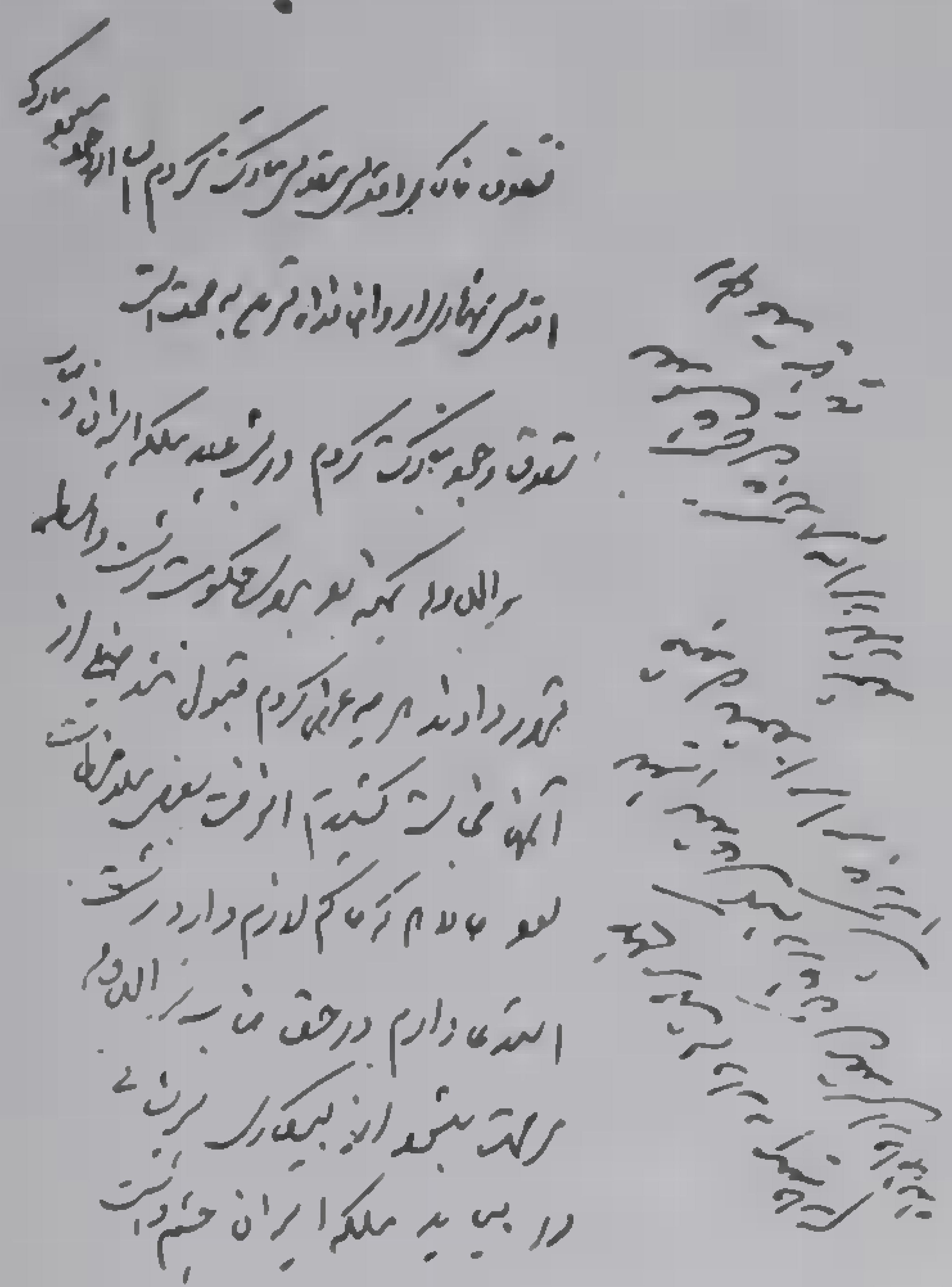
چه مناظر غم انگیز؟ چه مظلمه های دهشت افزا؟!

احوال تیره روزی بیوه زنان – ندبهٔ مادران جوان مرده – نو عروسانیکه داماد شان شهید مدافعهٔ عصمت شده ولی ناموسشان نیز بباد رفته!. خود اسیر وگرفتار!. پای پیاده – دست بسته در اردو های دشمن از این سنگر بان سنگر – از این چادر بآن چادر دست به دست میروند!

آه مظلومانی!. – که خانمانشان بباد رفته گوئی برای همیشه هوای شفّاف آذربایجان را کدر – غبار غم روی شهر ها و دهکده ها را فرا گرفته – جغد ماتم سرا در روی اتلال این مناظر غم انگیز در شیون و برای مسببین این فجایع دائماً لعنت میفرستند!.

با یك چنین تخیلات و پیش بینی ها یکدفعه دیگر می بیند که در نتیجهٔ لاقیدی کرسی نشینان پارلمان دارهٔ زندگانی او واژگون میگردد و آسایش و امنیت او در مخاطره است و با ادنی غفلتي چشم های فتان بسیاست کشوري ایران چشمك زده وسر انگشتان عنابی رنك که چنك بخون دل

عشاق زده میرود درقلب مملکت دل داده وقلوه بگیرد !. و باکرشمه وناز بامقدرات ملت بازی کنند . تقدیمی داده حکومت بگیرد و در عالم اعراض ونفوس نفوذ یافته دلها را به پیام و مملکت را ببادامی بفروشد آوخ ـ ! آنست سیاست خارجی و این است سیـاست داخلی !. سفرا در قباحت و بانوان در سیاست شاه انگشتر می دهد و عشوه مي خرد سفرا افتخار دارند که دلال محبت بوده و صدر اعظم دررأس فاحشه وبداخلاقی جاگرفته و زنها تقدیمی مي دهند و حکومت مي گیرند !.



(عریضهٔ یکی ازخواتین سوبکولوی حرم سرای مظفرالدین‌شاه)

تصدق خاکپای اقدس مقدس مبارکت گردم انشاءالله وجود مسعود مبارك اقدس شهریاری ارواحناه فداه قرین بصحت است :

تصدق وجود مبارکت گردم درشب عید ملکهٔ ایران وجناب . . . الدوله کمینه را برای حکومت رشت واسطه قرار دادند هرچه عرض کردم قبول نشد خیلی از آنها خجالت کشیدم آنوقت بعضی ملاحظات بوده حالام

که حاکم لازم دارد رشت :
استدعا دارم درحق جناب . . . الدوله مرحمت بشودازبیکاری پریشانی دربیاید ملکهٔ ایران‌چشم داشت خیلی مرحمت ها دارد امیدوارم این استدعای کمینه ازخاکپای مقدس ارواحنا فداه قبول بشود امرامر مبارک است ـ تقدیمی خاکپـای مبارک هرچه امر ومقرر شود اطاعت می نماید

این بود که بی اختیار شروع باقدام نموده واز پارلمان استمداد میکندو جز از لاقیدی و یا بقول‌خود آذربایجانیان (لب خند ومسخره) چیزدیگری تحویل نمیگیرد . حالا مصمم است که مستقیماً مانع را برطرف ویابقول خود درس عبرتی به نسل معاصر بدهد! . حالا باید دید بچه ترانه هائی دست زده و چه سودائی را درسر می پروراند ؟!

(کمیسیون فوق‌العاده)

روز پنجشنبه ۷ آبان ماه است که فضای مدرسه پر از ازدحام و هر دسته و طبقه فردی و یا جمعی در تعیین مقدرات مملکت بی اختیارند .
عقاید و افکار مضطرب و پریشان و ملت عصبانی ـ حیات شعوریه مبدل به لاشعوریه گردیده و تأثیرات خود را در کاسه هاي چشم آشکار نموده و هر دقیقه بیم ظهور حوادث ناگوار در کار است ! .
وقت آبستن است ـ با درد تشنج بسر می برد ! مردم نمیدانند که هیئت دولت را گرفته و مجازات نمایند ؟ یا مجلس شورا ریخته کرسی و کرسی نشینان را محو و نابود کنند ؟ و یا از رئیس دولت استرحام نمایند ؟
این بود حالت روحی متحصنین ولی با این‌همه احوال عموماً ازاطاق مخصوصی استراق سمع مینمودند و نفوس متوجه آن قسمت از عمارت مدرسهٔ نظام بود که آذربایجانیان آن نقطه را برای عملیات تخصیص داده واطاق (کمیسیون مختلط نهضت ملّی) نامیده بودند
در هاي اطاق بسته و در پشت در حاجبی است که با کمال جدیت واردین

را تفتیش و از ورود جلوگیری مینماید و کسانیرا بار دخول میدهد که خود می شناسد به در اطاق تکیه کرده و با نهایت قوت و جرأت دست رد به سینهٔ کسانیکه میخواهند وارد این اطاق بشوند میگذارد.

چند ساعتی بدین منوال گذشت و از داخل اطاق آهسته دستی به در خورد و حاجب صدای دق البابی را شنید بقدر دو انگشت لای در باز شد و کسی را به پشت در خواستند پس از چند دقیقه مطلوب در پشت در حاضر بود کاغذی بدست او دادند وحاوی دو مادهٔ حکم بود که بلاتأخیر بموقع اجرا بگذارد

(مادهٔ اول)

وکلای آذربایجان را توقیف کنید!.

تحقیقاً دو ساعت نگذشته بود این حکم بموقع اجرا رسید و نمایندگان آذربایجان یعنی وکلای مجلس شورای ملی توقیف شدند!.

در اینجا لازم است اندازهٔ تاثیر این اقدام را بدست آورده و نسبت آنرا با مقاصد انقلابیون مرکز آذربایجان بسنجیم.

راپورت روزانه یا متحد المال کمیسیون مختلط که دسته گلی بر آب داده است!.

(تلگراف از طهران)

متحد المال توسط تلگرافخانه های ایالات و ولایات به کمیسیون های نهضت ملی کپیه جرائد برای قطع ریشهٔ بیداد سلاطین آل قاجار در اثر اقدامات غیورانه و مجدانهٔ آذربایجانیان و آن ایالت حساس و فدا کار بنا به تشبث آذربایجانیان مقیم طهران در مرکز نیز کمیسیون مختلط نهضت ملی تشکیل یافته اولین قدمی که برای نیل بمقصد بر داشته شد نمایندگان آذربایجان در محل اجتماع کمیسیون نهضت محترمانه توقیف وتا انجام تقاضاهای مشروع ملیون ایران که استرداد تاج کیانی از ایادی غاصبانه است درمجلس شورای

ملی حضور بهم نخواهند رسانید بدیهی است آن برادران نیز همه روزه از عملیات خود ما را مستحضر خواهید نمود کمیسیون مختلط نهضت ملی

(متحد المآل)

توسط رؤسای تلگرافخانه های ایالات و ولایات به کمیسیون های مختلط نهضت ملی چنانچه در تلگراف عصر اطلاع داده شد بواسطهٔ لاقیدی نمایندگان بی علاقهٔ مجلس شورای ملی مجبور به اقدامات شدیده شده و تمام نمایندگان آذربایجان را توقیف و به تجار و اصناف و سایر طبقات طهران نیز اخطار شد که وکلای خود را توقیف نمایند اینک از آن همقدمان محترم نیز انتظار میرود که هر چه زودتر تکلیف نمایندگان قلمرو خودشانرا توسط این کمیسیون معین نمایند ـ کمیسیون مختلط نهضت ملی

(راپورت روزانه)

مرکز نهضت آذربایجان و محور قیام در تبریز است و پس از رفع سانسور تلگرافات مستقیماً از هر شهری بشهری بلا مانع در کار است و راپورت جریانات نقاط توسط کمیسیون های نهضت به تبریز میرسد و روزانه دستورانقلاب صادر میگردد در ضمن جریانات راپورت توقیف نمایندگان مجلس شورا و بقول خود آذربایجانیان (وکلای عاصی و متمرد) در مرکز انقلاب یعنی در تبریز منتشر شد !.

تبریز این حرکت را بر خلاف مصالح مملکت تشخیص داده و شدیداً اعتراض نمود .

(تلگراف از تبریز بطهران)

نمره قبض ۱۹۸۳۳ نمره تلگراف ۵۹ کلمه ٤٧٤

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۸ آبان

سه کپیه نقاط معموله کمیسیون مختلط نهضت ملی طهران برادران عزیز

تلگراف آقایان دائر بتوقیف وکلای آذربایجان در نهضت ملی طهران واصل پس از اظهار تشکر و امتنان قلبی خود از این حسن نیت وابراز صمیمیت آقایان خاطر شریفتان را متذکر میسازیم که اگر این حبس یا توقیف وکلای آذربایجان برای خیانت است که از آنها مشاهده فرموده اید؟ لازم است بفوریت ما را از آن رفتار خائنانه آنها مطلع و مسبوق دارید تا ما هم وظیفهٔ ملی خود را دربارهٔ آنان معمول داریم و اگر این توقیف آقایان وکلا برای ممانعت از حضـور آنها در مجلس شورا است؟ ما بشما میگـوئیم و تاکید هم میکنیم که بفوریت آنها را آزاد و مستخلص نموده بما اطلاع دهید زیرا آن ساعت که خیانت پیشکی وکلای یك ملت از طرف همین ملت رسماً اعلام شود هیچگونه اثری بر وجود این وکلا مترتب نخواهد شد وما خیلی خوشوقت و مشعوف میشویم آن ساعت که خبر تخلف این آقایان را از امر موکلین خودشان استماع نمائیم!.

ما معتقد باین گونه عملیات نبوده و نیستیم ملت آذربایجان تصمیم گرفته که در تحت هدایت و راهنمائی کمیسیون نهضت ملی آذربایجان خط مشی خود را در نهایت متانت با حفظ نزاکت و باکمال اقتدار در برانداختن نام فساد و ریشهٔ بدبختی ملت و مملکت مداومت داده تعقیب نمایند و هر قسم مانع و عایقی که بخواهد سد راه ملی او واقع شود بسخت ترین وضعی محو و نابود خواهد ساخت برادران عزیز این نکته را لازم است متذکر شویم که آقایان وکلای آذربایجان بدانند کـه این مطالبات ملت است با شدیدترین و تلخترین لهجه بآنها میگـوید و در عین حال کاملاً معتقد است که باید طرز روش عمومی را تغییر داد حبس وتوقیف معنی ندارد این آقایان اگر خائنند که ملت بهتر از هرکس بآنها مجازات خواهد نمود و اگر نیستند که توقیف صورتی ندارد.

از شما برادران عزیز خواهش میکنیم که فوراً بما اطلاع دهید تا اگر خیانت ازوکلا مشهود گردیده یا بعد ها بشود واین خیانت هرقدر کوچك

باشد ما بآنها نشان میدهیم که شدت باس و انتقام ملی یعنی چه ؟ مابه آنها میفهمانیم که در نتیجهٔ عدم صمیمیت آنها با موکلین آنها با علاقه آنها در محل چه معامله هائی میتواند بنمایند ؟.

بهرصورت از آقایان وکلای آذربایجان که میخواهند عنوان نمایندگی یك ملت را بخود اختصاص دهند انتظار داریم که چون وکیل ملت آذربایجان هستند هرچه را که موکلین آنها مایلند مجری نمایند و اولین میل موکلین این آقایان آنست که آنها در طهران قدم بقدم در معیت کمیسیون نهضت ملی طهران حرکت بطرف مقصود مقدس ملت نمایند والا ما دانیم وخود آنها و ما دانیم و علاقه آنهادر محل !.

کمیسیون مختلط نهضت ملّی آذربایجان

(حکم دوم)

هر دسته و هر طبقه از متحصنین و عوامل نهضت برای اجرای مقصد ملي از یك تا پنج نفر نماینده تعیین و با اعتبار نامهٔ مخصوص و امضاهای مشخص و با قید مسؤلیت به کمیتهٔ نهضت ملی آذربایجان معرفی نمایند.

این حکم نیز بموقع اجرا رسید و در صورت جلسهٔ هیئت تجار خواندیم که در ماده (۲) خاطر نشان مینمودند که از کمیسیون نهضت ملی آذربایجان اخطار شده بود که پنج نفر نماینده از طرف تجار در کمیسیون حاضر گردند و بعلاوه دو نفر نمایندهٔ دیگر نیز خواسته بودند که بمعیّت دیگران باعتبار نامهٔ نمایندگان احزاب و طبقات در یك کمیسیون مخصوصی رسیدگی نمایند و هیئت تجار هم فقیه التجار و شیخ حسین حریری را برای انجام این مقصد تعیین کرده بودند

(اتفاق تازه)

چه خبر است ؟ مگر در هیئت متحصنین آذربایجان حادثهٔ تازهٔ رخ داده ؟ و یا سودای مخصوص در سر دارند لازم است قدري نزدیك رفته و از

بیخ گوشی استراق سمع نمائیم .

از عجله و اضطراب و بر آشفتگی کمیته اینطور استنباط میشود که در آذربایجان بین انقلابیون و قوای دولت اصطکاك و تصادمی اتفاق افتاده و فتح و فیروزی نصیب ملیون گردیده دوائر دولتی را ضبط و در بیرون شهر اردو زده و مشغول تجهیز و تهیهٔ وسایل حرکت بطرف طهران میباشندو ما مستند رسمی این حادثه را تحصیل نموده اینك انتشار میدهیم

(راپرت دولتي)

تلگراف از تبریز به طهران ٦ ابان - در تبریز کمیسیون نهضت ملی مشغول گرفتن داو طلب و تشکیل اردوی ملّی و تجهیزات کامل است داو طلبانه بهمدیگر سبقت میجویند

این حرکت مقارن ساعاتی استکه هنوز تلگرافات درسانسور دولت است وپس ازرفع سانسور عصر هفتم ابان این خبر بوسیله متحد المآل تلگرافي انقلابیون بطهران رسیده وهنوز غیر ازاعضای کمیته کسی ازاین واقعه مستحضرنیست

(تلگراف)

ازتبریز بطهران چهار شنبه ٦ آبان ۱۳۰٤

(۱ ❀) خرم آباد فیلی نمره ۱۰۰۹۹ کله ۱۹۱۰ هشت کپیه در نمره ۱۱٤ آمل نمره ۱۰۰۲۰ هشت کپیه در نمره ۱۱۵ - لاهیجان نمره ۱۰۰۲۱ هشت کپیه نمره ۱۱٦ - گرگانرود نمره ۱۰۰۲۲ هشت کپیه در نمره ۱۱۷ - خرم دره نمره ۱۰۰۲۳ هشت کپه در نمره ۱۱۸ - ایوان کی نمره ۱۰۰۲٤ هشت کپیه در نمره ۱۱۹ محلات نمره ۱۰۰۲۵ هشت کپیه در نمره ۱۲۰ - دماوند نمره ۱۰۰۲٦ هشت کپیه در نمره ۱۲۱ - سنقر نمره ۱۰۰۲۷ هشت کپیه در نمره ۱۲۲ - خواف نمره ۱۰۰۲۸ هشت کپیه در نمره ۱۲۳ - نهاوند نمره ۱۰۰۲۹ هشت کپیه در نمره ۱۲٤ - مشهدسر نمره ۱۰۰۳۰ هشت کپیه در نمره ۱۲۵ - خوزستان نمره ۱۰۰۳۲ هشت کپیه در نمره ۱۲٦ - بجنورد نمره ۱۰۰۳۳ هشت کپیه در نمره ۱۲۷ - محمره نمره ۱۰۰۳٤ هشت کپیه در نمره ۱۲۹ - بارفروش نمره ۱۰۰۳۵ کپیه در نمره ۱۳۰ - بیرجند نمره ۱۰۰۳٦ هشت کپیه در نمره ۱۳۱ - بندرعباس نمره ۱۰۰۳۷ هشت کپیه در

این تلگراف بتمام نقاط ایران و دوائر دولتی در تحت نمرات ذیل مخابره شده است (۱)☆

(بیانیهٔ تلگرافی کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان)

نظر باینکه در نتیجه ۲۷ روز حضور در تلگرافخانه و مخابره بیش از ٤٥ هزار کلمه تلگراف بنمایندگان ساکن بهارستان و چندین دفعه مخابرات حضوری از طرف یکدسته ۳٦ نفری نمایندگان خصوصی تجار و فلاحین و اصناف و اتمام حجت های عدیده بالاخره ضرب الاجل ٤٨ ساعته از مثبت و منفي ازطهران یعنی شورای ایران جوابی نرسید .
نظر باینکه قطع دست سلاطین قاجاریه از اورنگ سلطنت باستانی یکی ازمسائل‌عادی‌معمولی ولي یك‌تقاضای بی‌اهمیت نمیباشد و فرد فرد ملت‌ایران بر میزان اهمیت فعلی و آتیهٔ خلع این سلسله سلاطین واقف‌میباشند .

نمره ۱۳۲ ـ گون‌آباد نمره ۱۵۵۳۸ هشت‌کپیه درنمره ۱۳۳ ـ دره جز نمره ۱۵۵۳۹ هشت کپیه در نمره ۱۳٤ ـ سنندج نمره ۱۵۵٤۰ هشت کپیه در نمره ۱۳۵ لطف آباد نمره ۱۵۵٤۱ هشت کپیه درنمره ۱۳٦ ـ شیروان نمره ۱۵٤٤۲ هشت کپیه در نمره ۱۳۷ ـ شاهرود نمره ۱۵۵٤۳ هشت کپیه در نمره ۱۳۷ ـ قصر نمره ۱۵۵٤٤ هشت کپیه در نمره ۱۳۹ ـ بیجارنمره ۱۵۵٤۵ هشت کپیه در نمره ۱٤۰ نیشابور نمره ۱۵۵٤٦ هشت کپیه در نمره ۱٤۱ ـ بوشهر نمره ۱۵۵٦۷ هشت کپیه در نمره ۱٤۲ ـ دزداب نمره ۱۵۵٤۸ هشت کپیه در نمره ۱٤۳ ـ اشرف نمره ۱٤۵٤۹ هشت کپیه درنمره ۱٤٤ ـ سمنان نمره ۱۵۵۵۰ هشت کپیه درنمره ۱٤۵ ساری نمره ۱۵۵۵۱ هشت کپیه درنمره ۱٤٦ بروجرد نمره ۱۵۵۵۲ هشت کپیه در نمره ۱٤۷ بندر جز نمره ۱۵۵۵۳ هشت کپیه در ۱٤۸ ـ خرم آباد نمره ۱۵۵۵٤ هشت کپیه در نمره ۱٤۹ ـ کرند نمره ۱۵۵۵۵ هشت کپیه در نمره ۱۵۰ ـ شفارود نمره ۱۵۵۵٦ هشت کپیه در ۱۵۱ ـ قوچان نمره ۱۵۵۵۷ هشت کپیه در نمره ۱۵۲ پهلوي نمره ۱۵۵۵۸ هشت کپیه در نمره ۱۵۳ ـ کاشان نمره ۱۵۵۵۹ کپیه در نمره ۱۵٤ ـ قم نمره ۱۵۵٦۰ هشت کپیه در نمره ۱۵۵ همدان نمره ۱۵۵٦۱ هشت‌کپیه درنمره ۱۵٦ ـ استراباد نمره ۱۵۵٦۲ هشت کپیه در نمره ۱۵۷ ـ سبزوار نمره ۱۵۵٦۳ هشت کپیه در نمره ۱۵۸ ـ عراق نمره ۱۵۵٦٤ هشت کپیه در نمره ۱۵۰ ـ کرمان نمره ۱۵۵٦۵ هشت کپیه درنمره ۱٦۰ شیراز نمره ۱۵۵٦٦ هشت‌کپیه در نمره ۱٦۱ ـ قوچان نمره ۱۵۵٦۷ هشت کپیه در نمره ۱٦۲ ـ کرمانشاه نمره ۱۵۵٦۸ هشت کپیه در نمره ۱٦۳ ـ یزد نمره ۱۵۵٦۹ هشت کپیه در نمره ۱٦٤ ـ مشهد نمره ۱۵۵۷۰ هشت کپیه در نمره ۱٦۵ ـ اصفهان نمره ۱۵۵۷۱ هشت کپیه درنمره ۱٦٦ ـ رشت نمره ۱۵۵۷۲ هشت‌کپیه در نمره ۱٦۷.

نظر براینکه کلیهٔ ایالات و ولایات ایران پس از استماع فریاد برادران آذربایجانی از فاصلهٔ صدها فرسخ ندای موافقت در داده وعموماً یکدل و یك زبان عزل سلالهٔ سلاطین قجر را از مجلس شورای ملی خواستار شده اند .

نظر براینکه کلیهٔ ایالات و ولایات ایران تلگرافاً نهضت خود را در پیشرفت این مقصود ملی نسبت بهرنقشه ملی برادران آذربایجانی اظهار داشته اند .

ونظر براینکه اهالی آذربایجان از روزهای اول تاسیس سلاطین قجر در ایران بواسطهٔ مقرر داشتن شهر تبریز برای مقرّ حکمرانی و پرورش ولایت عهد آنها کاملاً برمکاید ودسایس این خانواده در راه عزت سلطنت واغفال ملت واقف گشته و درطول مدت یکصد و چهل و هشت سال فجایع و خیانات آنان را برأی عین مشاهده نموده و بخوبی دانسته است که این اولاد مغول در راه تامین مقاصد نا مشروع ذیرین خود از هیچگونه تشبث نامشروع و خیانات و جنایتی حتی متابعت و تبعیت از اجانب مضایقه ننموده چنانکه دربدو تاسیس این سلسله عباس میرزا ولیعهد برای دوام و بقای سلطنت در خانواده و این اولاد خصوص باین ننگ تاریخی مضبوط در عهدنامهٔ ترکمن چای تن درداده وخلف صدقش محمدعلی برای اهدار وسفك دماء مسلمین بسفارت روس پناهنده شد وشاه فعلی در تعقیب همان سیرهٔ غیر مرضیّه مسافرت اخیر اروپا را پیش کشیده و آلت دست اجانب گشته و برای اختلال امنیت فعلی پس از اطمینان موفقیت باز بنای پارتی های خارجی خود اعلان مراجعت داد

ونظر براینکه فرزندان ایران ساکن خطهٔ آذربایجان بشهادت تاریخ گذشته و انقلابات اخیر از بدو مشروطیت تاامروز بعموم ایرانیان و تمامی ملل دنیا پیشروی و مجاهدت علاقه مندی بسعادت و امنیت وطن را عملاً ثابت و مبرهن داشته ونظر براینکه پنجه های افراد حساس آذربایجانی هنوز

آغشته بخونهای پلید و ناپاك قشون استبدادی پدر شاه فعلي و ابدان شهداء حریت آن خطه در قعر قبر به آرامگاه ابدی خود از اثر گلوله‌های آتشبار محمد علی هنوز مجروح و خون چکان و روح آنها متنفر و بیزار از انوجود منحوس بوده ومیباشد

نظر براینکه کلیهٔ ملل حیهٔ عالم درمواقع انقلاب خودرفتاری نموده اند که برای سایر ملل شرقی سرمشق میباشد نظر براینکه ملت ایران درچندسال قبل پدراین جوان را بجرم خیانتش به مادر وطن از تخت سلطنت برای همیشه بزیر آورد

نظر بر اینکه این سلسله سلاطین را باز هم مجال سلطنت ایران از طرف ملت داده شود بیم آن میرود بلکه یقین است که اولاد عزیز ما هر چند صباحی یکمرتبه بایستی قیام و انقلاب خونین و سرخ نموده تا یکی از این اولاد سلسله را از سریر سلطنت بزیر آورند و این مسئلهٔ انقلابات محتمل آتیه فی حد ذاته خود موجب انحطاط و پستی ملت خواهد شد و ملت مشرقی و هشیار ایران را از سیر تمدن عقب انداخته و برای انقلابات و کشمکش های داخلی وارد ساخته و بدین وسیله یکی از مهم ترین مقاصد اجانب یا بدخواهان وطن را تأمین میسازد.

نظر بر اینکه با مراجعه تاریخ گذشته و عصر حاضر خصوصاً دورهٔ مشروطیت عموماً خواهیم دید شخص آغا محمد خان که آنهم مربای دست نابغه عصر خود کریم خان زند بود و بعضی از سلسله بدست فرزندان ایران معدوم یا از سلطنت محروم گشته و آخرین آنها پدر این جوان بود که ما مردم او را معزول و اخراج از وطن نمودیم

نظر بر اینکه ریاست عالیهٔ هر ملتی کاملاً مربوط به ارادهٔ همان ملت و هیچ قانون و حدی بر وجه حقیقت بمیراث نمیتوان ضبط و اشغال نمود زیرا نتیجه اش همان معاملاتي است که با اجداد این جوان از طرف اجداد ما مردم معمول گردیده است

و نظر بر اینکه در حال حاضر ملت ایران به پیشوائی برادران آذربایجانی

خود رعایت کمال نزاکت و کلیهٔ ملایمت را تا این ساعت نموده و از طریق نمایندگان خود که در مملکت مشروطه یگانه طریق رسمی برای یك ملتی در اینگونه موارد محسوب میشود مدت ۲۷ روز است که انجام این مشروع مقدس یعني قطع دست دودمان قجر را خواستار گردیده است و نظر بر اینکه عقل و سابقهٔ عملی حکم صریح میدهد که هر گاه وکیلی در مقام حفظ منافع موکل خود بر نیاید خود آن موکل بایستی اولا آن وکیل را ممنوع از دخالت در آن امر ساخته و ثانیا شخصاً در مقام حفظ و اخذ حق خود بر آید بالاخره نظر بر اینکه در موقع عزل پدر این شاه لاقید و فرزند دلبند مغول مجلس شورای ملی ایران که به دست همان پدر منحل شده بود تأسیس نشده بود و کلیهٔ ایالات و ولایات ایران به برادران آذربایجانی خود وکالت در توکیل و وکالت تام در عزل او از سلطنت داده اند و اهالی آذربایجان اصالتاً از طرف خود و وکالتاً از طرف برادران دیگر اولا محمد علی میرزا را از سلطنت معزول و فرزند نالایق را بسلطنت انتخاب و سلام نموده عضدالملك را به نیابت سلطنت بر قرار داشته لهذا امروز که چهارشنبه ششم آبان ماه ۱۳۰٤ و روز اول زمامداری خود ملت است کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان که در ظرف مدت ۲۷ روز از طرف عموم اهالی مبعوث ادارهٔ امور این نهضت مقدس بوده و یگانه مأمور تسهیل وسائل و تمهید مقدمات اجرای مراتب ملی شناخته شده است شروع به اقدامات عملی مینماید

مادهٔ اول ــ از این تاریخ برای در آغوش کشیدن شاهد مقصود مقدس ملی خود روابط خود را با طهران قطع و مواد ذیل بهموطنان عزیز اعلام داشته و لازم بتذکر نمیداند که هر فرد از افراد غیور آذربایجان که قدرت ملیت خود را همیشه در تحت لوای نجابت و خونسردی و حفظ قواعد کامل انضباطیه ظهور و بروز رسانیده اند از تقرب بهر گونه عملی که مفهوم سوء تأثیر بوده باشد احتراز جویند و هر کسیکه جزئی تصور

لکه دار ساختن منظور مقدس را در متخیلهٔ خود بپرورانند در زیر پنجهٔ قوی قهر ملت نابود خواهد گردید.

مادهٔ دوم ــ کلیهٔ ادارات ضبط و تحت نظر مستقیم کمیسیون نهضت ملی آذربایجان قرار خواهد گرفت

مادهٔ سوم ــ آذربایجان برای نیل بمقصود مقدس خود وتنکیل خائنین طهران قوای مکفی از جوانان فدائی ملی آذربایجان تسلیح واعزام خواهد داشت

کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

پس از نشر این بیانیه بتمام نقاط ایران متحد المآل دیگری درهفتم آبان بتمام نقاط ایران بنمرات ذیل (۱) *مخابره نموده اند

(متحدالمآل)

عموم ایالات وولایات توسط رؤسای تلگرفخانه ها کمیسیونهای نهضت ملی وطبقات مختلفه و جرائد درطهران متحدین آذربایجان توسط اطلاعات

(۱ـ*)کاشان نمره ۱۹۰۵۸ عددکلمات ۱۹۱۰ هشت‌کپیه ـ کرمان نمره ۱۹۰۶۵ عباسی نمره ۱۹۰۳۷ ـ یزد نمره ۱۹۰۶۹ ـ شیراز نمره ۱۹۰۶۶ ـ ناصری نمره ۱۹۰۲۳ ـ محمره نمره ۱۹۰۳۴ ـ بوشهر نمره ۱۹۰۴۷ ـ اصفهان نمره ۱۹۰۷۱ خرم آباد فیلی نمره ۱۹۰۱۹ ـ آمل نمره ۱۹۰۲۰ هشت کپیه ـ لاهیجان نمره ۱۹۰۲۱ ـ کرگانرود نمره ۱۹۰۲۲ هشت کپیه ـ خرم دره نمره ۱۹۰۲۳ هشت کپیه ـ ایوان کی نمره ۱۹۰۲۴ هشت کپیه ـ محلات نمره ۱۹۰۲۵ ـ دماوند نمره ۱۹۰۲۶ ـ سونقور نمره ۱۹۰۲۷ ـ خاف نمره ۱۹۰۲۸ ـ نهاوند نمره ۱۹۰۲۹ مشهد سر نمره ۱۹۰۳۰ ـ خوزستان نمره ۱۹۰۲۳ ـ بجنورد نمره ۱۹۰۳۳ ـ ملایر نمره ۱۹۰۳۳ ـ بار فروش نمره ۱۹۰۳۵ ـ بیرجند نمره ۱۹۰۳۶ ـ بندر عباس نمره ۱۹۰۳۷ ـ گون آباد نمره ۱۹۰۳۸ ـ درجز نمره ۱۹۰۳۹ ـ سنندج نمره ۱۹۰۴۰ ـ لطف آباد نمره ۱۹۰۴۱ ـ شیروان نمره ۱۹۴۲۸ ـ شاهرود نمره ۱۹۰۴۳ ـ قصر نمره ۱۹۰۴۴ ـ بیجار نمره ۱۹۰۴۵ ـ نیشابور نمره ۱۹۰۴۶ بوشهر نمره ۱۹۰۴۷ ـ دزداب نمره ۱۹۰۴۸ ـ اشرف نمره ۱۸۰۴۹ ـ سمنان نمره ۱۹۰۵۰ ـ ساری نمره ۱۹۰۵۱ ـ بروجرد نمره ۱۹۰۵۲ ـ قوچان نمره ۱۹۰۵۷ ـ پهلوی نمره ۱۹۰۵۷ ـ قم نمره ۱۹۰۶۰ ـ همدان نمره ۱۹۰۶۱ ـ استراباد نمره ۱۹۰۶۲ ـ عراق نمره ۱۹۰۶۳ ـ قزوین نمره ۱۹۰۶۷ ـ کرمانشاه نمره ۱۹۰۶۸ ـ مشهد نمره ۱۹۰۷۰ ـ رشت نمره ۱۹۰۷۲

جرائد و طبقات مختلفه و مجلس وریاست وزراء هشت کبیهٔ ـ هموطنان ؟
ما بالاخره از وکلای شورای ملی ایران یعنی ازآن لاقیدان وتکاهل کارانی که
مملکت بدبخت مارا بروز فلاکت حاضره نشانیده اند وبه تشبثات ناگفتنی
خود را بصورت کعبهٔ امید افراد مملکت یعنی وکلای معظم و محترم
دارالشورای ملی شیدالله ارکانه درآورده اند ناامید شدیم ـ فرزندان
آذربایجان و برادران ایرانی ؟ ماازاین حالت لاقیدی وبی تکلیفی مکدر گردیدیم
این مردم که در پیشانیشان با خط جلی قضا وقدر نقش اضمحلال
مرتسم است مارا خسته وازجان سیر کرده اند مابیزار ازهر عمل وفعلی
که نام وقدم یك چنین مردمان خونسردی که با عجله مملکت را رو
باضمحلال میکشانند گردیدیم برادران عزیزما آخرین شرط بلاغ خودرا
بمرکز کرده ازمضامین آن و اعمال خود مسبوق ومستحضر داشتیم همان
برادران عزیز تصدیق دارند که یك مردم علاقه مند بسعادت مملکت در
مقابل یك چنین نهضت ملی چنین خاموشی و سکوت مطلقی را جائز
نمیدانست بالاخره موقع آن رسید که دست قهر و غضب طبیعت از آستین ملت
ایران سر بدر آورده و ازیك چنین عناصر لاقید بی وجدان گرفته
آنها را کشان کشان بقعر پرتگاه مهیب ابدی پرتاب سازند !.
موقع است که تودهٔ ملت محجوب و مطیع ایران خائنین مملکت آن
کسانیرا که سبب بدبختی ما شده اند به محاسبه دعوت نماید.!
هموطنان سکوت و بردباری در قبال چنین شئامت وبیداد کاری کافی است
باید به دینان ثابت نمائیم که در ایران اراده ارادهٔ ما وامر امر ما است
هر آنکس که تاکنون یارای مقاومتی ابراز داشته و خیال خام تخلف
محض را از اوامر ملت ایران در متخیلهٔ ضعیف خود پرورانیده است
خط رفته وبلاشك بایستی درس عبرتی ازما فرا گیرد که احفاد ما درتاریخ
نام بردار گردند
برادرن عزیز ما امروز کلیهٔ ادارات را اشغال و تصرف قطعی نمودیم ما

امروز جوانان غیور و نوباوگان با افتخار خود را بزیر سلاح دعوت
کردیم ما امروز اردوگاه ملت اذربایجان را در خارج تبریز معین نمودیم
ما امروز تمام افراد جوان و حساس که بزیر سلاح برده ایم نقطهٔ مقصود
وخط حرکت و هدف آتش را با دست قوی خود طهران نشان دادیم.
طهران یعنی کانون فساد طهران یعنی مرکز نشر کلیهٔ رذالت و دنائتهای
کلی یعنی همان پارلمان دروغی و همان افرادیکه غیر از ملعبه ساختن شئون
ملي ماکار دیگري برای خود تهیه ننموده اند!
ما بصدای رسا فریاد حرکت را صادر نمودیم وکار آذربایجان را با صدور
این فرمان ملی یکسره ساختیم حال ما دانیم و طهران ما دانیم ومرکز
دسیسه و نیرنك ما دانیم و آلات لغو و رذل دشمنان
مادانیم ونمایندگان دروغی پارلمان ووجیه‌الملههای دروغی طهران وعناصر اجنبی
پرست طهران برادران عزیز برشماست که فرزندان رشید یلان وگردان غیور
ایرانید لازم وواجب است که برای خاتمه اوضاع غیرقابل تحمل و رهانیدن وطن
عزیز ازگرداب ملالت ومذلت قد مردی ومردانگی علم کرده وتاسی ببرادران
آذربایجانی خود نمائیدفوراً ادارات‌را ضبط و برادران خود را که دم ازوطن
و وطن پرستی میزنند بطرف طهران رهسپار دارید که بکمك الهی و مساعدت
برادران ایرانی موانع مرتفع و سعادت را در مقابل خود باشادمانی استقبال
نمائیم ما خوش بخت وخوشوقتیم که برادران عزیز خودرا درمرکز درآغوش
محبت‌خود کشیم خدا با ماست‌شماهم باما هستید دردنبال‌ما قدم بقدم‌گام بگام
بیائید تالباس‌ننك وعاربپوشید عملیات واقدامات درخشان خود تان را بکلیه
ایالات وولایات ایران وطهران وممالك خارجه اطلاع دهید وازعموم برادران
انتظار داریم که اسامی اجتماعات ملي خود شان را یکسان تعیین نمائید
یعنی همه جا ودر هرنقطه کمیسیون مختلط نهضت ملی آن محل امور انقلاب را
اداره وافکارعمومي‌را هدایت نمائید کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان
در ذیل همین تلگراف بیانیهٔ سابق را بتمام نقاط ایران اعلام نمودند و

تصمیمات خود را بموقع اجرا گذاشتند اینک یک فقره راپرت تلگرافی رئیس عدلیه تبریز

(تلگراف)

از تبریز بطهران نمرهٔ قبض ۱۹٤۳٥ نمرهٔ تلگراف ۱۲٦
تاریخ اصل ٦ تاریخ وصول ۷ آبان ۱۳۰٤

وزارت جلیله عدلیه کمیسیون نهضت ملی امروز دوائر دولتی را تحت نظر گرفته و دو نفر مأمور کنترول عدلیه نموده است

نمرهٔ ۱۱٥۷ رئیس عدلیهٔ جهانشاهی

در اثر بیانیهٔ تلگرافی آذربایجان متحصنین باغ مدرسهٔ نظام بیانیهٔ ذیل را منتشر نمودند و مشغول تهیه های مخصوصی شدند.

(بیانیهٔ متحصنین آذربایجان)

(ملت برخیزید)

هان ملت طهران موقع عمل فرا رسید! مسامحه و لاقیدی مجلس کاسهٔ صبر و تحمل برادران ایالات و ولایات را لبریز کرده دیگر بیش ازاین نتوانستند بی قیدی مجلس و بی علاقه گی نمایندگان را بمصالح مملکت بخونسردی تلقی نمایند شما هم ساکنین طهران برخیزید که از قافلهٔ نهضت ملی عقب نمائید و راضی نشوید صفحات تاریخ قرن اخیر ایران اسم طهران را ازصورت قیام کنندگان آزادی ایران محو نمایند

برخیزید که برادران شما درایالات وولایات دامن همت برکمرزده مؤسسات پوسیدهٔ سلطنت قاجار را اشغال وخود مستقیماً برای سرنگون ساختن علم منحوس دودمان قجر قیام و اقدام کرده اند!

برخیزید و روح داریوش وسیروس را که دربالای سرشما ناظر این وضعیات رقت آور و منتظر عملیات استقلال خواهانه هستند خوشنود سازید! خون ایرانیت در شرائین اولاد خلف به غلیان آمده برادران شما برعلیه سلطنت آل قاجار و مسببین سیه روزگاری ملت قیام کرده اند!

برخیزید ای ساکنین طهران قبل از آنکه افواج فدائیـان وطن بمرکز حرکت کرده شما را نیز در عداد حامیان جور وظلم سلطنت مورد حمله قرار دهند شما ای کرسی نشینـان مجلس تصور نکنید که معاشرت باشما مردمان بي روح خون ایرانیت را در ابدان فرزندان صالح وطن منجمد نموده و فقط بحـال تحصن باقي خواهد ماند! نه چنین است که تصور کرده اید! ما متحصنین برای نیل بمقاصد ملی بملاحظه حفظ احترام دولت تاکنون به عملیات تندي مبادرت نموده ایم ولی دراین موقع که برادران ایالات و ولایات شروع بعمل کرده مستقیماً برای حفظ حقوق ملی اقدام کرده اند بیش از این رعایت نزاکت را ننموده دوام تحصن و سکوت را خیـانت به مملکت دانستهٔ راضی نخواهیم شد که در این نهضت ملی از برادران خود عقب مانده واماندگان کاروان فدائیان وطن معرفی بشویم! اینك راپورتی را که اخیراً از آذربایجان رسیده و حاکی از مبـادرت ملت به تشکیلات قشون ملی داو طلب و قطع رابطه بامرکز میباشد برای اطلاع برادران طهرانی درج و آنها را متذکر میسازیم که هرگاه بیش از این درحال سکوت وبحال انتظار اقدامات مجلس بماننـد مورد قهر وغضب سایر برادران خود واقع شده و بآنها نیز با نظر بیگانه و حامیان اجانب نگاه خواهند کرد برخیزید که موقع کار است! برخیزید که موقع انتقام است

هیئت متحدین آذربایجان و متحصنین

(علل موجبهٔ حکم اول مرکز انقلابی طهران)

دو فقره حکم کمیتهٔ انقلاب و نهضت را از نظر گذراندیم لازم است در علل موجدهٔ آن نیز مداقه نمائیم آیا علت حکم اول و توقیف وکلای آذربایجان چه بوده است؟

کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجانیان طهران این اندازه بی مطالعه نبوده که نسنجیده بیك چنین کاری اقدام و وکیل مصون از تعرض را توقیف

و یا دسته گلی به آب بدهند!؟

وقتیکه علل حوادث جاریه را غور رسی مینمائیم موجبات این اقدام را میتوانیم از یك اجازهٔ صریح و یا ضمنی تلگرافات خارج مرکز استنباط نمائیم.

(تلگراف بندر پهلوی یا صدور اجازه)

بطهران نمره ۱۹ و نمره قبض ۲۷۲۵

کمیسیون مختلط نهضت ملی کپیه آقای کی استوان تلگراف نمره ۹ کمیسیون زیارت پهلویان امال خود ضمن تلگراف مشروح عرض عقیده ندارند که آقای کی استوان با تقاضای مشروع ملت مخالفت کند چنانچه مخالفت ابراز کند کمیسیون محترم با اختیارات تامه حق توقیف معزیالیه را دارد

کمیسیون مختلط نهضت ملی پهلوی

از ملاحظه این تلگراف معلوم میگردد که قبلاً مذاکرات مخصوصی بین کمیسیون مختلط نهضت ملی طهران و سایر شعبات و کمیسیون های فرعی اذربایجان جریان داشته و در شعبات فرعیه بدون مراجعه واجازه مرکز انقلاب یعنی تبریز یك چنین تصمیمی اتخاذ شده بود که اگر وکلای مجلس شورا در مقابل منویات ومستدعیات ملت لاقیدی و خون سردی نشان دهند ملت آنها را توقیف نماید

بطوریکه این قضیه از تلگراف رشت بطهران نیز معلوم میگردد

(تلگراف رشت بطهران)

نمره قبض ۲۱۵۸ نمره تلگراف ۲۰۰

آقایان نمایندگان از طرف گیلانیان کپیه کمیسیون نهضت ملی اذربایجانیان مقیم طهران در تعقیب تقاضای الغاء سلطنت و تاسیس مجلس مؤسسان از طرف عموم ایالات و ولایات که گیلانی هم شرکت نموده در انتظار نتیجه از مجلس تا امروز گذرانده از اقدامات مجلس و خودشان مادامیکه مورد سوء ظن نشوید بفوریت ما را مستحضر دارید والا به گیلانیان

مقیم طهران دستور دیگری از طرف عموم داده میشود
کمیسیون نهضت ملی گیلان

این دستور درروی تعاطی و تبادل افکار که بین انقلابیون جریان داشته جز این نبوده که در صورت مخالفت وکلای مجلس شورای ملی اهالی مرکز نشین هر ایالت و ولایت وکلای خود را توقیف نمایند بطوریکه از تلگراف بندر پهلوی بطهران این نکته معلوم گردید که علت توقیف وکلای مجلس شورا درروی یك چنین مقدمه بوده ولی تبریز را از این جریانات سابقه نداده بودند که پس از اعلان توقیف و راپورت روزانه شهر تبریز پروتست و وکلا مستخلص شدند

(خبر تازه)

حوادث پشت سرهم میگذرد و هر دقیقه در تمامیت ایران اتفاقات تازه تری رخ میدهد قبل از اینکه بحوادث دیگر بپردازیم خبر تازهٔ پس از تلگراف تبریز بطهران و اخبار از اشغال دوائر دولتی بدست ما آمده که اینك آن را نقل مینمائیم

این خبر تازه که میخواهیم شما را از چگونگي آن مستحضر نمائیم از نقطهٔ نظر صرفه جوئی ملت خیلی مهم است .

اگر تا کنون در اظهارات ملت کم و زیادی در تلگرافات ملاحظه میشد و یا در اخبار و استنجار تأخیری میرفت پس از اشغال دوائر دولتی این مانع برطرف گردیده و تلگرافخانه تبریز نیز یکی از آن دوائری است که بحکم اجبار اشغال شده است بنا بر این از حالا باید مصمم بشویم که مطالب تازه و تلگرافات با عرض و طولی را قرائت نمائیم

آری تلگرافخانه نیز اشغال شد و مخابرات بلامانع در جریان است و من بعد در تلگرافات از نمره و تاریخ نام ونشانی نیست و انقلابیون آذربایجان میل دارند با تمام نقاط مخابرات حضوری نمایند اینك نمایندگان نهضت

ملّی را برای مخابره حضوری بتلگرافخانه خواسته اند.

(مخابرات حضوری)

از تبریز بطهران توسط رؤسای تلگرافخانه های ایالات و ولایات به کمیسیون های مختلط نهضت ملی و طبقات مختلفه و جرائد و در طهران بتوسط اطلاعات بتمام جرائد و کپیه هشت عدد

آقایان محترم حاضرین تلگرافخانهٔ طهران ما حاضرین تلگرافخانهٔ تبریز بنام فرزندان آذربایجان و تودهٔ ملت ایران حقیقتاً شرمناکیم از این که برای مرتبهٔ صدم یا هزارم یك مطلبی را تکرار نمائیم ما نمیدانیم طهران در چه حال است؟

ما نمیدانم از سم قتال یکصد و بیست نفر نمایندکان دروغی شورای طهران تا چه حد و تا چه اندازه در وجود ساکنین محترم آن مرکز ایران مؤثر واقع شده؟ واقعاً حزن آوراست این وضعیتی را که در قبال تقاضای یك ملتی نمایندکان آن بخود گرفته است؟!

آقایان شماها که میخواهیددعوی نمائید خون گرم نیاکان خودرا درعروق و شرائین خود میراث دارید شماها که میخواهید بما نشان دهید اهل آذربایجانید پس یاس وانتقام بکجا رفته؟ وچه شده؟ آقایان حضوراً پریروز بشما گفتیم وچند روز قبل تلگرافاً اخطار نمودیم که طرف مجلس پیش روید وآن کاخ محافظ کاری ولاقیدی را درهم فرو ریزید یاجواب مطلوب ملت را تحصیل نمائید آخر چه کردید؟ وچه شد؟ آقایان ما برای آخر دفعه بشما میگوئیم که اگر شما یك ساعت دیگر یاآخر امشب صورت قطعی وجدی برای خودتان در قبال مجلس لا قید دروغی اتخاذ نکنید ما دانیم و شما و دیگر نبایستی ازما انتظار وتوقع داشته باشید مامیدانیم که مجلس طهران بکار خود مشغول و بایك قیافهٔ غیر جدی و مضحکی لب خند تمسخر و استهزا بما میزنند مامیدانیم که این عناصر رذل پلید در متخیلهٔ فاسد و

پوسیدهٔ خود چه افکار منحوس می پرورانند؟ ما میدانیم که این وکلای
دروغي را غیراز بوي خون چیز دیگري نهیچ نخواهد نمود ما با آنها
کاری نداریم و بزودی سطح آن مجلس خائن را ازخون آن نمایندگان لاقید
گلگون میسازیم ولی روی سخن ما باشما برادران عزیز و غیور خودمان
است که هرچه درقوه دارید مضایقه نکنید و ترجمان احساسات پاك و
مقدس ما آذربایجانیان نسبت به برادران طهرانی واقع گردید عجالة منتظر
وصول اطلاعات شما هستیم

راجع به مجلس ووضعیات عمومی این تکلیف خودمان است که فردا خبرش
بشما خواهدرسید!.

(غدغن اکید)

بطوریکه از مستندات گذشته بدست آوردیم ادارات دولتی را انقلابیون
تصرف نموده و جوانان خود را دارند بزیر سلاح دعوت می نمایند ودر
پایان این تصمیمات وکلای مجلس را غدغن اکید نمودند که دیگر بمجلس
نرفته و از جریانات کناره گیرند اینك تلگرافی که این مسئله را اثبات
می نماید.

(تلگراف نمرهٔ ٥٧٨ تبریز بطهران)

کپیه در ایالات وولایات وکمیسیونهای نهضت ملی وکلیهٔ احزاب وطبقات
مختلفه وجرائد کپیه درطهران توسط اطلاعات عموم جرائد وطبقات مختلفه و
توسط مجمع متحدین آذربایجانی کلیهٔ آذربایجانیان وساکنین طهران وکلای آذربایجان
همکاران شما در طهران باانظار لاقیدی بمخابرات ما نگاه کرده
و میکنند شما هم از قرار معلوم تحت تأثیر فساد محیط واقع شده
وهمرنك آنان گشته اید!؟ زیرا یك نفر از شما هم یك قدمي بروفق مرام ومطابق
آمال ما برنداشته ما موکلین شما قطع رابطه بامرکز سلطان نشین نموده ایم
بشما اخطار میکنیم که دیگر بمجلس نروید واگر یکنفر از شما در مجلس

حضور بهمرساند موقعیت او در آذربایجان بسیار خطرناك و تاریك خواهد شد!.
کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

(اجازهٔ ضمنی یابی تقصیری طهران)

ازمراجعهٔ این تلگراف معلوم میگردد که انقلابیون و یامتحصنین مدرسهٔ نظام از غدغن مزبور اجازه ضمنی استنباط کرده بودند که اگر وکیلی از مدلول غدغن اکیدفوق تخلف نموده و مطابق دستور مرکز انقلاب بامستدعیات ملت روی موافقت نشان ندهد و نسبت به آمال ملی اظهار تمایل ننماید و باز بدون اخذ نتیجه در مجلس حضور بهمرساند لا محاله باید او را توقیف کرد!

(چونکه صد آمد نودهم پیش ما است) اگر کسی را از یك اقدامی شفاهاً ممنوع بدارند و باز از راه لجاجت و بی اعتنائی مقصد خود را تعقیب نماید بایستی عملا از او جلوگیری نمود و در این مورد با غدغن صریح ملت و تعقیب وکلا از مقصد خود جرم و تقصیر بشمار رفته و لااقل بایستی آنها را توقیف نمود و بهمین ملاحظه برای حفظ احترامات اوامر مرکز انقلاب وکلای آذربایجان را توقیف نمودند غافل از اینکه این نقض و ابرام تبریز مبنی بیك ملاحظات مخصوصی است و اسرار انقلاب را نمیشود فاش نموده و مکنونات را بچشم همه کشید و یا بگوش ها سرود خواند - (از شیر حمله خوش بود و از غزال رم)

فعلا بهمین اندازه از حوادث آذربایجان اکتفا نموده و بنقاط دیگر می پردازیم و از جریانات ولایات و ایالات نیز تحصیل اطلاع نموده و از مقاصد آنان با خبر بوده باشیم

(ایالات و ولایات)

در آنساعتیکه بین تبریز و طهران در خصوص استخلاص وکلا مخابرات در جریان بود نقاط دیگر نیز منویات دیگری داشته و مستدعیات مخصوصی

از مرکز داشتند و رشته های انقلاب را بیکدیگر وصل نموده و مرام و معنویات آنان از نمونه‌های تلگرافی آنها که بدست ما رسیده و از نظر شما خواهد گذشت معلوم میگردد

(زمزمهٔ قطع روابط)

حادثهٔ که بین انقلابیون مرکز و یکدسته از وکلای مجلس شورای ملّی اتفاق افتد پیش آمد خصوصی و یا تعارفات محرمانهٔ بود که بحمدالله زود رفع شد و اصل ۱۲ قانون اساسی (اصل دوازدهم - بهیچ عنوان و بهیچ دست آویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضای آن بشود اگر احیاناً از یکی از اعضا علناً مرتکب جنحه و جنایتی بشود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد باز باید اجرای سیاست در بارهٔ او باستحصار مجلس باشد) با دست انقلابیون نقض نشد و بر انقلاب به مصونیت وکلا بر نخورد و الا نزدیك بود که این حادثه وکلا را عصبانی و به انقلابیون پروتست و یا اعتراض شدید نمایند و ملت را با نقض قانون اساسی مقصر و مسئول بدانند !.

حالا وکلا واقعاً از این پیش آمد عصبانی شده بودند یا نه ؟ خود یك داستان دیگری است ولی جسته جسته زمزمهٔ مخصوصی داشتند و بیك ملتی که قدم بعرصهٔ انقلاب گذاشته و با اساس سلطنت یك سلسله در مبارزه است راجع بتوقیف خود اعتراضات محرمانه مینمودند !. وخیال میکردند که از طرف ملت به آنها توهین شده است !.

و یا انقلابیون باین اظهارات خفیه وقعي گذاشتند یا نه ؟ خود نیز مسئلهٔ دیگری است اگر امر مافوق نرسیده بود که توقیف شده گان را آزاد نمایند حساب ها میرفت پاك گردد و حسرت وکالت در دلها بماند و یا با صاحب دلان بگور برود !.

این مسئله روی هم رفته چندان اهمیتی نداشت و در زمینهٔ انقلاب بسی عادی بود .

زمزمهٔ دیگری که فوق‌العاده مدهش و برای مملکت بسی گران تمام میشد و اگر مجال بروز و ظهور داده شد بود میرفت خطرات بسی سنگین را متوجه مملکت نماید عبارت از ترانه قطع روابط عمومی بود!.

گرچه این مسئله درآذربایجان اتفاق‌افتاده‌بود ولی نسبت بتمامیت ایران دارای اهمیت نبود و اگر بنقاط دیگر سرایت مینمود مفسده های دیگری را در بر داشت که در تار وپود سیاست ایران تاثیرات مخوف و مدهشی را می بخشید!.

از ملاحظهٔ چند نسخه تلگراف برسم نمونه معلوم میگردد که عقاید و افکار ملت منقلب ایران در روی چه پایه گذاشته شده؟ وچه اندازه بحکومت مرکزی که در راس آن اسم سلطنت قاجاریه برده میشد ظنین و بدبین بودند؟ ودر عین این حال رضا خان پهلوی را دوست میداشتند وبا اذعان و اعتراف باحترامات معظم له بقدری نسبت بسلطنت قاجاریه عصبانی بودند که از پهلوی‌نیز میرفتندچشم پوشیده وباروح دیگری ساعات انقلاب را بگذرانند

(تلگراف از ملایر بمشهد)

نمره قبض ۹۸۲ نمره تلگراف ۹ عدد کلمات

۱۷۸ تاریخ اصل ٦ تاریخ وصول ٦

چهار کپیه جرائد تجار احزاب اصناف بوسیلهٔ تلگرافخانه ها بعموم ایالات وولایات و عامهٔ طبقات و احزاب سیاسی و جرائدملی در اینموقع که ملت پیشقدم آذربایجان وارد در مرحلهٔ جدیدی شده و بوسیلهٔ تلگرافات و متحد المال های تشدد آمیز بنام نهضت ملی قیام و خلع سلطانْ قاجار را از مجلس مقدس خواستار و در صورت تسامح و خون سردی نمایندگان کنونی ملت قطع روابط را با مرکز اعلام داشته اهالی ملایر هم بنوبهٔ خود با برادران آذربایجانی که همواره در مراحل آزادی

پیشوا و پیشقدم سایر ایالات و ولایات ایران بوده اند هم نوا و هم صدا گردیده وآمال و آرزوی دیرینهٔ خود را از کعبهٔ آمال ملت خواستار و برادران دور و نزدیك خود را بکمك و مساعدت میطلبیم که با ما همصدا شده و با تمام قوا برای نیل باین مقصود مقدس کوشیده وهمانطوریکه ملت آذربایجان قطع روابط را با مرکز نموده اند سایر برادران ایرانی هم روابط خود را مقطوع تا شاهد مقصود را در آغوش گیرند

کمیسیون مختلط نهضت ملی

(تلگراف کرمانشاه بطهران)

نمره ۱۰۳۹۶ نمره تلگراف ۷ عدد کلمات ۱۶۱

تاریخ اصل ۶ تاریخ وصول ۶ آبان

توسط نمایندگان کرمانشاه مجلس شورا کپیه جرائد مرکزی کپیه آذربایجان کرمان اصفهان خراسان کردستان شیراز رشت ـ اثبات خیانت وعدم لیاقت احمد میرزا قلوب عموم اهالی ایران را با هیجان شدید به این مقام آورده که دیگر از مداهنه صرف نظر و انفصال قطعی اورا تصمیم گرفته و بهیچ تعبیر قابل دوام و بقا نمیداند در این وحله برادران محترم آذربایجانی و برادران عزیز سایر شهرها تلگرافاتی نموده و وظیفهٔ وجدانی و نمایندگی ذوات محترمه را که نتیجهٔ حقیقی آمال ملي عموم اهالي مبتلای ایران است جداً تقاضا نموده و تلواً ضرر تاخیر و مسامحه در اقدامات را نیز صریحاً اخطار کرده اند این است که مردم کرمانشاه نیز درنوبت خود آخرین اتمام حجت را با نمایندگان محترم مینمایند و هرگاه تاخیر وتانی مشاهده نمایند روابط خود را با مجلس مقطوع ومانند سایر برادران وطن نهضت ملی را با قدم های بلند باخرین وظیفه وجدانی خواهند رساند

کمیسیون نهضت ملی

(تلگراف از کرمانشاه)

نمرۀ قبض ١٠٦٥٧ نمرۀ تلگراف ١٢١ عدد کلمات ٢٥٨ تاریخ اصل ٨ آبان

توسط رؤسای تلگرافخانۀ مرکزی و ولایات مجلس شورای ملی کمیته ریاست عالیۀ کل قوا کمیته کمیسیون های نهضت ملی کمیته ایران کمیته شفق کمیته محشر کمیته گلشن کمیته میهن کمیته طوفان کمیته اتحاد چون تا کنون از طرف وکلای پارلمان جواب مساعد عملی بتقاضای موکلین خود داده نشد و بسلطنت دودمان قاجاریه و بر باد دهندگان شرافت و استقلال ایران خاتمه نداده و وظیفۀ خود را بکلی فراموش و افکار عمومی را فدای دربار سیاه قاجاریه نموده اند هذا ما از این تاریخ آنان را وکلای حقیقی ملت ندانسته کلیه روابط را با آنها مقطوع و با سرپنجۀ قوی قدرت ملی گریبان احمد میرزای قجر را گرفته و از جایگاه سرویس و سلاطین شرافتمند باستانی دور نموده کیفر اعمال مخالفین افکار عمومی را با بازوی اقتدار جوانان فداکار غیور ملت داده و حاکمیت ملت را مدلل خواهیم نمود

علی اعظمی ـ زنگینه ـ اسحق ـ دولت شاهی ـ محمد مهدی ـ صالح ـ هدایت الله ـ عبدالله حاج زاده ـ علی پناه ـ کرم ـ محمدی ـ دولت شاهی عبدالله ـ وزیری ـ ابوالحسن ـ زنگینه ـ غلامرضا ـ زنگینه ـ حسن مدنی ـ دبیر اعظم ـ اسدالله ـ قزوینی ـ حاج زاده مهدی ـ وزیری محمد حسین ـ مرتضی قلی خان ـ خیاط ـ علی اصغر ـ حاجی زاده ـ حسین علی زنگینه ـ جعفر موسوی ـ غلامعلی ـ سلیمان زنگینه ـ اعظمی ـ سیف‌الله حاجی زاده عظیم ـ زین العابدین ـ غلامعلی ـ فتح الله ـ نعمت الله ـ حسین علی ـ فتح الله ـ قزوینی ـ امین الله ـ زنگینه ـ زین‌العابدین ـ علی اشرف ـ حسین ـ سلیمان آقا ـ حسین ـ حبیب الله حاجی زاده علی مراد ـ محمد لطیف ـ علی محمد ـ نبی فرج الله ـ محمد اکبر زنگینه ـ

فتح الله ـ حاجی زاده امین الله نعمت الله ـ تقی زاده ـ خانه خراب محمد
باقر ـ حسن خادم ـ حسین معینی ـ علی ابن قاسم ـ غلامرضا زنگینه
فرج الله زنگینه ـ سیف الله ـ حاجی آقا محمد

(تلگراف از محمره بطهران)

نمرهٔ قبض ۲۷۱۲ نمرهٔ تلگراف ۲۹ عدد کلمات
۲۵۶ تاریخ اصل ۸ آبان

هیئت محترم متحدین آذربایجان کپیه ساحت مقدس دارالشورای ملی شیدالله
ارکانه کپیه مقام منیع ریاست عالیه کل قوا دامت عظمته کپیه کلیه
احزاب سیاسی وطنخواهان کپیه ایران کپیه وطن کپیه ستارهٔ ایران کپیه
حلاج تلگراف آن هیئت محترم راجع بعزل شاه و ولیعهد زیارت و این مرام
مقدس ونیت خیرآن برادران عزیز را تقدیس وتکریم می نمائیم این کمیته
نیز سابقاً در این نیت مقدس شرکت خود را اعلام وتلگرافاً کمیته محترم
نهضت ملی آذربایجان را وکیل مطلق و اختیار تام داده است که در
پافشاری و تعقیب این مرام شروع بذل همه قسم جدیت نموده وهر قسم
مقتضی است اقدام نمایند ازطرف خود هیئت نیز بساحت مقدس دارالشورای
ملی و مقام منیع ریاست عالیهٔ کل قوا و جرائد مرکزی تلگرافاً مرام
خودرا عرض داشته و انفصال این شجره منحوسه را از کرسی سلطنت
خواستار شده است اینك کلیه ما درمساجد شهر اجتماع نموده و دست
ازکسب وکار خود برداشته بانهایت جدیت درتعقیب این نیت مقدس
ایستاده ایم و باهرگونه رادع ومانعی مصادف شویم باك نداشته وتا بمقصود
خود نائل نشویم دست بردار نخواهیم بود چنانچه تادو روز دیگر از
طرف مجلس ملی جواب مساعدی نرسیده و عزل شاه و ولیعهد اعلان
نشود بکلی قطع علاقه باطهران ووکلای بی عاطفه پارلمانی نموده واقدامات
دیگری خواهیم نمود

کمیتهٔ نهضت ملی ایران

(از رامهرمز بطهران)

نمرهٔ قبض ۷٤۰ نمرهٔ تلگراف ۲ عدد کلمات

تاریخ وصول ٦ تاریخ وصول ۸

مقام مقدس مجلس شورای ملی کپیه ریاست وزراء عظام کپیه هیئت نهضت ملی آذربایجانیان کپیه جراید کپیه هیئت نهضت ملی ایالات و ولایات کپیه کمیسیون مختلط طهران

چندی است هیجان عمومی در میان ملت راجع بخلع احمد شاه بریاست این مسئله افکار عامه را بخود جلب نموده و از هر گوشه و کنار فریاد های هم آوازی درموضوع عزل شاه بوسیلهٔ مخابرات به پیشگاه مجلس مقدس رسانیده ولی هنوز از طرف آن نمایندگان هیچ گونه احساساتی ابراز نشده وهمین طور چهل کرور نفوس ایران را بحالت انتظار ونگرانی باقی گذاشته غافل از اینکه هرگاه تسامح خود را زیاده براین ادامه دهند ملت آخرین اقدامات خود را که ممکن است نتائج سوئی هم برای آقایان نمایندگان تولید نماید انجام خواهد داد زیرا که سیزده سال است این عناصر نالایق بر اریکهٔ سلطنت جلوس نموده علاوه براینکه کوچکترین قدمی درراه پیشرفت واستقلال امنیت و آسایش ملت برنداشته بلکه ذرهٔ بروز علاقه نسبت باین آب وخاك نشان نداده درطی زمامداری خود مملکت را بواسطهٔ هوسرانی و عیاشی بسیر قهقرائی برده و در نتیجهٔ عدم توجهات او ملوك الطوایف و هرج ومرج باندازهٔ امتداد یافت که روح مملکت را پژمرده و منقلب ساخت زمامداری و شاهنشاهی او برای این مملکت بحکم امتحانات ده سالهٔ او مسمی است قاتل بقسمیکه ممکن است ادامهٔ سلطنتش بار دیگر روزگار بدبختی ایران را تجدید نماید شما ای وکلای ملت و آقایانیکه مقدرات چهل کرور نفوس را عهده دار هستید بایست دراین موقع که بهترین موقع مملکت است

بروز حس وشهامت داده راضی نشوید که یکبار دیگر این مملکت شش‌هزار ساله ملعبهٔ هوس رانی یك جوان عیاش گردد امروز که روح ایرانیت بهیجان آمده وخون گرم فرزندان داریوش بجوش و خروش باحساسات وعواطف پاك نهضت و شورش ملی درکلیهٔ مملکت عرض اندام شده اسکات و اطفاء نمیشود مگر بعزل شاه ما هیئت نهضت ملی خوزستان با تکیه بقوّه و قدرت احزاب مسلکی خود جداً درخواست وتقاضا مینمائیم که بدون اهمال وسستی انکاری باقید فوریت گریبان مملکت را ازچنگال این عنصر مرّیخی که آخرین نمونهٔ سلسلهٔ خیانتکار دودمان قاجار است نجات داده نام بزرگی ازخود درصفحات تاریخ عالم باقی گذارید درخاتمه کمیسیون نهضت های ملی خوزستان بااطمینان بفعالیت و جدیت کمیسیون مختلط طهران انتظار دارد که هرگاه نمایندگان پارلمانی خوزستان در اجرای وظائف ملی که اقبال بمقصد و مستدعیات کنونی عموم ملت است تغافل و قصوری نمایند بدون هیچگونه ملاحظه آنهارا بقید توقیف در درآورند مزید برامیدواری خواهد بود

کمیسیون نهضت ملی رامهرمز و توابع

(از محمره بطهران)

نمرهٔ قبض ۲۸۲۹ نمرهٔ تلگراف ۳۳ عدد کلمات ۷٤

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۸ ـ ۷

وسط رؤسای تلگرافخانه کمیسیون های مختلط نهضت ملی طهران آذربایجان چند یوم است که ما عموم طبقات اهالی و عشایر در تلگرافخانهٔ دولتی متحصن و تا نیل بمقصود یعنی خلع سلطنت قاجاریه نشود دست بر نخواهیم داشت و ما عموم اهالی خوزستان از نه ماه قبل وکلای مصنوعی خود را از وکالت دارالشورای ملی لغو نموده هیچیك را برسمیت و وکالت نمیشناسیم

کمیته مختلط نهضت ملی

(از رامهرمز به طهران)

نمرهٔ قبض ۷۴۱ نمرهٔ تلگراف ۳ عدد کلمات ۵۵۸ تاریخ اصل ٦
تاریخ وصول ۸ـ۷

مقام مقدس مجلس شورای ملی کپیه کمیسیون نهضت ملی آذربایجان کپیه کمیسیون نهضت مختلط کپیه عموم جرائد کپیه ریاست عالیه کل قوا کپیه تلگرافخانه های ایالات و ولایات کپیه احزاب مختلفهٔ ایالات و ولایات از آنجائیکه بفرموده فیلسوف دانشمند (بنی آدم اعضای یکدیگرند) و بدیهی است که چون عضوی را دردی وارد آید تمام ارکان وجود متزلزل خواهد شد لهذا ما اهالی رامهرمز بمجرد اینکه تلگراف حزب نهضت ملی برادران آذربایجانی که رأس اعضای وطن ما هستند دیده و دانستیم که بر آن بزرگترین عضو محترم المی وارد شده چنان در قلوب ما اهالی این حدود تأثیر نمود که یکباره دست از کار کشیده و حرارت اخوت خون را در عروق صغیر و کبیر نوعی بدوران آورد که از فرائض مهمهٔ خود دانسته بفوریت تشکیل حزب نهضت ملی را داده و متمنی چنانند از آن مقامات رفیعه که این حزب را شعبهٔ از شعبات آن نهضت کبرای مقدس برادران آذربایجانی شناخته والبته آن پیشقدمان غیور فریاد هم‌آوازی ما را در فضای خود بانهایت خون گرمی و همه نوع فداکاری خواهند شنید و بیانات مهمه که تمام طبقات ایرانی نژاد مقصود ما را بخوبی بفهمند میگوئیم احمد شاه باچه مدرکی هنوز دست ازجان ومال عرض وناموس ما بر نمیدارد؟ این عزیز بی جهة با این تنفر های امروزه هنوز تصور میکند چهل کرور نفوس غیور ایران زرخرید و مملوك پدر او بوده اند و برسم میراث امروزهم مالك است؟ در بیعلمی وبی لیاقتی این جوان خام همین بس که مقتضیات وقت را نشناخته در صورتیکه امروزه علم سر تاسر عالم را فرا گرفته حتی کوهستانی ها و بادیه نشینان مملکت این معنی را پی برده که رعیت گوسفند نیست بلکه ازجنس بشروصاحب

ادراك و اراده است عجبا کلام بجائی رسیده که هر ذی حسی را عصبانی
وازحال طبیعی خارج خواهد نمود مسئله بدرجهٔ خشم انگیز وازحینی
رقت آور است که ما نمیدانیم بچه زبان مقصد را بیان کنیم ؟ ای کسانیکه
مصدر امورات دولت وملت را عهده دارید وای عموم توده ایرانی نژاد
بلکه ای تمام افراد ملل عالم آیا کسی بااین جوان نالایق نگفت ونمیداند
که پس ازاین چهل کرور نفوس حساس که یك قسمت عمدهٔ آنها اشخاصی
هستند که من جمیع جهات هزارها درجه ازایشان در کفایت وزمامداری
برتر چگونه اورا بشاهنشاهی وفعال مایشائی خواهند پذیرفت ؟
گویا تصور میکند این ملت فراموش کرده اند عملیات اجداد و خیانات
پدر او را نسبت به این ملك و ملت و با وصفیکه هنوز رنك گلگونی
جوانان غیور ما که بجرم آزادی خواهی هدف گلولهٔ توپ شدند در اطراف
عمارت بهارستان نقش آنان حق بسته در خاتمه روی سخن ما به یگانه
قائد ناجی این آب و خاك آقای پهلوی و عموم نمایندگان مجلس مقدس
شورای ملی است که هرگاه صلاح خودتانرا در ادامهٔ سلطنت احمد شاه
بدانید ما عموم ملت ایران صلاح خود را برسمیت شناختن شما نمیدانیم
و با نهایت جدیت بدون هیچ ملاحظه بوظایف ملیت خود عمل خواهیم
کرد و مسئله یدالله مع الجماعه را اگر از لوح خاطر محو کرده اید مجدداً
بعرصهٔ شهود خواهیم آورد

عموم اهالی رامهرمز

این بود اجمالی از منویات عمومی و زمزمه هائیکه در سرتاسر ایران
جریان داشت وساکنین هر نقطه ترانهٔ قطع رابطه بامرکز را میسرودند
بدیهی است قطع رابطه مقدمهٔ خواهد بود از منویات ومکنونات دیگر !
آیابعد ازاین چه خواهند کرد ؟
درنظر متفکرین و آشنایان باحوال روحی ملل نتیجه معلوم است ! :
اوضاع بکلی درهم ومنقلب رشته های سیاست پاره از طرف دیگر موقعیت
وکلای مجلس شورا نیز در مخاطره است

جلوگیری نمودن از وکیل که بمجلس برود و یا امر باینکه ملت رو به مجلس شورا رفته و بقول انقلابیون (آن کاخ فساد و لانهٔ شیطنت) را درهم بریزند ووکلارا دستگیر وحبس کنند از مطالب وامور عادی نیست ادنی تأثیری که این احساسات واوامر از خود بیادگار گذاشت در پروگرام سیاست لاقیدانهٔ وکلا بود!.

کم کم قدرت ملی دراذهان بعضی ازوکلا منفذی باز کرد وبنای تاثیر گذاشت و بخیال افتادند که عطف توجهی بمستدعیات ملت بنمایند!

روز پنجشنبه هفتم آبان یکساعت و نیم بغروب مانده تصمیم مخصوصی برای دو مقصد در مجلس شورای ملی گرفته شد

اول جلوگیری ازبسط دامنهٔ انقلاب و ایجاد امنیت

دوم توجه بمستدعیات ملّت وغور رسی درحقیقت منویات ملی

وجلسه رسمی برای شب هشتم ازطرف رئیس مجلس اعلان گردید

(تحقیقات لازمه دراطراف اتهامات وکلا)

لازم میدانیم برای تحقیق نسبت های اتهام آمیزیکه تاکنون ملت بوکلای خود داده قدری دقیق شده و گذارشات مجلس را باتمام جزئیات ازنظر بگذرانیم.

(تشتت آراء)

دورهٔ پنجم مجلس شورای ملی رویهم رفته بسی قابل مطالعه و درروی احوال مخصوصی گذرانیده که در ایران سابقه نداشت دسته بندی های مخصوص و فراکسیون های عجیب و غریب از اقلیت واکثریت و منفرد و اسامی مخصوص که روی هم رفته حکایت از جزر ومد وتزلزل افکار می نمود خصوصیاتی را دربرداشت که عموماً این نکته‌را اثبات می‌نماید که تاکنون از روی یك معنویتی مقصدی را طرح و تعقیب ننموده بلکه هرچه بوده در محور شخصیات جریان داشته چنانکه هرچند نفری چند روزی فراکسیون

مخصوصی را تشکیل میدادند ولی عقاید آنها چندان دوام وثباتی نداشت و دامنهٔ فراکسیون ها بقدری وسیع شده بود که دونفر وکیل نیز فراکسیون مخصوصی تشکیل میدادند وغالباقسمت مهم مباحث درتعیین هیئت رئیسه و اعضاء عامله جریان می یافت.

احوال مخصوصی در پارلمان مشاهده میشد ــ صف آرائی وکلا و کتك کاری وضرب وشتم عموماً از دائرهٔ شخصیات بمعنویات تجاوز نمیکرد غالباً در این قسمت از جریانات دهن ها مانند دریا کف کرده و امواج وار وکلای مهاجم ومدافع روی هم میریختند وپس از زد وخورد دوباره هرکس جای خود را می گرفت و مقاصد شخصی خود را تعقیب می نمود

همین جریانات باعث شد که میرزا حسین خان پیرنیا (مؤتمن الملك) و پس از انتخاب وکسب موفقیت استعفا داد ودوباره مجلس دوچار بحران گردید

(علت استعفا)

این طور بیان می نمودند که رئیس باتفاق آراء انتخاب نشده واکثریت نسبی را باعث توهین بمقام ریاست مجلس تصور نموده و استعفا داده وجمع دیگر نیز عقیده داشتند که رئیس مجلس شخص دیپلمات است وقت وموقع را خطرناك دیده اکثریت نسبی ویا اتفاق را بهانه نموده و از بازی کنار رفته است!

هرچه بود رئیس مجلس استعفا داد و دفعهٔ دیگر فراکسیونها مشغول سنگر بندی و صف آرائی گردیدند و جنك و جدال از نو شروع شد این دفعه هم اکثریت نسبی نصیب میرزا حسن خان مستوفی (مستوفی‌الممالك) گردید آنهم بهمان علل مشهوده و یا مرموزه دنبالهٔ منتخب اول را گرفته و از قبول ریاست امتناع و یا استنکاف ورزید

(تنبه مهم)

مجلس اوقات خود را مصروف این قبیل مباحثات و مناقشات نموده

و ساعات پر قیمت و ایام رسمی خود را بدین منوال میگذرانند !
نه طرحی ! نه مطلبی ! نه فکری ! نه مسؤلیتی !

آنچه که در محیط پارلمان نبود مسائل قانون و حقوق بود و بالجمله هیچیک از مبانی و مسائلی که بالضروره بشر را در برابر خود مقید باجرای یك اصل و یا تعهد و پای بند بیك شرطـی مینماید در پارلمان مشهود نبود !

آوه ! همه سرگرم خیالات شخصی و جار و جنجال خصوصی تا گاه یك تنبه وتذکر مهم انظاررا خیره وتوجهات وکلا را بقدر چند دقیقه جلب نمود و یك سکوت موقت ولی آلوده بفکر و اندیشه از خاطر ها گذشت ولی متاسفانه چندان تاثیر و دوامی نداشت و بالاخره بکرانهٔ لا قیدی خورد و در هم شکست !

این بارقه از فراکسیون اتفاق بود و دو نفر وکیل تذکر نامه را امضا نموده و از مطالعهٔ متن آن حقیقت نسبت ها و یا اتهاما تیکه ملت بوکلای خود میدادند و ما خیال میکردیم که ناشی از روح انزجار وعصبانیت است تثبیت و افکار عمیق و مال اندیشانه را بطرف یك رشته حقائق مکتومه جلب مینماید

این است عین آن تذکر نامه

(تذکر مهم)

تلگرافاتیکه از آذربایجان و سایر نقاط متواتراً بمجلس شورای ملی میرسد وهمه روزه شدیداً در مقام کسب تکلیف هستند و همین طور لاقیدی و خون سردی و بالاخره عدم توجهٔ نمایندگان در اصغاء مطالب مردم وعدم توجه به جواب های کافی و مقنع بقدری بهت آور و حیرت خیز است که فراکسیون اتفـاق که یگانه پشتیبان خود را اراده و افکار ملی میداند نمیتواند در مقابل این وضعیاتی که مملکت بخود گرفته و دقیقه به دقیقه

تیره و شدید تر میشود بی اعتنا و لاقید بماند بالاخره فراکسیون اتفاق
خود را در مقابل مسؤلیت های ملی مجبور از این سؤال میداند
آیا مقصود مجلس از این خون سردی چیست ؟
آیا انتظـار آنرا دارند که عواقب امور را بیك وخامتی سوق دهند که
خودشان هم از تصفیهٔ آن عاجز بمانند و جبران ناپذیر باشد ؟
باصول مملکت و انتظامات حاصله که هر ایرانی وطن پرستی بآن
علاقه مند است تا این درجه میتوان لاقید بود ؟
بنام مسؤلیت وکالت ـ مجلس شورای ملی را متذکر به وخامت امر نموده
پیش نهاد میکنیم که باکمال فوریت موضوع را تحت دقت گذارده وبرای
اشخاصیکه نمایندگان مجلس سعادت وکالت آنها را دارند تعیین تکلیف
نمایند و چنانچه مطلب کماکان به لاقیدی تلقی شود فراکسیون اتفـاق
در پیشگـاه ملی وظائفی را عهده دار است که باتمام آن مبادرت خواهدنمود
با تذکر به هیئت مجلس از هیئت محترم دولت نیز خواستاریم که مراقب
انتظامات جاریه باشند که بر خلاف انتظار وقایع غیر مترقبه رخ ندهد
(فراکسیون اتفاق)
اخگر ـ کی استوان
دو نفر وکیل فراکسیون

(مبحث تازه)

تذکر فراکسیون اتفاق نیز در حالات روحی وکلا تأثیر نکرد و هیچ
نتوانست برای ملت و متحصنین و معتکفین مدرسهٔ نظام و تلگرافخانه ها
و مساجد وتکیه ها وولایات وایالات وبالجمله برای ملتی که دست به‌تعطیل
عمومی گذاشته و یگانـه انتظار شان از مجلس برای تعیین مقدرات خود
زیادتر ازیك کلمه (لا ـ نعم) جواب مثبت ومنفی نبود تعیین تکلیف نمایند .
نه تنها نتوانست این نتیجه را برای ملت تحصیل نماید بلکه خود نیز داخل
جریانات دیگر و مباحث الفاظ و لغوی گردید.

در این دقیقه که سر تا سر ایران دچار بحران و انقلاب شده ووقوع حوادث خطرناکی را خبر میداد پارلمان مشغول طرح تازهٔ بود !؟

همه میدانیم که زبان فارسی شیرین فعلاً مخلوط لغات اجنبي است و روبهم رفته در جملات بیانیهٔ ایرانیان عموماً و اهالی طهران خصوصاً امروزه غیر از (و ـ به ـ را ـ در ـ ما ـ شما) آلات وادوات ربطی و ضمائر تقریباً لغت موضوعی پیدا نمیشود و مخصوصاً در اصطلاحات متجددین ادوات نفی و استفهام و شرطیه نیز از بین رفته واین ملت پرستان درجای (اگر) (سی) و اینطور را (کمسي) استعمال مینمایندو (چه چیز) را به (کس کسا) عوض کرده اند و از روی مبانی لغوی مکاتبات و مذاکرات امروزه ایرانیان غیر از آنستکه اصول وضع و اشتقاق لغوی نشان میدهد درروی این اصل معموله امروزه در پارلمان مبحث تازهٔ اتفاق افتاده بود وعبارت ازاین بود که وکلا تصمیم گرفته بودند درمعنی لغوی و اصطلاحی لفظ (استعفا) و (امتناع) و(استنکاف) مباحثات لازمه نموده وداد خطابه‌را داده باشند !.

کار بجائی رسید که یکی از وکلای مهم دسته مخالف که موجد این مبحث تازه بود میخواست به‌پشت تریبون رفته و باتقید بادای حروف ازتمام مخارج داد بیان بدهد وبالجمله روبهم رفته وکلا میرفتند که خودی حاضر نموده و در معني لغوی الفاظ مزبوره مادهٔ واحدی را وضع و تصویب نمایند !

سر تا سر مملکت در نائرهٔ انقلاب مشتعل و مخاطرات از حد امکان بسرحد فعلیت رسیده ولی وکلای مجلس سرگرم مذاکره ومناقشه در معني (استعفا) بودند !

چه آنکه میگفتند استعفا فرع قبول است میرزا حسنخان مستوفی از ریاست استعفا کرده باشد مشعر بقبول ضمنی است و مستلزم آن خواهد بود که تجدید انتخاب بعمل آید و چون مشار الیه ورقهٔ را که به مجلس نوشته پس از لفظ استعفا جمله امتناع را نیز قید کرده بود بنا بر این مرادف نمودن استعفا با امتناع چه صورتی خواهد داشت ؟

آیا از قبیل الفاظ مترادفه محسوب خواهند شد یا متباینه ؟ قبول کرده و استعفا داده در اینصورت لفظ امتناع چه معنی دارد ؟ و یا آنکه اساساً قبول ننموده و نایب رئیس میتواند مجلس را اداره نماید و بالجمله مذاکرات در این قسمت با نهایت شدت و حرارت در جلسات خصوصی و عمومی در جریان بود و نزدیك بود که موافق و مخالف کتب لغت را در روی تریبون حاضر نموده و بجای حربه‌قتاله استعمال نمایند!.

این بود حالت روحی مجلس شورای ملی!.

با یك چنین سوابقی در لیلهٔ مزبوره میرفت که جلسه رسمی تشکیل و دو دقیقه بمستدعیات ملت عطف توجهی بعمل آید که ناگاه در بیرون محوطهٔ مجلس دو تیر خطائی در رفت و صدای شبیه به تیر شنیده شد،

بعضی معتقد بر این بودند که از طرف دربار این‌حرکت عمداً سر زده که وکلا را ترهیب و جلسه را بهم زنند تاتصمیمي اتخاذ نگردد،

راپورت پلیس هم این معني را اثبات مینمود و یکنفر ناشناس نیزدستگیر گردید بالاخره معلوم شد که این امر واقعیت داشته و از طرف درباریان این عمل ارتکاب و مطابق نقشه مخصوص اجرا شده بود

هر چه بود صدای ناهنگام اثر خود را بخشید و جلسه از رسمیت افتاد و همهمهٔ غریبی بر پا شد و وکلا روبهم ریختند و از در و دیوار فرار کردند و بالجمله بمستدعیات ملت جوابی ندادند وبحقیقت مسائل پی نبردند!

این پیش آمد غیر مترقبه و ضعف نفس وکلای مجلس ملت را فوق العاده عصبانی نمود مردم به مدرسهٔ نظام هجوم کردند و در بین خود اینطور تصمیم گرفتند که فردا بطور قطع مقدرات خود را تصفیه و قضیه را یکسره نمایند و یا وکلا را به محاسبه دعوت کنند!.

شب با سکونت و آرامی داشت دقائق خود را می شمرد و نبض روزکار لا ینقطع در کار بود ولي بااضطراب و خبر از یك هول و هراسی میداد!.

تمام مردم در این دل شب نا راحت بودند و خوابیدگان خواب هولناك می دیدند ولی وکلا هر یك در رختخواب خود غنوده و آنچه را ک در خواب نمیدیدند رسیدگی بمستدعیات ملت بود و این جریانات درقلوب آنان تاثیری نکرده و یا دلی نداشتند؟ چه آنکه اول شب از صدای تیر بهنگام بند دلها گسیخته بود!

مطالبی است: - فعلاً نمیتوانیم در این قسمت وارد بشویم و از موضوع تاریخ خارج است و متحصنین را بهمین حال گذاشته یکمرتبهٔ دیگر بتلگرافات خارج مرکز مراجعه خواهیم نمود تا این نکته را معلوم بداریم که پس از بیانیهٔ تلگرافی آذربایجان چه جریاناتی در ایالات و ولایات اتفاق افتاده؟ و افکار عمومی بچه امری مشغول؟ و قوای عمومی در چه نقطه مرکزیت پیدا میکنند؟

روابط ایالات باآذربایجان

انقیادعمومی از تبریز - وکالت

آذربایجان از تمامیت ایران

پس از آنکه بیانیهٔ تلگرافی آذربایجان در تمامیت ایران منتشر گردید قوای انقلاب در آذربایجان مرکزیت پیدا نمود و تمام ایالات و ولایات و عشایر و ایلات مقاصد ایران پرستانهٔ آذربایجان را تصدیق و وکالت مطلقه به تبریزدادند تا انقلاب را اداره و منویات ملت را بموقع اجرا گذارند لازم است برای استنباط این حقیقت بمخابرات تلگرافی نقاط خارج مرکز مراجعه نموده ودر روابط جاریه وانقیاد تمامیت ایران نسبت به آذربایجان و موقعیت مرکز انقلاب (تبریز) در پیشگاه عمومی ایرانیان اعمال نظر نمائیم

(تلگراف از کرمانشاه بطهران)

قبض نمره ۱۰۶۵۱ تاریخ اصل ۸ آبان ۱۷۴

کپیه هیئت علمیهٔ طهران ـ ولایات طهران وکلای محترم کرمانشاهان کپیه جرائد طهران کپیه مجمع آذربایجانیان طهران کپیه کمیسیون نهضت ملی کپیه مقام مقدس حضرت اشرف اعظم رئیس الوزراء .دامت عظمته کپیه کمیسیون های نهضت ملی آذربایجان کرمان فارس اصفهان خراسان کردستان همدان بروجرد عراق ملایر ـ تأنی تا کی ؟ برد باری تا چند؟ ترقی و تعالی ملل زندهٔ دنیا دیگر بما اجازه نمیدهد بعد از اینکه قدم های ساعی بر جسته بطرف نیك بختی بر داشته شده است باز مقدرات خودرا به میدان هوسرانی قاجاریه رها نموده و فرصت دهیم با آسایش و عدم استحقاقیکه باشغال مقام سلاطین با عظمت سر زمین سیروس داشته اند ما را به برداشتن گامهای قهقرائی وادار نمایند ایران برای اینکه بالاخره شاهد سعادت را در بر گرفته و آخرین پردهٔ که حجاب بین ما ملت کهن سال و تمدن معاصر است بر دارد باید دودمان بی عاطفه و نالایق قاجاریه را از تخت کاوس سر نگون نموده و نتیجهٔ شقاوت وبی کفایت این جماعتی که در مدت یکصد و بیست سال زمامداری کوچکترین آثار نیك بختی در مملکت ما نگذارده اند جز تفریط خزانهٔ مملکت و بباد دادن آثاریکه بزرگترین آن مثل عزم و ارادهٔ مردان دلیر این سرزمین بوده است درحلقوم ملت گشوده و با شمشیر غضب ملی آنرا قطع نمائیم دیگر ملت و جامعهٔ ایرانی که با یك جنبش و توجه چهار سالهٔ فرستندهٔ غیبی وارادهٔ بیچون بسوی تعالی و امنیت بی نظیری سوق شده است نمیتواند خود را تسلیم آمال بو الهوسانهٔ هر نالایق نماید قدر این نعمت و این سعادت را جامعه میدانند که گاهی مورد یغمای دستجات پشت کوه گهی پیش کوه گردیده است قیمت این مرحمت و محل استفاده درآب وهوا و تنعم در نعم که بما در این

سرزمین ارزانی شده است مردمی میدانند که تمام طرق و شوارع کوه و هامون از خون جگر پارهٔ آنها رنگین و هنوز خاطرشان از مشاهدهٔ یغمای ماحصل زندگانیشان سهمگین است اهالی خطهٔ غرب خصوصاً قسمت کرمانشاهان و قطعات سرحدی دانسته و تشخیص داده اند راه تکمیل سعادت و انحطاط دادن بدورهٔ سر پرستی اشخاصی است که با مقدرات ما پیوسته بازی نموده و برای تزیید تزیینات زندگانی قشنگ شاهانه جان و مال و ناموس فرزندان ساکنین این مرز وبوم بچنگال حرص دستجات مسلح داخلی و خارجی می کنندند ما اگر با دانستن و فهم این حقیقت واضح سکوت نموده بودیم برای اطاعت امر کسي بوده است که اورادر مقابل خدمات بی نظیرش جز مشیت الهی و ارادهٔ قاهرهٔ ربانی بچیزی نمیتوانستیم تشبیه نمائیم ما بپاس احترام اوامر نجات دهنده وطن ومایهٔ فخر ایران بارادهٔ ملی خود وقفه دادیم اینك جسورانه میگوئیم که این مرحله نه تنها ارادهٔ مبارکش در مقابل توضیحات ملی نباید سدی باشد بلکه ذات مبارکش را باتمام صدای رسائیکه مقتضی توانائی حلقوم یك ملت ستمدیده و رنج کشیده است باستمداد طلبیده و از مقام مبارکش استدعا مینمائیم ما را در آنچه قرنها درتفحصش بوده ایم دور ومهجور ننماید ما نه تنها برای انجام این مقصود مقدس دست از کار و زندگانی خود خواهیم کشید بلکه برای کوبیدن کاخ فجایع و دربار مظالم یعنی اشخاصی که ذی قیمت ترین افراد باکفایت این مملکت را هوس های نیمه شب این دودمان بدیار عدم رهسپار نموده است جلای وطن نموده و انتقام آنچه بر ما گذشته است خواهیم کشید ما گر چه نمیخواهیم در ربودن این گوی نیکنامی از برادران آذربایجانی خود عقب بمانیم ولی باحترام پیشقدمی که همیشه شیوهٔ آن ملت دلیر سلحشور نجیب در انقلابات ملی بوده است بآنها اختیارات نامه داده ایم که ما را از قید رقیت این ننك و عار رهائی دهند

ای مرکز نشینان مملکت ای ملت نجیب ایران ای نوادهٔ دلاوران ورزم جویان دوره های با مجد و عظمت سلاطین کیان و ساسان قدمی ازمرکز دور تر نهید و مشاهده نمائید اجداد با شهامت شما چه آثاری از خود در این سر زمین بافتخار نهاده و در دورهٔ این خاندان بی علاقه بوطن چه بروز این مملکت آنان و آثار برآمده است ؟ تأنّی بس است بردباری ما را بسوی دره های عمیق هلاکت دهشت معلق خواهد نمود

کمیسیون مختلط نهضت ملی کرمانشاهان

(از ملایر بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۰۲۷ نمرهٔ تلگراف ۲۸ عدد کلمات

۴۷۲ تاریخ اصل ۸ آبان

بوسیلهٔ تلگرافخانه ها مجلس مقدس هیئت علمیه کمیسیون های نهضت ملی جرائد و احزاب سیاسی و عامهٔ طبقات علاقه مند ترقی و تعالی ایران هشت کپیه ـ در اولین وسیله که تلگرافات متحدالمآل ملت غیور آذربایجانی بما رسید نظریات و عقاید خود و شرکت در قضایا را بوسیله تلگرافات متحدالمآل بمسامع برادران ایرانی و هموطنان دو رو نزدیك خود رسانیده و خوشوقتیم که برادران آذربایجانی ما با یك عزم راسخ و ارادهٔ خلل ناپذیری برای استرداد حقوق‌حقهٔ خود جدیت و پافشاری را بحدی رسانیده که منجر بتوقیف نمایندگان خود از رفتن بکاخ محافظه کاری و متحصن در تلگرافخانه گردیده امروز برادران ملایری شما هم برای شرکت مساعی در پیشرفت نیات مقدس فرزندان رشید آذربایجان چادر ها در ادارهٔ تلگرافخانه بر پا داشته و همه روزه سلام خالصانهٔ خود را بوسیلهٔ تلگراف بعموم فرزندان مملکت باستانی خصوصاً آذربایجانی تقدیم و با تمام قوا برای نیل بدین مقصود کوشیده و تا حصول نتیجهٔ قطعی بعتاب و تحصن خاتمه نخواهیم داد و با نهایت یأس تامیکه از نمایندگان غیر محبوب خود داریم برای آخرین دفعه روی سخن را بطرف آنها نموده با یك احساسات و هیجانات غیرقابل

اسکانی به آواز بلند فریاد میکنیم ای کسانیکه قلب مملکت محسوب میشوید ای کسانیکه نا خدای این کشتی طوفان زده هستید ای کسانیکه مقدرات این ملت بدبخت سیه روزکار را بدست گرفته اید ای کسانیکه افکار عموم در دست شما است بعبارة اخری وکلای غیر مطیع ادامهٔ غفلت تا کی ؟ لاقیدی به امور اجتماعی بازی و تفنن با مسائل سیاسی تا چند ؟ بس است بس است بترسید از روزیکه آتش خشم و غضب توده بر اثر لا قیدی شما نمایندگان خون سرد مشتعل و گریبان هر یك از شما را بنوبت گرفته تر و خشك را با هم سوخته به دورهٔ بدبختی خود خاتمه دهد امروز ملت چشم های خمار آلود خود را از خواب غفلت بیدار با یك تکان و جنبش ملی استرداد حقوق حقهٔ خود را که همانا تاج کیانی از ایادی غاصبه آل قاجار است از کعبهٔ آمال آرزو و جداً تقاضا دارد امروز دیگر ملت زیر بار سلطنت این سلسلهٔ ننگین نخواهد رفت ساکنین مملکت سیروس دیگر محتاج به قیم نیست حتم بدانید عامل قوی و بازوی نیرومندی از احساسات ملی جلوگیری نخواهد نمود و هر قدر اعتصاب بطول انجامدو ملت دچار خسارت و زحمت گردد همه و همه را از شما دانسته تا خاتمه کار با چهرهٔ عبوس وخشمناك بشما نگاه میکند خوب است که شعلهٔ قهر و غضب توده را با وصول نتیجه خواموش ساخته باسرع وقت تکلیف قطعی ملت را معین و نام نیکی برای آتیه بر صفحات تاریخ عالم بیادکار بگذارید

کمیسیون مختلط نهضت ملی ملایر

(تلگراف ازخرم آباد بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۳۸۷ تاریخ اصل ۸ آبان

عدد کلمات ۶۹۵

مجلس مقدس دارالشورای کبرای ایران شیدالله ارکانه کپیه مقام منیع بندکان حضرت اشرف لعظم ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته کپیه مجمع متحدین

آذربایجانی کپیه روزنامهٔ ایران کپیه مجمع متحدین طباطبائی هموطنان
ملت با شهامت آذربایجان که نمونهٔ غیرت و وطن پرستی میباشند به نهضت
مقدس قیام و ما را بوسیله تلگراف دعوت بشرکت نموده اندگر چه
قبل از اطلاع به نهضت برادران آذربایجانی ملت لرستان را پیمانه صبر و
شکیبائی لبریز و وسیلهٔ تلگرافات نهضت ملی لرستان بعموم هموطنان اطلاع
و خلع شاه را جداً خواستار شدیم اینك نیز مجدداً بهموطنان عزیز آذربایجانی
عرض مینمائیم ما ملت لرستان در نتیجهٔ جباریت سلسلهٔ قاجار سالها بود
ارتباط مادی و معنوی ما با سایر هموطنان قطع و با دنیای متمدن خلطه
و آمیزشی نداشتیم شهوت رانی اولادان چنگیز و مغول ما را سالها ازقافلهٔ
تمدن عقب انداخته و وسیلهٔ که بتوانیم استغاثه مغلوبانهٔ خود را بسایر
هموطنان عرض وموضعیت دلخراش خانمان سوز خود را که در مدت صدو
چهل و پنج سال سلطنت قاجاریه به ما ملت ستمدیده وارد شده بفهمانیم نبود
ابوالهول های ارتجاع برزندگانی اسف آور ملت لرستان باچهره های عبوس
نگران وحتی از کوچکترین مساعدت در حق ما دریغ ومطامع آنها اجازه
نداده آتش قتل وغارت را خواموش و مارا از چنگال دژخیمانیکه خود
تهیه و بجان و عرض و ناموس ما اندخته بودند نجات دهند آری ملتي که
مقدرات خودرا تفویض این قبیل سلاطین نالایق بی عاطفه که قوام دودمان
خود را در ذلیل و زبون بودن ملت دانسته و در دورهٔ سلطنت خود
جزبباد دادن‌قطعات زرخیز مملکت وسفك دماء و نهب و غارت وخفه
نمودن احساسات ملی نشانهٔ از خود در صفحات تاریخ باقی نگذارده اند بنماید
بیشتر از این مي باید درگروهٔ بخل و مذلت سرنگون گردند
هموطنان در همان اوقات که ابواب نجات را از هر طرف بروی ما
ملت لرستان سلسله نالایق قاجاریه مسدود نموده بودند اگر نیروي عالیه
و عزم و ارادهٔ توانای یگانه ناجی و سرپرست حقیقي مملکت بندگان
حضرت اشرف اعظم رضاخان پهلوی ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمة

نبود هنوز در ورطه و مضیقهٔ هولناك مذلت وبیچارگی سرنگون ودست های خائنانه و جنایتکارانه عمال سلسلهٔ قاجاریه از دامان عفت و عصمت نوامیس ما کوتاه نگردیده ولو از گوشهٔ نیم پوشیده بود به دنیای متمدن نمیتوانستیم نگریست هموطنان سلطنت ودیعهٔ است که باارادهٔ ملت میباید باشخاص واگذار گردد که نمونهٔ وطن پرستی و ملت دوستی بوده شب و روز مساعی جمیلهٔ خود را صرف ترقی ملك و ملت نمایند سلسلهٔ نالایق قاجاریه و بازماندگان اجانب لایق زمامداری کشور داریوش نیستند و بحکمیت تاریخ کلیهٔ ادوار فترت ایران در نتیجهٔ وجود سلطان نالایق بوده و درپایان هرقرنی باشهامت باستانی سلطان نالایق وقت را خلع و مهام امور را به یکنفر که برطبق آمال ملت بوده واگذار کرده اند صدوچهل و پنج سال است این سلسلهٔ نالایق امتحان خود را داده ومهار مملکت را در دست گرفته بهرکجا مرام خائنانه و فساد عقیدهٔ آنها متمایل بوده سوق میدادند هموطنان صبر و تحمل و بردباری بس است تاکی باید از کاروان تمدن وعمر آن عقب ماند؟ تاچند میباید متحمل شد؟ مملکت در فقر و مسکنت مانده و دست رنج بیوه زنان وطن را این سلاطین جبّار بی عاطفه صرف تعیش و شهرت رانی خود در ممالك اوربا نموده ملت را در انظار ملل حیهٔ عالم پست و ذلیل قلم دهند هموطنان باید بقدرت قاهرهٔ ملی متمسك و بروح باشهامت ایرانیت توسل جسته تاوضعیات اسف آور و روزگاران سیاه بختی اعاده نیافته است تشریك مساعی نموده ایران را از پنجهٔ قهاریت سلسلهٔ قاجاریه نجات داده ما هیئت کمیسیون مختلط نهضت ملی لرستان که از طرف کلیهٔ اهالی انتخاب ووکیل مطلق لرستان هستیم بااستظهار به غیرت و شهامت ملي آذربایجان وکالت مطلق در خلع شاه و ولیعهد و سلسلهٔ قاجاریه بکمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان میدهیم و در کلیهٔ امور باآن برادران عزیز همصدا وهم آواز بوده از بذل هرگونه مساعدت و فداکاری مضایقه نکرده منتظریم

آواز عکس انداز شجاعت ملت را در آسمان ایران بشنویم
کمیسون مختلط نهضت ملی لرستان

ابوتراب الموسوی ـ محمد جواد الموسوی ـ سیف الله

(از محمره بطهران)

نمره قبض ۲۶۷۷ نمره تلگراف ۷ عدد کلمات ۳۷۹

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۷۸

کپیه کمیسیون محترم نهضت ملی آذربایجان تبریز ساحت مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه

مقام منیع ریاست عالیهٔ کل قوا و ریاست وزراء عظام دامت عظمته کپیه ایران کپیه گلشن کپیه ستاره ایران کپیه جنت کپیه وطن کپیه حلاج در تعقیب تلگراف پنجم آبان راجع بخلع شاه و ولیعهد با کمال بی صبری منتظر جواب و نتیجه و کمیته محترم نهضت ملی آذربایجان را وکیل مطلق مینمائیم که در تعقیب این نیت مقدس و عمل خیر و تغییر و عزل این سلسلهٔ میشوم که مملکت عظیم ما را از اوج سعادت بحضیض مذلت رسانیده اند اقدامات مؤثره و جدیت کامل مرعی داشته ریشهٔ این طایفهٔ عیاش بی عاطفه را که بمقدار ذرهٔ علاقه مند باین آب و خاك نیستند از بن کنده و بروزکار بدبختی و سیه روزی مملکت خاتمه دهند البته بر کلیهٔ ایرانیان لازم و واجب است که این بی عاطفه را خاصتاً بایستی همگی دست بدست هم داده و متحداً آشیانهٔ این بوم‌های مملکت ویران کن خراب و باب ترقی و تعالی مملکت را گشوده درشاهراه تمدن و ترقی افتیم

این جانبان نیز بنا بوظیفه ایرانیت علاقه مندی باصلاح مملکت وکالت مطلق بکمیتهٔ محترم نهضت ملّی آذربایجان داده و در راه این نیت مقدس که مایهٔ ارتقاء وطن عزیز ماست تا آخرین قطره خون وآخرین نفس در شرکت با برادران آذربایجانی خود حاضر و با کمال جدیت در رفع ودفع

این سلسلهٔ منحوسه از هیچ رادع و مانعی باك نداریم - رئیس طایفهٔ دریش انصار شیخ جابر ابن مرحوم شیخ عبدالله خان شیخ المشایخ - شیخ احمد زایر وادی - شیخ مقا ابن عود - شیخ ابراهیم ابن علی - شیخ عود ناصر - شیج فنا حسن ابن حسن - شیخ حمودی میلا - شیخ مفتح بن صبیح - شیخ شائع ابن کریم - شیخ مذخور ابن محیسن - شیخ عاصف ابن محمد - شیخ عود ابن محمد - شیخ سلمان ابن ناصر - شیخ کریم ابن عطاوی - شیخ شحم ابن عبدالله - شیخ مشیری ابن حسین - شیخ ابن شیخ - علان ابن دینار - شیخ حسین ابن علي - شیخ شیر خان - امین شایع - شیخ قانع ابن شتلیت - شیخ عفاف ابن رحیم - شیخ امیال ابن سلّوف

(از محمره بطهران)

نمره قبض ۲۷۱۱ نمرهٔ تلکراف ۳۰ عدد کلمات ۳۲۷

تاریخ اصل ۷ وصول ۸-۷

کمیسیون محترم نهضت ملی کپیه ساحت مقدس دارالشورای ملي کپیه مقام منیع ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته کپیه کلیه احزاب سیاسی وطنخواهان کپیهٔ ایران کپیه وطن کپیهٔ گلشن کپیهٔ ستارهٔ ایران کپیهٔ حلاّج تلکراف مبارك آن کمیته محترم زیارت مرام مقدس هموطنان عزیزرا تقدیس می نمائیم این کپیه نیز سابقاً شرکت خود را در این نیت خیر که متضمن حیات واستقلال مملکت است بساحت مقدس مجلس شورای ملی و مقام منیع ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته اعلام نموده وکمیته محترم نهضت ملي آذربایجان را هم وکیل مطلق و اختیار تام داده است که مسئله‌را باکمال جدیت وخونگرمی تعقیب نمائیداینك که کمیته وسایر طبقات شهر درمساجد عمومي اجتماع نموده رجدّاً عزل این سلسلهٔ منحوسه را خواهانیم وباتمام قوا حاضر برای مدافعه از هر مانعی هستیم ودیگر ممکن نیست که زیر بار این

قبیلهٔ میشوم که مایهٔ خرابی مملکت وذلت و خاری ملتند رفته تحمل
اعمال فجیعه شنیعهٔ آنها که باعث شرمندگی ایرانیان شده است بروبم و
همگی دست از شغل وکار خود برداشته باکمال بی تابی منتظر نتیجه هستیم
هرگاه تا دوروز دیگر جواب مساعد برعزل شاه وولیعهد از طرف مجلس
شورای ملی نرسد بکلی علاقهٔ خود را ازمرکز و طهران خودخواه ووکلای
بیعلاقه که شبهات نفسی بر آمال مقدسهٔ ملت ترجیح میدهند قطع
کرده و در تعقیب این مقصود شروع بوسائل دیگری اقدامات نموده تا
جان دربدن داریم میکشیم و تا بمقصود مقدس خود که آزادی وطن محبوب
مظلوم خود ازچنگال این جغد های مملکت و یران کن است نایل آئیم
البته آن برادران محترم نیز درتعقیب این مرام مقدس آنی غفلت نورزیده
وجداً تعقیب فرمایند که آنکه متحداً بیاری مادر وطن را از دست این
ناخلف فرزندان نجات دهیم آری به اتحاد جهان میتوان گرفت
کپیه مختلط نهضت ملی عبادان

(از محمره بطهران)

نمرهٔ قبض ۲۶۸۷ نمرهٔ تلگراف ۲۲ عدد کلمات ۳۷۶
تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۹ ۷

کمیتهٔ محترم نهضت ملی آذربایجان تبریز طهران ساحت مقدس دارالشورای ملی
شیدالله ارکانه کپیه مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته کپیه
ایران کپیه گلشن کپیه ستارهٔ ایران کپیه ناهید کپیه جنت از استماع خبر
خیریت اثر تشکیل انجمن محترم نهضت ملی آذربایجان و مرام مقدس آن
برادران غیور در عزل و بر کندن شجره منحوسهٔ قاجاریه که از بدو
سلطنت خود مملکت عزیز و وطن محبوب ما را رو به قهقرا کشیده جز
عیاشی و تنبلی کاری نکرده و قطعات وطن عزیز ما را به اجنبی فروختند
و در اثر این لا قیدی ها مملکت دارای اصول ملوك طوایفی و در هر قطعه
خود مختار و مالك رقابی ایجاد نموده رفته رفته ایران همان مملکت با شکوه

که جمیع دول را مطیع و منقاد خود ساخته و سایر ممالك را مستعمرهٔ خود نموده بود میرفت که مستعمرهٔ دیگران شود این بود که دست غیب پروردگار ایران نازنین فرزند خلفي چون بندگان حضرت اشرف ریاست عالی کل قوا بایران عنایت و ظهورش موجب بر طرف شدن مذلت های سابق گردید و عزم آهنین و نیّت مقدسش جلوگیری از خودسری های گذشته نموده حیات جدیدي بایران بخشید چون به آمال دیرینهٔ خود و طایفه هم موافق بود .

فوراً از (خلافیه) که مرکز اقامت این بنده بود شدّ رحلت نموده وبه محمّره آمده باسایر شیوخ کعب درتلگرافخانه متحصن وبوسیهٔ این تلگراف شرکت خودرا دراین مرام مقدس باکمال افتخار اعلام نموده وبجهة تسریع در پیشرفت این مقصود مشروع وکالت مطلق و اختیار تام به کمیتهٔ محترم نهضت ملی آذربایجان داده آن کمیتهٔ محترم را در ریشه‌کن نمودن این اساس فاسد وسلسلهٔ میشوم مختار مینماید که هر گونه اقدامی که لازم‌است نمایند . مانیز از تلگرافخـانه خارج نشده و جداً در تعقیب این نیت مقدس ایستـادگی مینمائیم و تاآنکه مرام مشروع خود که عزل شـاه و ولیعهد سلسلهٔ منفور قاجاریه است نائل نشویم دست بردار نخواهیم بود حتی اگر جان خودرا هم دراین راه فدا سازیم خواهشمندیم همان برادرن عزیز نیز از اقدامات خود تان مارا مطلع و مستحضر سازید .

شیخ عشایخ - عبد الحسن - کعب عدالرسول ابن عبدالحسین کعب - مفامس ابن موسی کعب - عبود ابن زیاب کعب صریح ابن سبحاي کعب - بشاری ابن مفیتی کعب

(از محمره بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۲۱۷ نمرهٔ تلگراف ۳۱ عدد کلمات ۱۴۱

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۸-۷

ساحت مقدس مجلس شوراي ملی شیدالله ارکانه کپیه کمیسیونهای نهضت‌ملی

برادران آذربایجانی طهران چاکران ایل آل ابوحمید از جملهٔ ایل ابو محیسن بریاست شیخ علی شیخ صمد از مفازیح و مفاسدیکه از سلاطین سلسلهٔ قاجاریه نسبت بما ملت فلکزده رسیده عموماً درتلگرافخانهٔ دولت علیه متحصن و پناهنده شده وخلع آخرین سلطان شاه قاجاریه را از سریر سلطنت سیروس از وکلای مجلس مقدس شورای ملی خواستار وتانیل مقصود یعنی بخلع سلطنت از این سلسله میشومه نشود از تحصّن خارج نخواهیم شد

علی رئیس ایل ابوالحمید ـ جعفر ـ حسین ـ تقی ـ زباری ـ حسن ـ عباس ـ فرحان ـ سدید ـ تقی ـ مرکوز ـ علی ـ مهر ـ حمید ـ احمد مهدی ـ جعفر ـ عبدالعباس ـ فریح ـ طیحان ـ مصیّب ـ مقتول ـ مبارك ـ علوی ـ جاسم ـ شیری ـ تقی ـ لطیف ـ علی ـ حسن ـ حسّان ـ تبکور ـ چنگیز ـ غضبان حمیدی ـ صمد ـ سالم ـ عضبان ـ محلم ـ فاخر

(از بهبهان بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۰۷۲ نمرهٔ تلگراف ٦ عدد کلمات ۱۵۸

تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۸ـ۷

کمیسیون نهضت ملی آذربایجان مجلس شورای ملی کپیه حضرت اشرف ریاست وزراء کپیه کمیسیون نهضت ملی آذربایجان درطهران کپیه جرائد واطلاعات تلگرافات برادران غیور آذربایجانی زیارت بیعلاقه گی شاه فعلی بمملکت وامتحانات سوئیکه مکرر بظهور رسانیده در پیشگاه آن ذوات محترم پوشیده نبوده و در عصر حکمرانی سلاطین قاجار ملت ستمدیده دچار مظالم وهمه روزه در معرض چپاول زبردستان میبوده وکنون که آن برادرن غیور باعزمی ثابت برای خاتمه دادن بآخرین ساعات سلطنت این سلسلهٔ جبّاره قیام نموده ماها ملت بهبهان ایشان را در اجرای این نیت مشروع مقدس وکالت داده موفقیت آن ذوات غیرتمند وطنخواه را ازپروردگار توانا مسئلت داریم .

سلطان محمد ـ سردار امجد سابق ـ شجاع السلطان سابق ـ یوسف قنوانی ـ عبدالحسین قنواتی ـ عباسقلی طباطبائی ـ اسدالله ـ آنصرالله ـ عبده محمدحسین ـ رضا ـ عباس ـ غفور ـ محمد ـ جعفر ـ عموم ملت بهبهان

(ازناصری بطهران)

نمرهٔ قبض ۴۳۸۵ نمرهٔ تلگراف ۲۴ عدد کلمات ۲۷۵

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۷ـ۸

هیئت محترم کمیسیون مختلط نهضت ملي آذربایجان تبریز مجلس شورای ملی کپیه حضرت اشرف ریاست وزراء عظام و فرماندهٔ کل قوا

کپیه احزاب سیاسي کپیه آزادیخواهان کپیه ایران کپیه شفق کپیه اطلاعات تلگرافات و اقدامات آن هیئت محترم که یگانه مرام و آرزوی ملت ایران ومبتنی ازمکنونات قلبی کافهٔ ایرانیان است عقیدت و منتها درجه آمال ملت را پرورانیده و با نهایت جدیت تقاضای انجام مرام را آرزو مند و از اینکه تا کنون این مقصد مقدس بحسن انجام تلقی نشده و مرکز ترتیب اثری نداده بی تابانه نگران و امروز که بحمد الله و المنه از پرتو وجود یگانه ناجی ایران حضرت اشرف آقای پهلوی آخرین اثرات ملوك الطوایفی از صفحه ایران محو وحیات سیاسی ایران تجدید و امنیت و آسایش عمومی برقرار است سزاوار چنان است که آخرین سد ترقی مملکت را رفع و چنانچه باز هم این مرام عملی نشود و به مماطله و خون سردی بگذرد عاقبت بس وخیم تولید خواهد نمود با کمال اطمینان قلبی برای تحصیل یك حیات دائمی ایران و ایرانی ما هم وکالت نامه باین هیئت محترم داده تا شاهد مقصود در آغوش بیاید در جان بازی حاضر و منتظر جواب و نتیجه میباشیم (هیئت مرکزی آزادیخواهان خوزستان)

رؤسای روحانی مرکز خوزستان محمد جواد بهبهانی ـ عیسی سید کمال‌الدین نمایندهٔ صنف بزاز ـ علی مدد نمایندهٔ صنف خیاط ـ عبدالمحمود

احمد خوانساری ـ صحیح اقل اسدالله ـ فتحی از طرف عموم اصفهانی ها محمّد نقشینه مشایخ کعب ـ رؤسای عشایر خوزستان ـ حاج انشید کعبی جابر سلطان کعبی ـ حاجی اسد کعبی ـ عبدالرسول کعبی ـ زائر ـ محمود کعبی ـ مشایخ ـ عشایر بادی خوزستان ـ هسمی ابن صفاح ـ بادی ـ تراك ابن شیخ عنایت بادی ـ صمد ابن شیخ عنایت بادی ـ علی ابن شیخ عنایت بادی

(از عباسی بطهران)

نمره قبض ۲۶۸۷ نمره تلگراف ۱۲۶

عدد کلمات ۳۳٤ تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۸ـ۷

عباسی کمیسیون نهضت ملی آذربایجان ساحت مقدس مجلس شورای ملی کپیه هیئت محترم وزراء عظام کمیسیون نهضت ملی طهران کپیهٔ هیئت متحدین آذربایجان ده کپیه جرائد و احزاب کپیه هیئت تجار کپیه هیئت علماء کپیه هیئت اصناف ما امضا کنندگان ذیل که در اثر قیام عمومی ملی اهالی بندر عباس و اقصی جنوب ایران بسمت نمایندگی نهضت ملي انتخاب شده ایم بموجب این تلگراف وکالت تام تمام از طرف خود و موکلین خودمان بان هیئت محترم میدهیم در انقراض سلطنت ازخانوادهٔ قاجاریه که سالهای متمادی است تنها آرزوی عموم ملت ایران میباشد قیام واقدام نمایند و بهر قسم صلاح بدانند این ننك را مرتفع ومانع ترقي عظمت ایران و ایرانیان را نابود سازند و اهالی این حدود تا موقعیکه آن برادران غیور ارجمند بدین موفقیت نایل نشوند در قیام خود باقي تحصن وتعطیل عمومی را ادامه خواهند داد و از هیچ قسم جان فشانی در راه نیل باین مقصود و منظور ملی خود داری نخواهند کرد و از آن غیرتمندان تمنا داریم که هر چه زود تر باین کار خاتمه داده ونجاح عموم ملت ایرانرا فراهم سازند

حاجی شیخ احمد کله داری ـ ابراهیم کله داری ـ سید اسحق ـ سید

عبدالله ـ محمد اسمعیل ـ شاه میر محمّد امین ـ صحیح ـ سید رضای لاری
گلشن ـ غلامرضا اتفاقیه ـ حاجی سید ابو القاسم راجی ـ محمد علی اوزی
محمّد ـ شریف عبد الله ـ حسینی ـ حاجی شیخ مهدی طهرانی ـ محمد ابن
سید هاشم ـ مهدی ـ احمد ابن محمد ـ کهن دل ـ من اقل محمد صادق
بلوکی ـ یوسف ـ سید محمد ـ سید حسین ـ محمد امین اوزی ـ هاشم
اوزی ـ صحیح سید عبد الله ـ اقل میرزا احمد یزدی ـ احمد کله داری
محمد نور احمد ـ صالح ابراهیم ـ محمدرضا ـ محمد شریف علوی ـ عبدالله
محمّد علی ـ ابراهیم ـ عبد الحسینی ـ محمّد علی ـ اصغر ـ عبدالله ـ حاجی
احمد ـ علوی ـ عبد الرحمن ـ محمد حسن ـ رحمت الله ـ محمد رفیع حاجی
محمد ـ عبدالرحمن اوزی ـ اقل سید علی ـ حاجی محمد ـ محمد ـ محمود
اقل حسین ـ اقل کریم ـ محمّد ابن زکریا ـ احمد صالح ـ محمد اسمعیل
اوزی ـ اقل قاسم ـ تیمور ـ علی ـ کرم ـ ابوالحسن ـ محمد علی ـ
محمد بن قاسم ـ محمد علی ـ تیمور ـ علي ـ آقا محمد علی ـ سید حبیب

(از بوشهر بطهران)

نمره قبض ۵۵۵۹ نمره تلگراف ۴۷

عدد کلمات ۲۵۵ تاریخ اصل ۶ وصول ۷ ـ ۷

کمیسیون نهضت ملی کپیه هیئت محترم علمیه دامت برکاته کپیه اتحادیهٔ تجار کپیه کلیهٔ جرائد سیاه کاریها و فجایع یکصد وپنجاه ساله حکومت قاجاریه ایران را از ذروهٔ سعادت بخاك مذلت کشانیده ملت و ثروتی باقی نگذاشته حاصل دست رنج بیوه زنان و خون جوانان ایران بود که در قهوه خانه‌های اروپا بیهوده ولغو برباد رفت اندکی تامل هر غافلی را متنبه و بیدار مینماید دیگر طاقت ها طاق و جان بلب ها رسیده جای صبر و تحمل نیست در جواب تلگراف مشروح هیئت مختلفه نهضت ملی آذربایجان در خاتمه وضعیت پریشان فلاکت بار رقت انگیز عمومی بخلع حکومت مشؤمهٔ قاجاریه بوکالت مطلقه ماخوذه از افراد تقدیم و تسلیم

گردیده چه اهالی غیور آذربایجان برای احراز سیادت ملی همیشه پیشقدم بوده از بذل جان ومال دراین مقصود مقدس هیچوقت مضایقه نداشتند کنون هم هرطور بامصلحت جامعه ملیه موافق دانید ازطرف اهالی بنادر وکیل مطلق خواهید بود ماهاهم بذل مال وجان‌قید ویا وقیمتی نخواهیم گذاشت تاآخرین نفس حاضر خواهیم بود از کمیسیون نهضت ملی و کلیهٔ علاقه مندان بسعادت مملکت استرحام می نمائیم که مستدعیات معروضهٔ ملیهٔ فوق را از نقطهٔ نظر ترقی و سعادت عموم باجابت مقرون اهالی ستمدیدهٔ این حدود را قرین تشکر فرمایند به نمایندگان بنادر اخطار شد که بامقاصد ملت موافقت نموده و قدم بمجلس نگذارند کمیسیون مختلط نهضت ملی بوشهر از طرف هیئت علمیهٔ بوشهر ـ امام جمعه ـ العصفور ازطرف اتحادیه تجار گلشن

(ازشیراز بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۳٤۰٥ نمرهٔ تلگراف ۱۳۲ عدد کلمات ۲٤۸

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۸ـ۸

توسط مجلس مقدس شوری خدمت آقایان نمایندگان محترم فارس دامت تائیداتهم کپیه مقام منیع حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء و ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته کپیه مجمع متحدین آذربایجانیان کپیه مجلس مقدس شورای ملی کپیه ایران کپیه ستاره کپیه کوشش کپیه پهلوی کپیه شفق البته آقایان محترم بوسیلهٔ تلگرفات وارده بمرکز امتحان عمومی قاطبهٔ ملت مطلع گردیده واز مقاصد مشروع آنان مستحضر گردیده اند اینك هم ملت حساس فارس که همیشه نسبت به پیشرفت مقاصد ملیه ایرانیان پیشقدم بوده بشما نمایندگان خود اطلاع میدهد مملکت که سالیان دراز مظالم قاجاریه نصب العین خود قرار داده واز سلطنت آنان منزجر بوده و نهایت آمال خودرا خلع آنان از سلطنت دانسته درآن

موقع باعزم راسخ و ارادهٔ تغییر ناپذیر تصمیم بخلع سلطنت قاجاریه گرفته و برای حصول بمقصود مقدس خود از هرگونه فدا کاری مضایقه نکرده وتاانجام منظور دست از اقدامات جدّی خود برنداشته وتوجه شما آقایان نمایندگان خود را نسبت به پیشرفت مقصود مقدس ملی خود معطوف داشته تا درمرکز و مجلس شورای ملی برای کامیابی موکلین خود شروع بیك سلسله اقدامات فوری وعملی نمایند ودرصورتیکه به بطالت و مسامحه گذرانیده و خدای نکرده خواستند با مقدرات ما بازی کنید آنوقت علناً و بدون ملاحظه آخرین تکلیف خود را نسبت بشما اعمال خواهیم نمود

جامعه نهضت ملی فارس شیراز نمره ۱ رئیس العلماء جلال الدین ☆(۱)

(از بم بطهران)

نمرهٔ قبض ۸۶۱ نمرهٔ تلگراف ۶ عدد کلمات ۲۰۷

تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۸ـ۸

به تبریز نمرهٔ ۸۶۲۱ توسط آقایان محترم رؤساء تلگرافخانه ایالات مجلس شورای ملی کپیه حضرت اشرف ریاست عالیهٔ قوا ورئیس الوزراء حجج اسلام ـ تجار ـ اصناف سکنهٔ بم ونرماشیر ازمظالم طاقت فرسای آل قاجار بستوه آمده شنبه ۹ را تعطیل عمومی نموده خلع احمد میرزا و قلع ریشهٔ قاجاریه را بوسیلهٔ کمیتهٔ مختلط نهضت ملّی آذربایجان تقاضا نموده و بوسیلهٔ این تلگراف بعموم هموطنان تنفر خود را از آل قاجاریه اعلام میداریم و حضرت آیة الله آقای حاجی میرزا محمد رضا دامت برکاته عالم متبحر کرمان را وکیل خود نمودیم ـ نمایندگان علماء تجار اصناف آزادیخواهان علماء احقر عبدالله داعی حاجی‌میرزا بیا بانکی احقر احمدالحسینی فاضل ـ داعی

☆(۱) تلگراف فوق به‌کرمان به‌نمره ۱۲۵۰۳ وبرشت به‌نمره ۱۳۵۰۱ بکرمانشاه به نمره ۱۳٤۹۸ به تبریز به نمره ۱۳۵۰۰ به مشهد به نمره ۱۳۵۰۵ وبهر ایالتی با پنج کپیه مخابره شده است

حسن حسینی ـ نمایندکان هیئت علمیه هدایت الله ـ خلیل حجازی ـ حاجی
شیخ (نعمت الله) شیخ حسین ـ حسین ـ لسان ـ شیخ یحیی
نمایندکان ملی علی اکبر ـ آسید محمد ـ اسمعیل ـ میرزائی ـ بهبادی ـ سلیمان
امیری ـ وزیری ـ سعیدی
تجار ـ اصفهان ـ تبریزی ـ حاجی میرزا محمد علی بزرك طبسی ـ مجد ملکی دوز
نمایندکان آزادیخواهان ـ مدرس زاده ـ روحی ـ نجف قلی ـ بهزادی
قوام زاده ـ محمدزاده ـ داود ـ حشمت زاده ـ و میرزائی ـ علی ـ محمدعلی
غلامرضا ـ علی ـ یحیی دهقانی غلام حسین ـ اصغر بهار ـ اسمعیل ـ
حسین ـ علی محمد ـ غلام علی ـ نوروز علی ـ حاج عبدالله ـ عباس ـ محسن
غلامرضا ـ محمد ابراهیم ـ اسدالله ـ هاشم ـ غلامحسین ـ غلامرضا ـ
فتح الله ـ معین ـ عبدالله ـ علی اکبر ـ علی اصغر ـ عبدالله ـ رضا ـ
عباس ـ محمد حسینی ـ یوسف ـ غلام حسین ـ محمود خلیل ـ غلامحسین
میرزا محمدعلی ـ محمد ـ نعمت‌الله ـ رضا ـ سلیمان ـ نجف ـ حبیب‌الله ـ علی محمد
خلیل ـ باقر ـ قنبر ـ ماشاء الله ـ حسن کاحل

(از بافت بطهران)

نمره قبض ۳۰۳ نمرهٔ تلگراف ۱۵ عدد کلمات ۱۶۲

تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۸-۸

طهران ساحت مقدس شورای ملی شید الله ارکانه کپیه هیئت وزراء عظام کپیه ستارهٔ ایران ضربات مهلکی که دورهٔ سلطنت قاجاریه به پیکر این مملکت وارد قابل تردید نیست فقر عمومی هزاران بدبختی که سر تا سر ایران فرا به افراد ملت ثابت که آبادی نالایق قاجاریه لیاقت تاج و تخت سلطنت را ندارد سلطنت خبیثهٔ این سلسلهٔ عیاش مملکت را یکباره بوادی فنا برت میکند ملت اقطاع افشار برای بر کندن ریشهٔ سلطنت قاجاریه با برادران هم آوز و او را از سلطنت خلع میداند بیش از این قوهٔ تحمل ندارد محتاج به قائد توانا و نیرومنداست و ضمناً به برادران غیور آذربایجان

وکالت داده و از نمایندگان ملت ، حافظ استقلال مملکت جداً تقاضای
خلع سلطنت قاجاریه را مینماید
ایلخانی افشار ـ حمدالله ـ ابراهیم ـ شکرالله ـ اسدالله ـ حاجی خان
اسدالله ـ عباسقلی ایلبگی ـ حسین شکرالله ـ احمد علی ـ علی ـ غلامحسین
اسدالله حسن ـ حسین ـ شکرالله ـ غلامحسین ـ غلامحسین ـ احمد ـ محمد

(از بندر جز بطهران)

نمرهٔ قبض ۲۵۹٤ نمرهٔ تلگراف ٤٧ عدد کلمات ۳۷۱

تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۹-۸

مقام منیع مجلس شورای ملی هشت کمیته احزاب محترم سیاسی کمیته آذربایجان کمیسیون محترم نهضت آقایان کرسی نشینان بهارستان که همواره در سایهٔ رفاه و خرمی بسر برده و کعبهٔ آمال ملت ستم زده ایران را دستخوش اغراض و شهوات خود قرار داده اید آیا هیچ می دانید دورهٔ وکالت سپری شد ؟ آیا هیچ میتوانید بدورهٔ زندگانی پارلمانی خود مراجعه فرموده که پس از ختم وکالت در مقابل موکلین خود شرمسار و منفعل نبوده بگوئید باری از دوش موکلین خود برداشته ایم ؟ هیچ میدانید موکلین ستمدیدهٔ شما پس از سالهای دراز این ایام را ایام حیات خود تصور کرده درمقابل ملل عالم بوجود آن قائد نیرومند مباهات کرد. بگوئید بازهم ملت ایران نادر وکاوه دارد ؟ هنوز هم ملت ایران میتواند بوجود خود قیام کرده مملکت داری نماید آیا نمیترسید از روزیکه ملت انتقام این خوش نشینی و خوشگذرانی را باز خواست نماید ؟ آیا نمیدانید که ملت بخوبی تاریخ زندگانی شمارا درنظر گرفته و انتظار دارد دراین چند روزه اخیر وکالت خود سیاهی قبل را زدوده و مطابق آمال ملت گریبان ملك را از دست بیعلاقه گان به ملك و مملکت وسلطنت را که ودیعهٔ ملت است از اشخاص بی کفایت گرفته گریبان ملك وملت را از

پرتگاه تباه روزی بساحل نجات سوق دهد ؟ ما اهالی بندرجزوسا کنین این سامان انتظار داریم برای حیات تاریخی خود باسرع وقت سلطنت را از آل قاجار خلع وشر نوباوگان مغول وچنگیز را ازسر ما ملت بیچاره مرتفع نمائید و برای نیل باین مقصود وکالت بلا عزل توکیلی به برادران آذربایجانی خود داده ومیدهیم

محمد حسین ـ محسن زاده ـ محمد باقر تبریزی ـ غلامرضا ـ اکبر جاهد ـ اسمعیل طهراني ـ رزاق ـ ابراهیم زاده ـ عباسعلی دماوندی ـ روشن ـ غلامعلي ـ رضا اف ـ حسین ـ عباس اف ـ حسینعلی ـ رضا ـ ذکریا ـ کریم اف ـ سید رضا ـ کاظم ـ جعفر ـ زین العابدین ـ محمد ـ اقل ستار ـ آقایوف ـ اکبر زاده ـ ابوالقاسم ـ میرحسین ـ رضا حسینی ـ نعمت الله ـ عبدالرحیم دماوندی ـ پیله آقا ـ محمودزاده ـ محمد مهدی کاشی اکبر زاده ـ اسمعیل احمد ـ غلامعلي ـ عباسعلی ـ شیخ قدرت زاده ـ محمد کاظم ـ کریم ـ نصرالله ـ حسن آقا ـ علی اکبر ـ محمد اسمعیل ـ اقل تقوی ـ رحیم زاده ـ قنبر ـ علی زاده ـ نعمت الله ـ میرزا مراد ابراهیم ـ محمد یوسف ـ علی اکبر ـ علي آقا محمد حسین ـ فتحعلی ـ حسن آقا ـ علی اصغر ـ علی ـ عبدالمناف ـ صفر علی ـ لطفعلی ـ عباس ـ علی ـ حاجي بابا ـ اسمعیل ـ غلامحسین ـ قربانعلی ـ مظفر موسوی ـ محمد حسین ـ علی ـ محمد علی ـ محمد قلي ـ علی ـ یوسف ـ علي ـ عبدالله ـ حسین ـ اسدالله ـ رجبعلي ـ مهدی موسوی ـ عبدالله ـ اسمعیل ـ رضا ـ روح الله ـ محمد تقی ـ حسین ـ محمدولی ـ رضا ـ خلیل ـ عبدالله طهماس ـ طهماسبخان

(از کرمان بطهران)

نمره قبض ۵٤۳۵ نمرهٔ تلگراف ۷۷ عدد کلمات ۱۳۱

تاریخ اصل ۹ تاریخ وصول ۹ ـ ۸

تبریز کمیسیون نهضت ملي کپیه علماء تبریز کپیه هیئت اتحادیهٔ تجار کپیه

نهضت ملي طهران مقام منيع حضرت اشرف رياست وزراء عظام دامت عظمته كپيه ساحت مجلس شوراي ملي كپيه شفق سرخ كپيه ايران كپيه كوشش كپيه وطن مدنی است اهالی كرمان تنفرات خود را از سلسلهٔ قاجاريه بوسيلهٔ تلگراف مكاتيب برتمام ايران اعلان نموده وخلع سلطنت قاجاريه را جداً خواستار شدند ولی از طرف بعضي اشخاص بی علاقه بوطن باحساسات بی آلايش ترتيب اثری نداده عامهٔ تجار كرمان بنا به تقاضای برادران آذربايجاني خود ازطرف عامهٔ تجار وكالت ميدهيم به كميسيون نهضت ملی آذربايجان كه از طرف ملت كرمان در خلع سلطنت سلسلهٔ قاجاريه اقدامات لازمه را بفرمايند ونتيجه را فوري بفرمايند تا تكلف خود را بدانيم (مجلس تجارتی كرمان)

« اصالت و وكالت در انقلاب »

هر مدعی حقي كه اصالتاً موضوعی را درنظر گرفته و مطالبه مينمايد اگر شركاء آنرا تصديق كنند و يا علاوه از تصديق بمدعی اختيار احقاق حق بدهند طرف خود را ازبين برميدارد و مغلوب ميكنند اين خود يك جريان عادی است دراصول قضائی

اگر مدعی عليه دعوی متعدد ومدعی منفرد بوده باشد احقاق حق بسی مشكل ودعوی هميشه در محور دسيسه وآنتريك است مخصوصاً اگر يك چنين دعوائی در پيشگاه قوهٔ قضائی امروزهٔ ايران طرح شود!.

ولی اگر مدعی متعدد و مدعی عليه منفرد بوده باشد هر اندازه صاحب قدرت ونفوذ بوده وبتواند در عقيده و ايمان قاضی نفوذ و اعمال قدرت كند بالاخره ممكن نيست كه در طی مراحل قضائتی جانی بدر برده و بالنتيجه محكوم ميگردد .

در روی اين تلگرافات شركاء متعدد در محكمه وجدان وتاريخ برعليه مدعی عليه منفرد (قاجاريه) اقامهٔ دعوی نموده و در پيشگاه محكمهٔ قضاوت بشر حق خود را مطالبه مينمايد .

وکالت این دعوی مهم ـ ولی در نظر هر منصفی عادی ـ وازنقطهٔ نظر طرفداری بشر از حرص وآز و جاه طلبی فوق‌العاده پیچیده و مشکل !.
آذربایجانی اصالتاً و وکالتاً طرح دعوی نموده وباخصم خود میجنگد!.
بدیهی است هر مدعی بایستي دعوای خود را اثبات نماید و آذربایجانی یك قسمت از مستندات خـود را تاریخ قرار داده و دارد در سلسلهٔ گذارشات تاریخی نکاتی را در روی میز قضاوت انگشت نما کرده وقاضی محکمه وجدان (عقل سلیم) را بجا کمیت دعوت مینماید یك چنین مستندی رسمی و غیر قابل دفاع است!.
از طرف دیگر میگوید سلطنت ودیعه (امانت) است از طرف ملت که بشخص پادشـاه سپرده شـده و هر وقت صـاحب امانت مال مستودع خود را بخواهد میتواند پس بگیرد و اگر امانت کار در رد آن مسامحه کند خیانت کاراست !.
با قطع نظر از شواهد تاریخی ملت ایران نمیخواهد در زیر سلاسل توارث یك سلسلهٔ که گذارشات تاریخی نیز بر علّیه امانت کار دلائل غیر قابل دفاع نشان میدهد رفته وطوق اطاعت و انقیاد را بگردن گیرد!
محکمهٔ مخصوصی است؟!ـ وهیئت حاکمهٔ آن مختلط ـ این‌محکمه از قاضی شرع و عرف تشکیل یافته و علم قاضی نیز تاثیر خاصی درقضیه دارد که بمجرد استدعای حکم بایستي ادای وظیفه نموده و مبادرت به انشاء حکم نماید همه میدانیم که احکام محاکم قوهٔ قضائیه کاشف حق است نه انشا کننده حق از زمان صدور حکم و بعبارهٔ اخری قوهٔ قضـائیه احکام معنـوی گذشته را تائید کرده و بحال آینده متصل میکنند نه اینکه از زمان صدور حکم حق راخلق وایجاد مینماید(Il est déclaratif non constitutif)
اذربایجانی در طی یك دورهٔ یك صدو پنجـاه ساله بنص شواهد حسی وعقلی و تاریخی سلسلهٔ قاجاریه را غاصب و آخرین وارث تخت و تاج را خائن و نالایق معرفی و اثبات مینماید ـ حال قاضی محکمه علاوه از

مستندات مدعی میتواند بمعلومات و مشهودات خود نیز تکیه کرده و حکم بدهد

در ابتداء مراحل حق طلبی از نقطهٔ نظر عرف تشکیلات و اداره اذربایجانی اصالتاً و بعد وکالتاً صفت قضاوت را در اینموضوع بالخصوص بقوهٔ قانونیه یعنی (مجلس شورای ملی) تطبیق کرد و یا بعبارهٔ اخری مطابق اصطلاحات حقوقی معتقد به انفصال قوا نکردید و یا خواست از در نزاکت اقامه دعوا نماید

چه خبط بزرك ؟! یك شمه از حالات روحی قاضی محکمهٔ در طی تلگرافات مشهود شده و پس از طرح دعوا مدعی لاقیدی و مسامحه کاری قاضی را تشخیص داده ولی کار از کار گذشته و ملت مجبور شد ازمحکمه اعراض نموده و خود تقاص و یا با قطع رابطه ادارات را اشغال نماید وهمین حرکت سبب‌شدکه خواهی‌نخواهی‌محکمه تشکیل گردد ولی درخاطر داریم که‌شب هشتم ابان ماه پس از شنیده شدن صدای‌تیر محکمه بهم خورد و قضاة عصا و نعلین را جا گذاشته و بپای پیاده از کوچه و پس کوچه فرار کردند !.

(در سالون مدرسهٔ نظام)

اطاق رئیس مدرسه مخصوص جلسات رسمی متحدین آذربایجان و یامتحصن که آنها است در وسط اطاق میز درازی گذاشته اند و روی آن یك پارچه ماهوت سیاه قلاب دوزی بسیار ممتاز کشیده شده جمعی دور میز گرد آمده و در حل قضیه با یکدیکر مشغول مذاکره هستند

جسته جسته فراریان مجلس یعنی وکلاء خودی بمدرسه میرسانند و برای عرض وجود و یا تثبیت موقع خودی نشان میدهند و از پیش آمد اظهار تاسف مینمایند و نیز تا بهنگام بیرون محوطه پارلمان را مقصر قلمداد میکنند که باعث پریشانی افکار وتخدیش اذهان گردید ونتوانستند درروی مستدعیات

عمومی بمنافع ملك و ملت تصمیمی اتخاذ وبه‌مسببین نفرین ولعنت مینمودندو
ازنظر غائب میشدند!

(درکوشهٔ اطاق)

شخصی با قیافهٔ گرفته در گوشهٔ اطاق تنها نشسته و چشم خود را به تابلوی
نقاشی که در دیوار سالون منصوب و حکایت از تیر قیقاج عباس میرزا در
جنك با روسیه مینمود!. دوخته و دود سیکار را بهم وصل و مانند ابر
دود دور این شخص را احاطه و قیافهٔ مخصوصی را نشان میداد معلوم
بود در زیر امواج افکار متاثر غوطه ور است!.
چند ساعت بدین منوال گذشت و از بیخودی بخود برگشت کنار میز
آمده از حاضرین پرسید کار بکجا انجامید؟
تفصیل را بیان کردند سر بزیر انداخت و راه خود را گرفت و چنین
گفت (اول روز فروردین) (*)

(هول و هراس)

کم کم رب النوع خواب و یا مرك موقت و بیهوشی بباغ مدرسه نزول اجلال
مینماید - بالهای تیره و سیه فام خود را بروی متحصنین میگستراند -
دوای بیهوشی بکام انسان ها میریزد چند دقیقه نگذشت همه در قعر امواج
خواب گران غلطیدند و از دنیای هستی جز از اندام ثابتی چیز دیگری
نداشتند و قوای مدرکه به غارت‌رب النوع خواب رفت!.
شب پر دهشتی بود!. خوابیدگان خواب های مخوف میدیدند!. اگر آلت عکاسی
مخصوصی داشتیم که بتوانیم صور منقوشهٔ پرده های مغز خوابیدگان را
عکس برداریم غیر از جنك و جدال و خونریزی و انتقام چیز دیگری در
صفحهٔ عکاسی ما پیدا نمیشد!.

(*) این جمله یادگار تاریخی ایرانیان قدیم است ازدورهٔ قباد و یزدگرد چهاردهم و در
مواقع انتقام استعمال مینمایند

تمام خوابیدگان هیولای مهیب رب النوع جنگ را میدیدند ـ و درختان در آن فضای ظلمانی مانند غول جلوه مینمود !. ـ

کابوس زدگانی بودند که برای استخلاص خود از زیر چنگال بختك هیچگونه وسیلهٔ خلاصی جز از تکان دادن خود نداشتند!.

تصور نکنید که این جریان موقت و آنی فقط در پرده رؤیای امشبه مرتسم گردیده بلکه در طول خواب سنگین یکصدو پنجاه سالهٔ ایران همیشه این خواب ها یکی بعد از دیگری از پرده مغز ایرانیان میگذشت !.

شب بدین منوال بپایان رسید و صبح هشتم آبان سر از آستین افق در آورد موش صحرائی بالهای سیاه شب را جویدن گرفت و کم کم پر ها جمع شد واسرافیل رستاخیز ایرانی سفیر خودرا دمید مردکان زنده ـ خوابیدکان بیدار ـ سر از لحد برون آوردند و در محشر انقلاب حاضر شدند همهمهٔ غریبی راه افتاد!.

امواج متحصنین تلاطم گرفت ـ دسته دسته مردم بخانهٔ پهلوی وورود مینمودند. و متحصنین را ملاقات میکردند و بمدرسه برمیگشتند و بطرف تحصن گاه آذربایجانیان میدویدند و در اطراف عمارت باغ هنگامه و ولولهٔ عجیبی بود و عموماً با یك بی صبری و التهاب کسب تکلیف مینمودند و بالاخره این طور تصمیم گرفتند که مجلس مشورتی از عموم نمایندگان طبقات متحصنین تشکیل و آخرین تصمیم را اتخاذ نمایند

از عموم طبقات نماینده خواسته شدو مطالب عنوان گردید

(مذاکرات جاریه)

صحبت در این بود که به مجلس شوری و یا برئیس دولت اعتراض و یا عملاً شروع بکار کرده از مجلس تا به دربار ریخته و یکسره کوبیده و قدرت انقلاب را نشان دهند !.

عقاید و افکار فوق العاده متشتت بود وهر نماینده با یك اشتعال و التهاب

داشت عقیدهٔ خود را بیان مینمود که عموماً حکایت از خواب های مدهش شبانه میکرد و میگفتند باید با انقلاب سرخ مانع را بر طرف و ایام سعادت را از سر گرفت!.

همان شخص دیشبی گوینده همان جمله (اول روز فروردین) که تا کنون فقط گوش صرف بود با کسب اجازه از رئیس جلسه شروع بتقریر و عقاید خود را اینطور بیان نمود.

(کنفرانس)

آقایان پیش آمد مهم تر از آنستکه بتوانم تقریر کنم و وقت مضیق تر از آنست که اجازهٔ تفصیل دهد مذاکرات خارج از موضوع و غیر عملی منتج نتیجه نیست اعتراض بالا تر از آن متصور نیست که از ایالات و ولایات و مرکز شده و خونسردی دولت نسبت بمستدعیات ملت هم بهمان اندازهٔ اعتراضات ملت است در و دیوار هم تقصیر ندارد آتش زدن دربار و یا کوبیدن پارلمان ضرری است بخزانهٔ ملت انقلاب سرخ طرف ندارد و هیچ صاحب حقی برای احراز حق نباید مال و منال خود را آتش بزند!

ملت ایران از سلطنت سلسلهٔ قاجاریه نا راضی و متنفر وبرای بر انداختن آن در سرتاسر ایران تعطیل عمومی نموده و در طهران دولت با تمام قوه مانع از تعطیل گردیده ولی با وجود این نتوانسته حسیات درونی مردم را تعطیل کند این است متجاوز از چندین هزار مردم بباغ مدرسه ریخته وچند روز است اززندکانی شخصي خود دست برداشته و با روح انقلاب ساعات خود را میگذرانند !.

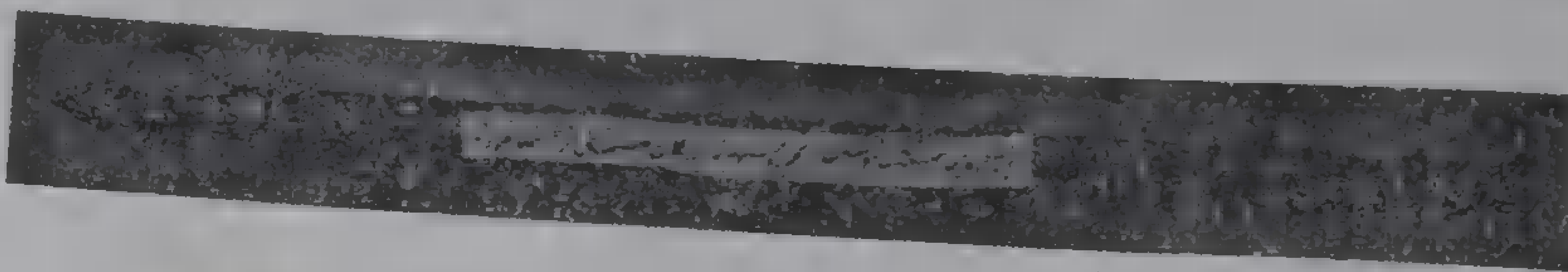
چون در ساعات انقلاب افکار از مجرای طبیعی خارج و غالباً برای بدست آوردن مقصود مقدمات مقصد را گم میکنند برای ابراز قدرت ملی اعتراض لازم نیست سلطنت حقی است که بسلطان امانت سپرده شده وهمینکه دید امانت کار بودیعه خیانت میکند آنرا پس میگیرند و دست او را کوتاه میکنند و برای اجرای این مقصود نه خراب کردن پارلمان و نه انهدام

دربار و نه کشت و کشتار لازم است: تا کنون که سلسلهٔ قاجاریه در راس قوهٔ اجرائیه مملکت جا گرفته و بنام پادشاه معرفی میشدند فقط باحترام ارادهٔ ملت یعنی قانون اساسی بود که در اصل (۳۶) سلطنت را در سلسله قاجاریه برقرار کرده است.

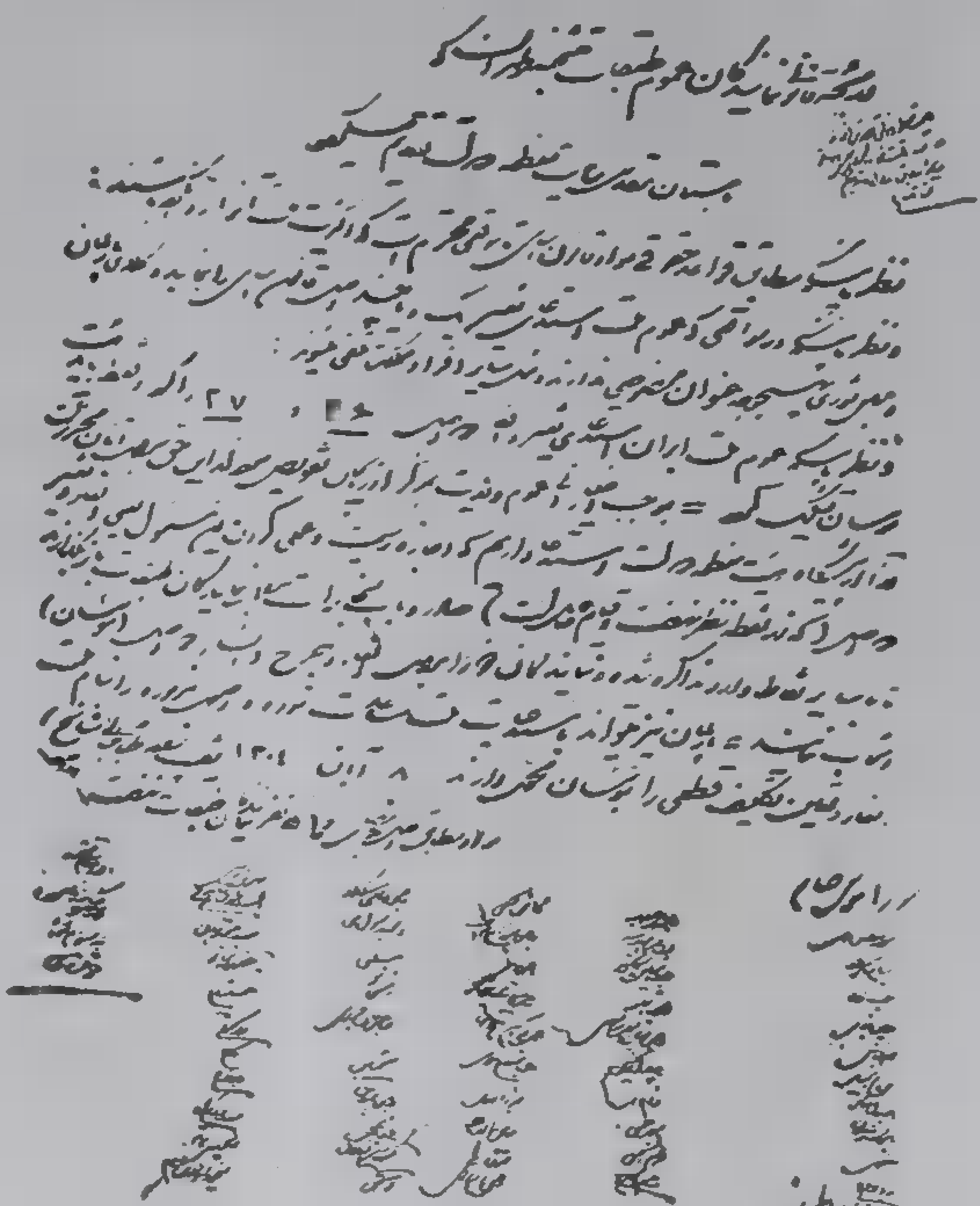
ایرانیان تا کنون که به مدلول این اصل احترام میگذاشتند فقط بپاس ارادهٔ عمومی ملت بود و حال اکثریت بلکه اتفاق ملت مدلول این اصل را رد میکنند دیگر نباید منتظر نشست که دولت در اینخصوص چه تصمیمی بگیرد؟ و بالجمله قانون اساسی تا ساعتی محترم است که اکثریت ملت آنرا رد نکرده باشند تا چه رسد باتفاق و امروز ملت ایران عموماً و در روی یك مقدمات منظمی باتمام معنی برعلیه این اصول قیام نموده و انقراض مدلول آنرا خواستارند گرهیکه با دست باز شود نباید بدندان زحمت داد علاج فقط در اعلان خلع وتشکیل مجلس مؤسسان است واز دولت این موضوع را باید خواست اگر مخالفت نمود آنوقت دست به انقلاب سرخ زد بعقیدهٔ من بدولت تکلیف شودکه وسائل مخابرات تلگرافی را بروی ملت بازکند تاملت با وسائلی که‌در نظر میگیرد موجبات تاسیس مجلس مؤسسان را فراهم نماید

در این امر وکلای مجلس شورا باملت مساوی و برای مجلس عنوان خاصی منظور نیست نهایة آنکه مجلس شورای ملی نیز میتواند بروفق مستدعیات قانون انقراض قاجاریه را تصویب و تعیین تکلیف دولت را بمؤسسان واگذار کند اگر این بیان اجمالی را مورد توجه قرار میدهید جز این نیست که باید بوسیلهٔ دولت این تقاضا را بمجلس شورا عرض وکسب نتیجه گردد بلی اگر دولت ومجلس از قبول واجرای این تقاضای حقهٔ ملت امتناع نمودند البته ملت دست آنهارا کوتاه و بوظیفهٔ ملی خود عمل خواهد کرد که باید خلع کند خلع و کسیرا که باید زمامدار موقت بماید تعیین ومؤسسان را تشکیل خواهد داد.

در پایان این خطابه عقاید و افکار به محور اصلی خود برگشت وموضوع باتفاق تصویب ونتیجه بااین قلم



دریك لائحهٔ مخصوصی تنظیم وعموم نمایندگان طبقات متحصنین آنرا امضا نموده وماعین ومضمون آنرا در کتاب خود نشان خواهیم داد. واین است گراور آن ومضمون آنرا درآتیه بنام تصمیم نمایندگان طبقات ملاحظه خواهید کرد



دوساعت بعد ازظهر هشتم آبان عموم نمایندگان طبقات لائحه را برداشته و بمنزل پهلوی رفتند

منزل پهلوی تحصن گاه تجار و علما واعیان واشراف وتمام اطاقها وفضای حیات

مملو ازجمعیت و دربحبوحهٔ ازدحام لایحه را قرائت وتقدیم رئیس دولت نمودند رئیس دولت وعده داد که تقاضای نمایندکان نهضت را بوکلای مجلس شورای ملي ابلاغ خواهند نمود و ضمناً اظهار داشت که فقط می تواند واسطهٔ درابلاغ لایحه گردیده و هیچ انتظار مساعدتی از شخص من مورد ندارد و ملت بمجلس مراجعه نموده و قضایای خود را حل نماید

لایحه تقدیم شد و بیانیهٔ ذیل از طرف کمیسیون نهضت بعنوان متحدالمآل تلگرافاً بتمام نقاط ایران مخابره و در طهران منتشر گردید

(بیانیهٔ کمیسیون مختلط نهضت ملي)

در نتیجهٔ مساعی و مجاهدت های مبذوله عموم هموطنان عزیز چه در مرکز و چه در ایالات و ولایات امروز هشتم آبان ماه لایحهٔ قانونی با اتفاق نظر کلیهٔ نمایندکان هیئت های مرکز در موضوع تعیین مقدرات ریاست اجرائیه قوای مملکتی (پادشاه) و اصلاح قانون اساسي و موافق ساختن آن با احتیاجات امروزهٔ مملکت تهیه و در میان احساسات هیجان آمیز عموم طبقات تقدیم ریاست معظم دولت و قوای عالیهٔ مملکت دامت عظمته گردید و برای تصویب آن با مساعدت غلیان افکار عامه اقدامات جدی و مؤثر بعمل آمد در ظرف دیشب و امروز در تحت فشار احساسات و هیجان های عمومي توافق نظری ما بین نمایندکان هیئت ها و وکلای مجلس حاصل گردید و فعلا مذاکرات مجلس در ترتیب عملی کردن آن جریان دارد عنقریب بشارت ختم قطعی عمل را بر وفق آمال عمومی اعلام خواهیم کرد

کمیسیون مختلط نهضت ملی

بیانیهٔ دیگری نیز حاوی گذارشات جلسهٔ نمایندکان عموم طبقات ومتضمن مدلول لایحه از طرف کمیسیون مختلط نهضت ملّی بدین مضمون منتشر گردید

(بیانیه)

هموطنان عزیز دورهٔ حکمراني جهل و نادانی دیر زمانی است

سپری شده و نوبهٔ فرمانروائی علم و منطق سالیان درازی است فرا رسیده. ــ برای بقا و دوام هر وضعی‌از اوضاع عالم ــ جهة تغییر و تبدیل هر یك از آنها دلائل محکم و براهین قاطعی لازم است.

اساساً هریك از صفحات تاریخ نتیجهٔ یك سلسله مقدماتی بوده و هیچ حادثهٔ در عالم از جزئی تا کلی بي مقدمه رخ نداده وهیچ وضعی بدون اسباب و عواملی شکل تازه پیدا نمیکنند.

و در حقیقت مقدرات عالم مربوط به اسباب و عواملی است‌که بدون تغییر و تبدلي درآنها هیچگونه تحولی در جهان ظاهر نگشته و حتي باصطلاح عامه آب از آب تکان نمیخورد.

در میان قضایای مهمهٔ عالم تغییر سیاست مدن و تبدل اصول ادارهٔ ممالك یك حادثهٔ جالب دقتی است که از اواخر قرن نوزدهم و در قسمت گذشتهٔ قرن بیستم عمومیت پیدا کرده است!.

این قضیه شایان دقت نیز مانند همهٔ نظایر خود شرایط و عوامل زیادی دارد که یکی از آنها انتباه ملل عالم است از خواب غفلت و استخلاص آنهاست از کابوس نادانی.

ملل عالم دیگرحاضر نیستند که مقدرات‌خودرابعهدهٔ‌اشخاص‌امتحان نداده و تجربه نشده واگذار یا بدست کسانی که از عهدهٔ امتحانات لازمه برنیامده اند تسلیم کنند!.

بعد از شروع این انتباه عالم گیر خواب کردن هیچ قومی در هیچ گوشهٔ دنیا با تعینات احمق فریب و تظاهرات مخالف حقیقت بهیچوجه امکان پذیر نیست!.

در عالم منطق هر لفظی را مفهومی هر عنوانی را شرائطي هر مقامی را وظائفي و هر موقعی را مسؤلیتی است که مردم از هر کدامی انجام دادن آنها را متوقعند و باید توقعات با موقع آنها را ایفا کنند

زمام داران ملت قدیم و قدیمی که بزرگترین عنوانی است و رفیع ترین

مقامی البته بدون رعایت شرایط و ملاحظهٔ مقتضیات فقط بعنوان توارث تنها بعهدهٔ احدي واگذار نمیشود

شرایط مذکوره در بارهٔ مشاغل سابق آن موقع منیع در ایران باندازهٔ اهمال شده بود که در مدت مدیدی که آن مقام رفیع را اشغال نمود هیچگونه علاقهٔ از خود نشان نداده و ازاینکه سلطنت را به نحوی عاطل و باطل گذاشت که هیچ عنوانی بهتر و مناسب تر از (سلطنت معطله) نمیتوان بان داد این استکه کمیسیون نهضت ملي آذربایجان در تبریزوطهران هیچ قسم اهمیتی به این (سلطنت معطله) نداده اوقات ملتی نهضت و قیام کرده را گرانبها تر از آن میدانست که با مبارزه با یك لفظ واهی تلف کند زیرا دیر زمانی است که این عنوان بواسطهٔ لا قیدی صاحب آن معني و مفهوم خود را از دست داده است!.

مقصد اصلی و مرام اساس نهضت ملی تجدید نظر در قانون اساسی و موافق ساختن آن بود بامقتضیات کنونی مملکت و تمام مجاهدت ها و مساعی آن ازابتدای نهضت تاکنون دراین زمینه مبذول میشد تااینکه روز هشتم آبان لائحهٔ ذیل باتوافق نظر نمایندگان تمام هیئت های پای تخت تهیه و بمقام معظم ریاست دولت وقوای عالیهٔ مملکت تقدیم گردید

(تصمیم نمایندگان عموم طبقات طهران)

لائحهٔ قانونی نمایندگان عموم طبقات منتخبهٔ طهران که بآستان مقدس ریاست معظم دولت تقدیم میگردد

نظر باینکه مطابق قواعد حقوقی مواد قانون اساسی تاموقعی محترم است که اکثریت ملت آنرا رد نکرده باشند

ونظر باینکه در مواقعی که عموم ملت استدعای تغییر یك ویا چند اصل قانون اساسی را بنمایند وکلای پارلمان و مجلس شوری بهیچوجه عنوان مخصوص ندارند و مثل سایر افراد مملکت تلقی میشوند

ونظر باینکه عموم ملت ایران استدعای تغییر و الغای دو اصل ۳۶ و ۳۷ را کرده وفقط باید هیئت مؤسسان تشکیل گردد بموجب اختیاراتیکه عموم ولایات بمرکز آذربایجان تفویض نموده‌اند این حق برای آنان محرز است لذا از پیشگاه هیئت معظم دولت استدعا داریم که اجازهٔ رسمیت و عملی کردن این مسؤل یعنی الغاء و تغییر دو اصل (که از نقطهٔ نظر نهضت و قیام حاصل است) صادر و باب مخابرات برای نمایندگان طبقات بازبگذارند تا با سایر نقاط وارد مذاکره شده و نمایندکان خود را برای الغاء و جرح و انشاء دو اصل (موسسان) انتخاب نمایند

پارلمان نیز میتواند با مستدعیات ملت مساعدت نموده و اصول مزبوره را بنام ملت الغاء و تعیین تکلیف قطعی را به مؤسسان محول دارند هشتم آبان

محل امضای نمایندکان عموم طبقات طهران

اینك تصویب اصلاح قانون اساسی را بر وفق مقتضیات امروزه مملکت بعموم هموطنان عزیز بشارت داده امیدوار است تا موقع عملی شدن و مجری گردیدن پیشنهاد مذکور همهٔ هموطنان گرامی با همین رویه پسندیده و متین ابراز مقاومت وثبات خواهند نمود. کمیسیون مختلط نهضت ملي

پس از انتشار بیانیهٔ فوق دهشت غریبی در قاجاریه تولید شد و وحشت و اضطراب خطرناکی بوجود زن و مرد این سلسله حکومت پیدا کرد چه آنکه علاوه از قطع و یقین بزوال شئونات کمان نمودند که دست انتقام ملت بطرف شخصیت آنها دراز خواهد شد و برای تسکین این رعب کمیسیون نهضت بیانیهٔ دیگری را منتشر نموده و وارد در قسمت های مخصوص تاریخی گردیده و با ذکر دلائل سیاسی و اجتماعی مبنی بخطاکاری و تقصیرات غیر قابل عفو سلاطین قاجاریه بافراد سلسله اطمینان و مرعوبیت آنان را تسکین و مقصود نهضت را خاطرنشان نمود که از نقطهٔ نظر اهمیت مندرجات آن مقتضی میدانیم عین آنرا در کتاب خود درج نمائیم

(بیسانیه)

هموطنان عزیز دورهٔ تاجداری تاجدارانیکه بجز تاج و تخت فضیلتی ندارند از دیر زمانی سپری شده است ـ کجا رسد به سلاطینی که اسباب رسوائی ملت نجیبی گردیده اند !؟

افعال شرمگین سلاطین آل قاجار در بارهٔ ملت ایران بیش از حوصلهٔ شرح و بیان است !.

سلاطین این طایفه بعد از آنکه بتاج و تخت ایران مسلط شدند از هیچ گونه فجایع و عملیات شرم آور مضایقه نکردند رئیس این خانوادهٔ غاصب آغا محمد خان خواجه پس از فوت کریم خان وکیل الرعایا آن پادشاه رعیت پرور و آبادی پرست به تخریب بنیان سعادت این مملکت بزرك شروع نموده و اعقاب آن پادشاه غیور رعیت نواز را با بدترین عقوباتی نابود ساخت یگانه وارث رشید وکیل الرعایای محبوب لطف علیخان را بعد از هزاران دسایس وفتنه انگیزی بدست آورده با انگشت بی رحمی چشم بینای آن زادهٔ دودمان غیرت و حمیت را نا بینا و بعداوت مقاومت آن جوان فرزانه شهر کرمان را ویران و هفتاد هزار مرد را به سخت ترین احوالی از هستی ساقط و هفت من درست از چشم مردم مردمك در آورد عصمت و ناموس اهالی را به لشکر جفا کار خویش مباح کرد از اولاد نادر نادرالوجود هائیکه یادکار خانوادهٔ قدرت و شهامت بودند هرجا یافت از پا در آورد و خزاین ذی قیمت نادر را که از هندوستان بایران انتقال داده بود برای شهوت رانی خود تخصیص داد !

در اثر لاقیدی و تن آسائی فتحعلی شاه شهوت پرست که بجز هوس رانی بکاری نمی پرداخت قطعات بزرگی از وطن ما بدست بیگانگان افتاده عهد های مشؤم و ننك آوری با غرامت جنك کمر شکنی بار دوش ملت کرد ناصر الدین شاه در مدت پنجاه سال سلطنت که میتوانست ملت ایران

را مانند (میکادو) ژاپون که با خودش معاصر بوداز حضیض ذلت باوج
عزت برساند بجز یك سلسله قبایح اعمال از خود یادگاری نگذارده با
وجود مسافرتهای پر خرج اروپا ره آوردی غیر از لباسهای رقاصان فرنك
با خود نیاورده از اقتباس آثار درخشان تمدن ملل راقیه بکلی غفلت
نموده تشکیلات محیرالعقول مغربیان را بنظر لاقیدی تلقی کرده از آن
علوم سرشار کاملا چشم پوشید بعلاوه در خود مملکت نیزهر عنصر وطن
پرست دانشمند سراغ گرفت در اعدام و امحایش سرعت نموده بالمره کشور
را ازفضلا و عیون عقلا محروم ساخت درحالتیکه در نتیجهٔ تهاون و سستی
آن پادشاه جاهل و فضیلت کش ملل اجنبی در مملکت ما وسایل استیلا
و تخطی را فراهم ساخته طرق تسلط را هموار مینمودند اجزای دربار
عظمت مدار ما شاه غافل را به ترتیب و تهیهٔ شب نشینی ها مشغول
میداشتند ـ از دورهٔ سلطنت مظفر الدین شاه چیزی نگذشته جزئیات وقایع
آن زمانراهمه دیده وشنیده‌اید درموقعیکه سلاطین‌عالم مشغول نقشه وتوسعهٔ
مستعمرات و تحشیدات عساکر منظم تجهیز میکردند مظفرالدین شاه از
ترس صدای رعد در زیر عبای سید بحرینی خزیده از عالم جهانگیری و
پلتیك دول عالم گیر کاملاً آسوده خیال بود تابه اغوای وزراء ودرباریان
خائن شوق گردش وتفرج در بلاد اروپا را درکلهٔ پرورانیده استقلال
مملکت را در بانکهای خارجه گرو گذاشته اعتبار مملکت را فدای هوس
رانی خویش ساخت!

فجایع و مظالم شاه مخلوع برهمه معلوم وشرح آنرا اسباب تضییع وقت
هموطنان دانسته ازشرحش صرف نظر نمودیم
تانوبت زمامداری باحمد میرزا رسید این‌صبی بی اراده که از اثر رقت و
ترحم بیموقع قائدین انقلاب مشروطه اشغال اریکهٔ سلطنت کرده
بود بااینکه سلطان مشروطه می بود و درآغوش ملت پرورش یافته بود
بدبختانه عملیات ننگین وشرم آوریرا متحمل شد که کلام (رحمه‌الله نباش)

را حقیقتاً مصداق گردید یك قدمی هم بسوی ترقی و عظمت ایران برنداشت !.

هم وطنان اگر چنانچه یك آثار تسلی بخش ویك یادگار برجسته ازاین طفل بی لیاقت سوراغ دارید بشمارید مگر همین سلطان طمع کار بی عاطفه نبود که در سال مجاعه وقحطی باحتکار وانبار داری مشغول گردید؟ ضجّه وانین یتیمان و بیوه زنان مملکت خصوصاً طهران را باکمال لاقیدی وبیرحمی استماع نموده ودر حالتیکه دل مستخدمین امریکا بحالات اسف آور این ملت ستمدیده و مظلوم می سوخت احمد میرزای بی لیاقت در قصور سلطنتی بشهوت رانی و تجارت گندم وجو میپرداخت ؟

ازترقی نرخ اجناس و آذوقهٔ مردم خوشوقت بود باین هم قناعت نکرده اوقات خود را در تفرج و سیاحت خیابانهای اروپا به وقیح ترین قیافه میگذرانید !.

هموطنان غیور ؟! ملت ایران درصفحات تاریخ به غیرتمندی ووطن پرستي معروف بوده در شهامت و توانائی براغلب اقوام و ملل برتری داشت متأسفانه در زیر سلطهٔ سلاطین سست عنصر قاجار شئونات موزونی و شهامت فکری را از دست داد حس انتقام را که ازخصایص ملل غیور است بطاق نسیان گذاشت تا اینکه لطف خدائی یك سردار نامدار علاقمند بسعادت وطن را مأمور کرد که در سایهٔ جدیت وبلند همتی این رئیس دولت دورهٔ ملوك الطوایفی رو بانحطاط گذاشت قدرت حکومت باقصی زوایای مملکت ساری گردید اقدام و عزم متین و تزلزل ناپذیر حضرت اشرف (آقای پهلوی) خونهای افسرده ملت را بحرکت آورده حس نهضت و قیام بملت ایران بخشید آذربایجانیان غیور که در هر دوره پیش قدم ترین ایالات بوده خصوصاً بیرق حریت و آزادی در دوش این ملت قوی الاراده اهتزاز داشت با یك عزم خستگی ناپذیر قیام مقدس را در برانداختن مآثر مستی وعیاشی و تن پروری و لاقیدی شروع وباصدای

رسا مظالم فراموش نشدنی سلاطین قاجاریه را بسوامع عالمیان رسانیده
خشم استیلا و تسلط بر تخت و تاج کیانی را خواستار گردیدند
اینك فرصت انتقام خونهای پاك دانشمندان وطن و تسلی ارواح شهدای
بیداد این ملوك مملکت بر باد ده رسیده آتش غضب ملت زبانه کشیده
امروز روزی است که باید کاخ فرعنت سلاطین قاجار که با هزاران
خون دل ضعفای ملت ممهد و مؤسس گردیده است از لوث وجود یك
مشت عناصر غیر صالح منزه و پاکیزه گردد و این شهوت رانی ها وهوا
و هوسها که سالیان دراز با مقدارات ملت بازی کرده اند خاتمه
داده شود

امروز روزی است که هرکس از این قیام مقدس کناره جوئی نموده
بی علاقه گی نشان دهد مردود ملت واقع گشته محکوم قهر انتقام خواهد شد
هموطنان از تذکر این نکته نیز ناگزیریم که غرض اصلی ملت از این
نهضت مقدس خلع خانوادهٔ قاجاریه از سلطنت است ونباید سوء تفاهم
شود که ملت با همهٔ افراد طایفهٔ قاجاریه بلااستثناء مخالفت ندارند در
میان اینها اشخاص صالح و وطن پرست بهیچوجه مردود اذهان جامعه
نبوده بلکه توده آنها را با نظر محبت و برادری می نگرد بشرط آنکه
در اینموقع عملاً موافقت خود را با نهضت ملی اظهار کنند

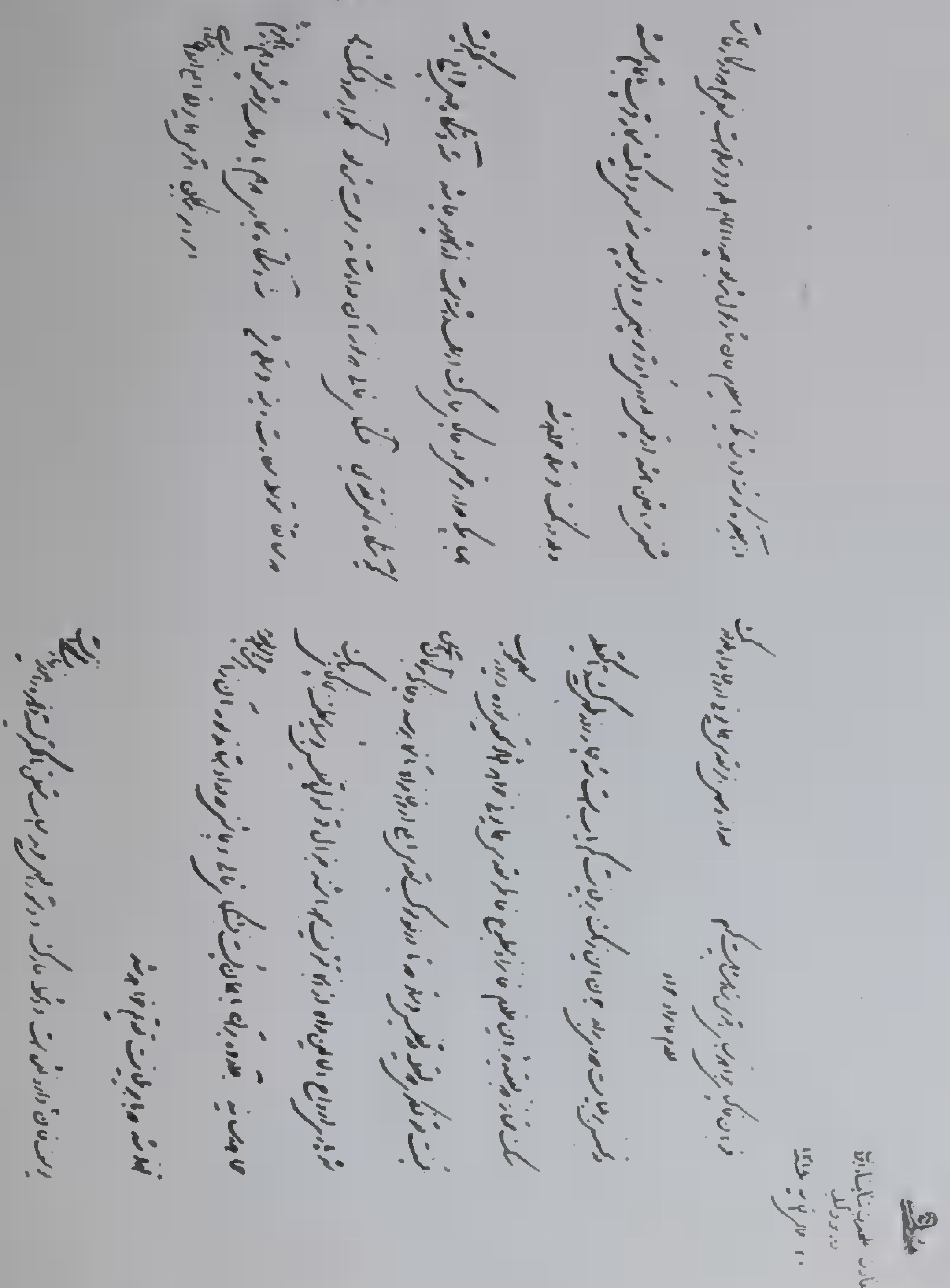
هموطنان عزیز تاریخ عبارت از تکرار وقایع و حوادث است همینکه
مقدمات قسمتی از تاریخ شروع شد همهٔ آن خواهی نخواهی بمنصهٔ ظهور
خواهد رسید این مسئله از قوانین محرز و نوامیس حتمی طبیعت است
مقدمات انقراض سلطنت این سلسله از دیر زمانی شروع و با دست
خودشان تهیه شده اینك موقع آنست که صفحهٔ جدیدی از تاریخ وطن
ما آغاز گردد مقتضای طبیعت این بوده و مشیت خداوندی چنین علاقه
گرفته ـ و اذا اراداللّه رحلت دولت من دار قوم اخطو تدبیرا

کمیسیون نهضت ملی

در بیانیهٔ معهود بجملات مخصوصی بر خوردیم که در اتلاف ثروت ملت نکات خاصی را خاطر نشان می نمود و حقیقت این نسبت ها از یك فقره مستند رسمی که حاکی از مسطورهٔ خرید مظفرالدین شاه است اثبات میشود ازقبیل (برلیانت ـ فشنك های دودی شکاری خالی ـ لاندوی اتوموبیل ـ ولوسیپد سه نفری ـ چهل چراغ ـ بخاری)

(عریضهٔ میرزا جواد خان سفیر ایران)

در بروکسل ۲۱ جمادی الاولی ۱۳۱۸



از یك طرف اساسیهٔ سلطنتی و تاج کیان در گرو بود و از طرفي کپسول فشنك خالی شکاری و نجاري خریده می شد این است نکاتی را که بیانیه در نظر گرفته و یك سلسله وقایع تاریخی را پشت سر هم می شمارد که روی هم رفته علت العلل بدبختی ایران را تشکیل و بالنتیجه مجوز نهضت و قیام گردیده است

آری ! - در همین ساعت که مظفرالدین شاه باپوطهای استقراضی مشغول خرید ولوسپید سه نفری و کپسول خالی شکاری بود دولت های دیگر مشغول جمع آوری مونیسیون وتجهیزات بری وبحری را تکمیل نموده وشروع به تسخیر آسمان کرده بودند و باین نکته ایمان میآوردند که زندگاني و سیادت ملي تابع قوه و استقلال نتیجهٔ توازن است ولی شاه ایران این حقایق را فراموش و مملکت را تسلیم قضا وقدر نموده وخود درپی جمع آوری اسباب بازی بچه گانه بود و از اروپا خاك و کوت بار میکرد وبه ایران زمین میآورد!؟

این بود شمهٔ ازعلل نهضت که سالیان درازی دردلها عقده کرده وحال‌دارد مانند ولکان آتش فشانی مینماید

(لزوم جلسه)

حوادث پشت سر هم گذشت و دلائل حقانیت ملت چهره شد و مقدمات قطعی زوال و انقراض قاجاریه با قلم توده تحریر. و امضاء گردید تأثیرات آن قضاء مبرمی بود وغیر قابل رد ـ حکمی بود که از محکمهٔ انقلاب صادر شده بود وغیر قابل اعتراض ـ سلطنت ودیعهٔ بود از ملت ودر روی دلایل و شواهد تاریخي خیانت امانت کار در پیشگاه صاحب مال محرز امانت خود را پس میگیرد ـ دیگر جای چون و چرائی نمانده قابل وساطت هم نیست و هر دستیکه بخواهد از امانت کار خائن مدافعه و یا شفاعت نماید مردود ومقطوع میگردد

دولت و وکلای پارلمان موجودیت خود را در مخاطره دیدند چه آنکه یك

چنین سیل بنیان کنی قابل مقاومت نبود و تمام عوایق و موانع را از جای خود کنده و با خود میبرد!.

(وکلا راهم ملت فتح کرد)

تقدیم لایحه و نشر بیانیه و وعدهٔ رئیس دولت که آنرا بوکلای مجلس شورا ابلاغ خواهد نمود و پافشاری و تقاضای ملت از دولت که تشکیل مجلس مؤسسان گردد رویهم رفته عواملی بودند که بوسیلهٔ آنها ملت وکلای مجلس را محاصره و بالنتیجه وکلا را نیز فتح کرد - نمی توان باور نمود که وکلا نسبت بمستدعیات ملت این اندازه لاقید بودند که ملت آنهارا لاقید می پنداشت فرقی که داشت میخواستند تجدید نظر در قانون اساسی محول بدورهٔ ششم گردیده و بادست وکلا صورت گیرد! - ولی ملت زیر این بار نرفته و برای اهمیت قضیه استقلالاً مجلس مؤسسان را میخواستند هرچه بود وکلا مغلوب شدند و لایحهٔ کمیسیون نهضت نقشه هارا بهمزد. درهمین دقایقی بود که جمعی از وکلا بحوضخانهٔ مدرسه پناه برده و مادهٔ واحدهٔ را که درآتیه چگونگی آنرا خواهیم فهمید طرح و بسرعت برق امضاء مینمودند

چون ملت وسیلهٔ موفقیت را تحصیل کرده بود ازاین خون گرمی وکلا و طرح مزبور چندان حس امتنان ابراز نکرده چه آنکه خود میتوانستند مقصود را اجرا نمایند فقط تأثیری که داشت صاحبان امضارا از خطر محفوظ میداشت و حالا که وکلا نسبت بمستدعیات ملت توافق نظر نشان دادند لازم بود باز را بمنزل رسانیده و مادهٔ واحده را ازتصویب هیئت رسمی مجلس شورای ملی درمشهد ومنظر ملت یعنی جلسه علنی بگذرانند طرح مزبور درهشتم تهیه شد و برای دوساعت بظهرمانده روز نهم آبان ماه جلسهٔ علنی مجلس شورای ملی اعلام گردید

﴿ طرح مخصوص ﴾

نظر باینکه عدم رضایت از سلطنت قاجاریه وشکایاتیکه از این خانواده میشود بدرجهٔ رسیده که مملکت را بمخاطره میکشاند ـ نظر باینکه حفظ مصالح عالی مملکت مهمترین منظور و اولین وظیفهٔ شورای ملی است وهرچه زودتر به بحران فعلی باید خاتمه داد امضاء کنند گان باقید دو فوریت پیشنهاد میکنیم مجلس شورای ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید

(مادهٔ واحده ـ مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه‌را اعلام نموده وحکومت موقتی رادر حدود قانون اساسی وقوانین موضوعهٔ مملکتی بشخص آقای رضا خان پهلوی واگذار میکنند تعیین تکلیف قطعی حکومت موکول بنظر مجلس مؤسسان است که‌برای تغییر مواد ۳۶ ـ ۳۷ ـ ۳۸ ـ ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود)

داور ـ اخگر ـ عراقی ـ محمّد نجات ـ عبدالله معتمد ـ کی استوان ـ دکتر امیر اعلم ـ حبیب‌الله شاملو سردار منتصر ـ رضا دامغانی ـ دیوان بیگی ـ عبدالله یاسائی ـ مفتی ـ رضاحکمت ـ محمد تقی ـ اسعد بختیاري ـ میرزائی ـ شوشتری ـ رضا افشار ـ یحیي زنگینه ـ اعظمی هرمزی ـ ابراهیم ـ رضای رفیع ـ دکتر آقایان ـ سهراب زاده ـ سید ابراهیم ضیاء ـ میرزا آقا عصر انقلاب ـ وحید سعد ـ اسمعیل قشقائی ـ احمد شریعت زاده ـ دکتر حسین بهرامی ـ حبیب‌الله کمالوند علاءالدین ـ حسن ملك ـ مهدی زاهدی ـ اعتبار ـ حسین اسفندیاری حسن الحسینی ـ محمد ولی اسدی ـ عبدالرحمن صالحی لرستانی ـ سلیم ایزدی ـ نظامی ـ علیرضا الحسیني ـ حیدرقلی ـ سید عبدالحسین صدر حسین دادگر ـ طباطبائی دیبا ـ الاحقر دست غیب ـ عظیمی ـ صادق

اکبر ـ یوسف عدل ـ فرج‌الله ـ مرتضی بیات ـ سید کاظم ـ یعقوب الموسوی ـ امامي خوئی ـ لطف‌الله لیقوانی ـ محمدهاشم افسر ـ سیف‌الله اسکندری رضوی شیروانی ـ حسین صدرائي ـ محقق شیرازی ـ رضا مهدوی ـ محمد معظمی ـ سهراب ساکینیان ـ علی خطیبی ـ اسمعیل وکیل ـ سید محمد سلطانی ـ اسمعیل اصانلو ـ کازرونی ـ حائری زاده اسدالله کردستانی ـ شیخ جلال ـ محمد ولی ـ طاهری ـ حایم ـ محمد علی طهراني ـ رهنما

فاصلهٔ تقدیم لایحه به رئیس دولت و جلسهٔ مجلس شورا تقریباً هفده ساعت بیش نبود ـ و از ساعت افتتاح جلسه تا ختم آن نیز چهار ساعت طول نکشید

بیست و یکساعت از عمر ایرانی گذشته ـ هیچ نمی توان دقایق آن را تقدیر و تقویم نمود

روزگار آبستن ساعات وضع حمل خود را نزدیك دیده و عارضه های تشنج آن را دچار اضطراب شدید نموده بود جزر ومد مخصوصی در عرض و طول سیاست ملت و دولت پدیدار گردید که گوئی دو قدرت دو قوه دو سلحشور در نهایت بغض و کینه رو بروی هم ایستاده یا بتمام معنا کلاویز و یا در جنك و جدال بودند ـ ولی چه باید کرد حربه یکی فوق العاده تیز و برنده و دیگری کند و کج‌وکوله ـ آری یکی حس و اراده و حاکمیت ملی را دست گرفته دیگری جز از دسیسه و نیرنك چیزی در دست نداشت .

بیست و یکساعت در کشمکش بودند که آثار فتح و فیروزی در پیشانی ملت و علائم مرك و زوال در چهره دربار پدیدار شد لایحه از طرف ملت برئیس دولت تقدیم شد و کلا نیز طرح خود را تهیه و امضاء نمودند موکبه شب در رسید و بروی تظاهرات پردهٔ تیره فام خود را کشید در زیر این پلاس قیرگون انسانها مستور ماندند دیگر چشم نمی توانست

قیافهٔ آنان را دیده و حسیات را میزان گیرد همه بدریای فکر فرو رفتند و طهران بساحل دریای اضطراب رسید و هر دقیقهٔ ممکن بود در این تاریکی هر یکی از این دو مبارزه (ملت ـ اصول توارت قاجاریه) یکی بدیگری شبیخون زند فقط در میان این دو هم ابرد پلیس و مامورین قلعه بیکی و امنیه جا گرفته و با یك رشادت و متانت اخلاقی در دل شب و ساعات پر هول و هراس با خون خود بازی و افراط و تفریط را تعدیل می نمودند

شب تیره و مخوف بدینموال دقایق خود را زد و ثانیه ها بآخر رسید طارقهٔ رخ نداد حادثهٔ سر نزد قضا و قدر که با شب آمده بودند نتوانستند کاری از پیش برده نه ملت بدربار هجوم و نـه دربار بملت شبیخون زد آها ـ ها وقت و موقـع رسید دیگر چشمهـای منتظر ستاره شماربرا ترك کـرد و یا ستاره کان که برای اشتعال فتنه از اول شب بمبارزین چشمك میزدند نتوانستند کاری از پیش برده و مغلوب خواب شدند ورفتند و یا آفتاب از کرانهٔ افق باردوی غمازان شب یورش برد اردوی نجوم را شکست و پراکنده کرد که هر کس در هر جا و هر کجا بود بعزم تماشای بهارستان براه افتاد تهاجم غریبی در اطراف مجلس پدیدار شد

صبح برآمد زکوه خنجر زردربرش   گشته روان برافق خون ز سرخنجرش
صبح مشعبد صفت حقهٔ زرین بکف   مهره گریزان شده از کف بازیگرش

مردم به بهارستان ریختند و در خیابانها مجال تردد باقی نماند زن و مرد پارلمان را احاطه ویا عرصهٔ دول (اسکریم) ملت‌وقاجاریه را احاطه‌کردند که پلیس با زحمت زیاد میتوانست برای عابرین راهی باز کرده وجادهٔ صاف کنند ولی مساعی بهدر میرفت وامواج مردم بهم میریخت ومانند قطعات ابر بهاری دسته ها و جوقه ها توی هم فرو میرفتند وجزر ومد مخصوصی در کار بود و از توارد دسته جات و اتصال و انفصال امواج حقیقی برق میزد و عبارت از این بود که (ملت میتواند حاکمیت خود را اثبات

نماید ؟ ـ ملت میتواند ودیعهٔ را که سپرده استرداد کند ؟ ـ آیا ملت ایران در تعیین مقدارات خود آزاد نیست ؟ ـ)

« جلسهٔ رسمی »

قیل و قال و هیاهوی مزدحمین را زنگ ناطم مجلس پاره کرد و دوائر از خود بیادکار گذاشت یکی سکوت عمیق درفضای بهارستان وجلو مجلس تا حدود خیابانهای شاه آباد و چراغ برق و دیگری دعوت وکلا برای تصفیهٔ مقدرات ملت و یا (بپای حساب) .

تماشائیان نفس ها را پس کشیدند ـ خوشي سر تا سر فضا را فرا گرفت و همه بقعر دریای انتظار فرو رفتند تمام قوا در گوش ها مرکزیت یافت و دو قوه در این ساعت از طرف ملت کار می‌کرد یکی چشم در صفوف مقدم بمیدان رزم یعني اطاق رسمی مجلس و دیگری گوش در صفوف مؤخر

.با اینکه صفوف مؤخر یقین داشتند که نمی توانند وضعیت جلسهٔ رسمی را تماشا کنند ولی بی اختیار گردنها کشیده و از تمام چشمها خطوط شعاعی به بهارستان و از بهارستان باطاق مخصوص جلسه متوجه بود باندازهٔ استعداد جایگاه تماشا چی مردم جای گرفتند و از تمام چشم ها شرارهٔ مخصوصی وکلارا احاطه کرده وکلا نیزدر رستاخیز اجتماعی و در پیشگاه قاضي وجدان نشستند و یا بمحاسبه دعوت شدند و جلسه در تحت ریاست (آقا سید محمد تدین نایب رئیس) تشکیل یافت ازدوساعت بظهر مانده مقدمات تشریفات جلسه شروع وسه ربع ساعت قبل از ظهر نهم ابان ماه است که صورت مجلس عصر پنجشنبه هفتم ابان ماه را آقا میرزا شهاب قرائت میماید ـ و ما صورت تفصیلی جلسهٔشنبه نهم ابان ۱۳۰۴ مطابق ۱۳ربیع الثانی ۱۳۴٤ را عیناً نقل‌مینمائیم

﴿ صورت جلسه ﴾

نایب رئیس - آقا شیخ جلال (اجازه) آقا شیخ جلال - در دستور عرض داشتم - نایب رئیس - آقای اخگر قبل از دستور

نایب رئیس - آقای نظامی

نظامی - فعلاً عرض ندارم

نایب رئیس - آقای علائی

علائی - خواستم عرض کنم آقای مستوفی ...... جلو گیری بازنك

نایب رئیس - راجع بصورت مجلس فرمایشی دارید؟

علائی - بلي خواستم عرض کنم که آقای مستوفی را آقای رئیس‌الوزراء خواسته بودند قبل‌از رفتن ... زنك!

نایب رئیس - صحبت راجع بصورت مجلس است بعد فرمایش بکنید.-

آقاي نجات (اجازه)

نجات - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای آصف

فرج الله خان آصف - چون بنده را جزء غایبین بي اجازه نوشته بودند خواستم عرض کنم که پریروز صبح بنده سر وقت حاضر شدم وبعد که فهمیدم که جلسه رسمي نمی شود مرخص شدم بنده یك مریضهٔ داشتم مجبور بودم ظهر مراجعت کردم و برای جلسهٔ غروب به بنده کسی اطلاع نداد

نایب رئیس - آقای ابوالحسن خان پیرنیا - ابوالحسن خان پیرنیا بنده هم خواستم همین را عرض کنم چون مجلس معمولی طرف صبح بود و صبح جلسه نشد وعصر فوق العاده بود کسی به بنده خبر نداد بنده هم بی اطلاع بودم

نایب رئیس - اصلاح میشود - آقای حائری زاده (اجازه) - حایری‌زاده

آقای آشتیانی و آقای آقا سید محیي الدین را جزء غایبین نوشته بودند درصورتیکه نظربنده هست حاضر بودند فقط درموقع رای نبودند پس نباید جزء غایبین نوشته شوند

نایب رئیس ـ بعدازتحقیق اصلاح میشود ـ آقای افسر (اجازه) محمدهاشم میرزا افسر در اینموضوع عرضی ندارم

نایب رئیس ـ آقای هایم (اجازه) ـ هایم بنده راهم جزء غایبین بی اجازه نوشته بودند ولی بواسطه عارضه کسالت تحصیل اجازه کرده بودم بعدازظهر بهمین ملاحظه نیامده بودم

نایب رئیس ـ بعداز مراجعه بکمیسیون اصلاح میشود ـ نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست ؟

زعیم بنده عرض دارم

نایب رئیس ـ آقای زعیم (اجازه) زعیم ـ همانطور بنده را غایب بی اجازه نوشتند درصورتیکه بنده هم مطلع نبودم خواهش میکنم اصلاح شود

نایب رئیس ـ این هم اصلاح میشود ـ دیگر بصورت مجلس ایرادی نیست؟

وکلا ـ خیر

نایب رئیس ـ صورت مجلس تصویب شد ـ قبل از ورود در دستور سه فقره خبر از کمیسیون عرایض ومرخصی تقدیم مجلس شده است که یکی یکی بعرض مجلس میرسد ـ خبر اول راجع بمرخصی شاهزاده محمد هاشم میرزا است از تاریخ حرکت کمیسیون هم تصویب کرده است

مدرس ـ اخطار قانونی دارم!

نایب رئیس ـ راجع بچه چیز ؟ ـ راجع بخبر کمیسیون است ؟

مدرس ـ اجازه بدهید تاعرض کنم که راجع بچه چیز است ـ یك مسئله مقدم بر اینها ست اخطار قانونی دارم اجازه میدهید عرض کنم

نایب رئیس ـ بعد ازاین ممکن است اجازه بگیرید صحبت بفرمائید

مدرس ـ درجلسهٔ رسمی اخطار قانونی مقدم است

نایب رئیس ـ مقصودتان اخطار نظامنامه ایست ؟

مدرس ـ مگر نظامنامه قانون نیست ؟ ـ باید استعفای رئیس را بخوانید

نایب رئیس ـ آقای داور (اجازه) ـ داور البته اخطاریکه حضرت آقای مدرس فرمودند ایشان حق داشتند و البته هر وکیلی میتواند هر ماده از نظامنامه را اخطار کند ولی معمول مجلس و سابقه براین بوده است که هروقت یك عدهٔ بایك رأی زیادی به یك رئیس رأی دادند برای انکه استعفا داده نمی باید استعفا نامه را قرائت کنند می شنویم آقای مستوفی استعفا داده اند همانطوریکه راجع بآقای میرزا حسینخان پیرنیا چندین روز مجلس عمل کرد و استعفای ایشانرا قرائت نکرد همانطور درمورد آقای مستوفی تصور میکنم هیچ اجباری برای ما نیست که آن استعفا را قرائت کنیم باید اقدام کنیم بلکه ایشان را متقاعد کنیم وقتی که بکلی مایوس شدیم آنوقت استعفاء را قرائت میکنیم

نایب رئیس ـ آقای مدرس (اجازه) ـ مدرس ما اقدام کردیم و ایشان متقاعد نشدند و امروز هم مجدداً نوشته اند که من استعفا کرده ام چرا پریروز استعفاء مرا قرائت نکردید؟ و نوشته اش هم پیش آقای علائی است پنج روز دنبال کردیم و ایشان قبول نکردند لهذا بمقتضای نظامنامه قبل از همه چیز استعفا را بخوانند بعد که رئیس معین کردند آنوقت جلسه رسمیت پیدا کنند

نایب رئیس ـ بنده ناچارم در مقابل اخطار نظامنامهٔ آقای مدرس توضیحاتی بدهم پریروز قبل از ظهر مراسلهٔ از طرف آقای مستوفی توسط ارباب کیخسرو به بنده رسید و چون پریروز موقع پیدا نشد بعرض آقایان برسانم همینطور ماند ولی مفاد اینمراسله که بعرض آقایان ممکن است برسد صریح است بامتناع از قبول ریاست نه استعفا بنا بر این مشمول (مادهٔ ۱۱) نظامنامه نمی شود که بطور الزام وفوریت این موضوع در مجلس قرائت شود و بعد رئیس انتخاب شود

مادهٔ (۱۱) بعرض آقایان میرسد

مادهٔ (۱۱) اگر رئیس قبل از انقضاء مدت ریاست استعفا و یا فوت نمود مسن ترین نائبان رئیس مجلس را منعقد و استعفا نامه را قرائت یا فوت را اعلام کرده مجلس را ختم میکنند و در ظرف سه روز در تحت ریاست همان نایب رئیس مجدد مجلس منعقد و بطوریکه در ماده ذکر شد رئیس انتخاب می شود

نایب رئیس ـ این ماده (۱۱) دائراست بانصورتیکه رئیس اشتغال بخدمت حاصل کرده باشد مراسلهٔ آقای مستوفی هم قرائت میشود

داور ـ اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس ـ اجازه بدهید قرائت شود تا مسئله حل شود

(مراسلهٔ مستوفي)

۷ آبان ماه ۱۳۰٤ مقام مقدس مجلس شورای ملي پس از تشکر ازحسن ظنی که نمایندگان محترم نسبت به بنده ابراز داشته اند تصدیع میدهد که بعلل چندی در جواب تلفون آقای نایب رئیس امتناع از مقام ریاست عرض کرده ام چون از قرار معلوم رسمی تلقی نفرموده اند این است که کتباً بعرض میرسانم

نایب رئیس ـ بعقیدهٔ بنده شامل مادهٔ ۱۱ نیست فوریت را ایجاب نمی کنند

بعضی از نمایندگان ـ صحیح است

مدرس ـ ورقهٔ امروز را بدهید بخوانند

نایب رئیس ـ ورقهٔ امروز هم همین است

(مراسلهٔ مستوفي)

روز سه شنبه اینجانب امتناع و استعفاء خود را از مقام ریاست بآقای نایب رئیس داده‌ام و نمیدانم چه شده است که تابحال قرائت نشده است ؟ (حسن)

نایب رئیس ـ این اخبار ازاین است که قبلاً مراسلهٔ به بنده نوشته شده است عین مراسله هم همان است

مدرس ـ اجازه ـ مدرس بنده خواهش دارم فورمل استعفا را بفرمائید؟ چون بعداز این‌محل ابتلا میشود استعفا یعنی طلب عفو یعني اینکه برمن تحمیل کرده اید من طلب عفو میکنیم این معنی استعفا است هم ورقهٔ اول استعفا بوده وهم ورقهٔ دوم مینویسد که من استعفای خودم را دادم چرا نخواندید و من از آقایان تقاضا میکنم مطلب را بیك صورتی در آوریم که مردم لااقل بدانند که ما میخواهیم یك صورت قانونی درست کنیم استعفاء یعنی طلب عفوهم پریروزی استعفا بوده است هم امروز می گوید اینکه مرا رئیس کرده اید من طلب عفو میکنم نظامنامه هم میگوید استعفاء رئیس را باید در جلسهٔ اول خوانده و بعد رئیس را معین کرد تامجلس قانونی بشود شما میخواهید قانونی نشود؟ نشود!

نایب رئیس ـ آقای آقاسید یعقوب ـ اجازه ـ آقا سید یعقوب فرمایشی که آقای مدرس فرمودند درواقع مسئله علمی است چنانکه درکاغذی هم که آقای پیرنیا نوشته بودند بنده در جلسهٔ خصوصی عرض کردم که این مسئله مسئلهٔ علمی است و هریك ازماها از این عبارت نظامنامه چیزی می فهمیم و عبارت نظامنامه این است که آن کسیکه اشتغال داشته باشد بعمل عبارت این است رئیس که مشغول بعمل است و در عمل داخل شده اگردرضمن عمل‌خواست استعفا بدهد ولی اینمورد ازاول عدم دخول‌است نه‌اینکه داخل شده واستعفا کرده ویافوت کرده است مادهٔ نظامنامه مصرح این معنی‌است وخود آیت‌الله آقای مدرس میدانند یك مملکتی که درحال انقلاب و بحران‌است‌ما نمیتوانیم‌بواسطهٔ یك‌کلمه که صریح‌است‌در معنی‌و مابخواهیم‌نظامنامه را ازاین معنای صحیحش برگردانیم مملکت‌را دراین‌حال انقلاب باضطراب بیندازیم با اینکه اول تکلیف ما این است که عبارت نظامنامه هر چه باشد منطبق کنیم وجلو انقلابات وبحران‌را بگیریم من از آقای مدرس

سؤال میکنم قبل از انقضاء مدت معینش این نیست که مشغول باشد؟ و درحال اشتغال فوت کند؟ یا استعفا بدهد؟

این خود عدم قبول است نه داخل شدن واستعفا این عبارت صریح است و فارسی است ودست هرکس که بدهیم خواهیم دید معنایش همین است با اینکه قرینه هم ما داریم که باید عبارت را اینطور معنی بکنیم مجلس هم رسمی است و اول تکلیف ما خاتمه دادن به بحران ها و انقلابات است چنانکه درغالب مسائل مقدم آقای مدرس بوده اند بنده استدعا میکنم که این عبارت صریح الدلاله و واضح المعنی را برهمان معنای خودبدانند ومجلس هم رسمی است وقانونی است وبهترین جلسات امروز است وسعادت هم دراین است این بود عرایض بنده

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است ـ مدرس ـ رای بگیرید ـ نایب رئیس بچه؟ ـ مدرس باینکه مذاکرات کافی است یانه؟

نایب رئیس ـ رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکراترا کافي میدانند قیام نمایند [جمع کثیري قیام نمودند]

نایب رئیس ـ تصویب شد ـ پیشنهادی ازطرف آقای مدرس قرائت شد پیشنهاد میکنم که نظر باینکه مطلب مهمی در کار است استعفای رئیس خوانده شود وعصری مجلس تشکیل شده تعیین شود بعداز رسمیت وارد دستور شویم

مدرس ـ بنده که همه آقایان میدانند ده وبیست روز بود که ناخوش بودم لیکن هر روز که حالم جا میآمد این کاغذ ها وتلگرافات که آمده بود شبانه روز یکمرتبه بحکم طبیعت نگاه میکردم هی میدیدم ازاطراف تلگراف میآید اطلاع کامل از وقایع نداشتم حالا همانطور که آقای آقا سید یعقوب میفرمایند وبه آقایانی که بیرون هستند میدانند چه واقعه مهمی است بنده که واقعه مهم نمیدانم حالا نظر باینکه میفرمائید واقعه مهم است پس باید مجلس هم کامل العیار باشد ما که ازاینجا درنمیرویم

ما که وقایع مهمه را دراین شانزده سال خیلي دیده ایم این هم یك واقعه
بواسطه اینکه مجلس ازهر جهتی بی عیب باشد

استعفای رئیس را حالا میخوانیم عصر هم آقایان میآیند بنده هم که کسالت دارم میآیم در خدمت آقایان مجدداً رئیس را معین میکنم آنوقت واردهر مسئلهٔ که میخواهیدبشوید مسئله مهم خیلی این مجلس دیده است این هم یکی و الان تا عصرهم نه مملکت ایران خراب میشود نه مسئله مهم جایش عیب میکند و این وکلا هم بنده قول میدهم هیچکدام ازطهران بیرون نروند و تشریف داشته باشند – اگر این تقاضای من مشروع است بشنوید و الا از بنده گفتن است شما میخواهید بشنوید نمی خواهید نشنوید استعفای رئیس را حالا بخوانید عصر هم میآئیم خدمت آقایان و رای میدهیم بهرکس که صلاح میدانید رئیس را که معین کردیم آنوقت مسئلهٔ مهم را عنوان میکنیم ما از این مسئله مهم کـه آقای آسید یعقوب چکیده انقلاب و مشروطـه هستند میفرمایند هیچ بار از میدان در نرفته ایم که حالا ازمیدان دربرویم حالا نباشد عصر باشد حالاً دیگر می پسندید به پسندید نمی‌پسندید خود دانید نایب رئیس – آقای داور (اجازه)

داور بنده میخواستم تمنا کنم از خود آقای مدرس کـه این مسئله را باین اندازه تکرار نفرمایند که (مجلس بی عیب باشد) واگر استعفای رئیس خوانده نشود مجلس عیب دارد البته یك وقت مسائل از نقطهٔ نظر احساسات است دراینصورت ممکن است تصور شود که بودن فلان شخص و نخواندن فلان کاغذیك عیبی را داردو یك وقت ازنقطه نظر یك اصولي و قانونی است ؟

مدرس – قانون است

داور – بنده تصور میکنم هیچ دلیل قانونی نمیتوانند آقای مدرس ذکر بفرمائید برای اینکه اگر مجلس چنانکه تا بحال عمل کرده و بمحض اینکه استعفای رئیس رسیده نخوانده است این مرتبه هم ممکن است

همانطور عمل کنند و اگر ایشان هنوز نتوانسته اند آقای مستوفی را متقاعد بکنند ماهنوز مأیوس نشده ایم که نتوانیم ایشان را متقاعد کنیم بنا بر این دیگر در اینخصوص بیشتر از این اصرار نفرمایند حالا اگر واقعاً مقصود این است که این تعبیر شود که استعفا است و خوانده شود و مجلس را در بحران بیندازیم البته اشخاصی که موافق هستند که باید این کار را کرد ومقصود نه مادهٔ یازدهم نظامنامه است البته این یک موضوع علیحده است . بنده که این تعبیر را نمیخواهم بکنم و خوب است بیش از این در اینموضوع مذاکره نکنیم

نایب رئیس – رای میگیریم به پیشنهادآقای مدرس آقایانیکه‌تصویب‌میکنند قیام بفرمایند (چند نفری قیام نمودند)

نایب رئیس — تصویب نشد . خبر کمیسیون عرایض بعرض‌آقایان برسد (بشرح ذیل قرائت شد)

آقای محمد هاشم میرزا افسر نمایندهٔ محترم تقاضای دو ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده کمیسیون تصویب مینماید که از تاریخ حرکت لغایت دو ماه غایب مجاز باشد

نایب رئیس – مخالفی نیست ؟ آقای افسر فرمایشی دارید

افسر – بنده سه ماه مرخصی خواسته ام حالا دو ماه نوشته اند نمیدانم مقصود کمیسیون چه بوده است ؟ شوشتری مخبر کمیسیون عرایض – کمیسیون دو ماه بیشتر رأی نداد

نایب رئیس – رای میگیریم به مرخصی آقای افسر از تاریخ حرکت تا دو ماه آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس – تصویب شد . خبر دیگر راجع بمرخصی دو ماههٔ دکتر امیر خان اعلم از تاریخ حرکت کمیسیون هم تصویب کرده (بمضمون ذیل قرائت شد)

آقای دکتر امیر خان اعلم نمایندهٔ محترم تقاضای دو ماه مرخصی از تاریخ

حرکت نموده کمیسیون تقاضای ایشانرا پذیرفته تصویب مینماید
نایب رئیس – مخالفی نیست (گفته شد خیر)
نایب رئیس – رای میگیریم بمفاد این خبر آقایانیکه تصویب می کنند
قیام فرمایند (اغلب بر خاستند)
نایب رئیس – تصویب شد . خبر دیگر راجع بمرخصی چهل و پنجروزهٔ
آقای شوشتری است از تاریخ حرکت کمیسیون هم تصویب کرده (به این
مضموی خواند شد)
آقای شوشتری نمایندهٔ محترم تقاضای ٤٥ روز دیگر مرخصی نموده دلائل
ایشان را کمیسیون موجه دانسته تصویب مینماید که از تاریخ حرکت
لغایت چهل و پنج روزه غایب مجاز باشد
نایب رئیس رای میگیریم به مرخصی آقای شوشتری بمدت چهل و پنج
روز آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند)
نایب رئیس – تصویب شد . آقای آقا شیخ جلال ؟ راجع به دستور فرمایش
داشتید ؟
آقا شیخ جلال – بلی راجع بمسائل جاری پیشنهادی از طرف عدهٔ زیادی
از آقایان امضا شده و تقدیم مقام ریاست شده تقاضا میکنم جزو دستور شود
نایب رئیس – نسبت به این پیشنهاد مخالفي نیست ؟ (گفته شد خیر)
نایب رئیس – قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)
(نظر به اینکه عدم رضایت ازسلطنت قاجاریه و شکایاتیکه از این خانواده
میشود بدرجهٔ رسیده که مملکت را بمخاطره میکشاند نظر به اینکه حفظ
مصالح عالی مملکت مهمترین منظور و اولین وظیفهٔ مجلس شورای ملی است
وهرچه زودتر به بحران فعلی خاتمه باید داد امضا کنندگان با قید دو
فوریت پیشنهاد میکنیم مجلس شورای ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید
ماده واحده – مجلس شورای ملي بنام سعادت ملت انقراض سلطنت
قاجاریه‌را اعلام نموده وحکومت موقتی‌را درحدود قانون اساسی وقوانین

موضوعه مملکتی بشخص آقای رضا خان پهلوی واگذار مینماید تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶ر۳۷ر۳۸ر۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود)

مدرس ـ اخطار قانونی دارم!.

نایب رئیس ـ راجع بهمین پیشنهاد است ؟

مدرس ـ بلی !.

نایب رئیس ـ ماده اش را بفرمائید؟

مدرس ـ ماده اش این است که خلاف قانون اساسی است !

نایب رئیس ـ در موقعش صحبت بفرمائید

مدرس ـ اخطار قانونی است که خلاف قانون اساسی است و نمیشود در اینجا طرح کرد (در حال خروج) . صد هزار رأی هم بدهید خلاف قانون است !

نایب رئیس ـ آقای اخگر ؟

اخگر ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای مصدق السلطنه ؟

مصدق السلطنه ـ در خود موضوع عرض دارم

نایب رئیس ـ آقای داور (اجازه)

داور ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای آقا شیخ جلال ؟

آقاشیخ جلال موافقم

نایب رئیس آقای تقی زاده؟

تقی زاده ـ در اصل موضوع عرض دارم

نایب رئیس ـ آقای یاسائی ؟

یاسائی ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای دادگر ؟

دادگر ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای نظامی ؟

نظامی ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای شریعت زاده ؟

شریعت زاده ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای علائی ؟

علائی ـ دراصل موضوع عرض دارم

نایب رئیس ـ رای میگیریم بفوریت اول آقایانیکه تصویب میکنند قیام بفرمایند (اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس ـ تصویب شد. رای میگیریم بفوریت قسم ثانی آقایانی که موافقند قیام فرمایند (عده کثیری برخاستند)

نایب رئیس ـ تصویب شد. آقای مصدق السلطنه (حاضر نبودند)

نایب رئیس ـ آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده ـ بنده میخواهم پیش‌از مطلب عرض کنم چه مسائل متعارفی جاریه و چه مسائل اساسي که در مجلس شورای ملي مطرح میشود خوبست دراین هوا وافقی که دیده میشود (مثلاً در ابتدای مجلس گفته شد که باید استعفاي رئیس خوانده نشود یکی گفت باید خوانده شودو یکی گفت مقصود این است که فلان بشنود) ماهمه وکیل وبرادریم و از طرف ملت وکیل شده ایم باهمدیگر، هم غرضی نداریم خدا را هم شاهد میگیرم بنده که نه دراین باب و نه در باب های دیگر با احدی از آقایان وکلا نه میخواهم احداث مشکل کرده باشم ونه میخواهم جلو راه حل‌را بگیرم اما بنده که اینجا ایستاده ام میخواهم عرض کنم اگر آقایان اجازه بدهند و صلاح بدانند در مملکت های دیگر میگویند مجلس ملی در این مملکت گفته میشود مجلس شورای ملی در مجلس مشورت میشود در کار یکی اینطور بنظرش میرسد ویکی طور دیگر. هردو صلاح وصرفهٔ مملکت

را میگویند ما هم آنچه بنظرمان میرسد میگوئیم مطلب واضح است در خود اطراف کار نمیخواهم حرف بزنم درمملکت بحران پیداشده بعضیها میخواهند اینکار زودتر حل شود وبعضی ها میخواهند فلان کار درست بشود بنده اساساً ترجیح میدادم اگر آقایان عرایض مرا قبول میکردند که اینکار باین تعجیل و به این فوری شود هیچ نشود که خدای نکرده اسم فشار رویش گذاشته شود. ما میدانیم همه ماها بموجب قانون اساسی امنیت داریم ودولت دولت امنیت است وما باین دولت اینقدر محبت و اینقدر خیر خواهی که داشته ایم بزرگترین دلیل شخص بنده امنیتي است که ایجاد کرده ونه از وکلا نه از تماشاچی یك فرد واحد پیدا نمیشود یك در هزار یا یك درملیون که به بنده بگوید که من خیر خواه دولت حالیه نیستم خدارا شاهد میگیرم الان که در اینجا حرف میزنم و پیش از اینکه حرف بزنم اشخاص متفرقه وکیل و اشخاص مسؤل به من گفتند حرف نزنید حرف زدن صلاح نیست برای اینکه خطر دارد! . . . .

اخگر ـ اینطور نیست

تقی زاده ـ بنده خودم هم میدانم که اینطور نیست . بنده الان اینجا حرف میزنم وظهر هم میروم منزل نهار میخورم عصر هم میآیم هیچ اینطور نیست . یکسال دیگر هم بااین اشخاص کار میکنم باکمال محبت وفداکاری و خدارا شاهد میگیرم که این حرف را که میگویم محض خیر خواهی مملکت وخیر خواهی همان شخص است که زمام امور مملکت را دردست دارد ومن خیر اورا میخواهم واز جان خودم بیشتر اورا میخواهم حالا شرح نمیدهم که اوضاع چه خبر است که یکی بگوید صحیح است یکی بگوید صحیح نیست ولی ترجیح میدادم که رجوع شود به یك کمیسیون چون ممکن است راه حل بهتر وقانونی تری پیدا شود که هیچ خدشه و سوسهٔ درکار پیدا نباشد ولي از قراریکه میشنوم این مقبول نخواهد شد. در اینصورت بنده شخصاً یکنفر در مقابل خدا و در مقابل این ملت

که مرا انتخاب کرده و در مقابل مملکت و در مقابل تاریخ خودمان و در مقابل نسلهای آیندهٔ این ملت میگویم که بعقیدهٔ بنده این وضع مطابق قانون اساسی نیست وصلاح هم نیست برای این مملکت بنده میگویم بعد از آن اکثریت قطع میکنند

مطلب رابنده عرض کردم باین ترتیب اگر میخواهیدکمیسیون درست بکنید وفکری بکنیدوترتیب مرتب تری درست کنید بعضی از آقایان قانون دان‌های مجلس هم دراین کار بوده اند ایشان‌شاید یك نظریاتي داشته باشند حالا اینکه آقای داور میفرمایند مطابق است من عرضی ندارم!. اما یکی دیگر شاید یك حرفی دارد؟!. اسم وفعل وحرف ـ فعل را بنده نمیگویم شاید یك کسی یك گلهٔ دارد که میخواهد بگوید اگر اینطور بود شاید بهتر بود و بصلاح خود اشخاص که باین کار مایلند بهتر بود اگر این را اجازه ندهند گفته شود سوسه درکار پیدا میشود و مطابق صلاح خودشان نیست بنده غیر از این یك کلمه چیزی عرض نمیکنم وبرای این همه چیزرا فدا میکنم وخدا را شاهد میگیرم وملت و مملکتی که مرا وکیل کرده است شاهد میگیریم و در مقابل تاریخ و در مقابل نسلهای آینده میگویم که این کار به این ترتیب مطابق قوانین اساسی مملکت نیست و مطابق صلاح مملکت هم نیست . بیشتر ازاین حرف زدن هم صلاح نیست همه میدانند آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است (آقای تقی زاده خارج شدند!.)

نایب رئیس ـ آقای علائی (اجازه)

علائی ـ مخالفم!.

نایب رئیس ـ پس تامل بفرمائید آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقا سید ـ یعقوب ـ بنده خیلی میل داشتم که آقای تقی زاده تشریف نبرند و عرایض بنده را بشنوند و حقیقتاً همانطورکه بیان کردند بنده هم همین حسن عقیده را در بارهٔ ایشان دارم ولی یك مسئلهٔ را در اینجا اظهار کردند که لازم‌است جواب عرض کنم این مسئله در همین مملکت دوسابقه دارد

و این سابقه در حقیقت بمنزلهٔ یکی از مواد قانون اساسی برای ما واقع شده و الان بنده مراتب را بعرض آقایان نمایندگان محترم میرسانم بعد از آنکه مجلس شورای ملی را توپ بستند و آن ترتیبی که میدانید پیش آمد و استبداد صغیر واقع شد در مجلس اول قانون اساسی و متمم آن نوشته شده و در جزو اول قانون اساسی نوشته شده بود نمایندگان مجلس شورای ملي باید دویست نفر باشند انتخاب هم بطور طبقاتی بود و بهمان ترتیبی که وکلای دورهٔ اول که جزاهم الله علی الاسم خیرا که بعقیده بنده بهترین وکلا بودند و بهترین خدمات را برای مملکت نمودند و این قانون اساسی را در مقابل قوهٔ قاهره و جبر و استبداد دربارها نوشتند انتخاب شدند و بنده حقیقة همیشه از زحمات وکلای آن دوره شکر گذاری میکنم زیرا قانون اساسی را باخلوص نیت و بایك روح آزادی خواهی برای ما گرفتند . پس از آنکه مجلس توپ بسته شد و آزادی خواهان در تمام اقطار ایران منتشر شدند از مرکز و آذربایجان ازفارس و بالاخره از تمام مملکت صدای خواستن مشروطیت بلند شد تا اینکه خدا خواست و قوهٔ ملی غلبه کرد و دربارها ناچار شدند که در مقابل قوای ملی تسلیم شوند و مشروطیت را اعاده دهند نه این بود که مشروطیت را مفت بما دادند بلکه آزادی خواهان حبس شدند وایستادگی کردند تا اینکه آنهارا وادار کردند که مشروطیت بدهند آنوقت گفتند که ما حاضریم مشرطیت بملت بدهیم وهمین آقای تقی‌زاده که در دورهٔ اول یکی از نمایندگان مبرز ما بودند چه فریاد ها برای این قانون اساسی میزدند و چه کارها کردند که حالا یك قدمش را در اینجا میخواهم برداریم . داد و فریاد های آقای تقی زاده درروزنامجات پر است خلاصه در باغ شاه کمیسیونی تشکیل شد وآن کمیسیون رجوع کرد به انجمن آذربایجان (که حالا نماینده محترم آقای داور میخواهند بطور مفصل بعرض آقایان برسانند) انجمن های ایالتی و ولایتی تمام نقاط اختیار دادند به انجمن ایالتی آذربایجان و انجمن ایالتی آذربایجان هم

اختیار داد به کمیسیونی که در اینجا تشکیل شده بود و چهار پنج ماده از مواد قانون اساسی را تغییر دادند و بعضی از آن مواد راجع به انتخابات بود که بعقیدهٔ بنده خیلی مهم است زیرا آن مواد تاسیس حکومت ملی میکند و بنده حق حاکمیت ملت را در آن مواد قانون انتخابات میدانم غرض این است مواد راجع به انتخابات را که پایهٔ حکومت ملی بر آن است تغییر دادند به چه سابقه آنها را تغییر دادند؟ بواسطه اینکه چون در مملکت انقلاب شده بود و میخواستند بجوشش و انقلاب مملکت خاتمه بدهند لذا با این عنوان آمدند و این کار را کردند در دورهٔ دوم ناصرالملك که نایب‌السلطنه وقت بود پیشنهاد کرد که نمایندگانی که برای دورهٔ سوم انتخاب میشوند خوبست درموادی ازقانون‌اساسی که راجع بحکومت‌ملی‌است یك‌انگشتی ببرند بنده میخواهم دراینجا وارد (پرانتز) بشوم و عرض کنم عقیدهٔ ناصر الملك این بود که نمایندگانی که میآیند باید شریك دراین مسؤلیت باشند ونمایندگان باین‌حق منتخب شدند وآمدند و حاضر هم شدند که این مسئله را انجام دهند نهایت جنك بین المللي و آن انقلاباتي که همه میدانند پیش‌آمد یازده ماه بیشتر ازعمر مجلس نگذشت که مجلس تعطیل شد و آن انقلابات که همه میدانید پیش آمد ومجلس را خاتمه داد ما که صد سال نیست مشروطه شده ایم نهایت پانزده شانزده سال است و در این مدت پانزده و شانزده سال هم قانون اساسی با این سوابقی که می بینید واقع شده پس سابقه قانونی در دست داریم در دورهٔ اول که هیئت مؤسسان بود و خیلی خوب هیئتی هم بود و از مبرزین ایران هم بودند و بسیار زحمت کشیدند در دورهٔ دوم آمدند و مواد قانون اساسی که راجع بانتخابات و حق حکومت و سلطنت ملی بود و انتخاب را که بطور طبقاتی بود تغییر دادند و بطور دو درجه کردند بان شکلی که همه میدانید واقع شد امروز هم همینطور است آتش را چقدر میشود در تحت خاکستر مستور کرد؟ این آتش است که از تمام

نقاط سر بدر آورده !. و در کانون آزادیخواهان از آن وقتی که پایه مشروطیت گذاشته اند شعله کشیده !. و از اول داد و فریاد همه همین بود و بنده که به تصدیق خود حضرت آقای مدرس یکی از انقلابیهای درجهٔ اول بودیم هم فریاد میزدیم که باید خاتمه داد باین خوانواده زیرا برای کار تازه مرد تازه لازم است شاهزاده سلیمان میرزا و اشخاص دیگری هم هستند که در مشروطیت پیش قدم بودند با بنده رفتیم و آن چراغان وآتش بازیرا بهم زدیم غرض این است که از همان اول عقیدهٔ ما این بود که این درخت خشگیده است و باید او را کند و درخت برومندی بجای آن غرس کرد که آن درخت برومند سایه افکن بشود و مات از آن استفاده کنند این چیزی بود که بنظر ماها که به فرنك نرفته بودیم و در اینجا تحصیل کرده بودیم میرسید و عقیده داشتیم که این درخت خشگیده وباید آن را کند و نهال تازهٔ بجای آن کاشت منتهي ما چون مشرق زمینی ویك ملت اتکالی هستیم از این جهت مسئله از امروز بفردا و از فردا به پس فردا می اندازیم مسئله همینطور بود تا دو سال قبل تاریخ آزادی خواهان ایران و انقلاب ایران را نکاه کنید و ملاحظه کنید کدام آزادیخواه و انقلابی در مملکت بود که بسعادت ایران علاقه مند بود و عقیده نداشت که این درخت را باید کند ؟!

مرحوم آقا سیدجمال الدین افغانی که رئیس الاحرار است ومرحوم میرزا آقاخان کرمانی ودیگران که از ترشحات قلم آنها که این همه مردم بیدار وهشیار شده اند همه داد و فریاد میزدند که چاره نیست و ملتي که میخواهد زندگی کند باید حیات تازه پیدا کند و برای نیل بسعادت تازه ناچار است که درخت کهنه را بکند و دور اندازد نظر باین مسئله آتش بلند شد تا اینکه الان از تمام مملکت سر بیرون آورده از آذربایجان از فارس و کرمان و از گیلان محمره و طهران از همه جا آتش بلند است مگر نمی بینید چه خبر است ؟! حکومت با خود ملت و تعیین سلطنت با ملت است و اولین

وظیفه مجلس خاتمه دادن بانقلاب است کجا این مسئله مخالف قانون اساسی است ؟! بهترین قدمي که مجلس میخواهد بر دارد همین است که بانقلابات امروزه که در تمام مملکت هست خاتمه دهد و سعادت ملت را تأمین کند پس در جواب فرمایش آقای تقی زاده که میفرمایند این مسئله بر خلاف قانون اساسي است با اینکـه نهایت عقیده را بایشان دارم لازم است عرض کنم که این مسئله خلاف قانون اساسی نیست بلکه عین قانون است

نایب رئیس ـ آقای علائی (اجازه)

آقایان همه میدانند که بنده شهوت کلام ندارم و ماجرا جو هم نیستم و حتی المقدور میل دارم که قضایا به خون سردی گذشته باشد ولی در عین حال وجدان یکنفر وکیل هیچ اجازه نمی‌دهد که در مقابل یك جریانات خلاف قانونی سکوت اختیار کرده و تسلیم قضایا و حوادث شود بنده بطور واقع و مختصر عرض می کنم که ما ها هیچ اختیار نداریم که وارد در این مذاکره و طرح این مسئله بشویم زیرا رای دادن بـه همچو طرحی را بنده بکلی مخالف قانون اساسی که ما حافظ آن هستیم میدانم و قطع نظر از اینکه مخالف قانون میدانم این پیشنهاد را مخالف صلاح مملکت میدانم‌زیرا یك بابی مفتوح خواهدشدکه برای مملکت مضر خواهد بود

نایب رئیس ـ آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی ـ از آقایانیکه در آنجا اظهار مخالفت نسبت باین طرح کردند همچو استنباط شد که ناظر هستند بحفظ قانون اساسی بنده خیلی میل داشتم که آقای علائی تشریف میداشتند و جواب بنده را می شنیدند حالا هم که تشریف ندارند البته بگوششان خواهد رسید بنده از سوابق قانون اساسي درست اطلاع ندارم که به چه طور تدوین شده و اشخاصی که تدوین کرده اند چه جنبهٔ داشته اند؟ ولی بهر حال حالا در نزد ما یك قانون مقدس است چیزی که هست این است که در ادوار گذشته مجلس شورای

ملی یك قسمت از مواد آن را بموجب قانونی که از مجلس گذرانده است نقض کرده و حالا بنده آن مواد را می خوانم تا آقایان بدانند که این یك سابقه نیست که حالا میخواهیم بگذرانیم

اصل چهار قانون اساسی است که بنده میخوانم (عدهٔ انتخاب شوندگان بموجب انتخاب نامهٔ علیحده برای طهران وولایات فعلاً صد وشصت و دو نفر معین شده است که در قانون انتخابات صد و سی و شش نفر معین میشود بنده این را از آقایان سؤال میکنم که چرا اینطور شده است ؟

باانیکه در اصل چهارم قانون اساسی تصریح شده است که عدهٔ نمایندگان صدو شصت و دونفر است ولدی الاقتضاء به دوبست نفرهم میرسد معذلك صد و سی وشش نفر معین شده اصل ششم میگوید

(منتخبین طهران لدی الحضور حق انعقاد مجلس را داشته مشغول مباحثه ومذاکره میشوند رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات باکثریت مناط واجراست) این ماده کجا اجرا شده ؟ عملی هم نیست که دوازده نفر وکلای طهران بیایند وبنشینند و مقررات مملکت را در دست بگیرند و در غیبت منتخبین ولایات کی عملی واقع میشود بلکه امروزه برخلاف آن عمل میشود زیرا گفته میشود تانصف بعلاوهٔ یك از وکلا حاضر نشوند مجلس رسمیت ندارد پس بنده میخواهم عرض کنم که این موادرا بموجب قانون بعد نقض کرده اند و این ماده وجود خارجی ندارد یعنی قانون بعد آمده اورا نقض کرده است . ودراین موضوع هم نظری به از بین بردن قانون اساسی نداریم و از این جهة پیش نهاد کرده ایم که مجلس مؤسسان تشکیل شود و راجع به سه چهار ماده که در خصوص حقوق سلطنت است تجدید نظر کنند و تکلیف قطعی حکومت مملکت را درآتیه معین کند و تصور میکنم نگرانی آقایان مخالفین هم اینقدرها مورد ندارد . زیرا مجلس مؤسسان ناچار از اشخاصی انتخاب خواهد شد که دارای حس وطن پرستی خواهند بود ومعلوم نیست حس وطن پرستی کسانی

که برای آتیه انتخاب میشوند کمتراز آقایان حاضر باشد . و البته اگر ما نتوانیم موادی که در قانون اساسی هست و عملی نشده است آنها را هم اختیار بدهیم بمجلس مؤسسان که در آنها تجدید نظر بکنند بنظر بنده بسعادت مملکت نزدیک تر است . مثلاً موادی در این قانون راجع به دیوان محاسبات هست که عملی نشده و درقانون عادی که بعد وضع شده برخلاف آن رفتار شده وآن ماده قانون اساسی عملاً ملغی شده . همینطور در مادهٔ که میگوید : دورهٔ وکالت دوسال است چه ضرر دارد حالا که مجلس مؤسسان تشکیل میشود این مواد را هم تغییر بدهند . این عقیدهٔ بنده هست

جمعی از نمایندگان . خیر ـ این مواد ملغی نشده است .

یاسائی ـ بهرحال بنظر بنده اشکالی ندارد که در این مواد هم تجدید نظری بشود . حالا هم این یك طرحی است که این آقایان پیش نهاد کرده اند وبنده هم امضا کرده ام

نایب رئیس ـ آقای داور (اجازه)

داور ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای اخگر (اجازه)

اخگر ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای نظامی (اجازه)

نظامی ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای سهراب زاده (اجازه)

سهراب زاده ـ موافقم

نایب رئیس ـ آقای دادگر (اجازه)

دادگر ـ بنده هم موافقم

نایب رئیس ـ آقای افشار (اجازه)

افشار ـ موافقم . پس ازیك مخالف

نایب رئیس ـ آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب ـ بنده هم موافقم

نایب رئیس ـ آقای دکتر محمد خان مصدق (اجازه)

دکتر محمد خان مصدق ـ بنده در سال گذشته در حضور نمایندگان محترم بکلام الله مجید قسم یاد کردم که به مملکت وملت خیانت نکنم . آن ساعتی که قسم خوردم مسلمان بودم و حالا هم مسلمان هستم واز آقایان تمنی دارم باحترام این قرآن برخیزید (در این موقع کلام الله مجید را از بغل خود بیرون آورده و حضار قیام نمودند) و در حضور همهٔ آقایان بنده شهادت خودم را میگویم (اشهد ان لااله الاالله ـ اشهد ان محمداً رسول‌الله ـ اشهد ان علیاً ولی الله) من شخصی بودم مسلمان و باین کلام الله قسم یاد کرده‌ام واین ساعت هم این کلام الله خصم مرابکند اگر درعقیدهٔ خودم یك اختلاف وتفاوتی حاصل کرده باشم من بودم که‌هستم وامروز هم اگر یك چیزی برخلاف مصالح مملکت بعقل ناقص خودم به بینم خودم را ناچار میدانم که برای حفظ مملکت وحفظ قومیت و بقای اسلامیت از اظهار عقیده خود داری نکنم . بنده همه آقایانیکه اینجا تشریف دارند غیر ازآقایانیکه ازملل متنوعه هستند همه را مسلمان و هوا خواه مملکت وطرف دار اصلاحات میدانم وخودم هم نمیتوانم از اظهار عقیده خود داری کنم . آقایان میدانند که بنده حرفم از روی عقیده است و هیچوقت تابع هوا و هوس و نظریات شخصی نیست امروز هم روزی نیست که کسی دراینجا نظریات شخصی بخرج بدهد و اگر کسی پیدا شود که نظریات مملکتی و ملتی و اسلامی خود را اظهار نکند بنده او را پست و بیشرف و مستحق قتل میدانم اول لازم است که بنده یك عقیدهٔ نسبت بشخص آقای رئیس الوزراء اظهار کنم بعد نسبت بسلاطین قاجار و بعد هم عقیدهٔ خودم را در بارهٔ اصول قانون اساسی عرض کنم . اولا راجع بسلاطین قاجار بنده عرض میکنم که کاملاً از آنها مأیوس هستم زیرا آنها در این مملکت خدماتی

نکرده اند که بنده بتوانم اینجا از آنها دفاع کنم و گمان هم نمیکنم
کسی منکر این باشد . همین سلطان احمد شاه قاجار بنده را در فارس
گرفتار سه هزار و پانصد پلیس جنوب کرد !. پس از آنکه من استعفا
کردم بعد از بیست و هفت روز نوشت که بتصویب جناب رئیس الوزراء
آقا سید ضیاء الدین استعفای شما را قبول کردم و فوری بطرف طهران
حرکت کنید . مقصودش این بود که من بیایم بطهران و مرا آقا سید
ضیاء الدین بگیرد حبس کند . بنده مدافع اینطور اشخاص نیستم .
بنده مدافع اشخاصی که برای وطن خودشان کار نمیکنند و جرئت و
جسارت حفظ مملکتشان را نداشته باشند و در موقع خوب از مملکت
استفاده بکنند و در موقع بد از مملکت غائب بشوند نیستم .
اگردوست حقیقی و قوم و خویش خودم هم باشد یا از آن بالاتر هم نباشد
وقتی که اینطور شد بنده مدافع او نیستم .
اما نسبت به‌آقاي رضاخان پهلوی بنده نسبت بشخص ایشان عقیده مند هستم
وارادت دارم‌و در هر موقع آنچه بایشان عرض کردم درخیر ایشان وصلاح
مملکت بوده وخودشان هم تصدیق عرایض بنده را فرموده اند نه اینکه در
حضور من فرموده باشند بلکه اشخاصیکه با ایشان خیلی مربوط بوده اند
بانها فرموده اند ایشان یك مقامی دارند که از من و امثال من هیچ
ملاحظه ندارند اگر یك فرمایش بخواهند در غیاب من بفرمایند در
حضور من هم ممکن است بفرمایند ولی احتیاطاً عرض میکنم آن اشخاصیکه
فرمایشات ایشانرا به من فرموده اند حکایت از این میکرده که خودشان
هم دانسته اند که عرایضی که عرض کرده ام ازروی نظریات شخصی نبوده
و مبنی بر مصالح مملکت ووطن خواهی بوده است که از این حیث ایشان
به بنده معتقدند گمان نمیکنم یك نظریات میشود اما اینکه ایشان یك
خدماتی به مملکت کرده اند گمان نمیکنم بر احدی پوشیده باشد وضعیت
این مملکت وضعیتی بود که همه میدانیم که اگر کسی میخواست مسافرت

کند اطمینان نداشت یا اگر کسی مالك بود امنیت نداشت و اگر یك دهی داشت بایستی چند نفر تفنگچی داشته باشد تا بتواند محصول خودش را حفظ کند ولی ایشان از وقتی که زمام امور مملکت را در دست گرفته اند یك خدماتی نسبت بامنیت مملکت کرده اند که گمان نمیکنم بر کسی مستور باشد و البته بنده برای حفظ خودم و خانه و کسان و خویشان خودم مشتاق و مایل هستم که شخص رئیس الوزراء رضاخان پهلوی نام در این مملکت باشد برای اینکه من یك نفرآدمی هستم که در این مملکت امنیت و آسایش میخواهم و در حقیقت از پرتو وجود ایشان ما در ظرف این دو سه سال اینطور چیز ها را داشته ایم واوقاتمان صرف خیر عمومی و منافع عامه شده و هیچوقت ما در چیزهای خصوصی وارد نشده ایم و بحمدالله ازبرکت وجود ایشان خیالمان راحت شده ومیخواهیم یك کارهای اساسی بکنیم این هم راجع به آقای رئیس الوزراء اما راجع باین موضوع بنده باید عقیده خودم را عرض کنم . تغییر قانون اساسی یا تجدید نظر در قانون اساسی دو جنبه دارد یکی جنبهٔ داخلی که باید فهمید تغییر قانون اساسی نسبت بامور داخلی چه اثری میکند؟ یکی‌هم جنبهٔ خارجی که باید دید نسبت بامور خارجی در روابط بین المللی چه اثری خواهد داشت ؟ . اما نسبت به جنبهٔ داخلی . اگر آمدیم و گفتیم خانوادهٔ قاجاریه بد است . بسیار خوب هیچ کس منکر نیست و باید تغییر کند. و البته امروز کاندیدای مسلم ما شخص رئیس الوزراء است . خوب آقای رئیس‌الوزراء سلطان میشوند و مقام سلطنت را اشغال میکنند آیا امروز درقرن بیستم هیچ کس میتواند بگوید یك مملکتی که مشروطه است پادشاهش هم مسؤل است ؟ اگر ما این حرف را بزنیم آقایان همه تحصیل کرده و درس خوانده و دارای دیپلم هستند ایشان پادشاه مملکت میشوند آنهم پادشاه مسؤل هیچکس چنین حرفی نمیتواند بزند و اگر سیر قهقرائی بکنیم و بگوئیم پادشاه است رئیس الوزراء و حاکم

و همه چیز است این ارتجاع و استبداد صرف است . ما میگوئیم که سلاطین قاجاریه بد بوده اند مخالف آزادي بوده اند . مرتجع بوده اند خوب حالا آقای رئیس الوزراء پادشاه شد اگر مسؤل شد که ما سیر قهقرائی میکنیم امروز مملکت ما بعد از بیست سال واین همه خون ریزیها میخواهد سیر قهقرائی بکند و مثل زنگبار بشود که گمان نمیکنم در زنگبار هم اینطور باشد که یك شخص هم پادشاه باشد و هم مسؤل مملکت باشد اگر گفتیم که ایشان پادشاه و مسؤل نیستند آنوقت خیانت بمملکت کرده ایم برای اینکه ایشان در این مقامی که هستند مؤثر هستند و همه کار میتوانند بکنند در مملکت مشروطه رئیس الوزراء مهم است نه پادشاه - پادشاه فقط و فقط میتواند بواسطهٔ رای اعتماد مجلس یك رئیس الوزرائیرا بکار بگمارد خوب اگر ما قائل شویم که آقای رئیس الوزراء پادشاه بشوند آنوقت در کار های مملکت هم دخالت کنند و همین آثاریکه امروز از ایشان ترشح میکند در زمان سلطنت هم ترشح خواهد کرد شاه هستند رئیس الوزراء هستند فرمانده کل قوا هستند بنده اگر سرم را ببرند و تکه تکه ام بکنند و آقا سید یعقوب هزار فحش بمن بدهد زیر بار اینحرفها نمیروم - بعد از بیست سال خونریزی - آقای آقاسید یعقوب شما مشروطه طلب بودید ؟! آزادیخواه بودید ؟! بنده خودم شما را در این مملکت دیدم که بالای منبر میرفتید و مردم را دعوت به آزادی میکردید حالا عقیدهٔ شما این است که یك کسی درمملکت باشد که هم شاه باشد هم رئیس الوزراء . هم حاکم ؟ اگر اینطور باشد که ارتجاع صرف است . استبداد صرف است پس چرا خون شهداء راه آزادی را بیخود ریختید ؟! چرا مردم را بکشتن دادید ؟! میخواستید از روز اول بیائید بگوئید که ما دروغ گفتیم و مشروطه نمیخواستیم آزادی نمیخواستیم . یك ملتی است جاهل و باید با چماق آدم شود . اگر مقصود این بوده بنده هم نوکر شما و مطیع شما هستم ولي چرا بیست سال زحمت کشیدیم و اگر مقصود این بوده که ما خودمان را

در عرض ملل دنیا و دول متمدنه آورده و بگوئیم از آن استبداد و ارتجاع گذشتیم ما قانون اساسی داریم . ما مشروطه داریم ما شاه داریم ما رئیس الوزراء داریم ما شاه غیر مسؤل داریم که بموجب اصل چهل و پنج قانون اساسی از تمام مسؤلیت مبراست و فقط وظیفه اش اینست که هر وقت مجلس رای عدم اعتماد خودش را بموجب اصل ۶۷ قانون اساسی بیك رئیس دولت .یا یك وزیری اظهار کرد آن وزیر میرود توی خانه اش می نشیند آنوقت مجدداً اکثریت مجلس یك دولتی را سر کار میآورد . خوب حالا اگر شما میخواهید که رئیس الوزراء شاه بشود با مسؤلیت این ارتجاع است و در دنیا هیچ سابقه ندارد که در مملکت مشروطه پادشاه مسئول باشد و اگر شاه بشوند بدون مسئولیت این خیانت بمملکت است برای اینکه یك شخص محترم و یك وجود مؤثری که امروز این امنیت و آسایش را برای ما درست کرده و اینصورت را امروز بمملکت داده اعت برود .بی اثر شود هیچ معلوم نیست کی بجای او میآید ؟ و اگر شما یك کاندیدائی دارید و کسی را پیش معین کردید بفرمائید ما هم به بینیم ؟ بعد از آنکه ایشان شاه غیر مسؤل شدند آن رئیس الوزرائی که مثل ایشان بتواند کار بکند و خدمت کند و بتواند نظریات خیرخواهانهٔ ایشان را تعقیب کند کی است ؟ اگر چنین کسی را آقای آقا سید یعقوب به بنده نشان بدهند بنده نوکر شما چاکر شما مطیع شما هستم من که در این مملکت همچو کسی را سراغ ندارم و اگر بود تا حالا سر در آورده بود پس امروز که این یك نفر از بین تمام مردم سر در آوزده و اظهار منیت میکند و خدماتی هم کرده است بنده بعقیده خودم خیانت صرف میدانم که شما یك وجود مؤثری را بلا اثر بکنید پس خوب است یك کسی که بتواند قائم مقام او بشود معلوم کنید بعد این کار را بکنید اول چاه را بکنید بعد منار را بدزدید این نسبت به امور داخلی اما نسبت به امور خارجی . البته در امور خصوصي اگر یك اشخاصی یك کارهائی کردند و یك زحماتی کشیدند یا اگر اشخاص یك

فداکاریهائی کردند آن را مفت و مسلم از دست نمیدهند البته در مجلس هم یك اشخاصی هستند که تجارت کرده باشند و اشخاصی هم که تجارت نکرده باشند میدانند وقتی که یك تاجری تجارت خانهٔ خودش را بیك اسم معروف کرد یا یك علامت صنعتی داشت که همه او را شناختند این تاجر آن اسم را تغییر نمیدهد برای اینکه آن اسم سبب شده است که مردم بآن اسم اعتماد داشته باشند بنده من باب مثل عرض میکنم که در اینجا یك دواخانهٔ بود معروف به شورین که خوب دوامی ساخت بعد از آنکه شورین آن دواخانه را فروخت و از اینمملکت رفت آن کسی که قائم مقام او شد اسم دواخانه را تغییر نداد چرا؟ برای این که مشتریان این دواخانه اعتماد بآن اسم داشتند و اگر این شخص میگفت که دواخانهٔ من دواخانهٔ بناطی است شاید مشتریان از بین میرفتند ولي یك چندی که گذشت و مردم که باین دواخانه داد و ستد کردند دیدند که بناطی هم مثل شورین است آنوقت اسمش را عوض کرد و دواخانه بناطی گذاشت . قانون اساسی ما از علامت صنعتی و اسم یك دارالتجارهٔ کمتر نیست . قانون اساسی ما بایك حوادثی تصادف و مقابله کرده است که این حوادث دریك قرن در این مملکت پیدا نشده است قانون اساسی ما وقتی بااین حوادث مقاومت کرد و خودش را معروف جامعهٔ ملل کرد اصولی را داراست که بموجب آن اصول تمام ملل اروپا میدانند اگر یك دولتي پیدا شود و یك عهد نامهٔ به بندد آن عهد نامه بموجب اصل ۲٤ قانون اساسی که میگوید (بستن عهد نامه ها اعطای امتیازات (انحصار) تجارتی و صنعتی وفلاحتی وغیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یاخارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهد نامهائیکه استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد) همه مردم میدانند یعنی جامعهٔ ملل میداند که باید بتصویب مجلس باشد . و همچنین اصل ۲۵ که میگوید (استقراض دولتی بهر عنوان که باشد

خواه از داخله خواه از خارجه بااطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد) این را هم همه خوانده اند وفهمیده اند اصل ۲۶ را هم که میگوید (ساختن راههای آهن یاشوسه خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت وکمپانی اعم از داخله وخارجه منوط بتصویب مجلس شورای‌ملی است) همه میدانند قانون اساسی یك اصولی را داراست ویك معروفیتی را پیدا کرده است که این معروفیت را بنده گمان نمیکنم در هر موقعی برای هر قانونی پیدا شود یعنی غالباً بایك مشکلاتی تصادف کرده وقتی آن اشخاصی که میخواستند باما یك معاهدهٔ بکنند بیك اصل قانون اساسی که رسیده اند دیده اند که یك قانون اساسی است و یك مجلس و یك تصویبي هم برأی مجلس لازم است . بنـا براین این قانون اساسی یك اصولی دارد که بواسطهٔ معروفیتش بعقیدهٔ بنده حتی المقدور تا یك قضیه حیاتی و مماتی پیدا نشود نبایستی تغییر داد . مگر با بودن یك شرایطی که لازم برای تغییر قانون اساسی است . خدایا تو شاهد باش من خدارا بشهادت میطلبم که عقیده ام را میگویم و تغییر قانون اساسي را مخالف باصلاح ملت و مملکت و اسلامیت میدانم . قانون اساسي را هر آدم مسلمانی و هر آدم وطنخواهی و هر آدمی که بشخص رضا خان پهلوی ارادتمند است و عقیده دارد باید برای صلاح و نفع مملکت حفظ کند اگر قانون اساسی متزلزل شد ممکن است مملکت بیك خرابی بیفتد که مطلوب نباشد آنوقت رضا خان پهلوي هم هر گونه حکومتی را دارا باشد مطلوب نیست . بنده قانون اساسی را یك قانون الهی‌نمیدانم که قابل تغییر نباشد بلکه قانون اساسي کار بشر میدانم وبشر هم باید او را تغییر بدهد ولی وقتی که یك ضرورت تامی پیدا کنند و تمام معایب و محاسنش سنجیده شود و عجله در کار نباشد و با اشخاصیکه خیر خواه مملکت هستند مشورت شود ولی نه با یك عجله وشتابی که امروز اگر این شجرهٔ خبیثه بیخ بر نشود مملکت فلان میشود این را بنده ضروری

و فوری نمیدانم . حالا بنده هم میگویم ضروری است ولی فوری نمیدانم که شما یك قانون اساسی را که در واقع استقلال ما را حفظ میکند و یك قانون اساسی که اسلامیت و قومیت ما را حفظ کند امروز که هزار طور ایرادات هست تغییر بدهید . بنده که صلاح نمیدانم والبته آقایان محترم هم مقصودشان این نیست که یك مواد قانون اساسی را تغییر بدهند که در سیاست بین المللی مؤثر باشد ولی عرض میکنم که اینطور تغییر دادن قانون اساسی یك سابقهٔ میشود که قانون اساسی را بکلی سست ومتزلزل میکند که هر ساعت یك نفر اراده کرد بیاید این اصولی را که بنده برای شما خواندم این اصولی که همه چیز ما را تامین میکند تغییر بدهند در صورتیکه مجلس رئیس نداشته باشد ویك وکلای بدون فکری فکر نکرده بیایند اینجا رای بدهند که ما میخواهیم قانون اساسی را تغییر بدهیم قانون اساسی یك چیزي نیست که یك کسي از توی خانه اش بیاید و بگوید میخواهم قانون اساسی را باید فکر کرد دید چطور باید تغییر داد؟ وچه چیزش را باید تغییر بدهید و درچه موقع میخواهید تغییر بدهید؟ بعد هم بنده عرض کردم شما که میخواهید آقای رئیس الوزراء را شاه بکنید ایشان یك وجود مؤثری هستند که میخواهید بلا اثر کنید خدایا تو را بشهادت میطلبم که آنچه گفتم عقیدهٔ خودم بود وآنچه درخیر مملکت است میگویم واین جا عتبهٔ آقایان را میبوسم ومرخص میشوم (خارج شدند)

آقاسید یعقوب ــ بنده اخطار قانونی دارم !.

نایب رئیس ــ بفرمائید

آقا سید یعقوب ــ آقای مصدق السلطنه نسبت به هفتاد و هفت نفر که یك مسئلهٔ را که حافظ حقوق ملت بود امضاء کرده اند گفتند بی فکر چطور میشود هفتاد و هفت نفر بی فکر باشند بنده خواستم عرض کنم که ایشان یك عبارتی بیان کردند که خارج از نزاکت بود و مطابق نظامنامه

باید توضیح بدهند .

نایب رئیس ـ آقای داور (اجازه)

داور ـ بندهٔ میخواهم اظهار تاسف بکنم از این مسئله که آقای دکتر مصدق السلطنه دراینجا تشریف ندارند که جوابهـای بنده را بشنوند . ایشان یك دلائلی بنظرشان رسید و گفتند از برای اینکه ذهن آقایان را متوجه کرده باشند بنـده هم این جواب ها را براي آقایان عرض می کنم . قبل از ورود در صحبت ایشان بنـده لازم دیدم که یك مختصر حاشیهٔ راجع به مذاکرهٔ یکی از رفقـای محترم خودمان آقای یاسائی بکنم ـ ایشان گویا در ضمن نطقشان اظهـار کردند کـه این اولین مرتبهٔ نیست که در قانون اساسی تغییر داده میشود بنده خیـال میکنم که مقصود ایشان هم اینطور بوده است که اینکاری که ما میکنیم واقعاً نقض قانون اساسی است وآن قسمتهائی که ذکر کردند بنده درش داخل نمیشوم فقط میخواستم این را عرض بکنم که یك سوء تفاهمی نشود . آقاي دکتر مصدق درهرکدام ازتکه‌های صحبت هایشان قسمی خوردند و بعد گـفتند که من مسلمانم وطن خودم را دوست میـدارم . بنده هم بدون قسم عرض میکنم که مسلمانم و گـمان میکنم آقایانی هم که این ورقه را امضاء کرده اند در اینکه مسلمان هستند نه خودشان شکی دارند و نه دیگران (بعضی از نمایندگان ـ صحیح است)

تمام گـفتگو های ایشان در قسمت اول راجع باین بود که من برخلاف مصالح مملـکت نمیخواهم رای بدهم البته هیچ وکیلی نباید حاضر شود که برخلاف مصالح مملکت رأی بدهند منتهی تمام صحبت در تشخیص است ایشان ممکن است همچو تشخیص بدهند که یك چنین پیشنهادی برخلاف مصالح مملـکت است و بنده هم خدا را شاهد میگیرم وعرض میکنم که این تغییر و این پیشنهاد موافق مصالح مملکت است مگـر

اینکه یك کسی پیدا شود و بگوید فکر و سیاست من بدرجهٔ قوی و عالی است که تمام مردم و وکلا باید تابع نظر و فکر و سیاست من بشوند وچون من تشخیص میدهم که این پیشنهاد برخلاف مصالح مملکت است تمام وکلا و مردم و هرکس هست . هر جا هست و بهر شکل و لباس است تمام باید نظر من را تعقیب کنند و الا از این شکل که بگذریم هرکس مطابق تشخیص خودش حق دارد یك مسئله را قضاوت کند ایشان اینطور تشخیص دادند که اینکار موافق مصالح مملکت نیست . بنده عرض میکنم ومعتقدم که مصالح مملکت دراین کار است واگر غیر ازاین بکنیم مصالح مملکت را زیر پا گذاشته ایم راجع به قاجاریه ورئیس الوزراء که اظهارعقیده فرمودند در این موضوع هیچ وارد نمیشوم ولی دو پایهٔ محکم در مذاکرات ایشان پیدا شد گفتند

(از نقطهٔ نظر داخلی و خارجی) بنده در این دو قسمت میخواهم چند کلمهٔ جواب عرض کنم فرمودند شما میخواهید بیائید این خانواده را بر دارید و آقای پهلوی را شاه کنید . اولا بنده نمیدانم در یك پیشنهادی که هفتاد امضا دارد این مسئله را از کجا پیدا کردند و بنده چون راجع به این پیش نهاد صحبت میکنم عرض میکنم در این پیش نهاد ابداً گفتگوی شاه کردن ایشان نبود بلکه حل این قضیه و ترتیب کار واگذار شده است به یك مجلسی که مجلس مؤسسان است یك نکتهٔ را ایشان فرمودند که اساساً صحیح بود فرمودند خوب وقتی که ایشان شاه شدند بایستی مسؤل باشند یا نباشند ؟ اگر مسؤل نباشند که این خیانت به مملکت است بنده کاملا موافقم و تصور نمیکنم که هیچکس در مملکت باشد که فکرش این قدر کوچك و عقب مانده باشد که تصور بکند دادن یك اختیار به دست یکنفر بدون هیچ جدی و بدون هیچ قانونی یعنی یکنفر بقول ایشان شاه باشد رئیس الوزراء باشد - رئیس عالی قواء باشد وزیر جنك باشد یك همچو چیزی نه تنها یك مسئله ایست که همه به او خواهند خندید

بلکه یك مسئله است بقدری واضح و مسلم که هیچ کس زیر این بار نمیرود بنده تعجب میکنم چطور ایشان که مدتی است در مجلس هستند و غالب ما ها را می شناسند درجهٔ فهم رفقای پارلمانی خودشانرا آنقدر کوچك تصور کردند که ممکن است اینطور فرض کنند پس این قسمت فرضشان مورد نداشت . فرمودند اگر ایشان بالا تر از این مقام رفتند که آن وقت وجود شان دارای اثر نخواهد بود بنده گمان میکنم که اینجا یکقدری بی لطفی کرده باشند مخصوصاً ایشان که مدتی در ممالك خارجه زندگانی کرده اند و شاه های خوب و بد دیده اند ما همیشه یك روال دیده ایم اما ایشان درنقاط دیگر دنیاهم زندگانی کرده اند و میدانند که بعضي مملکت ها هست که شاههای خوب دارند و بعضی جاها شاه های لایق دارند بعضی جاها یك شخص فوق العاده لایقی سلطنت میکند و آنوقت خودشان میدانند که چقدر آن شاه فوق العاده غیر مسئول وجودش مؤثر است و البته یك شاهی که علاقه داشته باشد و میل داشته باشد مملکتش بزرك شود و عظمت پیدا کند و درردیف ممالك بزرك عالم گذاشته شود و تشخیص هم بدهد که چطور باید این کار را کرد و هرقدر که قانوناً غیر مسئول باشد حتماً در عمل منتهی درجهٔ تاثیر را خواهد داشت . درخارج کتبي راجع به خیلی ازقضایای سیاسی بین المللی نوشته شده است از جمله اینکه سلطان که در فلان مملکت بوده است وقتیکه او آمده است سرکار این مسائل پیش آمده است و وجود مؤثر او بوده است که توانسته است این کارها را بکند خلاصه این درصورتی است که بفرمایند اگر ایشان شاه شدند وبدون مسئولیت جواب این بود که عرض کردم . حالا اگر ایشان یك شاهی باشند موافق قوانین ملل متمدنه و بطوریکه مشروطیت ایران تصویب کرده در اینصورت اگرچه قانون شاه را غیر مسئول قرار میدهد ولی در عمل قطعاً وجود آدم لایق و نالایق تفاوت دارد بعلاوه در اول این

پیش نهاد یك عبارتی بود که گمان میکنم ایشان بهش توجه نکردند نوشته
نشده بود که ما میخواهیم فلان کس را شاه کنیم نوشته شده بود که مامیخواهیم
این خانواده نباشند وبنا بر ضدیتی که از چندسال پیش ازاین دراین مملکت شروع
شده اول این خانواده را محدود کردند . مگر مشروطیت ایران غیر از
این بود که اول آمدند گفتند مشروطه و بعد حقوق برای ملت قائل
شدند و از آن روز کم کم بخصوص در این دوسال اخیر این بحرانی که
پیدا شده است اصل مقصود و نظر این است که اینها نباشند پس نباید
اول استدلال را برد روی یك قضیه که بعد باید بشود و یك فرضی گرفت
و آن فرض را اظهار کرد . در ابتدای پیش نهاد نوشته شده یك ضدیتی
با خانوادهٔ که امروز سلطنت دارند در این مملکت شروع شده و یك
بحرانی در مملکت تولید کرده است . حالا بنده نمیخواهم داخل بعضی
مسائل بشوم که از وقتی که این بحران شروع شده تا بحال چه قضایائی
در مملکت اتفاق افتاده ؟ از خوزستان گرفته تا آنطرف مملکت اگر بگردید
و ریشه اش را در بیاورید می بینید یك نواحی و مقاماتی هست که با
وجود اینکه دور هستند هر روز اثراتشان یك چیز هائی است که ما
می بینیم وهر روز مملکت را دریك زحمات فوق العاده می‌اندازیم درپیشنهاد ما
صحبت این است که برای خاتمه دادن باین بحران این خانواده رامنقرض بدانیم
و فکر بعد را بگذاریم برای یك مجلسی که مؤسسان باشد و اختیار از
طرف ملت داشته باشد و تکلیف قطعی را معین کنند که آیا باید شخص
پهلوی یا شخص دیگری باین مقام برسد ؟ اگر حرفی در این موضوع باید
زده شود باید در مجلس مؤسسان آنروز اگر یك کسی پیدا شد که در
آن مجلس آقای پهلوی را کاندید کرد آنوقت آقای دکتر مصدق یا کس دیگر
اگر آنجا بود باید بگوید که این بداست که ایشان هم شاه باشند هم
مسؤل و هم وزیر و بالاخره تمام این صحبت هائی که فرمودند آنروز
وقتش است و امروز وقتش نیست . حالا میرویم بقسمت خارجی بنده
تصور میکنم که اگر بقانون انتخابات و بسابقه رجوع میکردند و اگر به

نطق آقا سید یعقوب هم که در اول مجلس تذکر دادند مراجعه میکردند و البته در خاطرشان هست که این قانون اساسی را یکمرتبه دیگر در باغ شاه یکعده آمدند نشستند و تغییر دادند وآن اشخاص مردمی بودند که مصلحت مملکت را این طور تشخیص دادند و در آن روز آقای مشیر الدوله و آقای مؤتمن الملك ومستوفی الممالك که امضا ها شان الان هست وقتیکه نشستند نوشتند که نظر به پارهٔ ازمقتضیات جمعی ازخیر خواهان گفتند که قانون انتخابات باید تغییر بکند و این با چهار اصل از قانون اساسی مخالفت داشت به این جهة ما آمدیم و رجوع کردیم به انجمن آذربایجان و بالاخره آنروزی که این کار را کردند یك تغییر مهمتری در قانون اساسی داده شد . امروز حق سلطنت از افراد یك خانوادهٔ باید گرفته شود آن روز حقوق ملی درقسمت انتخابات عوض شد ویك عده آمدند و حق یکعده دیگری را که ملت است از بین بردند . بنده هم حرفی ندارم . مصلحت را اینطور تشخیص دادند ومجالس بعد هم قبول کردند ولی تعجب میکنم وقتیکه امروز راجع بحقوق یك اشخاصی صحبت میشود میگویند ما میدانیم که اینها خدماتی بمملکت نکرده اند ولی وقتیکه صحبت گرفتن حقوق آنها است یك حربهٔ بنام قانون اساسی در پیش چشم همه جلوه داده میشود بنده عرض میکنم خوب آن روزی که قانون اساسی دست بهش خورد اگر بنا ست آن اصلي که حقوق ما را در سیاست بین المللي حفظ میکنند متزلزل نشود پس چطور شد که با تغییر قانون اساسی از آن روز تا بحال یك قرار دادی نگذشت که بدون اطلاع مجلس باشد . گفتند ممکن است سابقه بشود و اگر دست بزنند باین عمارت ممکن است آسایش گاه ملت بر هم بخورد بنده عرض میکنم امروز هم به قانون اساسی دست زدند کی دست زد ؟ کسانیکه وجهای ملت بودند کجا دست زدند ؟ در باغ شاه . کی ؟ بعد ازتوپ بستن بهمین مجلس پس چطور شد آن روز هیچ خطری بهشان نرسید ؟ چطورشد

که امروز ما میخواهیم حقوق یك خانوادهٔ را (که بدون استثناء هیچکس نیست که بگوید من طرفدارم) از دستشان بگیریم آنوقت اصل راجع بخارجه را .باید پیش آورد ؟ حقوق خارجه سر جای خودش هست و یقین دارم تا وقتیکه ایران بکلی از شرافت بی بهره نشده نمیگویم ده نفر یا بیست نفر - تا وقتی که ایرانی بکلی از شرافت بی بهره نشده است به آن اصلی که قرار داد ها و مقاولات را موکول میکند به تصویب مجلس هیچکس پیدا نمیشود که جرأت کند بآن اصل دست بزند..

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

داور - پس در اینصورت لازم نیست که ما بیائیم و برای دفاع از یك خانوادهٔ که بی لیاقتی آنها را تصدیق میکنیم وارد شویم و قضیه را بخون سردی تلقی کنیم و بنا بر این بنده تصور میکنم آنچه باید در این موضوع گفته شود گفته شده و بیش از این مذاکرات لازم نیست

نایب رئیس - آقای دولت آبادی مخالفید ؟

دولت آبادی - بلي

جمعی از نمایندگان - مذاکرات كافي است.

نایب رئیس - بنده عقیده ام این است آقایان تأمل بفرمایند تا تمام آقایان مخالفین و موافقین صحبت خودشان را بکنند.

آقای دولت آبادی (اجازه)

دولت آبادی - مخالفت بنده با ترتیب تنظیم این لایحه و با بعضی از مواد آن است و چون مربوط میشود باساس کار از این جهت خواستم مخالفت خودم را عرض کنم. اینجا سه مسئله است که باید خوب توجه کنیم. یکی مسئلهٔ قاجاریه است. یکی مسئلهٔ رضا خان پهلوی رئیس الوزراء و رئیس عالی کل قواء است و یکی مسئلهٔ قانون اساسی است واینها مسائلی است که اینجا مذاکره کردند وهرکس دراینجا حرف میزند آقایان تصور میکنند که با قاجاریه همراه است این طور نیست.!!

آقا سید یعقوب ـ معنایش این است

دولت آبادی ـ خلاصهٔ من یکی از اشخاصی هستم که با قاجاریه مخالفم وسلطنت قاجاریه را منقرض میدانم وهرکس جمع بشود وبخواهد سلطنت قاجاریه را برگرداند دیگر نمیتواند حالا دیدی آقا سید یعقوب معنایش این نبود . . .

آقاسید یعقوب ـ خیلی خوب قربان شما:

دولت آبادی ـ بهتر این است که ادب را حفظ کنید نزاکت را هم حفظ کنید واز حدود خودتان هم خارج نشوید (صدای زنك نایب رئیس) نظم مجلس هم باینده نیست اگر باینده بود میدانستم چطور نظم بدهم. عرض میکنم روزی که مادهٔ ۳٦ دراین اطاق آخر مطرح شد ما در تحت فشار واقع شده بودیم که اسم آنرا بیشتر میشود فشار گذاشت تا اینکه حالا هست بما فشار آوردند که باید سلطنت در خانوادهٔ محمد علی میرزا بماند . . . . (آقای یاسائی اجازه خواستند)

دولت آبادی ـ خطاب به یاسائی بلی حالا فشار نیست خوبست اجازه نخواهید هیچ فشار نیست خوب همه میدانیم که فشار نیست و این حرفهائی که میزنند واهمه است . . .

یاسائی ـ واقعیت دارد .

دولت آبادی ـ خیلی خوب اما شما که دیشب بنده را احضار کردید درانموقع شب صلاحیت نداشت . خلاصه در موقعي که این ماده نوشته میشد بنده و جمعی مخالف این ماده بودیم اسم این ماده را گذاشته بودیم مادهٔ (ابتر) یعنی آخر ندارد ومعلوم نیست آخرش چیست ؟ بجهة اینکه بنویسد سلطنت ایران در شخص اعلیحضرت فلان سلطان محمّد علی شاه قاجار نسلاً بعد نسل یعنی چه ؟

اگر یك روز نسلی منقطع شد چه باید کرد ؟ این بود که بنده درآن مجلس بااین ماده مخالفت کردم وگفتم بنده همراه نیستم بااین ماده . خوب

آمدیم نسل پیدا شد ولی لیاقت نداشت آنوقت چه کنیم ؟ شاید اولاد ذکور نداشت پادشاه زن درست کنیم ؟ از این حرفها در آن مجلس بسیار زده شد که اگر در دفاتر مجلس باشد همه حاضر است و بنده از آن روز مخالف با این ماده بودم حالا هم مخالفم زیرا این ماده به ارادهٔ ملت گذارده نشده و به فشار گذارده شد !.

حالا برویم بمطلب پس پیش بنده هیچ اشکالی نیست که سلطنت درخانوادهٔ قاجاریه باشد یا نباشد چرا ؟ برای اینکه میدانیم این ماده اساساً غلط است معذلك وقتی که مات جمع شدند و شاه درست کردند بنده هم در اسلامبول بودم و تلگراف تبریکی هم مخابره کردم ولی حاج مخبر السلطنه حاضر است پهلوی من نشسته بود من گفتم سلطنت قاجاریه منقرض است گفت چرا ؟ گفتم برای اینکه پادشاه خودش به دست خودش این حق را از خودش سلب کرد و رفت زیر بیرق های اجنبی نشست . دوباره که بایران مسافرت کردم دیدم شاه بازی غریبی است و شاه در فرح آباد نشسته است و یك دستکش به دستش کرده است وقتی کاغذ به دستش میدادند میگفت بگذار آنجا . کتاب که به دستش میدادند میگفت بگذار آنجا مبادا میکروب به دستشان برود و دیگر قضیهٔ جنس بود که همین آقای ارباب کیخسرو قضیهٔ جنس را به بنده فرمودند و اظهار دلتنگی کردند که دست آخر بنده از جیب خودم پول گذاشتم و دادم بمردم خوردند برای اینکه پادشاه حاضر نشد جنس را خرواری ده تومان کمتر بفروشد این قضایا را تاریخ ضبط میکنند . بنده رفتم فرح آباد ایشان هم اعلیحضرت بودند چیز هائی است که در تاریخ چاپ میشود چرا اینجا بگویم . گفتم اعلیحضرتا کی شما را پادشاه کرده ؟ (شهاب الدوله هم ایستاده بود) گفت خدا . گفتم همه کار ها را بظاهر خدا میکند کی ها شما را شاه کردند ؟ گفتند ملت . گفتم آیا در میان شما و ملت یك قرار دادی یك نوشتهٔ ردو بدل شده است یا نه ؟ گفتند قانون اساسی . گفتم حافظ قانون

اساسی کیست ؟ گفتند ما . گفتم شما چطور حافظ قانون اساسی هستید ؟ در صورتیکه خود تان بقانون اساسی عمل نمیکنید ؟ گفت من همیشه سعی میکنم که مطابق قانون اساسی رفتار کنم . گفتم اما نشده است و نکردید اعلیحضرتا من بشما میگویم که اگر در این مملکت یك کسی پیدا شد که بهتر از شما باین کتاب رفتار کنند او پادشاه خواهد بود رنگش سرخ شد و گفتم که این را از قول خودم نگفتم بلکه از قول امیر المومنین علیه السلام گفتم که در شب وفات به حسین فرمودند (لا یستبقنکم احد بالعمل بالقران) این تمام شد بعد از آن وقایعی پیش آمد در مسئلهٔ قشون شرحی نوشتم جوابهای مزخرف دادند تابحال بنده همیشه میدانستم که این سلطنت از ابتدا اساسی نداشته است و حالا هم اساس ندارد ولی در عین حال ما دچار گرفتاری ها و ابتلائات و پریشانی ها و کشمکشها بودیم تا خدا خواست و شخص آقای پهلوی در اینمملکت پیدا شد یعني یك مرد در این مملکت پیدا شد بنده با ایشان آشنائی نداشتم رفتم آشنا شدم بعد از مدتی و چندین مجلس بامن صحبت داشتند دیدم مردی که علاقه به مملکت دارد و دلش میخواهد مملکت ترقي کند و جرات و قدرت هم داشته باشد همین آدم است در صورتیکه به بانك بلند میگویم (و حاجت هم نیست که بگویم) اهل استفاده هم نیستم و یك دینار مستقیم یا غیر مستقیم از شخص او بشخص من نفع نرسیده بلکه ضرر هم رسیده این آدم آمد و یك عملیات وکار هائی کرد امروز خودش را بجائی رسانده که مردمی که علاقه به مملکت دارند و دلشان میخواهد این مملکت هم همرنك دنیا شود و دلشان میخواهد که از این ذلت و کثافت بیرون بیاید متوسل شده اند باو میگویند آقا بیا وبه بد بختي ما خاتمه بده و یك چارهٔ برای ما بکن چرا در خانهٔ من و شما نمی آیند ؟ چرا میروند و باو میگویند ؟ برای این که این قدرت و توانائی را در او می بینند و در من و شما نمی بینند ما نمی

خواهیم برویم متوسل شویم به آن شاه پوسیده و به آن درباری که وقتی رفتیم باید اشك بریزیم بحال آن دربار!.

سال گذشته همهٔ آقایان حاضرند من چقدر مخالفت کردم که حقوق شاه ودرباریکی نباشد من میگفتم که این را تجربه کنند وماهی دوسه هزار تومانشرا بشاه بدهند که برود همانجائیکه رختخوابش گرم است بخوابد ومابقی را برای ترتیب وتنظیم در بارمصرف کنند حالا اینها باشد بنده از خدا میخواهم که شخص آقای رضا خان پهلوی ذمه دار امور این مملکت باشد و حقیقت و ثبات داشته باشد و هیچگونه خللی در اطراف آن نباشد بلکه بتواند کشتي چهار موجهٔ مملکت را بساحل نجات برساند. غیر ازاو دراین مملکت امروز نیست فردا شاید پیدا شد سلطنت قاجاریه منقرض است و رضا خان پهلوی رئیس این مملکت است و اکثریت مجلس هم رای میدهند و کار هایشان را خواهند کرد گر چه بنده آن لائحه را امضاء نکرده‌ام ولی اکثریت امضاء کرده اند بنده مانع اکثریت نیستم بلکه مطیع اکثریت هستم بنده چه کاره ام؟ بنده میخواهم حرف خودم را گفته باشم این کار بزرك که آتیهٔ مملکت ما کاملاً بسته بآن است یك کاری است که باید در داخله شخص آقای رضا خان پهلوی زیر پای خودش را طوری محکم به بینند که هیچگونه تزلزلی نداشته باشد وبداند که دنیا حامی اوست و دنیا او را بریاست این مملکت می شناسد این راجع به داخله اما راجع بخارجه قانون اساسی ما در مجمع القوانین که نسبت بهمهٔ دنیا هست گذاشته شده است علمای دنیا نشسته اند و همه نگاه میکنند و قلم ها را توی مرکب نگاه داشته اند که به بینند ما کجا را تغییر دادیم فوری در حاشیه اش بنویسند اینجا تغییر کرد. اما اگر پشتش بگوششان خورد که این تغییر یك اشکالات قانونی داشته که هنوز در میان مردم مسلم نیست آنوقت بکار اینجا ضرر میزند مخالفت بنده در این لائحه نه از بابت قاجاریه است. قاجاریه را رفته

و منقرض شده میدانم ونه ازنقطه نظر رضا خان پهلوی است او رئیس مملکت است و از خدا میخواهم سی سال چهل سال عمر کند وهمیشه رئیس مملکت باشد وکار این مملکت را بکند فقط قسمت آخرش که بنده را احضار کردند وقتی که رفتم دیدم امضاء نکردم قسمت دوم را هم همین طور قسمت سوم را یکقدری بیشتر باید در اطرافش فکر کرد که ناخوشی ذات البعد پیدا نکند این بود عرایض بنده و دیگر عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است

نایب رئیس ـ آقای دولت آبادی در ضمن بیاناتشان (لازم است بنده توضیحاتي بدهم) اولا اظهار کردند کشتی چهار موجهٔ مملکت البته همهٔ آقایان تصدیق میکنند که مملکت ما در نهایت امنیت و آسایش است (نمایندگان صحیح است) وهیچ موجی به کشتی استقلال مملکت سکتهٔ وارد نکرده و نمیتواند بکند (نمایندگان صحیح است) قسمت دوم اشاره کردند در وقتی که یکی از این اصول تغییر کند بعضی ها در ذیلش خواهند نوشت این را همهٔ آقایان تصدیق میکنند که هیچ اجنبی وملت اجنبی حق دخالت در امور داخلي یك ملتی ندارد . . .
(نمایندگان صحیح است)

جمعی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است

دولت آبادی ـ بنده توضیحی دارم

نایب رئیس ـ بفرمائید

دولت آبادی ـ اما درقسمت اول که فرمودید بنده مرادم از کشتی چهار موجه این نبود که طوفان در استقلال است بنده عرض کردم مملکت مارا دراین احوال حاضر دردنیای امروز پهلوی ملل دیگر که بگذارید می بینیدیك کشتي است که بشاهراه ترقي نیفتاده باید آنرا بترقی انداخت . اما راجع به قسمت دومش عرض کردم آن اشخاصیکه آنجا نشسته اند و نسخهٔ قانون اساسی

مارا دارند وقتی فهمیدند که قانون اساسی تغییر کرد تغییراتش را در حاشیه اش یادداشت میکنند نگفتم مداخله درقانون میکنند

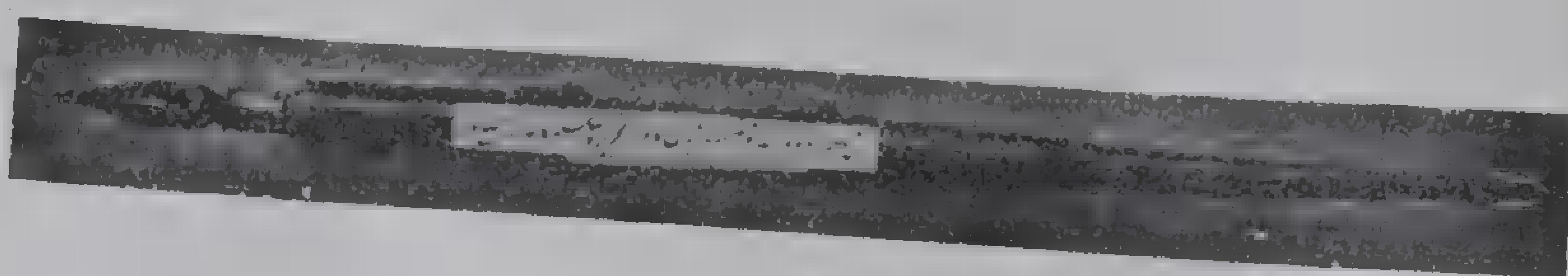
نایب رئیس - چند نفر از آقایان تقاضا کرده اند نسبت باین پیش نهاد با ورقه اخذ رأی شود قرائت میشود (بمضموی ذیل قرائت شد)

ما امضاء کنندگان تقاضا داریم در این موضوع رأی باورقه گرفته شود.

عبدالله یاسائی - دکتر امیر - دست غیب - اخگر - علیرضا الحسینی - کی استوان

نائب رئیس - یك ماده است ولي لفظ ماده ندارد بهتر این است ماده واحده نوشته شود بعضی از نمایندکان - قرائت شود (مجدداً بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم مجلس شوراي ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید؛



(مادهٔ واحده - مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعهٔ مملکتی به شخص آقای رضا خان پهلوی واگذارمینماید تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳٦ - ۳۷ - ۳۸ - ٤۰ متمم قانون اساس تشکیل میشود)

محمد هاشم میرزا - اجازه میفرمائید

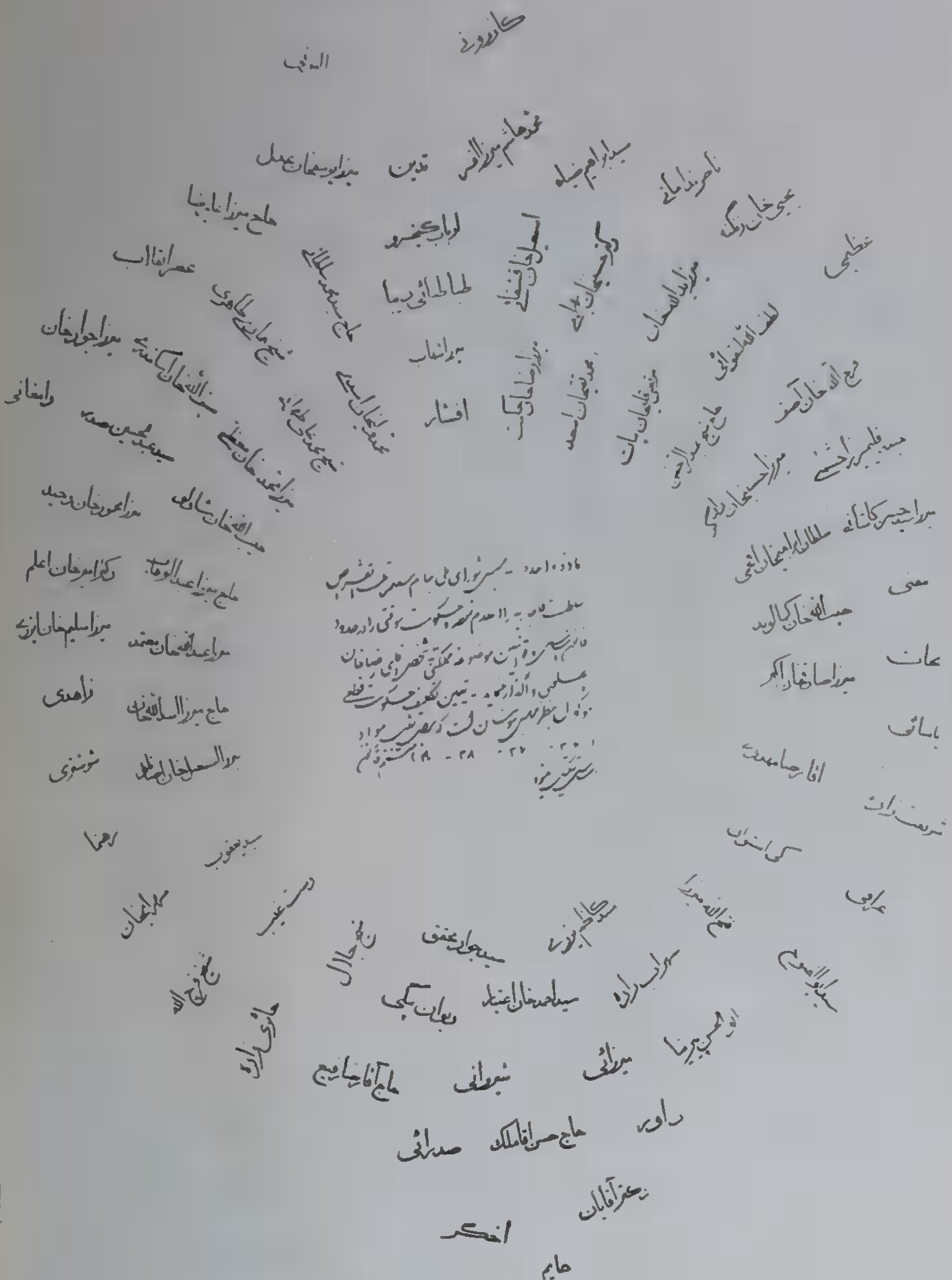
نائب رئیس - مذاکره دیگر نمیشود کرد فقط باسم ماده واحده است

نقض وابرام کافی بود - مذاکرات مثبت و منفی بقدر لزوم جریان یافت اینك کاسهٔ رای بمیان آمد!!



همان طوریکه بشر در زندکانی دارای حظ و نصیب است ــ در نشأه زندکانی یکی خوشبخت و دیگری بد بخت میشود این معنی نه در انسان تنها بلکه در تمام موجودات جاری است و نسبت مخصوصی با اشیاء دارد سابق یك مختصری از این فلسفه را کوشزد کرده ایم و بالجمله این معنی در سنت طبیعت جاری و یك ناموس غیر قابل تردید است آلات وادوات استحصالیه که بشر برای ادارهٔ زندکانی خود بکار می برد و با طبیعت آنرا مبنی بر یك سر مجهولی که هنوز ادراکات انسان نتوانسته موفق به کشف آن کردد برای موجودات حظ و نصیبی تقدیر نموده وتنها ارادهٔ شاعرانه و یا لاعن شعورانهٔ انسان نیست که آنها را از جائی بجائی نقل وازحالی بحالی تحویل میدهد وبه اندازهٔ پیش آمد احتیاجات سنکی را به کردن و یا کلوخی را زیر پا میکذارد مولوی در این قسمت بیان مخصوصی دارد که ما از چگونگی آن صرف نظر می نمائیم ولی این حقیقت در نظر ما مسلم و بهمین جهة می بینیم این کاسه رابطه و یا عداوت مخصوصی با قاجاریه داشته و دارد کاهی در تاریخ سوم شعبان ۲۹ برای اعدام پدر و درنهم

متعلق بصفحهٔ ۲۶۹



هشتاد ورقه رأی مثبت

آبان ١٣٠٤ برای محو و افناء پسر و قطع این سلسله دفعهٔ دیگر عرض وجود کرده و موقعیت خودرا بتمام معنی در زوایای تاریخ ثبت و یا حقیقت مرموزهٔ خود را بتمام معنی بروز میدهد

کاسهٔ رای بمیان آمد و آراء ریخته شد چه میدانیم چه چیز تراوش خواهد نمود؟

☆☆☆

آری - از کوزه برون تراود آبی که در اوست!

نظر بهمان فلسفه که بیان شد پس از شروع بشماره و استخراج اوراق همه سفید و هشتاد رأی از ٨٥ رأی در اطراف مادهٔ واحده هاله زده و مافی الضمیر خود را ابراز نمود

اخذ آراء بعمل آمد نتیجه اینطور حاصل شد : عدهٔ حضار (٨٥)

نایب رئیس - عدهٔ حضار هشتاد و پنج تصمیم مجلس و مادهٔ واحده باکثریت هشتاد رأی تصویب شد

اسامی رای دهندگان - آقایان - آقامیرزا شهاب - آقا سید یعقوب - کی استوان شوشتری - ابراهیم ضیاء - هایم - عراقی - یحیي خان زنگنه - آقا شیخ جلال نجات - یاسائی - حاج میرزاعلیرضا - حاج شیخ عبدالرحمن - مرتضی قلیخان بیات - آقاسید کاظم - لطف الله التقوی - ارباب کیخسرو - میرزا سلیم خان ایزدی - دست غیب - فتح الله میرزا - محمدتقی خان اسعد - حاج میرزا عبدالوهاب - میرزا محمد خان معظمی - حبیب الله خان شادلو - حاج میرزا اسدالله خان - میرزا یدالله خان - میرزا عبدالله خان معتمد - دیوان بیگی - سهراب زاده - آقا شیخ هادی طاهری - مفتی - حاج سید محمد سلطانی - شریعت زاده - محمد ولیخان اسدی - صدرائی - افشار - فرج الله خان آصف - حائری زاده - طبا طبائی دیبا - داور - شیروانی - ابوالحسن خان پیرنیا - کازرونی - محمد هاشم میرزا افسر - حیدر قلی میرزا حشمتي - دامغاني - میرزا اسمعیل خان اصانلو

سید ابوالفتوح ــ میرزائی ــ آقا شیخ فرج الله ــ دکتر امیر خان اعلم حاج حسن آقا ملك شیخ محمد علی طهرانی ــ میرزا یوسف خان عدل ــ میرزا رضا خان حکمت ــ المونی ــ آقا سید جواد محقق ــ آقا رضا مهدوی میرزا صادق خان اکبر ــ دکتر حسین خان بهرامی ــ سیف الله خان اسکندری سید عبدالحسین صدر ــ اسمعیل خان قشقائی ــ دکتر آقایان ــ عظیمی ــ سهراب خان ــ عصر انقلاب ــ رهنما ــ میرزا حسین خان دادگر ــ سلطان ابراهیم خان افخمی ــ میرزا جواد خان زاهدی ــ میرزا محمود خان وحید ــ حبیب الله خان کمالوند ــ اخگر ــ ناصر ندامانی ــ سید احمد خان اعتبار ــ میرزا سید حسن کاشانی ــ حاج آقا رضا رفیع ــ

نایب رئیس با یك متانت و قیافهٔ جدی که تا این دقیقه زمام انتظام جلسهٔ مهیب و با محکمهٔ وجدان ملت ایرن را در دست خود گرفته بود این جمله را با نهایت خون سردی (تصویب شد) بیان و جلسه را ختم نمود و با پس از ادای جمله مزبوره جلسهٔ رسمی و سکونت جدی پارلمان را هلهله و شادی بمبارد کرد که یك دفعه بی اختیار دستهای تماشائیان مانند توپ مسلسل بنای شلیك گذاشته صدای کف از سالون بباغ و از باغ به خیابان ها نفوذ و قسمت شرق شمالی شهر یك پارچه از صداي دست مرتعش و هوای مجاور بخود میلرزید

و بالجمله مادهٔ واحده از کاسه بیرون آمد و بنام فرمان در ورقه مخصوصی نوشته شد و با این قلم امضا گردید



(صاعقه)

در نظر داریم که پس از استخراج آراء نایب رئیس این جمله را گفته بود (تصویب شد) خیال میکنید اندازهٔ تاثیر این حرف چه؟ و دارای چه تاثیراتی بود ؟ ـ این جمله برقی بود که به دربار زد آتش سوزاني بود که از بهارستان شعله کشید و بمیدان سپه رسید فتیله توپی را که در وسط میدان گذاشته شده بود سوزانید تا بهنگام یك صدای مخوف ودهشت باری (بمبارد) هوا را خرق و ارتعاش مخصوصی در فضای طهران ایجاد نمود

(بمبارد)

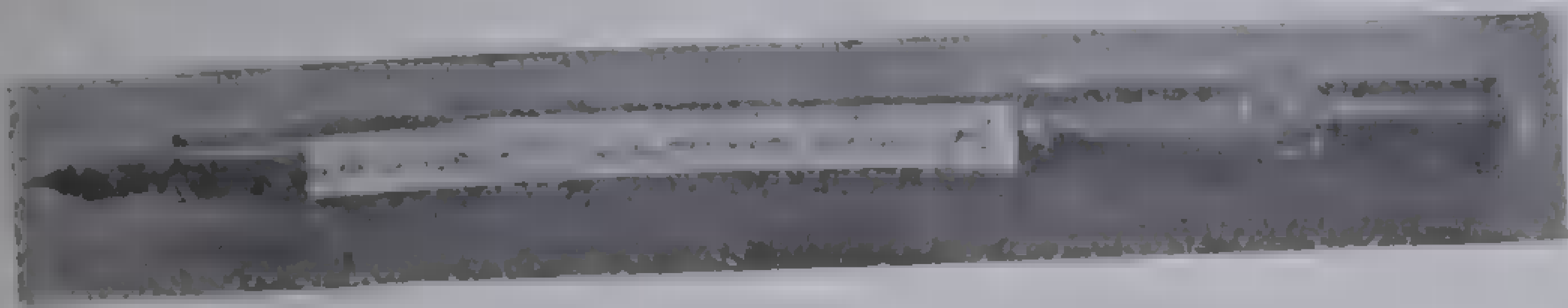
این صدای مخوف هوای مجاور راخرق ومحیطرا بلرزه درآورده ودراتموسفرپیچید شالودهٔ را که بنظر پا بر جا بود از پای درآورد و رویهم ریخت از درها و پنجره ها وشیشه های گلستان گذشت و در خط سیر خود همه چیز را زیر ورو کرد و تکان داد و به دل محمدحسن میرزا (ولیعهد مخلوع) خورد و در دهلیز قلب مسدود از عاطفهٔ وی چنان تاثیر شدیدی نمود که اثر آن زیادتر ازیك عرق خجلت و شرمساری چیز دیگری نبود که در پیشاني او ظاهر شد !

اوه ! چه تاثیر شرمگین چهرهٔ شاهزاده را زردی فرا گرفت و بالجمله بند دلش ازاین صدا گسیخت انقراض عزت را بالعیان دید و تلخی (ذق انك انت العزیز) را در کام شیرین خود حس کرد وآثار مرك ابدی عنوان وحیثیات خودرا مشاهده نمود و بافقدان تمام وسائلی که خداوند برای استفادهٔ بشر در طبیعت انسان گذاشته خود را عاری دید بی اختیار بخود لرزید بروی نیمکتی افتاد وبیخود گردید ! .

این طپانچهٔ که دست طبیعت به بنا گوش شاهزاده زد جز از رنك سیاهی درگونه چیز دیگری از خود باقی نگذاشت برقی بود که از اصطکاك دو قوّه جست وخرمن موجودیت اورا سوزانید ویکسره نابود ساخت!

(متحدالمآل یاجواب ملت)

چند دقیقه از ختم جلسه نگذشته بود که این قلم بکار افتاد و نتیجهٔ



گذارشات را بشکل متحد المآل تلگرافی توسط رؤساء تلگرافخانها به نقاط وخطوط اربعهٔ شرق و غرب جنوب و شمال و تمام ایالات و ولایات مخابره نمود

(تلگراف)

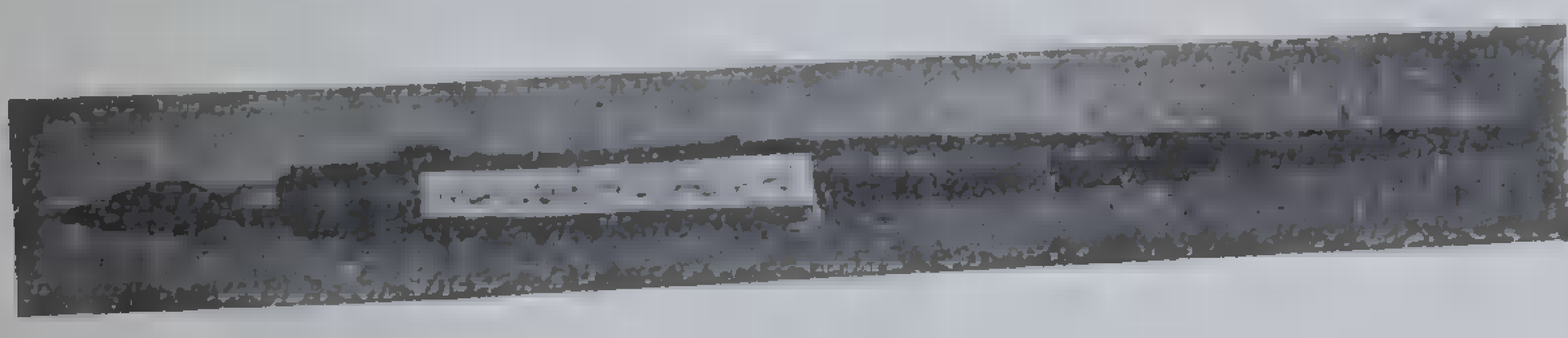
در اثر شکایات واصله و اظهار عدم رضایت عمومي مادهٔ واحدهٔ ذیل که در جلسه نهم ماه جاری بتصویب مجلس شورای ملی رسیده برای استحضار عموم اعلان میشود
(نایب رئیس مجلس شورای ملی تدین)

مادهٔ واحده ـ مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام وحکومت موقتی را در حدود قانون وقوانین موضوعهٔ مملکتی بشخص آقای رضا خان پهلوی واگذار میکنند تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر اصول ۳۶ ـ ۳۷ ـ ۳۸ ـ ٤۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود.

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه نهم ابان ماه ۱۳۰٤ شمسی بتصویب مجلس شورای مل رسیده

(نایب رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین)

شرح فوق نیز اعلام گردید و صورت جلسه با این قلم امضاء شد



(تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرِ إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْئٍ قَدِيرٌ)
این است سنت دیرینهٔ طبیعت که دراینموقع به احمد میرزا و محمد حسن میرزا واصول توارث سلسلهٔ قاجاریه بتمام معني تطبیق وبا دست طبیعت یکی کشته شد و دیکری زنده کردید !.
آری طبیعت سزای اعمال نکوهیده‌سلف را بخلف وخلف را به اعقاب آینده داده‌ومیدهد وبجزای نیات و اعمال‌خود میرساند ـ اینها را کشت و درعوض ملت ایرانرا زنده وجاوید نمود
(طفلان‌پدر کشته دیدیم جوان کشتند) (روی پدران شستند باخون بداندیشان)
اینهمه تبدلات و تحولات در آن واحد از رشحات یك جملهٔ (تصویب شد) بود که ملت را بفتح خود مطمئن ساخت و در آن واحد نگاه های تند و تیز و خیرهٔ ملت به بهارستان که با تمام معنی آن کاخ را تهدید میکرد مبدل به چهره های باز و لب های خندان و آغوش پر عاطفه کردید حیات لاشعوریه رفت و حس شاعره جایکیر آن شد نفرت رخت بر بست دورهٔ قدر دانی آغاز شد مردم نمیدانستند که چه بایدشان کرد ؟ ـ عرض و طول خیابان ها را کرفته و بی اختیار با هلهله و شادی‌بطرف تحصن کاه خود وخانهٔ (والا حضرت پهلوی) میدویدند و بیکدیگر تبریك میکفتند

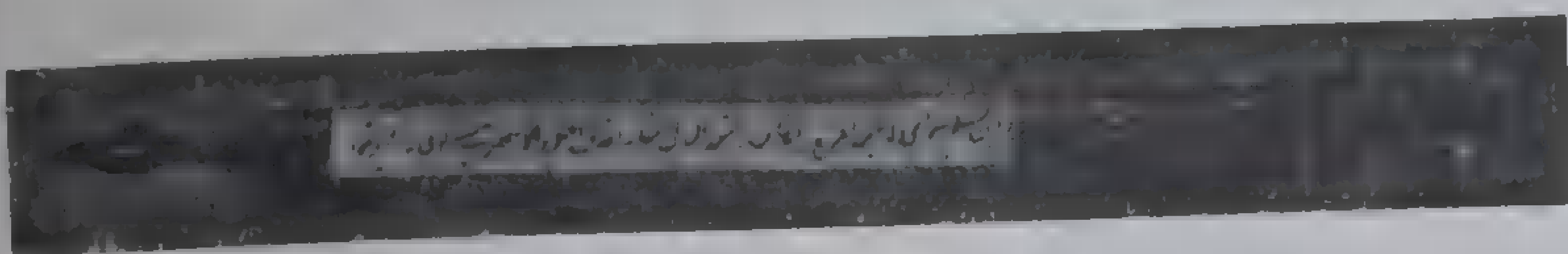
(دو ساعت بغروب)

دو ساعت بغروب مانده روز نهم آبان ماه است که فرمان حکومت موقت به (والا حضرت پهلوی) ازطرف ملت یعنی (مجلس شورای ملی)توسط یك عده از نمایندکان بپاس قدر دانی از زحمات چندین ساله وشکر کذاری حق نعمت اعدام رب النوع مخوف ملوك الطوایفی درزیر لواء امنیتی‌که دست با اقتدار (والا حضرت پهلوی) آنرا در بالای سر ملت ایران برکشوده تقدیم کردید

این فرمان تمام قدرت و معنویت ملت ایران بود که بنام ودیعه بیك شخص امین با صداقت و وفا دار تقدیم شد .

ملت ودیعه را با نهایت قهاریت و غضب از دستی گرفت و با کمال عاطفه و محبت به دست دیگری تسلیم کرد فقط بپاس خدمت و عظمت قدرت ایران بود که به یکانه فرزند با کفایت و صدیق خود داد به امید و اطمینان بحسن اداره و حفظ ودیعه

والاحضرت پهلوی ـ این ودیعه را با نهایت تکریم ازدست ملت قبول وسرپرستی خودرا بملت ستمدیده در متحدالمآل مخصوصی تنظیم و با این قلم امضاواعلام فرمود



(متحدالمآل)

از طرف والا حضرت پهلوی رئیس موقت

دولت علیه ایران

چنان که عامه سابقه دارند ازچندی باین طرف در تمام اطراف و اکناف مملکت در اظهار تنفر و انضجار از سلطنت قاجاریه و الغای آن نهضت عمومی ایجاد و احساسات ملی روز بروز شدید تر شده و طوری غلیان یافت که در مرکز نیز هیجان فوق العاده برای نیل باین آمال ملی بروز کرد و دنبالهٔ آن بجائی ممتد گردید که اگر مورد توجه عاجل واقع نمیشد قطعاً بانقلاب عظیم و عواقب وخیم منتهی می گشت دولت به پاس احترام آزادی افکار عمومی و احساسات ملی در تمام اینمدت بالمره رویهٔ بیطرفی را اتخاذ نمود تا عامهٔ اهالی و مجلس شورای ملی هر طریقهٔ را که موافق صلاح ملت و مملکت میدانند اختیار نمایند مجلس شورای ملی بنا بر موافقت با افکار عمومی متوجه لزوم خاتمه دادن به اوضاع و بحران مملکتی

شده و پس از چندی مطالعه و مذاکره در جلسهٔ شنبهٔ نهم آبان ماه انقراض سلطنت قاجاریه را اعلان نموده و ریاست حکومت موقتی را به اینجانب واگذار کرد تا اینکه مجلس مؤسسان به فوریت تکلیف قطعی حکومت آتیهٔ مملکت را معین نماید این است که در تعقیب رأی مجلس شورای ملی انقراض سلطنت را از آل قاجار و به دست گرفتن حکومت موقتی را بوسیلهٔ این اعلامیه رسما اعلان میکنم امیدوارم که تمام علاقه مندان به سعادت مملکت در حفظ مصالح عمومی با من کمك نمایند

(رئیس حکومت موقتی مملکت ورئیس عالی کل قوا ـ رضا)

متحد المال مزبور به تمام نقاط ایران اعلام گردید و از طرف وزارت خارجه عین آن بشرح ذیل در تحت نمره ۳۸۸ با این قلم

[redacted]

تحریر و تلگرافاً توسط مامورین خارجه وسفرای دولت علیه بتمام دربار های دول ابلاغ شد و نیز در تحت نمره ۱۳۹۲۱ مضمون ذیل را بسفارت خانه های دول متحابه مقیم دربار ایران اعلام گردیده است

«انگلیس ـ فرانسه ـ آلمان»
«ایطالی ـ بلژیك ـ ترکیه»
«روس ـ لهستان ـ افغانستان»
«مصر ـ آمریك»

(متحد المال بسفارتخانهای دول متحابه)

نهم آبان ماه ۱۳۰۴

نمره ۱۳۹۲۱

لزوماً خاطر محترم را زحمت افزا میشود که از چندی باینطرف در تمام مملکت در اظهار تنفر وانضجار از سلطنت قاجاریه و تقاضای الغای آن

نهضت عمومی ایجاد و احساسات ملی روز بروز شدید تر شده و دنبالهٔ آن بجائی ممتد گردید که اگر مورد توجه عاجل واقع نمیشد قطعاً بانقلاب عظیم و عواقب وخیم منتهی میگشت مجلس شورای ملی نیز که این وضعیات را تحت مطالعه داشت برای خاتمه دادن به بحران مملکت لزوم موافقت با افکار عمومی را متوجه شده در جلسهٔ شنبهٔ نهم آبان ماه جاری خلع سلطنت را از سلسلهٔ قاجاریه اعلام و ریاست موقتی مملکت را بوالا حضرت اقدس رضا خان پهلوی رئیس عالی کل قوا واگذارکردند تا اینکه مجلس مؤسسان تشکیل شده ترتیب قطعی را معین نماید موقع را برای تجدید احترامات فایقه غنیمت می شمارد .

(حسن مشار)

(سواد تلگراف متحد المال بسفارتخانهـا)

(و ژنرال قنسولگریهای ایران در خارجه)

مورخه ۱۰ آبان ۱۳۰٤

نمره ۳۸۸

از چندی باین طرف در تمام مملکت در اظهار تنفر و انضجار از سلطنت قاجاریه و الغای آن نهضت عمومی ایجاد و احساسات ملی روز بروز شدیدتر شده طوری غلیان یافت که اگر مورد توجه عاجل واقـع نمیشد قطعاً بانقلاب عظیم و عواقب وخیم منتهی میگشت مجلس شورای ملی هم که وضعیات را تحت مطالعه داشت برای موافقت با افکار عامه وخاتمه دادن به بحران مملکت در جلسهٔ نهم آبان ماه خلع سلطنت از سلسله قاجاریه را اعلام و ریاست موقتی مملکت را بوالا حضرت اقدس رضا خان پهلوی رئیس عالی کل قوا واگذار نمودند تا اینکه مجلس مؤسسان تشکیل شده ترتیب قطعی را معین نماید .

(حسن مشار)

«والا حضرت پهلوی در مدرسهٔ نظام»
«از ملت پذیرائی می کنند ــ مردم با»
«یك اشتیاقی خود را بروی قدم های»
«ایشان می اندازند و بایك سیمای رأوفانه»
«نوازش می نماید ــ از چادری بچادری»
«از اطاقی باطاقی می رودو ملت خود»
«را تفقد و دل جوئی میکند»



(والا حضرت پهلوی در امواج احساسات)

پس از تقدیم فرمان شلیك توپ قبول سمت ریاست حکومت موقت را برسمیت قاطعه اعلام و تمام ملت بدر خانهٔ رئیس مملکت هجوم و غوغای غریبی بر پا گردید و روح دیگری در ابدان دمید ــ نفخهٔ مخصوصی بود که ملت را بادای وظیفه و ابراز حسیات درون وادار کرد ازدحام نه بطوری بود که بتوان تقریر کرد و از چند قطعهٔ عکس که در یك

قسمت های مخصوصی از گوشه و کنار گرفته شده و عیناً گراور میشود چگونگی ازدحام بدست خواهد آمد

تمام متحصنین و عموم ملت با یك صمیمیتی میخواستند رئیس دولت را زیارت و عرض تبریك گویند و این مسئله با پذیرائی انفرادی و طبقاتی غیر ممکن بلکه محال بود والا حضرت پهلوی تصمیم نمود که خود وارد جمعیت گردیده و از ملت پذیرائی نماید



(والا حضرت پهلوی در طوفان عواطف)

در این چند روزه ایام انقلاب شخص پهلوی غالباً در عمارت ییلاقي بسر مي برد واگرهم درشهربود بهیچوجه کسی نمی توانست اورا ملاقات نماید و مخصوصاًاز مردم کناره گیری مي نمود حتی مشهور شد که عصرهشتم آبان پهلوی از طهران خارج و بسر کشی مازندران و نقاط شمالی رفته است و بالجمله در این چند روزه مردم نمی‌توانستند ایشان را ملاقات نمایند و اگر ملاقاتی می افتاد فوق العاده محدود و با نهایت خون سردی دست میداد باین سابقه حالا شخص والا حضرت پهلوی قدم بداخلهٔ جمعیت گذاشته

و خود را تسلیم امواج احساسات ملت کرده است



(در خانهٔ والا حضرت پهلوی)

از داخل خانهٔ شخصی جمعیت پهلوی را سینه کرده و دست بدست در روی سر و سینه با غریو و هلهله و شادی بمدرسه آورده و عنان اختیار



(والا حضرت پهلوی در تلاطم قدردانی)

از دست رفته جمعیت است که رئیس مملکت را در آغوش گرفته و

بتمام معنی روحیات و حسیات خود را شاباش و نثار می نمایند چه آنکه ملت چیز ندیده دیده رئیس مملکت بر خلاف عادات دیرینه گذشتگان پردهٔ استتار را دریده و بدون حاجب و پاسبان و یساول و فراش و شاطر مانند یك پدری که از عائلهٔ خود پرستاری و تفقد نماید در داخل توده دارد عواطف خود را بملت خود هدیه و ملت نیز مقابله بمثل نموده و دارد موجودیت خود را به پرستار خود فدیه مینماید :



(والا حضرت پهلوی در کوران شفقت)

این پذیرائی فقط از نقطهٔ نظر نوازش یك مایهٔ امید از امید واران وشفقت یك پدر با عاطفه و مهربان از فرزندان بلا دیدهٔ خود تلقی گردید چه آنکه سالیان دراز بود که ملت ایران در حسرت و آرزومند یك ساعتی بود که بتواند سر پرست خود را دیده و اورا در آغوش گیرد اینك آغوش ها باز و دست ها دراز جمعی زیر پا می رفتند و جمعی مایهٔ امید خود را دست بدست می بردند

از قطعات عکس هائیکه در آن دقایق شیرین از امواج متلاطم عواطف ملي برداشته شده یك حقیقت بخوبی محرز می گردد که عبارت از این خواهد بود که (هر کس با اراده و اعمال و نیات خود می تواند محبوب و یا مبغوض گردد)

متعلق بصفحهٔ ۲۸۱



یك منظرهٔ با شکوه ـ والاحضرت پهلوی رئیس مملکت از ملت پذیرائی میفماید

☆☆☆

چیزیکه این معنی را باتمام دلائل اثبات می نماید همانا اعراض وانقطاع ملت است از یك سلسلهٔ صد و پنجاه ساله و توجه اوست بیك شخصی که فقط (فعالیت ـ عزم ـ اراده ـ ثبات ـ استقامت ـ وطن دوستی ـ ملت پرستی) معرف اوست و در ظرف مدت پنجسال باتحمل ناملایمات و تحریکات دربار وفقدان تمام وسایل دست ایرانی را گرفته واز زیرگلیم خواب باوج سعادت و هشیاری رسانیده است :

بنا براین نباید انتظار داشت که ملت اخلاقي ایران پروانه وار بدور شمع قامتش گشته واز شدت اشتیاق و علاقه و قدردانی خود را تقدیم پرستار خود نماید ؟ :

والا حضرت پهلوی بجایگاهٔ واطاق تمام طبقات متحصنین وارد گردید وباتفقد و دلجوئی افراد را امیدوار بعدالت وروز سعادت نموده و باقبول تبریکات ملت دست باقدرت خود را بسر وصورت داغ دیدگان و متحصنین کشیده ووارد اطاق مخصوص متحصنین آذربایجان باسالون (کمیسیون نهضت) گردیدند باقرباىجانیان اجازهٔ جلوس داده و پس از استماع تبریکات و اظهار امتنان و وفاداری ازباغ مدرسه خارج شدند

﴿ جشن وچراغانی ﴾

ملت بشکرانهٔ فتح وفیروزی بنای جشن و چراغانی گذاشته و چون بکام خود رسیده بود دیگر برای توقف در مدرسه و تحصن مجالی باقي نبود هرکس پی کار خود راگرفت وآئین چراغانی را بمیان آوردند تحقیقاً تاکنون کسی نظیرآنرا درخاطر ندارد و طهران یك پارچه آئین بندی و تزئین گشت وشب تار مبدل بروز گردید



(جشن وچراغانی در بلدیه)

طبیعت نیز بمساعدت ملت که یك قرن و نیم در ماتم وعزا بود و همیشه می گریست وحالا میخواهد بخندد و شادمانی نماید بنای چراغانی گذاشت وماه شب چهاردهم ربیع الثانی که مطابق با دهم آبان بود از افق سر کشید یابقول حکیم (عمر خیام)

(مهتاب بنور دامن شب بشکافت) (می خورکه دمی بهتر ازین نتوان یافت)

قرص ماه باستارگان بنای عشقبازی گذاشته و از یك بعد لایتناهی چشم می توانست اصول معاشقه یاچشمك بازی و عشوهٔ وغمازی طبیعت را تماشا نماید.

هوا آرام وملایم نور ماه حسیات عاشقانه را تحریك کرده ملتی که یك قرن و نیم درحبس بود اینك آزاد ومشغول جشن وتفریح است فصل درختان را لباس الوان وارغوانی پوشانیده نور ماه از خلال درختان نفوذ کرده و سایه روشني که ذوق عاشقانه اندازهٔ لطافت آنرا می تواند تقدیر نماید تهیه کرده ودسته های موزیك درهر چند قدمي باترانه های ملی باتمام معنی آثار عظمت تاریخی جشن (سده) را پس از قرنهای



(جشن و چراغانی تجار و تعظیم و کرنوش در برابر تمثال باوقار والاحضرت پهلوی)

متمادی یك مرتبهٔ دیگر بذاکرهٔ ایرانیـان انداخت و دسته دسته مردم
باسرود های ملی در تردد ویاد از عظمت گذشته وبرای آیندهٔ خودآرائی
می نمودند و از ملاحظهٔ چند کلیشه گراور حقیقت و معنویت این جشن
معلوم میگردد

☆☆☆

روبهم رفته یك چنین جشن باعظمت و شکوهی‌را کسی ندیده و تاریخ
درخاطر نداردد در تمام خیابانها وکوچه وبازارهاطاق هاي نصرت بسته شد ودر
ودیوارتزیین گردید وسه شب تمام جشن وچراغانی دائر بود



(جشن وچراغانی در نظمیه)

از همه مهم تر آنکه مجلس شورای ملی بافتخار ملت مجلس جشنی برپا نمود
و بقدردانی یك چنین شـادمانی والاحضرت پهلوی حضور خود را در
جشن اعلام و در سالون کتابخانهٔ مجلس که اطاق مخصوص پذیرائی والا
حضرت بود حضور بهمرسانید تمام سفرا ونمایندگان خارجه حضور داشتند
و رئیس مجلس شورای ملی (آقای تدین) خطابهٔ ذیل را در مقـدم
والاحضرت و مجلس جشن ابراد نمود

شب سیزدهم آبان

(والا حضرتا)

مجلس شورای ملی بابهترین شعف وشوقی که زینت این ایام سعادت فرجام وساعات فرح بخش است مقدم همایون والا حضرت اقدس را استقبال و پذیرائی نموده بسی شادمان است که سعادت تاریخي و نیکبختی ابدی مملکت باستانی را دراثر افکار علاقه مندانهٔ بی آلایش اعضای خود بکف باکفایت آن والا حضرت تفویض وترقیات آتیهٔ وطن مقدس را در پرتو عظمت و فداکاریهای آن ذات خجسته صفات تأمین کرده است

والا حضرتا مجلس شورای ملي کاملا اطمینان دارد که ایام خفت بار گذشته درنتیجهٔ عملیات قادرانه ومجاهدات بی پایان آن والاحضرت بروزگار درخشانی تبدیل گردیده و باکمال قوت قلب میتواند عموم ملت ایرانرا بازدیاد سعادت وتعالي و ترقیات روز افزون مملکت و عده قطعي داده و بانهایت امید واري حسن موفقیت و مزید توانائی و قدرت والا حضرت را از درگاه عظمت احدیت مسئلت می نماید .

بر حسب رسمیت مجلس و مراعات اصول ثابته لازم بود که والاحضرت اقدس رئیس حکومت موقت در جواب بیانات رئیس مجلس شورای ملی که بنام ملت ایران این پیش آمد را تبریك و تهنیت گفته خطابهٔ ایراد کرده باشند این بود که سر پا ایستاده و تمام نمایندگان و سفرا و حضار

باحترام بیان در حالت رسمی سر پا ایستادند و این خطابهٔ ملوکانه را که شایسته یك رئیس حکومت محبوب و علاقه مند به ترقی و تعالی وطن و ملت خود میباشد ایراد نمودند

(آقایان نمایندگان)

از احساساتی که آقایان محترم دراینموقع نسبت باینجانب ابرازمینمایند ممنون وسپاسگذارم

نیت ملت نجیب ایران ومنتخبین آن همانا اعاده و استقرار سعادت و عظمت تاریخی وطن است اینجانب بحمدالله تعالی در این نیت مقدس کاملا شریك بوده وهستم وعملیات من درگذشته شاهد این مدعا میباشد وامید وارم درآینده نیز چنانکه منظور نظر است ظاهر شود

گرچه تاکنون ترقیات عمده راجع بقوه وقدرت دولت حاصل شده ولیکن بر خاطر من پوشیده نیست که هنوز در امور مملکت خاصه نسبت بمسائل اقتصادی وقضائی ومعارفي اصلاحات عدیده ضرورت دارد رجاء واثق دارم که با احساسات سرشار واشتیاقي که در عامه وخصوصاً درآقایان نمایندگان برای نیل باین‌مقاصد مشاهده میشود درفراهم ساختن موجبات آن درهرگونه مجاهدت وفداکاری مضایقه نشده وموفقیت کامل وعاجل حاصل گردد

در خاتمه سعادت وعظمت وطن‌را ازخداوند مسئلت مینمایم .

در پایان خطابهٔ حاضرین جلسهٔ جشن بایك شعف روحی مدلول آنرا با یك ایمان و عقیدهٔ و اطمینان که تأثیر آن را حتمی الوقوع میدانستند شادمانی نمودند و ما برای کسانیکه در طهران نبودند و اعقاب آینده که فقط برمز تاریخ انقراض یك سلسله و نصب والا حضرت پهلوی را در راس قوه اجرائیه مملکت ایران استنباط مینمایند و از چگونگی تبدلات و تظاهرات .. اطلاع خواهند بود گراور های طاق نصرت و خیابان های تزیین شده را در کتاب خود برسم علامت و نمونه یادگار میگذاریم تا چگونگی پیش آمد را استنباط نمایند



(جشن و چراغانی در بانك شاهنشاهي)

فعلا طهران را در بحبوحهٔ جشن و شادمانی گذاشته و میخواهیم بطرف نقطهٔ مهمی که اطراف آن را حوادث احاطه کرده و روی آنرا غبارهای تیره روزی پوشانیده برویم و ببینیم بعد از ظهر نهم آبان در آنجا چه وقایعی اتفاق افتاده است ؟

☆☆☆



(جشن و چراغانی در دواخانه سپه)

☆☆☆

(کاهی غم و کاهی سرور باعث فراموشي است)

محبوسین یك قرن و نیم ایام تیره روزی تلخ کامی را فراموش کرده و در امواج عیش و نوش میگذرانند و با شادمانی و فتح و فیروزي دشمن را فراموش کرده و فعلاً مشغول خوش گذرانی است!

ما فراموش کار نیستیم و مقصد دیگری داریم و برای آیندکان میخواهیم درس عبرتی تنظیم و کلاس تربیتی تشکیل ومعلوم بداریم که نسل معاصر در تامین زندکاني اعقاب آینده خدمت کرده همانطور که گذشتکان برای نسل معاصر قدمی رو بسعادت برنداشته بودند.

از نقطهٔ نظر تاریخ حقایق را نکته به نکته ثبت وقضاوت را به آینده واگذار مینمائیم این نقطهٔ را که ما در نظر گرفته و میخواهیم بطرف آن سیر کنیم خیلی خطرناك و مخوف است!

شب است از دالان های پرپیچ وخم ودهلیز های مرطوب و دخمه های

تاریك خواهیم گذشت ! و بیك پیش آمد شومی مصادف خواهیم شد و بیك مقام مقدسی خواهیم رسید که بایست در حریم آن احرام بسته و عوض پا و قدم با سینه و دست راه برویم.

ما که نمیتوانیم پای بی ادبانه بروی قبر (وکیل الرعایا کریم خان زند) گذاشته بگذریم ما ازعالم ملکوت از روی عقیده و ایمان این فرمان را (فاخلع نعلیك انك بالواد المقدس طوی) میشنویم گرچه دیگران پنبهٔ غفلت بگوش خود گذاشته وازسفیر صور اسرافیل قضاوت وجدان بی خبر بودند!

این نقطهٔ که ما در نظر گرفته مخوف و مخزن اسرار و فجایع است کسی را نیز نمیتوانیم همراه خود برداشته و وارد این بیغوله ولی بعقیده ملت ایران (مذبح حق و عدالت یا مدفن حریت و آزادی) گردیم

از قضا کسی هم حاضر نیست که ازخیابان های با شکوه و مزین ودلفریب و آئین جشن و چراغانی صرف نظر نموده واز ترانه های عاشقانه وآهنك های دلفریب سرود های ملی چشم وگوش پوشیده ووارد جا های مخوف وخطرناك گردد که عوض ترانه ها با صدای جغد و یا حرکت خزنده ها مصادف گردد

و بالجمله مقصد ما مهم تر از آنستکه مرعوب خیالات بختك نما گردیده و از کابوس وهم مضطرب باشیم میرویم و اسرار تاریخی را کشف و تحصیل مینمائیم وآنچه راکه در روز نهم آبان اتفاق افتاده در ضمن اسرار شب برای شما نقل می نمائیم

(تاریکی یاانتقام)

در این شب نورانی که زوایای طهران بانور ماه و چراغ های برق روشن است فقط یك نقطه در اعماق ظلمت و امواج تاریکی بر وحشت هر دقیقه بقعر بیم و هراس فرو میرود!

هر اندازه ماه میخواهد اعمال نفوذ کرده و نور خود را باین منطقه بگستراند دیوار های کج و کوله باسایه های مخوف خود مقاومت نموده و جلوگیری میکنند!.

در این ایام متمادی نه تنها نور ماه و آفتاب نتوانسته باین منطقه تابیده و بر حسب تاثیرات طبیعی خود استفاده بدهد بلکه ساکنین این منطقه نخواسته اند از طبیعت نیز استفاده نمایند و مانند برهمنان در مرز و بوم برهمنی گذرانیده ـ نور حق و عدالت و وجدان هم باین محوطه سرایت نکرده است !.

مثل این است که طبیعت بخیال انتقام افتاده و پس از قضاوت احکام عادلانه خود را بموقع اجرا گذاشته نور های مصنوعی چلچراغهای خرید اروپا باقرض های کمر شکن را گرفته و اطاقهای روشن شهوترانی را محکوم به حبس تاریك کرده است اینك در این شب تمام نقاط روشن فقط دربار قاجاریه تیره وتار و دالان های پر پیچ وخمش حکایت از عقاید و افکارساکنین آن مینماید!.

گلستان بحال وحشت افتاده !.ـ وبه تیرگی شب مخوف و هراسناك درخت های انبوه و سایه دار مساعدت کرده و در دل تاریکی این دهشت کده را بوحشت انداخته هول و هراس از در و دیوار آن می بارد ـ این باستیل عقاید و افکار منظرهٔ مخصوصی بخود گرفته و بایك قیافهٔ عبوس بمحیط طهران تماشا مینماید!.

و بالجمله میخواهیم بطرف دربار قاجاریه برویم .

حسب الامر والاحضرت پهلوی دو ساعت بعداز ظهر شنبهٔ نهم آبان ماه ۱۳۰٤ مامور شدم که دربار را تحویل گرفته وخانوادهٔ سلطان‌مخلوع‌را بیرون نمایم دو ساعت و ده دقیقه از ظهر گذشته بود که وارد عمارت سلطنتي شدم مشکوة الدوله پیشخدمت احمد میرزا را خواستم و به محمد حسن میرزا (ولیعهد مخلوغ) که در غیاب احمد میرزا در ظرف سه سال قائم مقام

او بود و در پس پرده هزار رنگ به آب می زد اخطار نمودم که فوراً تهیهٔ مسافرت خود را دیده و همین شب از طهران خارج و بطرف اروپا حرکت و به برادر خود ملحق گردد.

موقعیکه من وارد شدم شوفر محمد حسن میرزا نیز میخواست از دربار خارج گردد بمشار الیه امر شد که بلا تاخیر اتوموبیل را تهیه و حاضر نماید و یکنفر مامور را تعیین نمودم که شوفر را تحت نظر گرفته و برای اتوموبیل بنزین و روغن تهیه نماید

آغا باشی (معتمدالحرم) نیز احضار و تاکیـد شد که هر چه زودتر اندرون را تخلیه و اسباب های شخصی خود را نیز از دربار بیرون برد و تا صبح این امر حتمی الاجراست

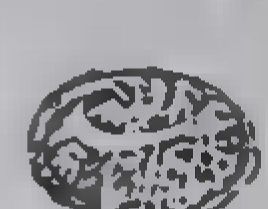
بلافاصله اوامر بموقع اجرا گذارده شد در این بین صاحب جمع جواب پیغام را آورد که (والا حضرت ولیعهد) بگوئید محمد حسن میرزا: بله ـ اظهار میفرمایند برای رفتن حاضرم ولی وسائل حرکت را ندارم پول هم ندارم تالوازم حرکت را تهیه نمایم و در صورت امکان طالب ملاقات و مذاکرات دوستانه دارد و اینطور میگوید چهل هزار تومان از دولت طلب دارم ممکن است از این بابت وجهی بدهند بعلاوه قرض و کارهای شخصی دارم که باید کسی را مامور تصفیه امورات خود نمایم

جواب دادم ملاقات ممکن نیست مذاکرات دوستانه نیز با هم نداشته و نداریم امر بندگان اعلیحضرت پهلوی است که باید بموقع اجرا گذاشته شود فوراً یکنفری را برای تسویهٔ امور و محاسبات خود تعیین و حرکت نمائید و کار های شما انجام خواهد شد و اگر عرایض دیگری داشته باشید بعرض والاحضرت پهلوی خواهد رسید

صاحب جمع مثل این بود که بحوادث معتقد نبوده و یا خود تجاهل مینمود و یا برای اثبات فدویت و یا تجویز تقلید بقابر میت اظهار داشت این مسائل را بوالا حضرت ولیعهد ـ اخطار شد بگوئید محمد حسن میرزا

از طرف که ابلاغ کنم؟ و این امر حرکت از طرف کیست؟ جواب داده
شد در تفهیم و فهم قبلاً خود را مستعد نموده بدانید از طرف بندگان
والاحضرت پهلوی این احکام ابلاغ میشود
ساعت دو ونیم بعد از ظهر بود که موثق الدوله (مغرور میرزا) وزیر دربار
سابق که قبلاً بوسیلهٔ تلفون احضار شده بود حاضر شد و بایشان اظهار
شد هر چه زودتر رؤساء مسؤل دربار را حاضر نمائید که فوراً اشیاء
سلطنتی و اطاق ها باید مهر و موم شود!
روز شنبه بود ولی دربار تعطیل بود و جز چند نفر پیشخدمت و عبدالله
میرزا (سردار حشمت) کالسکه چی باشی و ابراهیم خان صدیق همایون
کسی دیگری حاضر نبود و بوسیلهٔ تلفون چند نفری حاضر شدند و با حضور
حاج عدل السلطنه صندوق خانه و با حضور سردار حشمت کالسکه خانه
و با حضور عین السلطان آبدار خانه و چون قهوه چی باشی حاضر نبود
با حضور صدیق همایون درب ها مهرو موم گردید
سرایدار خانه نیز با حضور صدیق همایون مهر و موم شد موثق الدوله
حاضر بود که خزانه نیز مهرو موم شد و بالجمله تمام ابنیه و اثاثیه
دولتی با حضور رؤساء مربوطه به مسؤلیت خود آنها تحت ضبط وتوقیف
در آمد و این مهر کار خود را کرد و دست توقیف را بروی آنها گذاشت.





مهر امیر طهماسب عبدالله خان حاکم طهران اثاثیه سلطنتی
ودربار را توقیف ومخزن ها را
ضبط نمود

اشخاص جزء جمع و غیر مسؤل از قبیل پیشخدمت و فراش و اجزاء

خلوت اجازه یافتند که چنانچه بخواهند از دربار خارج شوند در این موقع صاحب جمع از طرف محمد حسن میرزا پیغام آورد که اجازه دهند سهم الدوله برای تهیهٔ یکهزار تومان وجه از دربار خارج شود اجازه داده شد که بمعیت یکنفر صاحب منصب بیرون رفته و مقصود خود را انجام دهد در این موقع کار دربار خاتمه یافت و هر چه بود تحت تصرف در آمد و باتفاق سرتیپ مرتضی خان و سرتیپ محمد خان که همراه من بودند بملاقات محمد حسن میرزا رفتیم و به صاحب منصب مامور قراول های دربار دستور لازم داده شد که پس از ملاقات ماجز چند نفر نوکر شخصی محمد حسن میرزا که باید همسفر وی گردند کسی حق ملاقات با مشار الیه را ندارد ولی این نوکرها نیز با حضور مأمور فقط میتوانند ملاقات کنند

راه افتادیم تا درب اطاقیکه محمد حسن میرزا توقف داشت پیشخدمت ها قبلاً درهائی را که در یک قرن و نیم بروی ایرانیان بسته و نمایندهٔ عقاید و افکار و احساسات قلبی ساکنین این نقطه پر پیچ و خم دور از عاطفه و عدالت بود پشت سر هم بروی ما باز مینمودند در مشاهدهٔ این حال نکتهٔ از خاطرم گذشت و بی اختیار حواسم را بجای دیگر کشانید و او عبارت از قدرت و قوه دست ملت بود که با یک اراده درهای بسته را باز و زندگانی یک سلسله را بهم پیچید و مظهر قدرت خود را والا حضرت پهلوی معرفی نمود این است که یکی از مامورین این مظهر قدرت ملی دارد از این اطاقهای تو در تو میگذرد و ماموریت خود را اجرا می نماید محمدحسن میرزا ازآمدن ما مطلع شده باطاق نشیمن گاه او هنوز وارد نشده بودیم که از روی صندلی خود بر خواست و تا نزدیک در اطاق باستقبال شتافت و همین شخص بود که چند ساعت قبل ایرانیان را عبید واماء خود محسوب میداشت و چیزی که در مخیلهٔ او قدر و قیمتی نداشت همانا ملت ایران بود در این ساعتی که وارد میشدیم مشار الیه مشغول خوردن نان شیرینی وچائی

بود و از شدت اضطراب چائی را نیمه گذاشته و باستقبال آمده بود
اظهار نمودم که توسط صاحب جمع پیغام داده بودم که حسب الامر
والاحضرت پهلوی باید زود تر تهیه سفر را ساز و ساعت یازده امشب
حرکت نمائید وضمناً اخطار میکنم که لباس نظام را از تن خود بکنید!
جواب داد فرستاده ام لباس دیگری تهیه کرده بیاورند تا عوض نمایم
و چهار نفر که همراه من خواهند بود تذکره لازم دارند پول هم برای
تهیه لوازم حرکت ندارم چهل هزار تومان از دولت طلبکارهستم پیغام
دوستانه مرا به اعلیحضرت برسانید که از نقطهٔ نظر دوستی وسیله حرکت
مرا فراهم نمایند
جواب ـ البته برای ملتزمین یا درمرکزدربین راه تذکره تهیه میشود ـ چگونه
میشود پول نداشته باشید ؟ بخدا که پول ندارم مبلغی هم مقروض هستم
بسیار خوب بعرض والاحضرت میرسانم هر طور امر فرمودند ابلاغ
خواهم نمود
برای حمل و نقل اسباب وسیلهٔ ندارم
جواب ـ بندکان والاحضرت پهلوی همه قسم مساعد هستند بعرض
مبارکشان میرسانم
مبلغی مقروض هستم و محاسباتی دارم نمیدانم به که رجوع کنم ؟
جواب ـ قبلاً بصاحب جمع گفتم صورت محاسبات خود را باو بدهید
اگر مطالبی باشد که محتاج بعرض رساندن باشد بعرض مبارك میرسانیم
میتوانم بگویم نظر بمعلومات قطعی خودم از عاطفهٔ والا حضرت پهلوی
مطمئن باشید و همه نوع مساعدت در کار های شما از طرف والاحضرت
خواهد شد و اوامر لازمه در تصفیهٔ امور و محاسبات شما صادر میگردد
خانواده را چکنم همراه ببرم یا خیر ؟
مجاز هستید میخواهید ببرید میخواهید در ایران بمانند
کسانیرا که میخواهید همراه خود ببرید ایرادی نیست

میتوانم با اجزای دربار تودیع کنم مانعی برای ملاقات نیست ؟

جواب ـ اجزاء و عمله دربار که تاکنون نزد شما بودند البته مراسم تودیع را بعمل آورده اید

لازم بود بمذاکرات خاتمه داده شود اظهار نمودم دیگر با شما خدا حافظی میکنم وبهم دست دادیم سرتیپ مرتضی خان فرمانده لشکر مرکز و سرتیپ محمد خان نیز دست دادند و از درب سالون خارج شدیم

بموجب دستوریکه قبلاً داده شده بود صاحب‌منصب گارد مأمور بود از ورود اشخاص وملاقات ها جلوگیری نماید و بجز ازچهار نفر همسفر کسی حق ملاقات را نداشت آنها نیز باحضور صاحب‌منصب میبایست‌ملاقات کنند

﴿ وحدت و انفراد ﴾

امر نظامی بموقع اجرا گذاشته شد و دیگر کسی حق ملاقات نداشت!

محمد حسن میرزا از اجرای این‌امر مستحضر گردید ازدرب سالون خارج شد واز پشت سر اظهار نمود مگر ازملاقات اشخاص ممنوع هستم ؟

چون قبلاً باسایرین تودیع نموده اید دیگر با کسی ملاقات نخواهید کرد مگر چهار نفر باهمراهان خود آنهم باحضور مأمور

قانع شد و ساکت گردید وسر بزیر انداخت این جانب ورفقا از اطاقهای سلطنتی خارج وبرای تسریع حرکت مسافرین وعرض راپرت بخاکپای والا حضرت تشرف حاصل نمودیم

مراتب را معروض داشتم امر فرمودند مبلغ پنجهزار تومان نقد پرداخته و بقدر کفایت اتومبیل و کامیون برای حمل اسباب و مسافرین داده شود فوراً امر عالی اجرا و ساعت نه بعد از ظهر همان روز وسائل نقلیه حاضر و نه و نیم بعد از ظهر این جانب و سرتیپ مرتضی خان به دربار رفته وسائل حرکت آماده اعلام شد که ساعت ده حرکت نمائید در ساعت شش بعد از ظهر اعتضاد السلطنه

نصرت السلطنه عضد السلطنه و یمین‌الدوله ازصبح برای تودیع آمده بودند و ساعت ورود ما درگوشهٔ اطاق انتظار آنها را دیدم که مجسمه وار بارنك پریده ایستاده بودند

بمجرد اینکه چشمشان بما افتاد بی اندازه پریشان شدند و بی اختیار لرزیدند چه یقین کردند که توقیف خواهند شد ولی کم کم این اضطراب از آنها رفع شد برای آنکه اعتماد به عاطفهٔ والاحضرت پهلوی اندیشه های مشوش آنها را رفع و مرعوبیت آنهارا تسکین داد و در برابر جرائم غیر قابل عفو سلسلهٔ خود شخص کریم و باعاطفهٔ را دیدند که چشم از سیأت آنها پوشیده وبنام عظمت اخلاقي ملت ایران ازگناهان آنها صرف نظر نموده بلکه همّ خود را متوجه تامین موجودیت آنها کرده و در بحبوحهٔ طغیان عصبانیت ملي اینك دست آنها را گرفته و از گرداب هلاکت به ساحلي میبرد این بود در مقابل یك چنین عطوفت و مهربانی هول و هراس را تسکین دادند وبالجمله ساعت هشت ونیم بعد از ظهر است که شاهزادگان هنوز دراینجا هستند و منتظر آخرین تودیع میباشند ـ درهمین ساعت محمد حسن میرزا برای تودیع باخانواده خود باندرون رفت

﴿ آخرین تودیع ﴾

ده ساعت و پنج دقیقه بعد از ظهر محمد حسن میرزا در درب اندرون بااجزاء و مستخدمین و خواجه ها آخرین مراسم تودیع را بعمل آورده ودر تحت محافظت صاحب منصبان مخصوص بطرف خارج دربار حرکت نمود

(نقشهٔ حرکت)

یك اتومبیل حامل نظامیان از جلو اتومبیل محمد حسن میرزا از عقب ومابقی اسکورت بفاصلهٔ ده قدم از یکدیگر سلسله وار راه بغدادرا از خط قزوین پیش گرفتند

(دریای نیستی)

پس از صدو پنجاه سال تقریبی آخرین شخص منتظر که روزی بواریکهٔ سلطنت جلوس نماید و یکدفعهٔ دیگر تخت و تاج با افتخار ایران ملعبهٔ هوا و هوس گردد از ایران رفت و در عالم سیاست بدریای نیستی غرق و امواج ازسرش گذشت

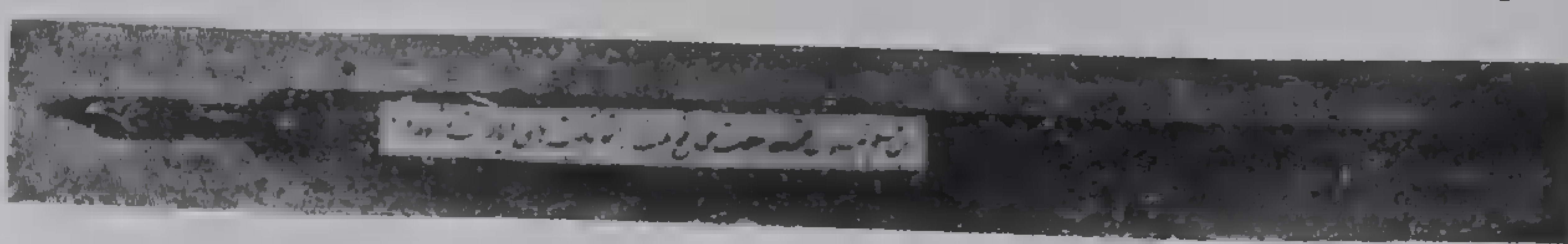
(کان لم یکن بین الحجون الی الصفا انیس) (ولم یسمر بمکة سامر)
هیچ اثری باقی نماند چه انکه اثری نداشت تاازخود باقی بماند رفت و بدریای عدم ملحق شد .

(قضاوت)

راستی .باید اندکی نیز قضاوت نمود ــ وقتیکه اعمال و حرکات مؤسسین سلسله قاجاریه را نسبت بطبقهٔ زندیه از نظر می گذرانیم و در طول (۱۵۰) سال اطوار وحشیانه و سبعانهٔ سلاطین قاجار را نسبت بزیر دستان ومخصوصاً کسانیکه مغلوب اراده وقدرت آنها گردیده اند ملاحظه می کنیم یك چنین گذارشات فجیع و ننگین را با مراتب بزرگواری اخلاقی مظهر قدرت ملی امروزه که برسم ودیعه ملی سلطنت ایران را دست گرفته (ودیعهٔ یك ملتی کـه بتمام معنی برعلیه این سلسله قیام ودرنظر ملت غیر از انتقام ومحو و نابودی احمد میرزا ومحمد حسن میرزا و خانواده قاجاریه چیز دیگری منظور نداشتنــد) مقایسه نمائیم جز باین سر نمی توان قضاوت نمود که این فضیلت اخلاقی خدا دادی وشایستهٔ سر پرست ملت اخلاقی ایران .باستانی است کـه در مقام غضب با قوهٔ عاطفه بی ادب را تادیب وپس از منکوبي دشمن .با دست ترحم بسیئات اعمال قلم عفو و بخشایش میکشند آری این خود یك معجزهٔ اخلاقی و در خور ملت ایران است مگر دارا پس ازفتح یونان و روم تاج بخشی نکـرد ؟ مـگر نادر شاه افشار پس از تسخیر هندوستان دست رافت بسر مجرمین نگذاشت ؟ ــ پهلوي نیز زاده ساسـان است که دشمن

را مغلوب و منکوب و شکست خورده دیده و با یك عاطفهٔ شاهانه
دارد امواج ترحم را بروی غرقاب دیدهٔ سیآت اعمال زندکانی ریخته و
از دریای نیستی و قهر و غضب ملت نجات می دهد

حالا لازم است پس از تحصیل اطلاع و ضبط جریانات و وقایع از این
منطقهٔ تیره و تار یکدفعهٔ دیگر بسراغ متحدین آذربایجان رفته و از
کمیسیون نهضت کسب خبر و اطلاع کرده باشیم
راستی پس از فتح مشغول چه کارند ؟ پس از آنکه دو ساعت بعد از
جملهٔ (تصویب شد) که توپ آتش گرفت و آن صدای مخوف منعکس
گردید منشی کمیسیون نهضت این قلم را دست گرفته و این
تلگراف را



بشکل بیانیه بتمام کمیسیون های نهضت اعلام و آزادیان را بشارت انقراض
دشمن و سقوط ابدی او را داد

(بیانیهٔ کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان)

هموطنان عزیز !
صفحهٔ جدیدی از تاریخ بروی شما باز شد . دورهٔ نکبت بدون آسیبی
که لازمهٔ آن بود سپری گردید . آتیهٔ درخشانی با روی بشاش شما را
تهنیت میکوید ؟ زیرا که شما با نهضت حرارت آمیز و رویهٔ متینی که
در اثنای آن اتخاذ کرده اید
بر عالمیان ثابت گردید که دارای استقلال فکر و رشد سیاسی بوده و
میتوانید مهار مقدرات خود را در دست گرفته وجههٔ سیاست مملکت
را در هر موقعی ، بدون هو و جنجال و رجاله بازی ، و بی آنکه آتش

انقلاب خونینی افروخته شده موجب سلب امنیت و آسایش گردد ـ بنقطهٔ مقتضی بر گردانید .

روشنترین علامت رشد و تکامل ملل . همین امتحان بزرگ است که شما اینده فعه با نهایت ثبات و متانت و عاقبت اندیشی و مآل بینی ، از خود بروز داده و در نتیجهٔ آن به مقصد مأمول زود تر و سهلتر واصل گردید این است که شما از دو جهة شایان تبریك و سزاوار تهنیت هستید یکی از حیث امتحان جالب تحسین و تمجیدی که در مقابل خودی و بیگانه دادید . دیگری از نقطهٔ نظر مظفریتی که بدست آوردید . شما مدلل گردید که قانع بر « سلطنت معطله » نبوده لایق حکومت فعال و تجدد و ترقی پرور و معارف دوست و بالاخره مستحق یکدولت معاصر با تمدن عصر حاضر هستید . بنا بر این کمسیون مختلط نهضت ملي با نهایت بشاشت تبریکهای خالصانه و تهنیت های صمیمانه خود را بعموم هموطنان عزیز تقدیم داشته با کمال افتخار بشارت میدهیم که در نتیجهٔ مساعی و مجاهدتهای مبذوله عموم هموطنان عزیز ، چه در مرکز و چه در ایالات و ولایات و در تلو لایحهٔ قانونی دیروزی که در بیانیهٔ قبل مندرج و بمقام معظم ریاست دولت و قوای عالیه مملکت دامت عظمته تقدیم گردیده و در تصویب رساندن آن با مساعدت احساسات هیجان آمیز عموم طبقات اقدام مؤثری بعمل آمده بود . در ظرف مدتی از دیروز عصر تا امروز صبح در تحت فشار و تضییقات افکار عامه ، مابین نمایندگان هیئتهای محترم مرکز از یکطرف و وکلای مجلس شورای ملي از طرف دیگر توافق نظری حاصل آمده امروز « نهم آبانماه » قبل از ظهر مذاکرات رسمی باحرارتی راجع به ترتیب عملی کردن آن در مجلس شروع و ساعت دو بعد از ظهر تصویب مواد سه گانه ذیل با کثریت هشتاد رای از هشتاد و پنج نفر حضار ختم و در میان هلهله و غریو شادمانی با شلیك تیر توپ بعامهٔ اهالی تبشیر گردید .

اینك مواد سه کانه که مژدهٔ آتیهٔ درخشانی را برای عموم هموطنان علاقه مند بترقي و تعالی مملکت متضمن میباشد :-

۱ - خلع سلطنت از خانواده قاجاریه

۲ - تفویض حکومت موقتی تا تشکیل مجلس مؤسسان بکف کفایت و اقتدار آقای پهلوی.

۳ - واگذاری اصلاح مواد (۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰) قانون اساسی و تعیین طرز حکومت آتیه بعهدهٔ مجلس مؤسسان.

مقتضی است که عامهٔ هموطنان گرام در مقابل این مظفریت عظیم جشن باشکوهی گرفته روز نهم ابان ماه را یکی از اعیاد بزرك ملی بشمارند

کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

(قطع نامهٔ کمیتهٔ انقلاب)

نمرهٔ ۱۰۶۳

هموطنان عزیز - مظفریت درخشان ملت در پیش بردن مقاصد مشروع خود بوسیلهٔ بیانیهٔ مفصلي بشارت داده شد و عموم ایالات و ولایات هم بموجب دستور کمیسیون مختلط نهضت ملی سه شبانه روز شهر هارا آئین بسته چراغانی خواهند نمود اینك مقتضی است اهالی محترم مرکز نیز بهمین ترتیب اظهار شادمانی و ابراز احساسات نموده شرکت بمسرت اهالی سایر ایالات و ولایات بفرمایند

کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

این بود جریانات کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان حالا باید دید در نقاط خارج مرکز چه تازهٔ اتفاق افتاده و پس از تلگراف مجلس شورای ملی و اعلامیهٔ والا حضرت پهلوی و بیانیهٔ کمیتهٔ انقلاب با کمیسیون نهضت ملی در ایالات و ولایات چه اثراتی بروز نموده است ؟

آیا استنباط وکیل مخالف (دکتر مصدق) که در موازنهٔ سیاست داخلی

و خارجی .با یك دست قرآن و .با دست دیگر اصل (۳۶) قانون اساسی را گرفته و می ترسید از تغییر آن محور سیاست شکست خورده وایران زیر و رو گردد مطابق واقع بوده؟ و یا هر پنج نفر راه خطا پیموده واز احتیاجات توده و اقتضای سیاست .بی خبر بوده اند؟ ودرپس دیوار شکسته سنگر بندی نموده ؟ و .با تمام قوه میخواستند اساسی را که طبیعت دارد واژگون مینماید بپا بر جا نگاهدارند ؟

(قوهٔ برق)

اعلامیه و بیانیه را در طرفة العین برید صبا .با قوه برق از مرکز گرفت و در دنیا منتشر نمود

جمادات ترجمان بیانات انسان گردید و برای انسان طریقهٔ بیان آموخت

با سیم .بهمه جا خبر داد که دورهٔ کامرانی قاجاریه سپری و روزگار حاکمیت ملت احکام خود را انشاء و مدلل داشت که در رأس تمام قوای قاهره دست جامعه وجماعت قوی تر چه آنکه (ید الله مع الجماعه) است که گریبان غاصبین تخت و تاج را گرفت و از سریر شاهنشاهی ایران برتاب کرد !.

و تودهٔ را اعتقاد بر این بود که چون به تخت و تاج اجنبي بودند از ایران رانده شدند اینك چند ساعت دیگر از سرحد خارج و بممالك اجنبي رهسپار خواهند شد . تا معلوم گردد که اساسآبي وطن بوده اند !.

سیم از گفتار نیاسودهٔ بود که یکبار دیگر حامل حسیات و تهنیت و تبریك و خورسندی و شادمانی ملت ایران گردید همان طور که دیروز حامل تظلمات وتشددات بود امروزهم قاصدتبریکات است که از تمامیت ایران گرفته و بدربار پهلوی می ریزد و از داخله و خارجه اتباع ایران را بیك وجدو سروری وادار نموده که علاوه از تبریکات رسمی بیکدیگر نیز تهنیت و تبریك می گویند بدیهی است حقیقت اشیا را از خواص و آثار آن می توان کشف کرد ـ بنا بر این می رویم از اوراق تبریك دو مسئله را کشف نمائیم اولی موقعیت قاجاریه و اندازهٔ کدورت ملت

ایران نسبت باین سلسله و دوبمی علاقهٔ ملت به پیش‌آمد جدید و حکومت موقت که چگونه تعجیل در تعیین مقدرات قطعی مملکت داشته ؟ و چه شخص را می خواهند در تخت تاریخی ایران جلوس و سر پرست ملت ایران گردد ؟

البته از این مکاشفه مرتبهٔ دیگر بیانات مخالفین مجلس را از نظر گذرانیده و اندازهٔ خبط سیاسي را تعیین خواهیم کرد چه آنکه اشیا را از آثار می توانیم تعریف نمائیم و برای بیان این حقیقت قبلاً از مرکز روحانیت شروع کرده و یك سیر اجمالی درطبقات و توده کرده و بعد بخارج مرکز نظری انداخته و پس از فراغت در داخله بخارجه خواهیم پرداخت تا اساس سیاست داخلی و خارجی این تغییر و تحویل را با دلائل تحریر و معلوم بداریم که این جریان در انظار ملل و دول چه اندازهٔ تأثیر کرده و دنیای بشر این پیش آمد را چگونه تلقی نموده است ؟

«تاثیرات زمام داری والاحضرت پهلوی»

«درعالم‌اسلامیت ــ توجه مراجع‌تقلید»

« بعظمت واقعه ــ اطمینان خاطر از»

« ازهر رهگذر ــ تبریکات و تعظیمات»

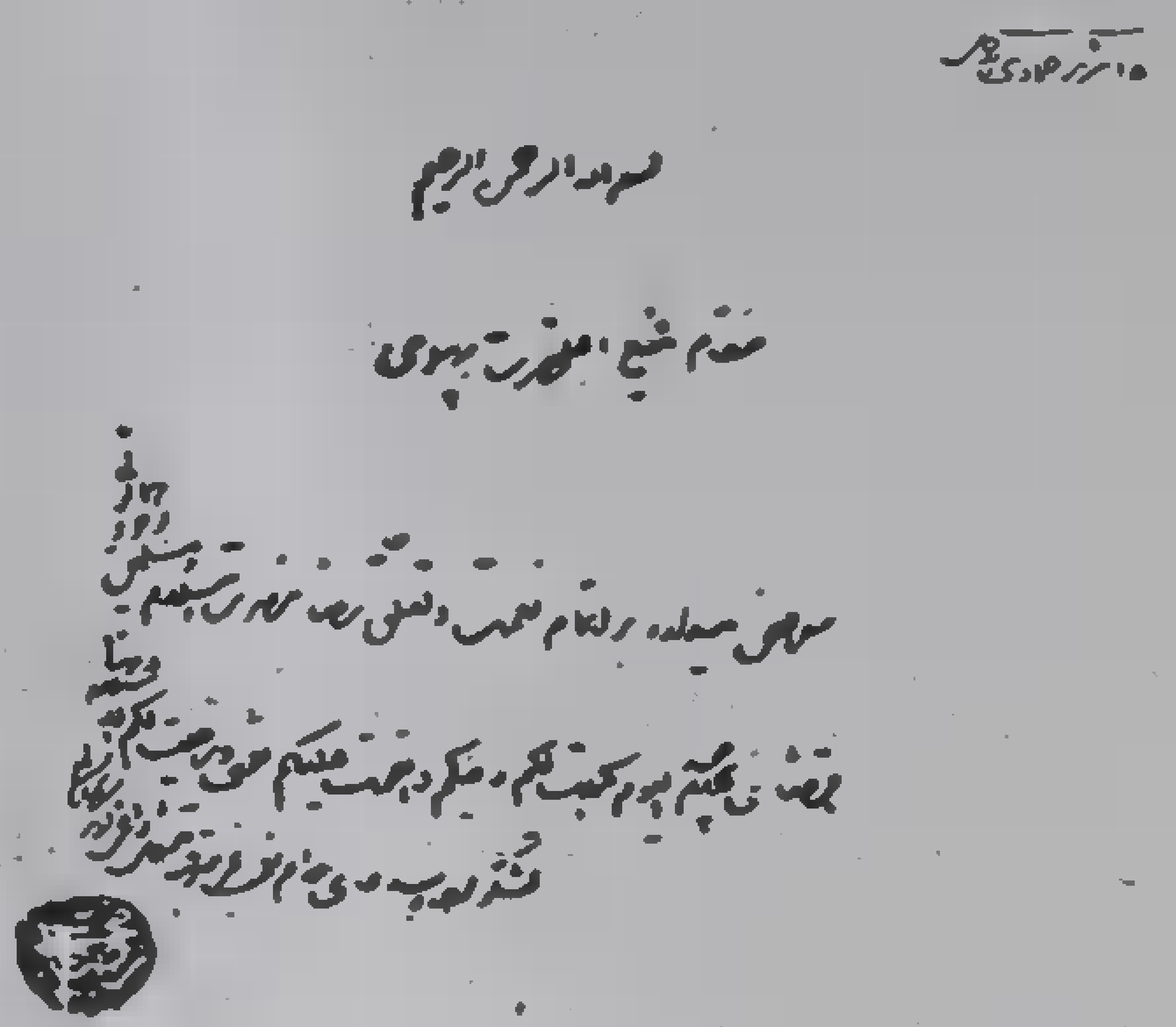
(بسم الله الرحمن الرحیم)

نظر باینکه دین مبین اسلام از حیث دارا بودن مصالح دنیوی واخروی و واجد بودن اسرار سعادت ظاهری و باطني وکفالات تکمیل نفوس بشریه و تأمین تکامل جامعهٔ انسانیـه موافقت کامله باهرگونه وسایل تعالی و ترقي داشته و ملایم جمیع طرق اصلاحیهٔ معاش ومعاد بوده در ضمن مجموع متقنـه شرعیه پیمودن راه سعادت بشر را اشاره فرموده وسلوك طریق فوز وفلاح را نشان داده همه جا باب خلاصی ازحضیض ذلت‌را ارائه و صعود به اوج عزت را ایجاب نموده وهمان دورهٔ عالیه

سیادت وارتقاء را نقطهٔ نظر قرارداده وهمیشه برسیر درسبیل نجات و رستکاری امر فرموده است و از همین جهة که مناسبت تامه بامصالح هر عصری از از اعصار ماضیه و مسقبله داشته ومشتمل برموز ترقیات گذشته و آتیه میباشد خاتم ادیان بوده و الی یوم القیامه مستمر وغیر قابل نسخ است ولی مع الاسف درنتیجهٔ غفلت وجهالت و لاقیدی ولا ابالیگری و شهوت پرستی زمامداران سابق که مملکت را باین حال فلاکت و خرابی سوق داده از قافلهٔ ترقي وتمدن هزارها فرسنك عقب انداخته دست ملت را خالی مزارع مملکت را بائر منابع ثروت را معطل معادن هنگفت را زیر خاك حال رعیت را پریشان بنی نوع مردم را بی سواد وبی بضاعت گذاشته جامعهٔ مسلمین را در مدتهای طولانی درتیه ذلت وضلالت نگاهداشتند در نظر کوته بین کسانیکه آشنا بحقائق اسلام نیستند چنین جلوه گر شد که اسلامیت منافی با ترقیات عصر بوده و قوانین شریعت مخالف مدنیت و عائق از ارتقاء بمدارج تمدن است و در خارج عملیات سرپرستان مملکت این نظریه فاسده را تائید نموده همیشه و همه وقت خرابی مملکت و پریشانی ملت را که از آثار اهمال کاری و شهوت رانی خودشان است بعداز اسناد بقضا وقدر آسماني معلل بجلوگیری دیانت ومستند بمقاومت روحانیت مینمودند !.

یاللعجب درعین حالیکه هرگونه فساد اخلاق ورذائل شنیعه‌را که موافق هوا وهوس خودشان بوده مرتکب شده و در مملکت ترویج مینمودند و نه از دیانت باکی داشتند و نه از شریعت ملاحظه نموده و نه از مقام روحانیت اندیشه داشتند معذالك در آبادی مملکت و اصلاح حال ملت که برای آنها زحمت داشته ومخالف میل ایشان بود باین جور اعذار ناموجه متمسك شده دیانت را ننگین و مقام مقدس روحانیت را بد نام مینمودند وبالاخره یك‌دنیا ذلت ومسکنت وفساد اخلاق وانحطاط‌را درسرتاسر ایران از خود بیادگار گذاشتند حال که خرابی مملکت و استقبال ملت از هرکه و از هر چه بود بانتها رسیده وگذشته ازهر قبیل بود گذشت

امروز که ملك و ملت بیکدورهٔ حیاتی جدیدی قدم گذاشته وروح تازه به کالبد افسرده اهالی ایران دمیده شده و زمام امور مملکت در کف با کفایت والا حضرت اقدس رضا خان پهلوی ادام الله ظله قرار گرفته است جای آن هست که جامعهٔ مقدسه روحانیت و اسلامیت در این موقع و وقت مناسب فرصت را مغتنم شمرده برای جبران گذشته و تامین سعادت کاملهٔ آتیهٔ ملت و مملکت در منتهی درجه وحدت نظر و اتفاق رأی نیات عالیهٔ اسلام پرستانه والا حضرت پهلوی را تائید نموده وموقعیت کامل ایشانرا در تقدیم خدمات بزرك و تاریخی بعالم اسلام قلباً و عملاً خواستار باشند رجاء واثق این است که با اعتصام بحبل خداوندی واتفاق و اتحاد تمام آمال ملی واسلامی بر آورده شود و بعالمی ثابت شود که رفتار از روی اصول تنفیذ دین مبین پیغمبر خاتم وپیروی ازفضایل اخلاقی اسلامی بهترین وسیله ـ و نزدیکترین طریقه بسر منزل عظمت وسعادت و فیروزی و فلاح است والسلام علی من اتبع الهدی　　　(هیئت علمیه)



۱۵ شهر جمادی الاول

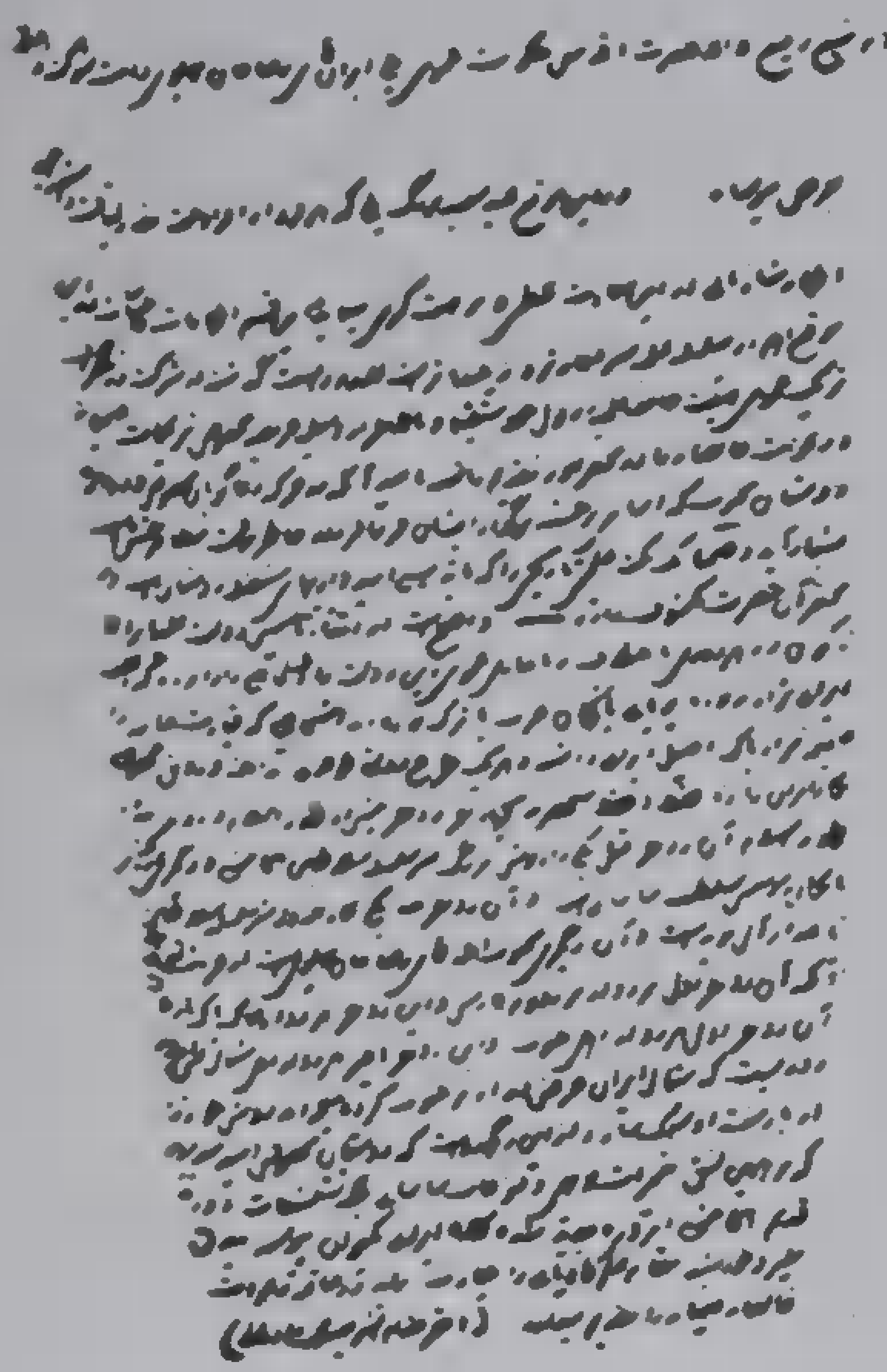
بسم الله الرحمن الرحیم

مقام منیع اعلیحضرت پهلوی

معروض میدارد براتمام نعمت وتعلق رضا بنصرت اسلام ومسلمین بوجود

همایونی .باقتضای کلام مجید (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا) تشکر نموده وبدعای دوام نعمت غیرمترقبه مشغول

(داعی محمد رضا زنجانی)



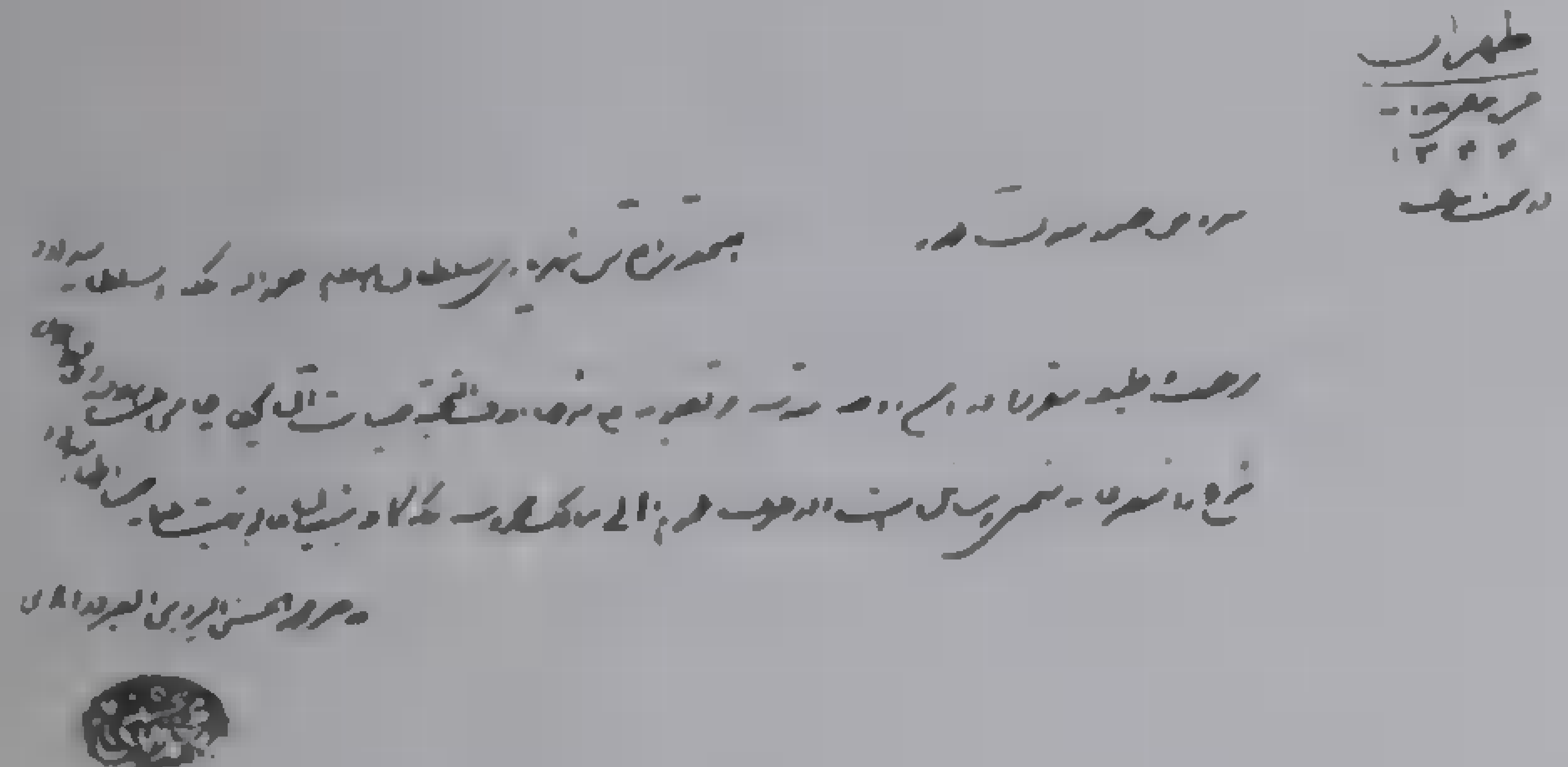
(هو الله تعالی)

۱۵ آبان ۱۳۰٤

مقام منیع رفیع والاحضرت اقدس حکومت عمومی ملی ایران آقای رضاخان پهلوی دامت شوکته واجلاله بعرض میرساند در این موقع عید سعید بزرک ملي که هر فرد از افراد ملت بقدر لیاقت و استعداد خود اظهار شادمانی از این سعادت عظمی و موهبت کبري می نماید و این قسم اظهارات و احساسات در این موقع اهم از سلسلهٔ علمیه سزاوار تر و زیبنده تر است لازم دانست گذشته از شرکت در تلگراف عمومي هیئت علمیه دزفول خود مستقیماً و بالضروره بوسیله عریضهٔ مخصوص تبریکات صمیمانه و

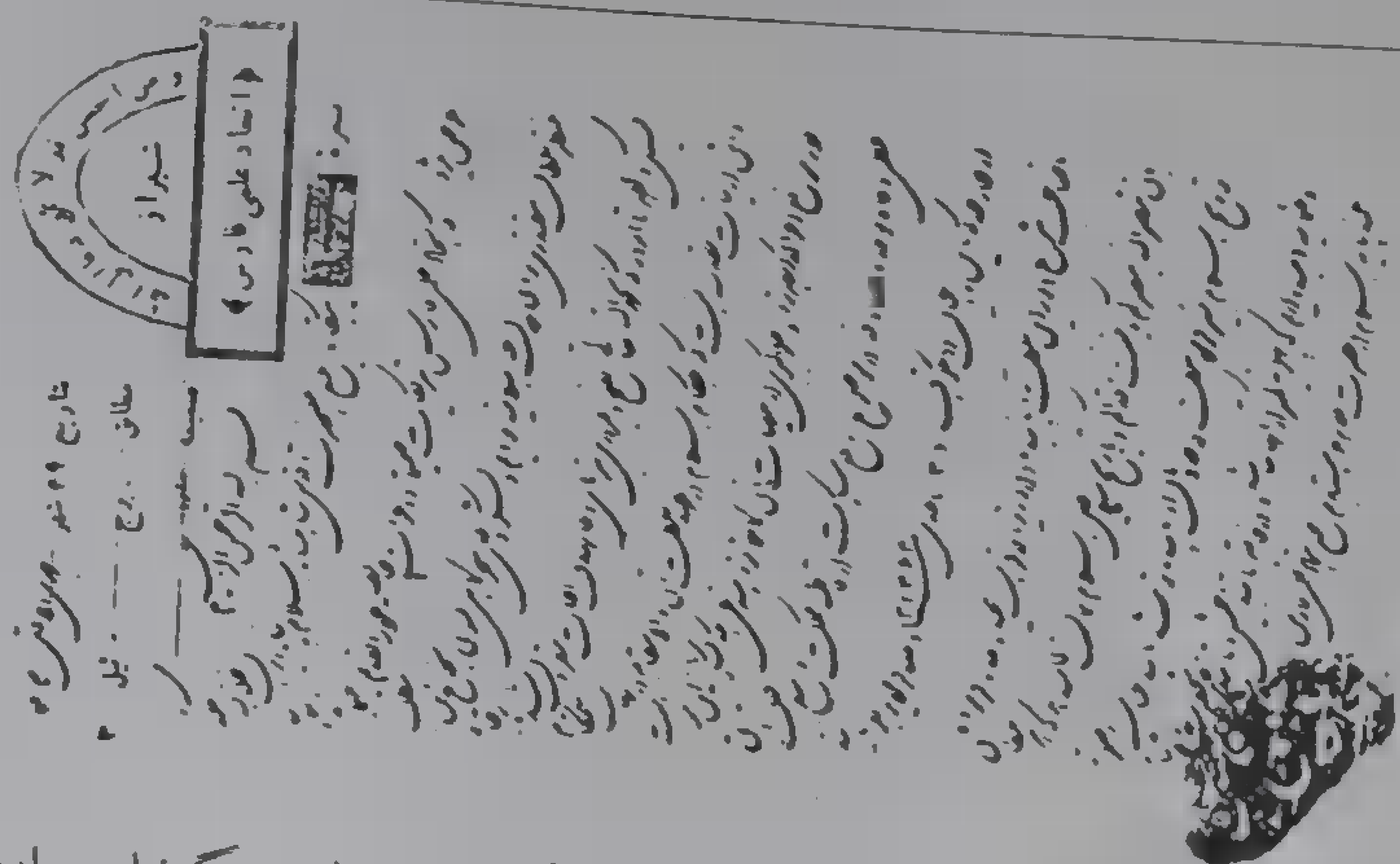
و دعوات خالصانه را در محضر انور تقدیم داشته بامید آنکه در جرگهٔ دعا گویان مخصوص و در زمرهٔ دوستان محبوب که اسامی بر جسته بزرگوار ایشان فوراً خود در خاطر مرحمت مظاهر نقش است بشمار آید و ضمناً یك نکتهٔ علمی تاریخی را که مایهٔ بسی امیدواریهای مستقبله دوستان است در محضر آن حضرت مکشوف دارد - واضح است از ابتداء تأسیس دولت علیه ایران تا کنون در هر دوری باختلاف زمامداری عمومي این دولت را اشخاصی دارا بوده که اغلب ایرانی نژاد نه بوده یونانی یا ترکمان عرب یا ترك بوده اند اشخاصی که قیادت عامه را ضمیمهٔ نژاد پاك اصل ایرانی داشته و هر یك طرح دوستی طولانی انداخته و رونق مخصوصی بکار ایران داده فقط و فقط منحصرند بچهار نفر دو نفر پیش از اسلام و دو فقره بعد از ظهور اسلام آن دو نفر قبلی یکی داریوش بزرك سر سلسلهٔ سلاطین هخامنشی و دیگری اردشیر بابکان مؤسس سلطنت ساسانی است و آن دو نفر بعد یکی عماد الدوله سر سلسلهٔ سلاطین تاجدار آل بویه است و آن دیگری محبوب الله آقای رضا خان پهلوی است از غرایب اتفاقات آنکه آن دو نفر اول هر دو از مرز و بوم فارس و این دو نفر هر دو از خاك پاك مازندران آن دو نفر اول هر دو از اهل جنوب و این دو نفر اخیر هر دو از اهل شمال پس امروز روزیست که شمال ایران عرض اندام بر جنوب کرده مي خواهد دوستی خود را از بار پشت او سبك سازد از این رهگذر است که دوستان مخصوص امید میدارند که بر همین نسق تعمیرات بویهی و فتوحات ساسانی بلکه تشعشعات دورهٔ قدیم هخامنشي امروزه جدید شده کلاه ایرانی بگیوان پیوسته بیرق شیرو خورشید مقام علم کاویانی را حیازت نماید در خاتمه دعوات خالصانه را تقدیم میدارد

(احقر خدام الشریعه محمد علی دزفولی)



تبریك‌نامه جامعهٔ مصطفوی بخاکپای جواهرآسای حضرت اقدس اعلا رئیس حکومت موقتی ایران ارواحنا فداه

جامعهٔ مصطفوی جان نثاران قدیمی وفدویان واقعی که درهر موقع باکمال صمیمیت فدویت خودرا عملاً ابراز نموده اینکه باکمال احترام تبریکات صمیمانهٔ خود را بذریعهٔ اعلا میداریم از خداوند متعال تعالی شانه‌آن ریاست عظمی و دوام آن ودیعهٔ کبری را خواهـانیم و عرضه میداریم ای پدر تاجدار سالیان دراز بود ایران باستان گذر سیروس مهد داریوش گرفتار پنجهٔ ظلم وبی لیاقتی آل قاجار و غول بود که از اثر شناعت وشأمت آنان مملکت شش هزار ساله فرسوده قطعـات چنـد از خود مجزا اگر اندك توجهی بتاریخ کنیم تصدیق میشود زحمات ومشقات وخدمات محیرالعقول راد مرد ایران نادر شاه افشار که حقیقتاً ایران را در میان ممالك عالم سرافراز فرموده بود این نالایقان ابداً از آن اثری باقي نگذارده و الحق ذکرآثار آنان شرم آور است اینك جای شکرانه است پس از صد و هفتاد سال از اول کوکب نادری کوکب تابان پهلوی در فضای ایران بآسمان ایرانیت وملیت بایکدنیا شجاعت طالع آری آری جای شکرانه است باید متشکر شویم زیرا قطع داریم آن اراده اهنیني که در این مدت قلیل پیش از یك قرن ایران را به تمدن جدید نزدیك نموده که عموم علماء اجتماعی متحیر و مبهوت همـان اراده وعزم است لا یزال ازاین ببعد بی مانع



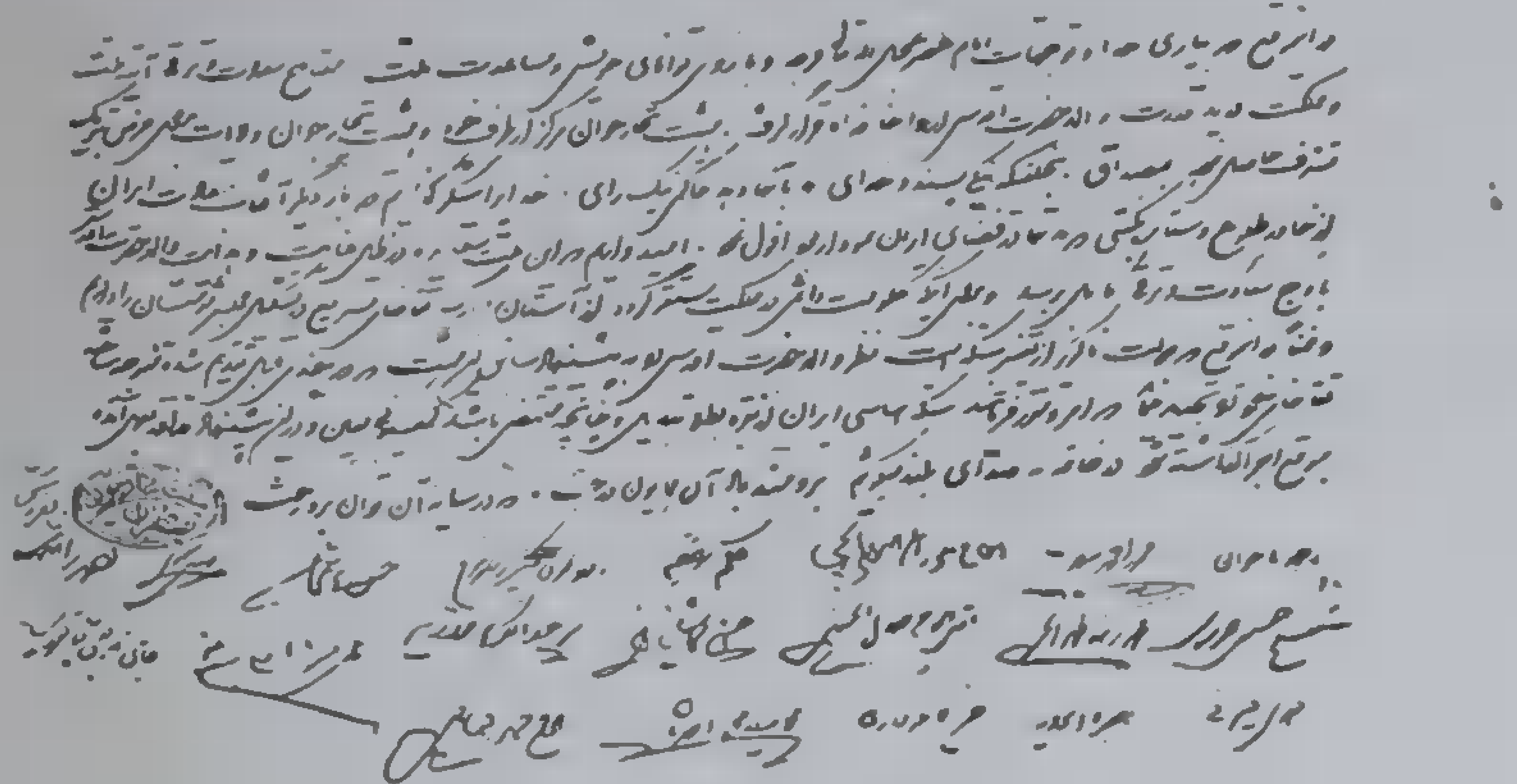
فصولی برجسته چند در تاریخ ایران بیادگار خواهد گذارد انشاء الله
درخاتمه خاطر محترم اعلیحضرت اعلی را به تشکیل مجلس مؤسسان متوجه
وعرضه میداریم باصدای رسا
برومند باد آن همایون درخت که درسایه اش میتوان بست رخت
مهر جامعهٔ مصطفوی

(تبریك نامه)

اعلیحضرتا بحمد الله رب العالمین که بالاخره عزم آهنین ذات اقدس همایونی با مظاهرات باریتعالی جل اسمه و احساسات بی آلایش ملی پس از پنجسال تحمل مشقات و زحمات گوناگون غیر قابل تصور موفق به قطع آیادی جنایتکارانه که در طول مدت حکومت و سلطنت خود جز یادکاریهای تلخ و خاطرات اسف آوری در خاطرهٔ فرزندان وطن باقی نگذارده شده و در این روز های میمون و تاریخی خطوط برجسته امید به آتیه و اصلاح کشور را در پیشانی مبارك بعاشقان اصلاحات اقتصادی و معارفی و ترقی پروران نشان میدهد
اعلیحضرتا جمعیت قیام ملی که از بدو زمامداری ذات اقدس شهریاری همواره بمثابهٔ افواج آهنین قشون در مدافعه و تثبیت مقامات اعلیحضرت دقیقهٔ از خدمتگذاری و جانفشانی فروگذاری ننموده و اینك نمایندگان

خود را برای عرض تبریك بحضور باهرالنور پدر تاجدار خود فرستاده استدعائیکه از آستان مقدست دارندعطف توجه کامل به امور اقتصادی و معارفی و صدور اوامر مطاعه ملوکانه دائر بر تعجیل در انشاء راه آهن در خاتمهٔ هیئت نمایندکان که در این موقع بافتخار تشرف باستان مقدس همایونی نائل شده اند بنام جمعیت قیام ملی تشکرات صمیمانهٔ خود را در استخلاص وطن عزیز از چنکال عفریتان دد منش قاجار تقدیم و از قبول سلطنت و ریاست عالیهٔ ملت نجیب ایران کهن بهترین احساسات و رفیق ترین عواطف خود را بر روی طبق اخلاص بحضور باهر النور اعلحضرت اقدس شهریاری ایرانی نژاد خود تقدیم میدارد

از طرف جمعیت قیام ملی



(تبریك نامه هیئت تجار جوان)

تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۰۴

در اینموقع که بیاری خدا و توجهات امام عصر عجل الله تعالی فرجه و بازوی توانای خویش و مساعدت ملت مفتاح سعادت و ترقی آتیهٔ ملت و مملکت در ید قدرت والا حضرت اقدس ارواحنا فداه قرارگرفته هیئت تجار جوان مرکز از طرف خود و هیئت تجار جوان ولایات برای

عرض تبریك تشرف حاصل نموده بمصداق

(بخلقیکه نیکی پسندد خدای) (بانها دهد حاکمی نیك رای)

خدای را شکرگذاریم که بار دیگر آفتاب‌سعادت ایران ازخاور طلوع و ستاره نکبتی که مدتها در فضای ایران نمودار بود افول نمود امیدواریم که این ملت ستمدیده درظل عنایت وهدایت والا حضرت اقدس به‌اوج سعادت و ترقی‌کامل برسد و برای اینکه‌حکومت دائمی‌درمملکت‌مستقرگردد از آستان مبارك‌تقاضای تسریع در تشکیل مجلس مؤسسان را داریم وضمناً در اینموقع که دولت ناگزیر از تغییر سکه است نظر والا حضرت اقدس را به پیشنهاد سابق این هیئت که در چندی قبل تقدیم شده متوجه ساخته تقاضای خودرا تجدید مینماید که امر و مقرر فرمایند سکه اساسي ایران از نقره بطلا تبدیل و چنانچه مقتضی باشد کمیسیونی معین و در این پیشنهاد مداقه بعمل آمده بموقع اجرا گذاشته شود درخاتمه بصدای بلند میگوئیم

برومند باد آن همایون درخت که در سایهٔ آن توان برد رخت

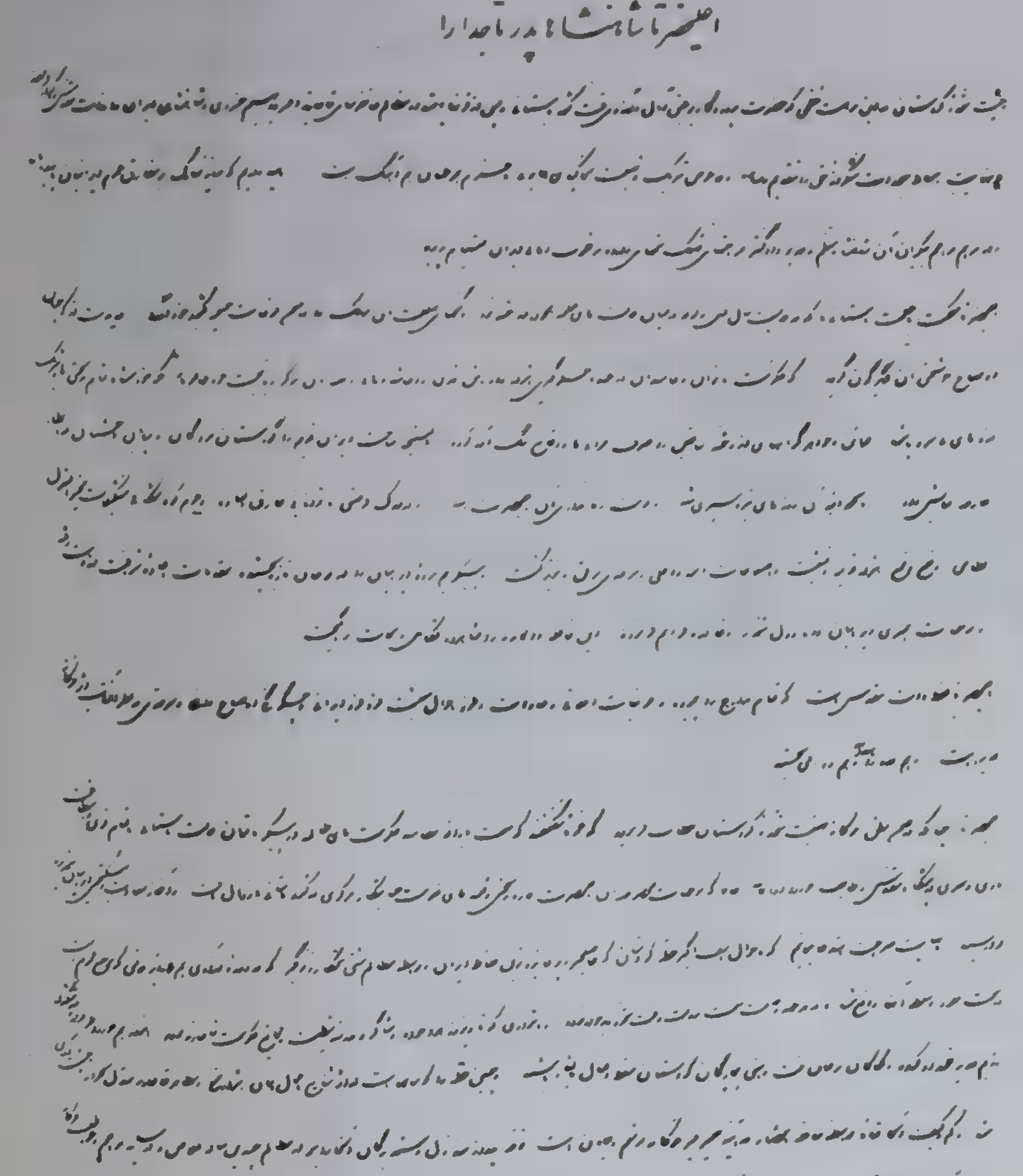
مهر هیئت تجار جوان طهران

(تبریك نامهٔ هیئت متحدهٔ کردستان)

اعلیحضرتا شاهنشاها تاجدارا

هیئت متحدهٔ کردستان درین موهبت عظمی که حضرت پروردکار برطبق آمال و آرزوی ملت کشور باستانی و پس از قرنها امتداد مظالم جان فرسای قاجاریه افسر و دیهم خسروی و شاهنشاهی ایران را بذات مقدس واگذار فرمودند با نهایت انبساط سجدات شکرانهٔ حق را بتقدیم رسانیده و در عرض تبریك و تهنیت بخاکپای همایونی باعموم هموطنان هم آهنك است امید واریم که سایهٔ مبارك بر مفارق عموم ایرانیان پاینده بادواز مرهم مراحم بیکران آن شاهنشاه معظم و خدیو دادگستر جراحتهای مهلك ستمهای وارده بر قلوب اهالي ایران التیام پذیرد ،

اعلیحضرتا مملکت باعظمت باستانی ما که در دویست سال قبل زلزله در بنیان دولت های عظیمه همجوار انداخته بود و گنجهای هنگفت آن ممالک را در ضمن فتوحات جسمیه بکشور خود آورد! در مدت اندکی



اعلیحضرتا شاهنشاها پدر تاجدارا

چنان اوضاع خوش بختی آن دیگر گون گردید ـ که حکومت ناتوان

و فاسد آن از عهدهٔ جلوگیری اشرار و اوباش شهری و اعاشهٔ اهالی
و تهیه نان مرکز و پایتخت خود عاجز ماند - بلکه خود منشاء تمام
بدبختی ها و شریك دزد های بی سروپا شده خزائن و جواهر گرانبهای
اندوخته سابقین را صرف خرابیها و وقایع ننك آور کرده بالنتیجه ساحت
ایران قدیم را گورستان مردکان و بیابان وحشیان در انظار خارجه نمایش
داد - تا بحمدالله آن روز های تیره سپری شد - و نوبت زمامداری آن
اعلیحضرت رسید - و در اندك فرصتی با توانائی خارق العاده وعزم کوه
شکافی بتشکیلات محیر العقول نظامی و قلع و قمع اشرار قدیمه و تمشیت
و اصلاحات امور داخلی و سرحدی موفق و موید گشت - و پیکر
مردهٔ ایرانیان را از نو جان تازه بخشیده مقدمات اعادهٔ شرافت از دست
رفته و موجبات همسری ایرانیان را با دول متمدنه و قادره فراهم فرموده
این قافلهٔ وامانده را بشاهراه تکامل و نجات بر انگیخت
اعلیحضرتا - فقط ذات مقدس است که تمام مدارج را پیموده وجزئیات اخلاق
وعادات وطرز احوال معیشت فرد فرد ایرانی وچگونگی اوضاع داخلی و سرحدی
در نظر آفتاب اثر ملوکانه هویداست و درد را میدانید وهم دوا می بخشید
اعلیحضرتا - چنانکه در ضمن نطق ملوکانه بهیئت متحدهٔ
کردستان خطاب فرمودید که عموماً مکلفند که نسبت بازالهٔ مفاسد
حکومت های ظالمه از پیکر ناتوان دولت باستانی باتمام قوی و استطاعت
مادی ومعنوی در پیشگاه مقدس وظایف خود را ادا نمایند حالا که
بتوجهات مخصوصه آن اعلیحضرت دورهٔ بدبختی وفتنه های حکومت جنایت
کار مرکزی در کشور باستانی ما زوال یافت و آغاز سعادت و نیکبختی
ایرانیان ستمدیده فرا رسید بانهایت ضراعت استدعا می نمائیم - که باحوال
اسف انگیز خطهٔ کردستان که حاصلخیز و پر فایده ترین نقاط ایران
وبواسطهٔ مظالم مشتی ستمکار زبونگیر که در دورهٔ آزادی هم دوائر دولتی
که مرجع عموم است در تحت نفوذ و سلطهٔ آنها واقع شده و درهر

عهد و حـالت نسبت بدولت وملت متمرد و بدخواه بوده و اشرار که تا دیروز هوا خواه و شاگرد مدرسهٔ سلطنت و فجایع حکومت قاجاریه بودند امروز هم خود را طرفدار و خدمتگذار رژیم جدید قلمداد کرده و کما کان برجان ملت وهستي بیچارگان کردستان مسلط و فعال مایشاء باشند !. و همچنین خطهٔ را که سالها است از اثر شنایع اعمال همـان اشرار محلي و مظاهر قاجاریه مبدل بخرابهٔ وحشت آوري شده و کم و کیف آنجا تماماً بواسطهٔ سابقهٔ استحضـار در آئیـهٔ ضمیر منیر ملوکانه مرتسم و نمایان است توجه پدرانه مبذول و ستمدیدگان آنجارا نیز از مظالم چندین ساله خلاص و درسایهٔ مراحم و عواطف ملوکانه قرین آسایش وریشهٔ ستمکاران آنجارا نیز قطع وکشت خشکیدهٔ آن بیچارگان را از سرچشمهٔ معدلت شاهانه سیراب فرمایند (هیئت متحدهٔ کردستان)

﴿ تبریك ﴾

هموطنـان صفحهٔ جدیدی از تاریخ بروی شما باز شد دورهٔ نکبت وبدبختی سپری گشت در تحت زمامداری یگانه ناجی ایران اعلیحضرت پهلوی آذربایجـان بنوید آتیهٔ درخشان باروی بشاش شما را تهنیت میگوید بزیر سایهٔ آن زندگی مبارکباد عموم آذربایجانیان مرکز

☆☆☆

(تبریك و تهنیت ارامنه)

تبریك نامهٔ در یك پارچهٔ حریر سفید کناره دوزی برنك بیرق ایران بطوری که در گراور مخصوص ملاحظه خواهیـد کرد تقدیم والا حضرت پهلوی گردید

☆☆☆

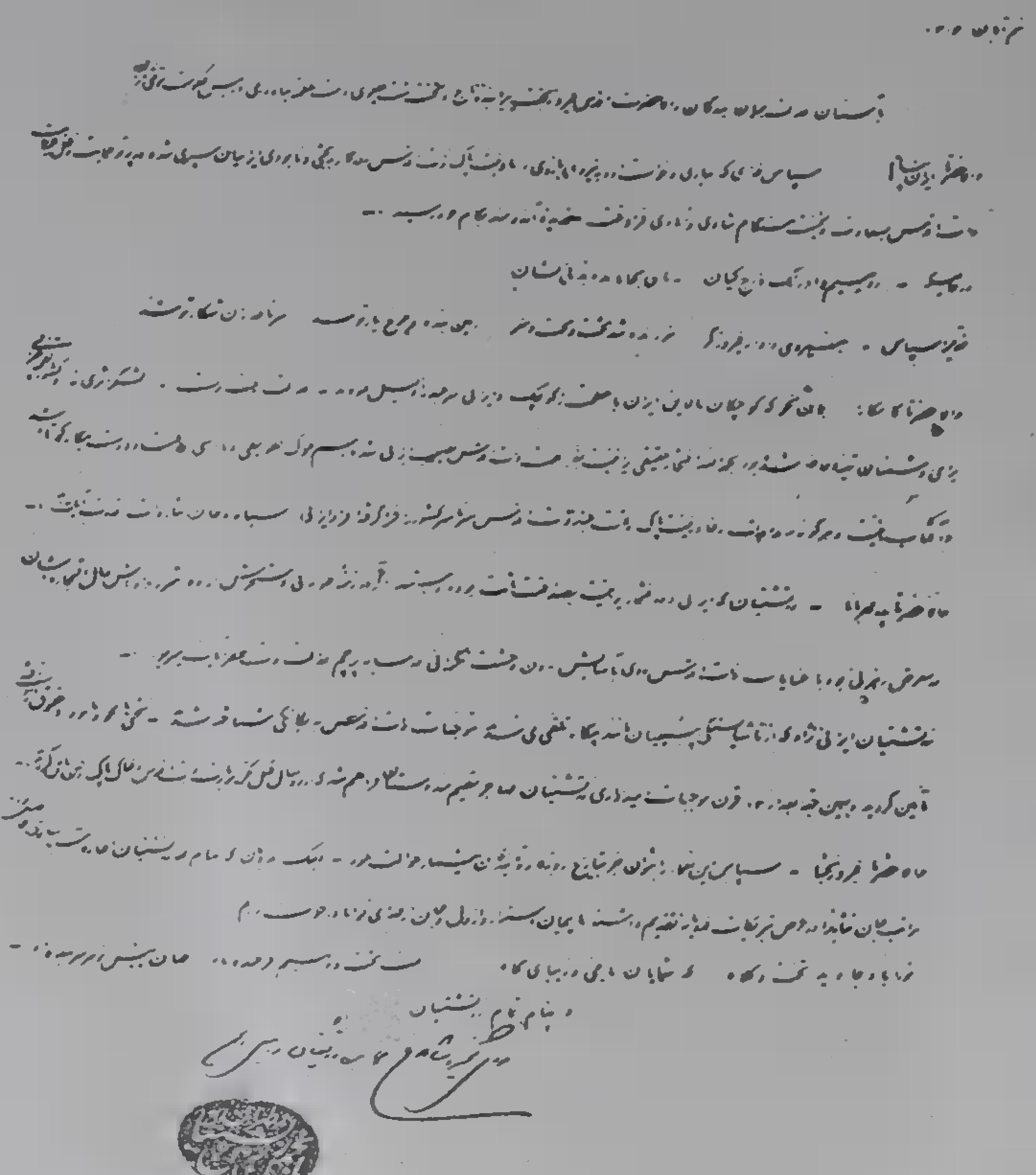
متعلق بصفحه ۳۱۲

والاحضرت اقدسا

ملت ارامنه ایران که پنجسال است عزم و اراده و ثبات قدم و همت والای والاحضرت اقدس اعظم را در حفظ عظمت مملکت شیر و خورشید همه روزه مشاهده مینماید ملت ارامنه ایران که قدم های بلند و مجاهدتهای فراموش نشدنی والاحضرت اقدس را در برطرف ساختن هرخس و خاری از طریق سعادت ملت ایران بایک دنیا افتخار و مسرتی که همه ساعت می بیند ملت ارامنه که نمیتواند تصدیق نکند ایران مقتدر و توانای امروز الی الابد مرهون سعی و عمل و قدرت اراده والاحضرت اقدس است در این روز مسعود که عامه ملت ایران شاهد سعادت را در آغوش کشیده و چنانچه سالیان دراز انتظار داشت والاحضرت اقدس را در راس حکومت ایران مستقر بیند تبریکات صمیمانه خودشانرا تقدیم آستان مبارک نموده و امیدوار است در سایه همان نیت و اراده هائی که نمونه آن در این چند سال در وطن عزیز مشاهده شده عموم ملت ایران و این قسمت ارامنه ایرانی را مورد توجه خاص قرارداده بیش از پیش مرهون الطاف وطن پرستانه والاحضرت اقدس اعظم بشوند

هیئت متحده ارامنه

(تبريك و تهنيت زرتشتيان)



نهم آبان ۱۳۰٤

باستان عدالت بنیان بندگان والاحضرت اقدس فیروز بخت پیرایندهٔ تاج و تخت شت (پهلوی) دامت عظمته پناه دائمی و رئیس حکومت موقتی ایران

والاحضرتا ایران پناها سپاس خدای که بیاری و خواست او وبه نیروی بازوی توانا و نیت پاك ذات اقدس روزگار بدبختی و نابودی ایران سپری شده درپرتو حمایت وظل عنایت ذات اقدس بسعادت و میمنت هنگام شادی و آبادی فرا و ملت ستمدیدهٔ آرزومند بکام خود رسید : —

در حالیکه ـ

زدیهیم و اورنك و ارج کیان نه نامی بجا مانده بدنی نشان!

خدایرا سپاس ـ

به نیروی دادار فیروزگر بتوزنده شد تخت و بخت وهنر

زمین بنده وچرخ یار توشد سر تاجداران شکار تو شد

والاحضرتا کامکارا همان نحو که کوچکان نالایق ایران باعظمت را کوچك و ایرانی سربلند را ذلیل نمودند ـ عدالت رخت بربست ـ از لشکر اثری نه و کشور لقمهٔ چربی برای دشمنان تهیه و حاضر شده بود

بحمدالله افتخار حقیقی ایرانیت بفر عظمت ذات اقدس نصیب ایرانی شده رسم ملوك الطوایفي ونا امنی برافتاد و دست بیگانه کوتاه شد و آفتاب امنیت و هرگونه سعادت از خاور نیت پاك و همت بلند ذات اقدس سر تاسر کشور را فرا گرفته افراد ایرانی سپاه وجان نثار ذات قدرت آیات اند: ـ

والاحضرتا پدرمهربانا ـ زرتشتیان که ایرانی و درافتخار ایرانیت بصداقت ثابت بوده وهستند اگردرازمنهٔ طولانی دستخوش ارادهٔ اشرار واوباش ومال التجاره شان در معرض رهزنی بود با عنایات ذات اقدس روی بآسایش بدون وحشت نگرانی در سایهٔ پرچم عدالت ذات ظفرآیات میزیوند: ـ

زرتشتیان ایرانی نژاد که از ناشایستگی پیشینیان مانند بیگانه تلقی میشدند بتوجهات ذات اقدس به یگانگی شناخته شدند ـ سختی ها محو و نابود و حقوق از دست رفته تأمین گردید و بهمین جهت بعد از ۱۳ قرن موجبات امیدواری زرتشتیان مهاجر مقیم هندوستان فراهم شد که از دو سال قبل مکرر بزیارت ذات اقدس و خاك پاك وطن نائل گردیدند

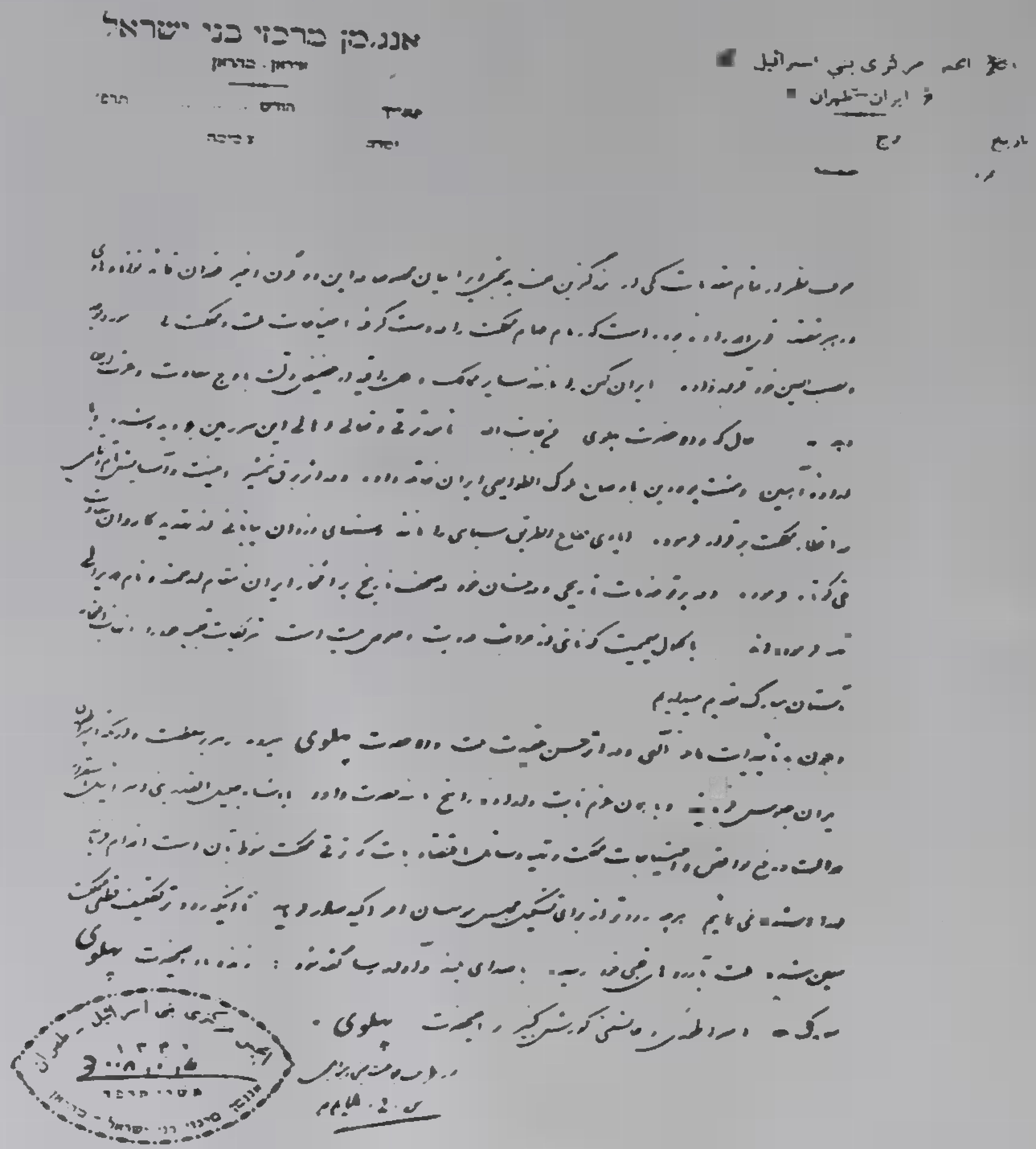
والاحضرتا فیروز بختا ـ سپاس این نعماء را نتوان جز بتاریخ روزگار و آیندگان بیشمار حوالت داد ـ اینك فدویان که بنام همه زرتشتیان اجازهٔ آستان بوسی حاصل نموده مراتب جان نثاری را در عرض تبریکات فدویانه تقدیم داشته با پیمان استوار و از دل و جان از خدای توانا در خواست داریم

و را باد جاوید تخت و کلاه که شایان تاجی و زیبای گاه
همت تخت و دیهیم فرخنده باد جهان پیش توسر بسر بنده باد

(بنام تمام زرتشتیان)

فدوی کیخسرو شاهرخ نمایندهٔ زرتشتیان و رئیس انجمن

مهر انجمن زرتشتیان طهران



انجمن مرکزی بنی اسرائیل
ایران - طهران

صرف نظر از تمام مقدمات یکی از بزرگترین علت بدبختی ایرانیان مخصوصاً

در این دو قرن اخیر فقدان قائد توانا و هادی و رهبر مقتدر قوی الاراده بوده است که زمام مهام مملکت را در دست گرفته احتیاجات ملت و مملکت را مورد توجه و نصب العین خود قرار داده ایران کهنی را مانند سایر ممالك و ملل راقیه از حضیض ذلت باوج سعادت و عزت ارتقا دهد - حال که والا حضرت پهلوی من جانب الله مأمور ترقی و تعالی اهالی این سر زمین بلا دیده شده و با ارادهٔ آهنین و مشت پولادین باوضاع ملوك الطوایفی ایران خاتمه داده و در اثر برق شمشیر امنیت و آسایش تام و تمامی در اقطار مملکت بر قرار فرموده ایادی قطاع الطریق سیاسی را مانند دستهای دزد های بیابان از تهدید کاروان سعادت ملی کوتاه فرموده و در پرتو خدمات تاریخی و درخشان خود صحف تاریخ پر افتخار ایران مقام ارجمند و نام لایزالی تهیه فرموده اند با کمال صمیمیت که ناشی از مراتب فدویت و خلوص نیت است تبریکات قلبیهٔ خود را با نهایت افتخار باستان مبارك تقدیم میداریم

و چون با تاییدات کاملهٔ الهی و در اثر حسن عقیدت ملت والا حضرت پهلوی میروند بر سریر سلطنت واریکهٔ امپراطوری ایران جلوس فرمایند و با همان عزم ثابت و ارادهٔ راسخ مانند حضرت داود پادشاه جلیل‌القدر بنی اسرائیل باستقرار عدالت و رفع نواقص و احتیاجات مملکت و تهیه وسائل اقتصادیات که ترقی مملکت منوط بآن است اقدام فرمایند هذا استدعا مینمائیم هر چه زودتر از برای تشکیل مجلس مؤسسان امر اکید صادر فرمایند تا اینکه زودتر تکلیف قطعی معین شده ملت به آرزوهای قبل خود رسیده با صدای بلند وآواز رسا گفته شود : زنده باد اعلیحضرت پهلوی مبارك باد امپراطوری کورش کبیر بر اعلیحضرت پهلوی

از طرف جماعت بنی اسرائیل

(تبریك جمعیت کاوه)

صبر بسیار ببـاید پدر پیر فلك را ... تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند زاید

مژده که تاج کیان یافت زنو تاجدار ... ز تاجدار نوین تاج کند افتخار
غاصب تاج کیان رانده شد از تخت جم ... بار دگر حق گرفت بمرکز خود قرار
بفر یزدان پاك خسرو یزدان پرست ... اهرمن خیره را داد زایران فرار
چارهٔ آن خیرگی نبد جز این چیرگی ... چو کار باید نمود چنین کند مرد کار
بملك دارا گشود همای اقبال بال ... زخاك سیروس بست غراب ادبار بار
بتافت خورشد عدل بملك خورشید و شیر ... بیافت خورشید وشیر شرافت واعتبار
زبوستان وطن برست نخـل مراد ... بـداد نخـل مراد میوهٔ امید بار
چهرهٔ مام وطن شکفته شد همچو گل ... وگرچه چون لاله بود دیر گهی داغدار
مسند وارنك جم رونق دیرین گرفت ... ز مقدم پهلوی شهنشه کامکار
شهی که درمدح اوعرصهٔ لفظ است تنك ... شهی که اوصاف اوست برون زحد شمار
پهلوی ای بهترین زادهٔ مام وطن ... ای زنیاکان پاك پاکترین یادگار
کنون که ازلطف حق رعیت حق‌شناس ... نهـاد اندر کف کفایتت اختیـار
ازطرف مجمع کاوه کمین* تاج پور * ... بعرض این تهنیت همی کند افتخار

(جمعیت کاوه)

۱۰ ابان ماه ۱۳۰۴

(تلگراف از کردستان)

نمره قبض ۲۰۱۲ عدد کلمات ٤٥٥ نمره تلکراف ٦٦

تاریخ اصل ۱۸ تاریخ وصول ۱۹ـ۸

پیشگاه مقدس بندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس پهلوی ارواحنا فداه کپیه مجلس مقدس شورای ملی کپیه جراید کپیه نمایندگان محترم کردستان کپیه آذربایجان فارس خراسان کرمان اصفهان گیلان کرمانشاهان مازندران استراباد همدان بروجرد عراق توسط رؤسای تلکراف خانه

کمیسیون های نهضت ملی طهران و ولایات و سایر طبقات ما با یك خاطری لب ریز از مسرت و شعف و تشکر استحضار منتظر بوده ایم که زمام مقدرات مملکت قطعاً به کف کفایت اختیار و ید کفایت اقتدار یگانه شهریار تاجدار رعیت پرور عدالت گستر اعلیحضرت پهلوی محول گردیده آرزو های ملی و اجتماعی و ابنائی و افتخار بین المللی بعمل آمده و مسرت این مسؤلیت به انعقاد جشن و سرور مبادرت ورزیده آمال ملت وسعادت رتبه خود را بر آورده دیدیم اکنون چنین معلوم میشود که اعلیحضرت قویشوکت پهلوی قبول مقام سلطنت را موکول به انعقاد وتشکیل مجلس مؤسسان فرموده و ملت ایران را از بذل این مرحمت عظمـی و سعادت کبری محروم داشته اند نظر باینکه قطعاً مملکت ایران محتاج بداشتن یك سرپرست قادر توانا دانسته و احساس کرده ایم همانا ذات مقدس همایونی به بذل توجهاتی که در خور سابقهٔ تاریخي ملت نجیب ایران باشد سزاوار این ملت را امیدوار و کامکار و قرین اهتزاز و افتخار فرمایند بنام عظمت ایران و بنام سعادت مملکت احراز تاج و تخت کیـان و حفظ اورنك ساسان و نگه بانی پرچم افتخار عجم و پاسبانی مملکت جم ونجات اسلام و حراست قرآن را شایسته میباشد لهذا تا بکلمهٔ واحده اتکا نموده قبول این مقام قرین شعف و استظهارمان نفرمایند قطعاً به نهضت خود ادامه داده و سایر برادران ملی خود را برای نیل باین مقصود امید بخش دعوت کردهٔ بهای قدرت حضرت باری در اراده و عقیدهٔ خود ثابت وهیچوقت متزلزل نخواهند شد و تا دامن مقصود علي رغم خود بدست نگیریم دست از دامن سر پرست رعیت پروری اعلیحضرت پهلوی بر نداریم زیرا مملکت محتاج باصلاح فوری است و خرابی هائی که در نتیجهٔ رخاوت و عدم ایفای وظیفه عهـده داری زمامداران نالایق سوابق فراهم شده واجب ترمیم و اقتضا ندارد بحال وقفه باقی باشد و اصلاح خرابی ها را به اثر قدرت آن یگانه زمامدار تاجـدار لایق دانسته و میـدانیم و اخیرا نیز جسارتاً

نهم آبان بعرض میرسانیم اعلیحضرتا ما ملت شافعی مذهب کردستان نمی توانیم در همچو مورد مهمی به تان و تامل قائل بوده آئین مذهبی را معوق داریم تعیین تکلیف قطعی و اعلان سلطنت و تاجداری اعلیحضرت پهلوی ارواحنا فداه را جدا خواستار و استدعا داریم این ملت نجیب نژادکرد شافعی مذهب را به پارهٔ اقدامات و ادای وظیفه ملزمه مذهبی مجبور نفرمائید کمیتهٔ نهضت ملی کردستان

« از کردستان به طهران »

نمره قبض ۱۹۱۶ نمره تلگراف ۳۷ عدد کلمات ۲۹

تاریخ اصل ۱۰ تاریخ وصول ۱۱ـ۸

ساحت مقدس اعلیحضرت شهنشاه ایران رضاخان پهلوی

(شاها مبشری ز بهشتم رسیده است) از صمیم قلب تبریك را حضور مبارك تقدیم میمایم

محمد قاضی

« از کردستان به طهران »

نمرهٔ قبض ۱۹۱۰ نمرهٔ تلگراف ۳۱ عدد کلمات ۶۸

تاریخ اصل ۱۱ـ۱

پیشگاه اعلیحضرت شهریار باقتدار دامت عظمته اعلیحضرتا :ـ

(صبح دولت میدمد کو جام همچون آفتاب اینکه میبینم به بیداری است یارب یا بخواب؟)

در پایان شام سیاه فجر این صبح پهلوي را از صمیم قلب تبریك مي گویم

شکر خدارا که هرچه طلب کردم از خدا بر منتهای مطلب خود کامران شدم

احقر محمد مردوخ رئیس کمیسیون نهضت ملی

(از کرمان به طهران)

نمرهٔ قبض ۵۹۳ نمره تلگراف ۱۵۲ عدد کلمات ۲۵۲

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵ـ ۸

مقام معظم اعلیحضرت اشرف آقای رضاخان پهلوی رئیس حکومت ایران

و فرمانده کل قوا دامت عظمته (فقطع دابرالقوم الذین ظلموا والحمدلله رب العالمین) حمد و شکر خدای را که مملکت اسلامی ایران در نتیجهٔ مجاهدت های اسلام پرستانهٔ مسلمین و نهضت غیورانهٔ ملت از لوث سلطنت جابره قاجاریه پاك گردید و بروفق آمال عموم مسلمین امور مملکت بکف کفایت آن یگانه حامی و خادم اسلام ومحیي وناجی ایران تفویض گردید

(از دست و زبان که براید کز عهدهٔ شکرش بدر آید)

امیدوارم که به یمن توجهات حضرت نقیب الله عجل الله تعالی فرجه درسایه خدمات وخدمت های آن یگانه هامی اسلام مملکت اسلامی ایران که در مدت سلطنت غاصبه قاجاریه سعادت شرافت و سیادت خود را از کف داده بزودی دارا و ترقیات عالیـه خود نائل گردد شکر خدای را که ملت ایران زنده قدر دان و دارای قوهٔ ممیزه و از همین جهت است که دست جنایت کاران را زود از گریبـان مملکت کوتاه خدمتگذاران وطن را با احساسات پاك اسلامي خود نوازش و تمیز درجهٔ عالیه صعود میدهد روح قدر شناس ملت است که آن وجود مقدس را سزاوار ارجمند ترین مقامات و شایستهٔ سرپرستی و زمامداری خود میداند درخاتمـه تبریکات صمیمـانه و ادعیهٔ خالصه تقدیم امیدوارم همواره دست صاحب اسلام نگاهبان و پشتیبان وجود مقدست باشند که این مملکت اسلامی را بمدارج عالیه سعادت رسانده وسایل آسایش مسلمین را فراهم فرمایند

داعی محمد رضا ابن ابی جعفر کرمانی

(تلکراف از آباده بطهران)

نمرهٔ قبض ۳۳۳ نمرهٔ تلگراف ۱ عدد کلمات ۱۱۰

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۱ ـ ۸

مقام منیع مقدس رئیس حکومت مملکت و فرمانده عالی کل قوا دامت عظمته طهران عرض مي نماید اهالی آباده بعد از زیارت دستخط تلگرافی مورخهٔ

۱۱ آبان ماه با یك هیجان و شادماني که تا بحال دیده نشده بود بازار و دکاکین خود را تعطیل نموده و دیشب نیز بواسطهٔ صدور تگراف نمرهٔ ۲۳۰۲۱ مجلس مقدس دارالشورای ملی اهالی درکوچه و بازار دسته دسته بشادمانی و خوشوقتي و در باغ ملی به هلهله و مسرت مشغول بودند ۱۱ آبان نمرهٔ ۸۳۸ (حکومت آباده و مضافات)

(تلگراف از یزد بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۰۳٤۱ نمرهٔ تلگراف ۱۱٦ عدد کلمات ۹۹

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲ ــ ۸

توسط ارباب کیخسرو طهران به پیشگاه اعلیحضرت اقدس شهریاری رضا شاه پهلوی ارواحنا فداه از استقرار تاج و تخت کیان و کشور باستان ایران بفر وجود مبارك اعلیحضرت ایرانیان پناه عموم ملت قدیم زرتشت بخاکپای اقدس همایونی از دل و جان تبریکات خالصانه تقدیم و امید واریم در ظل توجهات ملوکانه موجبات آسایش کشور باستان ایران خصوص زرتشتیان ایرانی مستقر گردد یوماً فیوم در سایه داری و مهر پروریت ایران و ایرانیان آبادان و شوکت و جلال باستانی از پرتو ذات مقدست اورمزد توانا عطا فرماید ایدون باد تراج جان نثاران انجمن ناصری زرتشتیان

(تلگراف از اصفهان به طهران)

نمرهٔ قبض ۲۱۹۱۰ نمرهٔ تلگراف ٦۹ عدد کلمات ٦۳

تاریخ وصول ۲۳ ــ ۸

مقام منیع رفیع اعلیحضرت پهلوی دامت عظمته و دولته عالی مقام مقدس ایران مداری و اسلام پناهی را با یك عالم مسرت تقدیم میداریم و بلوازم تشکرات موهبت کبری تقدیم و اقدامات صمیمانه از جشن و چراغان مفصل بعمل آمده و دوام دولت وشوکت ذات اقدست را از خداوند متعال تمنی و خواهانیم اتحادیهٔ تجار بروجن اصناف زارعین

(تلگراف از اصفهان)

نمرهٔ قبض ۲۸۱۵ نمرهٔ تلگراف ۳۷۵ عدهٔ کلمات ۷۲

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۴ ـ ۸

ساحت مقدس اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه خلدالله ملکه و سلطانه جلوس آن اعلیحضرت توانای محبوب را بر سریر سلطنت اسلام با یك دنیا مسرت تبریك و تهنیت عرض میکنم امید است روزگار بدبختی خاتمه یافته و در ظل رأیت منصور اعلیحضرت پهلوی عموم ایران با مال دیرینهٔ خود نائل وکامیاب شوند خاتمتاً موقعیت آنسلطان عظیم‌الشأن نادر انجام نیات مقدسهٔ خود ازخداوند مسئلت دارم دعاگو سید محمدجعفر گیلانی (*)

تلگرافات زیادی بنمرات ذیل مخابره شده که از درج آنها صرف نظر میشود

(*) نمرهقبض ۲۴۳۶	نمره تلگراف ۲۴۸	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمرهقبض ۲۰۴۳۲	نمره تلگراف ۲۴۶	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمرهقبض ۲۰۴۵۸	نمره تلگراف ۲۶۳	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمرهقبض ۲۰۵۴۸	نمره تلگراف ۲۹۴	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمرهقبض ۲۴۴۶	نمره تلگراف ۲۵۵	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمرهقبض ۲۱۶۷۷	نمره تلگراف ۶۲۶	تاریخ اصل ۲۰	وصول ۸/۲۰
نمرهقبض ۲۰۵۴۷	نمره تلگراف ۲۹۳	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمرهقبض ۲۰۴۴۳	نمره تلگراف ۱۵۳	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمرهقبض ۲۰۴۵۹	نمره تلگراف ۲۶۴	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمرهقبض ۲۰۵۷۲	نمره تلگراف ۲۹۹	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمرهقبض ۲۰۶۲۵	نمره تلگراف ۳۱۹	تاریخ اصل ۱۲	وصول ۸/۱۲
نمرهقبض ۲۰۵۴۵	نمره تلگراف ۲۹۱	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمرهقبض ۲۱۴۴۴	نمره تلگراف ۲۵۴	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمرهقبض ۲۰۷۸۲	نمره تلگراف ۳۶۵	تاریخ اصل ۱۳	وصول ۸/۱۳
نمرهقبض ۲۱۰۳۱	نمره تلگراف ۴۳۹	تاریخ اصل ۱۵	وصول ۸/۱۵
نمرهقبض ۲۰۹۸۸	نمره تلگراف ۴۲۵	تاریخ اصل ۱۴	وصول ۸/۱۵
نمرهقبض ۲۰۸۰۷	نمره تلگراف ۳۷۰	تاریخ اصل ۱۳	وصول ۸/۱۳
نمرهقبض ۲۰۸۴۵	نمره تلگراف ۳۸۷	تاریخ اصل ۱۳	وصول ۸/۱۲

(تلگراف از شیراز)

نمره قبض ۱۳۶۶۲ نمره تلگراف ۱۸۱ عدد کلمات ۳۵۰

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۰ ـ ۸

آستان مقدس قائد کبیر و ناجی مملکت رئیس .با عظمت حکومت موقتی مملکت ورئیس عالی کل قوا دامت قدرته کپیه توسط آقای صدر نمایندکان محترم فارس کپیه ایران کپیه ستاره کپیه کوشش کپیه کاشن کپیه قانون کپیه جارچی کپیه شفق کپیه تجدد کپیه مجله پهلوی کپیه محشر کپیه مجمع متحدین آذربایجان پدر بزرگوارا .بافتخار این موفقیت مهمی که در اثر مجاهدات خستگی نا پذیر عامه ملت ایران خاصه فارسیان که مجلس شورای ملی را وا دار نمود که بنام جلو گیری از عواقب وخیمه که در نتیجه بحرانی ممکن که بود متوجه مملکت گشته ویك باره مملکت دستخوش مهیب آتش انقلاب گردد موفقیت بانتزاع سلطنت از دودمان قاجاریه که از دیر زمانی بدینطرف عامه ایران انزجار خود را از آن بعالمیان گوشزد می نمودند گردیدو اینك تابعین تکلیف حکومتی ایران ریاست حکومت مملکت را بکف .با قدرت آن ناجی عظیم الشأن تفویض نموده بیشتر برمسرت ایرانیان .بالاخص فارسیان که این موهبت را مهم ترین آمال خود میدانست افزوده این است که نمایندکان کمیسیون مختلط نهضت ملی فارس بتلگرافخانه شیراز آمده حضوراً .با قلبي سرشار از مسرت و عشق مفرط بآن ذات مقدس تبریکات صالحانه را به پیشگاه مقدس تقدیم داشته دوام عظمت نجات دهنده مملکت را ازصمیم قلب ازخدا خواستار و اطلاعاً معروض میدارد باافتخار اینکه موهبت عظمی در سراسر خطه فارس خاصه شیراز درهر گوشه و کنار به تهیه انعقاد مجالس جشن و چراغانی مشغول و اکثر آن هم به تمام ایالات و ولایات اطلاع دادیم که آنها هم از انعقاد جاسات جشن وشادمانی شرکت خود

را .ما برادران فارسی ابراز دارند حاضرین تلگرافخانه شیراز نمایندگان کمیسیون مختلط نهضت ملی فارس ابراهیم قوام ابو القاسم نصیر الملك محمدعلی امام جمعه جلال الدین رئیس العلمـا ضیاالادبا حاجی میرزا احمد حاجی غلامحسین ـ ملك محمد امین مدیر زاده عبدالله ناظم التولیه ـ استخر ـ عبدالله ـ حسین ـ امام میرزا مرتضی ـ حاجی اسد ـ محمد صادق ـ غلامحسین ـ ماشاالله ـ نواب ـ حاجی رئیس ـ عبدالکریم محمد باقر دهقان ـ منشی کمیسیون مختلط نهضت ملي حسین تقی کلستان

(تلکراف از شیراز)

نمره قبض ۱۳۸٦۰ نمرهٔ تلکراف ۲٤۹ عدد کلمات ۳۷

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱٤ ـ ۸

توسط حضرت حجة الاسلام آقای محقق مقام مقدس اعلیحضرت پهلوی دامت عظمته سعادت آتیه مملکت‌را بوجود اعلیحضرت تبریك و دوام این نعمت‌را ازخداوند عالم خواهانیم هیئت علمیهٔ شیراز نمایندهٔ بهشتی (☆)

تلگرافات زیادی بنمرات ذیل ازشیرازمخابره شده که ازدرج آنهاصرف نظرمیشود

نمره‌قبض ۲٦٦۳	نمره‌تلکراف ۱۷۲	تاریخ‌اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمره‌قبض ۱۳٦۷	نمره‌تلکراف ۱۸۸	تاریخ‌اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمره‌قبض ۱۳۷۹۷	نمره‌تلکراف ۲۲٤	تاریخ‌اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمره‌قبض ۱۳۸۰۷	نمره‌تلکراف ۲۲۳	تاریخ‌اصل ۱۲	وصول ۸/۱۲
نمره‌قبض ۱۳٦۷۹	نمره‌تلکراف ۱۹۲	تاریخ‌اصل ۱۱	وصول ۸/۱۲
نمره‌قبض ۱۳٦۷٤	نمره‌تلکراف ۱۸۸	تاریخ‌اصل ۱۱	وصول ۸/۱۲
نمره‌قتض ۱۳٦۷٦	نمره‌تلکراف ۱۹۰	تاریخ‌اصل ۱۱	وصول ۸/۱۲
نمره‌قبض ۱۳۸۱۹	نمره‌تلکراف ۲۳۲	تاریخ‌اصل ۱۲	وصول ۸/۱۳
نمره‌قبض ۱٤٤٥٦	نمره‌تلکراف ٤۲۸	تاریخ‌اصل ۲۲	وصول ۸/۲۲
نمره‌قبض ۱۳٦۱٥	نمره‌تلکراف ۱۷٦	تاریخ‌اصل ۱۰	وصول ۸/۱۱
نمره‌قبض ۱۳٦٦	نمره‌تلکراف ۱۸۷	تاریخ‌اصل ۱۲۰	وصول ۸/۱۱
نمره‌قبض ۱۳٦٥٥	نمره‌تلکراف ۱۷۹	تاریخ‌اصل ۱۰۸	وصول ۸/۱۰

(*) (تلکراف از بوشهر)

نمره قبض ٥٩٢١ نمره تلگراف ٦٣ عدد کلمات ١٠٠

تاریخ اصل ١٣ تاریخ وصول ١٤ ـ ٨

آستان مقدس بندکان اعلیحضرت پهلوی ارواحنا فداه بر اثر افتخار روح بخش انقراض حکومت مشؤمه قاجاریه عموم طبقات اهالي بنادر باقلبي مملو از مسرت و انبساط جشن گرفته و مخصوصاً زمامداری ذات اقدس را بزرگترین عید ملی و اول روز سعادت دانسته باکمال خوشوقتی و افتخار تبریکات صادقانه باستان مبارك تقدیم و با نهایت شوق و امیدواری وصداقت معروض میدارند که درظل توجهات و سرپرستي یگانه ناجي وطن از بذل مال و جان برای ترقیات مملکت مضایقه نمیشود ازدیاد عمر واقبال وموفقیت کامل وجود مقدس را از درگاه احدیت مسئلت میدارند

کمیسیون مختلط نهضت ملي بوشهر

(تلکراف از بهبهان)

نمره قبض ٥٧٩ نمره تلگراف ٦٦ غدد کلمات ٢٨

تاریخ اصل ١٢ تاریخ وصول ١٦ـ٨

مقام منیع بندگان والا حضرت دامت عظمته این موقع طبق آمال دیرینه زمام اقتدار کف کفایت واگذار تبریکات صمیمانه ازاین پیش آمد سعادتمند تقدیم ـ مولوی از تلگرافات واردهٔ بندرات صرف نظر وفقط بنمره اشاره میشود

(*) نمره قبض ١٣٦٩٨	نمره تلکراف ١٩٥	تاریخ اصل ١١	وصول ٨/١١
نمره قبض ١٣٦٦٥	نمره تلکراف ١٨٤	تاریخ اصل ١١	وصول ٨/١١
نمره قبض ١٣٦٦٦	نمره تلکراف ١٨٥	تاریخ اصل ١١	وصول ٨/١١
نمره قبض ١٣٦٦٧	نمره تلکراف ١٨٦	تاریخ اصل ١١	وصول ٨/١١
نمره قبض ١٣٦٠٩	نمره تلکراف ١٦٧	تاریخ اصل ١٠	وصول ٨/١٠
نمره قبض ١٣٨٦٨	نمره تلکراف ٢٥٢	تاریخ اصل ١٣	وصول ٨/١٣
نمره قبض ١٣٧٩٧	نمره تلکراف ٢٢٥	تاریخ اصل ١٢	وصول ٨/١٢
نمره قبض ١٣٨١١	نمره تلکراف ٢٣٥	تاریخ اصل ١٣	وصول ٨/١٣

(ازسیستان به‌طهران)

نمره قبض ۱۲۱۶ نمره تلگراف ۵ عدد کلمات ۱۵۵

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۶ ـ ۸

پیشگاه مقدس والاحضرت اقدس پهلوی ارواحنا فداه بانهایت تعظیم ما اهالی سیستان تصمیمی را که نمایندگان ملت درخاتمه دادن بدورهٔ منحوسهٔ قجری و افتتاح عهد مسعود پهلوی اتخاذ نموده و زمام حکومت ملی را باستقلال و باستحاق کف کفایت آنذات والا ارواحنا فداه تفویض داشته اند از صمیم قلب تقدیس مینمائیم و ضمناً بتقدیم تبریکات عبیدانه بدان پیشگاه مقدس جسارت ورزیده وسعادت وترقیات برای ملت ایران درظل سرپرستی آن پدر بزرگوار مسئلت مینمائیم نمایندگان علماء‌ـ‌تراب اقدام علما حاج محمد ـ محمد رضا ـ محمد علی ـ احقر محمد علی ـ حسین احقر صدرالدین نمایندگان سرداران و خوانین ـ محمد ناصر ناروئی محمد امین ناروئی ـ علی نجفی ـ حسین سرابندی ـ محمد علی کنانی نمایندگان تجار و اصناف ـ عبدالله هروی ـ نزرك ـ حسن ـ عباسقلی قربانی ـ حاجی ناصر زاده ـ عباسعلی ـ نمایندگان مستأجر وزارعین ـ غلامحسین عرب محمد حسین حسینی

(از عراق بطهران)

نمرهٔ قبض ۴۶۰۵ نمرهٔ تلگراف ۱۳۴ عدد کلمات ۷۰

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۶ ـ ۸

پیشگاه مقدس بندکان اعلیحضرت قدر قدرت ارواحنا فداه در این موقع فیروزی و سعادت فاطبهٔ ملت ایران از تفویض مقام سرپرستی دولت و ملت که یکانه آمال فدوی قدیمی سرباز جان نثار بوده تبریکات چاکرانه خود را تقدیم آستان مقدس نموده امیدوارم تشکرات و تبریکات فدویانه را قبول چاکر بی مقدار را از فدویان صمیمی محسوب و قرین مباهاتم فرمایند چاکر قدیمی امیر

(تلگراف از رشت)

نمره قبض ۲۰۹۹۷ نمره تلگراف ٤۲۷

عدد کلمات ۱۲٥ تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۸۱۳

توسط قزوینیان پیشگاه مقدس والاحضرت پهلوی رئیس حکومت موقتي ایران دامت عظمته ازاین موفقیت عظمی والغاء سلطنت قاجار ایرانیان عموماً طبقهٔ تجار خصوصاً غرق شدت و شادی و همین روز را بزرگترین و مبارکترین عید ملی خود شمرده و بنام سعادت ایران تبریك عرض مینمایند و نظر بر اینکه طبقهٔ تجار منتظرند که قدمهای برجسته تری در راه ترقی و تعالی مملکت در اولین روز های دولت پهلوی برداشته شود پیشنهادات ذیل را به پیشگاه مقدس عرض میکنند اولا در تمدید خط آهن توجه عاجلی عطف گردد ثانیاً در باب استخراج معادن خصوصاً معادن نفط از طرف دولت اقدام بشود ثالثاً در باب قدغن ورود تزئین آلات و لوکس حکم اکیدی صادر شود رابعاً هر ایرانی کارخانجات به ایران وارد نماید تا پانزده سال ازمالیات معاف باشد

رئیس هیئت اتحادیه تجار میرزا علي چاپچی

(تلگراف از رودسر)

نمرهٔ قبض ۲۷۷ نمرهٔ تلگراف ٥ عدهٔ کلمات ۱٥٥

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۸۱۳

وسیله آقای حاجی آقا رضا رفیع نمایندهٔ مجلس شورای ملي مقام مقدس رئیس حکومت مملکت وریاست عالیه کل قوا دامت عظمته برای انداختن هیولاي هولناك و سلاسل سلطنت قاجاریه اولادان اجانب یعنی چنگیز و مغول که صفحات تاریخ ایران را قرنها هنوز از رطوبت خونهای پاك نونهالان ایران قرمز و روح نیاکان با افتخار منتظر حسن خاتمه اینك با توجهات الهی و نیات پاك حضرت اقدس و مجلس شورای ملی موفق به

انقراض سلطنت آل قاجار گردیده لانه های فساد و کاشانه های ضد حیات سعادت محو و نابود شود ملت از توجه آن یگانه ناجی ایران از چنگال گرگان آدمی خوار آسوده و تبریکات صمیمانه و تشکرات قلبی تقدیم از درگاه احدیت بقاء استقلال و عظمت آن مقام مقدس را خواهانیم آزادیخواهان رودسر علی اکبر شریف زاده ـ عیسی خراسانی ـ حسن صدری ـ محمدرضا دائمی ـ امان الله مهدی تراب زاده رشتی ـ محمدزاده ـ محمدرضا خلعت بری ـ رئیس بلدیه ـ سلیمان آروند

(ازمشهد به طهران)

تاریخ اصل ۱٤ وصول ۱۵ ـ

مقام منیع والاحضرت اقدس پهلوی فرمانده کل قوا و حکومت عامه موقت کل مملکت ایران دامت شوکته کسالت مزاجی چند روزه وابتلاء بقولنج خطرناك مانع ازعرض دعاگوئی و استعلام از سلامت مزاج مبارك شده اینك که فی الجمله حالت ادراك عودت نموده بعنوان عرض خلوص مختصراً تصدیع و ضمناً تشکر از اقدام وجود مبارك و زمامداری و حکومت ملی مملکت اسلامیه را مینمایم که نظر باین بذل عنایت جلوگیری از نغمات اسلام شکن سنهٔ ماضیه جمهوری که روح خبیث آن چنانچه منتهی آمال کافهٔ بی علاقه گان بدیانت اسلامیه است بالشویکی کرده فرمودید و احداث سدیدی ازآن بلیهٔ کبری که اعظم مصایب اسلامیه است شده رجاء واثق از الطاف کامله حضرت احدیت جل شانه متوجه ولی عصر ارواحنا فداه وعجل الله فرجه آن است که وجود مبارك را از برای حفظ و صیانت بعالم اسلامیه ونوامیس الهیه بحفظ کامل خود محفوظ و همواره وجود مبارك را در قلع وقمع اعدا داخله و خارجه دین مبین اسلامی و مذهب شریف جعفری مظفر و منصور فرمایند لطیفه سامیه را نسبت بکلیه مسلمانان سیما طبقه محترمه و سلسله جلیله علماء اسلام که پاسبان دین و حافظان شرع مقدس‌ند بیش از پیش زیادتر و مستدام فرماید

نمره قبض ۲٦٦۲٦	نمره تلگراف ۳٤٤	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۱۱ ۸
	۱۷۳	« ۱۵	« ۱۵ ۸
	۱۷۵	« ۱۵	« ۱۵ ۸

حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای قمی دامت برکاتهم بواسطه کسالت حادثه مقدور ازعرض خلوص و از دعای درآستان قدس غفلت نفرمایند

احقر مرتضی آشتیانی غروی

(از.ناصری بطهران)

نمرهٔ قبض ٤٥٢٤ نمرهٔ تلگراف ٥١ عدد کلمات ٧١

تاریخ اصل ١٥ تاریخ وصول ١٦ ـ ٨

پیشگاه امنع اعلیحضرت پهلوی دامت عظمته علماء از حصول مقصود در بر گذاری زمام مهام مملکت باستانی بکف با کفایت که منتهی مامول ملت بوده باقسام تشکرات و انواع مسرت امیدهای واثقه تبریکات صمیمانه و تهنیات فائقه تقدیم و از قادر ذوالجلال حسن مقدرات آتیه را برای تعالی و ترقیات سریعه وطن عزیز در ظل توجهات اعلیحضرت در خواست مینمائیم اتحادیه تجار اهواز

(از سبزوار بطهران)

نمرهٔ قبض ٤٧٦٨ نمرهٔ تلگراف ٦٤ عدد کلمات ١٠٩

تاریخ اصل ١٣ تاریخ وصول ١٤ ـ ٨

توسط آقای بهرام پور رئیس بلدیهٔ سبزوار مقام مقدس اعلیحضرت پهلوی روحیفداه در این موقع که زمام حکمرانی مملکت به کف با کفایت حضرتت سپرده شده و اهالی ایران از فتنهٔ اسارت آل قاجار آزاد شدند تبریکات صمیمانهٔ خود را به پیشگاه مقدست عرضه میداریم نمایندگان اصناف و اهالی سبزوار رئیس اصناف قاضی زاده کفاش ـ اقل حاج عباسعلی بزاز میرزا محمد حسین عطار ـ عبدالکریم قصاب ـ عبدالکریم خداد ـ فضل‌الله سراج ـ ابوالقاسم خرازی ـ جلال دواساز ـ صادق حسینی بقال حاجی محمد حسین حمامی ـ میرزا حسین علاقه بند ـ محمد خباز ـ اسمعیل قناد جمیل ملاک ـ محمد خیاط ـ علی اکبر تاجر ـ احمد زاده سقط فروش محمد علاف ـ آقا کوچك زرگر

(از ساوه)

آستان مقدس والا حضرت اقدس آقای پهلوی رئیس حکومت موقتی و رئیس عالي كل قوا ارواحنا فداه در اینموقع از انقراض دورهٔ قاجاریه و تفویض ریاست حکومت مملکت محروسه بذات اقدس عموم اهالی ساوه و زرند با یك انبساط فوق العاده شروع به تزیین شهر و چراغانی نموده عموم طبقات در مجلس جشن لیلهٔ ۱٤ آبان ماه در عمارت حکومتی حضور بهم رسانیده مجلس به دوام ظل مراحم ذات اقدس اختتام یافته این است که تهنیت و تبریکات صمیمانه جان نثار و مردم ساوه و زرند را تقدیم آستان مبارك میداریم (جان نثار عباسقلی)

(ازنوبران به‌طهران)

نمرهٔ قبض ۱۵۷ نمرهٔ تلگراف ۳ عدد کلمات ۹۲۸

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۵ـ۸

پیشگاه مقدس اعلیحضرت اقدس پهلوی ادام الله ملکه و دولته چشمی حق بین و عقیدت حق گذار از صعود اقدس بمقام مقدس که شایستهٔ آن بوده وباقوت وجود و نیروی فکر عمل از مجاهداتی که در استقرار امنیت و مدافعاتی که از حقوق ملت فرموده و ازهرجهت ابواب عالي سعادت را بروی اهالی کشوده وبالنتیجه محبوب خیر خواهان و درخورنگهبانی کشور ایران شدند تبریکات صمیمانه خود را تقدیم نموده بقای عمر و دوام دولت و مزید شوکت و کمال موفقیت آن اعلیحضرت را ازپیشگاه قدس الهی خواهانیم از طرف عموم اهالی خلجستان ساوه فدوی دولت خواه رضا قلی خلج امیر حسینی

(تلکراف ازکرمانشاه)

نمره قبض ۱۰۹٦۵ نمره تلگراف ۱۹۵ عدد کلمات ۱۵۰ تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۳ـ۸

خاکپای مهر اعتلای اعلیحضرت قویشوکت پهلوی شاهنشاه محبوب ایران

خلدالله ملکه و سلطانه در اینموقع که ذات اقدس همایونت بکامکاری و بختیاری زینت بخش اورنك سلطنت و جهانبانی گردیده و تاج و تخت کیان را شوکت وشهامت مفتخر داشته تشکر لایتناهی بآن ساحت مقدس تقدیم و امیدواریم که از سایهٔ عظمت وقدرتت ایران به تحصیل افتخارات از دست رفته موفق وترقیات فوق العاده کسب نماید (برومند باد این همایون درخت) (که درسایه اش میتوان برد رخت) فدویان عموم فامیل حاجی زادگان کرمان محمد حسین ـ نصرالله فزونی ـ غلامحسین ـ علی شهنازی ـ علی اصغر ـ علی پاشا منوچهر محمود فتح الله فزونی ـ نصیر الدوله سابق ـ امین الله ـ یا اباعبدالله ـ علي ـ اشرف ـ منوچهری یارسول‌الله ـ مظفر فزونی منوچهر ـ یدالله ـ محمد ـ جواد ـ عبدالحسین محمود پاشا ـ علی رضا ـ عباس حیدر علی ـ حسن ـ جعفر ـ موسی ـ شهنازی ـ کریم ـ منوچهری ـ جلال ـ نعمت الله (*)

تلگرافات زیادی بنمرات ذیل مخابره شده که از درج آنها صرف نظر میشود

(*) نمره قبض ۱۰۸۵۰	نمره تلگراف ۱۵۵	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمره قبض ۱۰۸۳۱	نمره تلگراف ۱٦٦	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۲
نمره قبض ۱۰۸٤۳	نمره تلگراف ۱۷۲	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۲
نمره قبض ۱۰۹۲٦	نمره تلگراف ۱۹۲	تاریخ اصل ۱۲	وصول ۸/۱۳
نمره قبض ۱۱۸۹۷	نمره تلگراف ۱٦۷	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۱۲ ۸
نمره قبض ۱۰۹٦٤	نمره تلگراف ۱۹٤	تاریخ اصل ۱۳	وصول ۱۳ ۸
نمره قبض ۱۰۹٦۳	نمره تلگراف ۱۹۳	تاریخ اصل ۱۳	وصول ۱۳ ۸
نمره قبض ۱۰۹٦۷	نمره تلگراف ۹٦	تاریخ اصل ۱۲	وصول ۱٤ ۸
نمره قبض ۱۱۹۹۲	نمره تلگراف ۱۷۲	تاریخ اصل ۱۲	وصول ۱۲ ۸
نمره قبض ۱۱۰۷۱	نمره تلگراف ۲۳۰	تاریخ اصل ۱۵	وصول ۱٦ ۸

(از یزد بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۴۵۰ نمرهٔ تلگراف ۱۵۳ عدد کلمات ۵۷

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۴ ـ ۸

به سده سنیه عظمی ارواحنا فداه پس از ادای شکر این موهبت کبری که فریضهٔ ذمهٔ تمام ساکنین ممالك و چاکران مملوك است بعرض تهنیت و مبارك باد گستاخی مینماید سپس از خداوند متعال دوام این فرمانفرمائی کل و بقای ذات اقدس همایونی را مسئلت و درخواست دارد غلام بی مقدار فتح الله مشیر

(از یزد بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۰۳۶۲ نمرهٔ تلگراف ۱۲۱ عدد کلمات ۱۴۱

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲ ـ ۸

توسط آقای طاهری نماینده محترم یزد بعرض مقام شامخ بندگان حضرت اقدس اعظم ریاست حکومت موقتی و ریاست عالیه کل قوا ارواحنا فداه میرساند دستخط تلگرافی صادر و از آنمقام اعلی و مجلس مقدس شورای ملی راجع بخلع سلسلهٔ قاجاریه از سلطنت و نصب ذات اقدس اصالتاً بسمت کفالت حکومت مملکت زیارت و فوراً در تمام نقاط یزد و توابع بوسیلهٔ اعلان انتشار داد عموم اهالي بنوعی این مژده جان بخش را تلقی نمودند که بیان و بنان از عرض آن عاجز و قاصر است بطوریکه تلگرافاً مکتوبات خود شان را بعرض آستان مبارك پی در پی رسانیده و میرسانند و این جان نثار هم خود را بهیچ وجه قابل عرض تبریك ندانسته همان قدر عاجزانه عرض میکنم (تورا زکنگره عرش میزنند صفیر) نمرهٔ ۲۲۹۸ جان نثار عباس علی شوکت

(تلگراف از کاشان به طهران)

نمرهٔ قبض ۳۸۶۸ نمرهٔ تلگراف ۸۱ عدد کلمات ۴۰

تاریخ اصل تاریخ وصول ۱۱ ــ ۸

آستان اعلیحضرت پادشاه ایران ارواحنا فداه جهانبانی یگانه فرزند ایران را که هموارهٔ از خداوند مسئلت مینمودیم بارزوی خود نایل و امیدواریم مملکت باستانی بتوجهات کامله مدارج ترقی را طی نماید اتحادیه تجار کاشان

(از کاشان بطهران) (*)

نمره قبض ۳۸۵۹ نمره تلگراف ۷۷ عدد کلمات ۸۶

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۱ــ۸

توسط آقای ارباب کیخسرو نماینده محترم زرتشتیان حضور معدلت ظهور مبارك بندگان اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه ایران نژاد و دارندهٔ تخت وتاج کیان رضاشاه پهلوی خلدالله ملکه وسلطانه از تفویض سلطنت به اعلیحضرت اقدس شهریاری ابواب بهجت بر چهرهٔ آمال قاطبه ایرانیان خاصه جان نثاران گشوده خاضعانه عن صمیم القلب تبریکات و تهنیات فایقه تقدیم خاك پاي حضرت اقدس همایوني داشته واز قادر دادگر بقای ذات مقدس آن خسرو آزادیخواه عدالت گستر را مسئلت داریم سمهیز گویا انجمن زرتشتیان

(از آمل بطهران)

نمرهٔ قبض ۵۴۵ نمره تلگراف ۳۲ عدد کلمات ۲۷

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵ ــ ۸

بخاکپاي اعلیحضرت پهلوی حکومت ملي ادام الله بقائه، کپیه مجلس مقدس کپیه ریاست اتحادیه تجار باهسرت قلبی تبریکات خالصانه تقدیم

اتحادیه تجار طهرانی

(*) نمره قبض ۲۸۸۵	نمره تلگراف ۹۰	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۱۲ ۸
نمره قبض ۳۰۹۵	نمره تلگراف ۹۹	تاریخ اصل ۱۲	وصول ۱۲ ۸
نمره قبض ۲۸۹۹	نمره تلگراف ۹۵	تاریخ اصل ۲۲	وصول ۱۲ ۸
نمره قبض ۲۸۹۱	نمره تلگراف ۹۲	تاریخ اصل ۱۲	وصول ۱۲ ۸

(از بارفروش به طهران)

نمره قبض ۲٦٥٥ نمره تلگراف ۱۳۷ تاریخ اصل ۱٥
تاریخ وصول ۱٥ ـ ۸

آستان مبارك اعلیحضرت پهلوی رئیس معظم حکومت ملی ایران مدظله در این موقع که برای ادامه مراتب شادمانی در مجلس باشکوه فوق العاده مهم که از طرف آقای آقا میرزا عبدالباقي رئیس محترم صلح نامحدود بارفرش تهیه شده و عموماً از داخله و خارجه حاضر و فریاد زنده باد حضرت پهلوی بلند است به تقاضای عموم اهالی تبریکات خالصه وادعیه خالصانه را تجدید مینمائیم کمیسیون مختلط نهضت ملی بارفروش

(تلگراف از کردستان)

نمره قبض ۲۰٤٥ نمره تلگراف ۷٤
عدد کلمات ۳۳۸ تاریخ اصل ۱۹ تاریخ وصول ۲ ـ ۸

ساحت مقدس اعلیحضرت سلطان با شوکت و اقتدار ایران آقای پهلوی دامت عظمته کپیه مجلس شوراي ملی نهضت آذربایجان نهضت کرمانشاه همدان عراق بروجرد خرم آباد فیلی اصفهان رشت ملت ایران عموماً اهالی کردستان خصوصاً که یك قسمت مهم نژاد خالص ایران تشکیل می دهد دو مقصود اساسی دارند اول امنیت و آسایش و استقلال سلطنت و حکومت ایران دوم مورد الطاف و عواطف دولت و سلطنت واقع بودن بحمدالله قسمت اول به همم عالیه آن ذوات مقدس قادر توانا برای مملکت فراهم و باید ایرانیان با داشتن این سرپرست نیرومند .. ومند مفتخر و سرافراز بوده و صدای شکرگذاری خود را به کروبیان عالم بالا رسانیده و در اقصی بلاد ..ران فریاد زنده باد اعلیحضرت رضای پهلوی سلطان با اقتدار ایران دامت عظمته و قدرته بلند و بگوش عالمیان رسیده است فقط قسمت دوم باقي است که الطاف و عواطف آن ذات مقدس شامل حال ایرانیان شود و آن

این است که دولت و ملت ایران را معطل تاسیس مجلس مؤسسان نفرموده و مستقلا مسؤل حل و عقد امور شده وقت ذی قیمت اعلیحضرت همایونی را که صرف هر دقیقهٔ او برابر قیمت یك مملکت است عاطل نگذرانند اگر مقصود از ادای این عدهٔ مجلس مؤسسان تصویب و تصدیق سلطنت آن اعلیحضرت است که مدتی است عموم ایرانیان جان خود را در کف گرفته تقدیم آستان مبارك مینمایند که قبول این مقام را فرموده و اهالی ایران را بعد از سالیان دراز نی حکومتی دارای یك همچه سلطنتی بفرمایند که در امنیت جامعهٔ دنیا ما هم دارای سلطان با اقتداری باشیم اگر غرض امرار وقت است که خداوند قادر متعال گواه است ملت ایران دیگر طاقت و توانای این مدت بلا تکلیفی را ندارند تا خاتمه کار کمیته نهضت کردستان تعلیمات خود ادامه داده و بتمام ایالات و ولایات اخطار شده است که دست از اقدامات خود نکنند تا بمژده تاج گذاری بزودی نایل و خود را در میان تمام دول مفتخر سازد و بصدای بلند میگوئیم پاینده باد سلطنت پهلوی

(کمیتهٔ نهضت ملی کردستان)

(تلگراف از ملایر)

نمرهٔ قبض ۱۰۷۴ نمره تلگراف ۵۶ عده کلمات ٤۱

تاریخ اصل ۱٦ تاریخ وصول ۱٦ - ۸

حضور مبارك و استان والا حضرت اقدس حکومت مملکت ایران ورئیس عالی کل قوا تبریکات صمیمانه را با ادعیه خالصانه تقدیم میداریم و با نهایت شوق در مجلس جشن اشتغال بدعاگوئی داریم الداعی آقا نجفی - الاحقر شیخ علی - احقر محمد مدرس - حقیر شریف العلما

(تلگراف ازشفارود)

نمره قبض ۱۵۱ نمره تلگراف ٤ عده کلمات ۱۱۷

تاریخ اصل ۱٤ تاریخ وصول ۱۵ - ۸

مقام منیع حضرت اشرف رئیس حکومت مملکت وریاست عالیه کل قوا

ارواحنا فداه در اثر تعقیب ملت و موفقیت مجلس مقدس شورای ملی انقراض سلطنت از قاجاریه و ریاست حکومت کل مملکت به پدر محبوب حضرت پهلوی روحی فداه تفویض نظر باینکه باین نعمت سلطنتی نایل گردیده لذا عموم اهالی طوالش با روح سرشاری مشغول شادمانی و چراغانی مبادرت و تلگرافات تبریکات خالصانه خودمان را بمقام مقدس تقدیم مینمائیم محمد خان ساسانی ـ امیر اصلان خان ـ عبدالحسین خان اسد الملك ـ حبیب الله ـ بیت الله یکانی ـ مشهدی عیسی ـ مشهدی آقا جان ـ کدخدا علی حاجی ـ عزت نبي الله ـ حسین زاده ـ مشهدی صالح ـ کربلائی جواد ـ ملك الملك ـ یعقوب بیك ـ شیر علی بیك ـ ارس بیك ـ داداش ـ حسین زاده

(از تربت بطهران)

نمرهٔ قبض ۲۸۸۱ نمرهٔ تلگراف ۲۰ عدد کلمات ۱۲۰

تاریخ اصل ۱٤ تاریخ وصول ۱۵ ـ ۸

توسط رئیس محترم اتحادیه تجار مقام مقدس اعلیحضرت پهلوی کپیهٔ مجلس مقدس شورای ملی از تفویض زمامداری مملکت بکف کفایت آن پدر محبوب با یك دنیا مسرت و امیدواری استقبال و تشکرات خود را تقدیم آن پیشگاه نموده انتظار اعلان رسمی سلطنت آن یگانه تاجي و پدر محبوب خود را داریم (هیئت تجار ترشیز) حسین حسینی ـ غلام رضا هاشم موسوی عبدالرضا افتخار زاده ـ احمد علي ـ اصغر ـ محمود ـ حسیني ـ محمد ـ محمد صادق غلام رضا ـ علی اصغر ـ عبدالحمید موسوی ـ محمود ـ حسین ـ محمد حسینی رئیس زاده ـ علی ابن حسن ـ حاجی آقا طباطبائی ـ عبدالحسین ـ محمد علي حسینی ـ حاجی آقا جالینوس زاده ـ علی اکبر محمد حسن ـ ابوالقاسم امین زوار ـ محمد جواد ـ عبدالله اف ـ علی شریف آقا اسمعیل ابن عباس عبدالوهاب جواد زاده

(از نیشا پور)

نمرهٔ قبض ۱۸۵۲ نمرهٔ تلگراف ۳۰ عدد کلمات ۶۳

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۳ ـ ۸

پیشگاه اقدس اعلی حضرت ریاست حکومت ملی و ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته از بشارت تفویض ریاست کل حکومت ملی به یکانه قائد و ناجي ایران عموماً مسرور و مشعوف تبریکات و تشکرات خالصانه و صادقانه خود را بمقام مقدست تقدیم و پیشرفت مقاصد و آمال دیرینهٔ عموم ایرانیان را از درگاه احدیت خواهانیم (رئیس هیئت اتحادیه تجار توکلی)

(از رشت بطهران)

نمرهٔ قبض ۲۱۹۵۹ نمرهٔ تلگراف ۴۱۲ عدد کلمات ۲۱۵

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۳ ـ ۸

بوسیلهٔ آقای میرزا حسین خان سمیعی باستان عظمت بنیان اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه بتوجهات کاملهٔ آن یکانه ناجی ایران که انقلابات ایران خاصهٔ گیلان مبدل بامنیت شده با اجازه و امر مطاع اعلي عودت به گیلان نمودیم عموم مهاجرین تماماً طایفهٔ سمیعیان از این بذل مراحم همواره متشکر و از خداوند متعال عظمت و سلطهٔ اعلیحضرت پهلوی را برای نجات و عظمت ایرانیان درخواست تا بحمدالله دعای خالص ما باجابت رسیده امروز به منتهی آرزوی خود نائل و نکاهداری تاج کیان که بمشیت الهی هدیهٔ قدرت آن یکانه ناجي و سرپرست ایران واگذار شده است امیدواریم بعد ها مملکت ایران و وطن عزیز ما بیشتر از اینها ترقی و ما ایرانیان در ظل عطوفت و حمایت آن اعلیحضرت سرافرازی خود تان را مفتخرانه بدنیا ثابت نموده پیوسته مشغول خدمتگذاری و فداکاری هاشیم عبدالحمید ـ سمیعی ـ اسمعیل سمیعی ابوالقاسم ـ نجد سمیعی عیسی سمیعی ـ تقی سمیعی ـ محمد سمیعی ـ عنایت الله ـ سمیعی طالش ـ سمیعی

هدایت الله سمیعی - یوسف سمیعی - عزت سمیعی - مهدی سمیعی - حسن سمیعی - نصرالله سمیعی - نبیح الله سمیعی جعفر سمیعی یوسف سمیعی - حاج میرزا مهدی سمیعی - حسین سمیعی - شیخ سمیعی - عبدالحسین نجد سمیعی - شکرالله سمیعی - عبدالحسین - رحمت سمیعی -

(از بروجرد بطهران)

نمرهٔ قبض ۳۵۵۱ نمرهٔ تلگراف ٦٦ عدد کلمات ۱۰۷

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲ آبانماه

توسط آقای اعتبـار نمایـندهٔ محترم مجلس مقدس آستـان مبارك بندکان حضرت والا اقدس اعظم روحیفداه افراد زن و مرد بطوریکه به نمرهٔ ٦۸۷ بعرض رسانیده غریق وجدو شعف در آئین و جشن و چراغان شهر ولولهٔ عدیم النظیری مشاهده میشود در عین حال افراد و طبقات و کمسیونهای نهضت ملي با یك بی صبری منتظر وصول خبر روح بخش تکلیف قطعی و سلطنت دایمی پهلوی هستند و به فشار و مضیقه خود شان افزوده چنانچه تا فردا این مژده تاخیر افتد با بی صبری اهالی حوادث غیر مترقبه متوجه خواهد بود لیلهٔ (۱۱) آبان نمرهٔ ۷۰۰ فدوی تقی خواجوی

(از دامغان به طهران)

نمرهٔ قبض ۱۲۷۷ نمرهٔ تلگراف ٥٦ عددکلمات ۳٦

تاریخ اصل ۱٤ تاریخ وصول ۱٥ ـ ۸

مقام مقدس یگانه زمامدار ایران ویگانه نابغهٔ دوران حضرت پهلوی رئیس حکومت موقتی و ریاست عالیهٔ کل قوا دامت عظمته اعلامیـه تلگرافی مبارك حـاکي از مژدهٔ انقراض سلطنت قاجاریه و تفویض حکومت بآن وجود اعظم قلوب افسرده کارکنان دولت خاصـه فدویان را قرین مسرت شادی نموده .باامیدواری به ترقیات کامل مملکت در تحت لوای آن قائد عدیم النظیر ملی از صمیم قلب تهنیت عرض و انتظـار بشارت

ریاست دائمی را داریم عبدالکریم کبرائی ـ رئیس تلگراف سهراب امینی رئیس پست ـ سید محمد میر فخرائی امین صلح مظفر سمنانی ـ رئیس معارف محمود حسینی ـ امیر خلیل رئیس احصائیه و سجل احوال ـ وفا طبیب صحیه ـ سید محمد قائمی نمایندهٔ فواید عامه خلیل معلم ـ رئیس بلدیه ابوالقاسم یغمائی ـ رئیس نظمیه ناصری امیری بهادران رئیس حمل و نقل علی رفیعی

(تلگراف ازسمنان)

نمره قبض ۱۸۰۰ نمرهٔ تلگراف ۶۵ عدد کلمات ۹۳

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵ ـ ۸

مقام منیع ریاست حکومت ملی دامت شوکته کپیه مجلس مقدس کپیه ایران کپیه ستاره اینك که بحمدالله دامان ملت از غبار ننك پاك گریبان مردم از چنگال قاجاریه رها مجلس مقدس سعادت ملت و مملکت را در نظر گرفته انقراض سلطنت قاجاریه را اطلاع و ریاست حکومت مملکت را بکف کفآیت حضرتت واگذار نموده و اعیان وعموم رعایای این موهبت عظمی را ازصمیم قلب تبریك گفته عظمت و موفقیت حضرتت را مسئلت مینمائیم هیئت کاظم شریعت آقاعلی ـ علی الحسینی ـ صدر ـ عبدالعلی الحسینی

(تلگراف ازسمنان)

نمرهٔ قبض ۱۷۷۶ نمرهٔ تلگراف ۵۱ عدد کلمات ۱۳۰

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۴ـ۸

توسط آقای یاسائی نمایندهٔ محترم سمنان ودامغان مجلس شورای ملی کپیهٔ آقای پهلوی کپیه ایران کپیه کوشش بواسطه سوء عملیاتِ قاجاریه وتنفر اهالی مملکت ازآن سلسله و حسن سلوك وتهنیت قلوب بواسطهٔ خدمات شایان که در قلیل مدت زمامداری آقای پهلوی نسبت بسعادت مملکت بعرصهٔ بروز وظهور رسانده حقیقتاً قابل تقدیر و جای بسی تشکراست لهذا ازآن ذوات مقدسه بازبان الکن تمام اهالی سمنان عموماً ساداتِ حسینی

شرافت پناهی و سادات طباطبائی خصوصا خلع سلطنت را از خانوادهٔ قاجـاریه و تفویض حکومت ملی بحضرت آقای پهلوی باکمال شوق و شعف تبریکات صمیمانه و تشکرات قلبیهٔ خودرا تقدیم میدارند سادات حسینی شریعت پنـاهی و سادات طباطبائی مهـدی - نقی الحسینی طباطبـائی حسن حسینی

(تلگراف از درجز)

نمرهٔ قبض ۶۸۴ نمرهٔ تلگراف ۶ عدد کلمات ۱۶۰

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۴-۸

خاکپای جواهر آسای بندگان اعلیحضرت قدر قدرت پهلوی ارواحنا فداه در این موقع که کوکب اقبال و سعادت اهالی ایران عموماً و خانزاد خصوصاً بنور ذات مقدس بندگان اعلیحضرت همایونی ارواحنا فداه منور و میمون ومبارك گشته است به منتها آرزو و آمال که ازخداوند مسئلت داشته بحمـدالله نایل گردید اینـك بشکرانهٔ این نعمت عظمی از درگاه احدیت مسئلت می نماید ثانیه شمـار تا آخرین ساعت عمر خانه زاد موفق بخدمتگذاری و جان فشانی آن اعلیحضرت گشته و جان ناقابل را نثار خاکپای مبارك گرداند خانه زاد و عموم اهـالی ولایت درجز و این سرحدات - بدین مژده گرجان فشانم رواست وبرای زیارت مژدهٔ تلگرافی نایب رئیس مجلس مقدس عموم اهالی بایك شعف و سرور قلبی که در باطن شـان مسطور بوده اینك عموماً ظاهر نموده اند و مشغول گرفتن جشن و چراغانی و نشاط وسروری از صمیم قلب می باشند غلام خانزاد و فدائی سالار نصرت سابق

(تلگراف از گلپایگان)

نمره قبض ۴۳۹ نمرهٔ تلگراف ۱۴۲ عدد کلمات ۱۳۵

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲-۸

توسط نمایندهٔ محترم آقای میرزا محمد خان معظمی ساحت مقدس بندگان

اقدس ریاست عظمی حکومت مملکت دامت عظمته کپیه مجلس ایران دستخط مطاع تلگرافی دایر به تصویب انقراض سلطنت قاجاریه وتعیین ذات اقدس ریاست حکومت عالیهٔ مملکت زیارت شد قاطبهٔ اهالی این خبر را بایك عالم مسرت و امیدواری استقبال کرده ازدیاد تائید حضرت اقدس را در تهیهٔ وسایل آسودگی ملت وتعالی مملکت از خداوند مسئلت دارند و از حسن سلوك حکومت جلیله فوق وصف راضی و متشکرند علمای گلپایگان و تجار من الخاطی زین‌العابدین داعی شیخ محمدسعید ـ محمد موسوی ـ محمد شریف ـ عنایت‌الله موسوی داعی محمد باقر ـ هیئت تجار گلپایگان ـ اقل حاج محمد رضا شهریاری اقل حاج محمدرضای مرشد زاده ـ اقل حاجی آقا ـ علی گلپایگانی ـ اقل محمد جعفر امینی ـ محمد باقر

(تلگراف از تویسرکان)

نمره قبض ۳۳۳ نمرهٔ تلگراف ۱۷ عدد کلمات ٤٥

تاریخ اصل ۱٤ـ تاریخ وصول ۱٦ ۸

سدهٔ سنیهٔ اعلیحضرت حکمفرمای ایران دامت سطوته تهنیت و تبریك جلوس میمنت مأنوس را تقدیم دوام و بقای اقتدار و اطاله ظل ظلیل را به مفارق ایرانیان عموماً مسئلت داریم عبدالعلی آقا ـ احقر بهاء الدین ـ حیدر ـ احقر علی اصغر عموم آقایان

(از همدان بطهران)

نمرهٔ قبض ۱۷۹۸۹ نمرهٔ تلگراف ۳۵۳ عدد کلمات ۵۸

تاریخ اصل ۱٤ تاریخ وصول ٤ ـ ۸

بندگان والا حضرت اقدس پهلوی دراین موقع که زمام و سهام امور مملکتی بعهدهٔ کفایت وید قدرت والا حضرت اشرف اقدس قرار گرفته ملت کلیمی همدان در موقع انعقاد جشن خصوصی از وجدو سرور خودداری

نداشته و مقدم مبارك را بر اريكه فرمانفرمائي صميمانه تبريك و تهنيت عرض مينمايند جماعت

(كليمى همدان)

(ازسيرجان بطهران)

نمرهٔ قبض ٦١٠ نمرهٔ تلگراف ٤ عدد كلمات ٤٩

اعليحضرت همايونی و رياست عاليه كل قوا دامت عظمته قبول حكومت را كه يكانه راه امید ملت ايران است صميمانه تهنيت و تبريك تقديم داشته تأييدات لا نهايت ذات مقدس را در حفظ عظمت وطن مقدس از خداوند ذو الجلال مسئلت داريم از طرف اتحاديه سيد حسين لارى

(تلگراف از بروجرد)

نمرهٔ قبض ۲٥۹٥ نمرهٔ تلگراف ۸۲

عدد كلمات ٤٦ تاريخ اصل ١٤ تاريخ وصول ١٥ ۸

توسط جناب اجل آقاميرزا سيداحمد خان اعتبارى نمايندهٔ محترم بروجرد حضور مبارك بندگان والا حضرت اقدس همايونى دامت قدرته ازحسن انتخاب مجلس مقدس شوراى ملى زمامدارى وسرپرستى مملكت بآنوجود اقدس تشكرات و تبريكات متكاثره تقديم مى نمايد.

ابو المجد طباطبائى

(تلگراف از تويسركان)

نمره قبض ۳۳۰ نمره تلگراف ١٤ عدد كلمات ٥۳

تاريخ اصل ١۳ تاريخ وصول ١٤ آبانماه

آستان مقدس اعليحضرت شهريارى و فرمانده كل قوا روحنا فداه سلطنت پهلوى را كه با استحقاق ملت تفويض ذات مقدس نمودند از صميم قلب عرض تبريك تقديم دوام و بقاى ذات مقدس را از خداوند مسئلت داشته وتا سه روز مشغول شادى جشن صميمانه خواهند بود

اتحاديه اصناف تويسركان

(تلگراف ازبارفروش)

نمره قبض ۳٦٦٤ نمره تلگراف ٤۰ عدد کلمات ۱۷۸

تاریخ اصل ۱٦ تاریخ وصول ۱٦ ـ ۸

آستان مبارك اعلیحضرت ریاست حکومت ملی ایران رضا خان پهلوی ارواحنا فداه در نتیجه نهضت ملی و اظهار عدم رضایت از سلسله آل قاجار و انقراض سلطنت آنان که عمده آمال وسعادت ملت ایران بوده تا این که در شنبه نهم آبان ماه از طرف مجلس مقدس دارالشورای ملي بنام سعادت موافق .باین آرزو شده و انقراض این سلسله را اعلان و ریاست حکومت ملی ایران بید قدرت اعلیحضرت واگذار فدویان از این ترتیب و نعمت عظمی تشکرات و تبریکات چاکرانه را تقدیم اهالی بندپی اقل علما حسین فیروزی ـ ابو تراب خان ـ سرتیب ـ احقر سادات ـ عبده صادق ابن ابو القاسم موسوی ـ احقرسادات عبده حسین حسینی ـ اقل طلاب عبده قنبر علی ـ اقل سادات ابو تراب موسوی احقر حسین ـ احقر عبده صمد ـ اقل حاج بابا خان ـ عباسقلي سررشته دار ـ احقر یدالله ـ اقل حاج خدا مراد ـ اقل حاج یا امام رضا اقل حاج عبدالرحمن ـ اقل حاج سیف الله ـ اقل حاج غلامعلی ابن اسمعیل ـ اقل طلبه راجی لطف الله ابن اسمعیل ـ صادق خان فیروز کوهی ـ عنایت سلطان ـ اقل حاج یاعلي ـ اقل حاج محمد قاسم

(تلگراف از بوشهر بطهران)

نمره قبض ۵۹٦۲ نمره تلگراف ۷۱ عده کلمات ۳۲

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول شب ۱۸ـ۸

آستان مقدس اعلیحضرت پهلوی خلدالله سلطانه به اثر خبر روح بخش انقراض حکومت قاجاریه و تفویض سلطنت بحضرتت تبریکات صمیمانه عرض موفقیت حضرتت از خدا خواهانیم

انجمن اخوت بوشهر

(تلگراف ازبم بطهران)

نمرهٔ قبض ۸۸۹ نمرهٔ تلگراف ۱۳ عدد کلمات ۸٦

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱٤ـ۸

توسط جناب اتحاد نماینده محترم داز الشورای مجلس مقدس شورای ملی کپیه اعلیحضرت اقدس همایون پهلوی تشکرانه اعلام انقراض سلطنت ظالمه قاجاریه و تفویض زمام امور به یدقائد مقتدر که کعبه آمال ملت مجلس مقدس ملت ایران را در جامعه ملل حیه عالم مفتخر و مباهی فرموده چراغان عمومی بوده پاینده باد دار الشورای وظیفه شناس زنده باد اعلیحضرت پهلوی طنین انداز مستدعیم تسریع در تشکیل مجلس مؤسسان فرموده نگرانی را مرتفع فرمایند نمره ۳۵

فرقه دموکرات ایران کمیته بم

(تلگراف ازساوجبلاغ)

نمره قبض ۱۹۳۱ نمره تلگراف ۱۱ عدد کلمات ۱٤

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول [illegible]۱ـ۸

پیشگاه مقدس اعلیحضرت اقدس رضا خان پهلوی اروحنا فداه بشارت تفویض مقام معظم حکومت عالیه ایران به‌قبضه نیرومند و توانای آن ذات مقدس حقیقت وصول حق بمن له حق بعمل آمده است سامعه این روز موجب اقصا درجه امیدواری و استظهار گردیده این روز سعیدرا بعید بزرگ تاریخی ملی گرفته واز طرف قاطبه رعایا وبرایا موجبات جشن و چراغان وسرور وشادی بعمل آید معهذا اهالی مکری از نیل باین یگانه آرزوی ملتی خود که نصب عین داشته و پیوسته مترصد حصول آن بودند باقلبی سرشار از فرح و شادی تبریکات نابغانه به پیشگاه اقدس تقدیم و موفقیت آن اعلیحضرت را درطی طریق آسایش دائمی ملت وترقی اهالی مملکت از درگاه خداوند احدیت خواستاریم کمیسیون نهضت ملی مکری

(تلگراف ازساوجبلاغ)

نمره قبض ۱۹۲٤ نمره تلگراف عدد کلمات ۱۰٦

تاریخ اصل ۱٤ تاریخ وصول ۱۵ــ۸

خاکپای مقدس اعلیحضرت قدر قدرت ریاست کل ممالك ایران ارواحنا فداه در این موقع که یك روز تاریخی برای عموم ایرانیان خصوصاً آذربایجانیان فراهم واز قتول سرپرستي آن ذات مقدس ابن موهبت عظمي عید حقیقی برپاست این غلام بی مقدار نیز بایك دنیا شوق وشعف عاجزانه بعرض تهنیت جسارت ورزیده از درگاه احدیت ازدیاد شوکت وقدرت آن ظل الله را درخواست ومنتها آمال وآرزویم این است که در خدمتگذاری جان ناقابل خودرا نثار خاکپای مبارك بنمایم حکومت ساوجبلاغ غلام بی مقدار وشمگیر

(ازرامهرمز بطهران)

نمرهٔ قبض ۷٤٦ نمرهٔ تلگراف ۵ عدد کلمات ۲۷۷

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱٤ ــ ۸

مقام مقدس حضرت اشرف رضا خان پهلوی رئیس حکومت موقتی ملی ایران دامت قدرته کپیه مجلس مقدس شورای ملی کپیه ادارهٔ مرکزی اطلاعات جراید در نتیجهٔ تحمل چندین سال مشقت و استقامت و از ان همه گونه فداکاری و جان بازی آنذات اشرف مملکت بآغوش امنیت و مهر رفاه و آمال مستقر و جای گزین گردیده و بالاخره در نصب قدرت و شهامت قائد و نابغهٔ غیور ملوك الطوایفی و غارت گری این مرزو بوم را وداع گفت بحمدالله ملت ایران از وصول و درك این موهبت عظمي قدردانی کرده با هر فداکاری که بود بسلسلهٔ خیانتکار و غارت شعار قاجار خاتمه داد و زمام و مهام این مملکت را بکف کفایت و قدرت آنذات اشرف سپرد در اثر خبر تلگرافی انقراض دودمان قاجار و انتخاب ذات

مقدس بر اورنك کشور قلوب فرد فرد را کاخ شعف و مسرت گردانیده ملت ایران را بامید روزکار سعادت و شرافتی امید وار میدارو ما هیئت نهضت رامهرمز با تقدیم هزاران تشکر و افتخار از حسن این انتخاب با صمیمیت قلبی تبریکات و تحاني بی پایان خود را بخاکپای آن عنصر مقدس نثار و نیازنموده آرزومندیم که این خدمت مهم را برای همیشه بعهدهٔ کفایت ذات مقدس خود واگذار فرمایند تا این روز سعادت فیروز را نخستین روز حیاتی ملی ایران دانسته از امر تودهٔ افتخار و اعزاز اعیاد و ایام برکت ملّی خود قرار دهیم امیدوارم در ظل عواطف و توجهات آنحکومت مقتدر ملی محبوب این مملکت باصلاحات و عمران داخلی خود موفق گشته جبران دورهٔ سلف خودرا نمایند کمیسیون نهضت ملی رامهرمز

(تلگراف از گوگان بطهران)

نمره قبض ۲۹۳ نمره تلگراف ۲ عدد کلمات ۱۱۱

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۳ـ۸

پیشگاه بندگان اعلیحضرت پهلوی دامت قدرته درخشیدن ستاره سعادت ایران که خلع سلطنت آل قاجاریه نصیب ذات اقدس آن پرستار محبوب ایرانیان روح تازه بعموم بخشیده واز گوشهٔ ده خوارقان طبقات علماء دوایر دولتی وتجار باصمیمیت تمام تبریك این روز مبارك را که عید عظیم است متجاسر وعرض مینماید (بدین مژده گرجان فشانم رواست) امید واریم درظل رأفت آن ذات مقدس مملکت ایران رشك روضهٔ برین گردد اهالی ده خوارقان چاکر عظیم خدا دادی حسینقلی قاسمی مجید صحی احمد حسن‌فتح مصطفي حاجی‌اسدالله ده‌خوارقانی غلامحسین حاج محمد باقر احمد عباسقلی گل محمد ابراهیم

(از سراب بطهران)

تاریخ وصول ۱۴ ـ ۸

خاکپای مبارك اعلیحضرت پهلوی رئیس معظم دولت ایران خلدالله ملکه

طلوع موکب سعادت بخش اعلیحضرت سرپرست نیرومند مملکت و نگاهبان غیور امنیت با اضمحلال سلطان نالایق و انقراض سلطنت از آل قاجاریه زمامداری دولت ایران نه تنها کف با کفایت و قدرت اعلیحضرت را بدنیای افتخار و خوشبختی سوق و یك عالم مسرت بي پایان ایرانیان را فراهم کرده بلکه تفویض شدن زمام دولت بآن ذات مقدس سبب اتحاد ترقی و تعالی مملکت و استظهار ملت و آرزومندیم که خون نا قابل رعیتي ما را با همهٔ نوع جان نثاری تصدق امر مبارك اعلیحضرت نمائیم ۱۲ آبانماه

جان نثار اسدالله پناهی ایل دله غار دیراگو

(از ماکو بطهران)

نمرهٔ قبض ۷۸۳۸ نمرهٔ تلگراف ۹ عدد کلمات ٦٦

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۵ ـ ۸

خاکپای جواهر آسای اعلیحضرت قدر قدرت پهلوی ارواحنا فداه جلوس میمنت مأنوس آن پدر مهربان تاجدار که یگانه آمال و آرزوی ملت ایران عموماً و مستخدمین دولت علیه خصوصاً بود تبریکات غلامانه را بخاکپای مقدس تقدیم موفقیت ذات مقدس اعلیحضرت را با ایفای وظایف فدا کاری و جان نثاری از درگاه خداوندی مسئلت مینماید غلام جان نثار سیف‌الدین پهلولی ـ سیف الدوله سابق

(تلگراف از اهر بطهران)

نمره قبض ٤٦۹ نمره تلگراف ۹ عده کلمات ۱۳۹

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۵ـ۸

مقام مقدس بندگیان اعلی اقدس پهلوی خلدالله ملکه در این موقع که از سلسلهٔ قاجار سلطنت خلع و حکم فرمائی ایران برید قدرت و کف با کفایت اعلیحضرت تفویض به این جشن بزرك ملوکانه عموماً شکر گذار ورطب اللسان و استدامت آن مقام مقدس را به اریکه همایونی از

خداوند خواستاریم که من بعد در میان عطوفت اعلیحضرت خسروانه با باعظمت قشون و ترقی مملکت محروسه و تعمیر بیوتات وطن مقدس مستظل اینک تبریکات صمیمانه و دعا گوئی خالصانه خودمان را بخاکپای مقدس عرض و تقدیم میداریم

امام جمعه حاجی میرزا آقا آخوند ملا احمد ابوالفضل آقا میرزا سید آقا آقا میرزا محمدعلی ملا قاسم مقدس سید محمد میرزا محسن آقا ملا حسین ملا احمد ملا عبد الحسین میرزا احمد ملا جواد

(تلگراف از آستارا بطهران)

نمره قبض ۱۸۸۸ نمره تلگراف ۱٦ عده کلمات ۱٦٥

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱٥ــ۸

آستان مقدس اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه در این موقع که بر اثر پافشاری آذربایجانیان شانه رنجیده ملت ستم دیده ایران همان ملتی که تا قبل از استیلای قاجار گوی سبقت از سایر ملل حیثهٔ عالم میربوده از زیر بار ننگین سلطنت قاجاریه خالی ودست نالایق غیراز تاج کیان که یگانه آثار نیاگان با افتخار ما است قطع و زمام اختیار مملکت باستانی را بکف با کفایت اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه تفویض شد اهالی آستارا نهضت مبارزه که مجالس جشن وچراغانی وصدا های خشونت آمیز مرده و محو باد قاجار را بصدا های هلهله شادی و زنده باد اعلیحضرت پهلوی وجاوید باد مملکت باستانی تبدیل نموده وبایك نظریه آثار قدیمه تخت فیروز تخت سیروس قریباً در سایه زحمت خستگی ناپذیران فرزانه فرزند ارجمند دلیرساسان مقامات سالفهٔ خودرا احراز خواهد نمود تبریکات صمیمانه را تقدیم ساحت منزه ومقدس نابغهٔ شرق مینمائیم

کمیسیون نهضت ملی

(از اهر به تبریز)

تاریخ وصول ۱٤ ـ ۸

خاکپای مقدس اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه ایران پهلوی ارواحنا فداه در این موقع که آفتاب سعادت ایران و ایرانیان طالع و درخشنده ترین انوار خوش بختی ابدی سر تا سر ایران ساطع به‌نیل آرزوی دیرین عموم ملت بخت باستانی که خلع آل قاجار از سلطنت و تفویض زمام مملکت بکف کفایت اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جم جاه پهلوي ارواح العالمین فداه بوده در ذی‌قیمت ترین ساعات قلوب عموم افراد ایلي جان نثاران را روح تازه دمیده با یك هیئت جامعه و اهلیت قاطبه جوانان فداکار صحن ایل بیگی گری قراجه داغ مملو و با یك حیات تازه و صدای رسا تبریکات صمیمانه را تقدیم آستان ملایك پاسبان داشته و با عموم ارته ملت عرض مینمائیم پاینده باد دولت قویشوکت باستانی و زنده باد اعلیحضرت پهلوی امید واریم در ظل عطوفت آن ذات مقدس ملوکانه در راه ترقی مملکت آرامش تفنك را به گاو آهن تبدیل و در زمام داری و سلطنت آن ذات مقدس از بذل جان و مال تا قابل هیچ گونه فدا کاری قصور نخواهم ورزید

خانزاد ایل چلبیانلو ـ نصرالله ـ علی اکبر ـ عبدالله ـ یدالله سرخای رستم علی قلی ـ نصرة الله ـ فیروز ـ جهانگیر ـ جواد ـ نورالله ـ حبیب ـ عزت ـ تقی ـ محمد ـ بابا حیدر ـ نصرت ـ ستار ـ صمد ـ برادر رحیم خان ـ مرحوم نوروز ـ محمد علی کوسهلار ـ نعمت آقا ـ کشی بدخا خوانین جلیبانلو ـ عزت الله ـ محمد علی ـ شیر علي ـ موسی ـ یوسف انلو ـ غلام حسین الیکانلوشدر ـ پرویز دیلو ـ حسین علی ـ قره باچانلو مولا قلی ـ احمد لو ـ مراد علی ـ محمود ـ علی لو ـ لطف الله ـ نوروز لو محمد علي ـ محمد صالح لو ـ محمد علی غفار و صمد علی ـ قاضی لو ـ علي

آقا کدخدا لو - اسماعیل‌الله لو ابراهیم دلیر - علی شاه گل و لو حسین در شکانلو - خانلر - قلی بیگلو خان - علی شابلو - ولی شاه - بداغ لو - شرفهلو - جهان بخش - رمضان‌لو - فرشو حسین علی بیگلو - اخبارتوچلو فرخ کوس - عبد الصمد حیدر کانلو - قهرمان - عزیز اسکانلو - شکر ترکمه لو - آقا قلی - شکر لو - آقا حسن قلی بیگلو - خانه زاد علی رئیس طایفه - چلبیانلو -

﴿ تلگراف از تبریز ﴾

نمره قبض ٤٠١١٥ نمره تلگراف ۲۱۲ عدد کلمات ۱۳۵

تاریخ اصل ۱۰ تاریخ وصول ۱۱-۸

توسط آقای تبریزی پیشگاه مقدس و آستان مبارك حضرت اعلی اقدس پهلوی رئیس حکومت موقتی مملکت و ریاست عالیه کل قوا روحی فداه در این موقع که دراثر احساسات بی آلایش توده ملت ایران برای حفظ استقلال مملکت باستانی و همچنین عمومی دراظهار انزجار و تنفر از سلطنت آل قاجار وقطع ایادی خائنانه آنها از دامن عصمت وطن مقدس ایران که بحمد الله نهضت ملی موفقیت حاصل نمود از خانواده منحوسه قاجار سلطنت خلع گردید و ریاست حکومت موقتی مملکت بآن ذات اقدس که حافظ استقلال ایران و محیی ایران هستید موافق آمال وآرزوی ملی واگذار گشته مجمع اصناف تبریکات صمیمانه خود را بعرض آستان مقدس رسانیده موفقیت آن یگانه ناجی ملك و ملت را از درگاه الهی خواستارند ناظم مؤسسهٔ اصناف الحاج صادق خرازی

﴿ تلگراف از تبریز ﴾

تاریخ وصول ۱۳-۸

کپیه تبریزی پیشگاه مقدس رئیس حکومت ملی دامت قدرته دستخط مبارك تلگرافیکه مبشر تفویض حکومت ملی بدست مهین سائس فداکار بود عناصر جوان مملکت را به تجدید دورهٔ سعادت و تشکیل حکومت

جوانیکه مربی روح تجدد است سربلند و مباهی ساخت محصلین مدرسه متوسطه باعلاقه‌مندان دورهٔ تجدد از میان طوفان هلهله وشادی بتبریك معصومانه وادعیه خالصه خودرا به پیشگاه مقدست نثار و افتخار داریم که مقدرات ایرانیان را امروز رادمردی بدست گرفته که مطاع حقیقت ومنتخب وجدانی ملت است زنده وپاینده باد رئیس حکومت ملی وقدرت پهلوی از طرف معلمین و شاگردان مدرسه متوسطه امیر خیزی

﴿ تلگراف از تبریز ﴾

نمره قبض ۲۰۷۵۸ نمره تلگرافی ۳٤۸ عدد کلمات ۱۳۹

تاریخ اصل ۱٤ تاریخ وضول ۱۵ــ۸

توسط آقاي قزوینیان پیشکاه معظم حضرت اعلی رئیس حکومت مملکت و رئیس عالیه کل قوا دامت عظمته بایك انتظار فوق‌العاده بسعادت آتیه خود و مملکت کیاني از شخص شخیص ذات مقدس موقع را مغتنم شمرده مواد چهارگانه را که یگانه وسیله ترقي و تعالی ملك و ملت است جسارتاً بعرض آستان مبارك رسانده و در نزدیك ترین وقتی عملی بودن آنهارا استدعا مینمائیم اولاً به امتداد رشته خط آهن در تمام مملکت عطف توجهی بشود ثانیاً باستخراج معادن خاصه معادن نفت از طرف دولت اقدامي بشود ثالثاً از ورود اسباب تزیيني ولوکس جداً جلوگیری شود رابعاً محض تشویق و توسعهٔ کارخانجات در مملکت مقرر شود هر ایرانی که کارخانه وارد مینماید تاپانزده سال ازتادیهٔ هرگونه مالیات معاف شود ازطرف هیئت تجار محمد حریری

(تلگراف از شرفخانه بطهران)

نمره قبض ۱۳۲ نمره تلگراف ۲ عده کلمات ۱۵۳

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱٦ــ۸

خاکپای مبارك بندگان اعلیحضرت پهلوی ریاست عالیه کل قوا ادام الله شوکته بشارت تفویض حکومت ایران بکف کفایت آن

یگانه ناجی ایران برای ما اهالی از دلق و ازاب اسباب نهایت تشکر تبریکات صمیمانه را با قلب بی آلایش معروض پیشگاه مبارك میداریم حاج علی ـ احمد ـ رحمن اف ـ حاجی احمد ـ شکری ـ حاجی قاسم شبستری ـ اسمعیل شبستری ـ الاحقر نبی شبستری ـ باقی ـ عبد مناف شبستری ـ حاجی جبار شبستری ـ حاج اسدالله خامنه ـ حاج تقی ـ حاج اسمعیل ـ اقل الله وردی خامنه ـ اقل عبدالله ـ اقل الحاجی عبد حمید ـ اقل حاج حسین ـ حاج محمد ابراهیم ـ حاج ابراهیم ـ حاجی محمد حسین خادم ملت ـ صادق ـ فیض الله ـ سند اباد خادم ابن وطن حسن ـ رجبعلی ـ باقر ـ احمد سند آبادی ـ قلي و ارباب حاج عبدحمید ـ حاج محمدکاظم ـ اقل حاج عباس قلی دریائی ـ حاج محمد حسین دای قربانی ـ اقل خدا داد ـ مجید شرفخانه ـ اقل سادات وعلماء ـ حاج میراحمد شرفخانه ـ اقل محمد آقا ـ اقل تقی ـ الاحقر غلامحسین ـ

(تلگراف از میانج)

نمرهٔ قبض ۸۱۵ نمره تلگراف ۶ عدد کلمات ۷۹

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۵ـ۸

بخاکپای فلك فرسای اعلیحضرت قدر قدرت قویشوکت پهلوی خلدالله ملکه وسلطنته ومعروض افتد در موقعي که سلطنت مطلقه وزمامداری مملکت نجات واقعی ایران وایرانیان بکف کفایت اعلیحضرت اقدس اعظم پهلوی ارواحنا فداه تفویض یافته بشکرانهٔ این عطیه کبری و موهبت بااستظهار عواطف سنیه ملوکانه تقدیم وپایداری ملك وملت شخص شخیص اقدس و استقلال عظمت وطن محبوب را از درگاه خداوند مسئلت می نمائیم ـ امین مالیه جواد معیري ـ حسین نصری مستخدم تلگراف ـ یوسف صدیق ـ حکومت میانج ـ حکومت گرمرود مسعودمولوی

(تلگراف از ارومی)

نمرهٔ قبض ۲۰۹۹ نمرهٔ تلگراف ۲۰ عدد کلمات ۹۷

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ دصول ۱۵ـ۸

توسط آقای رفیعی قایم مقام الملك نماینده محترم دارالشورای کبری خاکپای مبارك اعلیحضرت قدر قدرت قویشوکت پهلوی ارواحنا فداه امروزکه ملت ایران بطور عموم و خدمتگذاران آستان مبارك خصوصی به منتهی آمال و آرزوی دیرینهٔ خود نائل و آفتاب معدلت قویشوکت دامت قدرته که موجب حیات و سعادت ابدی ملت و مملکت است طالع گشته باقتضای مراتب فدویت باتفاق عموم مامورین دوایر دولتی ارومیه بشکرانه این موهبت عظمی وعطیهٔ کبری کسب افتخار تذکر در خاکپای مبارك مینماید علی بهادری

(تلگراف از مراغه)

نمرهٔ قبض ۱۹۲۱ ـ نمرهٔ تلگراف ـ ٦ عدد کلمات ۹۹

تاریخ اصل ـ ۱۰ تاریخ وصول ۱۱ ـ ۸

توسط مقام منیع وزارت جلیله داخله پیشگاه مقدس بندکان اعلیحضرت شهریاری و ریاست عالیه کل قوا روحنا فداه در این موقع سعادت نمون شمول ابن عطیه کبرا و موهبت عظمی الان که منتها و امال قاطبهٔ علاقه مندان به ترقي و تعالی مملکت باستانی و چاکران جان نثار صدیق و یگانه اسباب سعادتمندی اهالی ستمدیده بود صمیمانه سپاسگذار و تقدیم عرض تبریکات و تهنیت های چاکرانه و صادقانه جسارت ورزیده استقرار و استدامت طولانی ذات اقدس مقدس را در اریکهٔ نادری از درگاه واهب عطایا مسئلت مینماید غلامعلی سرباز

(تلگراف از مراغه)

نمرهٔ قبض ۱۹۳۵ ـ نمرهٔ تلگراف ۸ ـ عدد کلمات ٤٠

تاریخ اصل ۱۱ ـ تاریخ وصول ۱۳ ـ ۸

توسط آقاي وزیر عدلیه آستان مقدس والاحضرت اقدس اعظم پهلوی

دامت عظمته از صمیم قلب در این موقع به اقدام تبریك مبادرت جسته در ظل مراحم ذات مقدس ترقیات عالیه مملکت و آسایش عامه را مسئلت مینمائیم

عباس

(تلگراف از اردبیل)

تاریخ وصول ۱۴ ـ ۸

خاکپای جواهر آسای اعلیحضرت پهلوی دامت قدرته در ضمن تقدیم وظایف فدویت و تبریکات صمیمانه این موهبت کبری یاد بود احاطه و استحضار خاطر مقدس بعلاقه مندی و مراتب جان فشانی ایلی دیگر توضیح مراتب فدا کاری در خاکپای اقدس زاید و همین قدر نهایت ارزوی قلب و آمال بر جسته عموم افراد این است که در امر و فرمان آن یگانه ناجی و محیي مملکت توسعه عظمت کشور باستانی با تفدیه آخرین قطره خون خود ابواب سعادت بروی خود باز و مادام حیاة مفتخر باشیم غلام بی مقدار ـ محمد قلی رئیس طایفه ـ دورسون خواجه

(تلگراف از اردبیل)

تاریخ وصول ۱۴ ـ ۸

خاکپای اقدس اعلیحضرت پهلوی دامت قدرته با یك بیان ساده وزبان شاهسونی تبریکات صمیمانه را در مقابل این موهبت عظمی که موجب مزید نجات مملکت و عامل ترقی ملت است بخاکپای اقدس تقدیم ضمناً متجاسریم بطوریکه خاطر اقدس مستحضر است عموم طوایف شاهسون و روح امنیت آنها علاقه مخصوص در فداکاری نسبت بامر و فرمان آن یگانه ذات مروج تربیت کیان و حافظ ناموس ایرانیان است ازخداوند خواهانیم که در مقابل اوامر مطاعه سا کنان آن آستان عظمت با تفدیه خون خود موفق بخدمتگذاري و رو سفید باشیم

غلام ـ جان نثار ماشاءالله رئیس طایفه ـ رضابیك لو

(تلگراف از مراغه)

نمرهٔ قبض ۱۹۴۵ ـ نمرهٔ تلگراف ۱۴ ـ عدد کلمات ۱۲۹

تاریخ اصل ۱۵ ـ تاریخ وصول ۱۵ ـ ۸

آستان مقدس کارگذاران اعلیحضرت قدر قدرت قویشوکت پهلوی و ریاست عالیه کل قوا خلدالله ملکه بشکرانه و پاس گذاری این موهبت عظمی و عطیهٔ کبری که منتهای آمال دیرینهٔ قاطبهٔ اهالی مملکت باستانی بود با یك نیت پاك و صمیمی با تقدیم عرض تبریك و تهنیت صادقانه متجاسر و از درگاه یزدان مزید عظمت و استدامت عمر و زمامداری آن اعلیحضرت را در اریکهٔ نادری مسئلت مینمائیم که باید قدرت و توانائی آن ذات مقدس و یگانه ناجی ترمیم خرابیهای سلاطین آل قاجار و ترقی ملك و ملت از هر حیث کاملا فراهم آید

چاکران اسکندر مقدم محمد قهوه چی ـ ربیع کبیری ـ احمد ـ مصطفی ـ محمد ـ کریم ـ لطف‌الله ـ نوبختی ـ احمد ـ طیب تبریزی ـ محمد علی ـ عبدالله آشتیانی ـ قادر مقدم ـ رحیم ضیاء

(تلگراف از خوی)

تاریخ وصول ۱۴ ـ ۸

پیشگاه مقدس بندگان اعلیحضرت پهلوی دامت قدرته خوش بختانه مسرت گران بهائی که بمناسبت کوتاه شدن ید سلسله قاجار از سریر سلطنت کیان و تفویض زمام مملکت بدست قادر ونیرومندان اعلیحضرت قویشوکت دامت قدرته این غلامان و جان نثاران را حسن استقبال کرده زاید از حد تصور و با یك دنیا مفاخرت و سر بلندی تبریکات غلامانه خود را بخاکپای مقدست تقدیم و محض ادای سپاس و شکرانه این موهبت عظیم خداوندی حاضریم در مواقع خدمت و جان فشانی ارواح ناقابل خود را در خاکپای مبارکت نثار و در اوقات آرامش اسلحه خود بگاو آهن مبدل داشته و در پرتو سلطنت بندگان آن ذات مقدس در

در راه ترقی و سعادت مملکت عزیز از بذل جان و مال دریغ نداریم
رئیس طایفه دلائی چتو ـ اقل محمد ولد خالو دیرکی رئیس طایفه دوکانی
عمر آقا رئیس طایفه خوری ـ ایوب آقا رئیس طایفه ممکانی

(تلگراف از خوی)

نمرهٔ قبض ۲۱۳۵ ـ نمرهٔ تلگراف ۹ عدد کلمات ۷۳
تاریخ اصل ۱۴ ـ تاریخ وصول ۱۵ ـ ۸

خاکپای مبارك بندگان اعلیحضرت قدر قدرت پهلوی خلدالله ملکه جلوس میمنت نمون آن ذات اقدس همایون را با صمیمیت و با یکدنیا مسرت خاطر تبریك عرضه میداریم و بمژده این نعمت خدا دادی که که بجان نثاران مرحمت فرموده همیشه با جان و مال جانفشانی وفدا کاری منتظر اوامر جهانمطاعه هستیم

از طرف عموم عشایر

محال قطور سلطان قره برچك قادر دو دوکانی عمر خردو

(تلگراف از خوی)

نمرهٔ قبض ۲۱۴۷ ـ نمره تلگراف ۱۳ عدد کلمات ۲۸
تاریخ اصل ۱۴ ـ تاریخ وصول ۱۵ ـ

خاکپای اعلیحضرت پهلوی ارواحنا فداه از تمرکز سلطنت حقه لمن له الحق تبریکات صمیمانه را آستان مقدس تقدیم میدارد

ازطرف جمعیت متحده پیشنماز زاده

(تلگراف از سلماس)

نمرهٔ قبض ۳۵۰۷ ـ نمرهٔ تلگراف ۶ ـ عدد کلمات ۳۹
تاریخ اصل ۱۴ ـ تاریخ وصول ۱۵ ـ ۸

خاکپای مبارك اعلیحضرت قدر قدرت پهلوی ارواحنا فداه از زمامداری مملکت اعلیحضرت قویشوکت ارواحنا فداه جان نثاران تبریکات عاجزانه خود را تقدیم آستان باستانی مینمایم

کلیمیان سلماس ملت باشی نسیم سیمون